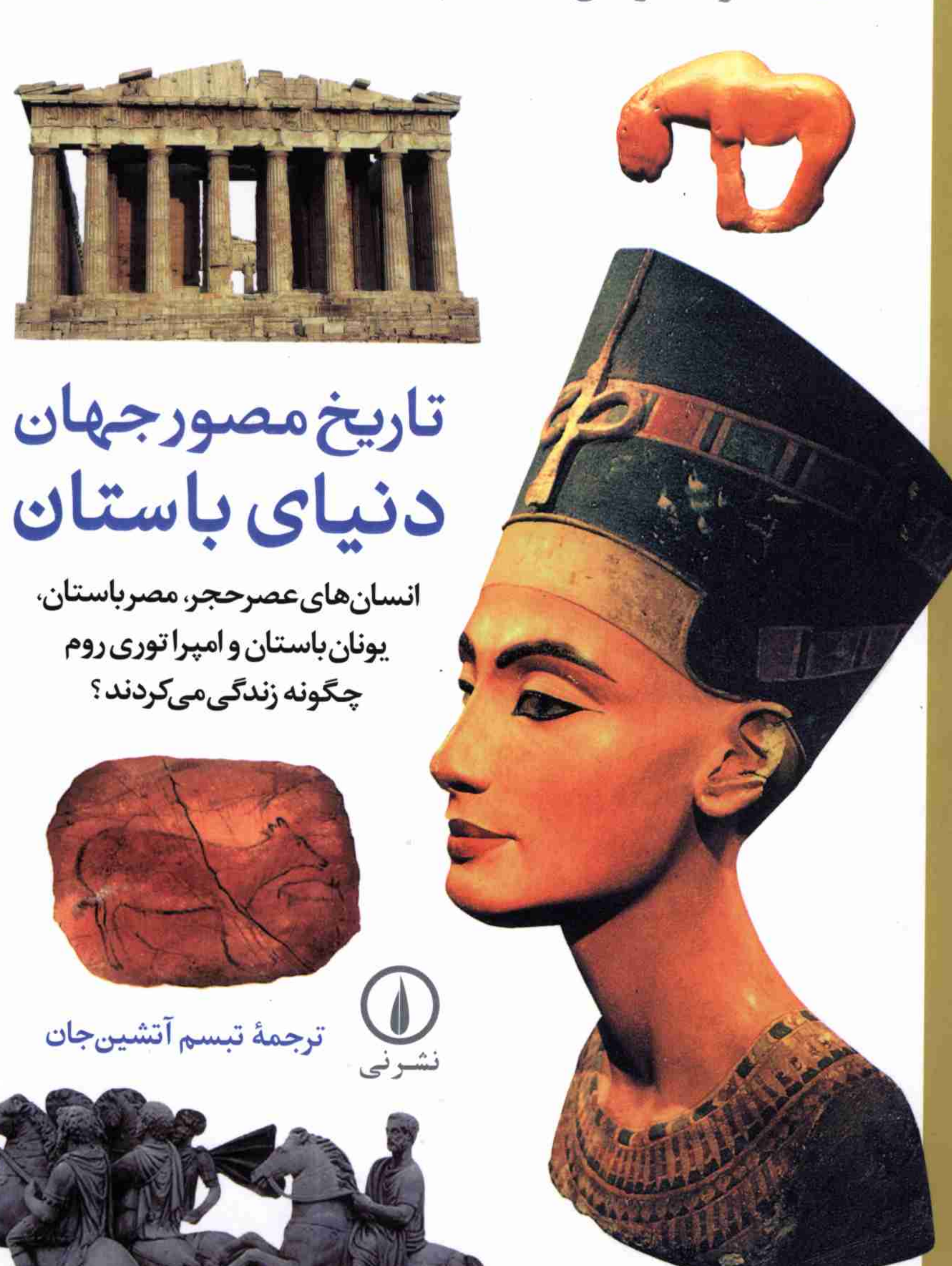
• شارلوت هردمن • فیلیپ استیل • ریچارد تامس •



تاریخ مصور جهان
دنیای باستان

انسان‌های عصر حجر، مصر باستان،
یونان باستان و امپراتوری روم
چگونه زندگی می‌کردند؟

ترجمهٔ تبسم آتشین‌جان

نشر نی



تاریخ مصور جهان

دنیای باستان

شارلوت هردمن

فیلیپ استیل

ریچارد تامس



ترجمهٔ تبسم آتشین جان



نشر نی

سرشناسه: هردمن، شارلوت Hurdman, Charlotte

عنوان و نام پدیدآور: تاریخ مصور جهان دنیای باستان/ شارلوت هردمن، فیلیپ استیل، ریچارد تامس؛ ترجمه تبسم آتشین‌جان.

مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۲۵۵ ص.: مصور (رنگی)

شابک: 978-964-185-065-6

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: **The encyclopedia of the ancient world: how people lived in the stone...**

موضوع: تاریخ باستان ـ ادبیات کودکان و نوجوانان؛ تمدن باستان ـ ادبیات نوجوانان.

شناسه افزوده: استیل، فیلیپ، ۱۹۴۸ـ م. Steele, Philip

شناسه افزوده: تیمز، ریچارد Tames, Richard

شناسه افزوده: آتشین‌جان، تبسم، ۱۳۴۸ - ، مترجم.

رده بندی کنگره: D ۵۷ / ۰ ۴ ت ۲ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی: ۹۳۰ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۴۳۳۲۸



نشر نی

تاریخ مصور جهان

دنیای باستان

شارلوت هردمن، فیلیپ استیل، ریچارد تامس

مترجم تبسم آتشین‌جان

ویراستار لیدا کاووسی

نمونه‌خوان دلناز سالاربهزادی/ مهدی نوید

چاپ اول ۱۳۸۸ تهران

تعداد ۵۵۰۰ نسخه

قیمت ۱۸۰۰۰ تومان

لیتوگرافی سحرگرافیک

چاپ شادرنگ

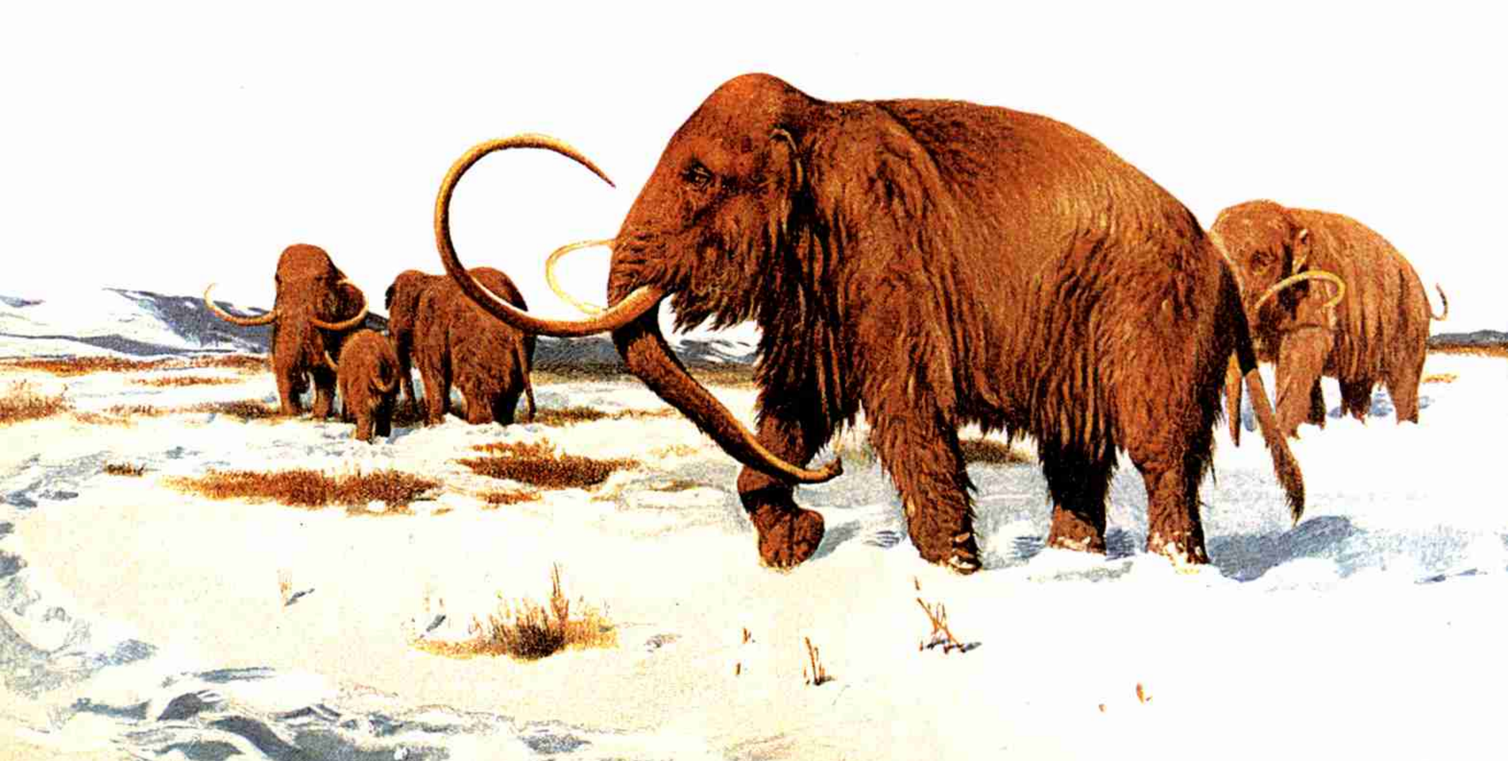
ناظر چاپ بهمن سراج

شابک ۶ ۰۶۵ ۱۸۵ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashreney.com



فهرست مطالب



تولد تمدن

این کتاب به بیش از دو میلیون سال تاریخ بشر می‌پردازد، که از نخستین پیشینیان‌مان در افریقا آغاز می‌شود و با امپراتوری پرقدرت روم پایان می‌یابد. تصور این دورهٔ طولانی دشوار است: چیزی حدود سی‌هزار برابر میانگین عمر بشر امروزی. در دنیای معاصر روش زندگی ما مدام در حال تغییر است. هر سال مدل‌های جدید لباس، بازی‌های جدید و سبک‌های نوینی در موسیقی پدید می‌آید و صدها کشف علمی به وقوع می‌پیوندد. اما در اغلب مراحل تاریخ بشر، تغییرات بسیار کند رخ داده‌اند.

تصویری از زندگی

انسان‌های نخستین با شکار حیوانات وحشی و جمع کردن گیاهان خودرو روزگار می‌گذراندند. اهمیت شکار در نخستین جلوه‌های هنر بشر مشهود بود، مثل این نقش ۱۵ هزار سالهٔ گاومیش که روی دیوار غاری در آلتامیرا (Altamira) در اسپانیا کشف شده است.

تیغه و نوک پیکان

چند ابزار چوبی و سنگی مثل این تیغه‌های چاقو و نوک‌های پیکان، به علاوهٔ آتش و لباس‌هایی از پوست حیوانات و نیز سر پناه، همهٔ آن چیزی بود که نیاکان ما برای بقا نیاز داشتند.

شکارچیان و گردآورندگان غذا

تا حدود ۱۱ هزار سال قبل، انسان‌ها به شیوه ساده‌ای می‌زیستند که طی میلیون‌ها سال به تدریج پیشرفته شد. مردم در گروه‌های کوچک خانوادگی زندگی می‌کردند و با جمع‌آوری گیاهان خودرو و شکار حیوانات وحشی روزگار می‌گذراندند. هرگز اقامت‌شان در جایی طولانی نمی‌شد و مدام در پی یافتن منابع خوراکی جدید یا گله‌های حیوانات وحشی در حرکت بودند. بشر اولیهٔ شکارچی و گردآورندهٔ غذا مدت‌های مدیدی از ابزاری مشابه استفاده می‌کرد.



خانه‌ای از استخوان‌های ماموت

این تصویر شکل بازسازی شدهٔ خانهٔ یک شکارچی ماموت است که حدود ۱۳ هزار سال قبل از میلاد در اوکراین (Ukrain) ساخته شد. سه هزار سال بعد، بشر تقریباً در همه‌جای کرهٔ خاکی، حتی در قطب یخ بسته، زندگی می‌کرد.

اسکان

نخستین نمونهٔ بشر کاملاً مدرن، که هوش و ظاهرش درست مثل ما بود، حدود صد هزار سال پیش در مناطق گرمسیری افریقا می‌زیست. در مقایسه با گونه‌های قبلی، این گونه بهتر می‌دانست که چطور باید در محیط‌های جدید زندگی کند.

پرورش محصول

این انســان‌های نخســتین به سرعت از افریقا به راه افتادند و جانشین گونه‌های پیشین، مثل نئاندرتال‌های (Neanderthals) ســاکن اروپا و آسیا، شــدند. به مرور، تعدادشان آن‌قدر زیاد شد که نمی‌توانستند فقط به شکار حیوانات یا جمع‌کردن گیاهان خودرو برای ارتزاق بسنده کنند. و بدین ترتیب، بشر زندگی کشاورزی را آغاز کرد. نخستین کشاورزان حدود ۱۱ هزار سال قبل در خاورمیانه سکنا گزیدند. چند هزار سال بعد، کشــاورزی در مصر، هند و چین نیز رواج یافت. تا روزگار رومیان (۲۰۰۰ ســال قبل) اغلب مردم ساکن آسیا، افریقا و اروپا برای تهیهٔ خوراک‌شان به کشاورزی وابسته بودند.

آسیاب کردن غلات

این آسیاب سنگی ۶۰۰۰ سال قدمت دارد. از این وسـیله برای آسـیاب کردن غلات و تهیهٔ آردی درشـت برای پختن نان و پوره اسـتفاده می‌شـد. با کاشـت دانهٔ گیاهان خوراکی و نیز نگـه‌داری رمه‌های حیوانات وحشی در حصار، انسـان شکارچی تبدیل شد به انسان کشاورز.

راه‌های جدیدِ زیستن

کشاورزی منجر به پیدایش تغییرات عمده‌ای در روش زندگی اغلب مردم شد. به این ترتیب که بشر دیگر می‌توانست همیشه در یک جا ساکن باشد. پس شروع کرد به ساختن خانه‌های چوبی، خشتی و سنگی مقاوم و دیرپا. بشــر یادگرفت که خاک رس را حرارت دهد و با آن، برای نگه‌داری و پختن غذا، ظرف‌های ســفالی بسازد. بعدها یادگرفت که با حرارت دادن سنگ‌ها، از آن‌ها فلزاتی مثل طلا، نقره یا مس به دست آورد. ابزار فلزی حتی بهتر از ابزار سنگی بود.

انفجار جمعیت

کشــاورزی منجر به تغییرات عمده‌ای شــد. کشــاورزانی کــه بیش‌تر کار می‌کردنــد و زمیــن بهتری داشــتند، از بقیه موفق‌تر بودند و بیــش از نیاز خانوادهٔ خود محصول به دســت می‌آوردند.

آن‌ها می‌توانستند مازاد مصرف خود را با وسایلی تجملاتی چون جواهرات زیبا و اسلحه عــوض کنند یا برای کســب قــدرت و نفوذ بر دیگران از آن سود بجویند. چنین شد که نابرابریِ ثروت و قدرت در میان مردم جوامع کشاورزی پدیدار شد. قدرتمندان می‌توانستند رئیس باشند، بر دیگران حکم برانند و بر زمین‌های‌شــان نظارت کنند. از آن‌جا که کشاورزی باعث فراوانی غذا شــد، جمعیت بشر به ســرعت افزایش یافت. در روزهای نخســتین رواج کشــاورزی، جمعیت بشر در سراسر دنیا حدود ۱۲ میلیون نفر بود. امروزه دنیا بیش از ۵ میلیارد نفر جمعیت دارد که اغلب آن‌ها هنوز برای تهیهٔ غذاهای‌شان به کشاورزی وابسته‌اند.



دستبند شانس

صنعتگران همیشه تحت حمایت حکمرانان بودنــد و بــه همین علــت، می‌توانســتند مهارت‌هــای خــود را بپرورانند و اشــیائی حیرت‌انگیز خلق کنند، مثل این دســتبند مصری که چشم مقدس مصریان (Udjat) روی آن نقش بسته است.

آسان کردن زندگی

این سفالینهٔ یافته شده در شهر تبس (Thebes) در یونان،کشــاورزی را در حال شــخم زدن با دو گاو نر نشــان می‌دهد. ابزارهای جدید و متنوعی برای آسان‌ترکردن کشاورزی اختراع شد، ابزاری مثل تبر برای قطع کردن درختان، کج بیل برای کِشــت زمین و بعدها، خیش و وســایل چرخ‌دار برای حمل بارهای سنگین.

شهرها، شاه ـ خدایان و تمدن

در مناطقی که خاک بسیارحاصلخیزی داشت، مثل کرانهٔ رودخانه‌های بزرگ، جمعیت بسـیار سـریع‌تر از جاهای دیگر رشد می‌کرد. کرانه‌های رود نیل در مصر، دجله و فرات در عراق، سـند در پاکسـتان و رودخانهٔ زرد در چین از این نواحی بودند. نخسـتین تمدن‌ها (جوامع بزرگ دارای حکومت) در حدود ۵۵۰۰ تا ۳۵۰۰ سـال قبل در این نواحی پدید آمدند. رئیس‌ها آن‌قدر قدرت نداشتند که چنین جوامع پهناوری را که در واقع حکم شهر را داشتند کنترل کنند، پس لاجرم نوع جدیدی از حکمرانی پدید آمد: پادشاهی. شاهان برای تحکیم قـدرت خود قانون‌هایی وضع کردند.

نوشتن

مـردی از اهالـی یونـان باسـتان روی لوحـی مومی نامـه می‌نویسـد. از مهـارت نوشـتن، در ابتـدا، فقط برای فرسـتادن پیغام‌های رسمی، ثبت هزینه‌هـا و مالیات‌های دولتی و نیز نوشتن قوانین استفاده می‌شد. مدت‌ها گذشـت تا خط و نوشتن به کار ثبت تاریخ، افسـانه، داستان و افکار و عقاید آمد.

ابداع خط

کشـاورزان مازاد محصول خود را به شـهر می‌بردند تا آن‌ها را در حکم مالیات به شـاه بدهند. شـاه نیز از این محصول برای حمایت از کسانی استفاده می‌کرد که کارهای تخصصی تمام وقت انجام می‌دادند، کسانی مثل دولتمردان، سربازان، بنّاها و دیگر مردان و زنان صنعتگر. تمام این کارگران متخصص برای سـیرکردن خود محتاج توانایی کشاورزان در پرورش محصول مازاد بر مصرف خود بودند. حکمرانی بر چنین جوامع پهناوری کار بسیار پیچیده‌ای بود. نظام‌های نوشتاری به این علت ابداع شد که به حکمرانان و دولتمردان کمک کند تا هر آنچه برای بهتر انجام دادن کارشان احتیاج داشتند به خاطر بسپرند.



شاه ـ خدا

وقتی آخن‌آتن (Akhenaten) در مصر به قدرت رسید، پرستش خدایـی واحـد را باب کـرد. خدای واحـد او قرص خورشـید، آتن(Aten)، بود. پادشـاهان باستان برای تحکیم قدرت و مسند خود مدعی می‌شدند که تحت حمایت خدایان حکومت می‌کنند. برخی نیز، مثل فرعون‌های مصر باستان، مدعی می‌شدند که خود به واقع، خدایند.

اهرام جیزه (Giza) یا اهرام ثلاثه

اهرام نماد قـدرت عظیم فرعون‌های مصرند. فراعنه بر ثروت و مازاد محصولات مصر نظارت کامل داشـتند و از این مازاد محصول برای سـیر کردن هـزاران کارگری که این مقبره‌های عظیم را می‌سـاختند، استفاده می‌کردند.

نخستین ملت

نخستین تمدن را سومری‌ها (Sumerians) در حدود ۵۵۰۰ سال قبل درخاورمیانه شکل دادند. حدود ۴۰۰ سال بعد، تمدن دیگری در مصر شکل گرفت. تمدن مصر باستان یکی از موفق‌ترین تمدن‌های تاریخ است. این تمدن بیش از ۳۰۰۰ سال پابرجا ماند. سومری‌ها در چندین شهر ساکن بودند و این شهرها هر یک شاه خود را داشتند، اما مصری‌ها تحت حکمرانی واحدی روزگار می‌گذراندند. مصریان نخستین ملت دنیا بودند. بعدها تمدن‌های جدیدی در خاورمیانه، افریقا و اروپا شکل گرفت.



سبک کلاسیک

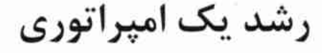
یونانیان باستان برخی از زیباترین بناهای جهان را ساخته‌اند که معبد پارتنون (Parthenon) در آتن (۴۳۸ – ۴۴۷ ق.م.) یکی از آن‌هاست. در دنیای باستان از سبک معماری یونان بسیار تقلید می‌شد. تأثیر این سبک معماری در دنیای امروز نیز مشهود است.

تولد تمدن اروپایی

مهم‌ترین تمدن در میان تمدن‌های جدید، متعلق به یونان بود که از مصر در امتداد دریای مدیترانه گسترده شده‌بود. تمدن یونان باستان یکی از مبتکرترین تمدن‌های تاریخ شد. دولت-شهرهای یونان باستان نخستین شهرهایی بودند که در آن‌ها شهروندان اجازه داشتند بر خود حکم برانند. آن‌ها نام این نظام را دموکراسی گذاشتند. برخی از نخستین دانشمندان، فلاسفه و مورخان دنیا برخاسته از تمدن یونان باستان‌اند. یونانیان تئاتر را ابداع کردند. امروزه هنوز هم از هنر و سبک معماری یونان باستان تقلید می‌شود.

عشق پول

یونانیان باستان از نخستین کسانی بودند که از پول استفاده کردند.



رشد یک امپراتوری

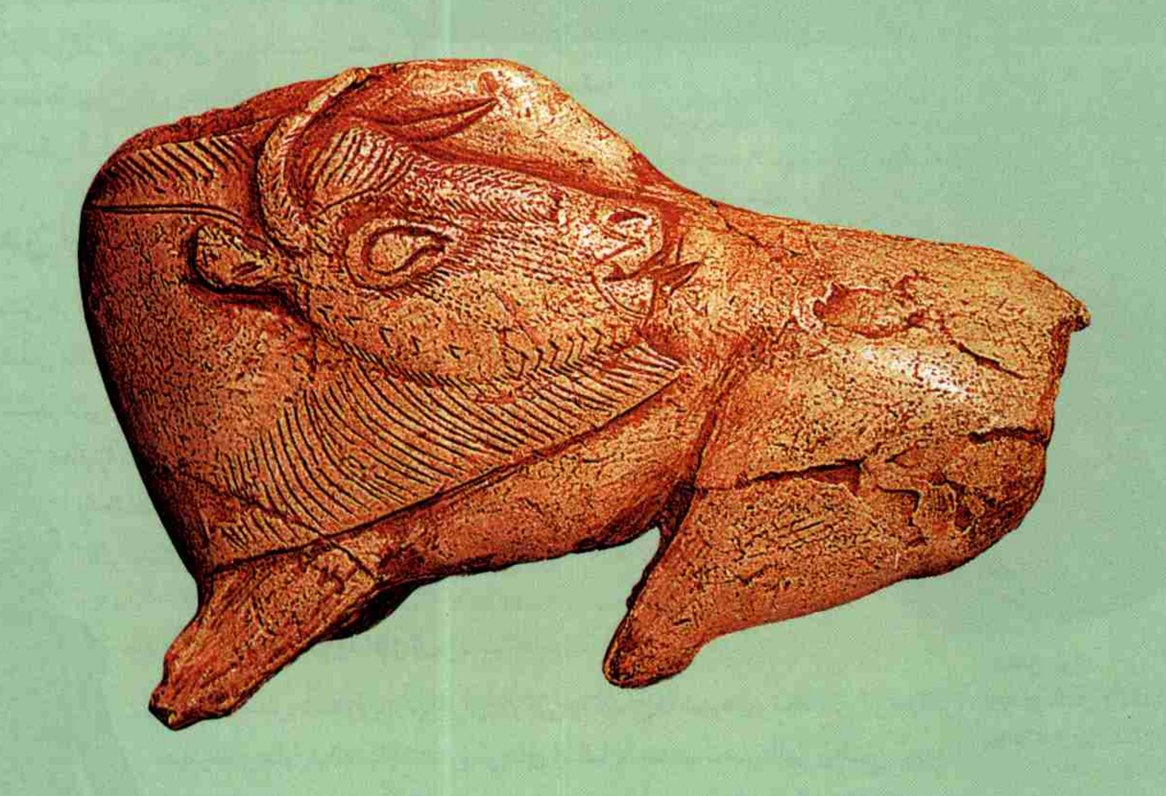
یونانیان باستان مسافران و مهاجران بزرگی بودند. آن‌ها شهرهای متعددی در سراسر مدیترانه و خاورمیانه ساختند. رومی‌های ایتالیا به شدت تحت تأثیر یونانیان بودند. تا دوران مسیح، آن‌ها یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های تاریخ را ساخته‌بودند. یونانیان و مصریان هر دو تحت سلطهٔ رومیان قرار گرفتند. امپراتوری روم ۱۵۰۰ سال قبل به پایان رسید، اما هنوز هم تأثیر آن بر زندگی ما مشهود است. بسیاری از زبان‌های جدید از زبان لاتین، که زبان رومیان بود، مشتق شده‌اند. الفبای انگلیسی را هم رومی‌ها ابداع کردند. آلمان و فرانسه قوانینی دارند که بر اساس قوانین روم وضع شده است. لندن و پاریس را نیز رومیان بنا نهادند.

لژیونر

لژیونری رومی با زرهی کامل. جنگ برای تمام تمدن‌های باستان اهمیت داشت، اما در این میان، رومیان به خاطر داشتن سپاهِ حرفه‌ایِ کارآمد و بسیار آموزش‌دیده که حقوق بسیار خوبی هم می‌گرفت، موفق‌ترین بودند.

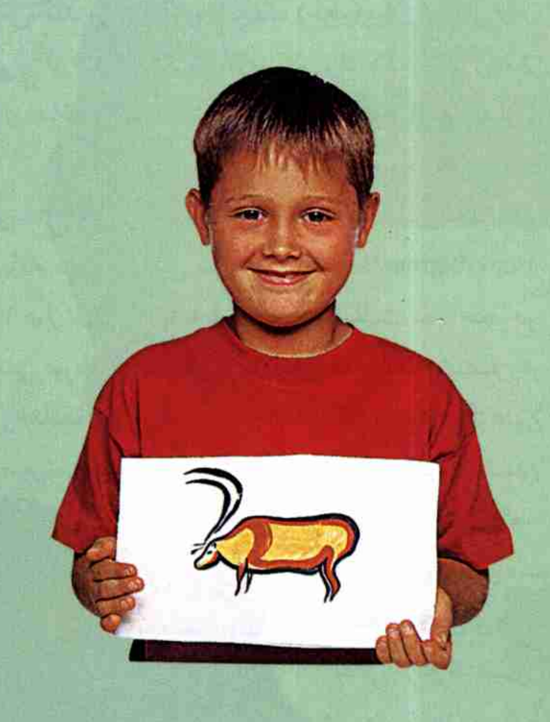
دکتر جان هیوود

عصر حجر



شارلوت هردمن

مشاور:
دکتر رابین هالگیت، موزهٔ لوتن



عصر حجر دوره‌ای دو میلیون ساله است و این یعنی بخش عمدهٔ تاریخ بشر. این دوره را عصر حجر می‌نامند چون اغلب ابزار و سلاح‌های رایج در زندگی روزمره در آن دوران از سنگ و سنگ چخماق ساخته می‌شدند. در این دوره، مردم در گروه‌های خانوادگی کوچک زندگی می‌کردند و برای تهیهٔ خوراک خود گیاهان خودرو جمع می‌کردند و دست به شکارحیوانات وحشی می‌زدند. نخستین انسان‌های عصر حجر خانه دائمی نداشتند، بلکه در پی یافتن شکارگاه‌های تازه، مدام در حال جابه‌جایی بودند. در طول دوره‌ای بسیار طولانی، وقتی بشرکشاورزی آموخت و به اهلی‌کردن حیوانات پرداخت، به‌تدریج در مکانی ماندگار شد. در این دوران، انسانِ نخستین شروع کرد به ساختن خانه و روستا و درست‌کردن ظروف سفالی و خیش.



اسکلت‌ها و خاکسپاری

ایــن اســکلت یک انســان نئاندرتال اســت که حدود ۶۰ هزار سال قبل به خاک سپرده شد. بقایای جسدها و اشــیائی که همــراه آن‌ها دفن شــده‌اند می‌توانند به متخصصــان اطلاعــات فراوانــی در مورد انســان‌های نخستین بدهند.

پیدایش بشر

نخستین دورهٔ تاریخ بشر را عصر حجر می‌نامند. در این دوره از سنگ (حجر) برای ساختن ابزار و اشــیاء مختلف استفاده می‌شــد. برخی از آن اشیاء سنگی تا امروز باقی مانده‌اند. در آن دوره از چوب و استخوان و الیاف گیاهان نیز برای ساختن اشیاء استفاده می‌شد، اما آن‌ها فاسد شدند و اثر چندانی از خود برجا نگذاشتند.

نخستین نیاکان ما دست کم دو میلیون سال قبل ابزار سنگی می‌ساختند، اما داستان ما در واقع از هنگامی آغاز می‌شود که انسان جدید، با نام هومو ساپینس ساپینس (Homo Sapines Sapines) — یا انســان هوشــمند — در حدود ۱۰۰ هزار سال قبل پا به عرصهٔ وجود گذاشت. عصر حجر در واقع بخشی از دورهٔ ماقبل تاریخ است، یعنی دوره‌ای است پیش از پیدایش خط. باستان‌شناسان در واقع ناچارند مثل کارآگاهانی باشند که رخدادها را کنار هم می‌گذارند. این کار با استفاده از فنون خاصی مثل تعیین قدمت با رادیوکربن صورت می‌گیرد و به متخصصان کمک می‌کند تا نشــان دهند زندگی در هزاران سال قبل چگونه بود. علاوه بر این، با بررســی فرهنگ‌هایی که در دوران مدرن همچنان از راه شــکار و جمع‌آوری غذا روزگار می‌گذرانند می‌توان سرنخ‌هایی از نحوهٔ زندگی مردم در دنیای باستان به دست آورد.



نقاشی‌های روی دیوار غارها

تصویــر زیبای این گاومیــش روی دیوار غــاری در آلتامیرای اســپانیا نقش‌زده شده اســت. این تصویر را شــکارچیان ماقبل تاریخ در حدود ۱۳,۰۰۰ ســال قبل از میلاد مســیح کشــیده‌اند. موضــوع نقاشــی غارها اغلب حیواناتی بودند که در آن دوران شکار می‌شدند.

خط سیر زمانی ۱۲۰,۰۰۰ – ۱۰,۰۰۰ ق.م.

طولانی بودن دورهٔ زندگی ماقبل تاریخ بشر باعث شده است که حتی با تاریخ‌نگاری علمی نیز تعیین تاریخ‌ها تقریبی باشد.

۱۲۰,۰۰۰ قبل ازمیلاد، انسان‌های نئاندرتال، یا هومو ساپینس نئاندرتالنسیس (*Homo Sapiense Neanderthalensis*)، در اروپا و غرب آسیا زندگی می‌کنند. شواهدی در عراق یافت شده است که نشان می‌دهد آن‌ها مردگان خود را دفن می‌کنند.

زن نئاندرتال

۱۲۰,۰۰۰ ق.م.

۱۰۰,۰۰۰ قبل ازمیلاد، انسان جدید، یا هومو ساپینس ساپینس، در شرق و جنوب افریقا زندگی می‌کند.

جمجمهٔ انسان هومو ساپینس نئاندرتالنسیس

۱۰۰,۰۰۰ ق.م.

۸۰,۰۰۰ ق.م.

جمجمهٔ انسان هومو ساپینس ساپینس

۶۰,۰۰۰ ق.م.

۵۰,۰۰۰ قبــل ازمیلاد، انســان‌های ســاکن آســیای جنوب شرقی در اســترالیا سکنا می‌یابند.

۴۲,۰۰۰ قبل ازمیلاد، خاک سرخ رنگ (رس) از دل زمین‌هــای ســوازیلند (Swaziland) در افریقــا بــه دســت می‌آید.

۳۸,۰۰۰ قبــل ازمیلاد، انســان جدید در کروماگنون (Cro-magnon) فرانســه زندگی می‌کند.

۳۰,۰۰۰ ق.م.



مجسمه‌ها

کنده‌کاری‌های کوچک به شکل زنان ماقبل‌تاریخ را پیکره‌های ونوس می‌نامند. این پیکره حدود سال ۲۳,۰۰۰ ق.م. ساخته شده است. مجسمه‌های متعددی که از آن دوران به دست آمده‌اند نشانه‌هایی از باورها و عقاید مردم عصر حجر به دست می‌دهند.



صحنه‌هایی از زندگی

در این کنده‌کاری روی سنگ که در نامیبیا (Namibia) کشف‌شده‌است، دو زرافه می‌بینیم. شکارچیان ساکن جنوب افریقا حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد این کنده‌کاری را انجام داده‌اند. امریکای شمالی تنها قاره‌ای است که اثری از هنر ماقبل‌تاریخ هنوز در آن یافت‌نشده است.







ابزار

با بررسی ابزار به‌جامانده از عصر حجر می‌توان به نحوهٔ ساخت و کاربرد آن‌ها پی برد. از ابزاری مثل این تبر دستی و کاردک برای آماده‌کردن غذا و دباغی پوست حیوانات استفاده می‌شد.



نشانه‌هایی در غارها

بشر هزاران سال در پناهگاه‌ها و غارهای طبیعی، مثل این غار در مالتا (Malta)، زندگی کرده است. بخش عمدهٔ دانش ما در مورد مردمان ماقبل‌تاریخ حاصل حفاری دقیق لایه‌های سنگ و خاک در چنین مکان‌هایی است. ظاهراً بشر پیش از رهاکردن این خانه‌های سنگی هزاران سال در آن‌ها زندگی کرده بود.

۳۰,۰۰۰ ق.م.

۲۴,۰۰۰ قبل ازمیلاد، شکارچیان ماموت در دولنی وستونیک (Dolni Vestonice) در جمهوری چک سکنا می‌گیرند.

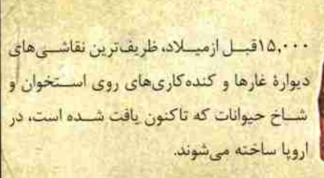
عده‌ای دیگر به استرالیا می‌روند و در آن‌جا ساکن می‌شوند.

مجسمه‌های کوچکی از زنان (پیکرهٔ ونوس) در اروپا ساخته می‌شود.

ماموت

۲۵,۰۰۰ ق.م.

۲۰,۰۰۰ ق.م.



نقاشی دیوارهٔ غارها

۱۶,۰۰۰ قبل ازمیلاد، آخرین دورهٔ یخبندان، که گاهی به آن آخرین عصر یخی (Ice Age) می‌گویند، سردترین دوران خود را سپری می‌کند.

۱۵,۰۰۰ ق.م.

۱۵,۰۰۰قبل ازمیلاد، ظریف‌ترین نقاشی‌های دیوارهٔ غارها و کنده‌کاری‌های روی استخوان و شاخ حیوانات که تاکنون یافت شده است، در اروپا ساخته می‌شوند.

۱۰۵۰۰ قبل ازمیلاد، سفالگری در ژاپن رواج دارد. آسیایی‌هایی که به سمت قارهٔ امریکا راه‌افتاده‌اند، حالا به امریکای جنوبی رسیده‌اند. برخی در مونته ورده (Monte Verde) شیلی زندگی می‌کنند.

۱۰,۰۰۰ ق.م.

دنیای عصر حجر

عصر حجر طولانی‌ترین دورهٔ تاریخ بشر است. این دوره چنان طولانی است که بر اساس نوع ابزاری که بشــر در هر دوره از آن اســتفاده می‌کرد، آن را به مقاطع گوناگون تقسیم کرده‌اند. نخســتین و تاکنون طولانی‌ترین دوره، دوران پارینه‌سنگی (Palaeolithic period) یا عصر حجر قدیم اســت که حدود دو میلیون سال قبل آغاز شد. بشر در این دوران نخستین ابزار سنگی را ســاخت. پــس از آن، دورهٔ مزولیتیــک (Mesolithic period) یا عصر حجــر میانه از حدود ســال ۱۰،۰۰۰ قبل از میلاد، آغاز شــد. در این دوران، بشر از ابزار جدیدی چون تیر و کمان برای شــکار گوزن و خوک‌وحشی اســتفاده می‌کرد. از حدود سال ۸۰۰۰ قبل از میلاد، دورهٔ نوســنگی (Neolithic period) یا عصر حجر جدید با رواج کشــاورزی شــروع شد. به هر حال، طــول عصــر حجر در بخش‌هــای مختلف جهان متفاوت بوده اســت، پس این تقســیم‌بندی همیشــه کارایــی نــدارد. عصر حجر زمانــی پایان یافت که مردم به شــکلی گســترده از فلز اســتفاده کردند.

امروزه بشــر مدرن در سراســر کرهٔ زمین زندگی می‌کند، اما در مــورد چگونگی وقوع این رویــداد، اتفــاق نظر وجود ندارد. برخــی از صاحب‌نظــران معتقدند که مــا در افریقا تکامل یافتیــم و بعد راهی آســیا و اروپا شــدیم. عده‌ای نیز بر این باورند کــه در نواحی مختلف به طور جداگانه تکامل یافتیم. نخســتین کســانی که به امریکا رســیدند، احتمالاً در دورانی که تنگهٔ برینگ (Bring Strait) خشــکی بود از منطقهٔ ســیبری (Sibria) در روسیه گذشتند. این قضیه، ۱۳،۰۰۰ سال قبل از میلاد یا حتی پیش از آن رخ داد. به هر ترتیب، در حدود سال ۱۰،۰۰۰ قبل از میلاد، بشــر به قلب امریکای جنوبی رســیده بود.





ماستودون، کانادا،
۲۰۰۰ ق.م.

گاومیش، امریکای شمالی،
۹۰۰۰ ق.م.

امریکای شمالی

امریکای مرکزی

کشاورزی، امریکای جنوبی،
۷۰۰۰ ق.م.

امریکای جنوبی

منشأ کشاورزی

نقاشی روی دیوارهٔ غارها،
آرژانتین ۸۵۰۰ ق.م.

نقاشی روی دیوارهٔ غارها،
فرانسه، ۱۵,۰۰۰ ق.م.

نقاشی روی صخره‌ها، صحرا،
۶۰۰۰ ق.م.

اروپا

محسمهٔ کوچک گلی،
جمهوری چک، ۲۴,۰۰۰ ق.م.

آسیا

آبادی، ترکیه،
۶۵۰۰ ق.م.

جمجمهٔ انسان هومو هابیلیس،
کنیا، ۲/۵ میلیون سال پیش

افریقا

نقاشی روی دیوارهٔ غارها،
نامیبیا، ۸۰۰۰ ق.م.

N

دنیای عصر حجر
این نقشه مکان های مهم در زمان
عصر یخ را نشان می‌دهد.



انسان‌هایی از گذشته

انسان معاصر و چند نسل قبل از وی را هومینید (Hominid) می‌نامند. نخستین هومینیدها (یا گونه‌های انسانی) به دو گروه تقسیم می‌شوند: آئوسترالوپیتکوس (*Austeralopithecus*) و هومو (*Homo*). گروه نخست حدود چهار میلیون سال قبل پدیدار شد و یک میلیون سال پیش از میان رفت. نخستین هومو، که آن را هومو هابیلیس (*Homo Habilis*) می‌نامند، حدود ۲/۵ میلیون سال قبل می‌زیست و همچون گروه قبلی، در جنوب و شرق افریقا ساکن بود.

حدود دو میلیون سال قبل، گروه جدیدی از هومینیدها پدیدار شد که هومو ارکتوس (*Homo Erectus*) نام گرفت. این گروه اولین دسته از هومینیدها بودند که از افریقا به آسیا و بعدها اروپا مهاجرت کردند. به‌تدریج، هومو ارکتوس تکامل یافت و تبدیل شد به هومو ساپینس (انسان هوشمند) که این گونه نیز در طی طریق تکامل، به هومو ساپینس ساپینس یا انسان مدرن تغییر شکل داد. در حدود سال ۱۰۰۰۰ قبل از میلاد هومو ساپینس ساپینس در تمام قاره‌ها به جز قطب جنوب (Antarctica) ساکن شده‌بود.

مرد پکنی

در این تصویر صورت بازسازی‌شدهٔ نوعی انسان هومو ارکتوس را می‌بینید که بقایای جسد وی در چین پیدا شده است. انسان پکنی در حد فاصل ۴۶۰،۰۰۰ سال تا ۲۳۰،۰۰۰ سال قبل در این ناحیه می‌زیسته. صاحب‌نظران معتقدند که انسان هومو ارکتوس نخستین گونهٔ بشر بود که مدام از آتش استفاده می‌کرد.



انسان کرومانیون

کرومانیون‌ها نخستین انسان‌های معاصری بودند که در حدود ۴۰۰۰۰ سال قبل در اروپا سکنا گزیدند. در این تصویر مراسم خاکسپاری یک کرومانیون جوان را می‌بینید که بقایای او در غاری در ویلز (Welsh) یافت شده است. بدن جسد با اخرای سرخ رنگین شده بود و گردنبند و دستبندی ساخته‌شده از دندان حیوانات نیز داشت.

خط سیر زمانی ۵۰۰۰ ق.م. ـ ۲۰۰۰ ق.م.

با بالا آمدن آب دریا، نواحی گسترده‌ای از آسیای شرقی از هم جدا شده‌اند. گینهٔ نو و تاسمانی (Tasmania) از استرالیا جدا شده‌اند.

برنج خودرو

۵۰۰۰ ق.م.

۴۵۰۰ قبل از میلاد، کشت برنج در هند شروع شده است.

کشاورزی در شمال غربی اروپا آغاز می‌شود.

۴۴۰۰ قبل از میلاد، اسب‌های وحشی در استپ‌ها یا جلگه‌های روسیه اهلی می‌شوند.

۴۲۰۰ قبل از میلاد، مقبره‌های خرسنگی(Megalitic) با سنگ‌هایی عظیم در غرب اروپا ساخته‌می‌شوند.

۴۱۰۰ قبل از میلاد، ذرت خوشه‌ای و برنج در سودان، واقع در افریقا، کشت می‌شوند.

۴۵۰۰ ق.م.

۴۰۰۰ قبل از میلاد، ریخته‌گری مفرغ در خاور نزدیک آغاز می‌شود.

استخراج سنگ چخماق در شمال و غرب اروپا افزایش می‌یابد.

نخستین اسب اهلی‌شده

۴۰۰۰ ق.م.

۳۵۰۰ قبل از میلاد، لاما در پرو اهلی می‌شود.

نخستین شهرها در سومر، در بین‌النهرین، ساخته می‌شوند.

خیش و چرخ در خاور نزدیک اختراع می‌شود و به اروپا راه می‌یابد.

۳۴۰۰ قبل از میلاد، شهرهای محصور در مصر ساخته می‌شوند.

۳۲۰۰ قبل از میلاد، مصریان در رود نیل از کشتی‌های بادبانی استفاده می‌کنند.

۳۵۰۰ ق.م.

۳۲۰۰ ق.م.

آئوسترالوپیتکوس

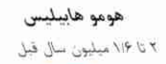
۴/۵ تا ۲ میلیون سال قبل



به باور دیرینه‌شناسان، نخستین پیشینیان ما افریقایی بودند. گروهی به نام آئوسترالوپیتکوس افریکانوس (Australopithecus Africanus)، با قامتی صاف و روی دو پا راه می‌رفتند.

هومو هابیلیس

۲ تا ۱/۶ میلیون سال قبل





انسان هومو هابیلیس صاف راه می‌رفت، اما بازوانی دراز داشت. هابیلیس احتمالاً نخستین گونهٔ انسانی بود که ابزار سنگی برای شکار ساخت.

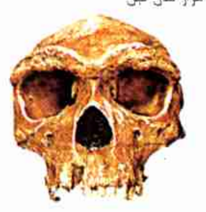
هومو ارکتوس

۱/۶ میلیون تا ۴۰۰ هزار سال قبل



این گونه مغزی بزرگ‌تر از انسان هابیلیس داشت و احتمالاً هم‌قد و قواره و هم‌وزن انسان‌های کنونی بود. انسان ارکتوس شکارچی ماهری بود.

انسان بروکن هیل (*Broken Hill*)



گونه‌ای دیگر از انسان هومو ارکتوس. انسان بروکن‌هیل ابزار جدیدی اختراع کرد، از آتش استفاده می‌کرد، در پناهگاه‌های سنگی می‌زیست و برای خودش جان‌پناه می‌ساخت.

انسان نئاندرتال

۱۲۰,۰۰۰ تا ۳۳,۰۰۰ سال قبل

گونهٔ هومو ساپینس نئاندرتالنسیس (یا همان نئاندرتال) با سنگ چخماق ابزار می‌ساخت. گویا انسان نئاندرتال نخستین گونهٔ بشر بوده است که اجساد مردگان خود را دفن می‌کرد.

انسان امروزی

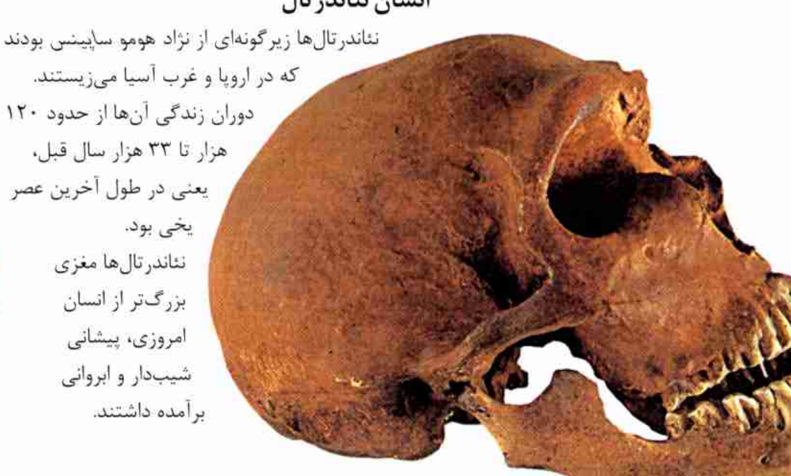
۱۰۰,۰۰۰ سال قبل



زیر گونهٔ نژاد بشر امروزی هومو ساپینس ساپینس (انسان هوشمند) بود که از حدود ۱۰۰,۰۰۰ سال قبل می‌زیست.

انسان نئاندرتال

نئاندرتال‌ها زیرگونه‌ای از نژاد هومو ساپینس بودند که در اروپا و غرب آسیا می‌زیستند. دوران زندگی آن‌ها از حدود ۱۲۰ هزار تا ۳۳ هزار سال قبل، یعنی در طول آخرین عصر یخی بود. نئاندرتال‌ها مغزی بزرگ‌تر از انسان امروزی، پیشانی شیب‌دار و ابروانی برآمده داشتند.



هومو ساپینس

این جمجمه متعلق به انسانی از نژادهای نخستین بشر است. گونهٔ هومو ساپینس احتمالاً حدود ۴۰۰,۰۰۰ سال قبل می‌زیست.



۳۲۰۰ قبل از میلاد، گور دالانی در نیوگرینج (Newgrange) در ایرلند ساخته می‌شود.

۳۱۰۰ قبل از میلاد، نخستین خط، به نام خط میخی در بین‌النهرین ایجاد می‌شود.

۳۰۰۰ قبل از میلاد، کشت ذرت در امریکای مرکزی رواج می‌یابد.

ساحل سکارا (Sakara) در جزایر اورکنی (Orkeny) مسکونی می‌شود.

۳۲۰۰ ق.م.

۲۸۰۰ قبل از میلاد، نخستین ساخته‌های خاکی در ناحیهٔ استون‌هنج (Stonehenge) در انگلستان شکل می‌گیرند.

سنگ چخماق از مقبره‌های گرایمز (Grimes) در انگلستان استخراج می‌شود.

تکامل ذرت

۲۸۰۰ ق.م.

استون‌هنج، دایره‌ای متشکل از سنگ‌های ایستاده متعلق به ماقبل تاریخ در انگلستان

۲۶۰۰ قبل از میلاد، چیدن پشم گوسفندان، دوشیدن شیر، اسب‌سواری و گاوآهن از خاور نزدیک به اروپا راه می‌یابد.

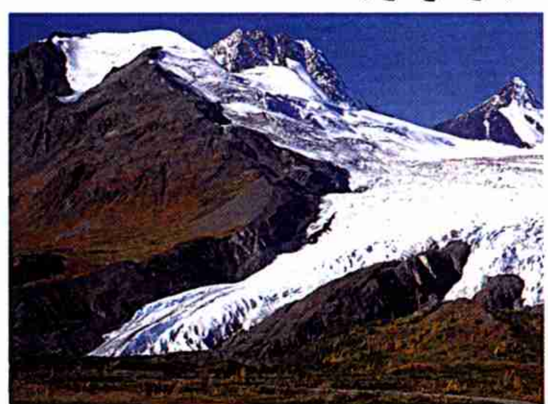
۲۶۰۰ ق.م.

۲۴۰۰ ق.م.

۲۰۰۰ قبل از میلاد، استفاده از مفرغ در آسیا و اروپا به شکلی گسترده رواج می‌یابد.

۲۰۰۰ ق.م.

آب‌وهوا و بقا



یکـی از وجوه متغیر کرهٔ خاکی ما بیش از هر چیز دیگری بر انسـان عصر حجر اثرگـذار بود: آب‌وهوا. در طـول هزاران سال، آب‌وهوا به‌تدریج سردتر شد و بعد، به همان نسبت رو به گرمی گذاشت. این چرخه بارها تکرار شـد و با هر بار تغییر، چشـم‌انداز مناطق و گونه‌های گیاهی و حیوانی آن هم تغییر می‌کرد.

در طول دوران سـرما، که عصر یخی نامیده می‌شـود، آب دریا فروکش می‌کرد و خشکی بیش‌تر می‌شـد. گله‌های حیوانات در علفزارهای وسیع و دشت‌های بی‌درخت و سـرد نواحی شـمالی می‌چریدند. وقتی درجهٔ هـوا افزایش می‌یافت، سـطح آب هم بالا می‌آمـد و با بالا آمدن سطح آب، ارتباط ساکنان جزایر نو پدید قطع می‌شد. به‌تدریج جنگل‌ها دشت‌ها را پوشاندند.

پوشیده از یخ

هنوز هم نواحی آلاسکا پوشیده از یخچال‌های دوران قدیم اسـت. آخریـن عصر یخی حدود ۱۸,۰۰۰ سـال قبـل رخ داد. در آن دوران، حدود ۳۰ درصد کرهٔ زمین پوشیده از یخ بود. این درصد شـامل بخش عمده‌ای از امریکای شـمالی، اروپا، آسـیا، و نیز نیوزلند و جنوب آرژانتیـن بود. در این دوران درجهٔ دما کاهش یافـت و سـطح دریاها هم بیـش از صد متر پایین رفت.

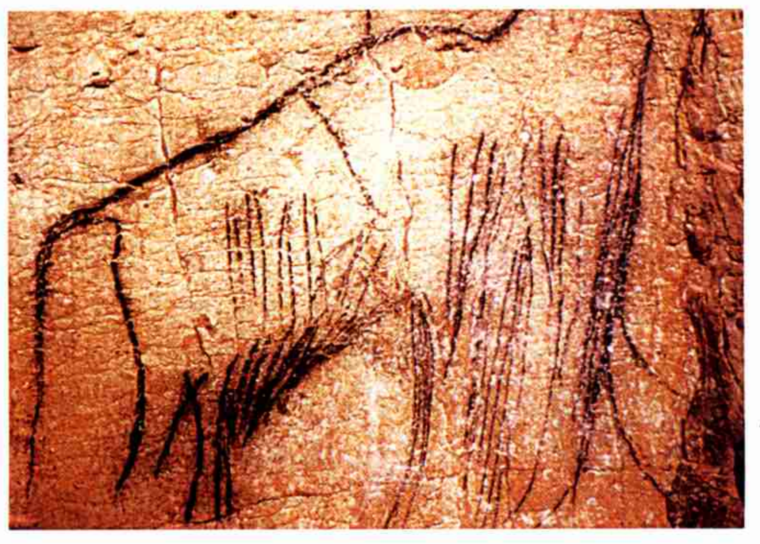


شکارچی گوزن

در دوره‌های گرم‌تر، حیوانات جنگلی مثل این گوزن سرخ، جای گاومیش، ماموت و گوزن شمالی را، که از شمال کوچیده بود، گرفتند. بشر یا به دنبال گله‌ها راه افتاد یا شروع کرد به شکار حیوانات جنگلی.

حیوانات سرما

ماموت‌هـا بزرگ‌ترین پسـتان‌دارانی بودند که با آب‌وهوای سـردتر خو گرفتنـد و در چراگاه‌های دشـت‌های شـمالی بـه چـرا پرداختنـد. این ماسـتودون در شـمال امریکا یافته شـد. گوزن شـمالی، اسـب، گاو عنبـر، کرگدن پشـمالو و گاومیش نیز از جانوران این دوران بودند.



انقراض نسل حیوانات

این تصویر ماموت روی دیوارهٔ غاری در جنوب غربی فرانسه یافته شده است. تا ۱۰،۰۰۰ سال قبل از میلاد، نسل ماموت و کرگدن پشمالو در غرب و مرکز اروپا منقرض شد. آهوی شمالی و گاومیش نیز منقرض شدند. در امریکای شمالی نیز نسل ماموت‌ها، شترهای بی‌کوهان، ماستودون‌ها و دیگر گونه‌های حیوانات درشت‌پیکر نیز به شکلی غیرمنتظره تا سال ۹۰۰۰ قبل از میلاد از بین رفت. حتی در افریقای استوایی هم از گونه‌های متنوع حیوانات صحرایی در پایان آخرین عصر یخی کاسته شد.



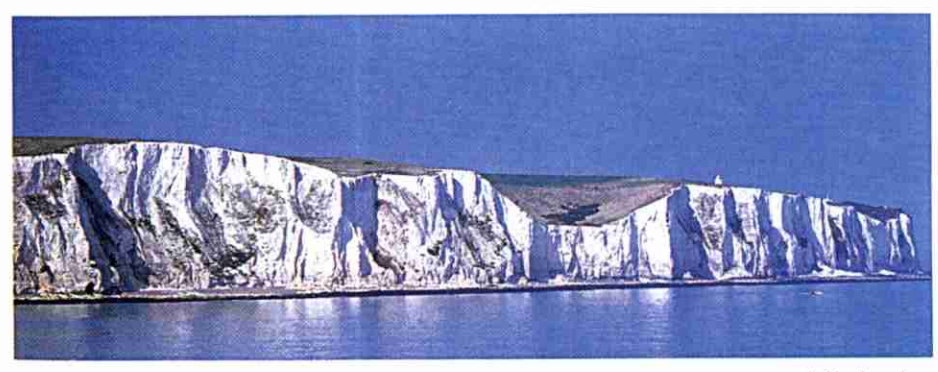
گراز وحشی

نژاد خوک، از جمله گراز وحشی، خود را با زندگی در جنگل وفق داده است. آن‌ها از پوزه و پای خود برای کندن زمین و پیدا کردن غذا در جنگل استفاده می‌کنند. خوک‌ها از اولین حیواناتی بودند که اهلی شدند، چون تقریباً همه چیز می‌خوردند.



پل‌های خشکی

در این نقشه، چگونگی اتصال دو قاره با دشت‌های پهناور و بی‌درخت در آخرین دوران عصر یخی نشان داده شده است. انسان نخستین می‌توانست از طریق این گذر، که در تنگهٔ برینگ پدید آمده بود، از آسیا به امریکای شمالی برود. پس از ذوب شدن یخ‌ها عبور دیگر ممکن نبود و بدین ترتیب، قاره‌ها با آب از هم جدا شدند. در طول عصرهای یخی، پل‌های زمینی (خشکی) فراوانی در سطح کرهٔ زمین وجود داشت. یکی از این پل‌ها بریتانیا را به قارهٔ اروپا متصل می‌ساخت.



جزایر تک‌افتاده

صخره‌های سفید دوور (Dover) در ساحل جنوب شرقی انگلستان نشانه‌هایی بسیار پرآوازه‌اند، اما همیشه چنین نبوده است. در آخرین عصر یخی انگلستان، ایرلند و فرانسه به هم متصل شدند. وقتی یخ‌ها شروع کردند به آب شدن، در نواحی کم ارتفاع سیلاب جاری شد و به این ترتیب، انگلستان در حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد به جزیره بدل شد.

مهاجرت و کوچ‌نشینان

نخستین انسان‌ها زندگی متمرکزی نداشتند و یک‌جا ساکن نمی‌ماندند. آن‌ها کوچ‌نشین بودند و در طول سال برای پیدا کردن غذا مدام جابه‌جا می‌شدند. انسان‌های نخستین کشاورزی و دامداری نمی‌کردند. آن‌ها حیوانات وحشی را شکار می‌کردند و میوه‌های خودرو و دانه‌های خوراکی و دیگر گیاهان را جمع می‌کردند. انسانی که به این شیوهٔ زندگی می‌کرد شکارچی-گردآورندهٔ غذا نامیده می‌شود. نقل مکان از جایی به جایی را مهاجرت می‌گویند. برخی از مهاجرت‌های عصر حجر فصلی بود و برای تعقیب گله‌های شکار صورت می‌گرفت. علت برخی دیگر نیز بلایای طبیعی، مثل آتش‌سوزی جنگل یا فوران آتشفشان بود. تغییر آب‌وهوا و افزایش جمعیت نیز مردم را مجبور می‌کرد که برای یافتن مناطق جدید مهاجرت کنند. پس از آن‌که بشر کشاورزی آموخت، بسیاری در خانه‌هایی دائمی سکنا گرفتند و به کشت و زرع پرداختند.

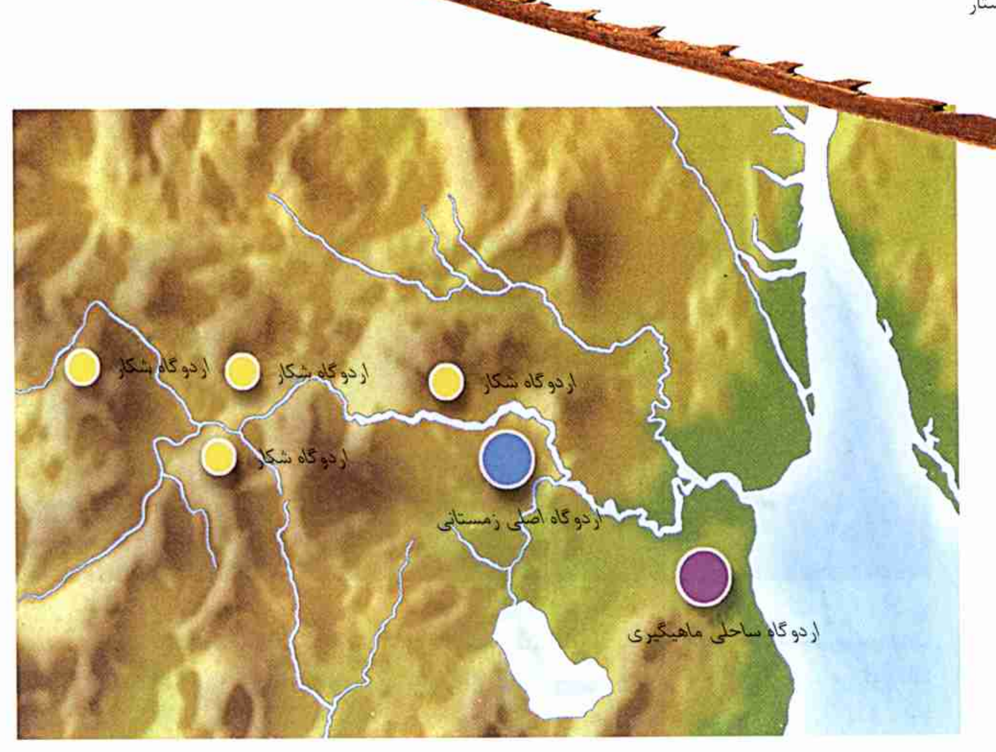


گله‌های کوچنده

گلهٔ عظیمی از گوزن‌های شمالی کوچ بهارهٔ خود را در بخش‌های شمالی نروژ آغاز می‌کند. سامی‌ها (The Sami) یا ساکنان شمال اسکاندیناوی (Lapp) از دیرباز ساکن نواحی قطبی سوئد و نروژ بوده‌اند. آن‌ها گوزن شمالی پرورش می‌دهند تا از گوشت و شیرش استفاده کنند. در بهار، در پی گله به شمال می‌کوچند و در چادرهایی که لاووس (*Lavos*) نامیده می‌شود زندگی می‌کنند.

نیزهٔ ساخته‌شده از شاخ گوزن (نیزهٔ شاخی)

این نیزه که از شاخ گوزن ساخته شده، در ناحیهٔ استار کار (Star Carr) در شمال یورکشر (Yorkshire) انگلستان پیدا شده است. شاخ گوزن را به راحتی می‌تراشیدند و زائده‌هایی خار مانند روی آن درست می‌کردند و با آن نیزه می‌ساختند. این سرنیزه‌ها را به نیزه می‌بستند و با آن ماهیگیری و شکار می‌کردند.



اردوگاه‌های فصلی

در دوره‌های مزولیتیک (عصر حجر میانی) انسان شکارچی-گردآورندهٔ غذا در سال چندین بار کوچ می‌کرد و چادر می‌زد. در اواخر بهار و تابستان نواحی ساحلی و غیر ساحلی محل اتراق وی بودند. در این دوره‌ها، گوزن‌های کوچک و گوزن‌های قرمز را در جنگل‌ها شکار می‌کردند. ماهی و حلزون و خوک آبی و پرندگان وحشی نیز شکار یا جمع‌آوری می‌شدند. گوشت و پوست و شاخ، بریده و آمادهٔ مصرف و پس از آن به اقامتگاه‌های زمستانی محفوظ‌تر منتقل می‌شد.



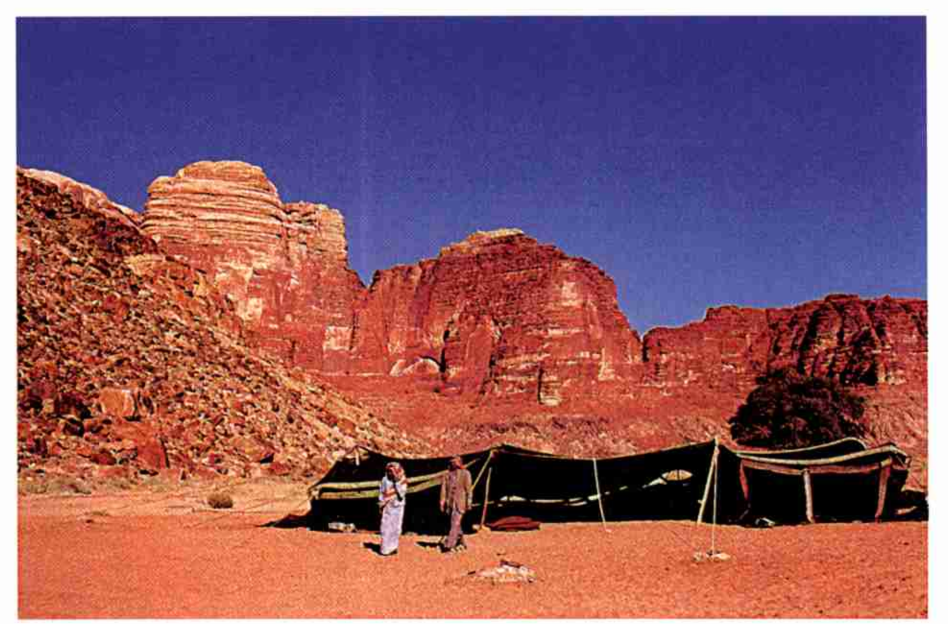
بومیان امریکا

بومیان صحرانشـین شـمال امریکا چادرنشین بودند و در چادرهایی مخروطی‌شکل که از پوست بوفالو می‌سـاختند، زندگی می‌کردند. این چادرها تپی (Tepee) نامیده می‌شـد. بومیان سـاکن دشـت‌های شرقی، مثل بومیان داکوتا (Dakota) که در تصویر مشاهده می‌کنید، معمولاً یک جا ساکن بودند و از تپی‌های خود در تابسـتان و پاییز برای شکار اسـتفاده می‌کردند. در سدهٔ نوزدهم، دولت ایالات متحد بومیان صحرانشین را وادار کرد که در اردوگاه زندگی کنند. آن‌ها چادرهای‌شان را با خود بردند و سعی کردند بخشی از سنت‌های کهن خود را زنده نگه دارند.



درختان

تغییر آب‌وهوا منجر به تغییر گونه‌های گیاهی شد. در سراسر توندرای سردسیر که در طول عصر یخی بیش‌تر پوشیده از خاک بود، خاربن، خزه و گل‌سـنگ می‌رویید. در حاشـیهٔ تونـدرا، جنگل درختان کاج، سـیاه کاج و کاج میلاد می‌رویید. با گرم‌تر شدن هوا، نخستین گونهٔ درختی که در فضای باز به شکلی انبوه رویید، درخت غان بود. به‌تدریج، درخت بلـوط، فندق و نارون جایگزین درخت غان شدند. در پی رویش و انبوه شدن جنگل‌ها، بشر دریافت که آن‌قدر شـکار و گیاه در یک ناحیـه دارد که نیازی به مهاجرت نیست.



چادرنشینان در صحرا

بادیه‌نشین‌ها، که تعدادشان رو به کاهش است، همچنان در چادرهایی در نواحی خشـک خاور نزدیک و افریقا به گله‌داری مشغول‌اند. آن‌ها برای تأمین گوشت و شیر مورد نیاز خود شتر، گوسفند و بز پرورش می‌دهند. گاهی نیز برای تهیهٔ دیگر مایحتاج خود از قبیل آرد، خرما یا قهوه، این حیوانات را می‌فروشـند. بادیه‌نشین‌ها در چادرهایی ساخته‌شده از بافته‌های موی بز زندگی می‌کنند. آن‌ها از جایی به جای دیگر می‌کوچند تا چراگاهی مناسب برای گله‌های خود بیابند و این کاری اسـت که بشر از هزاران سال پیش تاکنون کرده است.

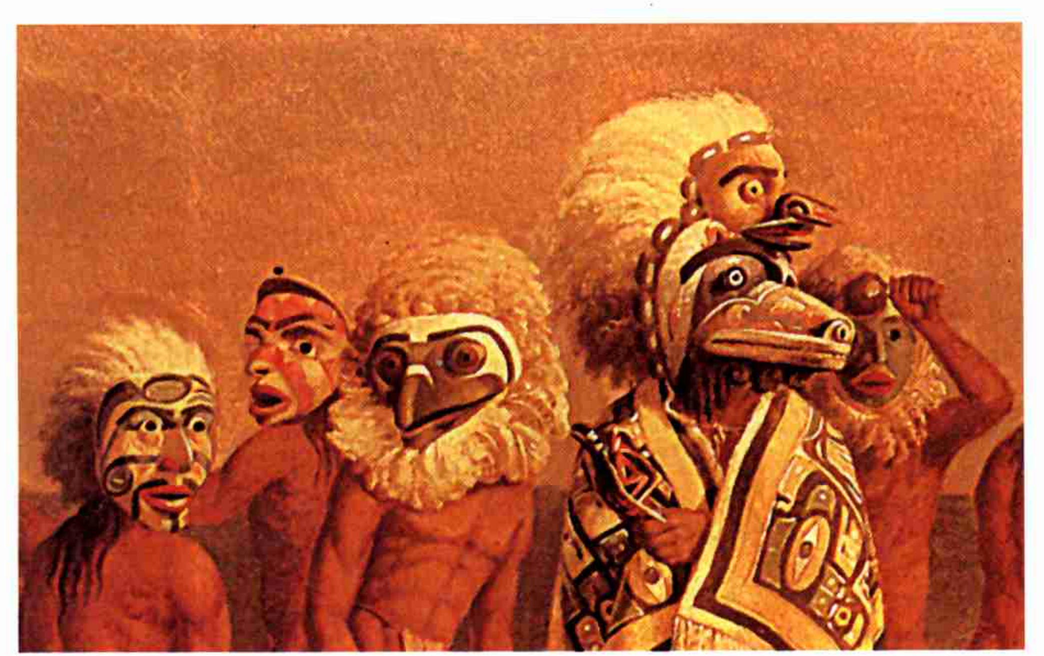
ساختار اجتماعی

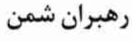
در عصر حجر تعداد ساکنان کرهٔ زمین بسیار کم بود. کارشناسان تخمین زده‌اند که جمعیت کرهٔ زمین در ۱۳،۰۰۰ قبل از میلاد، تنها ۸ میلیون نفر بود. امروزه جمعیت کرهٔ زمین حدود ۶ میلیارد نفر است. با بررسی جوامعی که هنوز هم از راه شکار و جمع‌آوری غذا روزگار می‌گذرانند، می‌توان در مورد نحوهٔ زندگی اجتماعی بشر در عصر حجر حدس‌هایی زد.

در آن دوران نیز مردم مثل ما در خانواده زندگی می‌کردند و خانواده‌ها نیز گروهی را تشکیل می‌دادند که «طایفه» نامیده می‌شد. تمام افراد طایفه معمولاً از طریق خانوادهٔ مادری یا از راه وصلت، با هم نسبتی داشتند. این طایفه‌ها به اندازه کافی بزرگ بودند که بتوانند از اعضای خود محافظت و غذای‌شان را تأمین کنند، اما نه آن‌قدر بزرگ که کنترل‌ناپذیر باشند. همهٔ اعضای طایفه، حتی بچه‌ها، باید در جمع‌آوری غذا به دیگران کمک می‌کردند. احتمالاً طایفه بخشی از قبیلهٔ بزرگ‌تری بود که اعضای آن در زمان‌های خاصی از سال، مثلاً در شکار تابستانی، دور هم جمع می‌شدند. اهالی هر قبیله زبانی مشترک و شیوهٔ زندگی مشابهی داشتند. وقتی بشر کشاورزی آموخت، جمعیت افزایش یافت و جوامع به طرق پیچیده‌تری شکل گرفتند.

خدایْ بانوی مادر

این مجسمهٔ سفالی پخته شده حدود سال ۶۰۰۰ قبل از میلاد در ترکیه ساخته شد. احتمالاً آن را در مقام خدای بانوی مادری می‌پرستیدند. معمولاً خانواده‌ها با نسب مادری‌شان شناخته می‌شدند، چون فرزند از مادر متولد می‌شد، در حالی که پدرها ممکن بود ناشناس باقی بمانند.





رهبران شمن

در این نقاشی که در دههٔ اول سدهٔ نوزدهم کشیده شده، شمن‌های بومی امریکا را در حال اجرای رقصی آیینی می‌بینیم. شمن‌ها رهبران روحانی قبایل بودند. آن‌ها رقص، افسون، دعا و آیین‌هایی بلد بودند که خوشبختی می‌آورد و ارواح را خشنود می‌کرد. امروزه نیز در سراسر دنیا، در جوامعی که با شکار و جمع‌کردن غذا روزگار می‌گذرانند، شمنیسم رواج دارد. این باور در دوران ماقبل تاریخ هم طرفدارانی داشت.

رئیس قبیله

این مرد رئیس قبیلهٔ زولو (Zolo) در افریقای جنوبی است. برتری مقام اجتماعی او از طرز لباس پوشیدنش هویداست. در روزگاران ماقبل تاریخ، رهبری قبایل را رئیس قبیله یا شورای ریش‌سفیدان به عهده داشت. پیرمردی که حدود ۲۳،۰۰۰ قبل از میلاد در روسیه در ناحیهٔ سونگیر (Sungir) به خاک سپرده شده بود، احتمالاً رئیس قبیله بود. جسد وی با آرایه‌هایی از دندان روباه و مهره‌هایی از جنس عاج ماموت تزئین شده بود.

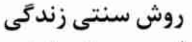


صحنه‌هایی از روزگاران گذشته

در نقاشی روی دیوارهٔ صخره‌ها در ناحیهٔ صحرای افریقا تصاویری از شکار کرگدن و رمه‌دارانی که رمه‌های خود را هدایت می‌کنند، دیده می‌شوند. در تصاویر دیگر زنی در حال آسیاب کردن غلات، و نیز مراسم ازدواج یا حتی خانواده‌ای همراه با سگ‌شان دیده می‌شوند. این تصاویر نشان می‌دهد که در حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد، صحرا خاکی حاصلخیز و جامعه‌ای بسیار منسجم داشت.

مجسمهٔ سیکلادی (Cycladic)

در فاصلهٔ سال‌های ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد، مجسمه‌های بسیار ظریفی در جزایر سیکلاد یونان ساخته می‌شد. این مجسمهٔ مرمری مات پیکرهٔ زنی باریک اندام است که بازوانش را دور کمرش حلقه کرده است. در این ناحیه، مجسمه‌هایی از نوازندگانی با فلوت و چنگ نیز یافت شده است. چنین مجسمه‌هایی در جوامع پیچیده ساخته می‌شدند.





روش سنتی زندگی

این مرد پسرکی را برای مراسم بلوغش در پاپوآ (Papua) در گینهٔ نو آماده می‌کند. در این کشور، که دارای قبایل دور افتادهٔ متعددی است، هنوز راه و رسم‌های سنتی حاکم است. در برخی از روستاها، مردها به جای این‌که در کنار زنان و فرزندان‌شان زندگی کنند، با هم زندگی می‌کنند. آن‌ها به این ترتیب می‌توانند راحت‌تر در مورد کارهایی مثل شکار برنامه‌ریزی کنند.

ارتباطات و شمارش

پیشینیان ما تا حدود ۳۰۰ هزار سال قبل از میلاد با استفاده از کلمات و حرکات با هم ارتباط برقرار می‌کردند. سرانجام، زبان‌های پیچیده برای انتقال مهارت‌ها و دانسته‌ها به‌وجودآمد. شـکارچیان احتمالاً از زبان اشارهٔ خاصی برای یافتن شکار استفاده می‌کردند و مسیر مورد نظر خود را علامت می‌گذاشتند و از صدای پرندگان و حیوانات تقلید می‌کردند.

از حدود ۳۷,۰۰۰ سـال قبل از میلاد، بشـر شروع کرد به علامت‌گذاری روی استخوان و استفاده از قلوه‌سـنگ به منزلهٔ ابزار ساده‌ای برای شمارش. حساب روزها را احتمالاً با تقویم‌های چوب‌خطی نگه می‌داشتند.کارشناسان در برخی از تصاویر نقش‌بسته روی دیوار غارها نقطه‌ها و علائمی را یافته‌اند که احتمالاً یا چوب‌خط است یا اولین گام‌های اختراع خط.

در حدود ۷۰۰۰ سـال قبل از میلاد، بازرگانان خاورنزدیک وسـیله‌ای داشتند که روی آن نمادهایی برای نشان دادن اعداد و اشیاء نقش می‌کردند. چنین وسایلی به پیدایش نخستین متن‌نوشته‌ها انجامید. این روش در حدود سال ۳۱۰۰ قبل از میلاد گسترش یافت و منجر به پیدایش خطی تصویری به نام خط میخی شد.

چوب‌خط

خراش‌هـای روی چوب یـا همان‌طور که در ایـن تصویر می‌بینید، روی اسـتخوان سـاق پای بابون، احتمالاً وسیله‌ای برای محاسبه یا نوعی تقویم ساده بود. این تقویم متعلق به ۳۵,۰۰۰ سـال قبل از میلاد اسـت. امروزه برخـی از اهالی جنوب افریقا از این وسـیله برای شمارش استفاده می‌کنند.



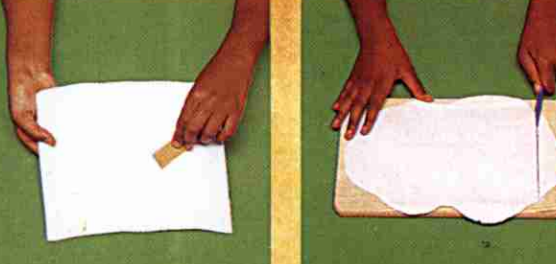
تصاویر و نمادها

تصویر این اسب وحشی روی دیوارهٔ غار لاسکو (Lascaux) در جنوب غرب فرانسه یافت شده است. این تصویر حدود ۱۵,۰۰۰ سال قبل از میلاد کشیده شده است. اطراف تصویر اسـب پوشـیده از نمادهایی اسـت که در کنار نقطه‌ها و خراش‌ها، احتمالاً روشی برای ردیابی حیوانات مهاجر بودند.

نقاشی دست

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، وردنه، تخته، ابزار برش، سـمباده، رنگ اکریلیک قرمز و زرد، آب، دو آب‌پاش.





۱. گل سفالگری را روی تخته پهن کنید. کاری کنید که سطح سفال ناصاف، مثل دیوارهٔ غارها، به نظر برسـد. با ابزار بـرش اطراف آن را صاف کنید تا لوحه‌ای سنگی داشته باشید.

۲. صبر کنید سفال خشک شود. بعد با سمباده سطح را صاف کنید تا از شَر لبه‌های نوک‌تیز آن خلاص شوید و سطحی صاف داشته باشید.

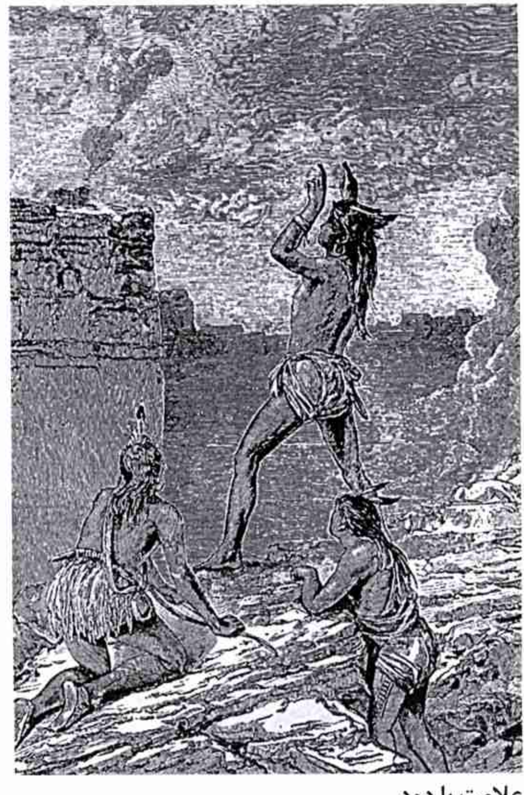


۳. رنـگ آکریلیـک را بـا آب رقیـق کنیـد و درون آب‌پاش بریزید. دسـت‌تان را روی صفحهٔ سفالی بگذارید و با آب‌پاش حاوی رنگ زرد دور دست‌تان را رنگ کنید.



پیشرفت خط

این لوح سفالی را سومریان حدود سال ۳۱۰۰ قبل از میلاد ساخته‌اند. در این لوح از نشانه‌های مبتنی بر نمادهای تصویری برای نگه‌داشتن حساب محصول سالانه استفاده شده است. هم‌گام با توسعهٔ خط میخی، بشر می‌خواست مفاهیم انتزاعی مثل خوبی و بدی را هم بیان کند. برای این کار، سمبل‌های قبلی را اغلب با افزودن علامتی تغییر می‌داد.



علامت با دود

در این حکاکی متعلق به اواخر دههٔ نخست قرن نوزدهم، سرخ‌پوستان امریکایی را می‌بینیم که با دود با هم ارتباط برقرار می‌کنند. بشر بخش عمدهٔ تاریخ خود را بدون خط سپری کرده است. اما این به آن معنا نیست که آن‌ها نمی‌توانستند با هم ارتباط برقرار کنند یا اطلاعات مهم را ثبت کنند.



دست‌های روی دیوار

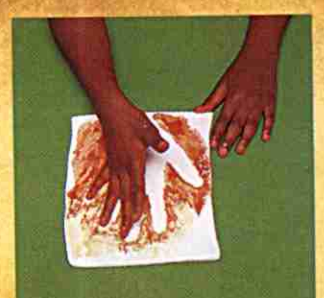
این نقوش دست که با استفاده از روش استنسیل ساخته شده روی دیوارهٔ غاری در آرژانتین پیدا شده است. این تصویر مشابه تصاویری است که در اروپا، افریقا و استرالیا پیدا شده‌اند. شاید انسان‌های نخستین با این روش کار خود را امضا می‌کردند.



هنرمند بدوی آرژانتینی برای زدن نقش دست خود دور آن رنگ می‌پاشید. برای پاشیدن رنگ، آن را درون نی می‌ریخت و دور دست فوت می‌کرد یا با دهان روی دیوار می‌پاشید!



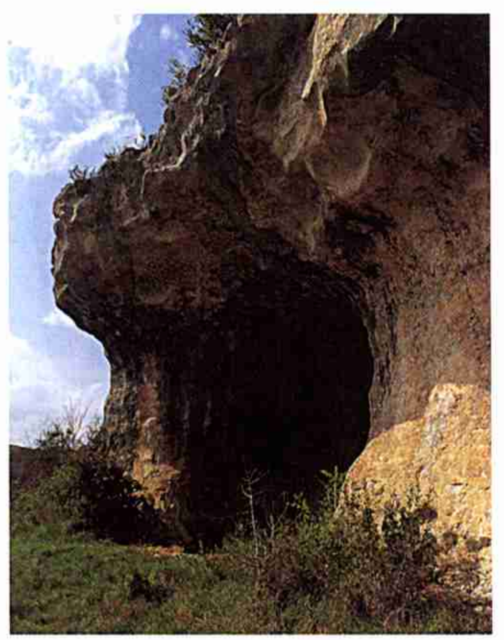
۴. دست‌تان را همان‌جا نگه دارید و با آب‌پاش حاوی رنگ قرمز دور دست‌تان را رنگ بپاشید. به این ترتیب، تصویر شفاف و واضحی از دست‌تان خواهید داشت.



۵. پس از پاشیدن رنگ، دست‌تان را بردارید. مراقب باشید رنگ آسیب نبیند. صبر کنید صفحه خشک شود.

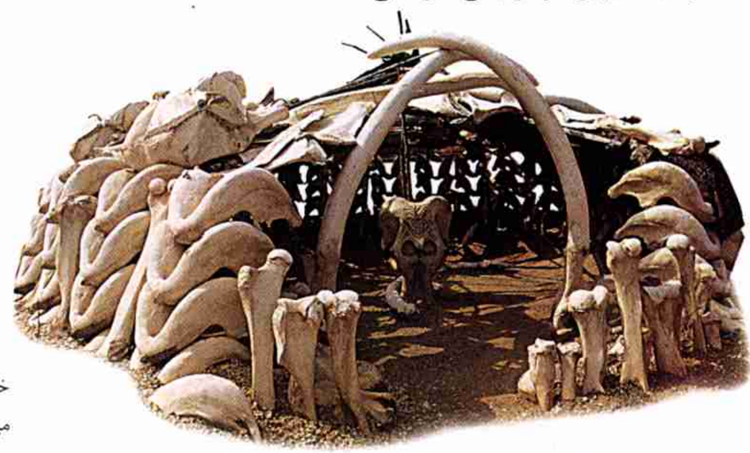
جان‌پناه

مردم همیشــه به حفاظی در برابرتغییرات آب‌وهوا احتیاج داشته‌اند. در بخش عمده‌ای از صدهزار ســال گذشــته، هوای کرهٔ زمین بســیار ســردتر از حالا بود. مردم در طول تابســتان در پناهگاه‌هایــی در فضای باز زندگــی می‌کردند، اما با هجوم هوای ســرد، خانواده‌ها به غارها پناه می‌بردند. آن‌ها جلوی ورودی غار بادگیر سنگی نصب می‌کردند و پناهگاه‌هایی درون غارها می‌ســاختند تا از توفان و ســرما بیش‌تر در امان باشند. در تابســتان شکارچیانی که به دنبال شکار راهی می‌شــدند، از شاخ و برگ درختان برای خود ســرپناه می‌ســاختند. خانواده‌ها به صورت جمعی در چادرهایی که از شاخ و برگ درختان و پوست حیوانات می‌ســاختند، زندگی می‌کردند. در بخش‌های شمالی‌تر، که غاری در کار نبود و درختان انگشت‌شــمار بودند، مردم سرپناه‌های‌شــان را از استخوان پای ماموت و عاج می‌ســاختند. به هر حال، بشــر هر جا که ســاکن می‌شد، حتماً باید ذخایر آب شیرین در نزدیکی خود می‌داشت.



غارها و جان‌پناه‌های سنگی

در تصویــر، ورودی جان‌پناهی ســنگی را در جنوب غرب فرانســه می‌بینید. نخســتین ساکنان این غار، انســان‌های نئاندرتال بودند که در حدود صدهزار ســال قبل از میلاد در آن مأوا گرفتند. آن‌ها معمولاً نزدیک دهانهٔ غار زندگی می‌کردند که بیش‌ترین میزان نور را داشت و گرمای خورشید هم به آن می‌رسید.



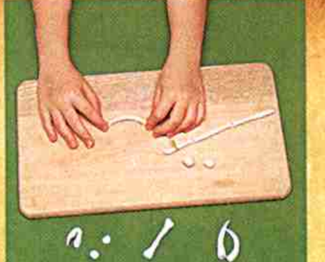
خانه‌ای از استخوان ماموت

در این تصویر، خانهٔ بازسازی شدهٔ یک شکارچی ماموت را می‌بینید. این خانه در حدود سال ۱۳،۰۰۰ قبل از میلاد در اوکراین ساخته شد. فضای خالی بین استخوان‌ها را با خزه و شــاخ و برگ و بوته پر می‌کردند. سپس کل ساختار را با پوست ماموت یا چمن می‌پوشاندند.

خانهٔ شکارچی

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته، ابزار برش، مقوا، رنگ آکریلیک سبز- قهوه‌ای، ظرف آب، قلم‌مو، شاخهٔ درخت، خط‌کش، قیچی، چسب چوب ، علف مصنوعی یا پارچهٔ سبز رنگ.

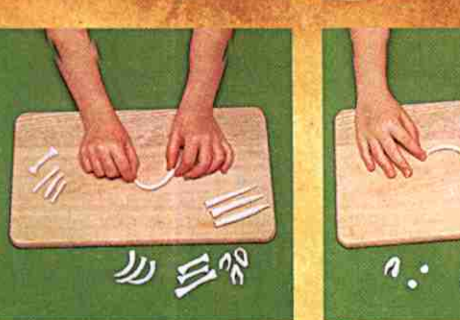




۱. گل سفالگری را لوله کنید و قطعاتی به شکل عاج فیل و استخوان‌های کوچک و بزرگ ماموت بسازید. چندین سنگ هم در اندازه‌های مختلف درست کنید.



۲. انتهای اســتخوان‌ها را با ابــزار برش به‌گونه‌ای شکل دهید که کاملاً شبیه عاج و استخوان شود و سنگ‌ها را هم با همین ابزار شکل دهید. قطعات را کاملاً جدا از هم بچینید تا کاملاً خشک شوند.



۳. گل ســفالگری را روی مقوایــی به شــکلی ناهموار پهــن کنید. به آن رنگ ســبز- قهوه‌ای بزنید و صبر کنید خشک شود.



خانهٔ قابل حمل

این تپی (Tepee) را سرخ‌پوستان قبیلهٔ شایان (Cheyenne)، که ساکن دشت‌های پهناور ایالات متحد بودند، در سال ۱۹۰۴ ساختند. احتمالاً مردم ماقبل‌تاریخ در کلبه‌ها و چادرهایی شبیه این زندگی می‌کردند که از شاخ و برگ درختان ساخته می‌شد و روکشی از پوست حیوانات داشت. این چادرها به سرعت برپا و جمع می‌شدند و موقع حمل و نقل نیز می‌شد آن‌ها را تا کرد. برای مردمانی که در پی شکار مدام در حال مهاجرت بودند، داشتن چنین خانه‌هایی ضروری بود.



جان‌پناهی از سنگ و سبزه

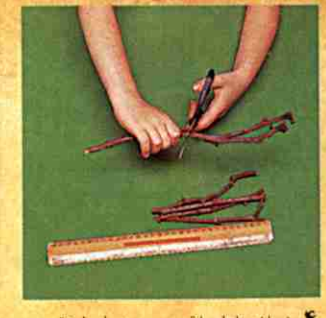
در این تصویر نمای بیرونی خانه‌ای از عصر نوسنگی (نئولیتیک) را در روستایی در ساحل سکارا (Skara) درجزایر اورکنی (Orkney Islands) می‌بینید. این خانه حدود سال ۳۰۰۰ قبل از میلاد ساخته شده است. ساختمان‌ها در دل زمین ساخته می‌شدند و دورشان با چمن پوشانده می‌شد تا حفاظی در مقابل توفان‌های سهمگین داشته باشند. معابر سرپوشیده‌ای این خانه‌ها را به هم وصل می‌کرد.

مکانی مدفون

خانه‌های روستایی ساحل سکارا در جزایر اورکنی از سنگ ساخته می‌شدند، چون در این ناحیه درختی برای ساخت و ساز یافت نمی‌شد. حتی اثاثهٔ منزل نیز سنگی بود. در حدود سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد کل روستا بر اثر توفان شنی زیر شن مدفون شد و همه چیز همان‌طور ماند، تا این‌که توفان عظیم دیگری در سال ۱۸۵۰ شن‌ها را از روی خانه‌ها کنار زد.



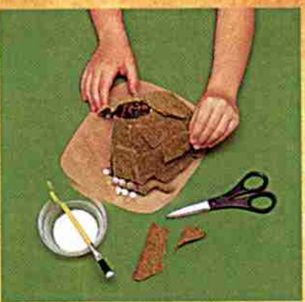
در جایی که چوب کمیاب بود، از استخوان‌های سنگین ماموت برای ثابت نگه‌داشتن علف‌ها و پوست روکش کلبهٔ شکارچیان استفاده می‌شد.



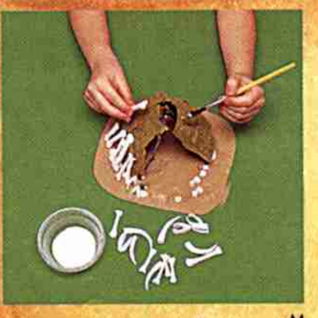
۴. شاخه‌ها را با قیچی به طول تقریبی ۱۵ سانتی‌متر ببرید. در کل، به هشت شاخهٔ تقریباً هم‌اندازه احتیاج دارید.



۵. شاخه‌ها را به گونه‌ای درون سطح خمیری فرو کنید که چهارچوبی مخروطی‌شکل به‌دست آید. در محل اتصال شاخه‌ها به سطح، چند سنگ بچسبانید.



۶. روی شاخه‌ها علف مصنوعی یا پارچه‌ای سبزرنگ بچسبانید. یادتان باشد که سنگ‌های قاعدهٔ مخروط را نپوشانید.



۷. استخوان‌های بلند عاج را روی سقف بچینید و بچسبانید. فاصله‌های موجود را با استخوان‌های کوچک‌تر پر کنید. صبر کنید کاردستی‌تان خشک شود.

آتش و نور



چراغ سنگی
هنرمندان ماقبل‌تاریخ در حدود ۱۷,۰۰۰ سال قبل هنگام تزئین دیوارهٔ غارها از چراغی سنگی مثل این استفاده می‌کردند. در گودی این صفحهٔ سنگی چربی حیوانات را می‌ریختند و گلولهٔ مشتعلی از خزه، نخ یا پشم را روی آن می‌گذاشتند. برای این کار از تراشه‌های چوب یا حصیر آغشته به موم یا رزین نیز استفاده می‌شد.

نیاکان هوموارکتوس ما استفاده از آتش را حداقل ۷۰۰,۰۰۰ سال قبل یاد گرفتند. آن‌ها غذای پخته می‌خوردند و شب‌هنگام از نور و گرمای آتش برخوردار بودند. از آتش برای دور نگه‌داشتن حیوانات و مقاوم کردن نوک نیزه‌های چوبی استفاده می‌شد. شکارچیان با تکان‌دادن شاخه‌های سوزان حیوانات عظیم‌الجثه را به سوی دام می‌راندند. انسان هوموارکتوس احتمالاً نمی‌دانست چطور آتش درست کند، اما پس از آتش‌سوزی‌های طبیعی جنگل، چوب‌های شعله‌ور را یافت. آتش‌گاه با مراقبت فراوان روشن نگه داشته می‌شد و احتمالاً هنگام نقل مکان، خاکسترهای داغ با دقت به جای جدید منتقل می‌شدند. بالاخره بشر یادگرفت که با ساییدن دو تکه چوب خشک به‌هم آتش درست‌کند. بعدها بشر دریافت که با زدن سنگ بر نوعی سنگ که به آن سنگ نور (pyrite) می‌گفتند می‌تواند جرقه تولید کند. در حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد، متهٔ کمانی اختراع شد. با این وسیله افروختن آتش بسیار ساده‌تر شد.



دور اجاق
تصویری از نمای درونی منزلی متعلق به دوران نوسنگی در ساحل سکارا در جزایر اورکنی. در مرکز خانه اجاقی هست که دور تا دور آن چند تخت‌خواب، چند صندلی و یک قفسه دیده می‌شوند که همگی از سنگ ساخته شده‌اند، دود آتش از سوراخی بیرون می‌رفت که در سقف علفی این خانه‌ها تعبیه می‌شد. سنگ‌های بزرگی که دور اجاق می‌گذاشتند از آتش در برابر باد محافظت می‌کرد.

متهٔ کمانی

مواد مورد نیاز: یک تکه چوب قطور، کاتر، رنگ چوب، سمباده، ظرف آب، قلم‌مو، چوب بالزا (منظور چوب نرم است)، مُغار (ابزار برش چوب)، گل سفالگری، پیچ، قیچی، جیر، الیاف درخت یا پوشال.

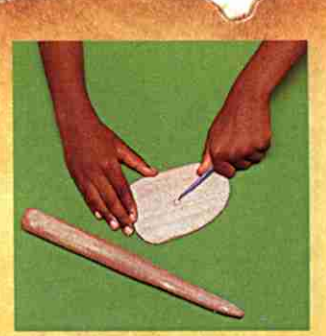




۱. از بزرگ‌تر خود بخواهید که یک سر تکه چوب قطور را با کاتر نوک‌تیز کند. تیغهٔ کاتر باید همیشه دور از بدن گرفته شود.



۲. چوب را کمی سمباده بکشید و با رنگ چوب آن را رنگ‌آمیزی کنید. از بزرگ‌تر خود بخواهید که پایه‌ای از چوب نرم بالزا برای‌تان درست کند. پایه را هم رنگ کنید.



۳. در مرکز پایهٔ چوبی با مُغار سوراخی درست کنید. سوراخ ایجاد شده باید اندازهٔ نوک چوب‌تان باشد.



بوتهٔ سوزان

پیش از آن‌که بشر درست کردن آتش را یاد بگیرد، از آتش‌های طبیعی و اتفاقی استفاده‌می‌کرد، مثل آن‌چه در این تصویر که در افریقا گرفته شده، می‌بینید. عامل این حریق احتمالاً اصابت صاعقه یا گرمای آفتاب بوده است. بشر نخستین یاد گرفت که از آتش برای پختن غذا استفاده کند. بسیاری از سبزیجات خام سمی‌اند، اما وقتی پخته می‌شوند کاملاً بی‌خطرند. از آتش برای شکار هم استفاده می‌شد. شکارچیان خطی از آتش درست می‌کردند و به این ترتیب حیوانات رمیده را شکار می‌کردند.

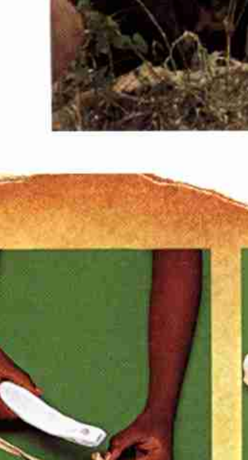
آتش‌افروز

یکی از اهالی بومی صحرای کالاهاری (Kalahari) از متهٔ کمانی مدرنی برای افروختن آتش استفاده می‌کند. وقتی کمان به جلو و عقب حرکت داده می‌شود تسمهٔ کمان دور چوب می‌پیچد و آن را به حرکت درمی‌آورد. نوک مته روی پایه‌ای چوبی قرار می‌گیرد. مالش مته روی پایه گرما ایجاد می‌کند و این گرما پوشال آتشگیر را که روی پایه گذاشته می‌شود، مشتعل می‌سازد. سپس این تودهٔ آتشگیر به توده‌ای از گیاهان خشک یا هیزم افزوده‌می‌شود.

بشر ماقبل تاریخ برای مستقیم نگه‌داشتن مته از سنگ یا تکه‌ای چوب در قسمت بالای کمان استفاده می کرد. برخی از دهان گیری چوبی برای نگه‌داشتن مته استفاده می کردند تا دست دیگرشان برای نگه‌داشتن پایه آزاد باشد.



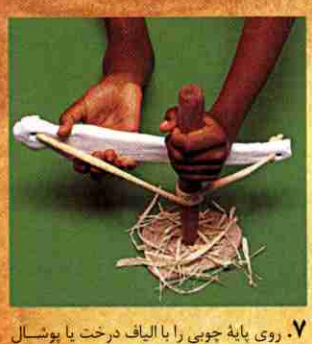
۴. گل سفالگری را روی تخته‌ای پهن کنید و از آن تکه‌ای به شکل استخوان ببرید. سوراخی در دو سر این استخوان ایجاد کنید. دو لبهٔ استخوان را با انگشتان‌تان صاف کنید. صبر کنید خشک شود.



۵. با قیچی نواری باریک از جیر به اندازهٔ دو برابر طول استخوان ببرید. این تسمه‌ای است که برای پیچاندن مته از آن استفاده می‌شود.



۶. دو سر نوار را به دو سوراخ استخوان وصل کنید و محکم گره بزنید.



۷. روی پایهٔ چوبی را با الیاف درخت یا پوشال بپوشانید. تسمهٔ جیر را دور چوب بپیچانید و نوک چوب را درون سوراخ روی پایه قرار دهید.

گردآوری غذا

انسـان شـکارچی-گردآورندهٔ غذا در عصر حجر عادت‌هـای غذایی متنوعی داشـت. او به‌تدریج کشـف کرد که کدام گیاهان خوراکی‌اند و کجا می‌رویند. از بهار تا پاییز، زنان وکودکان به دنبال دانه‌ها، میوه‌ها و ریشـه‌های خوراکی بودند. آن‌ها تخم پرندگان و برگ و بار سـبزیجات را جمع می‌کردند. در تابستان، گیاهانی همچون لوبیا، غلات، کدو و خیار را می‌چیدند و دانهٔ گیاهان خودرو را نیز جمع‌آوری می‌کردند. آفتاب تابستان باعث رسـیدن خرما، انگور، انجیر، سنبل کوهی و قره‌قاط نیز می‌شـد. پاییز فصل روییدن دانه‌های خوراکی بود: بادام، بلوط، فندق، گردو و میوهٔ کاج. این دانه‌ها زیر خاک نگه داشـته می‌شدند، اما گیاهان و میوه‌ها را برای نگه‌داری خشـک می‌کردند. حشـراتی مثل حلزون و کرم ابریشم هم خوراکی بودند! برای افزودن مزه به غذا از شـانهٔ عسـل وگیاهان خودرو اسـتفاده می‌شد. کسانی که به جست‌وجوی غذا می‌رفتند برای بیرون آوردن ریشهٔ گیاهان خوراکی از وسیله‌ای چوبی اسـتفاده می‌کردند و غذاها را درون کیف‌های چرمی یا سـبدهای حصیری نگه می‌داشتند.

کلنگ دو سر

این کلنگ دو سـر یا ابزار حفاری در فاصلـهٔ ۸۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سـال قبـل از میلاد، از شاخ گوزن ساخته شده اسـت. سوراخی در سر آن تعبیه شده که احتمالاً دسته‌ای چوبی در آن قرار می‌گرفت.

کرم حشره

این کرم حشـره، لارو بزرگ سفیدرنگ بید است. بومیان استرالیا این کرم‌هـا را مثل غذایـی لذیذ می‌خوردند. حشـراتی همچون مورچه، ملخ، سوسک و موریانه برای مردم عصر حجر غذاهایی سالم و سرشار از پروتئین محسوب می‌شدند.



تخم پرندگان



انسـان‌های ماقبل‌تاریخ تخم انواع پرندگان، از تخم‌های ریـز بلدرچیـن گرفته تـا تخم‌های بزرگ شـترمرغ را می‌خوردنـد. در تصویر، تخم قرقاول را می‌بینید که یکی از پرندگان بومی آسیاسـت. تخم‌مرغ سرشار از پروتئین، ویتامین‌ها و مواد معدنی است و به همین علت ارزش غذایی بسیار بالایی دارد. از پوستهٔ تخم‌مرغ هم برای ساختن مهره‌های تزئینی استفاده می‌شد.

میوهٔ پخته شده

مواد مورد نیاز: ماهی تابهٔ بزرگ، ۵۰۰ گرم قره‌قاط، ۵۰۰ گرم شاه‌توت، ۲۰۰ گرم فندق، قاشق چوبی، عسل، قاشق غذاخوری، ملاقه و بشقاب.

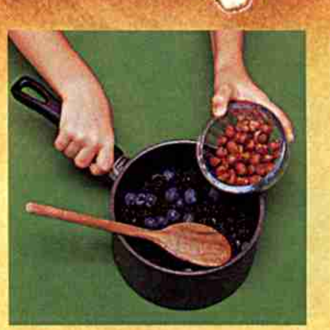




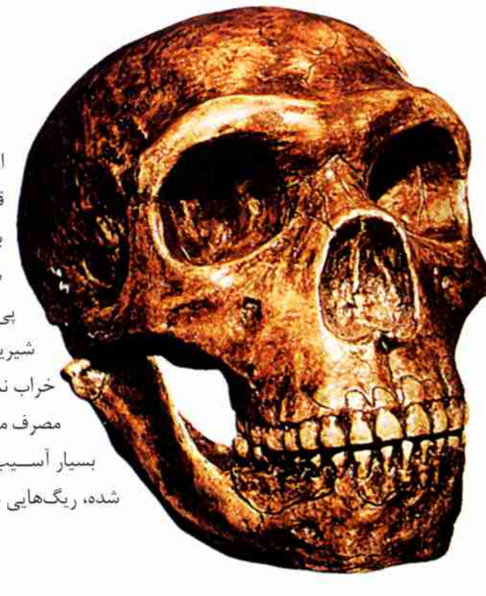
۱. همیشـه از میوه‌های سـفت و تازه اسـتفاده کنید. قبل از شـروع کار، میوه‌ها و دست‌های‌تان را بشـویید. نخسـت قره‌قـاط را درون ماهی‌تابه بریزید.



۲. بعد شـاه‌توت را اضافه کنید. با قاشـق چوبی آهسته، به گونه‌ای که میوه‌ها آسیب نبینند، این دو را با هم مخلوط کنید.



۳. بعد فندق را اضافه کنید و میوه‌ها را به آرامی هم بزنید تا همهٔ مواد با هم مخلوط شوند.



فرسودگی

این جمجمهٔ نئاندرتال حدود ۶۰،۰۰۰ سال قدمت دارد. متخصصان می‌توانند با بررسی بقایایی چون این جمجمه به نکات فراوانی در مورد عادت‌های غذایی انسان‌های ماقبل‌تاریخ پی ببرند. مردم عصر حجر به ندرت چیزهای شیرین می‌خوردند، به همین علت دندان‌های‌شان خراب نمی‌شد، اما دندان‌های انسان‌هایی که غلات مصرف می‌کردند، اغلب به دلیل پوستهٔ سخت این مواد، بسیار آسیب دیده و ترک خورده است. بعدها غلات آرد شده، ریگ‌هایی داشت که آن هم به دندان آسیب می‌رساند.

موهبت‌های پاییز

بخش عمدهٔ غذای انسان ماقبل‌تاریخ از گیاهان تأمین می‌شد. هر طایفه (قبیله) حد و مرز جغرافیایی خاصی برای خود تعیین کرده بود و درون آن گشت و گذار می‌کرد. آن‌ها در هر فصلی برای رسیدن به گیاهان خوراکی مورد نیاز خود در مسیری خاص حرکت می‌کردند. برگ قاصدک و گزنه در نواحی روستایی می‌رویید. در پاییز جنگل‌ها سرشار از مواد غذایی بودند، از میوه‌های جنگلی خودرو گرفته تا میوه‌های مغزدار مثل فندق. انواع و اقسام قارچ‌های خوراکی نیز در زمین‌های مرطوب جنگلی، به خصوص در فصل پاییز، می‌روییدند.


برگ گزنه

برگ قاصدک

قارچ جنگلی



به دنبال عسل

در تصویر، مردی از اهالی قبیلهٔ مبوتی (Mbuti) در جمهوری کنگو را می‌بینیم که می‌خواهد با دود زنبورها را از کندو بیرون بکشد تا راحت‌تر عسل جمع کند. احتمالاً انسان ماقبل تاریخ هم از آتش برای دور کردن زنبورها استفاده می‌کرد. جمع‌کردن عسل به زحمت و خطرش می‌ارزید، چون عسل سرشار از کربوهیدرات‌های انرژی‌زاست و مزهٔ شیرین آن غذاهای دیگر را نیز خوشمزه می‌کرد.



انسان‌های ماقبل تاریخ احتمالاً به همین روش میوه‌ها را می‌پختند و آن‌ها را به شکل مربا نگه‌می‌داشتند. در آن دوران به جای ظروف فلزی، از ظرف‌های سفالی برای پختن و نگه‌داری غذا استفاده می‌شد.

۴. شش قاشق غذاخوری عسل به مخلوط اضافه کنید. حالا از بزرگ‌تر خود بخواهید که ظرف را روی اجاق بگذارد تا آهسته به جوش آید.



۵. مخلوط میوه و فندق باید ۲۰ دقیقه به آرامی بجوشد. پس از سرد شدن، با ملاقه‌ای دسر آماده را در کاسه‌ای بریزید.

ماهی‌ها و صدف‌ها

در اواخر آخرین عصر یخی، در حدود ۱۲،۰۰۰ سال قبل، هوای زمین شروع کرد به گرم‌شدن. آب حاصل از ذوب‌شدن یخ‌ها در دشت‌های کم ارتفاع جریان یافت و دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و مرداب‌ها را پرآب‌تر ساخت. درختان در صحراها و علفزارها روییدند و گروه‌های شکارچی به‌تدریج در اردوگاه‌ها مستقر و برخی در ساحل دریاها، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها ماندگار شدند. برای بسیاری از مردم، ماهی و حلزون به‌تدریج تبدیل به مهم‌ترین منبع غذایی شد. بشر در ساحل دریاها به دنبال انواع و اقسام صدف‌ها و حلزون‌ها بود، از صدف دو کفه‌ای گرفته تا صدف حلزونی و صدف خوراکی و خرچنگ. بشر آن دوران ماهی و فک و مرغ دریایی هم شکار می‌کرد. رودخانه‌ها و دریاچه‌ها مملو از انواع ماهی و حیوانات دریایی از قبیل ماهی آزاد و اردک‌ماهی و لاک‌پشت و خرچنگ خاردار و اردک و دیگر پرندگان آبی بودند. ماهیگیری معمولاً روی قایق یا از ساحل با استفاده از نیزه و چنگک و تور انجام می‌شد. معمولاً دام را که سبدی بافته‌شده از شاخه‌های بید بود، کنار سدی می‌گذاشتندکه روی جریان آب ساخته می‌شد. وقتی ماهی به این قسمت می‌رسید، در دام می‌افتاد.

شکارچی فک

روش‌های سنتی زندگی اسیکموها احتمالاً بسیار شبیه عادت‌های شکارچی-ماهیگیران ماقبل‌تاریخ است. آن‌ها هزاران سال است که در حاشیهٔ اقیانوس منجمد شمالی زندگی می‌کنند.



نیزه‌های استخوانی

این سرنیزه‌های استخوانی که در جنوب غربی فرانسه پیدا شده‌اند متعلق به ۱۲،۰۰۰ سال قبل از میلادند. این سرنیزه‌ها احتمالاً دسته‌ای چوبی داشتند و دنباله‌هایی ساخته‌شده از چرم یا رگ و پی حیوانات به آن‌ها وصل بود.

نیزه

مواد مورد نیاز: یک تکه چوب، کاتر، رنگ چوب، گل سفالگری، تختهٔ چوبی، خط‌کش، مداد، قیچی، مقوای سفید، مغار، قلم‌مو، چسب چوب، رنگ، ظرف آب، نوار چرمی یا مفتول محکم.



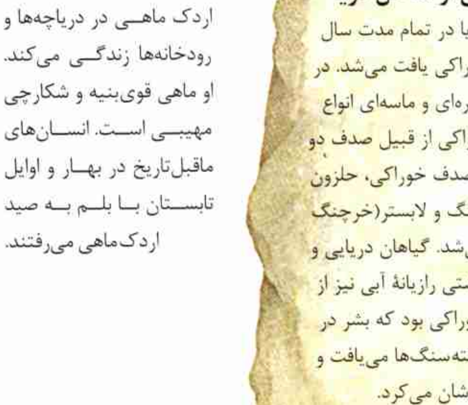
۱. از بزرگ‌تر خود بخواهید یک سر چوب را با کاتر بتراشد. کاتر را دور از بدن خود نگه دارید.



۲. چوب را با رنگ چوب رنگ کنید و بگذارید خشک شود. رنگ باعث می‌شود چوب تیره شود و کهنه‌تر و محکم‌تر به نظر برسد.



۳. تکه‌ای از گل سفالگری را روی تخته لوله کنید و زبانه‌ای به طول ۱۵ سانتی‌متر بسازید. یک سر این زبانه را گرد کنید.



غذاهایی از ساحل دریا

درساحل دریا در تمام مدت سال انواع مواد خوراکی یافت می‌شد. در سواحل صخره‌ای و ماسه‌ای انواع جانورهای خوراکی از قبیل صدف دو کفه‌ای، انواع صدف خوراکی، حلزون دریایی، خرچنگ و لابستر(خرچنگ دراز) یافت می‌شد. گیاهان دریایی و برگ‌های گوشتی رازیانهٔ آبی نیز از دیگر مواد خوراکی بود که بشر در صخره‌ها و تخته‌سنگ‌ها می‌یافت و جمع‌شان می‌کرد.



خرچنگ خوراکی



رازیانهٔ آبی



صدف دو کفه‌ای



جنگندهٔ ترسناک

اردک ماهی در دریاچه‌ها و رودخانه‌ها زندگی می‌کند. او ماهی قوی‌بنیه و شکارچی مهیبی است. انسان‌های ماقبل‌تاریخ در بهار و اوایل تابستان با بلم به صید اردک‌ماهی می‌رفتند.



ابزار ماهیگیری

قلاب‌های ماهیگیری از جنس استخوان، چوب، شاخ، صدف، یا سنگ چخماق به ریسمانی محکم وصل می‌شدند. ماهی صیدشده پیش از آن‌که به قایق انداخته شود با چماقی بی‌هوش می‌شد.

انسان‌های ماقبل تاریخ از نیزه برای صید ماهی و شکار گوزن و گاو نر وحشی استفاده می‌کردند.

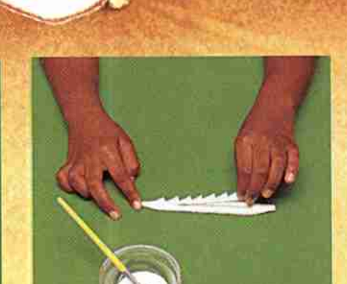


تودهٔ صدف

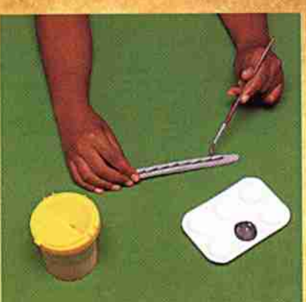
این‌ها بقایای توده‌ای از صدف‌های مخروطی نواحی گرمسیری است که در استرالیا یافته شده است. به بقایای صدف، ماهی و استخوان اصطلاحاً توده می‌گویند. باستان‌شناسان می‌توانند از این مواد به حقایق ارزشمندی دست یابند. با بررسی این توده‌ها، علاوه بر آگاهی یافتن از نوع خوراک انسان‌های دیرین، گاهی ابزاری شکسته نیز پیدا می‌شود که همراه صدف یا استخوان دور ریخته شده است.



۴. مقوای سفید را مثل تصویر به شکل دندانه‌دار ببرید. طول این نوار باید ۳×۱۰ سانتی‌متر باشد. دندانه‌ها را به دقت ببرید.



۵. با مغار روی زبانهٔ سفالی را به حدی گود کنید که دندانه‌ها داخل آن قرار گیرند. صبر کنید سفال خشک شود، بعد دندانه‌ها را به آن بچسبانید.



۶. پس از آن‌که چسب خشک شد، زبانهٔ سرنیزهٔ خود را با رنگی مناسب برای سنگ، مثلاً قهوه‌ای مایل به خاکستری، رنگ کنید.



۷. زبانه را با مفتول یا نوار چرمی محکم به انتهای برش‌خوردهٔ چوب‌تان ببندید.

شکار حیوانات



در آخریـــن عصر یخی، طایفه‌ها گله‌های بزرگ گاو نر، اســب، گوزن و ماموت را که در مزارع و صحرا پراکنده بودند شــکار می‌کردنــد. در ابتدا، آن‌ها از تبرهای سنگی و نیزه‌های چوبی برای شکار استفاده می‌کردند. بعدها اســتفاده از نیزه‌هایی با دندانه‌هایی از سنگ چخماق یا استخوان رایج شد و پرتاب‌کنندگان نیــزه عادت کردند که نیزه‌های خود را با شــتاب هر چه بیش‌تر تا مســافت‌های دورتری پرتاب کنند. یا مستقیماً به حیوانات حمله می‌شــد یا آن‌ها را در تله می‌انداختند. راه دیگر آن بود که گله‌ای به ســمت دام یا صخره‌ای رمانده شــود. این روش برای فراهم‌آوردن گوشــت فراوان مناسب بود. با گسترش جنگل‌ها، حیوانات جنگلی با تیر و کمان شــکار می‌شــدند. در حدود ۱۲،۰۰۰ سال قبل از میلاد، شکارچیان از سگ‌های تربیت‌شده برای تعقیب شکار استفاده می‌کردند.

از همهٔ اعضای حیوانات شکار شده استفاده می‌شد. گوشت حیوان یا پخته و مصرف می‌شد یا خشک می‌شــد تا بعدها مصرف شود. از پوست حیوان برای درســت کردن لباس و از چربی آن برای روشنایی استفاده می‌کردند. از شاخ و استخوان وی نیز سلاح و ابزار می‌ساختند.

کنده‌کاری نقش حیوانات

تصویــر گاو نــری که پشــتش را می‌لیسد حدود سال ۱۲،۰۰۰ قبل از میــلاد روی شــاخ گوزنی کنده شــده اســت. این شــیء احتمالاً بخشی از وســیلهٔ پرتاب نیزه بود. شــکارچیان معمــولاً ســلاح‌های خود را با نقش حیواناتی که شکار می‌کردند، می‌آراستند.



نقش گاو نر روی دیوارهٔ غار

این دو گاو نر حدود ۱۶،۰۰۰ ســال قبل از میــلاد روی دیــوارهٔ غاری در فرانســه نقش زده شــده‌اند. روی دیوارهٔ غارهایی در جنوب غربی فرانســه و شمال اسپانیا تصاویر بزرگی به انــدازهٔ واقعی حیواناتی که در آن دوران شــکار می‌شدند کشیده شده است. شکارچیان ماقبل‌تاریخ مسیر معمول مهاجرت حیوانات بزرگ‌جثه مثل گاو نر و گوزن را می‌شناختند. آن‌ها دنبال حیوانــات ضعیــف و مریض بودنــد تا در لحظاتی خاص، مثلاً هنگام عبور حیوانات از رودخانه، به آن‌ها حمله کنند.

شکارچی ماموت

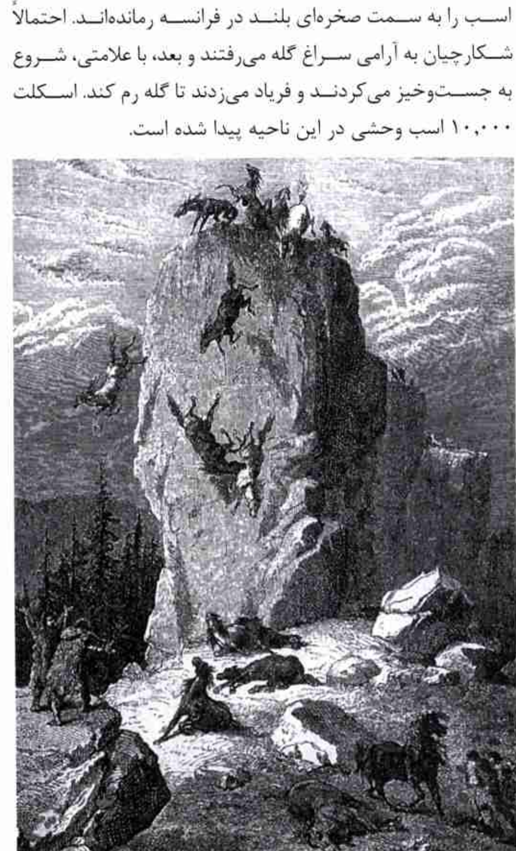
پیکرهٔ این ماموت پشمالو از استخوان کتف یک حیوان تراشیده شده است. شکارچیان به صورت گروهی به شکار این پستان‌داران عظیم‌الجثه می‌رفتند که هر یک غذای یک خانواده را تا ماه‌ها تأمین می‌کرد.

چرخهٔ شکار

در این چرخه حیواناتی را می‌بینید که انسان‌های نخستین ساکن جنوب غربی فرانسه در فاصلهٔ سال‌های ۳۳،۰۰۰ تا ۱۰،۰۰۰ قبل از میلاد شکار می‌کردند. تنوع حیوانات شکاری بسیار زیاد بود. انسان‌ها، در فصول مختلف سال، مسیر معمول مهاجرت حیوانات مختلف را می‌بستند و آن‌ها را شکار می‌کردند.

پرتگاه مرگ

در تصویر حکاکی شدهٔ زیر،گروهی شکارچی را می‌بینیم که گله‌ای اسب را به سمت صخره‌ای بلند در فرانسه رانده‌اند. احتمالاً شکارچیان به آرامی سراغ گله می‌رفتند و بعد، با علامتی، شروع به جست‌وخیز می‌کردند و فریاد می‌زدند تا گله رم کند. اسکلت ۱۰،۰۰۰ اسب وحشی در این ناحیه پیدا شده است.





گاو عنبر

امروزه یکی از معدود پستان‌داران بزرگی که می‌تواند از زمستان‌های سخت صحرا جان به در ببرد گاو عنبر است. اندام حجیم این حیوان را لایهٔ ضخیمی از پشم زبر و انبوه پوشانده است. در طول آخرین عصر یخی، شکار گاو عنبر به شدت در اروپا، آسیا و شمال امریکا رواج داشت.

نخستین کاشته‌ها

در حدود ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد، انسان ساکن خاور نزدیک برای تأمین خوراک خود شروع کرد به پرورش محصولات زراعی. بشر به‌جای جمع‌آوری صرف دانه‌های گیاهان خودرو، مثل جو و گندم، قسمتی از آن را نگه می‌داشت. سپس سال بعد این دانه‌ها را می‌کاشت تا محصولی به دست آورد. نخستین کشاورزان به محض این‌که به فکر کنترل منابع غذایی خود افتادند، دریافتند که با یک زمین زراعی کوچک می‌توان غذای جمعیت زیادی را تأمین کرد. بشر برای پرورش محصول و حفظ کاشته‌های خود زندگی در مکانی ثابت را آغاز کرد. در طول ۵۰۰۰ سال بعد، زراعت از خاور نزدیک به غرب آسیا، اروپا و افریقا راه یافت. علاوه براین، کشاورزی در دیگر نقاط آسیا در حدود ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد و در امریکا حدود ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد رواج یافت.

نخستین کشتزارها در روستاهای مرتفع شکل گرفتند، جایی که گندم و جو خودبه‌خود می‌رویید و آن‌قدر باران می‌بارید که محصول رشد کند. با افزایش جمعیت، روستاهایی کنار رودخانه‌ها شکل گرفت و کشاورزان در این نواحی در اوقات خشک سال با استفاده از آب رودخانه می‌توانستند مزارع خود را آبیاری کنند.

ابزار سنگی

این تکه چخماق تیغه‌ای، لبهٔ یک کج‌بیل است و در حدود سال‌های ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی از آن در امریکای شمالی استفاده می‌شد. این ابزار بسیار شبیه کج‌بیلی است که کشاورزان اولیه برای کندن زمین از آن استفاده می‌کردند. با چنگک‌هایی که از شاخ گوزن ساخته می‌شد روی دانه‌های کاشته‌شده را می‌پوشاندند. محصول را نیز با داس‌های تیزی که از سنگ چخماق ساخته می‌شد، درو می‌کردند.



برنج خودرو

برنج گیاهی است که در نواحی گرم و مرطوب، همچون مرداب، می‌روید. برنج برای نخستین شکارچیان-گردآورندگان غذای ساکن نواحی ساحلی جنوب آسیا غذای بسیار مناسبی بود. دانه‌های رسیدهٔ برنج جمع‌آوری می‌شد و آن را نگه می‌داشتند تا در فرصتی مناسب، در مواقعی که منابع غذایی دیگر کم‌تر در دسترس بودند از آن استفاده کنند. دانهٔ برنج را می‌توانستند ماه‌ها نگه دارند.



تیغهٔ داس

این تیغهٔ چخماقی داس را روی دستهٔ چوبی جدیدی سوار کرده‌اند. خوشه‌های رسیدهٔ گندم یا با دست چیده می‌شد یا با وسیله‌ای شبیه این داس.

کاشته‌های دنیا

نخستین گیاهانی که پرورش یافتند یا کاشته شدند، گیاهانی بودند که به شکلی خودرو در منطقه‌ای می‌روییدند. گندم و جو خودرو در خاور نزدیک می‌رویید. در هندوستان، چین و آسیای غربی در حدود سال ۵۰۰۰ قبل از میلاد برنج کاشته و خیلی زود به منبع اصلی غذای ساکنان این نواحی بدل شد. در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد در مکزیک کشاورزان به پرورش کدو، ذرت و لوبیا پرداختند. در قسمت جنوبی‌تر رشته‌کوه‌های آند (Andes) محصولات اصلی عبارت بودند از سیب‌زمینی، سیب‌زمینی شیرین و ذرت.

ذرت

کدو تنبل

آسیاب کردن غلات

این آسیاب سنگی — یا آسیاب دستی — ۶۰۰۰ ساله است. از این آسیاب برای تهیهٔ آردی ناخالص از غلات برای پختن نان یا پوره استفاده می‌شد. غلات را روی سطح سنگ زیرین می‌گذاشتند و با حرکت‌دادن سنگ سنگین رویی آن را آرد می‌کردند. آردی که به این ترتیب تهیه می‌شد، اغلب مقدار زیادی ریگ داشت. برای درست کردن نان، به آرد آب می‌افزودند. بعد مخلوط را به شکل ورقه‌ای درمی‌آوردند و در اجاقی سفالی می‌پختند.



مسیر مستقیم

در فاصلهٔ سال‌های ۴۰۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد گذرگاه‌های متعددی در میان مرداب‌های جنوب انگلستان ساخته شد. در برخی موارد، این گذرگاه‌ها نواحی مسکونی را به مزارع مجاور متصل می‌کردند. الوارهای باریک و بلندی که در تصویر می‌بینید، اطلاعات فراوانی در مورد جنگل‌های مجاور به دست می‌دهد. درختان به صورت بیشه‌ای روینده می‌شدند، به این ترتیب که جوانه‌های باریک روییده بر درخت‌های قطع‌شدهٔ فندق هر چند سال یک بار برداشت می‌شدند.



پلکان

این تپهٔ پلکانی در کوه‌های آند پرو شکل گرفته است. در نواحی کوهستانی باران‌خیز، برخی از کشاورزانِ نخستین دامنهٔ شیب‌دار تپه‌ها را به شکل پلکانی درست می‌کردند. این پله‌ها باعث می‌شد که از تمام خاک برای کاشت محصول استفاده شود. بدین ترتیب، از سایش و فرسایش خاک جلوگیری می‌شد. هدف دیگر کشاورزان از پلکانی کردن تپه‌ها تسهیل آبیاری محصولات بود. یکی از نخستین محصولات کاشته شده در پرو سیب‌زمینی بود که به راحتی در نواحی مرتفع بالاتر از سطح دریا می‌رویید.

رام کردن حیوانات

تقریباً هم‌زمان با رواج کشاورزی، بشر به رام کردن حیوانات وحشی هم پرداخت. هزاران سال پیش از آن که بشر به فکر نگه‌داری حیوانات بیفتد، گله‌های وحشی بز، گوسفند، خوک و گاو را شکار می‌کرد. شاید هدف شکارچیان از نگه‌داری حیوانات وحشی، دسترسی آسان به آن‌ها بود. این حیوانات به‌تدریج به بشر خو گرفتند و اهلی‌تر شدند. احتمالاً نخستین بار حدود ۸۵۰۰ سال قبل از میلاد انسان‌های ساکن خاورنزدیک از گوسفند و بز به این شیوه نگه‌داری کردند.

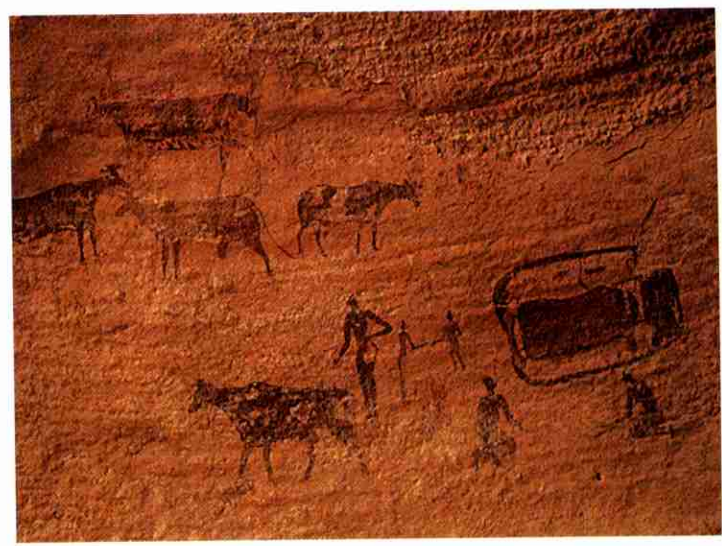
دامپروران چندی بعد متوجه شدند که بچه‌های حیوانات بزرگ نیز اغلب عظیم‌الجثه‌اند. به همین علت، تصمیم گرفتند فقط به بهترین نوع حیوانات اجازهٔ جفت‌گیری دهند. بدین ترتیب، حیوانات خانگی به‌تدریج قوی‌تر و بزرگ‌تر از گونه‌های وحشی خود شدند. علاوه بر حیوانات چهارپا، ماکیان هم برای استفاده از تخم و گوشت‌شان اهلی شدند. در امریکای جنوبی، علاوه بر اردک و خوکچهٔ هندی، لاما را برای استفاده از گوشت و پشم پرورش می‌دادند. در جنوب شرقی آسیا خوک مهم‌ترین حیوان اهلی به شمار می‌آمد.

گاوهای وحشی

این گاو، نوعی گاو نر وحشی است. این حیوان جد کبیر گاوهای اهلی امروزی است. رام کردن این حیوان عظیم‌الجثه و خشمگین بسیار سخت‌تر از نگه‌داری گوسفند و بز بود. احتمالاً گاوهای وحشی در حدود ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد رام شدند. نسل گاو مذکور در سال ۱۶۲۷ میلادی منقرض شد. در دههٔ سی‌ام سدهٔ بیست، یک زیست‌شناس آلمانی با اختلاط نژادهای اهلی‌ای مانند فریه‌سیان (Friesian) و هایلند (Highland) این گونهٔ منقرض شده را دوباره به وجود آورد.

اسب وحشی

اسب غذای مورد علاقهٔ انسان شکارچی-گردآورندهٔ غذا در ماقبل‌تاریخ بود. مجسمهٔ این اسب وحشی در آلمان پیدا شده است. سال ساخت آن را حدود سال ۴۰۰۰ قبل از میلاد تخمین زده‌اند. تصویر اسب اغلب بردیوارهٔ غارها نیز دیده می‌شود. احتمالاً بشر نخستین بار در حدود سال ۴۴۰۰ قبل از میلاد در روسیه به رام کردن اسب پرداخت. در امریکا نسل اسب وحشی به علت شکار مفرط در سال ۹۰۰۰ قبل از میلاد منقرض شد. کاشفان اروپایی درسال‌های ۱۵۰۰ میلادی دوباره اسب را به امریکا بردند.



دامپروران صحرانشین

احتمالاً گله‌های کوچک گاوهای وحشـی نخسـتین بار در صحرا و خاور نزدیک اهلی شدند. این نقاشـی روی سـنگ در ناحیهٔ تسـیلی نعجر (Tassili N'Ajjer) در صحرا یافت شـده است. این نقاشـی در حدود سـال ۶۰۰۰ قبل از میلاد در دورانی کشیده شده که بخش اعظم ناحیهٔ صحرا پوشـیده از علفزار و دریاچه‌های کم‌عمق بود. در این تصویر دامپرورانی را کنار گلهٔ گاوهای‌شان در بیرون از خانه می‌بینیم.

دینگو و سگ

دینگو سگ وحشی استرالیاسـت. این سگ از نسل سگ‌های رامی اسـت که بومیان اسـترالیا در حدود ۱۰,۰۰۰ سـال قبل با خود به این ناحیه بردند. احتمالاً سـگ‌ها نخستین حیواناتی بودند که اهلی شدند. پیشینیانِ گرگ آن‌ها برای کمک به شکارچی‌ها و بعدها برای کمک در دامـداری و حفاظـت از اموال رام شـده بودند. در شمال امریکا، از سـگ‌ها برای حمل‌ونقـل و کشـیدن سورتمه استفاده‌می‌شد.



لاما

لاما حدود ۳۵۰۰ سـال قبل از میلاد در مرکز پرو اهلی شـد. هدف از پرورش لاما استفاده از گوشـت و پشـم این حیـوان بود، اما بعدها از آن برای حمل و نقـل غذا و کالا به نواحی دوردسـت نیز استفاده شد. بشر، آلپاکا (Alpaca)، شتر بی‌کوهان ساکن امریکا را نیز که از خویشاوندان لاماست رام کرد تا از پشمش استفاده کند.

بز و گوسفند

تصاویر نقش‌بسـته روی صخره‌های ناحیهٔ صحرا نشـان می‌دهند که بز و گوسفند از اولین حیوانات اهلی بودند . هدف بشر از نگه‌داری این حیوانات استفاده از شیر، گوشت، پوست و پشم‌شان بود. این حیوانات هنوز هم از اصلی‌ترین دام‌های ساکن مزارع‌اند.



تکنولوژی سنگ

انسان عصر حجر ابزارساز ماهری بود. او از تیغه‌های سنگ چاقو، سرنیزه، پیکان، ابزار حفاری و ابزار مخصوص سوراخ‌کردن و خراش‌دادن می‌ساخت. حدود دو و نیم میلیون سال قبل، بشر نخستین دریافت که با شکستن سنگ لبه‌های تیزی به دست می‌آید. بعدها متوجه شد که سنگ چخماق برای این منظور بهترین نوع سنگ است. او با پتکی سنگی آن‌قدر به تکه سنگ‌های چخماق ضربه می‌زد تا به شکل و تیزی مورد نظرش برسد. نخستین ابزار سنگی تبرهای دستی بودند که از آن‌ها برای حفاری زمین و قطعه‌قطعه‌کردن حیوانات استفاده می‌شد. با افزایش مهارت بشر، ساختن ابزار کوچک‌تر مثل اسکنه‌های ریز نیز شروع شد. با این ابزار ظریف نیز از شاخ و استخوان، نیزه، سرنیزه، سوزن و کمان می‌ساختند.

ابزار اولیه

این قلوه سنگ‌های قطعه‌قطعه‌شده که در تانزانیای افریقا کشف شده‌اند از کهن‌ترین ابزاری‌اند که تاکنون یافت شده‌اند. انسان هومو هابیلیس در حدود دو میلیون سال قبل این ابزار ابتدایی را ساخت.







ورقه‌ورقه‌کردن

انسان‌های نئاندرتال و هومو ساپینس در ابزارسازی به مراتب ماهرتر از پیشینیان خود بودند. آن‌ها با ورقه‌ورقه‌کردن قطعات سنگ چخماق تبر دستی (تصویر چپ و وسط) و ابزار برش (تصویر راست) می‌ساختند. تبرهای دستی نوک‌تیز و بیضی شکل مصارف گوناگونی داشتند.



معادن سنگ چخماق

این‌جا معدن چخماق گرایمز گریو (Grimes Graves) در ناحیهٔ نورفولک (Norfolk) انگلستان است که در حدود سال ۲۸۰۰ قبل از میلاد سنگ چخماق از آن استخراج می‌شد. معدنچیان چخماق را به جاهایی که این سنگ در آن‌ها وجود نداشت می‌بردند و با آن داد و ستد می‌کردند.

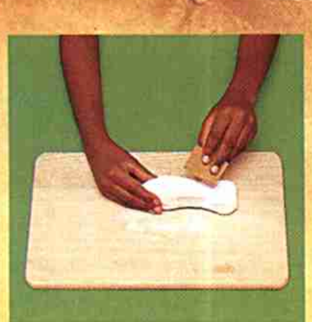
ساختن تبر

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته، ابزار برش، سمباده، رنگ آکریلیک خاکستری، رنگ چوب، ظرف آب، قلم‌مو، یک تکه چوب ضخیم، کاتر، خط‌کش، جیر و قیچی.

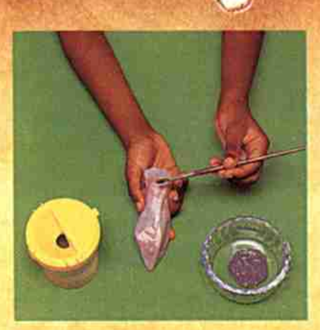




۱. سفال را با ابزار برش به شکل قطعه‌ای قطور در آورید. یک سر قطعهٔ سفالی را به شکل سر تبر ببرید و سر دیگرش را تیز کنید.



۲. پس از این که سفال کاملاً خشک شد، به‌آرامی سطح آن را با سمباده بسابید تا ناهمواری‌ها صاف شوند.



۳. سر تبر را با رنگی شبیه رنگ سنگ، مثلاً طوسی، رنگ کنید. در صورت تمایل می‌توانید از چندین سایهٔ رنگ استفاده کنید. صبر کنید رنگ خشک شود.

نوک نیزه

انسان کروماگنون از ورقه‌های باریک و بلند چخماق ابزار می‌ساخت. این سرنیزهٔ برگی‌شکل را ابزارسازان بسیار ماهری در حدود ۲۰,۰۰۰ سال قبل ساخته‌اند. شکل ظریف و مسطح آن با زدن ضربه‌هایی ظریف و یکنواخت بر کل سطح به دست آمده است.



آموزش ابزارسازی

انسان عصر حجر به تدریج به کیفیت ابزار خود وابسته و وابسته‌تر می‌شد. در این صحنهٔ بازسازی شده، پدری را می‌بینید که مهارت خود را در ساخت ابزار به پسرش منتقل می‌کند.

سنگ‌هایی برای ساختن ابزار

قلوه‌سنگ چخماق اغلب در صخره‌های آهکی، به‌خصوص صخره‌های گچی، یافت می‌شود، پس دسترسی به آن نسبتاً آسان بود. اما از سنگ‌های دیگر هم برای ساختن ابزار استفاده می‌شد. در خاور نزدیک و مکزیک از سنگ آتشفشانی آبسیدین (Obsidian)، که از گدازه‌های سرد شکل می‌گرفت، به وفور استفاده می‌شد. این سنگ به راحتی می‌شکست و لبه‌های تیزی داشت. در بخش‌هایی از افریقا، از سنگ کوارتز تبرهای دستی و ساطورهایی بادوام و زیبا می‌سازند. در دوران نوسنگی از سنگی به نام دیوریت (Diorite) برای ساختن سرتبرهای صیقل‌یافته استفاده می‌شد.

کوارتز

چرت (نوعی سنگ چخماق)

تبرهای سنگی

در اواخر عصر نوسنگی، این تبرهای سنگی ظریف مهم‌ترین اسلحه در ناحیهٔ اسکاندیناوی محسوب می‌شدند. تبر حدود سال ۱۸۰۰ قبل از میلاد ساخته شد.



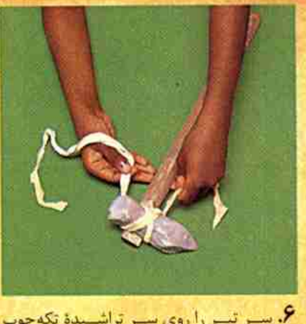
انسان ماقبل تاریخ از تبر برای بریدن چوب و گوشت استفاده می‌کرد. آن‌ها تیغه‌ای سنگی می‌ساختند و بعد این تیغه را با ریسمانی به دسته‌ای چوبی می‌بستند.



۴. از بزرگ‌تر خود بخواهید که یک سر تکه‌چوب‌تان را کمی بتراشد. برای این کار از کاتر استفاده کنید و مراقب باشید. با رنگ چوب آن را رنگ بزنید و بگذارید خشک شود.



۵. از پارچهٔ جیر نوار بلندی به قطر ۲/۵ سانتی‌متر ببرید تا با آن بتوانید سر تبر را به دسته ببندید.



۶. سر تبر را روی سر تراشیدهٔ تکه‌چوب قراردهید و نوار جیر را به شکل هفت و هشت (زیگزاگ) دور سر تبر و دسته‌اش ببندید.



۷. نوار را سفت بکشید و دو سر آن را دوبار دور دسته بپیچانید و گره بزنید. اضافهٔ نوار را قیچی کنید.



کنده‌کاری روی چوب و استخوان

ایـن عصـر، عصر حجر نامیده می‌شـود، اما در آن چوب و اسـتخوان و شـاخ و عاج نیز در سـاخت ابزار و وسایل همان‌قدر اهمیت داشـتند که سنگ. نه‌تنها با ابزاری سـنگی می‌شد روی این مواد کنده‌کاری کرد، بلکه از چوب و استخوان و شـاخ نیز برای کنده‌کاری روی سـنگ اسـتفاده می‌شـد. با این وسـایل، لبه‌های تیزتر و ورقه‌های نازکی از سـنگ به دست می‌آمد. شـاخ، عاج، چوب و اسـتخوان مصارف گوناگونی داشتند. از نوک شـاخ برای بیرون‌آوردن ریشهٔ گیاهان و شکسـتن تکه‌های سنگ استفاده می‌شد. از استخوان و شـاخ نیزه‌انداز درسـت می‌شـد و برای درست‌کردن سـوزن، قلاب ماهیگیری، سـرنیزه و چاقـو نیز از عاج و شـاخ و اسـتخوان اسـتفاده می‌کردنـد. از چوب برای نیزه‌ها، تبرها، داس‌ها و تیشه‌های‌شـان دسته می‌ساختند و این ابزار را برای شـکل‌دادن به چوب و نیز ساختن تیر و کمان به کار می‌بردند. از اسـتخوان کتـف گاو وحشـی بیل می‌سـاختند و از اسـتخوان‌های کوچک‌تر درفش درسـت می‌کردند که ابزار مخصوص ایجاد سوراخ‌های ظریف بود. از اسـتخوان‌های ریزتر سوت و ظروف کوچکی برای نگه‌داری رنگ می‌ساختند. روی تمام این ابزار اغلب تصاویر زیبایی از حیوانات شـکار شـده و طرح‌های تزیینی حک می‌شـد.

نیزه‌انداز

این برش از استخوان سر گوزن احتمالاً بخشی از یک نیزه‌انداز است. روی سطح چوب، استخوان و شاخ شکاف‌ها و ترک‌هایی طبیعی وجود دارد. حکاکان ماقبل‌تاریخ با استفاده از این شکاف‌ها و ترک‌ها تصاویر مورد نظر خود را به شکل حیوانات حکاکی می‌کردند یا نقش بینی، چشم‌ها و دهان حیوانی را با خطوط طبیعی روی سطح این مواد ربط می‌دادند. در کنده‌کاری‌های دیوارهٔ غارها نیز از شکل طبیعی صخره استفاده‌می‌شد.

تیشه

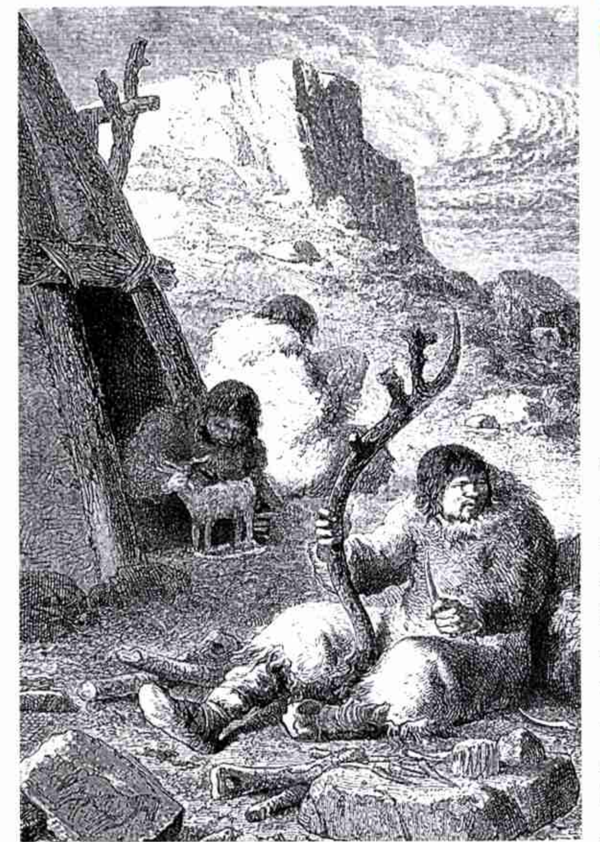
تیشـه کمی شـبیه تبر بود، با این تفاوت که تیغهٔ آن به صورت قائم به دسته وصل می‌شد. تیغهٔ سـنگی این تیشه ۴۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سـال قبل از میلاد سـاخته شده است. دسته و ریسمان متصل‌کنندهٔ تیغه به دسـته پوسـیده بود، بـه همین علت، دسـته و ریسمان جدیدی جایگزین آن‌ها شـده اسـت. از این ابزار با حرکت دست به سـمت بالا و پایین برای کارهایی نظیر خالی‌کردن تنهٔ درخت به منظور ساختن بلم استفاده می‌شد.

تبر

کشـاورزان نخسـتین برای آماده‌کردن زمین برای کاشت محصول به تبر احتیاج داشـتند. تجربه‌ای در دانمارک با استفاده از تبری ۵۰۰۰ ساله ثابت کرد که بشر می‌تواند یک هکتار جنگل را در عرض پنج هفته برای کشـت و زرع آماده کند. به این سـرتبر که قدمت آن به ۴۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد، دستهٔ چوبی جدیدی اضافه شده است.

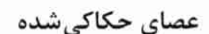
نوک شاخ

شاخ برای انسان ماقبل‌تاریخ همان‌قدر مفید بود که برای صاحب اصلی‌اش! این ابزار در مکانی متعلق به دوران نوسنگی در ایوبری (Avebury) انگلستان پیدا شده است. از نوک تیز شاخ برای حفاری و کندن سنگ استفاده می‌شد. شاخ وسیله‌ای بود که کاربردهای گسترده‌ای داشت. می‌شد از آن نیزه و سرنیزه و سوزن و کمان ساخت.



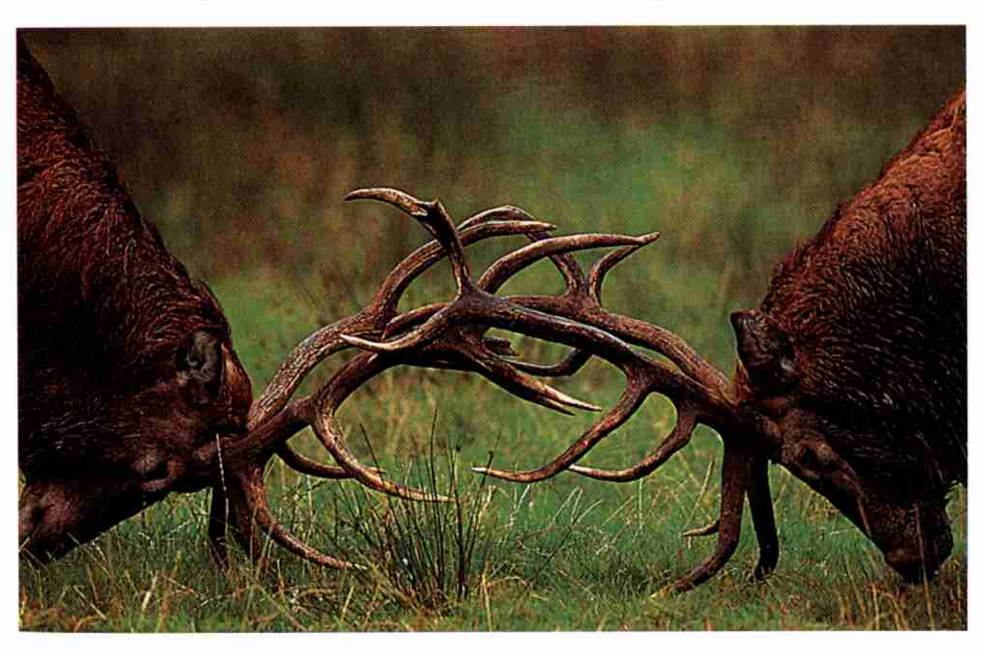
صنعتگران

در این حکاکی، ذهنیت یک هنرمند اوایل قرن نوزدهم را از زندگی عصر حجر مشاهده می‌کنید. در این تصویر می‌بینیم که بشر از ابزار استفاده می‌کرد و کارهایش را با دقت انجام می‌داد. حتی لوازم روزمره هم اغلب با دقت و ظرافت کنده‌کاری می‌شدند و صنعتگران سازندهٔ این ابزار به دقت آن‌ها را تزیین می‌کردند.



عصای حکاکی‌شده

این شیء عاجی به «عصای حکمرانی» معروف است. عصاهای فراوانی از این دست، به خصوص در فرانسه، پیدا شده است اما کسی نمی‌داند مورد مصرف دقیق این وسیله چه بوده است. برخی از کارشناسان معتقدند که عصا نشانهٔ تشخص و حمل آن بیانگر اهمیت فرد بود. برخی دیگر معتقدند که از سوراخ‌های روی این شیء برای مستقیم نگه‌داشتن تیرِ کمان استفاده می‌شد. مورد استفادهٔ عصا هر چه بود، اغلب با نقوش ظریف حیوانات و اشکال هندسی تزیین می‌شد.



کاربرد شاخ

دو گوزن نر با هم می‌جنگند. گوزن نر شاخ‌های بزرگی دارد که از آن در جنگ بر سر زمین و جفت استفاده می‌کند. این شاخ‌ها هر سال می‌افتند و جای‌شان شاخ جدیدی می‌روید، پس هنرمندان و شکارچیان ماقبل‌تاریخ همواره مواد اولیه‌ای برای کار خود داشتند.

صنایع دستی

احتمالاً نخستین صنایع دستی بشر سبدبافی با نی‌های رودخانه‌ها و شاخ و برگ درختان بود. سبدها سریع بافته و راحت هم حمل می‌شدند، اما عمر چندانی نداشتند. سفال دوام بیش‌تری داشت. کشف این‌که پختن سفال عمر آن را طولانی‌تر می‌کند احتمالاً اتفاقی بوده است، شاید روزی یک سبد سفالی آویخته شده تصادفی داخل آتش افتاده باشد. پیکره‌های سفالی پخته‌شده از ۲۴،۰۰۰ سال پیش از میلاد ساخته می‌شدند، اما هزاران سال طول کشید تا بشر فهمید که می‌تواند از سفال برای پختن غذا، و نگه‌داشتن مواد غذایی و نوشیدنی هم استفاده کند. نخستین کوزه‌ها حدود ۱۰،۵۰۰ سال قبل از میلاد در ژاپن ساخته شدند. کوزه‌ها را از حلقه‌های سفالی یا تکه‌های سفال می‌ساختند. سطح خارجی کوزه‌ها پیش از حرارت‌دیدن در اجاق‌های سر باز یا کوره صاف می‌شد و رویش نقوشی را نقش می‌زدند. از دیگر اختراعات انسان عصر نوسنگی دستگاه بافندگی بود که در حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد اختراع شد. احتمالاً نخستین پارچه‌ای که بافته شد از جنس پشم، پنبه یا کتان بود که می‌شد از آنان پارچهٔ نخی بافت.

گلدان چینی

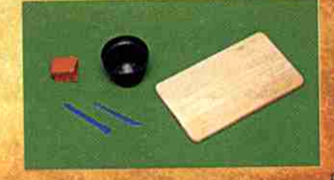
تصور این‌که از این گلدان چینی ظریف در ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد هر روز استفاده می‌شد، حیرت‌انگیز است. این گلدان در ناحیهٔ بانپو (Banpo) نزدیک شانگهای (Shanghai) ساخته‌شده‌است. اهالی بانپو از نخستین کشاورزان چین بودند. آن‌ها ارزن می‌کاشتند و سگ و خوک پرورش می‌دادند تا از گوشت‌شان تغذیه کنند. سفالگران برای موقعیت‌های مهم، ظروف سفالی سیاه رنگ مرغوبی می‌ساختند و این ظرف‌های سفالی ارزان و خاکستری رنگ را برای مصرف روزمره به کار می‌بردند.

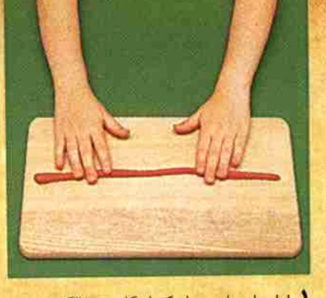
مجسمهٔ سفالی پخته‌شده

این یکی از کهن‌ترین اشیائی است که از سفال پخته درست شده است. این مجسمه یکی از چندین مجسمه‌ای است که در حدود ۲۴،۰۰۰ سال قبل از میلاد در ناحیهٔ دولنی‌وستونیس (Dolni Vestonice) جمهوری چک ساخته می‌شد. در این ناحیه، مردم ماقبل‌تاریخ ماموت و کرگدن پشمالو و اسب شکار می‌کردند. آن‌ها خانه‌هایی می‌ساختند که دارای اجاق‌های کوچک بیضوی شکلی بود و در آن‌ها این مجسمه‌ها را حرارت می‌دادند.

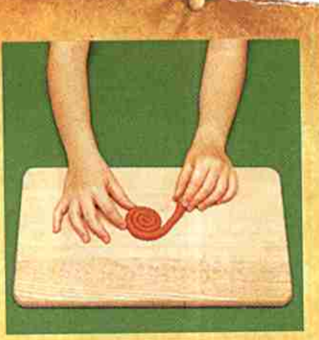
ساختن گلدان سفالی

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تختهٔ چوبی، ابزار برش، گلدان پلاستیکی، ابزار تزیین، ورنی، سمباده، قلم‌مو.

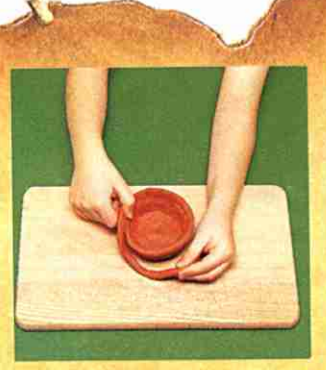




۱. لوله‌ای بلند و باریک از گل سفالگری روی تخته درست کنید. قطر این لوله باید حداقل یک سانتی‌متر باشد.



۲. لوله را به صورت حلقه بپیچانید تا قاعدهٔ گلدان درست شود. اگر قاعده کوچک باشد گلدان ساخته خواهدشد و اگر بزرگ‌تر باشد کاسه.



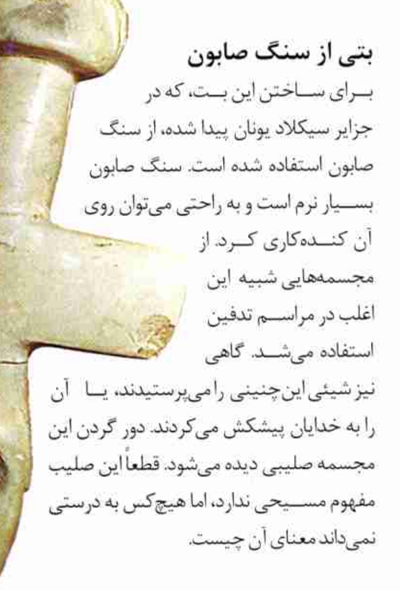
۳. حالا یک لولهٔ کلفت‌تر درست کنید. آن را با دقت روی پایه سوار کنید تا دیواره‌های گلدان ساخته شود.

ظروف خانگی



بسیاری از ظروف سفالی قدیمی به شکل سبد تزیین می‌شدند. این گلدان، که طرح هندسی ساده‌ای دارد، در حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد در تایلند ساخته شد. از ظروف سفالی مثل این، برای پختن غذا، حمل آب و نگه‌داری مواد خوراکی استفاده می‌شد.

بتی از سنگ صابون



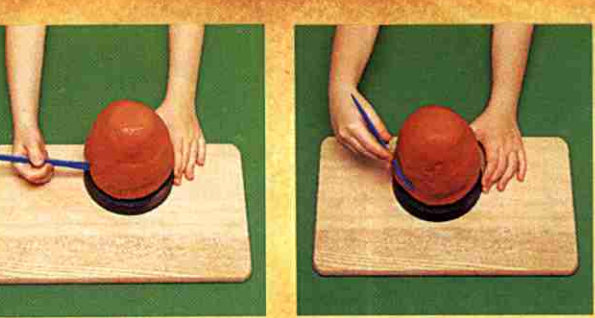
برای ساختن این بت، که در جزایر سیکلاد یونان پیدا شده، از سنگ صابون استفاده شده است. سنگ صابون بسیار نرم است و به راحتی می‌توان روی آن کنده‌کاری کرد. از مجسمه‌هایی شبیه این اغلب در مراسم تدفین استفاده می‌شد. گاهی نیز شیئی این‌چنینی را می‌پرستیدند، یا آن را به خدایان پیشکش می‌کردند. دور گردن این مجسمه صلیبی دیده می‌شود. قطعاً این صلیب مفهوم مسیحی ندارد، اما هیچ‌کس به درستی نمی‌داند معنای آن چیست.

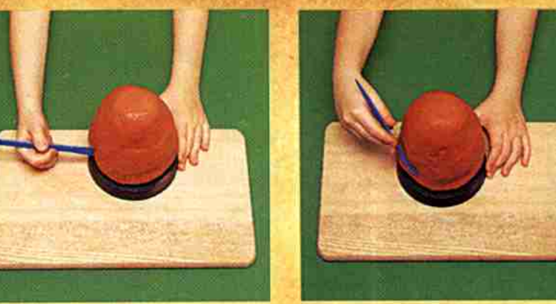


تارهای بافته‌شده

نخستین بافته‌های بشر احتمالاً شبیه این حصیر بود که در بافت آن از نی و ریسمان استفاده شده است. این حصیر حدود سال ۱۰۰۰ میلادی در نازکا (Nazca) در پرو بافته شده است. انسان‌های ماقبل‌تاریخ برای بافتن سبد و کیف از ریسمان‌های ساخته شده از بافت‌های گیاهی استفاده می‌کردند. قدیمی‌ترین بافت حدود ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد بافته و در چاتال هویوک ترکیه پیدا شده است. به دلیل فسادپذیری سریع این دست‌بافته‌ها، نمونه‌های انگشت‌شماری از آن‌ها باقی مانده است.

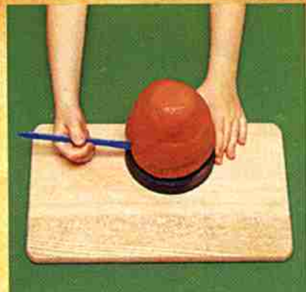
ظروف سفالی پخته‌شده تنها در نواحی‌ای ساخته می‌شدند که در آن‌ها ذخایر طبیعی خاک رس یافت می‌شد. به همین علت به نظر می‌رسد که مردم برخی نواحی در ساخت مجسمه‌ها و ظروف سفالی تخصص و مهارت بیش‌تری یافته باشند. در هر ناحیه از اشکال خاصی برای تزیین ظروف سفالی استفاده می‌شود.





۴. با ابزار برش دیوارهٔ ظرف را صاف کنید تا سطحی هموار و بدون برآمدگی داشته باشید. مراقب باشید هیچ فضایی باز باقی نماند.

۵. گلدانی را که ساخته‌اید روی گلدانی پلاستیکی قرار دهید، به گونه‌ای که گلدان پلاستیکی نقش محافظ گلدان سفالی را بازی کند. چند لولهٔ سفالی دیگر به گلدان‌تان اضافه کنید تا دیوارهٔ گلدان شکل بگیرد.



۶. اگر لولهٔ دیگری به کارتان اضافه کردید لبه‌های آن را هم صاف کنید. بعد با کاردکی دندانه‌دار طرح‌های مختلفی روی گلدان بزنید.



۷. صبر کنید گلدان خشک شود. بعد از خشک‌شدن، سطح خارجی آن را با لعاب براق کنید. سطح داخلی گلدان را سمباده بکشید تا صاف شود.

پوشاک

شکارچیان آخرین عصر یخی احتمالاً نخستین کسانی بودند که لباس می‌پوشیدند. آن‌ها برای حفظ خود در برابر سرما به لباس احتیاج داشتند. لباس‌ها متشکل بودند از تکه‌های چرم و پوست حیوانات که با نوارهایی چرمی به هم دوخته می‌شدند. نخستین لباس‌ها شامل شلوارهایی ساده، تونیک و ردا بودند که آن‌ها را با سنگ‌های رنگی، دندان حیوانات و صدف می‌آراستند. پوشیدن چکمه‌های خز که با ریسمانی چرمی به دور پا بسته می‌شد، نیز رایج بود.

پوست را می‌کشیدند و سطح آن را تمیز می‌کردند و از آن پوستین می‌ساختند. تکه‌های پارچه را می‌بریدند و در لبه‌های آن با شیء سنگی نوک‌تیزی که درفش نام داشت سوراخ‌هایی درست می‌کردند. سوزن‌های استخوانی از این سوراخ‌ها راحت‌تر رد می‌شد. از پوست‌های پاک‌شده (دباغی‌شده) برای ساختن چادر، کیف و رخت‌خواب نیز استفاده می‌شد. مدتی پس از رواج دامداری در خاور نزدیک، از پشم در بافت پارچه استفاده شد. در دیگر نقاط جهان، برای این کار از الیاف گیاهی مثل کتان، پنبه، کاکتوس و پوست درخت گنه‌گنه نیز استفاده می‌شد. برای رنگ‌آمیزی و تزیین لباس از رنگ‌های گیاهی استفاده می‌کردند.

آماده‌کردن پوست

زنی اسکیمو با دندانش پوست خوک آبی را نرم می‌کند. انسان ماقبل‌تاریخ هم که شکارچی-گردآورندهٔ غذا بود، احتمالاً از همین روش برای نرم کردن پوست استفاده می‌کرد. پوست حیوانات را نخست سفت می‌کشیدند و با میخ محکم می‌کردند و بعد سطح آن را می‌تراشیدند و تمیزش می‌کردند. سپس آن را می‌شستند، روی قابی چوبی می‌کشیدند تا وقتی خشک می‌شد چروک نشود. بعد چرم خشک را نرم می‌کردند و برای دوختن لباس آن را به قطعات مختلف می‌بریدند.

سنجاق و سوزن

این سنجاق‌های استخوانی ۵۰۰۰ ساله در ساحل سکارا در جزایر اورکنی کشف شده‌اند. بشر ماقبل‌تاریخ از قطعات ریز استخوان و شاخ، سوزن و سنجاق می‌ساخت. با ساییدن این وسایل روی سنگ سطح آن‌ها صاف و صیقلی می‌شد.

رنگ‌آمیزی پارچه

مواد مورد نیاز: رنگ‌های طبیعی مثل گردو، اقطی و رنگ کافیشه، آب‌کش، ماهی‌تابه، آب، قاشق غذاخوری، کاسه، مقوای سفید، جیر، تی‌شرت سفید، قاشق چوبی. (رنگ‌های گیاهی را می‌توان از عطاری‌ها تهیه کرد.)





۱. یکی از رنگ‌ها را انتخاب کنید و ۸ تا ۱۲ قاشق غذاخوری از آن را توی تابهٔ کهنه‌ای بریزید. شاید لازم باشد آن را قبلاً خرد و یا تکه‌تکه کنید.



۲. از بزرگ‌تر خود بخواهید رنگ را بجوشاند و یک ساعت آن را روی اجاق نگه دارد. بعد از سرد شدن، جوشانده را از آب‌کش رد کنید تا تفالهٔ آن جدا شود.



۳. برای امتحان یک تکه جیر را در رنگ فرو کنید و چند دقیقه آن را توی رنگ نگه دارید. بهتر است دستکش پلاستیکی به دست کنید.

رنگ‌های طبیعی

انسان عصر حجر از ساقه، برگ، ریشه و گل بسیاری از گیاهان برای ساختن رنگ استفاده می‌کرد. گل‌های گل جارو و بابونه طیفی از رنگ‌های درخشان زیبا، از زرد روشن گرفته تا خاکی، ایجاد می‌کنند. از گیاهانی مثل نیل و ایساتیس طیف‌های آبی تیره و از پوسته، ریشه و برگ درخت گردو قهوه‌ای سیر به دست می‌آید. از گیاهان برای آماده‌کردن پوست نیز استفاده می‌شد. برای نرم‌کردن پوست آن را همراه چند تکه از پوست درخت بلوط درون ظرف آبی می‌انداختند.





مواد اولیه

در این حکاکی یک شکارچی اسکیمو را در حال شکار فک در قطب می‌بینیم. از پوست حیوانات برای تهیهٔ پوشاک، از رگ و پی‌شان برای درست‌کردن ریسمان و از استخوان‌های‌شان برای ساختن سوزن استفاده می‌شد. لباس‌های ساخته شده از پوست حیوانات جلوی نفوذ آب و سرما را می‌گرفتند و باعث می‌شدند مردم بتوانند در نواحی شمالی‌تر کرهٔ زمین زندگی کنند.



گرم نگه‌داشتن

این زن اهل ناحیهٔ ننت (Nenet) در سیبری روسیه کتی از جنس پوست گوزن به تن دارد که به آن یاگوشکا (*Yagushka*) می‌گویند. احتمالاً انسان‌های ماقبل‌تاریخ هم برای در امان نگه‌داشتن خود از سرما چنین لباسی می‌پوشیدند. پوشیدن شلوارهای ضدآب و نیم‌تنه‌های کلاه‌دار و چکمه و دستکش‌های تک‌انگشتی نیز رایج بود.



جوراب‌های علفی

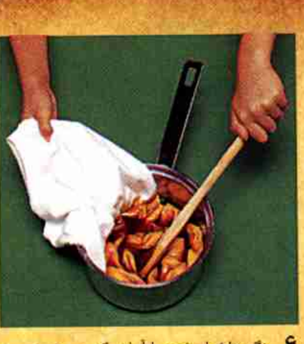
تا همین چندی پیش، اسکیموهای شمال امریکا در تابستان علف جمع می‌کردند تا بعدها از آن جوراب ببافند. جوراب‌ها به شکلی درست می‌شدند که کاملاً قالب پا بودند. این جوراب‌ها را زیر چکمه‌هایی می‌پوشیدند که از چرم فک ساخته می‌شد.



۴. تکه جیر را روی مقوایی سفید بگذارید تا خشک شود. مراقب باشید رنگ روی لباس یا وسایل‌تان نریزد.



۵. دو رنگ دیگر را هم به همین روش تهیه و امتحان کنید. با مقایسهٔ نمونهٔ رنگ‌ها، رنگ دلخواه خود را انتخاب کنید.



۶. رنگ دلخواه خود را آماده کنید و تی‌شرت سفید رنگ را با آن رنگ کنید. مراقب باشید تی‌شرت یک‌دست رنگ شود.



برای رنگ‌آمیزی لباس، گل‌های کافیشه را به محض گل دادن می‌کندند و خشک می‌کردند.

زیورآلات و تزیینات

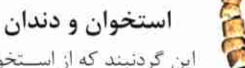
در عصر حجر، هم مردان و هم زنان از زینت‌آلات استفاده می‌کردند. از هر چه در طبیعت یافت می‌شد گردنبند و آویز می‌ساختند. سنگ‌ریزه‌های خوش‌رنگ، لاک حلزون، استخوان ماهی، دندان حیوانات، صدف، پوستهٔ تخم‌مرغ، میوه‌های مغزدار و دانه‌های گیاهان همه و همه جنبهٔ تزیینی داشتند. بعدها، کهربای نیمه‌قیمتی، یشم، کهربای سیاه فسیل‌شده و دانه‌های سفالی دست‌ساز نیز برای این منظور ساخته شدند. دانه‌ها را با استفاده از ریسمانی چرمی یا ساخته شده از بافت‌های گیاهی به نخ می‌کشیدند.

از دیگر جواهرات می‌توان به دستبند ساخته شده از تکه‌های عاج ماموت و فیل اشاره کرد. از رشته‌های صدف و دندان حیوانات سربندهای زیبایی می‌ساختند. زنان موهای خود را می‌بافتند و با شانه و سنجاق آن را روی سر جمع می‌کردند. مردم احتمالاً بدن و دور چشمان‌شان را با رنگ‌دانه‌هایی چون اخرای سرخ می‌آراستند. برخی هم بدن خود را خال‌کوبی یا سوراخ می‌کردند.



لباس آیینی

سربندهای عجیب، نقاشی‌های روی صورت و جواهرات حیرت‌انگیزی را که هنوز هم در آیین‌های خاص ناحیهٔ پاپوا در گینهٔ نو کاربرد دارند می‌توان یادآور غنای زیورآلات در عصر حجر دانست.



استخوان و دندان

این گردنبند که از استخوان و دندان یک گرازماهی ساخته شده، در سواحل سکارا در جزایر اورکنی کشف شده است. در هر یک از مهره‌ها با ابزاری سنگی یا با میخی چوبی و مته‌ای کمانی، سوراخی تعبیه می‌شد. بعد دانه‌ها را با رشته‌ای چرمی یا الیاف گیاهان به نخ می‌کشیدند.



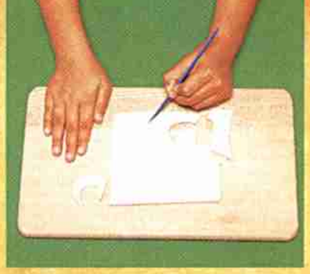
رنگ‌آمیزی بدن

این بچه‌های بومی استرالیایی با خاک رس بدن‌شان را رنگ‌آمیزی کرده‌اند. برای این کار از طرح‌هایی استفاده کرده‌اند که قدمتی هزاران‌ساله دارند.

درست کردن گردنبند

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، وردنه و تخته، ابزار برش، سمباده، رنگ‌های اکریلیک استخوانی و سیاه، قلم‌مو، ظرف آب، خط‌کش، قیچی، جیر، مقوا، نوار چسب دورو، چسب چوب، نوارهای چرمی.





۱. خمیر را با وردنه روی تخته پهن کنید و با ابزار برش چهار قطعه به شکل هلال ماه از آن ببرید و بگذارید همان‌جا روی تخته خشک شوند.



۲. سطح هلال‌ها را به آرامی سمباده بکشید و با رنگ استخوانی رنگ‌شان بزنید. بعداً می‌توانید روی‌شان روغن جلا بزنید تا براق شوند.



۳. چهار نوار چرمی به طول و عرض ۹×۳ سانتی‌متر ببرید. از لبهٔ مقوایی برای کشیدن خطوطی به شکل هاشور روی نوارهای‌تان استفاده کنید.

تزیینات طبیعی

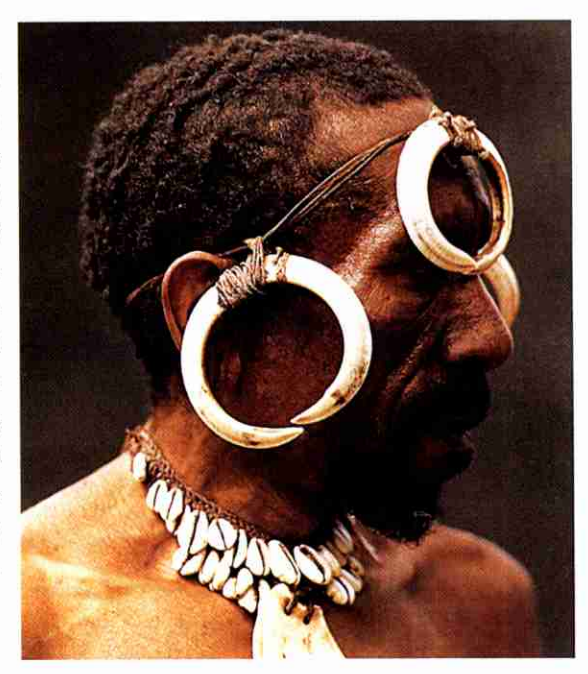
از نقاشی‌های دیوارهٔ غارها و نیز زیورآلات کشف‌شده در مقبره‌ها اطلاعاتی در مورد تنوع موادی که در عصر حجر جنبهٔ تزیینی داشتند به دست می‌آید. در آن دوران، صدف بسیار ارزشمند بود و داد و ستد آن در مکان‌های دوردست رواج داشت. از دیگر موادی که کاربرد تزیینی داشتند می‌توان به دندان گوزن، عاج ماموت و شیرماهی، استخوان ماهی و پر پرندگان اشاره کرد.



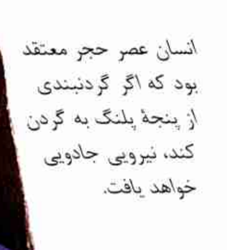
مجموعه‌ای از صدف‌های دریایی

سربند سلحشور

این سلحشور اهل قبیلهٔ یالی (Yali) در اندونزی ریسه‌ای از دندان گراز وحشی به سر بسته است و گردنبندی از صدف و استخوان به‌گردن دارد. احتمالاً سربندها و گردنبندهای ساخته شده از دندان حیوانات برای انسان عصر حجر بار معنوی خاصی داشت. کسی که از این زیورآلات استفاده می‌کرد لابد اعتقاد داشت که با به‌همراه داشتن دندان حیوانی وحشی می‌تواند از جرئت و جسارت و قدرت آن حیوان بهره ببرد.



انسان عصر حجر معتقد بود که اگر گردنبندی از پنجهٔ پلنگ به گردن کند، نیرویی جادویی خواهد یافت.

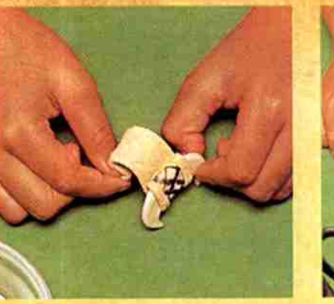


خلخال و گوشواره

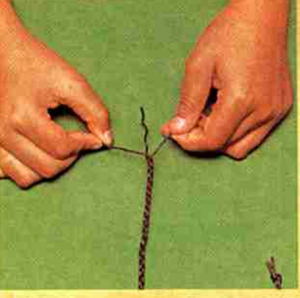
این زینت‌آلات در ناحیهٔ هاراپا (Harappa) در پاکستان پیدا شده‌اند. زمان ساخت آن‌ها حدود سال‌های ۲۳۰۰ تا ۱۷۰۰ قبل از میلاد است. جنس این مصنوعات صدف و سفال رنگ شده است. باستان‌شناسان در هاراپا بقایای چندین مغازهٔ فروش زیورآلات را کشف کرده‌اند.



۴. پس از آن‌که خشک شدند، دو لبهٔ نوار را خم کنید و با نوار چسب دو رو آن را محکم بچسبانید.



۵. با قلم‌مو به وسط هلال‌ها چسب بزنید و نوار چرمی هاشوردار را دور آن بپیچانید و به این ترتیب حلقه‌ای درست کنید.



۶. سه نوار چرمی را به هم ببافید تا ریسمانی درست شود. این ریسمان باید آن‌قدر بلند باشد که دور گردن‌تان گره بخورد.



۷. پنجه‌های پلنگ را به نخ بکشید و جای آن‌ها را با فواصل منظم روی ریسمان مشخص کنید.

هنرها

هنرمندان عصر حجر به شکل شگفت‌انگیزی در کار کردن با سنگ، شاخ، استخوان، عاج و سفال مهارت داشتند. آن‌ها روی دیواره‌های سنگی نقاشی می‌کردند، روی سنگ و عاج حکاکی می‌کردند و آلات موسیقی می‌ساختند و تصاویری از حیواناتی که شکار می‌کردند و نیز پیکره‌های انسان و طرح‌های انتزاعی خلق می‌کردند. هیچ کس واقعاً نمی‌داند چرا انسان عصر حجر این‌قدر خلاق بود.

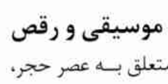
نخستین آثار هنری بشر حدوداً متعلق به ۴۰،۰۰۰ سال قبل از میلاد است و روی صخره‌هایی در استرالیا حک شده است. در اروپا کهن‌ترین آثار هنری نقاشی‌های غارهایند که ۲۸،۰۰۰ سال قبل از میلاد کشیده شده‌اند. اما اغلب آثار هنری کشف‌شده روی دیوارهٔ غارها حدود ۱۶،۰۰۰ سال قبل از میلاد کشیده شده‌اند. دیوارهٔ غارهایی در شمال اسپانیا و جنوب غربی فرانسه پوشیده از نقاشی‌ها و حکاکی‌هایی از حیوانات است. هنرمندان عصر حجر پیکره‌هایی از زن نیز می‌ساختند که به پیکره‌های ونوس مشهورند و ابزار و سلاح‌های خود را تزیین می‌کردند. این فوران هنری حدود ۱۰،۰۰۰ سال قبل از میلاد رو به افول نهاد.



پیکرهٔ ونوس

این پیکرهٔ کوچک، که به ونوس لسپاگو (The venus of Lespugue) مشهور است، در فرانسه پیدا شده است. سال ساخت آن حدود ۲۰،۰۰۰ سال قبل از میلاد تخمین زده شده است. کل این تندیس احتمالاً نشانهٔ باروری یکی از خدای بانوان بود. شاید هم این تندیس را به امید برخورداری از شانس خوب همراه خود نگه می‌داشتند.





موسیقی و رقص

نقاشی‌های صخره‌ای متعلق به عصر حجر، که در اروپا و افریقا یافت شده‌اند، افرادی را در حال اجرای حرکاتی رقص‌مانند نشان می‌دهند. این حکاکی روی سنگ که متعلق به ۹۰۰۰ سال قبل از میلاد است بر دیوارهٔ غاری در جزیرهٔ سیسیل (Sicily) پیدا شده است. آیین‌های عصر حجر به قطع و یقین شامل رقص و موسیقی بود و احتمالاً طبل و سوت هم در آن‌ها نواخته می‌شد.

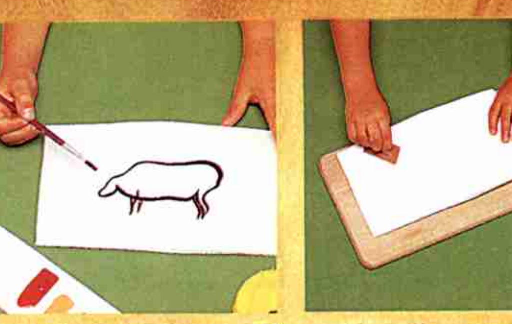
نقاشی دوران غارنشینی

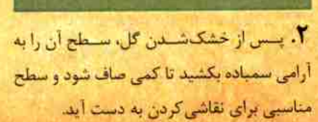
مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته، وردنه، ابزار برش، سمباده، رنگ آکریلیک، قلم‌مو و ظرف آب.

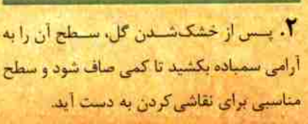




۱. گل سفالگری را با وردنه روی تخته پهن کنید، سعی کنید سطحی ناهموار همچون سطح دیوارهٔ غارها ایجاد کنید. با ابزار برش اطراف خمیر را صاف ببرید.







۲. پس از خشک‌شدن گل، سطح آن را به آرامی سمباده بکشید تا کمی صاف شود و سطح مناسبی برای نقاشی‌کردن به دست آید.

۳. طرح کلی حیوان مورد نظر خود را با رنگ سیاه روی گل بکشید. این تصویر گوزنی است شبیه نقاشی‌های عصر حجر.

سفالینه‌های اولیه

این دو پیکرهٔ زنانه از کهن‌ترین یافته‌های سرامیکی (سفال پخته شده) در امریکای جنوبی است. قدمت این پیکره‌ها به حدود ۴۰۰۰ تا ۱۸۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد. شکل خاص و آرایش موی این دو حاکی از آن است که سازندگان این دو متعلق به فرهنگ والدی‌ویا (Valdivia) بودند. گویا در برخی نقاط جهان، سال‌ها پیش از آن‌که سفال را برای ساخت ظروف نگه‌داری اغذیه و دیگ و تابه برای پختن غذا به‌کار ببرند، از آن در مجسمه‌سازی استفاده می‌کردند.





دستمایهٔ هنرمند

هنرمندان ماقبل‌تاریخ رنگ‌های‌شان را از سنگ‌های نرم و موادی معدنی از قبیل زغال و خاک رس به دست می‌آوردند. آن‌ها این مواد را آسیاب می‌کردند و بعد پودر حاصل را با آب یا چربی حیوانات می‌آمیختند. برای رسم کردن خطوط اولیه و سایه روشن‌های تیره از زغال استفاده می‌شد. خاک رنگی‌ای که به آن اُخرا می‌گفتند، سایه‌های قهوه‌ای، قرمز، زرد و اُخرایی داشت. از خاک رسی به نام کائولین (Kaolin) رنگ سفید می‌ساختند. رنگ‌ها را در استخوان‌هایی توخالی نگه می‌داشتند. قلم‌مو نیز از موی حیوانات، خزه و شاخه‌های پوسیده ساخته می‌شد.



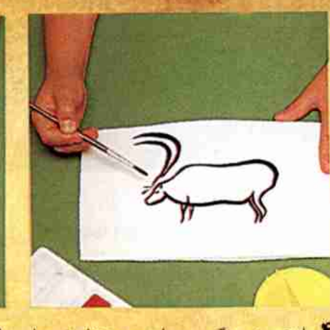
اُخرایی

زغال



طرح‌های مارپیچ

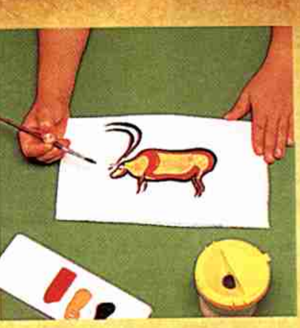
این سنگ‌ها با حکاکی‌های مارپیچ که در معبد تارشین (Tarxien) در جزیرهٔ مالتا (Malta) پیدا شده است، حدوداً متعلق به ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد است. بسیاری از بناهای سنگی باستانی در اروپا که از ۴۲۰۰ سال قبل از میلاد باقی مانده‌اند، با اشکال هندسی تزیین شده‌اند.



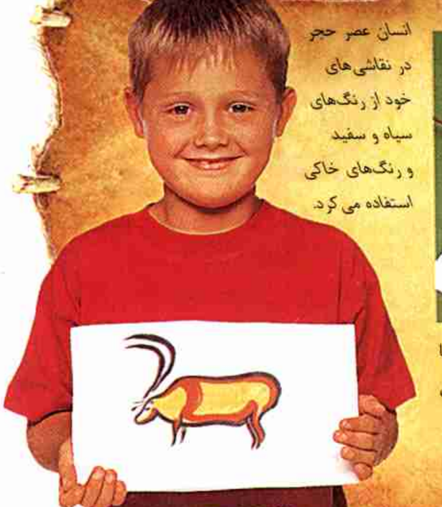
۴. بارزترین ویژگی حیوان مورد نظر خود را به شکلی اغراق‌شده روی طرح اجرا کنید. شاخ بزرگ منحنی‌شکل این گوزن بسیار جالب توجه است.



۵. پس از خشک شدن طرح، رنگ‌های قرمز، زرد و سیاه را با هم مخلوط کنید تا رنگی گرم به دست آید و با آن بدن حیوان را رنگ کنید.



۶. بعد برخی از قسمت‌های بدن حیوان را با قهوه‌ای مایل به سرخ که یادآور رنگ اخرایی است، سایه روشن کنید.



انسان عصر حجر در نقاشی‌های خود از رنگ‌های سیاه و سفید و رنگ‌های خاکی استفاده می‌کرد.

تجارت و توزیع



انسان عصر حجر، برخلاف ما، از سکه و اسکناس استفاده نمی‌کرد. در عوض کالاها را داد و ستد می‌کرد یا تاخت می‌زد. مثلاً اگر کسی کاسه لازم داشت، باید چیزی در ازای کاسه به صاحب کاسه می‌داد ــ شاید مثلاً ابزاری یا زیورآلاتی. اما در اواخر عصر حجر مردم از صدف یا حلقه‌های سنگی به جای وجه معامله استفاده می‌کردند.

حتی تک‌افتاده‌ترین شکارچیان-گردآورندگان غذا نیز با یکدیگر ارتباط و دادوستد داشتند و مثلاً صدف، ابزار یا پوست مبادله می‌کردند. با این حال، با رواج کشاورزی در شرق نزدیک در حدود ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد داد و ستد با مکان‌های دورتر رایج و تجارت به نظامی سامان‌یافته‌تر بدل شد. فعالیت‌های نوپدید، مثل کشاورزی، سفالگری و بافندگی احتیاج به ابزاری تخصصی داشتند، به همین علت به برخی از سنگ‌ها که کارکردی مناسب داشتند، ارزشی والا داده می‌شد. در غرب اروپا با استخراج سنگ چخماق تیغهٔ تبر ساخته شد و این ابزار کارآمد بسیار با اقبال روبه‌رو شد و تجارت آن در نواحی دوردست رواج یافت. گاهی کالاها هزاران کیلومتر دورتر از محل ساخت‌شان داد و ستد می‌شدند.

صدف کاوری

دردوران ماقبل‌تاریخ، صدف صیقل‌یافتهٔ کاوری (Cowrie) از محبوب‌ترین تزئینات لباس و جواهرات بود. این صدف‌ها در کنار اسکلت‌ها در مقبره‌هایی پیدا شده‌اند که فاصلهٔ آن‌ها تا ساحل صدها کیلومتر است. بعدها در افریقا و بخش‌هایی از آسیا از صدف کاوری به جای پول استفاده می‌شد.



با دارایی‌ها دفن‌شدن

در این گور دسته‌جمعی که در حفاری‌هایی در جزایر سلیمان (Solomon Islands) در اقیانوس آرام پیدا شده است، در کنار مردگان صدف‌ها و زیورآلاتی نیز دیده می‌شود. هزاران هزار سال صدف برای بشر حکم پول را داشت- درواقع، خیلی بیش‌تر و گسترده‌تر از هر نوع پولی، حتی مسکوکات. قدمت مجموعه‌ای از صدف‌ها، که در عراق کشف شده است، به بیش از ۱۸،۰۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد.



تبر

یک تبر خوش‌دست و محکم از دارایی‌های با ارزش محسوب می‌شد، به خصوص برای کشاورزان که از آن برای بریدن درختان و مسطح‌کردن زمین برای کشت و زرع استفاده می‌کردند. سرتبرهایی که از سنگی خاص ساخته می‌شدند، در مسافت‌های دوردست دادوستد می‌شدند.

تجارت سنگ

در عصر نوسنگی، تجارت سنگ برای استفاده در تبر بسیار فراگیر بود. در ناحیهٔ گِرگ (Graig) در کلوید (Clwyd) واقع در ولز، سنگ از زمین‌های شیب‌دار سنگی به دست می‌آمد و در سراسر انگلستان آن روزگار معامله می‌شد. تیغهٔ صیقل‌نیافتهٔ تبر در این ناحیه تهیه و بعد به نواحی دیگر کشور منتقل می‌شد. در آن‌جا تیغه‌ها پرداخت، صیقلی و تبدیل به تبر می‌شدند. تبرهای ناتمام و پرداخت‌نشده‌ای در ناحیهٔ گرگ پیدا شده‌اند.



شکارچی خز

یک شکارچی اهل ناحیهٔ کری (Cree) در منطقهٔ قطبی کانادا در حلقه‌ای از پوست سمورهایی که شکار کرده دیده می‌شود. قطعاً خز برای انسان ماقبل‌تاریخ بسیار باارزش بود، به‌خصوص برای شکارچیان - گردآورندگانی که ماحصل شکار خود را به کشاورزانی که زندگی متمرکزی داشتند می‌فروختند. در این نوع فروش یا دادوستد، شکارچی در قبال خز و پوست، غذا یا اشیاء با ارزشی مثل کهربا یا ابزار می‌گرفت.



پوست و تخته پوست

پوست روباه‌های سفید قطبی را در هوای سرد آویخته‌اند تا خشک شود. در زمستان، بر بدن روباه قطبی پوست ضخیم سفیدرنگی می‌روید که در سرمای قطب جنوب به خوبی از این حیوان محافظت می‌کند. پوست‌هایی از این دست از دیرباز، به خصوص برای قطب‌نشینان، ارزشمند بوده‌اند. چون هم از آن‌ها پوشاکی تهیه می‌شود که زندگی در قطب را ممکن می‌سازد و هم آن را دادوستد می‌کنند.

نقل و انتقال روی خشکی و دریا

نخستین وسیلهٔ حمل‌ونقل ـ البته غیر از پا برای پیاده‌روی ـ قایق بود. نخستین انسان‌هایی که احتمالاً ۵۰،۰۰۰ سال قبل از میلاد به استرالیا سفر کردند، باید از قایق‌های چوبی یا بامبویی برای گذر از دریا استفاده کرده باشند. بعدها از کایاک (kayak) (قایقی که از تنهٔ درختی توخالی ساخته می‌شد)، بلم‌هایی که روکش پوست حیوانات (coracle) داشتند و نیز قایق‌های ساخته‌شده از نی و حصیر استفاده می‌شد. در خشکی برای جابه‌جا کردن بار از سورتمه‌های چوبی ابتدایی (صفحات مثلثی‌شکل مرکب از تیرک‌های متصل به هم) استفاده می‌کردند. برای انتقال بارهای سنگین تنهٔ درختان را به صورت غلتک مورد استفاده قرار می‌دادند. رام کردن اسب، الاغ و شتر در حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد حمل‌ونقل زمینی را متحول کرد. نخستین جاده‌ها و گذرگاه‌های اروپا نیز تقریباً در همان دوران ساخته شدند. در حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد، اهالی بین‌النهرین، که با فلز سروکار داشتند، چرخ را اختراع کردند. چیزی نگذشت که استفاده از چرخ در اروپای عصر حجر نیز رواج یافت.

سر اسب

این کنده‌کاری سنگی در غاری در فرانسه پیدا شده است. برخی از کارشناسان بر این باورند که بشر از ۱۲،۰۰۰ سال قبل از میلاد اسب رام می‌کرده است. در برخی از کنده‌کاری‌های سنگی، دور گردن اسب‌ها افسار دیده می‌شود، شاید هم این علائم نشانهٔ یال باشد.





بلم پوستی

مردی را در حال ماهیگیری بر بلمی پوستی می‌بینید که یکی از قدیمی‌ترین مدل‌های قایق است. احتمالاً از حدود ۷۶۰۰ سال قبل از میلاد از این نوع قایق، که برای ساخت آن پوست حیوانی را روی قالبی چوبی می‌کشیدند، استفاده می‌شده است.

درست‌کردن بلم

مواد مورد نیاز: مقوا، مداد، خط‌کش، قیچی، چسب چوب، قلم‌موی چسب، چسب کاغذی، گل سفالگری، چسب دورو، جیر، پرگار، نخ و سوزن.





رویهٔ بلم

۲۰سانتی متر

رویهٔ بلم

۱۰سانتی متر

پایهٔ بلم

۲۰سانتی متر

پایهٔ بلم

۱۰سانتی متر



۱. مقوا را با اندازه‌های نشان‌داده شده ببرید. یادتان نرود که سه نیم‌دایره روی هر دو سر الگوی رویهٔ بلم ببرید.



۲. قسمت‌های زیر بلم را به هم بچسبانید و رویه‌ها را هم همین‌طور. برای این کار از چسب کاغذی استفاده کنید. رویه و زیر بلم را هم به همین صورت به هم بچسبانید.

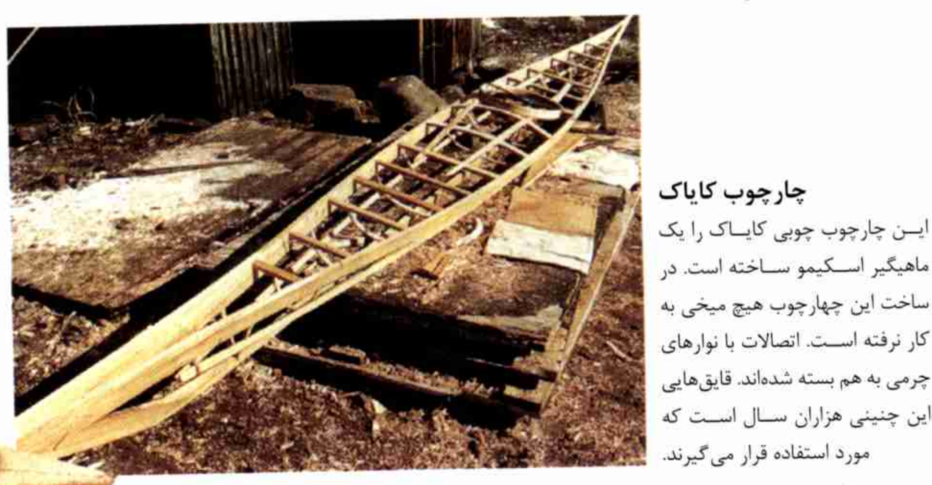


پل سنگی

پل والا بروک (Walla Brook) در دارتمور (Dartmoor) یکی از قدیمی‌ترین پل‌های سنگی بریتانیاست. پل‌ها باعث می‌شدند سفرها آسان‌تر، بی‌خطرتر و کوتاه‌تر شـوند. نخسـتین پل‌ها تنه‌های درختانی بودند کـه برای گذر از رودخانـه روی آب گذاشـته می‌شـدند، یا سـنگ‌های مسـطحی که کف جویبارهای کم‌عمق قرار می‌گرفتند.

قایق پارویی

نمونه‌ای از قایقی قدیمی که با پوست حیوانات روکش شده است. این نوع قایق، که یومیاک (*Umiak*) نامیده می‌شد، وسیلهٔ حمل و نقل اسکیموهای ساکن شمال امریکا بود. کسـی که ته قایق نشسـته، سـکان‌دار و وظیفه‌اش هدایت قایق است. دیگران پاروزن‌اند. احتمالاً مصریان باستان نخستین کسانی بودند که حدود ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد از قایق استفاده می‌کردند.



چارچوب کایاک

ایـن چارچوب چوبی کایـاک را یک ماهیگیر اسـکیمو سـاخته است. در ساخت این چهارچوب هیچ میخی به کار نرفته اسـت. اتصالات با نوارهای چرمی به هم بسته شده‌اند. قایق‌هایی این چنینی هزاران سـال اسـت که مورد استفاده قرار می‌گیرند.

کایـاک اسـکیموها نشـان می‌دهد کـه احتمـالاً قایق انسان‌های عصر حجر به چه شکل بود. جداره‌های خارجی قایق را با پوست می‌پوشاندند.



۳. سـه دایره به اندازهٔ دایره‌های رویهٔ قایق و سه دایرهٔ کوچک‌تر برای فضای درونی ترسیم کنید و ببرید. با گل سـفالگری حلقه‌هایی به اندازهٔ سوراخ‌ها بسازید.



۴. روی حلقهٔ سـفالی و حلقه‌هـای مقوایی را با چسـب دورو بپوشانید. این سـه حلقه محل نشستن قایقرانان‌اند.



۵. کل قایق را با جیر بپوشانید. جای دایره‌های محل نشستن را خالی بگذارید. جیر را با چسب محکم روی همهٔ قسمت‌های قایق بکشید.



۶. لبه‌هـای جیرِ روکش قایق را با نخ و سـوزن بدوزید. محل نشسـتن قایقران‌هـا را روی قایق تعیین کنید و آن‌ها را بچسبانید.

جنگ و اسلحه

نبرد و کشمکش قطعاً بخشی از زندگی در عصر حجر بود. در اسکلت‌های به جا مانده از دوران ماقبل‌تاریخ اغلب زخم‌هایی مشاهده می‌شود که در نبرد برداشته شده‌اند. مثلاً در گورستانی در مصر متعلق به ۱۲,۰۰۰ سال قبل از میلاد، اسکلت ۵۸ مرد، زن و کودک پیدا شده است که در بیش‌تر آن‌ها هنوز تیغهٔ سنگی‌ای که باعث مرگ‌شان شده دیده می‌شود. در افریقای جنوبی، حکاکی سنگی نادری پیدا شده است که متعلق به ۸۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد است و در آن دو گروه دیده‌می‌شوند که با تیر و کمان با هم می‌جنگند. هیچ‌کس نمی‌داند که چرا مردم با هم می‌جنگیدند. پس از سال ۸۰۰۰ قبل از میلاد، با افزایش جمعیت کشاورزی، درگیری بین گروه‌های کشاورز بر سرِ زمین رواج یافت. دور زمین‌های کشاورزی اولیه را اغلب، برای محافظت، با خاکریز دیوارهای خشتی یا پرچین‌های چوبی بلند حصار می‌کشیدند.



پیکان‌های مرگبار

نخستین پیکان احتمالاً چوبی بود و آن را حرارت می‌دادند تا سخت‌تر شود. اما با سنگ چخماق می‌شد نوک پیکانی به مراتب تیزتر ساخت. این دفینه در بریتانی (Brittany) فرانسه پیدا شده است. سلاح نوک تیز احتمالاً نشانهٔ تفاوت مرگ و زندگی بود، پس قطعاً ارزش والایی داشت.



سرنیزه امریکایی

شکارچیان-گردآورندگان غذا در شمال امریکا با این نوع اسلحهٔ سنگی گاومیش شکار می‌کردند. این نوع سلاح، که سرنیزه فالسام (Folsom) نام دارد، بالغ بر ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است.

تیر و کمان

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته و وردنه، ابزار برش، سمباده، رنگ آکریلیک، قلم‌مو، دو چوب بلند باریک (حدود ۶۰ و ۴۰ سانتی‌متر) کاتر، چسب دورو، قیچی و بند.





۱. گل سفالگری را روی تخته پهن کنید و با ابزار برش شکل نوک پیکان را روی آن در آورید. وقتی گل خشک شد، آن را سمباده بزنید و با رنگ خاکستری رنگش کنید.

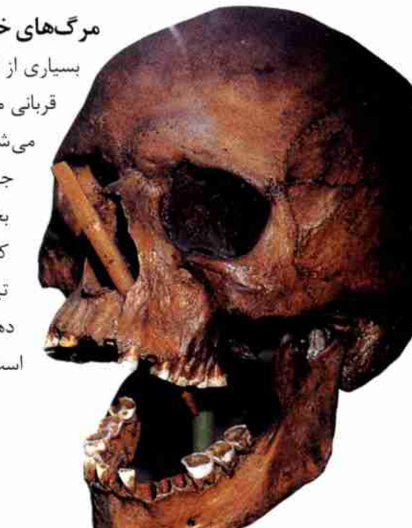


۲. از بزرگ‌تر خود بخواهید یک سر تکه چوب کوتاه‌تر را با کاتر ببرد. این دستهٔ تیر است.



۳. با نوار چسب دورو نوک پیکان را به دسته وصل کنید. بند را دور نوارچسب بچسبانید تا شبیه بست چرمی شود.

مرگ‌های خشونت‌بار



بسیاری از انسان‌های عصر حجر قربانی مرگ‌های خشونت‌بار می‌شدند. در این تصویر جمجمهٔ انسان بخت‌برگشته‌ای را می‌بینید که احتمالاً در نبردی، تیری از بینی‌اش وارد دهانش شده و او را کشته است.

شکارچیان یا جنگجویان؟

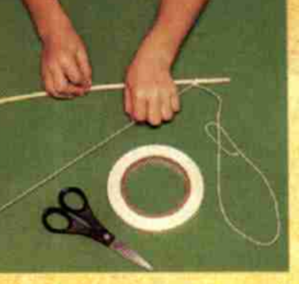
در این نقاشی روی دیواره‌ای سنگی که حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد کشیده شده است، شکارچیان یا جنگجویانی را می‌بینیم که با تیر و کمان در فضای باز در حال حمله‌اند. در حدود ۱۳،۰۰۰ سال قبل از میلاد، شکارچیان ماقبل‌تاریخ دریافته بودند که تیر و کمان بسیار دقیق‌تر و کاراتر از نیزه است.

تیغه‌ها و سرنیزه‌ها

گلچینی از نوک پیکان‌ها و تیغه‌های چاقویی که در مصر کشف شده‌اند نشان از مهارتی چشم‌گیر دارند. از تیغه‌های سنگ چخماق با طول تقریبی ۲۰ سانتی‌متر سرنیزه می‌ساختند. از تیغه‌های کوتاه‌تر نیز نیزهٔ دستی، چاقو و تیرِ کمان درست‌می‌کردند. سرنیزه را با چسبی که از صمغ درختان می‌گرفتند و با نوارهای چرمی به دستهٔ نیزه وصل می‌کردند.

شکارچیان – گردآورندگان غذا در عصر حجر همیشه کمان سبک‌وزن کوچکی با خود داشتند که می‌توانستند با استفاده از آن با سرعت تیراندازی کنند.







۴. از تکه چوب بلندتر کمان بسازید. یک سر بند را به یک سر کمان محکم ببندید.

۵. از بزرگ‌تر خود بخواهید چوب را خم کند و بعد سر دیگر بند را به سر دیگر چوب ببندید. با چسب کاغذی دو سر بند را محکم به چوب ببندید.

۶. برای محکم‌کاری، بند را چند بار در محل اتصال بپیچانید. بعد آن را گره بزنید و قطع کنید.

۷. با چسب دورو، یک قطعه بند را به میانهٔ کمان ببندید تا محل قرار گرفتن تیر روی کمان باشد.

مذهب و جادو

در مــورد اعتقادات مردم عصر حجر تنها باید به حدس و گمان بسنده کنیم. نخستین گونهٔ انسانی که می‌دانیم اجساد مردگانش را دفن می‌کرد، نئاندرتال بود. این امر نشان می‌دهد که آن‌ها به دنیای ارواح اعتقاد داشــتند. احتمالاً انسان‌های نخستین ارواح حیوانات شکارشده و پدیده‌های طبیعی را می‌پرستیدند. برخی از نقاشی‌ها و حکاکی‌های روی صخره‌ها یا دیوارهٔ غارها احتمالاً بار مذهبی یا جادویی دارند. مجســمه‌های کوچکی که به آن‌ها پیکره‌های ونوس می‌گویند، احتمالاً نماد خدای‌بانوی حاصلخیزی و وفور بودند و پرستیده می‌شدند. انسان ماقبل‌تاریخ شاید نیروهای شیطانی را عامل بیماری و حادثه می‌دانست. احتمالاً کسی که به او شمن می‌گفتند باید با ارواح صحبت می‌کرد و چاره‌ای می‌اندیشید.

هم‌زمان با رواج کشاورزی و شکل گرفتن شهرهای کوچک برای اسکان، مذاهب منســجم‌تری شکل گرفتند. زیارتگاه‌هایی مزین به تصاویر مذهبی در چاتال هویوک ترکیه ــ شهری باستانی و دست‌نخورده کــه قدمــت آن بــه ۷۰۰۰ ســال قبــل از میلاد برمی‌گردد ــ پیدا شده است.



تدفین باستانی

روی جمجمهٔ این اسـکلت که در مقبره‌ای در فرانســه به دســت آمده اســت خاک اُخرایی سرخ‌رنگ پاشیده شــده است. شــاید از نظر مردم عصر حجر رنگ سرخ نمــاد خون یا زندگی بود. اجســاد را معمــولاً به پهلو دفــن می‌کردند و زانوها به ســمت چانه خم می‌شــد. همراه جســد ابزار، زیورآلات و غذا و اســلحه هم دفن می‌کردند. بعدها انسان عصر حجر مقبره‌های باشکوهی برای مردگان خود ساخت.

خدای‌بانوی سفالی

ایــن پیکــرهٔ زنانــهٔ ســفالی در پازاردزیک (Pazardzik) بلغارستان کشف شده است. بسیاری از جوامع ماقبل‌تاریخ تصاویــر خدای‌بانــوی زمین یا «مادرِ بــزرگ» را می‌پرســتیدند. به باور آن‌هــا، او که مادر جهانیان بود، به درختان، حیوانات و نژاد بشــر حیات می‌بخشید و به این ترتیب آیندهٔ نژاد بشر را تضمین می‌کرد.

شاخ‌هایی آیینی

این شاخ گوزن سرخ در ناحیهٔ استارکار (Star Carr) در انگلستان پیدا شده است. برخی از کارشناسان معتقدند که روحانی‌ای که به او شمن می‌گفتند در آیین‌های بلوغ یا برای طلب شانس در فصل شکار کلاهی از شاخ گوزن نر بر سر می‌گذاشت.



ترفین

ترفین یعنی سوراخ‌کردن جمجمه. این کار از ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد در دوران ماقبل‌تاریخ رواج داشت. با تیغهٔ سنگ چخماق سوراخی بزرگ در جمجمه درست می‌کردند تا بیماری از بدن بیرون برود. جمجمه‌های بسیاری پیدا شده است که در آن‌ها استخوان جمجمه پس از این برش شروع به ترمیم کرده و این نشان می‌دهد که بعضی بیماران تا مدتی بعد از این عمل خونینِ سخت هم زنده می‌ماندند!



طلسم و معجون

در بسیاری از جوامع شکارچی-گردآورندهٔ غذای امروزی، شمن (طبیبِ جادوگر) می‌تواند با ارواحی که از دنیای مردگان می‌آیند صحبت کند. در فرهنگ‌هایی مثل فرهنگ بومیان آمازون، شمن برای شفای بیمار معجونی از گیاهان مختلف درست می‌کند. گنه‌گنه، کوکایین و کورار در این مورد کاربرد دارد. انسان عصر حجر هم احتمالاً چنین شیوه‌ای داشت. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد انسان عصر نوسنگی، که درشمال غرب اروپا کشاورزی می‌کرد، شاهدانه و خشخاش می‌کاشت و از این گیاهان احتمالاً در جادو و ساخت معجون استفاده‌می‌شد.

خشخاش

پرستش نیاکان

این جمجمهٔ متعلق به ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد در شهر اریحا (Jericho) در اردن (Jordan) (خاور نزدیک) پیدا شده است. اهالی اریحا پیش از دفن اجساد مردگان خود، جمجمهٔ جسد را درمی‌آوردند. جمجمه را با گچ پر و با رنگ ترمیم می‌کردند تا صورت کمی شبیه شکل اصلی فردِ درگذشته باشد. به جای چشم‌ها دو صدف کاوری گذاشته‌اند. برخی از کارشناسان معتقدند که این کار به نوعی پرستش نیاکان بود.



رقص آیینی

در این نقاشی معاصر بومیان استرالیا را در حال رقصیدن می‌بینیم. آیین‌های سنتی بخش مهمی از زندگی بومیان است. شواهدی از حضور آن‌ها در یافته‌های ماقبل‌تاریخ در استرالیا در دست است. باورهای بومی به گونه‌ای طراحی می‌شوند که بتوانند هماهنگی ظریف بین مردم و محیط را حفظ کنند.

بناهای یادبود چوبی و سنگی

نخستین بناهای یادبود سنگی عظیم در حدود ۴۲۰۰ سال قبل از میلاد در اروپا ساخته شدند. به این بناها مگالیت می‌گویند که در زبان یونانی به معنای سنگ بزرگ است. سازندگان این بناها ساکنان نخستین جوامع کشاورزی ساکن اسکاندیناوی تا مدیترانه بودند. برخی از نخستین مگالیت‌ها تشکیل شده‌اند از چند ستون سنگی عمودی که یک تخته‌سنگ بزرگ مسطح روی آن‌ها قرار گرفته است. به این ساختار دولمن (Dolmen) می‌گویند. این بناها بقایای مقبره‌های باستانی‌اند که به آن‌ها گورهای طاق‌دار می‌گویند. گاهی نیز از این ساختار برای مشخص‌کردن حدود و ثغور یک اجتماع استفاده می‌شد. نوع دیگر مقبره، گورهای دالانی است. این گورها جمعی‌اند و اجساد زیادی در آن‌ها دفن می‌شدند. بعدها بناهای عظیم‌تری ساخته شد. بناهایی مدور از جنس سنگ و چوب، مثل استون‌هنج در انگلستان، را ساختند. کسی نمی‌داند چرا این بناهای مدور ساخته شده‌اند. شاید معبد بودند، یا محل گردهم‌آیی یا شاید هم تقویمی غول‌پیکر، چون شکل آن‌ها با حرکت ماه و خورشید و ستارگان بی‌ارتباط نیست.

دولمن

تخته‌سنگ‌های ناآراسته‌ای که در تصویر می‌بینید، بقایای مقبره‌ای طاق‌دارند که زمانی با تل عظیمی از خاک پوشانده شده بود. این بنا که دولمن نامیده می‌شود، با این سنگ‌های عظیمش زمانی حفاظ گوری دالانی بود.



دوایر چوبی

شکل بازساختهٔ بنای چوبی مدوری را مشاهده می‌کنید که در حفاری‌هایی در ناحیهٔ سارنی ـ برن ـ کالد (Sarn-y-Brn-Caled) در ویلز پیدا شده است. در حدود سال ۳۰۰۰ قبل از میلاد ساخت بناهای چوبی مدور رواج یافت. این مکان‌ها مرکز زندگی مذهبی و اجتماعی بودند.

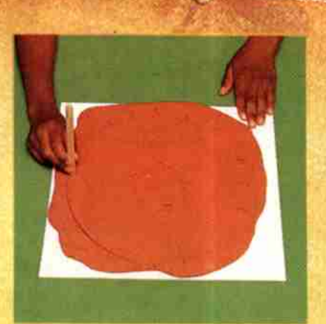
بنای مدور چوبی

مواد مورد نیاز: مقوا، خط‌کش، پرگار، مداد، قیچی، گل سفالگری، وردنه، تخته، ابزار برش، چوب‌هایی به قطر ۱ سانتی‌متر و ۵ میلی‌متر، سمباده، رنگ آکریلیک، قلم‌مو، علف مصنوعی، چسب چوب، رنگ چوب.

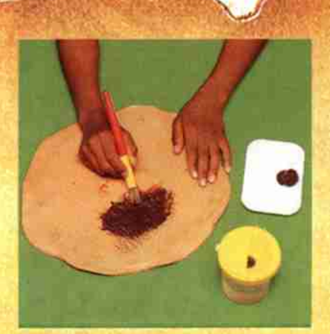




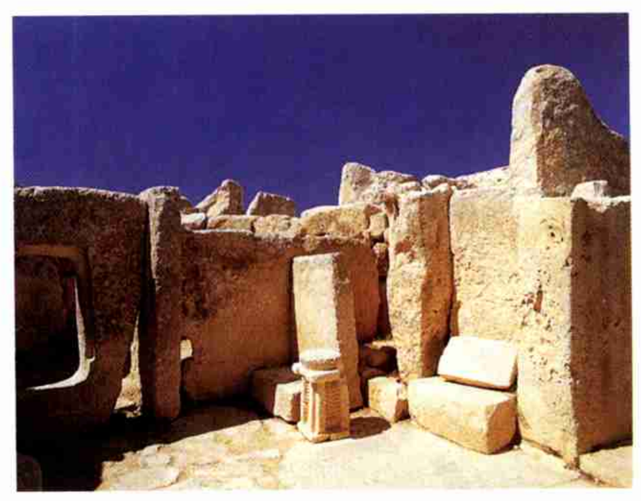
۱. روی مقوا دایره‌ای به قطر ۳۵ سانتی‌متر ببرید. گل سفالگری را روی تخته با وردنه پهن کنید. مقوا را روی گل بگذارید و گل را به اندازهٔ مقوا ببرید.



۲. با چوبی به قطر یک سانتی متر دور محیط دایره جای تیرک‌ها را با فاصله‌های یکسان مشخص کنید. درون دایرهٔ اول دایرهٔ کوچک‌تری به قطر ۱۰ سانتی‌متر بکشید.



۳. دور محیط دایرهٔ کوچک‌تر با ته چوب ۵ جای تیرک با فواصل مساوی درست کنید. بگذارید گل خشک شود. بعد روی آن را سمباده بکشید و با رنگ قهوه‌ای رنگش کنید.



معبد سنگی

در تصویــر معبد حجر قائم (Hgar Quim) واقع در جزیرهٔ مالتا را می‌بینید. در فاصلهٔ ســال‌های ۳۶۰۰ تا ۲۵۰۰ قبل از میلاد تعداد زیادی معبد ســنگی در مالتا ساخته شد. قدیمی‌ترین بنا از این دست، دیواره‌هایی با حداقل ۶ متر طول و ۳/۵ متر ارتفاع داشت. تأثیرگذارترینِ این معبدها معبد زیرزمینی یا هایپوجیوم (Hypogeum) است که در سه طبقه در اعماق زمین ساخته شده است.



سنگ‌های ایستاده

ساخت مقبره‌های مدور سنگی قرن‌ها (در فاصلهٔ سال‌های ۲۸۰۰ تا ۱۴۰۰ قبل از میلاد) رواج داشت. نخستین نوع این بنا سازهٔ مدوری بود متشکل از یک گودال و حاشیه. بعدها از قطعات بزرگ ســنگ‌های شنی تراش‌خورده استفاده می‌شد. محل قرار گرفتن سنگ‌ها بر اساس طلوع خورشــید در روزهای میانی تابستان و غروب خورشــید در روزهای میانی زمستان و نیز مکان قرار گرفتن ماه تعیین می‌شد.

مقبرهٔ دالانی

این ســنگ در ورودی مقبره‌ای دالانی در نیوگرینج (Newgrange) در ایرلند پیدا شــده است. این مقبره توده‌ای دایره‌شکل است که دالانی طولانی به مرکز آن راه دارد و در مرکز آن تنها یک گور دیده می‌شود. روی بسیاری از ستون‌های سنگی دو طرف دالان کنده‌کاری‌هایی به شکل مارپیچ و دایره دیده می‌شود.



۴. پایهٔ مذکور را با علف مصنوعی به صورت نامنظم بپوشانید و علف‌ها را به آن بچسبانید. مراقب باشید جای پایهٔ تیرک‌ها را نپوشانید.

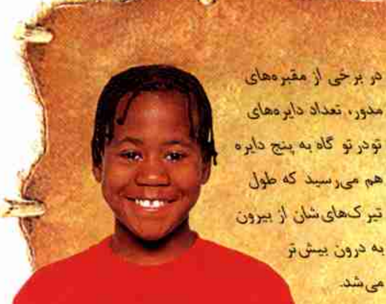


۵. تیرک‌ها را به اندازهٔ مساوی ببرید. هفت تیرک باید بلندتر از بقیه باشند. تیرک‌ها را قهوه‌ای کنید و صبر کنید رنگ خشک شود.

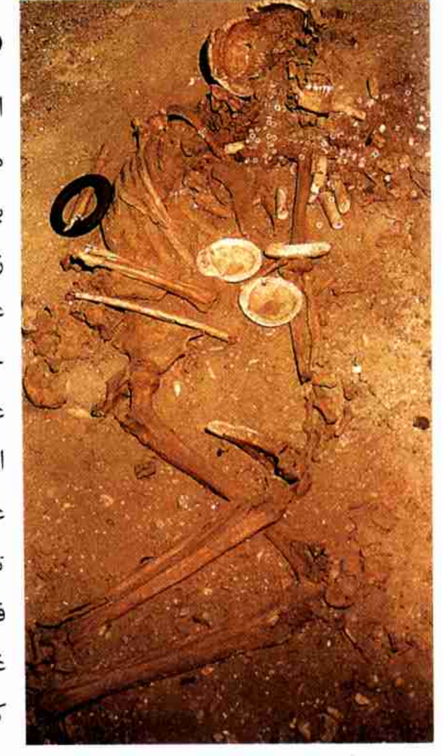


۶. تیرک‌هــا را درون جای خــود نصب کنید. جای آن‌ها را از روی ســوراخ‌ها پیدا کنید. پس از خشک‌شدن، چوب‌های افقی را روی تیرک‌ها بچسبانید تا دایرهٔ چوبی‌تان کامل شود.

در برخی از مقبره‌های مدور، تعداد دایره‌های تودرتو گاه به پنج دایره هم می‌رسید که طول تیرک‌های‌شان از بیرون به درون بیش‌تر می‌شد.



سـفری در طول زندگی



انســان عصر حجر در موقعیت‌های خاصی از زندگی مراســمی به پاس‌داشــت آن برهه برپا می‌کــرد. تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ از جملهٔ این موقعیت‌هــا بودند. آیین‌های بلوغ هنگامی برپا می‌شــدند که پســر یا دختری وارد دورهٔ بزرگسالی می‌شد و از آن پس نقشی عمده در زندگی طایفهٔ خود به عهده می‌گرفت. طول عمر انســان عصر حجر بســیار کوتاه‌تر از طول عمر انسان معاصر بود. پیران ارج و قرب فراوانی داشتند، چون می‌توانستند دانش و مهارت خود را به دیگران منتقل کنند. اکثر مردم دههٔ ســوم عمر را پشــت ســر می‌گذاشــتند، اما عدهٔ بسیار کمی به دههٔ ششم عمر خود می‌رسیدند. تعداد انگشت‌شــماری می‌توانســتند در مقابل بیماری‌ها و عفونت‌ها دوام بیاورند و بسیاری از نوزادان هنگام تولــد جان می‌ســپردند. اما وقتی شــکار و غذا فراوان شــد، زندگی انسان شکارچی-گردآورندهٔ غذا احتمالاً راحت‌تر از شرایط کشاورزانی بود که کاری ســخت و بی‌پایان داشــتند.

محل تدفین

این گور که در شــمال شــرقی فرانسه یافت شده است قدمتی بالغ بر ۴۵۰۰ ســال قبل از میــلاد دارد، یعنی در روزگاری که کشــاورزی در آن سرزمین داشت رواج می‌یافت. کشــاورزان ماقبل تاریخ در گورهایی کوچک دفن می‌شــدند و اغلب زیورآلات صدفی، تیشه و سنگ آسیاب هم همراه‌شان دفن می‌شد.



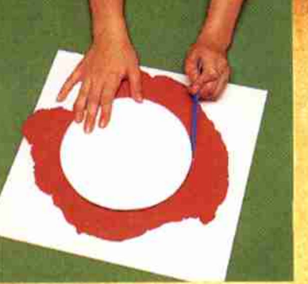
پیکرهٔ دوگو

این پیکرهٔ سفالی موسوم به پیکرهٔ دوگو (Doggu) که متعلق بــه دورهٔ جومون (Jomon) اســت، در فاصلهٔ ســال‌های ۲۵۰۰ تا ۱۰۰۰ قبل از میلاد در ژاپن ســاخته شده اســت. از این پیکره‌ها اغلب در آیین‌های تدفین استفاده می‌شد و در برخی مواقع آن‌ها را همراه جسد دفن می‌کردند.

گور دالانی

مــواد مورد نیــاز: مقوا، مداد، پــرگار، خط‌کش، قیچی، وردنه، تخته، گل ســفالگری، ابزار برش، گل مجسمه‌سازی سفید، چسب چوب، قلم‌موی چسب، قاشق، پارچهٔ سبز رنگ، خاک برگ.





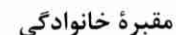
۱. دو دایرهٔ مقوایی به قطر ۲۰ و ۲۵ سانتی‌متر ببرید. ســفال را روی تخته با وردنه صاف کنید و بــا ابزار برش دایره‌ای به اندازهٔ مقوای بزرگ‌تر روی سفال ببرید.



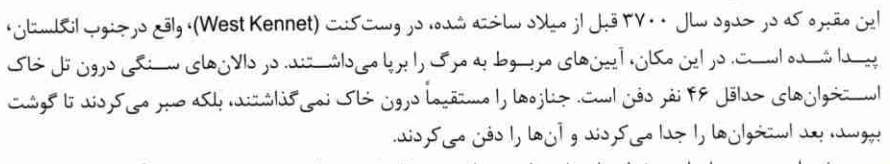
۲. دایــرهٔ کوچک‌تر را روی دایرهٔ بزرگ بگذارید و روی هر دو را با ســفال بپوشانید. با ابزار برش جــای دالان و مقبــره را روی دایــرهٔ کوچک‌تر مشخص کنید.



۳. گل ســفید را روی تخته پهن کنید و آن را به شکل چهارگوش‌های نه چندان منظم ببرید. برخی از قطعات را به شــکل گلولهٔ سنگ درست کنید و بقیه را به شکل ورقه‌های سنگی درآورید.



مقبرهٔ خانوادگی



این مقبره که در حدود سال ۳۷۰۰ قبل از میلاد ساخته شده، در وست‌کنت (West Kennet)، واقع در جنوب انگلستان، پیدا شده است. در این مکان، آیین‌های مربوط به مرگ را برپا می‌داشتند. در دالان‌های سنگی درون تل خاک استخوان‌های حداقل ۴۶ نفر دفن است. جنازه‌ها را مستقیماً درون خاک نمی‌گذاشتند، بلکه صبر می‌کردند تا گوشت بپوسد، بعد استخوان‌ها را جدا می‌کردند و آن‌ها را دفن می‌کردند.

برخی از جمجمه‌ها و استخوان‌های بلند را برمی‌داشتند تا شاید در مراسمی در جای دیگر از آن‌ها استفاده کنند. بعد معبر را می‌بستند و در طول هزار سالی که از معبر استفاده می‌شد، آن را (برای تدفین جنازه یا جنازه‌های دیگر) می‌گشودند.

محل دفن

تل خاک

ورودی





با حفر گودال‌هایی دور سنگ‌چین خاک لازم برای ساختن تل را فراهم می‌آوردند. در چنین مقبره‌ای می‌شد عدهٔ زیادی را دفن کرد.



۴. بعد از آن‌که سفال خشک شد، دیواره و سقف دالان و مقبره را با ورقه‌های سنگی درست کنید. ورقه‌ها را مثل تصویر با دقت به پایه بچسبانید.



۵. خاک برگ را با قاشق روی سطح مقبره بریزید و آن را به شکل توده‌ای بزرگ درآورید. روی سفال فشار وارد نکنید.



۶. یک تکه پارچهٔ سبز رنگ را به اندازهٔ این تل خاک ببرید. آن را داخل چسب غوطه‌ور کنید و بعد به آرامی روی تل بچسبانیدش.



۷. گلوله‌های سفید کوچک را دور سازه‌تان قرار دهید. اگر از جای‌شان راضی بودید، آن‌ها را بچسبانید.

روستاهای عصر نوسنگی

وقتی بشر کشاورزی را روش زندگی خود کرد، مجبور شد مدتی طولانی در مکانی ساکن شود. در برخی مناطق، کشاورزان درختان را قطع می‌کردند و می‌سوزاندند تـا مزارع خود را برپا دارند، اما به محض این‌که پس از چند بار برداشـت محصول خاک توان خود را از دسـت مـی‌داد، می‌کوچیدند. در برخی مکان‌هـا، خانه‌های کشـاورزی آن‌قدر زیاد شـد که روسـتاهایی ۵ تا ۱۰ برابر بزرگ‌تر از روسـتاهای محل اسکان انسان‌های شکارچی-گردآورندهٔ غذا شکل گرفت. در ابتدا، کشاورزان همچنان حیوانات وحشـی را شکار می‌کردند و به دنبال غذا از جایی به جای دیگر می‌رفتند، اما به‌تدریج گله‌هایشـان آن‌قدر زیاد شـد که بخش عمدهٔ مایحتاج‌شان را فراهـم می‌کرد. آن‌ها در روسـتاهایی با خانه‌های چهارگـوش یا مدور یک‌طبقه زندگی می‌کردند که از سـنگ، الوار یا خشـت و کاهگل ساخته می‌شد. خانه‌ها از طریق کوچه‌هایی باریک یا حیاط با هم ارتباط داشتند. اکثر روستاها در زمین‌های پسـت و حاصلخیز نزدیک منابع آب شـکل می‌گرفتند. با آبیاری و آیش محصول، کشـاورزان به تدریج توانسـتند مدتی طولانی‌تر بر سـرِ زمینی باقی بمانند.

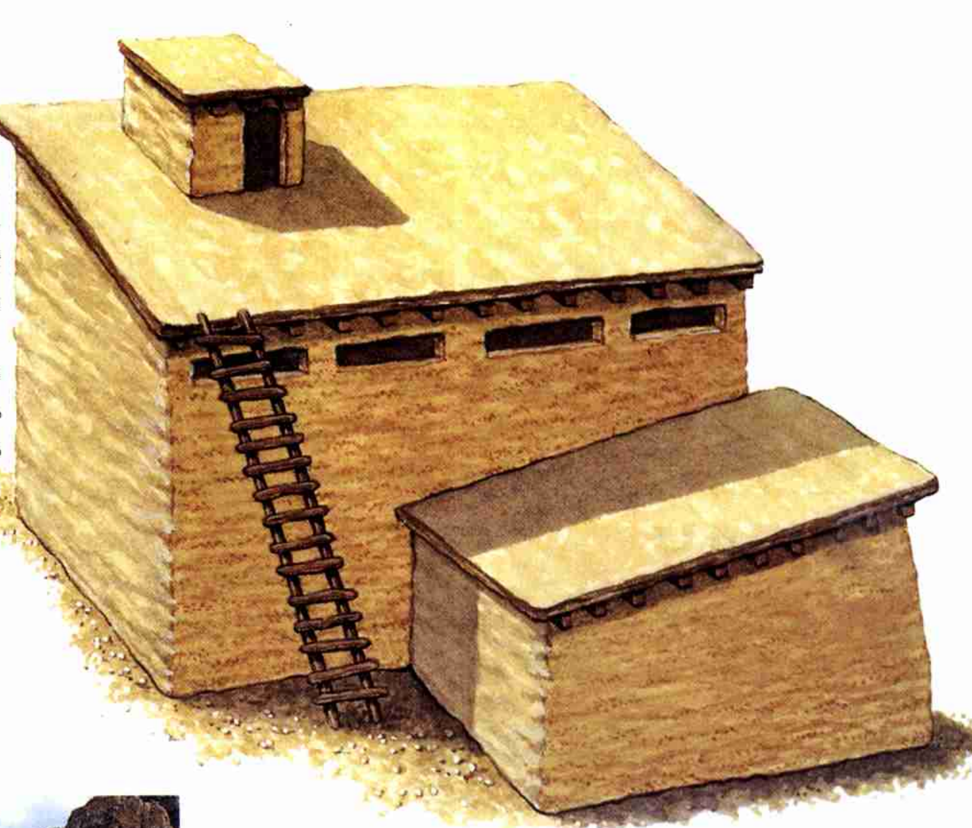
درون خانه‌ای دراز

خانه‌های دراز هم محل کار بودند و هم پناهگاهی برای افراد خانواده و حیوانات‌شـان. در اطراف اجاق این خانهٔ بازسازی‌شـده سبدهایی بافته‌شـده از نی و پوست روی زمین به چشـم می‌خورد. جای ابزار کنار دیوارها بود.



خانهٔ دراز

این خانـه‌ای بازسازی‌شـده به شکل خانه‌های دراز نخستین روسـتاهای کشـاورزی در اروپاست. زمان ساخت این روسـتا حدود ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد است.



خانهٔ شهری

در این تصویر، شـکل احتمالی خانه‌ای را در چاتال هویوک ترکیه مشـاهده می‌کنید. دیوارها خشتی بودند و تیرک‌هایی را با نی و گل می‌پوشاندند و با آن‌ها سقف می‌ساختند. همهٔ خانه‌ها بـه هم راه داشـتند و خیابانی بین‌شـان نبود. مردم برای رفـت و آمد به خانه روی سـقف می‌رفتند و بـا نردبان به درون خانه می‌رفتند یا از آن خارج می‌شدند. در اتاق اصلی خانه سـکویی برای نشستن یا خوابیدن تعبیه می‌شد. در ناحیهٔ چاتال هویوک، بیش از هزار خانه مثل این در کنار هم یافت شده است.



دیوارهای سنگی

این‌هـا بقایـای دیوارهـای خانه‌ای در نخستین روسـتاهای کشاورزی در اردن اسـت. ایـن خانـه حدود ۷۰۰۰ سـال قبل از میلاد سـاخته شده است. دیوارها را از سنگ‌هایی سـاخته‌اندکه از نواحـی مجـاور جمع می‌شـد. نخسـتین شـهرها و روسـتاهای کشـاورزی در خـاور نزدیک شـکل گرفتند. در ساخت و ساز اغلب خانه‌ها از خشت استفاده می‌شـد. در طول صدها سـال این خانه‌ها بارها و بارها در همان مکان بازسازی می‌شدند.



اجاق

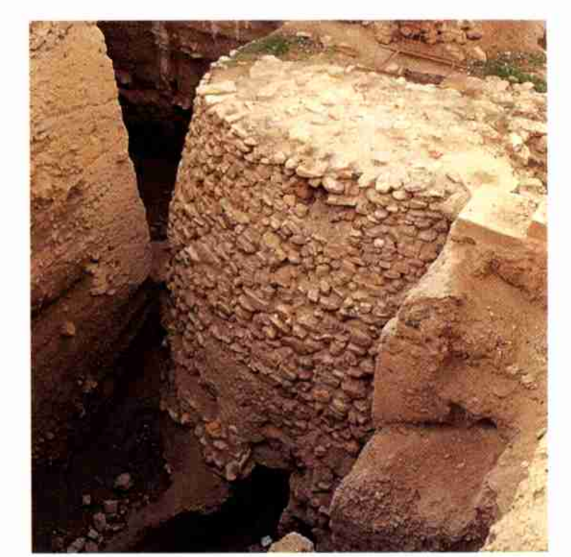
در بسـیاری از خانه‌ها از اجاق یا کوره برای پختن نان و حرارت‌دادن سفال استفاده می‌شد. حرارت کوره به مراتب بیش‌تر از اجاق روباز بود و به این ترتیب، ظروف سفالی مرغوب‌تری هم در آن به عمل می‌آمد. احتمالاً در هر روستایی ظروف سفالی خاصی ساخته می‌شد.

پایان یک عصر

رواج شهر و روستا نقطهٔ پایانی بود بر دوران عصر حجر. احتمالاً نخستین شهر، اریحا در خاورنزدیک بود. در حدود ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد، روستایی کشاورزی در آن‌جا، که محل اسکان اولیه بشر بود، شکل گرفت. تا حدود ۷۸۰۰ سال قبل از میلاد، حدود ۲۷۰۰ نفر در اریحا زندگی می‌کردند. چاتال هویوک در ترکیه شهر بسیار بزرگ‌تری بود که ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شد و حدود ۵۰۰۰ نفر سکنه داشت. ساکنان چنین شهرهایی فقط کشاورز نبودند و صنعتگر و بازرگان و روحانی هم در میان‌شان دیده می‌شد. با رواج صنعت فلز، تولید ابزارهای بهتر امکان تولید غذای بیش‌تر را برای مردم به وجود آورد. گسترش و پیشرفت کشاورزی منجر به پیدایش نخستین تمدن‌ها شد که نیروهای کاری و ارتشی سازمان‌یافته‌تر داشتند و شاهان و روحانیان بر آن‌ها حکم می‌راندند. این تمدن‌ها در نواحی حاصلخیز عراق، مصر، هندوستان و چین شکل گرفتند و بدین ترتیب، پایان عصر حجر رقم خورد.

اریحا

در حدود ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد، کشاورزان در اریحا، واقع در خاورنزدیک، برای خود خانه‌ای ساختند. دور خانه گودالی کنده بودند و دیوارهای سنگی عظیم هم محافظ خانه بودند. برج مدور بزرگی در دل دیوارها ساخته می‌شد که بقایای آن را در تصویر می‌بینید. اهالی اریحا با شکارچیان-گردآورندگان غذای ساکن صحرا داد و ستد داشتند.



پیکرهٔ باریک

این پیکرهٔ باریک زنانه در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد در جزایر سیکلادی یونان ساخته شد. پیکرهٔ نحیف او با پیکره‌های فربه مؤنث اولیه تفاوت‌هایی دارد. احتمالاً این مجسمه را به نشانهٔ تداوم سنت ساخت پیکره‌های نماد باروری، یا خدای‌بانوی مادری، در جوامع جدید شهرمحور ساخته‌اند.

ساختن مجسمه‌ای کوچک

مواد مورد نیاز: تخته، گل سفالگری، ابزار برش، چسب چوب (همراه آب تا براق شود)، قلم‌مو، استکان شیشه‌ای.

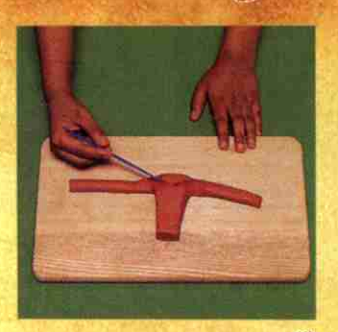




۱. نخست برای درست‌کردن بدن مجسمه تکه‌ای گل سفالگری را به صورت قالبی نسبتاً پهن و هرمی‌شکل درآورید. بعد برای درست‌کردن دست و پا یک لولهٔ کلفت به شکل سوسیس درست کنید.



۲. به اندازهٔ دو دست مجسمه از لوله ببرید. از بقیهٔ لوله پاها را درست کنید.



۳. دست‌ها را به بدن بچسبانید. محل اتصال را بپوشانید، با نوک ابزار برش محل شانه را روی تنه مشخص کنید.



سارگنِ اکّدی

این اثر حکاکیِ سومریِ متعلق به ۲۳۰۰ سال پیش از میلاد، سر سارگن پادشاه اکّد (Sargon of Akkad) است. سومر نخستین تمدن دنیا بود. این تمدن درحدود ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد درجنوب بین‌النهرین (عراق کنونی) شکل گرفت. سومری‌ها تاجران بزرگی بودند.



سفالینهٔ ظریف

این گلدان سفالی زیبا درحدود سال ۳۰۰۰ قبل از میلاد در عصر جومون در ژاپن ساخته شده است. ژاپنی‌ها از ۱۰,۵۰۰ سال قبل از میلاد سفالگری می‌کردند و فرهنگ جومونِ ژاپن تا حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد زنده بود. خاک رس از دیرباز از مواد اولیهٔ ساخت سرامیک بوده‌است.





وزن و واحد وزن

هم‌زمان با رواج تجارت، بشر به سیستم وزن و واحد وزن مناسبی احتیاج پیدا کرد. این ترازو و وزنه‌ها در شهر موهنجو-دارو (Mohenjo-Daro) مرکز تمدن هاراپان (Harappan) در پاکستان پیدا شده‌اند.

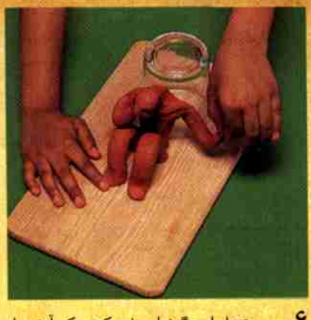
یکی از مجسمه‌های سفالی ماقبل تاریخ را که شبیه به این است «متفکر» نام داده‌اند. این مجسمه حدود ۵۲۰۰ سال قبل از میلاد در رومانی ساخته شده است.



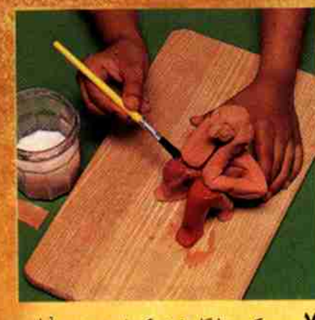
۴. یک تکه سفال را به صورت گردن و یک گلولهٔ سفال را به شکل سر درآورید. اجزای صورت را درست کنید. سر و گردن را به بدنه وصل کنید.



۵. تنهٔ مجسمه را به استکانی تکیه دهید. انتهای پاها را مانند تصویر خم کنید و به پاها شکل بدهید و آن را به تنه وصل کنید.



۶. دست‌ها را به گونه‌ای خم کنید که آرنج‌ها روی زانوها باشد و دست‌ها سر را نگه دارند.



۷. صبر کنید تا گل خشک شود. بعد به آرامی استکان را بردارید. روی مجسمه روغن جلا بزنید و تا خشک نشده تکانش ندهید.

عصر حجر امروزی

رواج فلز و کشاورزی روش زندگی مردم را عوض کرد، اما این کار به کندی صورت پذیرفت. زندگی به شیوه عصر حجر همچنان در بخش عمده‌ای از جهان ادامه داشت. در بسیاری مناطق، بشر به رغم آشنایی با فوت و فن کشاورزی همچنان شکارچی-گردآورندهٔ غذا باقی ماند. افزون بر این، بخش‌های عمده‌ای از دنیا تا همین اواخر از هم بی‌خبر و جدا بودند. انسان عصر حجر بدون استفاده از فلز هم جامعه‌ای پیچیده و پیشرفته داشت. شگفت آن‌که حدود هزار سال قبل از میلاد، اهالی آسیای جنوب شرقی با عبور از ۶۰۰ کیلومتر اقیانوس خود را به جزایر اقیانوس آرام رساندند و در بسیاری از آن‌ها ساکن شدند. و این بسیار فراتر از حد و اندازهٔ جرئت بشر بود که بی‌آن‌که اثری از خشکی ببیند رهسپار سفر دریایی طولانی شود. جوامع عصر حجر تا امروز به همان شکل باقی مانده‌اند. اسکیموهای قطب‌نشین، بومیان استرالیا و شکارچی-گردآورندگان غذای قبیلهٔ سان (San) در افریقای جنوبی هنوز هم به شیوه‌ای زندگی می‌کنند که هزاران سال قدمت دارد.



اهالی قبیلهٔ پاپوآ در گینهٔ نو

این مردان درحال اجرای یکی از رقص‌های آیینی در قبیلهٔ پاپوآ در گینهٔ نواَند. نواحی مرتفع در پاپوآ موانعی طبیعی بین گروه‌های مختلف مردم به وجود آورده‌اند. این امر موجب حفظ فرهنگ و زبان‌های بسیار متنوعی شده است. بسیاری از ساکنان روستاهای کوچک این ناحیه محصولات کشاورزی خود را مصرف می‌کنند و به شکار حیوانات در دل جنگل‌های انبوه می‌پردازند.



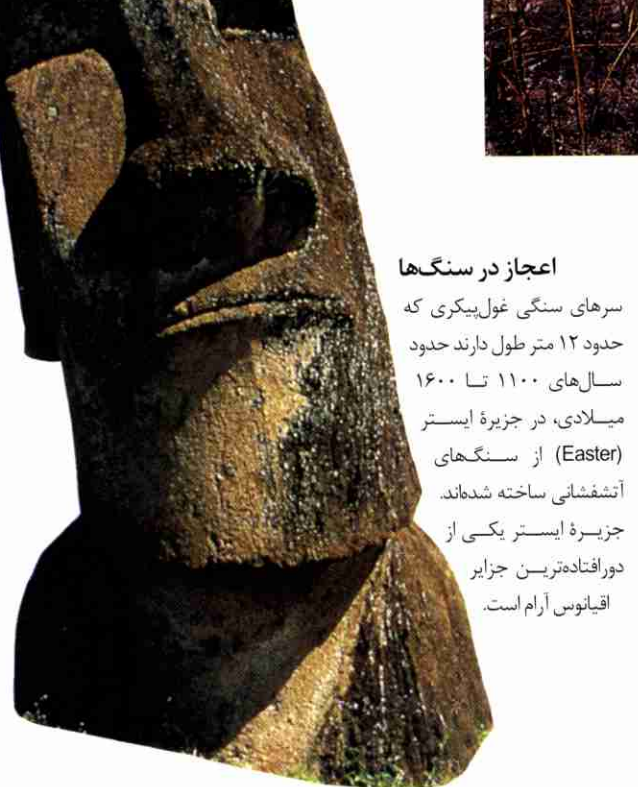
ساکنان قطب

این تصویر مردی از ناحیهٔ ننت (Nenet) در سیبری روسیه را نشان می‌دهد. شیوهٔ سنتی زندگی ساکنان ننت بسیار شبیه راه و رسم زندگی اسکیموهای شمال امریکاست. امروزه اکثر آن‌ها در آبادی‌ها یا شهرهای کوچک زندگی می‌کنند، اما به فرهنگ خود می‌بالند. آن‌ها زبان، هنر و آوازهای خود را همچنان حفظ کرده‌اند و شکار را اصلی‌ترین رکن زندگی خود می‌دانند.

بومیان استرالیا

امروزه در استرالیا، دویست سال بعد از آمدن اروپاییان به این ناحیه، برخی از بومیان می‌کوشند روش‌های سنتی زندگی خود را همچنان حفظ کنند. هزاران سال قبل، نیاکان این مردم احتمالاً به خوبی می‌دانستند که چطور می‌توان کشت و زرع کرد و مثلاً سیب‌زمینی کاشت، اما تصمیم گرفتند همچنان شکارچی باقی بمانند و غذا جمع کنند. به اقتضای محیط زندگی‌شان، آن‌قدر شکار و گیاهان خوراکی در اختیار داشتند که کشاورزی برای‌شان غیرضروری و دشوار جلوه می‌کرد.





اعجاز در سنگ‌ها

سرهای سنگی غول‌پیکری که حدود ۱۲ متر طول دارند حدود سال‌های ۱۱۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی، در جزیرهٔ ایستر (Easter) از سنگ‌های آتشفشانی ساخته شده‌اند. جزیرهٔ ایستر یکی از دورافتاده‌ترین جزایر اقیانوس آرام است.



بنای سنگی

بخشی از تصویری متعلق به سدهٔ پانزدهم میلادی را مشاهده می‌کنید که در آن عده‌ای در حال تکمیل بنای سنگی عظیمی‌اند. کثرت نیروی کار و رواج ابزار فلزی به‌تدریج باعث شد سنگ در حکم مصالح ساختمانی نقشی تازه پیدا کند. به راحتی می‌شد سنگ را برید، شکل داد و تعداد زیادی از آن را حمل کرد. در سراسر جهان بناهای سنگیِ تأثیرگذاری احداث شدند که برخی از آن‌ها در گذر هزاران سال همچنان پابرجا مانده‌اند.

واژه‌نامه

الف

آئوسترالوپیتکوس(میمون جنوبی): نخستین گونهٔ میمون‌نمای انسان که روی دو پا راه می‌رفت.

آزمایش رادیوکربن: روشی دقیق برای تعیین قدمت اشیاء.

اسکنهٔ حکاکی: ابزاری قلم‌مانند، ساخته‌شده از سنگ چخماق.

اُخرا: خاکی به رنگ زرد یا سرخ که برای نقاشی از آن رنگ‌دانه می‌گیرند.

انقراض: محو یا نابودی کامل یک گونهٔ گیاهی یا حیوانی.

ب

بادیه‌نشین: عضوی از یک گروه که مدام از جایی به جایی دیگر در حال حرکت است.

باستان‌شناسی: مطالعهٔ علمی روزگار گذشته با بررسی چیزهایی مثل ابزار به‌جامانده از انسان‌ها.

بلم گرد: قایق کوچک گردی که از حصیر و نی درست می‌شود و رویش پوششی ضد آب می‌کشند.

بلم یک‌تکه: قایقی از تنهٔ درخت توخالی.

بیشه‌زار: جنگلی حفاظت‌شده که درختانش را هرس می‌کنند تا باروبرتازهٔ بهتری بدهد.



بلم یک‌تکه

بین‌النهرین: ناحیهٔ حاصلخیز بین دو رود دجله (Tigris) و فرات (Euphrate) که در آن نخستین شهرها شکل گرفت.

پ

پالائولیتیک (عصر کهن‌سنگی): دوره‌ای از تاریخ که حدود دو میلیون سال قبل با ساخت نخستین ابزار سنگی آغاز شد.

پل خشکی (خاکی): نواری خاکی که دو ناحیهٔ خشکی را به هم متصل می‌کند. این نوار اغلب پس از پایین آمدن سطح آب دریا پدیدار می‌شود.

پوشال: خار و خاشاک ریز خشکی که به آسانی مشتعل می‌شود.

پیکرهٔ ونوس: پیکرهٔ کوچک زنانه که معمولاً کفل، پستان و سر بزرگی دارد و شکمش کاملاً برجسته است. این مجسمه‌ها را نماد حاصلخیزی و باروری می‌دانستند و می‌پرستیدند یا به منزلهٔ طلسم خوش‌بختی آن را همراه خود نگه می‌داشتند.

پیکرهٔ ونوس

ت

تبر دستی: ابزاری سنگین و مناسب برای گرفتن در دست.

ترفین: سوراخ‌کردن جمجمه؛ در روزگار ماقبل‌تاریخ برای خارج‌کردن بیماری از بدن چنین می‌کردند.

تکامل: تغییراتی که گونه‌ای حیوانی یا گیاهی طی میلیون‌ها سال طی می‌کند تا پیچیده‌تر شود.

توندرا: ناحیه‌ای عاری از درخت که خاک آن در لایه‌های زیر سطح زمین مدام یخ می‌زند. در این نواحی تابستان کوتاه است و زمستان سخت و طولانی.

تیپی: چادر مخروطی سرخ‌پوستان شمال امریکا.

تیشه: ابزاری برای بریدن چوب، تیغهٔ این ابزار با زاویه‌ای قائم به دسته وصل می‌شود.

چ

چوب‌خط: تکه چوب یا استخوانی که با ایجاد خراش روی آن حساب چیزی را نگه می‌داشتند.

چوب‌خط

خ

خاکریز، پشته: تلی از خاک که همچون دیواری محافظ دور اقامتگاه انسان نخستین ساخته می‌شد.

خاور نزدیک: ناحیه‌ای شامل کشورهای شرق مدیترانه.

خدای‌بانوی‌حاصلخیزی: خدای‌بانویی که مردم اعتقاد داشتند به همهٔ گیاهان، حیوانات و آدمیان حیات می‌بخشد.

خط میخی: نخستین سیستم نوشتاری که سومریان بین‌النهرین مخترع آن بودند.

د

داس: ابزاری با تیغه‌ای منحنی‌شکل که برای دروی محصول از آن استفاده می‌شد.

درفش: ابزاری کوچک و نوک‌تیز که برای سوراخ‌کردن پوست ازآن استفاده می‌شد.

دستاس: آسیاب دستی برای آرد کردن غلات.

دستهٔ‌تبر: بخشی که به تیغهٔ تبر وصل می‌شود.

دولمن: بقایای مقبره‌هایی به شکل چند ستون سنگی که تخته‌سنگ بزرگ مسطحی روی آن قرار می‌گرفت.

ر

رگ‌وپی: تاندون متصل‌کنندهٔ ماهیچهٔ حیوان به استخوان؛ انسان ماقبل‌تاریخ از آن برای دوخت و دوز استفاده می‌کرد.

ز

زوبین: سلاح نوک‌تیز نیزه‌مانندی که سرش جداشدنی است و به ریسمانی وصل می‌شود.

س

سنگ چخماق: سنگی سخت که به راحتی ورقه‌ورقه می‌شود و از لبه‌های تیز آن می‌توان ابزار و اسلحه ساخت.

سورتمه: وسیله‌ای چوبی برای حمل بار متشکل از تیرک‌هایی که کنار هم بسته می‌شدند و کسی آن را می‌کشید یا به پشت سگ یا اسبی بسته می‌شد.

ش

شکارچی-گردآورنده: انسانی که زندگی‌اش از راه شکار حیوانات و جمع‌کردن گیاهان خوراکی می‌گذرد.

شمن: حکیم قبیله (مذکر یا مؤنث) که می‌تواند بیماری‌ها را شفا دهد و با ارواح ارتباط برقرار کند.

ط

طایفه: گروهی از مردم که دارای خویشاوندی سببی یا نسبی‌اند.

ع

عصر یخی: دوره‌ای در تاریخ زمین که در آن بخش عمدهٔ دنیا پوشیده از یخ بود. به آن عصر یخبندان نیز می‌گویند. دوره‌های گرم‌تر بین دو عصر یخی را عصر فترت یخی می‌نامند.

ق

قبیله: گروهی از مردم با زبان و سیرهٔ زندگی مشترک.

ک

کتان: گیاهی با ریشه‌های رشته‌رشته که از آن پارچهٔ کتان درست می‌کنند.

کرگدن پشمالو: گونه‌ای پستاندار منقرض شده متعلق به ماقبل تاریخ.

کرم حشره: لاروبید که خوراک بومیان استرالیاست.

کروماگنون: نخستین گونهٔ جدید انسانی ساکن اروپا.

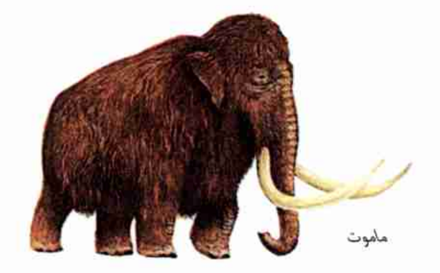
گ

گور دالانی: گوری جمعی ساخته‌شده از پشته‌ای خاک؛ در این نوع گور، دالانی طولانی از ورودی به مقبره داخلی منتهی می‌شود.

گونه: گروهی از حیوانات (یا گیاهان) با خصوصیاتی مشابه که زاد و ولد می‌کنند.

م

ماموت: پستاندار منقرض‌شده‌ای شبیه به فیل.



ماموت

ماقبل‌تاریخ: متعلق به دوران پیش از اختراع خط.

مبادله: دادن و گرفتن کالا.

متهٔ کمانی: ابزاری برای سوراخ‌کردن استخوان و صدف و نیز وسیله‌ای برای تولید گرما به منظور درست‌کردن آتش.

مزولیتیک (عصر میان‌سنگی): دوره‌ای در تاریخ بشر که حدود ۱۲,۰۰۰ سال قبل آغاز شد و با رواج کشاورزی پایان یافت.

مگالیت: بنای یادبود عظیم سنگی.



متهٔ کمانی

ن

نئاندرتال: گروهی از گونهٔ هومو ساپینس (انسان هوشمند). این‌ها نخستین انسان‌هایی بودند که اجساد مردگان خود را دفن می‌کردند.

نئولیتیک (عصر نوسنگی): دوره‌ای از تاریخ بشر که حدود ۱۰,۰۰۰ سال قبل آغاز شد و تا رواج ابزار فلزی ادامه داشت.

نماد: علامتی در نقاشی یا روی سنگ که معنای خاصی دارد.

نیاکان: عضوی از خانواده که سال‌ها پیش درگذشته است.

نیزه‌انداز: ابزاری که مثل حرکت کششی دست عمل می‌کرد تا شتاب بیش‌تری به نیزه دهد.

ه

هنج: بنایی مدور که از چوب یا سنگ ساخته‌می‌شد.

هومو ارکتوس (انسان راست‌قامت): نخستین گونهٔ انسانی که از آتش و سرپناه برای زندگی در آب و هوای سرد استفاده کرد.

هومو ساپینس (انسان هوشمند): گونه‌ای که همهٔ انسان‌های معاصر و نئاندرتال‌ها به آن تعلق دارند.

هومو هابیلیس (انسان ابزارساز): نخستین گونهٔ انسانی که ابزار ساخت.

هومینید: انسان و نخستین پیشینیانش.

ی

یومیاک: قایقی پارویی که از استخوان نهنگ ساخته و با پوست شیرماهی روکش می‌شد و با روغن به‌دست‌آمده از پوست خوک آبی آن را ضدآب می‌کردند. این قایق یک بادبان داشت و اسکیموهای شکارچی نهنگ از آن استفاده می‌کردند.

مصر باستان



فیلیپ استیل

مشاور:
فلیسیتی کابینگ



به جهان فراعنه پا بگذارید و سـرزمین حاصلخیز کنار رود نیل را کشـف کنید. تمدن مصر باستان یکی از موفق‌ترین تمدن‌های تاریخ بشر بوده است. این تمدن بیش از ۳۰۰۰ سال برپا بود.

بـه کنکاش دربـارهٔ فرهنگ و چهارچوب‌های اعتقادی مصریان باسـتان بپردازید. ببینید که اهرام عظیم سـنگی چگونه با تعداد کمی ابزار سـاده به دست هزاران کارگر غیرمتخصص ساخته شدند. دریابید که مصریان باسـتان در آن هوای داغ کشـنده چگونه خود را خنـک می‌کردند. به دنیای شگفت‌انگیز دفینه‌های طلا، فرعون‌های مومیایی‌شده، آیین‌های عجیب خاکسپاری و دزدان باهوش مقبره‌ها پا بگذارید.

امپراتوری نیل

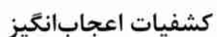
مصر سرزمینی است در تقاطع افریقا، اروپا و آسیا. اگر بتوانید به ۵۰۰۰ سال قبل برگردید، تمدنی شگفت‌انگیز را کشف خواهید کرد، امپراتوری مصر باستان.

قسمت عمدهٔ خاک مصر صحرای داغ و تفتیدهٔ شنی است. رود نیل (Nile)، همچون ماری در دل این صحرا، به سوی شمال می‌رود و به دریای مدیترانه می‌ریزد. هر سال، سیلاب‌ها حاشیهٔ نیل را گل‌آلود می‌سازند. در این خاک حاصلخیز، گیاه به خوبی رشد می‌کند. ۸۰۰۰ سال پیش در این ناحیه کشاورزان کشت و زرع می‌کردند. ثروت حاصل از کشاورزی به دادوستد و شهرسازی منجر شد. تا سال ۳۱۰۰ قبل از میلاد، امپراتوری بزرگی در مصر شکل گرفت که خاندان‌های سلطنتی بر آن حکم می‌راندند.

مصر باستان ۳۰۰۰ سال پا برجا بود، یعنی حتی بیش‌تر از امپراتوری روم. اهرام، معابد و آثار هنری به جا مانده از آن دوران نشان‌دهندهٔ شیوهٔ زندگی مردم سرزمین فراعنه است.

چشم هوروس

این نماد، که روی اکثر آثار هنری مصری می‌توان دید، چشم خدایی است به نام هوروس (Horus).



کشفیات اعجاب‌انگیز

در سال ۱۹۲۲، باستان‌شناسی انگلیسی به نام هوارد کارتر (Howard Carter) کشف شگفت‌انگیزی کرد: مقبرهٔ فرعون جوان، توتان‌خامون (Tutankhamun). هیچ یک از کشفیات مصر باستان سودمندتر از کشف این گور دست‌نخورده نبوده است.



زندگی در جوار نیل

نقاشی‌های مقبره‌ها نشان‌دهندهٔ نحوهٔ زندگی مصریان باستان است. در این تصویر، مردم را در حال آبیاری محصول خود با آب رود نیل می‌بینید.

سیر زمانی ۶۰۰۰ ق.م. تا ۲۰۰۰ ق.م.

امپراتوری مصر باستان بیش از ۳۰۰۰ سال برپا بود. موفق‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر عبارت‌اند از: امپراتوری کهن، امپراتوری "میانه،" و امپراتوری جدید.



گندم

حدود سال ۶۰۰۰ قبل از میلاد، انسان‌های نخستین در زمین‌های حاصلخیز درهٔ نیل سکنا می‌گزینند. آن‌ها گندم و جو می‌کارند.

گوسفند

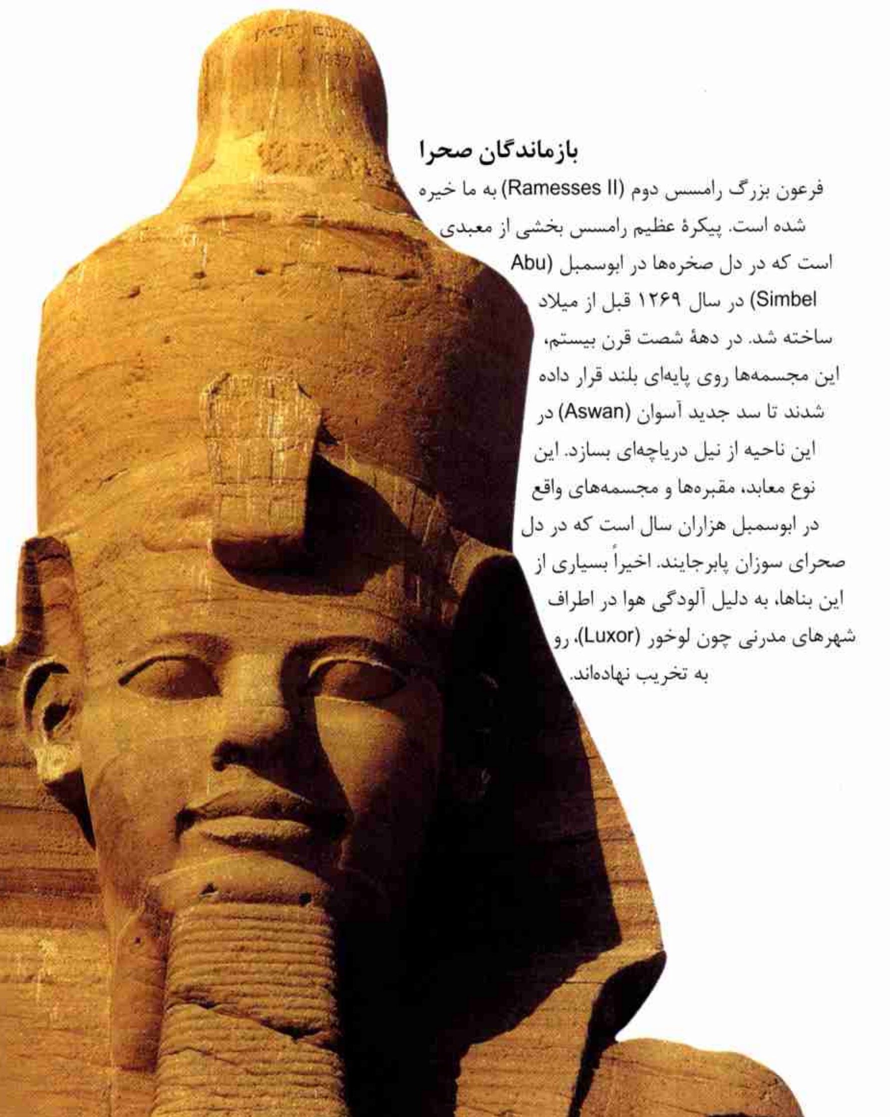
حدود سال‌های ۵۰۲۰ تا ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد صنعتگران با خاک رس مجسمه‌های ظریف و ظروف سفالی می‌سازند و با عاج فیل وسایل تزیینی درست می‌کنند.

حدود سال ۴۸۰۰ سال قبل از میلاد کشاورزان از گوسفند، گاو و سایر حیوانات نگه‌داری می‌کنند.

قایق بادبانی

حدود سال ۴۰۰۰ قبل از میلاد نخستین بادبان بر کشتی‌ای مصری نصب می‌شود.

۶۰۰۰ ق.م. — ۵۵۰۰ ق.م. — ۵۰۰۰ ق.م. — ۴۵۰۰ ق.م. — ۴۰۰۰ ق.م.



بازماندگان صحرا

فرعون بزرگ رامسس دوم (Ramesses II) به ما خیره شده است. پیکرهٔ عظیم رامسس بخشی از معبدی است که در دل صخره‌ها در ابوسمبل (Abu Simbel) در سال ۱۲۶۹ قبل از میلاد ساخته شد. در دههٔ شصت قرن بیستم، این مجسمه‌ها روی پایه‌ای بلند قرار داده شدند تا سد جدید آسوان (Aswan) در این ناحیه از نیل دریاچه‌ای بسازد. این نوع معابد، مقبره‌ها و مجسمه‌های واقع در ابوسمبل هزاران سال است که در دل صحرای سوزان پابرجایند. اخیراً بسیاری از این بناها، به دلیل آلودگی هوا در اطراف شهرهای مدرنی چون لوخور (Luxor)، رو به تخریب نهاده‌اند.



امپراتوری مصر

در این نقشه، شهرها و مراکز مهم مصر باستان مشخص شده است. مصریان باستان اغلب در حاشیهٔ رود نیل و زمین‌های حاصلخیز و سرسبز دلتای نیل ساکن بودند. طی قرن‌ها، مصریان معابد باشکوه متعددی برای بزرگداشت خدایان خود و مقبره‌های اسرارآمیزی برای مردگان خود می‌ساختند. اکثر این معابد و مقبره‌ها نزدیک دو شهر عمدهٔ مصر، ممفیس (Memphis) و تبس (Thebes)، ساخته می‌شدند.



۴۰۰۰ ق.م.

حدود سال ۴۰۰۰ تا ۳۵۰۰ قبل از میلاد معابدی با نی و حصیر ساخته می‌شوند.

نخستین ساختمان‌های خشتی ساخته می‌شوند.

استادکاران نخستین نقاشی‌های دیواری را می‌کشند و مجسمه‌های سنگی می‌سازند.

یکی از بیش از ۷۵۰ نماد هیروگلیف در نظام نوشتاری مصر

۳۵۰۰ ق.م.

حدود سال ۳۴۰۰ قبل از میلاد، شهرهای محصور با دیوار در مصر ساخته می‌شوند.

۳۱۰۰ قبل از میلاد نخستین خاندان بزرگ سلطنتی بر مصر حاکم و دورهٔ حکومت موروثی آغاز می‌شود.

نارمر شاه (King Narmer) مصر را متحد می‌کند و در ممفیس پایتخت خود را بنا می‌نهد.

مصریان خط هیروگلیف را به کار می‌برند.

۳۰۰۰ ق.م.

۲۶۸۶ قبل از میلاد، دورهٔ امپراتوری کهن.

۲۶۶۷ قبل از میلاد، نثرخت (Zoser) فرعون می‌شود.

۲۶۵۰ قبل از میلاد، اهرام پله‌ای در سقاره (Saqqara) ساخته می‌شوند.

اهرام پله‌ای

۲۶۰۰ قبل از میلاد، اهرام در میدوم (Maidum) ساخته می‌شود.

۲۵۸۹ قبل از میلاد خوفو (خئوپس، Khufu) فرعون می‌شود. او بعدها اهرام بزرگ را در جیزه (غزه) می‌سازد.

۲۵۰۰ ق.م.

ابوالهول

۲۵۰۰ قبل از میلاد خفرع (Khafra)، پسر خوفو، می‌میرد. در دوران پادشاهی وی، ابوالهول در جیزه ساخته می‌شود.

۲۱۸۱ قبل از میلاد امپراتوری کهن رو به افول می‌نهد.

دورهٔ امپراتوری میانه آغاز می‌شود. پادشاهان کوچک به قدرت می‌رسند.

۲۰۰۰ ق.م.



تمدنی بزرگ

قصهٔ مصر باستان از حدود ۸۰۰۰ سال قبل آغاز شد، یعنی از زمانی که کشاورزان در حاشیهٔ نیل شروع کردند به کشت و زرع و دامداری. حدود ۳۴۰۰ سال قبل از میلاد، مصریان شهرهایی محصور با دیوار می‌ساختند. اندکی بعد، شمال مصر (مصر سفلی) با سرزمین‌های بالای نیل (مصر علیا) متحد شد و کشوری تحت یک امپراتوری واحد شکل گرفت. پایتخت این امپراتوری جدید ممفیس بود.

نخستین دورهٔ تمدن مصر امپراتوری کهن نام دارد که از سال ۲۶۸۶ قبل از میلاد تا ۲۱۸۱ قبل از میلاد طول کشید. در این دوران، فراعنه اهرام را ساختند. اهرام مقبره‌هایی عظیم به شکل هرم‌اند که هنوز هم در صحرای مصر پابرجا مانده‌اند.

در دورهٔ امپراتوری میانی (۱۷۸۶ ـ ۲۰۵۰ ق.م.)، پایتخت از ممفیس به شهری جنوبی در مصر به نام تبس منتقل شد. مصریان نوبه (Nubia) را تحت سلطه گرفتند و نواحی کشاورزی خود را گسترش دادند. این دوره، دورهٔ موفقیت‌باری برای حکمرانان بود، با این‌حال، گاهی بی‌نظمی‌هایی رخ می‌داد که در حکمرانی خاندان‌های سلطنتی خلل ایجاد می‌کرد. در سال ۱۶۶۳ قبل از میلاد، کنترل کشور به دست نیروهای خارجی افتاد. هیکسوس‌ها (Hyksos) که از ساکنان آسیا بودند، حدود صد سال کنترل مصر را در دست گرفتند.

در ۱۵۶۷ قبل از میلاد، هیکسوس‌ها به دست شاهزادگان تبس از تخت به زیر کشیده شدند. پس از آن، اهالی تبس امپراتوری جدیدی تأسیس کردند. این برجسته‌ترین نقطهٔ تاریخ تمدن مصر است. بازرگانان و سربازان به افریقا، آسیا و سرزمین‌های مجاور مدیترانه سفر می‌کردند. با این حال، در سال ۵۲۵ قبل از میلاد، قدرت و شکوه مصریان رو به افول گذاشت و مصر بخشی از امپراتوری ایران شد. در سال ۳۳۲ قبل از میلاد، حکمرانی مصر به یونانیان رسید. سرانجام در سال ۳۰ قبل از میلاد فتح مصر با غلبهٔ رومیان بر سرزمین فراعنه کامل شد.



نقشهٔ خاورنزدیک

در ۱۲۷۹ ق.م. در روزگار اوج امپراتوری جدید، مصر نیرویی عمده در خاورنزدیک محسوب می‌شد. مصر کشوری موفق و غنی بود و با تمدن‌های اطراف از قبیل تمدن کرت مینونسی (Minoan Crete)، سوریه، شرق مدیترانه و نوبه داد و ستد داشت. با این‌حال، دشمنانی خارجی مثل حتّی‌ها این سرزمین را تهدید می‌کردند.



در حدود ۱۵۶۷ قبل از میلاد، هیکسوس‌ها از مصریان ساکن تبس در جنوب مصر شکست می‌خورند.

۱۵۵۰ قبل از میلاد، امپراتوری جدید آغاز می‌شود. آرامگاه حکمرانان در درهٔ شاهان ساخته می‌شود.

۱۵۳۵ قبل از میلاد، آمن‌هوتپ (Amenhotep) فرعون می‌شود.

۱۵۰۰ قبل از میلاد، روستایی در ناحیهٔ دیرالمدینه (Deir el-Medina)، مجاور درهٔ شاهان، شکل می‌گیرد.

توت‌موس سوم (*Thutmose III*)

۱۴۹۸ قبل از میلاد، ملکه هاتشپسوت (Hatshepsut) نایب‌السلطنهٔ توت‌موس سوم می‌شود که فرعونی خردسال است.

۱۴۸۳ قبل از میلاد، هاتشپسوت می‌میرد.

۱۴۷۸ قبل از میلاد، شاهزادهٔ طغیانگر قادش (Kadesh) در نبرد مجدو (Megiddo) در شرق مدیترانه از توت‌موس سوم شکست می‌خورد.

کتیبهٔ توتان‌خامون

اخناتن (*Akhenaten*)

۱۳۷۹ قبل از میلاد، آخن‌آتن پرستش خدای خورشید، آتن (Aten)، را تنها مذهب مصر معرفی می‌کند. پایتختی جدید در العمارنه (el-Amarna) تأسیس می‌شود.

حدود ۱۳۳۴ قبل از میلاد سمنخ‌کارع (Smenkhkare) جانشین آخن‌آتن، پایتخت را به ممفیس برمی‌گرداند.

۱۳۲۵ قبل از میلاد، توتان‌خامون در درهٔ شاهان به خاک سپرده می‌شود.

۱۲۹۱ قبل از میلاد ستی اول (Seti I) به قدرت می‌رسد. او تالار هیپوستایل (Hypostyle) را در کرنک (Karnak) بنا می‌نهد.

۱۲۷۹ قبل از میلاد، رامسس دوم فرعون مصر می‌شود.

رامسس دوم

۱۲۷۴ قبل از میلاد، رامسس دوم در نبرد قادش به مصاف حتّی‌ها (Hittitens) می‌رود.

۱۶۰۰ ق.م. | ۱۵۰۰ق.م. | ۱۴۰۰ق.م. | ۱۳۰۰ ق.م. | ۱۲۰۰ ق.م.

فراعنهٔ نام‌دار

خاندان‌های سلطنتی هزاران سال بر مصر حکم راندند. به یمن وجود مقبره‌های باشکوهِ ایشان و بناهای یادبودی که به افتخارشان برپا شده است، اطلاعات فراوانی در مورد شاهان و ملکه‌های مصر باستان در دست است.

نخستین حکمران مصر نارمر شاه بود که این کشور را در حدود ۳۱۰۰ ق.م. متحد ساخت. نام فرعون‌های بعدی، نَثَرخَت (Zoser)، خوفو، به دلیل مقبره‌های هرمی‌شکل عظیمی که برای خودشان ساختند در یادها مانده است.



سلطنت در میان فرعون‌ها موروثی بود. با این حال، گاهی فرماندهان نظامی مثل حارمحب (Horemheb)، نیز به سلطنت می‌رسیدند. حکمرانان مصر اغلب مرد بودند، اما چند زن مقتدر نیز بر مسند فرعونی تکیه زدند که مشهورترین آن‌ها کلئوپاترا (Cleopatra) ملکهٔ یونانی است که در سال ۵۱ ق.م. بر مصر حکم می‌راند.

خفرع

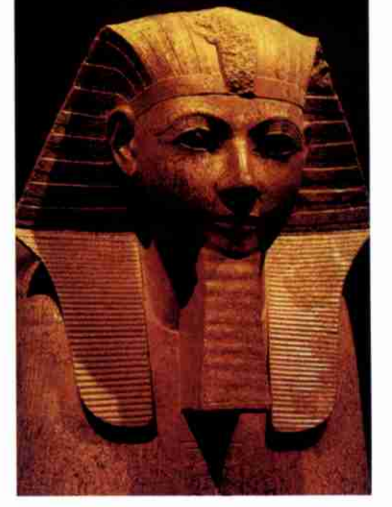
(دورهٔ حکمرانی ۲۵۳۲ - ۲۵۵۸ ق.م.)

خفرع پسر خوفو بود. نام او به این دلیل در یادها مانده‌است که مقبرهٔ باشکوهش دومین اهرام در جیزه و ابوالهول عظیم محافظ آن است.

آمن‌هوتپ اول

(دورهٔ حکمرانی ۱۵۰۴ - ۱۵۲۵ ق.م.)

فرعون آمن‌هوتپ سپاه مصر را در نبرد با اهالی نوبه رهبری کرد. او همچنین روستای کارگران را در دیرالمدینه احداث کرد.



هاتشپ‌سوت

(دورهٔ حکمرانی ۱۴۸۳ - ۱۴۹۸ ق.م.)

هاتشپ‌سوت خواهر ناتنی و همسر توت‌موس دوم بود. او بعد از مرگ همسرش، موظف شد تا زمان بلوغ پسر ناتنی‌اش، توت‌موس سوم، حکمرانی مصر را بر عهده بگیرد. اما او آن‌قدر قدرت‌طلب و مغرور بود که خود را فرعون نامید. دلیل شهرت و آوازهٔ وی سفرهای تجاری مکررش به سرزمین پونت (Punt) است. تصاویری از سفرهای عجیب وی بر دیواره‌های مقبره‌اش در دیرالبحری (Deir el-Bahri) نقش شده است.

سیر زمانی ۱۲۰۰ ق.م. تا ۱۹۶۰ میلادی

۱۲۰۰ ق.م.

۱۱۹۸ قبل ازمیلاد، اهالی کرانهٔ مدیترانه به مصر حمله می‌کنند.

۱۱۸۲ قبل از میلاد، رامسس سوم، آخرین فرعون سلحشور مصر، به قدرت می‌رسد. او اهالی مدیترانه را در نبردی شکست می‌دهد.

۱۱۵۱ قبل از میلاد، آخرین فرعون بزرگ مصر، رامسس سوم، می‌میرد.

رامسس سوم

حدود ۱۰۷۰ قبل از میلاد، امپراتوری جدید پایان می‌یابد. آغاز سومین دورهٔ میانی.

۹۰۰ ق.م.

۹۰۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد، دورهٔ کوتاه آرامش بین فتوحات ارتش‌های مهاجم.

۶۷۱ قبل از میلاد، آسوریان تا ممفیس پیش می‌روند و مصر را فتح می‌کنند.

داریوش اول

۶۰۰ ق.م.

۵۲۵ قبل از میلاد، آغاز آخرین دورهٔ امپراتوری.

۵۲۵ قبل از میلاد، مصر بخشی از امپراتوری ایران می‌شود.

۳۳۲ قبل از میلاد، اسکندر کبیر به مصر حمله می‌کند و این کشور تحت سلطهٔ یونانیان درمی‌آید. اسکندریه ساخته می‌شود.

اسکندر، کبیر

۳۰۵ قبل از میلاد، بطلمیوس اول (Ptolemy I) از رهبران سپاه اسکندر کبیر، بعد از مرگ او قدرت را به دست می‌گیرد.

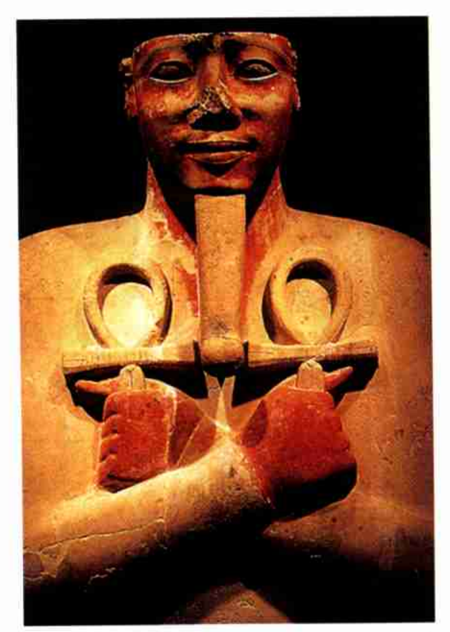
۳۰۰ ق.م.

۵۱ قبل از میلاد، کلئوپاترای هفتم، دختر بطلمیوس دوازدهم، در مصر به سلطنت می‌رسد.

کلئوپاترای هفتم

۳۰ قبل از میلاد، مصر بخشی از امپراتوری روم به رهبری امپراتور آگوستوس (Augustus) می‌شود.

سال صفر میلادی



توت‌موس سوم

(دورهٔ حکمرانی ۱۴۲۵ – ۱۴۷۹ ق.م.)

توت‌موس سوم، فرعون سلحشور مصر، به شجاعت معروف بود. او بارها به سوریه در خاور نزدیک لشکر کشید. تاریخ گویای این است که توت‌موس بی‌محابا سردمدار سپاهیان خود در نبردها بود و از مرگ باکی نداشت. بزرگ‌ترین پیروزی‌های وی نبرد مجدو و بعدها قادش است. توت‌موس سوم در درهٔ شاهان به خاک سپرده شد.



توتان‌خامون

(دورهٔ حکمرانی ۱۳۲۵ – ۱۳۳۴ ق.م.)

توتان‌خامون وقتی بر اریکهٔ فرعونی تکیه زد فقط ۹ سال داشت. او در ۱۸ سالگی درگذشت. دلیل شهرت او مقبره‌اش در درهٔ شاهان است که دفینه‌ای حیرت‌انگیز در آن مدفون شده بود.



آخِناتن

(دورهٔ حکمرانی ۱۳۳۴ – ۱۳۷۹ ق.م.)

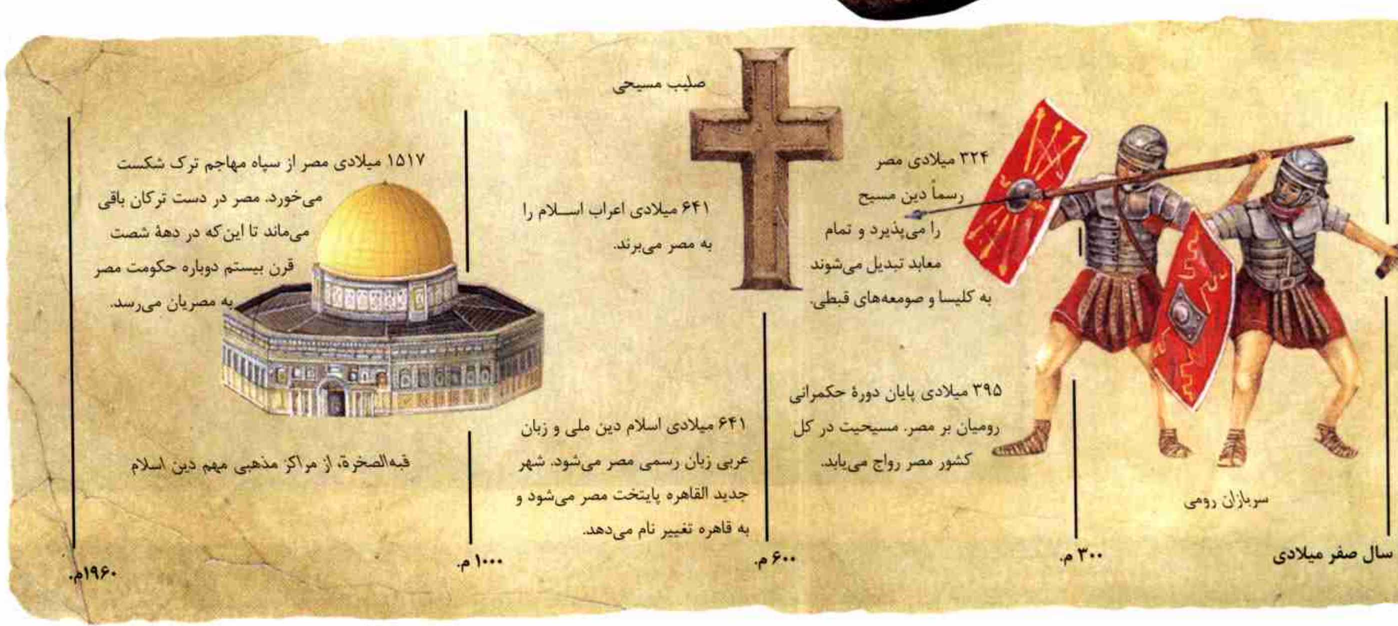
مصریان به خدایان متعددی ایمان داشتند. اما وقتی آخناتن به پادشاهی رسید همگان را واداشت یک خدا را بپرستند: خدای خورشید، آتن. او پایتختش را از ممفیس به آخِتاتن (Akhetaten العمارنهٔ کنونی) منتقل کرد. همسر اصلی او ملکه نفرتی‌تی (Nefertiti) زیبا بود.



رامسس دوم

(دورهٔ حکمرانی ۱۲۱۲ – ۱۲۷۹ ق.م.)

یکی از پرآوازه‌ترین فراعنهٔ مصر رامسس دوم، پسر ستی اول (Seti I) بود. او معابد باشکوه بسیاری ساخت و در ۱۲۷۴ قبل از میلاد حتّی‌ها را در نبرد قادش شکست داد. نامی‌ترین ملکهٔ او نفرتاری (Nefertari) بود. نقوشی از صورت این ملکهٔ باشکوه بر دیواره‌های معبد رامسس دوم در ابوسمبل دیده می‌شود. رامسس عمری طولانی داشت و در ۹۲ سالگی درگذشت. او در درهٔ شاهان به خاک سپرده شد.



سرزمین خدایان

مصریان باســتان معتقد بودند جهان منظمی که در آن می‌زیســتند از هیچ به وجود آمده اســت، از این‌رو اگر آیین‌های مذهبی درســت انجام نشــود هرج و مــرج و تاریکی دوباره مســتولی خواهد شــد. روح خدایان در کالبد فراعنه حلول می‌کرد و فرعون‌ها شــاه‌ـخدا بودند. آن‌ها از این دنیا برای خدایان محافظت می‌کردند. بیش از ۲۰۰۰ خدا در مصر باستان پرستیده می‌شدند. بسیاری از ایشان به محلی خاص ربط داشتند. آمونِ (Amun) قدرتمند خدای تبس بود. برخی از خدایان به شــکل حیوانات ظاهر می‌شدند ــ سِبِک (Sebek) خدای آب، کروکودیل بود. خدایان با مشاغل و علایق نیز ربط داشــتند. خدای‌بانوی اســب آبی، تــاوارت (Tawaret)، حامی کودکان و زایمان بود.

بســیاری از مــردم عامی مصر از مذهب درباریان و اشراف سر درنمی‌آوردند. آن‌ها به جادو، ارواح محلی و خرافات باور داشتند.

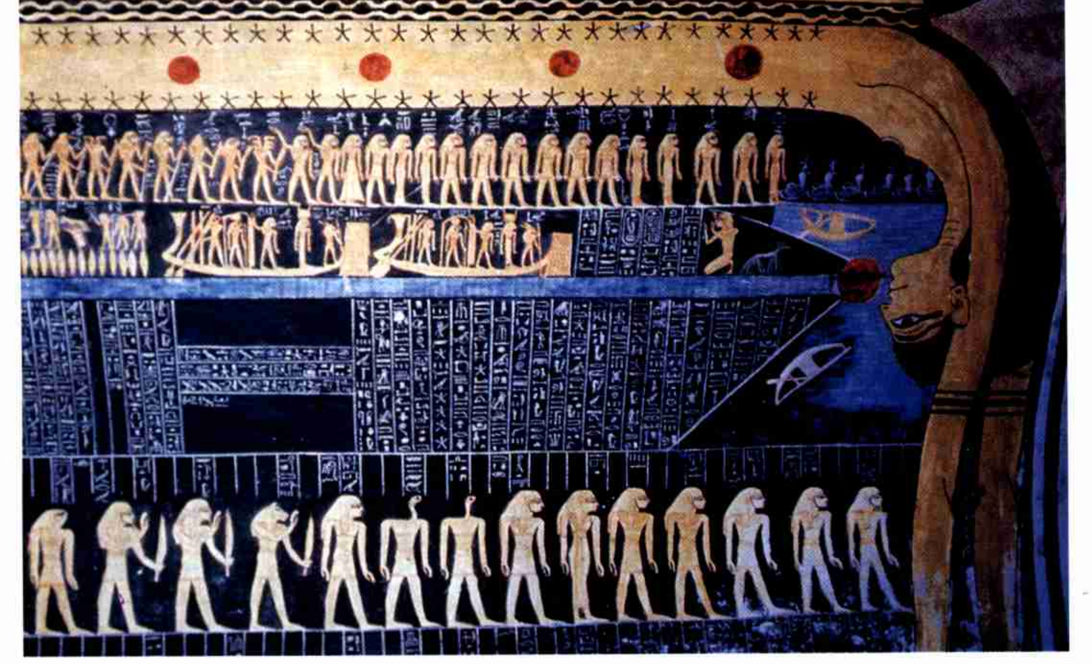
هوروس

هوروس، خدای شاهین، پسر ایزیــس (Isis) بود. او خدای آســمان‌ها و حامــی فرعون وقــت بــود. هــوروس یعنی «همان که بالای بالاســت». در ایــن تصویر هوروس، آنخ (*Ankh*) یــا نمــاد زندگی را در دســت دارد. دارنــدهٔ آنخ می‌توانســت حیات ببخشد و جان بگیــرد. فقط خدایان و فراعنه اجازه داشــتند این نماد را با خود حمل کنند.



گل لوتوس (نیلوفر آبی)

گل لوتوس برای مصریان بسیار اهمیت داشت. این نماد مقدس نشانهٔ مصر علیا بود.



خدای‌بانوی نوت

نوت (Nut)، با پوششــی از ســتارگان، خدای بانوی آســمان‌ها بــود. اغلب او را بــه حالتی به تصویر می‌کشــند که اندامش در آســمان کشیده شده اســت. به باور مصریان، نوت هر روز غروب خورشــید را می‌بلعد و فردا دوباره آن را می‌زایــد. او با خدای زمین گب (Geb) وصلت کرد و ایزیــس و اوزیریس (Osiris) از این وصلت به دنیا آمدند.



آمون، خدای تبس

آمون در اصل خدای شهر تبس بود. بعدها در سراسر مصر او را خدای آفرینش می‌دانستند. در امپراتوری جدید، آمون با خدایان قدرتمندی همچون رع (خدای خورشید) ادغام شد و به آمون ـ رع شهرت یافت. مصریان او را قدرتمندترین خدا می‌پنداشتند. آمون را گاهی به صورت قوچ نشان می‌دهند.



اوزیریس، پادشاه جهان زیرین

اوزیریس، خدای بزرگ مصریان، لباس شاهی به تن دارد. او از مهم‌ترین خدایان مصر باستان بود و فرمانروای زندگی و جهان ارواح به حساب می‌آمد. او خدای زراعت نیز بود. در افسانه‌ها آمده است که اوزیریس به دست برادرش ست (Seth)، خدای آشوب، کشته و مثله شد. آنوبیس، خدای شغال‌سر، که خدای مومیایی مصریان است، قطعات پیکر اوزیریس را از جاهای مختلف جمع کرد و خواهرش ایزیس او را به زندگی برگرداند.

سوسک مقدس

سرگین‌غلتان سوسک مقدس مصریان باستان بود. سرگین‌غلتان‌های سفالی و سنگی نشانهٔ طلسم و خوشبختی بودند و از آن‌ها به صورت مُهر و نگین انگشتر نیز استفاده می‌شد. پشت اشیایی که به شکل سوسک ساخته شده‌اند داستان‌هایی در مورد رویدادهای مهم حک شده است.



گربهٔ مومیایی

از روزگار امپراتوری کهن به بعد، مصریان خدایان را به شکل حیوانات می‌پرستیدند. خدای‌بانوی گربه، باستت (Bastet)، ظاهراً دختر خدای خورشید رع (Ra) بود. گربه چنان برای مصریان مقدس بود که در دوره‌ای تعداد زیادی از آن‌ها در نوارهای نخی پیچانده و مومیایی می‌شدند. احتمالاً مجسمه‌های مفرغی گربه و گربه‌های مومیایی مثل آن‌چه در این تصویر دیده می‌شود، پیشکشی به باستت در معبدش بودند.

میوی گربه

گربه حیوان مقدس مصریان باستان بود. این حیوان حتی خدایی مخصوص به خودش داشت! علاقهٔ فراوان مصریان به گربه به روزگاری برمی‌گردد که کشاورزان گربه در خانه نگه می‌داشتند تا از انبار محصولات‌شان در مقابل موش‌ها مراقبت کند. گربه‌ها خیلی زود تبدیل به حیوانات خانگی محبوب مصریان شدند. در زبان مصری به گربه می‌گفتند میو که بی‌شباهت به صدای این حیوان نیست.



راهب، دولتمرد و خدا

کلمهٔ فرعون از واژهٔ مصری *per-aa* به معنای خانهٔ بزرگ یا قصر گرفته شده است. بعدها فرعون معنایی دیگر یافت: کسی که درون قصر زندگی می‌کند، پادشاه. در تصویرها و مجسمه‌ها، فرعون‌ها با علائم خاص سلطنتی مثل تاج، سرپوش، پرندگان مصنوعی، عصای سلطنتی و یک جفت عصای سرکج و خرمن‌کوب در هر دست دیده می‌شوند. فرعون مهم‌ترین فرد در مصر بود. او که خدای‌ـشاه لقب داشت، رابط مردم و خدایان‌شان بود. پس باید از او حمایت و مراقبت می‌شد. فرعون زندگی شلوغ و پردردسری داشت. او هم راهب اعظم بود، هم قانون‌گذار اصلی، هم فرمانده سپاه و هم خزانه‌دار. درضمن، باید سیاستمدار باهوشی هم می‌بود. به باور مصریان باستان، فرعون پس از مرگش خدا می‌شد.

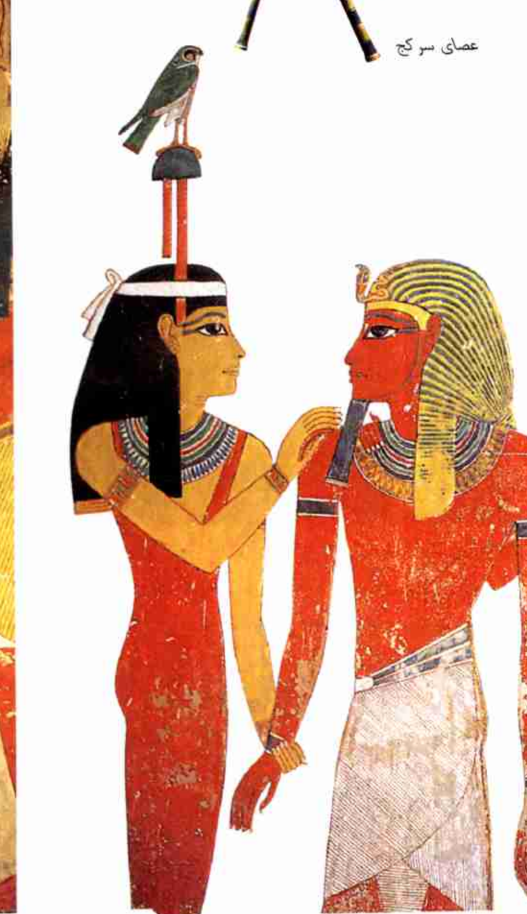
فرعون‌ها معمولاً مرد بودند، اما گاهی وقت‌ها که فرعونی جدید به سن قانونی نرسیده بود، ملکه‌ای بر مسند فرعونی تکیه می‌زد. فرعون می‌توانست چندین زن بگیرد. در خاندان سلطنتی ازدواج پدر با دختر و برادر با خواهر مرسوم بود. گاهی فرعون‌ها برای متحد شدن با کشوری، با شاهزادهٔ آن کشور وصلت می‌کردند.



عصای سرکج و خرمن‌کوب

این دو نشانهٔ اوزیریس بودند که بعدها نماد اقتدار فراعنه شدند. عصای سرکج نشانهٔ پادشاهی است و خرمن‌کوب نماد حاصلخیزی زمین.





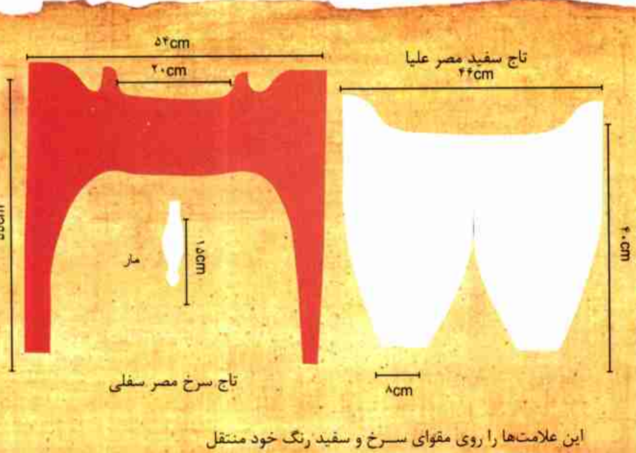
خدای‌بانوی مادر فراعنه

هاثور (Hathor) خدای‌بانوی مادر هر فرعون بود. در این تصویر او را می‌بینیم که به پیشواز حارمحب در جهان مردگان رفته است. حارمحب نجیب‌زاده‌ای بود که فرمانده دلیری شد و در سال ۱۳۲۳ قبل از میلاد بر مسند فرعونی تکیه زد.

تاج بسازید

مواد مورد نیاز: دو برگ مقوای A، (به رنگ‌های سرخ و سفید)، مداد، خط‌کش، قیچی، نوار چسب، لولهٔ مقوایی، باند، چسب چوب و قلم‌مو، رنگ آکریلیک (طلایی و سفید)، قلم‌مو، مهره، سنجاق، ظرف آب.

۱. مانند تصویر قالب مقوای سفید را به شکل استوانه درآورید. با نوار چسب دو طرف مقوا را محکم به هم بچسبانید.



این علامت‌ها را روی مقوای سرخ و سفید رنگ خود منتقل کنید. دور خطوط را با قیچی ببرید.

رامسس به دیدار خدایان می‌رود

در این تصویر رامســس اول، فرعون درگذشــته، را می‌بینیم که به دیدار هوروس (چپ) و آنوبیس (راســت) رفته اســت. فرعون‌ها باید به سلامت از جهان پس از مرگ گذر می‌کردند، وگرنه ارتباط خدایان و جهان هستی تا ابد قطع می‌شد.

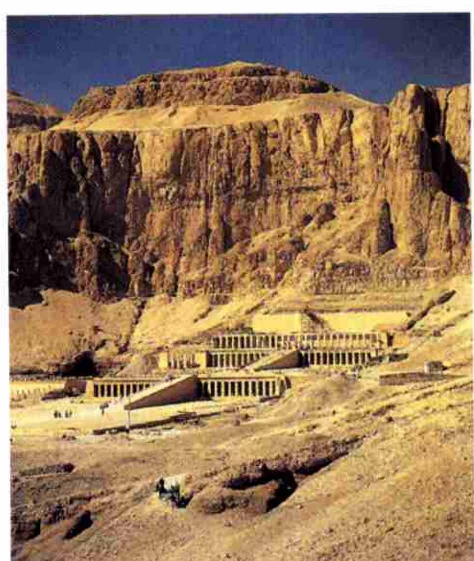


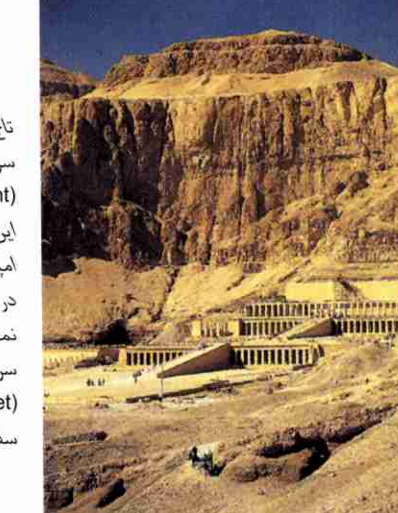
هاتشپ‌سوت

فرعون شدن زنان آن‌قدر نامتداول بود که هاتشپ‌سوت با تمام نشانه‌های فراعنهٔ مذکر به تصویر کشیده می‌شد، حتی با ریش مصنوعی! در این تصویر او تاج فراعنه را به سر دارد. مار کبری روی تاج وی نشانهٔ مصر سفلی است.

معبد ملکه

این معبد عظیم به افتخار ملکه هاتشپ‌سوت در دامنهٔ صخره‌های مرتفع دیرالبحری، در کرانهٔ غربی رود نیل، نزدیک درهٔ شاهان برپا شد. ملکه دستور داده بود این معبد را بسازند تا کالبد وی در آن‌جا آمادهٔ خاکسپاری شود. اهرام، مقبره‌ها و معبدها از نمادهای مهم قدرت در مصر بودند. هدف هاتشپســوت از ســاختن معبد مذکــور ایــن بود که مردم او را همیشــه در کســوت فرعونی به یاد داشته باشند.





تاج دو تکه‌ای که فراعنه بر سر می گذاشتند پسچنت (Pschent) نام داشت. این تاج نشانهٔ اتحاد دو امپراتوری بود: بخش سفید در بالا، هجت (Hedjet) نماد مصر علیا و بخش سرخ در پایین دشرت (Deshret) نماد مصر سفلی.



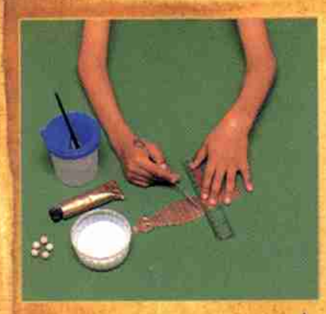
۲. لولـهٔ مقوایی را روی سـر تاج نصب کنید. با نوار زخم‌بندی نوک تاج را ببندید. با چسب نوار را به مقوا بچسبانید و لبه‌ها را هم چسب بزنید.



۳. بانـد را دور مقوای سـفید بپیچید. روی باند را با مخلوط مســاوی چســب و رنگ سفید رنگ کنید. تاج را جای گرمی بگذارید تا خشک شود.



۴. باند را دور مقوای سفید بپیچید. روی باند را با مخلوط مساوی چسب و رنگ سفید رنگ کنید. تاج را جای گرمی بگذارید تا خشک شود.



۵. حـالا مـار را طلایی‌رنگ کنیـد و به جای چشم‌هایش مهره بچســبانید. وقتی خشک شد روی تنه‌اش خطوطی بکشید. مار را خم کنید و مانند تصویر روی کلاه بچسبانید.

دربار و درباریان

قصر مصریان مجموعه‌های پیچیده و گســترده‌ای بودند. هر قصر ساختمانی عمومی داشــت که فرعون در آن‌جا فرســتادگان کشورهای دیگر را ملاقات می‌کرد و مراسم سلطنتی را برپا می‌داشت. اعضای خاندان سلطنتی در شهر در خانه‌های اشرافی زیبایی با دیوارهای نقاشی‌شده و کف‌های کاشی‌کاری در جوار قصر زندگی می‌کردند.

حکمرانان مصر نیز مثل شــاهزادگان زندگی می‌کردند و فرعون‌ها همیشــه باید مراقب می‌بودند که حکمرانان بیش از حد ثروتمند و قدرتمند نشــوند. دربار شامل عدهٔ زیادی از مقامات کشوری و مشاوران سلطنتی، از جمله وکلا، معماران، مأموران مالیــات، راهبان و ســران ارتش بود. وزیر مهم‌ترین مهرهٔ دربار بود که بســیاری از وظایف فرعون را به جای وی انجام می‌داد.

مقامــات درباری و اشــراف در رأس جامعهٔ مصر جا داشــتند. اما اغلب کارهای ســختی که چرخ کشــور را به آرامی در گردش نگه می‌داشــت به دوش بازرگانان، صنعتگران، کشاورزان، کارگران و بردگان بود.



زنان بزرگ

آهموس ـ نفرتاری (Ahmose-Nefertari) همســر آهمــوس اول بــود. او گل نیلوفر آبی و خرمن‌کوب در دســت دارد. پادشــاه می‌توانســت چندین زن داشــته باشــد و داشتن حرم‌سرایی از زنان زیبا نیز رایج بود.



شکوه دربار

در تصویــر، تخــت رامســس ســوم را در قصــرش واقــع در مدینــهٔ هابــو (Medinet Habu) در کرانــهٔ غربــی رود نیــل نزدیــک تبــس می‌بینیــم. فرعون‌هــا معمــولاً چندیــن قصــر داشــتند و قصــر مدینــهٔ هابــو یکــی از کوچک‌تریــن قصرهــای رامســس ســوم بــود. بقایــای دیوارههــا و کاشــی‌ها و تزئینــات نشــان می‌دهــد که دربــار چقدر باشــکوه بــود. اتاقک گوشــهٔ بــارگاه احتمالاً نوعــی رختکن حمــام بود!

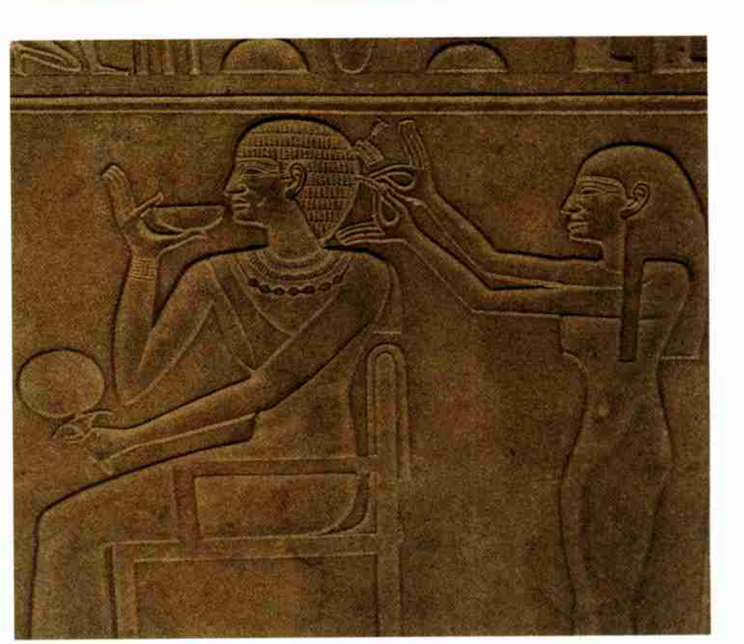


مرد درباری و همسرش

مجســمهٔ سنگ آهکی زوج اشراف‌زادهٔ ناشناسی از اهالی تبس را می‌بینید. مرد احتمالاً شغل والایی داشت، مثلاً پزشک، دولتمرد یا مهندس بود. زنان اشــراف‌زاده کار نمی‌کردند، اما کاملاً مســتقل بودند. جهیزیه‌ای که زن به خانهٔ همسرش می‌برد، متعلق به خودش می‌ماند.

استراحت

آنخرهائـو (Ankherhau)، سـرکارگر ثروتمنـد مصری، درخانه با همسـرش استراحت می‌کند. آن دو به نوای چنگ نوازنده‌ای گوش می‌دهند. زندگی برای کسانی که استطاعت مالی داشتند بسیار لذت‌بخـش بود. پادشـاهان و درباریان رقاصان و نوازندگان و آکروباتیست‌هایی داشـتند کـه سرگرم‌شـان می‌کردند. آشـپزان در آشـپرخانه غذاهای لذیذ می‌پختند. حال آن‌که مـردم معمولی غذاهایی سـاده می‌خوردند و غذاهای گوشتی‌شـان محدود بود بـه حیوانات کوچکی که خودشان شکار می‌کردند.



آرایش مو

خدمتـکاران خانگـی کارهـای روزمـرهٔ خانـدان سـلطنتی را انجـام می‌دادنـد. در این‌جـا ندیمـهٔ ملکهٔ جـوان، کاویت (Kawit) همسـر فرعون منتوهوتپ دوم (Mentubotep II)، را درحـال آراسـتن موی وی می‌بینیم. اکثر خدمتکاران مؤنث خانواده‌های ثروتمند کنیز خانه بودند، اما عـدهٔ زیادی از این افـراد آزاد بودند. این بدان معنی بود که خدمتکاران مذکور هر وقت که می‌خواستند می‌توانستند ارباب خود را ترک کنند.

شهرها، خانه‌ها و باغ‌ها

شهرهای بزرگ مصر باستان، همچون تبس و ممفیس، کنار رود نیل ساخته شده بودند. شهرهای کوچک نیز به شکلی پراکنده اطراف شهرهای بزرگ شکل گرفتند. شهرهای کارگری همچون دیرالمدینه در مجاورت مقبره‌ها و معابد شکل می‌گرفت تا کار ساخت‌وساز تسهیل شود.

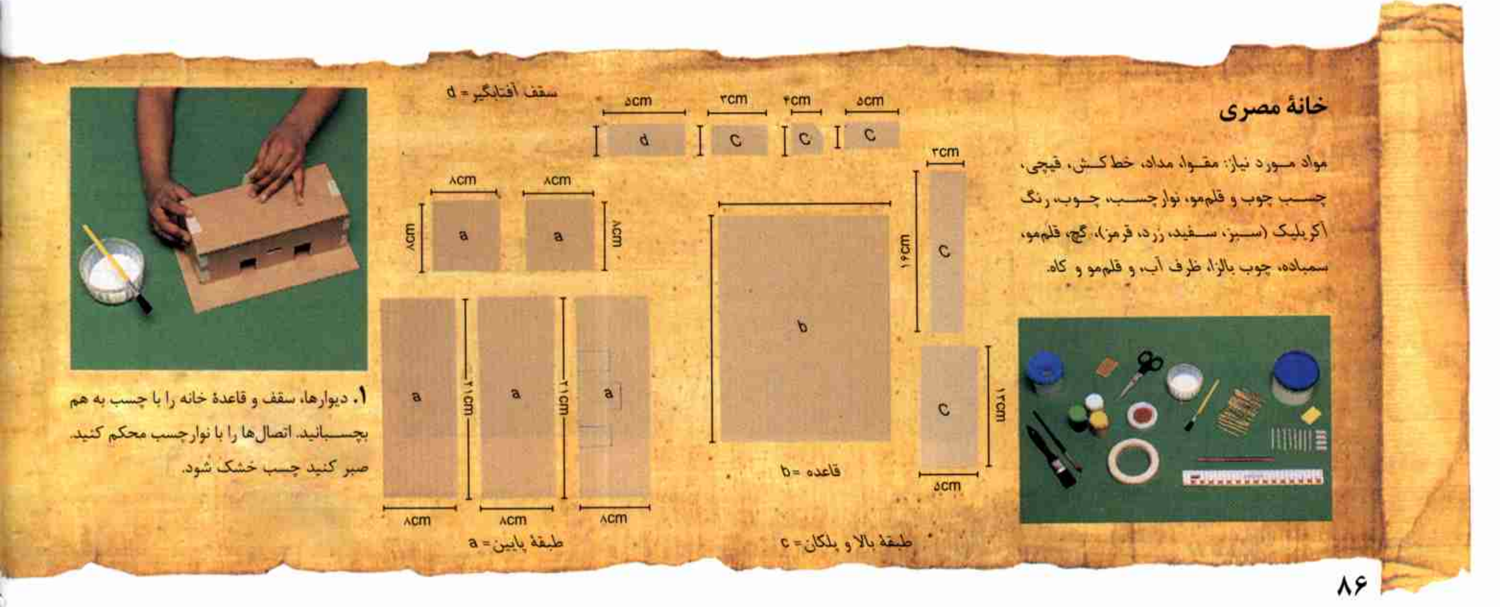
دور شهرها دیوارهای قطوری برای حافظت شهر ساخته می‌شد و خیابان‌ها به صورت شبکه‌ای طراحی می‌شدند. جاده‌های خاکی شبکه‌های سنگی زه‌کشی یا آب‌رو داشتند که با شیبی به سمت وسط ساخته می‌شدند. در برخی از قسمت‌های شهر مقامات کشوری ساکن بودند و در قسمت‌های دیگر صنعتگران و کارگران فقیر سکنا داشتند.

فقط معابد به گونه‌ای ساخته می‌شدند که پابرجا بمانند. معابد از سنگ ساخته می‌شدند. بناهای دیگر، از قصر فرعون گرفته تا خانهٔ کارگران ساده، با آجر ساخته می‌شد. سقف اکثر خانه‌ها حفاظی از چوب نخل داشت و کف خانه‌ها با خاک پوشانده می‌شد. دیوار خانه‌های متمولان گچ‌کاری یا نقاشی می‌شد. این خانه‌ها شامل اتاق‌خواب، نشیمن، آشپزخانه‌ای در حیاط و کارگاه بودند. اثاث خانه عبارت بود از تخت‌خواب، صندلی، چهارپایه و نیمکت. در خنکی عصر، مردم یا روی سقف مسطح خانه‌ها می‌نشستند یا در سایهٔ خنک درختان باغ‌ها قدم می‌زدند و صحبت می‌کردند.



باغ نخت

کاتب دربار، نخت(Nakht)، و همسرش تجی‌یوای (Tjiui) عصرهنگام در باغشان قدم می‌زنند. دور استخر آرام باغ بوته و درخت دیده می‌شود. در باغ‌های مصر نخل، هندوانه، انگور، شقایق سرخ و نیلوفر صورتی و آبی می‌رویید. هنرمندان مصر باستان اشیاء را از جهات مختلف به یک شکل نشان می‌دادند. به همین علت است که درختان دور استخر مسطح کشیده شده‌اند.



خانهٔ مصری

مواد مورد نیاز: مقوا، مداد، خط‌کش، قیچی، چسب چوب و قلم‌مو، نوارچسب، چوب، رنگ اکریلیک (سبز، سفید، زرد، قرمز)، گچ، قلم‌مو، سمباده، چوب بالزا، ظرف آب، و قلم‌مو و کاه.

۱. دیوارها، سقف و قاعدهٔ خانه را با چسب به هم بچسبانید. اتصال‌ها را با نوارچسب محکم کنید. صبر کنید چسب خشک شود.

خانهٔ ارواح

مدل‌های سفالی تصویر کاملی از خانهٔ فقرای مصر به‌دست می‌دهند. در امپراتوری میانی، خانه‌هایی این چنینی، موسوم به خانهٔ ارواح، در مقبره‌ها پیشکش مردگان می‌شد. مصریان در حیاط خانه برای روح فرد درگذشته غذا می‌گذاشتند.



بالاتر از سطح سیلاب

خانهٔ ثروتمندان اغلب روی سکویی ساخته می‌شد که جلوی نفوذ رطوبت را به دیوارهای خشتی خانه می‌گرفت. بدین ترتیب، خانه تا حدی مرتفع‌تر از سطح جریان سیلاب بنا می‌شد.

خشتِ گلی

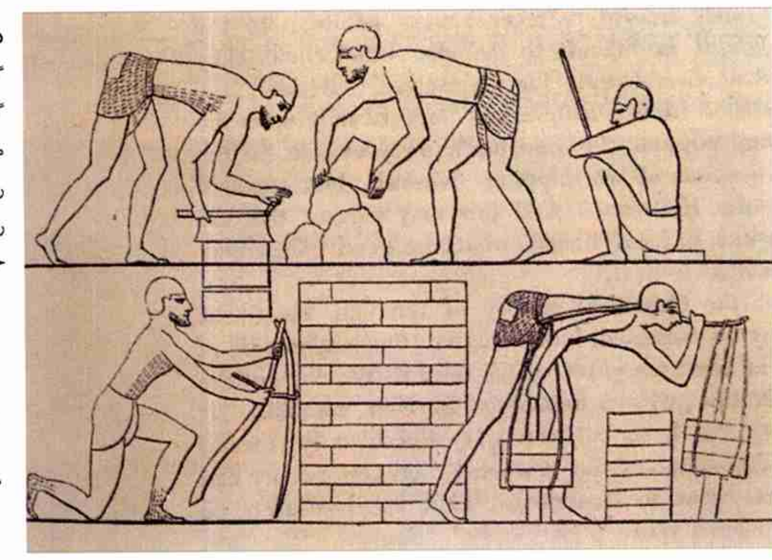
مصریان از رس غلیظ برجا مانده از گذر سیلاب‌های نیل خشت می‌ساختند. خاک رس را در کارگاه با آب، سنگ‌ریزه و خرده کاه می‌آمیختند. در مصر هنوز هم از خشت برای خانه‌سازی به همان روش استفاده می‌کنند.





خشت

کاه



درست‌کردن خشت

گروهی از کارگران در حال درست‌کردن خشت به تصویر کشیده شده‌اند. نخست گل را با سطل‌های چرمی به محل ساخت می‌بردند. آن‌جا آن را با سنگریزه و کاه مخلوط می‌کردند. بعد مخلوط را داخل قالب می‌ریختند. در این مرحله، گاهی روی خشت اسم فرعون وقت یا نام صاحب ملک را حک می‌کردند. برای چند روز این قالب‌ها را در آفتاب می‌گذاشتند تا خشک شوند. سپس با کوله آن‌ها را جابه‌جا می‌کردند.

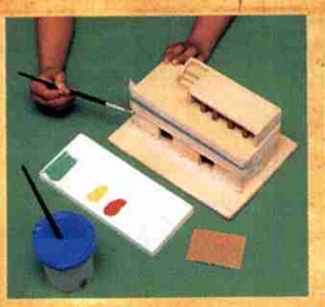
خانهٔ مصریان یک اتاق بزرگ اصلی داشت که مستقیم رو به خیابان باز می‌شد. در بسیاری از خانه‌ها، پلکان به پشت‌بام می‌رسید. ساکنان خانه در شب‌های گرم تابستان روی پشت‌بام می‌خوابیدند.



۲. حالا پلکان و طبقهٔ دوم را به هم بچسبانید. دوباره از چسب کاغذی برای محکم کردن اتصال‌ها استفاده کنید. وقتی طبقهٔ بالا خشک شد آن را به طبقهٔ پایین بچسبانید.



۳. ستون‌های چوبی را به قسمت‌های جلوی طبقهٔ دوم بچسبانید. وقتی کل کار خشک شد، لایهٔ نازکی از گچ روی آن بمالید. ستون‌ها را با رنگ قرمز یا هر رنگی که دل‌تان می‌خواهد رنگ کنید.



۴. کل خانه را به رنگ خاک رنگ‌آمیزی کنید. بعد نوار سبز رنگی دور خانه بکشید. برای صاف‌شدن لبه‌های رنگ از نوار چسب استفاده کنید. گوشه‌ها را سمباده بکشید.



۵. حالا برای سقف سایبان درست کنید. چهار بست چوبی را پایهٔ سایبان قرار دهید. می‌توانید برای ساختن سقف روی مقوایی کاه بچسبانید. سایبان را بر جایش نصب کنید.

کارگران ماهر

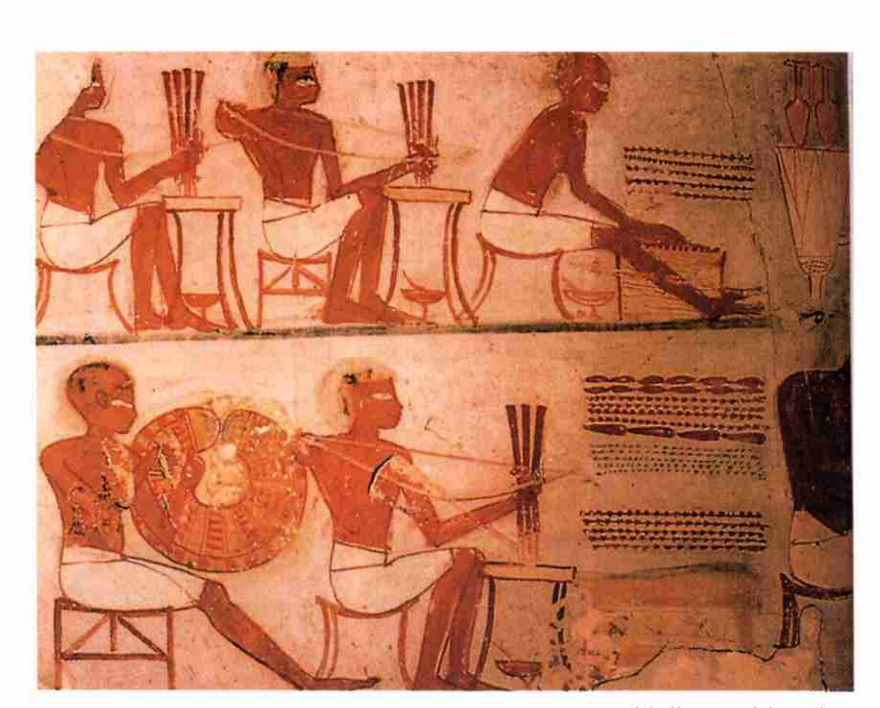
در مصر باســتان، کارگران ماهر طبقهٔ میانی، بین ثروتمندان و کارگران فقیر بودند. در نقوش روی دیوار کارگران مصری را در حال حکاکی ســنگ، تراشــیدن چوب، کار با فلزهای قیمتی یا ســاختن ســفالینه مشاهده می‌کنیم. برخی از این طبقه نیز در کار ساخت کشتی و درشکه بودند.

هنرمندان و کارگران ماهر در قبال کار خود دستمزد خوبی می‌گرفتند و برخی نیز در کار خود آوازه‌ای به‌هم می‌زدند. خانه و کارگاه مجسمه‌سازی به نام توت‌موس (Thotmose) درسال ۱۹۱۲ در ناحیهٔ العمارنه طی کاوش‌های باستان‌شناسی از خاک بیرون کشیده شد. وی هنرمندی موفق و محبوب دربار بود.

کارگران ماهر در بخش خاصی از شــهر زندگی می‌کردند. روســتایی مخصوص ســازندگان مقبره‌های باشــکوه ــ اما مرموز ــ فرعون‌ها در دیرالمدینه، نزدیک تبس، ســاخته شــده بود. در حفاری حدود صد خانهٔ این روســتا، باستان‌شناســان رســیدِ تحویل کالا و طرح‌هایی را یافتند که روی سفال‌های شکسته کشیده شده بودند. شرایط کار همیشه خوب نبود چون شواهدی نشان می‌دهند که کارگران مصر یک‌بار اعتصاب کرده بودند. آن‌ها احتمالاً در دستبرد به مقبره‌هایی که خودشان ساخته بودند، دست داشتند.

شیشه در طلا

این آویز نشانهٔ مهارت صنعتکاران مصر است. آویز به شکل نخبت (Nekhbet)، کرکس خدای‌بانوی مصر علیا، درست شده است. قطعات شیشهٔ رنگی روی قالبی از طلا به شیوهٔ میناکاری نصب شده است. این شیء گرانبها نیز مثل اشیاء گرانبهای دیگر، در مقبرهٔ توتان‌خامون کشف‌شده است.



جواهرسازان در حال کار

در این نقاشی متعلق به سال ۱۳۵۹ ق.م. جواهرسازان را پشت میزکار خود می‌بینید. یکی در حال درست‌کردن یقه‌ای مرصع اســت و دیگران در حال تراش‌دادن ســنگ و مهره‌های قیمتی. از کمان بــرای تقویت متهٔ فلزات استفاده می‌شد.

کانون صنعت

کارگران ماهر در این کارگاه شـلوغ سـخت مشـغول کارند. نجاران چوب را اره می‌کنند و مته می‌زنند. سـفالگران سفالینه رنگ می‌کنند و بنّاها سنگ خرد می‌کنند. ناظری کیفیت نهایی را کنترل می‌کرد.



دیرالمدینه

پی‌های سـنگی خانه‌هـای روسـتایی دیرالمدینه هنوز هم در کرانهٔ باختری رود نیل پابرجاست. این روسـتا حدود ۳۵۰۰ سـال قدمت دارد. روزگاری دیرالمدینـه مـأوای کارگـران ماهـری بـود که دست‌اندرکار سـاخت مقبرهٔ فراعنه در درهٔ شاهان بودنـد. کارگران هشـت روز از ده روز کاری را کار می‌کردند. این روستا چهارصد سال وسیع و موفق برپا بود. با این حال، روستای کارگران آب نداشت و باید آب را از جاهای دیگر می‌آوردند و در ظروفی حفاظ‌دار ذخیره می‌کردند.





ابزار کسب

ابزار نجاری شامل اره، اسکنه، تبر، چاقو و پتک بود. برای سوراخ‌کردن قبل از استفاده از مته، از درفش استفاده می‌شد. ابزار معمولاً چوبی و مسـی بودند. نجاران با این ابزار ظریف صندلی، صندوق، تخت‌خواب، جعبه و تابوت‌های زیبایی می‌ساختند.

مساحی زمین

مأموران دور مزرعه‌ای ریسـمان می‌کشـند تا محیطش را محاسـبه کنند. این عده به اسـتخدام دولت درآمده‌اند تا زمینی را برای ثبت آمار حکومتی مساحی کنند.

هنر و صنایع‌دستی

مصریان باستان عاشق چیزهای زیبا بودند و دست‌ساخته‌هایی از آن روزگاران که تاکنون برجای مانده است هنوز چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند. از آن میان، می‌توان به حلقه‌ها و آویزهای درخشان طلا، گردنبندهایی با روکش شیشه و سفالینه‌های لعاب‌دار آبی به نام سرامیک اشاره کرد. گلدان‌های ساخته شده از سنگ مرمرسفید نرم که با کیفیتی بسیار عالی برجا مانده‌اند و صندلی‌ها و صندوق‌هایی از چوب سدار که از خاورنزدیک وارد می‌شد از این شمارند.

مصریان سبدها و ظرف‌هایی زیبا می‌ساختند. بعضی از این سفالینه‌ها از خاک رس کرانهٔ نیل ساخته می‌شد، اما ظریف‌ترین سفالینه‌ها از خاک رس گچی ناحیهٔ کوئنا (Quena) ساخته می‌شدند. سفالینه‌ها را معمولاً با دست شکل می‌دادند. اما بعدها چرخ سفالگری رواج یافت. سطح برخی از سفالینه‌ها را با ریگ می‌ساییدند تا درخشان شود. از هنر دستی مصریان بسیار می‌دانیم، چون نمونه‌های زیبای فراوانی در مقبره‌های شاهان به نشانهٔ پیشکش به خدایان دفن شده است تا فردِ درگذشته بتواند در آن جهان از آن‌ها استفاده کند.

هنر مرمری

این گلدان ظریف مرمری از آثار برجستهٔ یافت‌شده در مقبرهٔ توتان‌خامون است. ظرف‌های این چنینی احتمالاً ظرف روغن یا عطرهای گرانبها بودند.



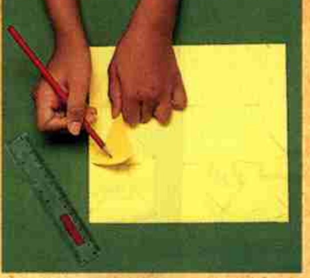
ماهی شیشه‌ای

این ماهی راه‌راه زیبا گویی در میان صخره‌های دریای سرخ در حال شنا کردن است. این ماهی در حقیقت ظرفی شیشه‌ای است که در آن روغن می‌ریختند. شیشه‌گری بعد از سال ۱۵۰۰ قبل از میلاد، در مصر رواج یافت. شیشه از ماسه و کریستال‌های نمک ساخته می‌شد. بعد آن را با فلزات رنگ می‌کردند و در حالی‌که هنوز داغ بود به آن شکل می‌دادند.

کاشی نیلوفری

مواد مورد نیاز: دو برگ مقوا، مداد، خط‌کش، قیچی، چسب چوب، گل سفالگری، ابزار برش، سمباده، رنگ اکریلیک (آبی، طلایی، سبز، زرد اخرایی)، ظرف آب و قلم‌مو (استفاده از تخته و وردنه اختیاری است.)

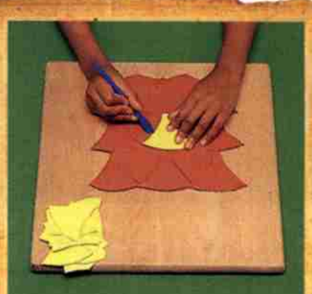




۱. گلبرگ‌هایی مشابه آن‌چه در تصویر نهایی می‌بینید روی مقوا بکشید و آن‌ها را ببرید. کل الگوی کاشی‌ها را روی مقوا پیاده کنید و ببرید.



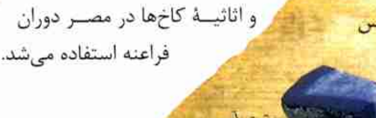
۲. با وردنه یا بطری گل سفالگری را روی تخته پهن کنید. کل شکل را روی سفال بگذارید و دورش را با ابزار برش جدا کنید. اضافه‌های خمیر را نگه دارید.



۳. روی قالب کلی سفال طرح هر گلبرگ را با دقت ببرید، و نقشه را با دقت رعایت کنید. روی خطوط را ببرید اما گلبرگ‌ها را از هم جدا نکنید.

سرمایه‌های صحرا

ساکنان درهٔ سرسبز نیل از صحرا می‌ترسیدند و آن را دوست نداشتند. آن‌ها صحرا را سرزمین سرخ می‌نامیدند. اما همین صحرا ثروت معدنی عظیمی به ایشان داد: سنگ‌های معدنی گرانبها مثل فیروزهٔ سبز-آبی، آمتیس بنفش و عقیق آبی.





کاشی‌های سلطنتی





باستان‌شناسان در حفاری‌های خود کاشی‌های زیبایی کشف کرده‌اند. گمان می‌رود از این کاشی‌ها برای تزیین کف قصرها و اثاثیهٔ کاخ‌ها در مصر دوران فراعنه استفاده می‌شد.

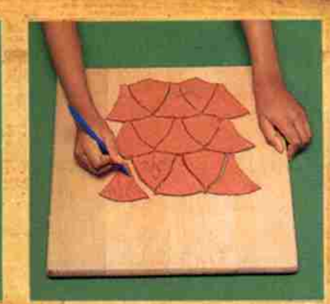
صندوق جنگ توتان‌خامون

روی بدنهٔ این صندوق توتان‌خامون را در نبرد با اهالی سوریه و نوبه می‌بینیم. روی در صندوق پادشاه جوان را در حال شکار در صحرا می‌بینیم. جزئیات هنرمندانهٔ این نقاشی خبر از مهارت فوق‌العادهٔ هنرمند آفریننده آن می‌دهد. وقتی مقبره توتان‌خامون باز شد، این صندوق را پر از لباس بچه‌گانه یافتند. هوای صحرا آن‌قدر خشک بود که نه چرم در آن می‌پوسید، نه چوب خراب می‌شد و نه پارچه از بین می‌رفت.

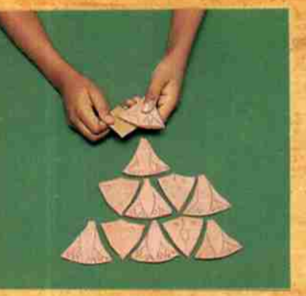


یقهٔ نخبت

این یقهٔ باشکوه یکی از ۱۷ یقه‌ای است که در مقبرهٔ توتان‌خامون کشف شده است. بال‌های تماشایی این خدای‌بانوی کرکس ـ نخبت ـ شامل ۲۵۰ پر است که هر یک را با شیشه‌ای که روی طلا کار گذاشته شده، تزیین کرده‌اند. نوک و چشمان کرکس از اوبسیدین، نوعی سنگ شیشه‌ای آتشفشانی سیاه‌رنگ، ساخته شده است. این شیء و دیگر اشیاء حیرت‌آوری که در مقبرهٔ این فرعون جوان پیدا شده‌اند، نشان از مهارت وصف‌ناپذیر استادکاران مصری دارند.



۴. حال، مطابق تصویر نقش برگ‌ها و گلبرگ‌ها را به دقت روی گل نرم بکشید. قطعه‌ها را از هم جدا کنید و از روی تخته بردارید و بگذارید تا خشک شود.



۵. وقتی یک روی گلبرگ‌ها خشک شد، برشان گردانید تا روی دیگرشان هم خشک شود. بعد لبه‌های قطعات را سمباده بکشید تا صاف شوند.



۶. حالا می‌توانید قطعات را رنگ کنید. با دقت قطعات را سبز، زرد اخرایی، قرمز، طلایی و آبی کنید. آن‌ها را در جای گرمی بگذارید تا خشک شوند.

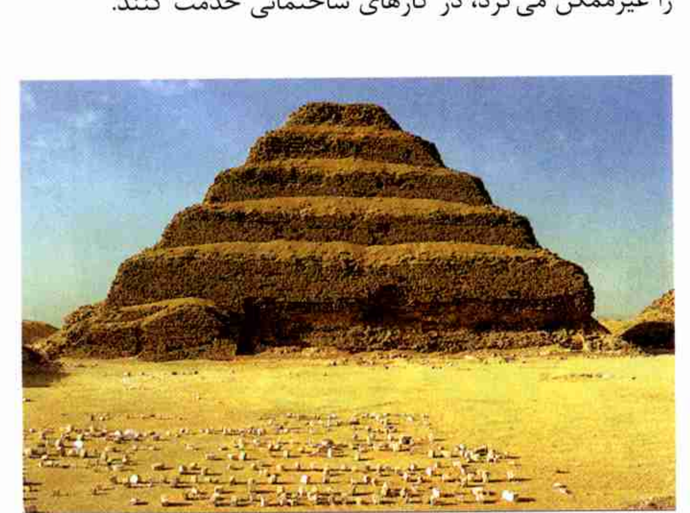


مشابه این کاشی‌ها در کاخی در تبس یافت شده است. این طرح بسیار شبیه طرح برگ و گلبرگ‌های نیلوفر آبی (لوتوس) است که گل مقدس مصر باستان است.

سازندگان اهرام

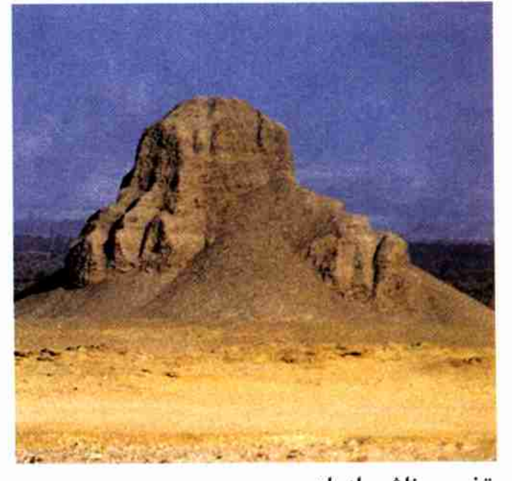
اهرام مقبره‌های چهاروجهی عظیمی بودند که برای فراعنهٔ امپراتوری کهن مصر بر پا داشته شدند. هر وجه به شکل مثلث است که در رأس به‌هم می‌پیوندند. نخستین هرم در مصر در سقاره در حدود ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد ساخته شد. وجوه این هرم پلکانی‌شکل است. اعجاب‌انگیزترین اهرام که صد سال بعد در جیزه ساخته شدند، دارای وجوه صاف بودند. احتمالاً روی نوک هر هرم پوششی طلایی می‌گذاشتند. درون هرم‌ها مقبره‌ها و راهروهایی مخفی ساخته می‌شد. هیچ‌کس نمی‌داند که چرا مصریان مقبرهٔ شاهان را به شکل هرم می‌ساختند اما شاید آن را پلکانی به سوی ملکوت می‌پنداشتند که رسیدن فرعون به زندگی ابدی را تسهیل می‌کرد.

اهرام با مهارتی حیرت‌انگیز و طبق اصول دقیق و محاسبات بی‌نقص ریاضی به همت گروهی از ماهرترین معماران و مهندسان و سنگ‌تراشان ساخته شده‌اند. آن‌ها تا امروز پابرجایند. کارگرانِ سازندهٔ اهرام برده نبودند، بلکه برای این کار حدود ۱۰۰,۰۰۰ تن از مردم عادی به خدمت گرفته شدند. این کارگران غیرحرفه‌ای هر سال موظف بودند هنگام طغیان رود نیل، که کشاورزی را غیرممکن می‌کرد، در کارهای ساختمانی خدمت کنند.



هرم پلکانی

نخستین هرم پلکانی در سقاره برای فرعون نثرخت ساخته شد. احتمالاً ابتدا گور را به سبک قدیمی مصریان به شکل بنایی مستطیل‌شکل با دیوارهای شیب‌دار آجری روی قبری که در زیرزمین قرار می‌گرفت، می‌ساختند. سطح خارجی گور نثرخت بعدها به شکل هرمی با شش پلهٔ عظیم سنگی بازسازی شد. این هرم گور زیرزمینی فرعون و ۱۱ مقبرهٔ دیگر اعضای خاندان سلطنتی را در خود جای می‌داد.

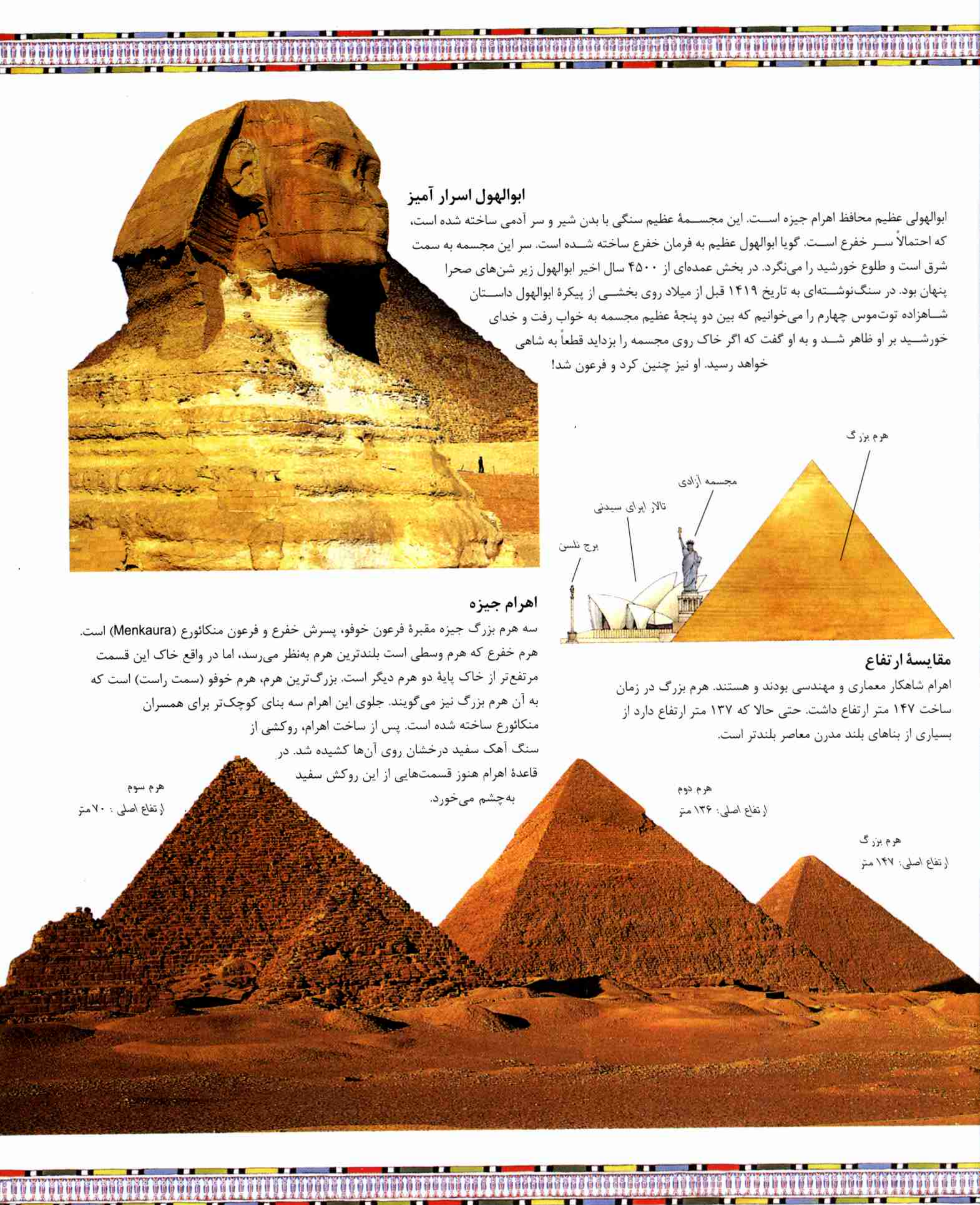


تخریب ناشی از باد

این مقبرهٔ هرمی‌شکل در دهشور برای فرعون آمنمحات سوم (Amenemhat III) ساخته شد. پس از آن‌که روکش سنگ آهک آن را دزدیدند، بنای خشتی اصلی در معرض وزش بادهای تند صحرا قرار گرفت و نابود شد. پس از ساخت نخستین هرم پلکانی در سقاره، ساخت اهرام در مصر رواج یافت. نمونه‌هایی از مقبره‌های هرمی‌شکل در میدوم (Maidum)، دهشور و جیزه موجود است. به هر حال، مقبرهٔ آمنمحات نمونهٔ ساخت‌وساز در دروهٔ امپراتوری میانی مصر است که در آن مصالح بناسازی نامرغوب بودند.

معمار دربار

ایمهوتپ (Imhotep) وزیر یا خزانه‌دار دربار فرعون نثرخت کبیر بود. او طراح هرم عظیم پلکانی در سقاره بود. این هرم نخستین بنای یادبود بزرگی است که کاملاً از سنگ ساخته شده است. ایمهوتپ فردی فرهیخته وکاتب و منجم و طبیب و راهب و معماری برجسته بود. در دوران آخر امپراتوری مصر وی را خدای درمان و معماری تلقی می‌کردند و می‌پرستیدند.



ابوالهول اسرار آمیز

ابوالهولی عظیم محافظ اهرام جیزه است. این مجسمهٔ عظیم سنگی با بدن شیر و سر آدمی ساخته شده است، که احتمالاً سر خفرع است. گویا ابوالهول عظیم به فرمان خفرع ساخته شده است. سر این مجسمه به سمت شرق است و طلوع خورشید را می‌نگرد. در بخش عمده‌ای از ۴۵۰۰ سال اخیر ابوالهول زیر شن‌های صحرا پنهان بود. در سنگ‌نوشته‌ای به تاریخ ۱۴۱۹ قبل از میلاد روی بخشی از پیکرهٔ ابوالهول داستان شاهزاده توت‌موس چهارم را می‌خوانیم که بین دو پنجهٔ عظیم مجسمه به خواب رفت و خدای خورشید بر او ظاهر شد و به او گفت که اگر خاک روی مجسمه را بزداید قطعاً به شاهی خواهد رسید. او نیز چنین کرد و فرعون شد!

مقایسهٔ ارتفاع

اهرام شاهکار معماری و مهندسی بودند و هستند. هرم بزرگ در زمان ساخت ۱۴۷ متر ارتفاع داشت. حتی حالا که ۱۳۷ متر ارتفاع دارد از بسیاری از بناهای بلند مدرن معاصر بلندتر است.

اهرام جیزه

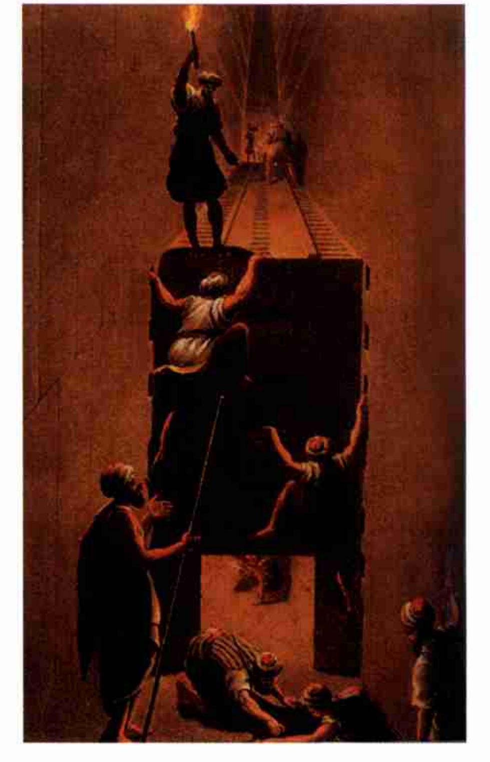
سه هرم بزرگ جیزه مقبرهٔ فرعون خوفو، پسرش خفرع و فرعون منکائورع (Menkaura) است. هرم خفرع که هرم وسطی است بلندترین هرم به‌نظر می‌رسد، اما در واقع خاک این قسمت مرتفع‌تر از خاک پایهٔ دو هرم دیگر است. بزرگ‌ترین هرم، هرم خوفو (سمت راست) است که به آن هرم بزرگ نیز می‌گویند. جلوی این اهرام سه بنای کوچک‌تر برای همسران منکائورع ساخته شده است. پس از ساخت اهرام، روکشی از سنگ آهک سفید درخشان روی آن‌ها کشیده شد. در قاعدهٔ اهرام هنوز قسمت‌هایی از این روکش سفید به‌چشم می‌خورد.

عجایب دنیا

جهانگردان اولیه

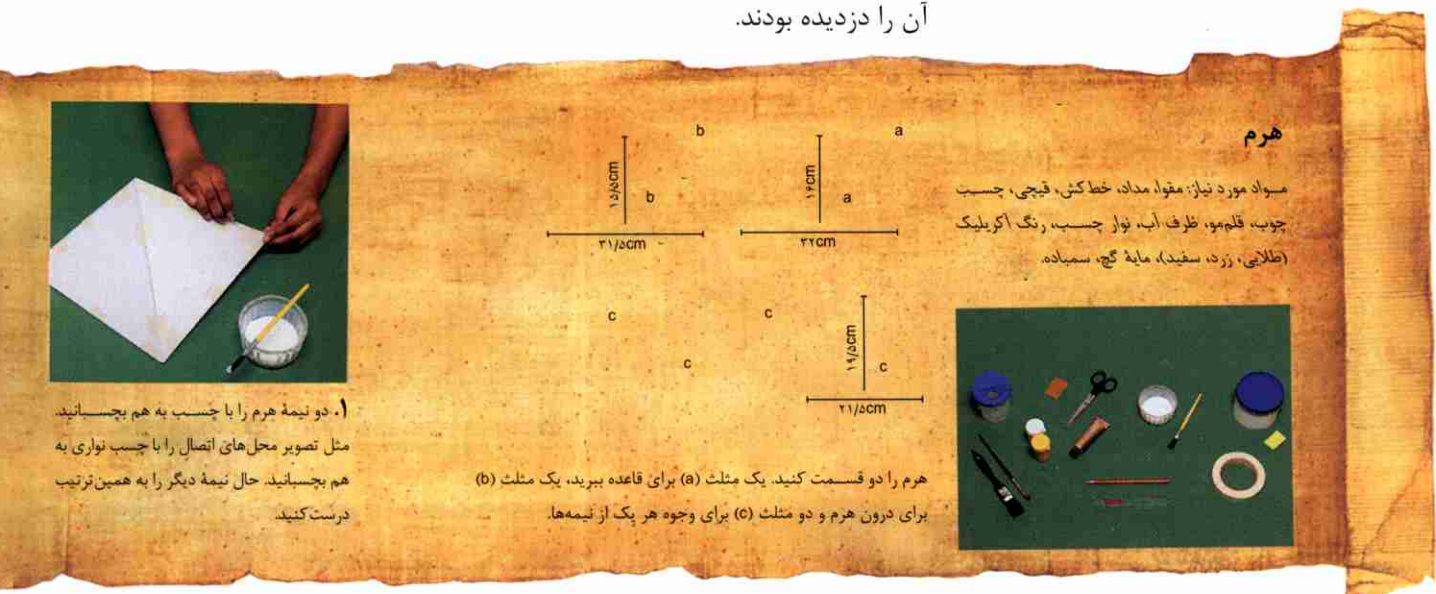
در سدهٔ نوزدهم جهانگردان بسیاری از پلکان هرم بزرگ بالا می‌رفتند. بهترین چشم‌انداز جیزه را از بالای این هرم می‌شد دید. اما بالا رفتن از هرم بسیار خطرناک بود و بعضی از گردشگران از آن سقوط می‌کردند و جان خود را از دست می‌دادند.

سال‌های سال هرم بزرگ جیزه مرتفع‌ترین بنای دنیا بود. قاعدهٔ این بنا ۲۳۰ متر مربع است و ارتفاع اولیهٔ آن ۱۴۷ متر بود. حدود دو میلیون و سیصد هزار بلوک سنگی که هر یک ۲/۵ تن وزن دارند در ساخت آن به کار رفته است. این بنا قدیمی‌ترین بنا از عجایب هفتگانه است و تنها بنا از این هفت بنای اعجاب‌انگیز که هنوز پابرجاست. از دیرباز جهانگردان از دیدن عظمت این بنا شگفت‌زده می‌شدند. هنوز هم عدهٔ زیادی از سراسر دنیا برای دیدن این بنای شگرف به جیزه می‌روند. هرم بزرگ هم قدمتی مثال زدنی دارد و هم اندازه‌ای بی‌مانند. این هرم برای فرعون خوفو، که در سال ۲۵۶۶ قبل از میلاد درگذشت، ساخته شد. نزدیک این هرم معبد بزرگی نیز به افتخار او ساخته شده بود. هدف از ساخت هرم محافظت از بدن خوفو در سفرش پس از مرگ به سوی خدایان بود. راهرویی به طول ۴۷ متر از ورودی به سمت یکی از سه مقبرهٔ داخل هرم احداث شده است، اما جسد فرعون هرگز در این مقبره پیدا نشد. مدت‌ها قبل آن را دزدیده بودند.



تالار بزرگ

این معبر شیب‌دار را تالار بزرگ نامیده‌اند. این معبر به محل دفن فرعون در هرم بزرگ می‌رسد. پس از تدفین خوفو، بلوک‌های سنگ گرانیت را به این تالار انتقال دادند و ورودی مقبره را مسدود کردند. با این حال، دزدان مقبره در مصر باستان توانستند به مقبره راه یابند و به آن دستبرد بزنند.





درون هرم

در این برش مقطعی فضای داخلی هرم بزرگ را می‌بینید. طرح داخلی چندین بار در حین ساخت عوض شد. مقبره‌ای زیرزمینی احتمالاً برای دفن خوفو تعبیه شده بود. ساخت این مقبره نیمه‌کاره ماند. مقبرهٔ دوم-که مقبرهٔ ملکه نامیده می‌شود-نیز خالی پیدا شد. فرعون در اصل در مقبرهٔ شاه دفن شده بود. پس از تدفین، مقبره باید از داخل مهروموم می‌شد. بلوک‌های سنگی از طریق تالار بزرگ به مقبره حمل می‌شدند. کارگران پس از اتمام کار، از طریق کانالی که به همین منظور تعبیه شده بود از مقبره خارج شدند.

مقبرهٔ شاه

محل دفن فرعون در هرم بزرگ «مقبرهٔ شاه» نام گرفته است. این‌جا آخرین مقر تابوت سنگ آهکی‌ای بود که پیکر خوفو را در خود داشت. این مقبره از گرانیت ساخته شده است. هر یک از نُه تخته‌سنگی که برای ساخت سقف آن به کار رفته است ۵۰ تن وزن دارد. عجیب این‌که تنها جایی از هرم که نام خوفو بر آن حک شده سقف این مقبره است. این دیوارنوشته کار کارگران سازندهٔ هرم است.

ساخت هرم بزرگ حدود ۲۳ سال طول کشید. هرم‌ها را با سنگ آهک روکش می‌کردند. به این ترتیب، کل هرم به رنگ سفید براق درمی‌آمد. احتمالاً کلاهک نوک هرم را طلاپوش می‌کردند.

۲. رنگ زرد و سفید را با کمی مایهٔ گچ مخلوط کنید تا بافتی زبر به دست آید. بعد کمی چسب به مخلوط بیفزایید تا کاملاً به مقوا بچسبد. همهٔ قسمت‌های هرم را رنگ کنید.

۳. هرم رنگ شده را در محلی گرم بگذارید تا خشک شود. پس از خشک‌شدن، کنج‌های هرم را سمباده بکشید و با چسب بپوشانید.

۴. کنج‌های هرم را طلایی رنگ کنید و صبر کنید تا خشک شود. دست آخر، دو نیمهٔ هرم را به هم بچسبانید و هرم کامل را روی بستری ماسه‌ای به‌نمایش بگذارید.

درهٔ شاهان

در سال ۱۵۵۰ قبل از میلاد، پایتخت مصر به تبس در جنوب مصر منتقل شد. این سرآغاز امپراتوری جدید بود. مصریان باستان دیگر هرم نمی‌ساختند، چون اهرام هدف مستقیم دزدان مقبره‌ها بودند. در واقع، آن‌ها همچنان معابدی بزرگ به افتخار حکمرانان متوفی خود می‌ساختند، اما جسد فراعنه را در مقبره‌هایی زیرزمینی و مخفی دفن می‌کردند. در واقع، آن‌ها را در صخره‌هایی که در حاشیهٔ کرانهٔ غربی رود نیل، جایی که خورشید هر شب غروب می‌کند، پنهان می‌کردند. فرعون سفر خود را به‌سوی خدای خورشید از این‌جا آغاز می‌کرد.

آرامگاه‌های مجاور تبس شامل سه بخش است: درهٔ شاهان، درهٔ ملکه‌ها و درهٔ اشراف. درون مقبره‌ها گنج‌های ارزشمندی مدفون می‌شد. وسایلی که فرعون در زندگی بعد از مرگ به آن‌ها احتیاج پیدا می‌کرد، مثل غذا، لباس فاخر، اثاثیهٔ زراندود، جواهرات، سلاح و ارابه نیز با او دفن می‌شدند.

نیروهای محافظ مخفی حفاظت از مقبره را به‌عهده داشتند و برای به دام انداختن مهاجمان تله‌هایی در آن‌ها طراحی می‌شد. با این حال، در دوران باستان به بسیاری از این مقابر دستبرد زده‌اند. خوشبختانه بعضی از آن‌ها از هجوم دزدان در امان مانده‌اند و منبع اطلاعات ارزشمندی برای باستان‌شناسان‌اند ــ اطلاعاتی که دریچهٔ اعجاب‌انگیزی به سوی دنیای مصر باستان می‌گشاید.



امپراتوری مردگان

درهٔ شاهان کنار رود نیل، بالای شهر لوخور، در کنارهٔ صحرای غربی واقع است. تاکنون ۶۲ مقبره از روزگار امپراتوری جدید در آن کشف‌شده است.

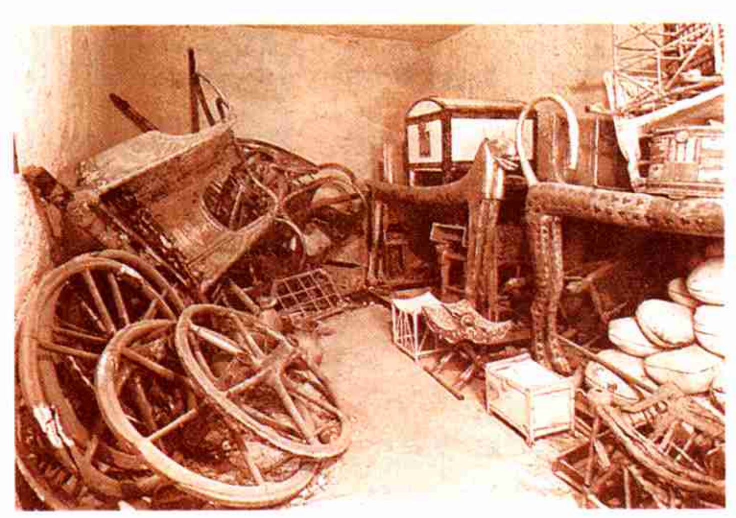
راهروی ورودی
مقبرهٔ بدلی
تونل
پیش تالار
مقبرهٔ اصلی
پله‌های مخفی

مقبرهٔ ستی اول

یکی از زیباترین و پیچیده‌ترین مقبره‌های درهٔ شاهان آرامگاه فرعون ستی اول است که در سال ۱۲۷۹ قبل از میلاد درگذشت. راه‌پله‌ها و کانال‌هایی مخفی تالار باشکوه و مقبرهٔ اعجاب‌انگیز این فرعون را از هجوم دزدان در امان نگه می‌داشتند.

ماسک

این ماسک زیبا روی چهرهٔ مومیایی توتان‌خامون گذاشته شده بود. در این ماسک فرعون به چهرهٔ رع، خدای خورشید، درآمده است. این ماسک از طلای ناب و سنگ لاجورد اصل به رنگ آبی ساخته شده است. مقبرهٔ توتان‌خامون باشکوه‌ترین مقبرهٔ درهٔ شاهان بود. دالان‌ها و تالارهای درونی مقبره تا ۳۲۶۰ سال بعد از ساخت دست نخورده بودند.



دزدان مقبره‌ها

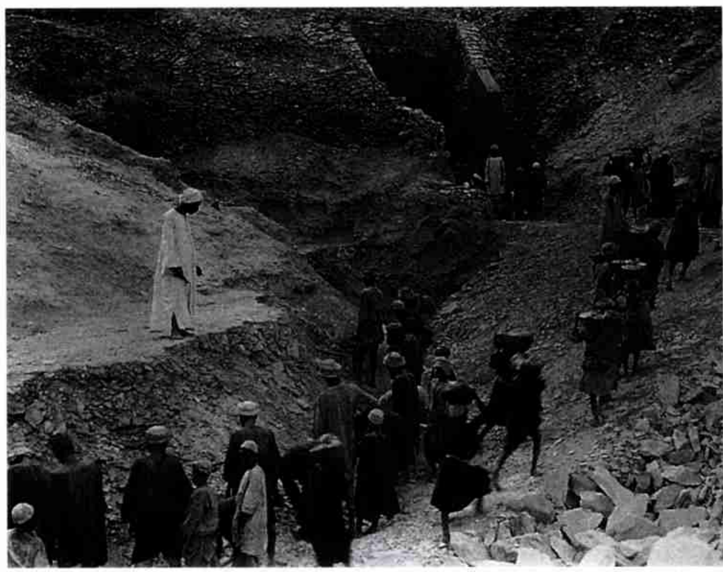
وقتی هوارد کارتر وارد مقبرهٔ توتان‌خامون شد، متوجه شد که در دوران باستان به تالارهای بیرونی مقبره دستبرد زده‌اند. محافظان دره دوباره مقبره را مهروموم کردند، اما بسیاری از اشیاء روی هم تلنبار باقی ماندند. در این تصویر، دو ارابه، دو تخت‌خواب، یک صندوق، مقداری ابزار و چند جعبهٔ غذا دیده می‌شود.



گنجینهٔ وصف‌ناپذیر

این جعبهٔ عطر طلا در آرامگاه توتان‌خامون پیدا شده است. به طراحی‌های بیضوی‌شکل این‌چنینی قاب‌کتیبه می‌گویند. روی این قاب‌ها تصویری از کودکی توتان‌خامون نقش شده است.





کارگران در محل حفاری مقابر

در سده‌های نوزدهم و بیستم، کارگران مصری برای حفاری مقبره‌ها به درهٔ شاهان برگشتند تا پس از هزاران سال دوباره در آن‌جا کار کنند. آن‌ها خاک درون مقبره‌ها را می‌کندند و خاک اضافی و سنگ‌ها را با سطل به بیرون مقبره منتقل می‌کردند. این عکس در سال ۱۹۲۲ در جریان حفاری‌های هوارد کارتر در مقبرهٔ توتان‌خامون گرفته شده است.

مومیایی و تابوت‌ها

مصریان باستان دریافته بودند که اجسادی که در دل شن‌های گرم صحرا مدفون می‌شوند اغلب سالم باقی می‌مانند. درواقع، این اجساد خشک و مومیایی می‌شدند. با گذر نسل‌ها، مصریان در مومیایی‌کردن مهارتی شگرف کسب کردند. آن‌ها معتقد بودند که مرده در آن دنیا به بدن خود نیاز دارد.

روش‌های مومیایی‌کردن در طول زمان تغییر کرد. معمولاً کل فرایند مومیایی ۷۰ روز طول می‌کشید. مغز با وسیله‌ای قلابی‌شکل از راه بینی بیرون‌کشیده می‌شد و اندام‌های دیگر نیز پس از بیرون‌آوردن از بدن درون کوزه‌ها و محفظه‌های مخصوصی قرار داده می‌شد. فقط قلب درون بدن باقی می‌ماند تا در زندگی بعد به کار جسد آید. برای مومیایی‌کردن جسد را با نمک قلیایی(ناترون) خشک می‌کردند. بعد روی بدن روغن و پماد می‌مالیدند و سپس آن را باندپیچی می‌کردند. سپس جسد را در چندین تابوت تودرتو که به قالب بدن طراحی می‌شد قرار می‌دادند.



کوزه‌های کانوپوس

(کانوپوس (Canopos) شهری در مصر باستان بود که در آن ظرف‌هایی برای نگه‌داشتن اندام‌های درونی مومیایی ساخته می‌شد. ـ م.) از کوزه‌های مخصوصی برای نگه‌داشتن اعضای بدن استفاده می‌شد. کوزه‌ای که سر آدم داشت، حاوی جگر بود. در کوزهٔ با سر میمون ریه‌ها را نگه می‌داشتند. معده در کوزه‌ای با سر شغال و روده‌ها در کوزه‌ای با سر شاهین نگه‌داری می‌شد.

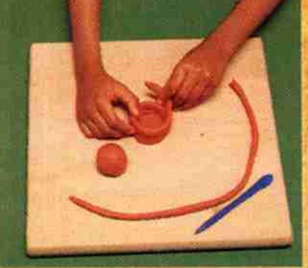
ظرف مومیایی

این ظرف طلایی زیبا حاوی کالبد مومیایی شدهٔ یک راهبه است. وقتی بدن مومیایی شده را باندپیچی می‌کردند، آن را درون تابوتی که هنرمندانه تزیین می‌شد می‌گذاشتند و سطح درونی و بیرونی تابوت را با طلسم می‌پوشاندند تا در عالم ارواح به شخص درگذشته کمک کند. گاهی مومیایی در چندین تابوت قرار می‌گرفت. چوب تابوت‌های درونی رنگی روشن یا روکشی از طلا داشت و تابوت خارجی از سنگ منقوش ساخته می‌شد.

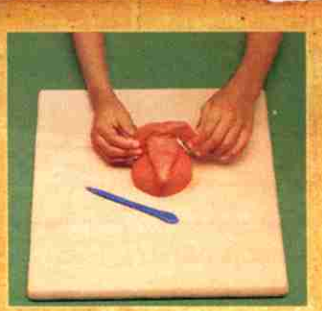
کوزه‌های کانوپوس

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، وردنه، تخته، خط‌کش، ابزار برش، سمباده، نوار چسب، رنگ آکریلیک (سفید، آبی، سبز، زرد، سیاه) ظرف آب و قلم مو.









۱. گل سفالگری را لوله کنید و دایره‌ای به قطر تقریبی ۷ سانتی‌متر با آن بسازید. این قاعدهٔ کوزه است. حالا لوله‌های نازک گل را دورتادور قاعده به شکل استوانه به سمت بالا بچینید. به حالت مارپیچ این کار را تا تکمیل بدنه ادامه دهید.

۲. فاصلهٔ بین لوله‌های گل را به آرامی صاف کنید تا سطح درونی و بیرونی کوزه صاف و یک‌دست باشد. بعد لبهٔ کوزه را با ابزار برش، منظم کنید.

۳. حالا سر کوزه را درست کنید. سر کوزه را اندازه بگیرید و از باقی‌ماندهٔ گل گلوله‌ای به اندازهٔ مورد نیاز درست کنید. آن را به شکل سر درآورید. با گل شکل سر میمون را درست کنید.



زیر باندها

بازکردن باندپیچی مومیایی فرایندی ظریف است. امروزه باستان‌شناسان می‌توانند برای بررسی پیکرهٔ مومیایی از اسکن یا اشعهٔ X استفاده کنند. به این طریق می‌توان گفت مومیایی چه می‌خورد، چه کار می‌کرد و چه بیماری‌هایی داشت. با اشعهٔ X می‌توان تعیین کرد که از چه ماده‌ای برای پر کردن جای خالی امعا و احشای مومیایی استفاده شده است.



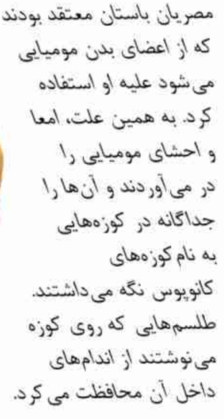
رامسس دوم

صورت رامسس دوم بعد از برداشتن نوارهای مومیایی این‌گونه بود. داخل حفرهٔ چشم نمد می‌گذاشتند تا اجزای آن درجریان نمک‌سودکردن جسد سالم باقی بمانند.



مراسم باز کردن دهان

آخرین مراسم قبل از تدفین را راهبی انجام می‌دهد که ماسک آنوبیس به سر دارد. تابوتی را که به شکل بدن مومیایی طراحی می‌کردند، عمود نگه می‌داشتند و با وسایل جادویی صورت تابوت را لمس می‌کردند. بدین ترتیب، فردِ درگذشته می‌توانست در جهان اموات ببیند، بشنود و حرف بزند.



مصریان باستان معتقد بودند که از اعضای بدن مومیایی می‌شود علیه او استفاده کرد. به همین علت، امعا و احشای مومیایی را در می‌آوردند و آن‌ها را جداگانه در کوزه‌هایی به نام کوزه‌های کانوپوس نگه می‌داشتند. طلسم‌هایی که روی کوزه می‌نوشتند از اندام‌های داخل آن محافظت می‌کرد.









۴. هاپی (Hapy) میمون محافظ ریه‌های مومیایی است. از نوک ابزار برش برای شکل‌دادن به چشم‌ها و بینی کشیدهٔ میمون استفاده کنید. سر کوزه را در جای گرمی بگذارید تا خشک شود.

۵. وقتی کوزه و سر کوزه خوب خشک شدند، سطح آن‌ها را سمباده بکشید تا صاف شوند. در باید کاملاً اندازهٔ کوزه باشد.

۶. حالا باید کوزه را رنگ کنید. صورت میمون را با چسب نواری بپوشانید تا رنگی نشود و در صاف‌شدن خطوط نیز کمک‌تان کند. برای رنگ‌آمیزی از تصویر بالا استفاده کنید.

۷. جلوی بدنهٔ کوزه را با نقوش هیروگلیف تزیین کنید. کوزهٔ کانوپوس شما برای تدفین آماده است.

مراسم تدفین مصریان

وقتی فرعون می‌مرد، همه چیز می‌بایست به نحو احسن برای سفر بی‌خطر او به سمت خدایان آماده می‌شد. در امپراتوری جدید، تابوت فرعون مومیایی‌شده، با قایق از روی نیل از تبس به ساحل غربی این رود منتقل می‌شد. آن‌جا تابوت را در ضریحی می‌گذاشتند و ضریح را با ارابه‌ای که گاو نر آن را می‌کشید به درهٔ شاهان می‌بردند. مراسم تشیع‌جنازه تماشایی بود. راهبان شیر و بخور پخش می‌کردند. زنان نقش عزاداران رسمی را بازی می‌کردند و فریاد می‌کشیدند و می‌گریستند. جلوی مقبره رقصی آیینی اجرا می‌شد و راهبی ورد می‌خواند. پس از مراسم و ضیافتی، تابوت به همراه خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها و دفینه‌هایی با ارزش در گور نهاده می‌شد. بعد مقبره را مهروموم می‌کردند.



زندگی پس از مرگ

«با» (ba) یا شخصیت متوفی بالای سر مومیایی پرواز می‌کند. «با» به شکل پرنده ظاهر می‌شود. وظیفهٔ «با» این است که جسد را به روح، که «کا» (Ka) نام دارد، برساند تا جسد و روح با هم در دنیای بعد از مرگ زندگی کنند. این تصویر برگرفته از پاپیروسی به نام «کتاب مردگان» است. این کتاب راهنمای مردگان در زندگی پس از مرگ است. در این کتاب وردهایی برای عبور بی‌خطر از جهان ارواح آمده است. راهبان در مراسم تدفین این کتاب را می‌خواندند و سپس آن را همراه مومیایی دفن می‌کردند.

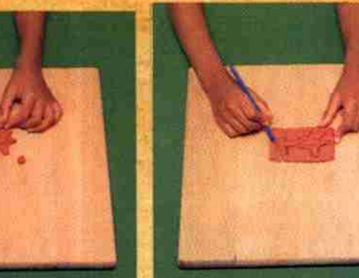
مجسمه‌های شبتی

به مجسمه‌هایی که داخل مقبرهٔ فراعنه می‌گذاشتند شبتی (shabti) می‌گفتند. این مجسمه‌ها باید در زندگی بعدی خدمتگذار و کارگر فرعون می‌شدند. در آن‌جهان، آن‌ها با وردی زنده می‌شدند.

چشم اودجات (Udjat)

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، سمباده، ابزار برش، رنگ اکریلیک (قرمز، آبی، سیاه، سفید) و ظرف آب، قلم‌مو. (استفاده از وردنه و تخته اختیاری است.)





۱. گل سفالگری را به شکل مستطیل روی تخته پهن کنید. تصویر چشم را با ابزار برش از روی گل ببرید. برای این‌که بدانید شکل هر بخش چگونه است به مرحله دوم توجه کنید.



۲. تکه‌های اضافی را از درون قسمت‌های مختلف طرح درآورید و قطعات چشم را روی تخته مرتب کنید این چشم، چشم خدای شاهین‌سر، هوروس، است.



۳. بعد اجزای شکل را تا جایی که می‌توانید به هم فشار دهید تا شکل کامل به دست آید. در صورت لزوم از ابزار برش استفاده کنید. صبر کنید چشم خشک شود.



قایق حمل جنازه

ایـن قایق کوچـک زیبـا در آرامـگاه توتان‌خامون پیدا شـده اسـت. درون این قایق مرمری دو بانوی عـزادار بـه نشـانهٔ خدای‌بانـو ایزیـس و خواهرش نفتیـس(Nephthys) دیـده می‌شـوند. آن‌هـا در مـرگ اوزیریسِ مقتول مویه می‌کننـد. بین این دو یک تابوت سـنگی خالی دیده می‌شـود که احتمالاً زمانی در آن روغـن می‌ریخته‌اند. قایق‌های دیگری هم در آرامگاه توتان‌خامون پیدا شـده اسـت. آن‌ها فرعون درگذشـته را در سـفرش به جهان مردگان همراهی می‌کردند، درست مثل قایقی که رع، خدای خورشید، را به دوات (*Dwat*) جهان ارواح برد.

مراسم تشییع جنازه

تابـوت درون ضریحـی به شـکل قایـق قرار می‌گیـرد و با ارابـه‌ای آن را حمـل می‌کنند. راهبان در حال حمل تابوت به سوی مقبره ورد و دعـا می‌خوانند. به گورسـتان‌هایی مثل درهٔ شـاهان نکروپولیس (Necropolis) می‌گویند که به معنای «شـهر مردگان» اسـت. تابوت را از راهروی درازی عبـور می‌دادند تا به آرامگاه ابـدی‌اش می‌رسـید. در مقبره اطـراف تابوت اشیاء گرانبها می‌گذاشتند.



۴. سـطح چشم را با سمبادهٔ ظریف صاف کنید. حـالا می‌توانید چشـم هـوروس را رنگ‌آمیزی کنید. می‌گویند هوروس در نبرد با سـت، خدای آشوب، چشم خود را از دست داد.

۵. سـفیدی چشـم را رنگ کنیـد و مردمک و ابرو را سـیاه کنید. بعد دور چشم یک خط قرمز بکشید. نقاط باقی‌مانده را آبی کنید و صبر کنید رنگ‌ها خشک شوند.

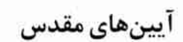
وقتی هوروس چشمش را از دست داد، خدای‌بانویی به نام هاثور (*Hathor*) چشم بهتری برای او ساخت. اودجات به زبان مصری یعنی «بهتر شده». طلسم‌هایی این‌چنینی را همراه مومیایی دفن می‌کردند تا در زندگی بعدی‌اش محافظ او باشند.

راهبان، معابد و جشن‌ها

معابد باشکوهی به افتخار خدایان مصری بنا شد که امروزه بسیاری از آن‌ها هنوز پابرجایند. این معابد ستون‌هایی عظیم، دروازه‌ای بزرگ، حیاط و خیابان‌هایی داشتند که دو طرف‌شان مجسمه نصب می‌شد. روزگاری این خیابان‌ها به زیارتگاهی می‌رسیدند که می‌گفتند خانهٔ خداست.

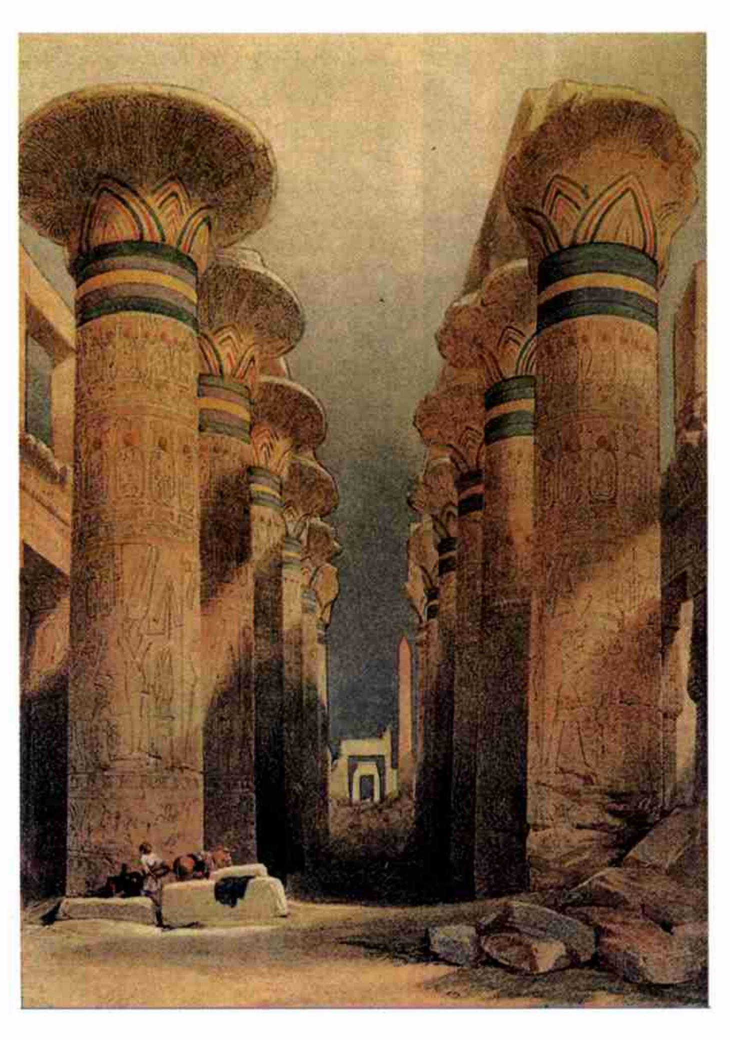
مردم عادی مصر باستان، برخلاف حالا که همه برای نماز در مکانی مقدس جمع می‌شوند، برای دعا کردن به معبد نمی‌رفتند. تنها راهبان اجازه داشتند وارد معبد شوند. آن‌ها به نیابت از طرف فرعون‌ها دعا می‌کردند و به پیشگاه خدایان غذا پیشکش می‌کردند، روغن معطر می‌سوزاندند و موسیقی می‌نواختند و می‌رقصیدند. آن‌ها برای استحمام و تراشیدن موی سرخود قوانین پیچیده‌ای داشتند و برخی باید لباسی مخصوص، مثلاً از پوست پلنگ، می‌پوشیدند. زنان اشراف‌زاده در برخی مراسم نقش راهبه‌ها را ایفا می‌کردند. بسیاری از راهبان دانش مذهبی چندانی نداشتند و بعد از این‌که سه ماه در معبد کار می‌کردند، به زندگی عادی خود برمی‌گشتند. برخی به مطالعهٔ نجوم و اوراد می‌پرداختند.

جشن‌های آیینی مذهبی متعددی در مصر برپا می‌شد که طی آن‌ها زیارتگاه خدا در مراسمی باشکوه به معابد دیگر منتقل می‌شد. مردم عادی می‌توانستند در این مراسم شرکت کنند. غذاهایی که در این مراسم به پیشگاه خدایان تقدیم شده بود، بین مردم پخش می‌شد.



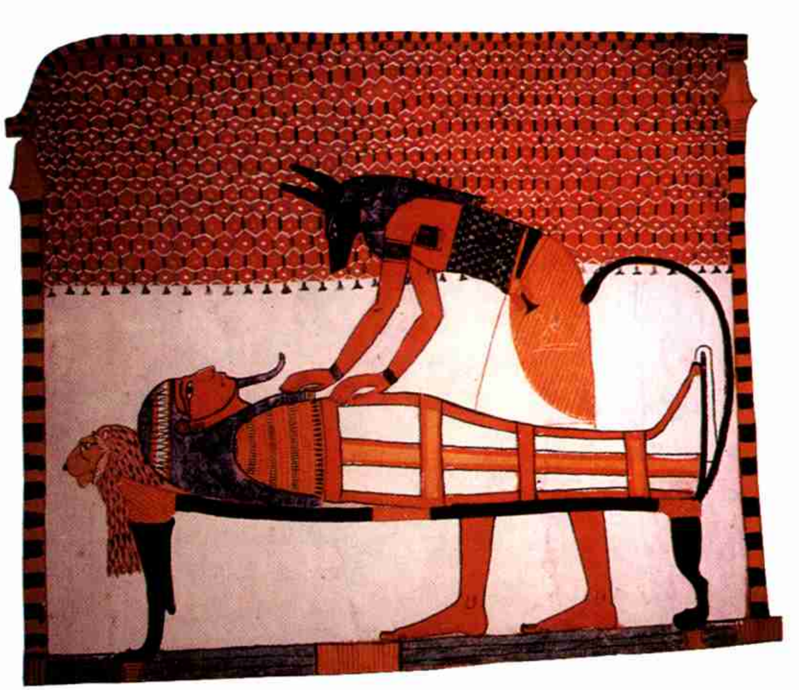
آیین‌های مقدس

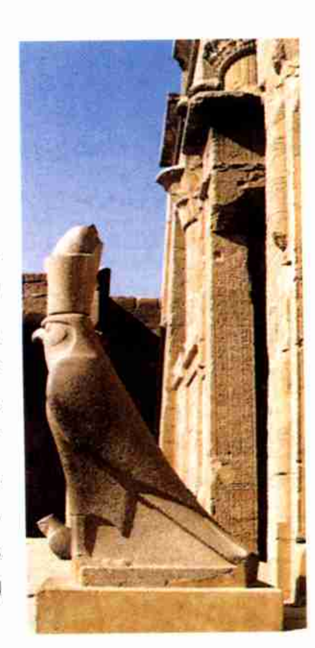
راهبی در حال اجرای مراسمی مذهبی با لباسی از پوست پلنگ. او گلدانی حاوی آب مقدس چشمهٔ معبد در دست دارد. در جریان مراسم، این آب را روی پیشکش‌ها می‌ریختند تا پاکی چیزهایی که به دربار خدایان می‌رفت تضمین شود. برای پالایش هوای معبد نیز بخور می‌سوزاندند.



کرنک

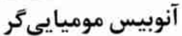
دیوید رابرتز (David Roberts) در این تصویر معبد عظیم کرنک (Karnak) را در سال ۱۸۵۰ به تصویر کشیده است. این معبد همچنان در حاشیهٔ شهر لوخور پابرجاست. مهم‌ترین خدای این معبد آمون-رع بود. در این ناحیه دربارها و ساختمان‌هایی نیز برای خدایان و خدای‌بانوان دیگری چون موت (Mut) (خدای‌بانوی کرکس‌سر، همسر آمون) و خونس (Khons) (خدای ماه، پسر آمون) ساخته شده است. معبد بزرگ را حدود ۲۰۰۰ سال پیش توسعه دادند و بازسازی کردند.





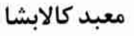
معبد هوروس

مجسمه‌ای از هوروس، خدای شاهین، از معبدی در ادفو (Edfu) محافظت می‌کند. در عصر امپراتوری جدید، معبدی در این ناحیه ساخته شد. اما معبد کنونی در ادفو در روزگار حکمرانی یونانیان بر مصر ساخته شد. این معبد به هوروس و همسرش خدای‌بانوی گاو، هاثور، تقدیم شده بود. درون معبد حکاکی‌هایی دیده می‌شوند که در آن‌ها هوروس در حال نبرد با دشمنان پدرش اوزیریس است.



آنوبیس مومیایی‌گر

راهبی ماسک آنوبیس را به صورت زده و مراسم مومیایی را انجام می‌دهد. می‌گویند این خدای شغال‌سر کالبد اوزیریس را برای تدفین آماده کرد. او و راهبانش با مومیایی‌ها و مومیایی‌کردن پیوندی محکم دارند.



معبد کالابشا

معبد کالابشا (kalabsha) یکی از بزرگ‌ترین معابد نوبهٔ سفلی است. در دههٔ شصت قرن بیستم، سد آسوان احداث شد و نوبهٔ سفلی در مسیر آب قرار گرفت. بسیاری از بناهای واقع در ابوسمبل و فیله (Philae) باید به جای دیگری منتقل می‌شدند. سنگ‌ها و ستون‌های معبد کالابشا نیز از هم جدا شدند و ۱۳۰۰۰ قطعه سنگ آن به کالابشای نو منتقل شدند و معبد دوباره در آن‌جا ساخته شد.

دروازهٔ ایزیس

معبد فیله به افتخار ایزیس، خدای‌بانوی مادر، ساخته شد. ایزیس در سراسر مصر و نیز در سرزمین‌های دیگر پرستیده می‌شد. دروازه‌های عظیمی که پیلون (pylon) نام دارند از معبد فیله مراقبت می‌کنند. دروازه‌های پیلون در اغلب معابد مصری دیده می‌شوند. در این مکان‌ها مراسم و آیین‌های خاصی برگذار می‌شد.

کارگران و برده‌ها

فراعنــه معتقد بودند که ارتباط‌شــان با خدایان باعث رونق روزگار مصریان شــده اســت اما در واقع سخت‌کوشــی و کار طاقت‌فرســای مردم طبقهٔ پایین مصر ضامن تداوم آن سرزمین بود. مردم عادی بودند که خاک را می‌کندند، در معادن سنگ کار می‌کردند، روی نیل قایق می‌راندند، همراه با ارتش به سوریه و نوبه لشکرکشی می‌کردند و غذا می‌پختند و بچه‌ها را بزرگ می‌کردند.

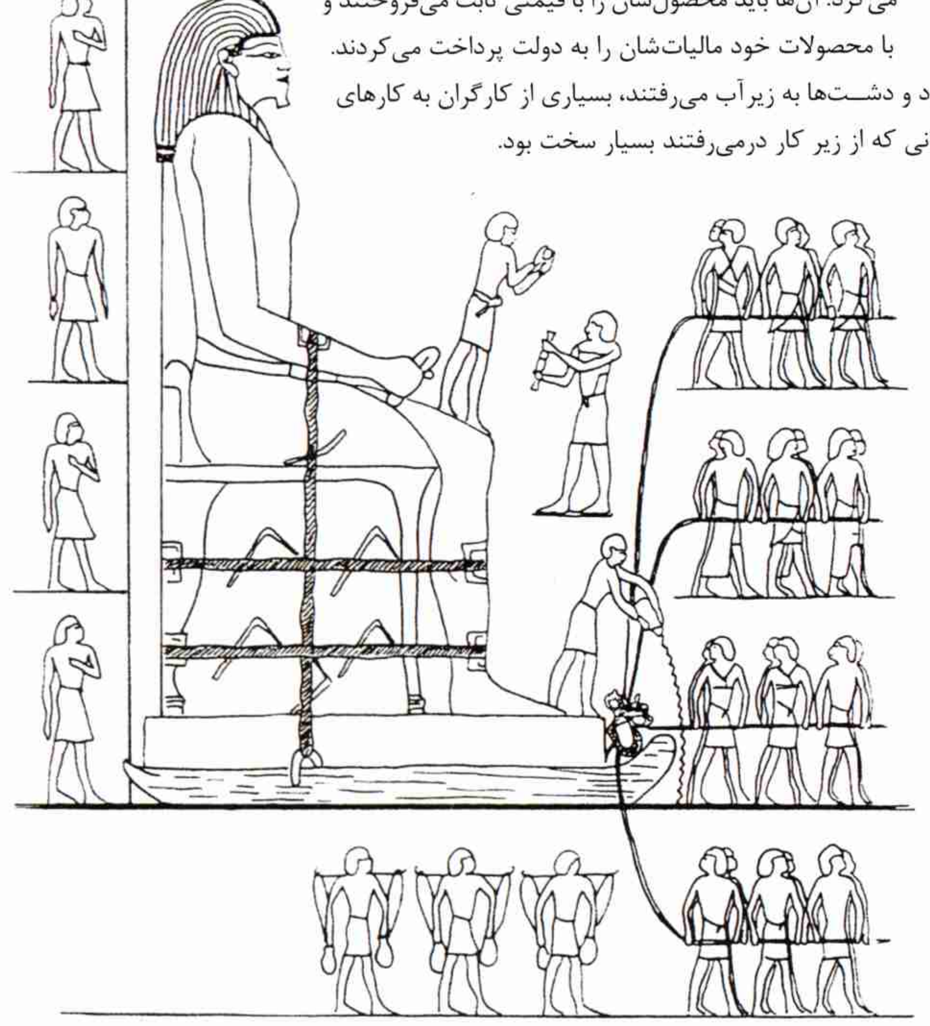
برده‌داری در مصر باستان چندان اهمیتی نداشت، اما رایج بود. اکثر برده‌ها اسیران جنگ‌هایی بودند که بین مصر و کشــورهای همســایه‌اش درخاورنزدیک درگرفته بود. با بردگان معمولاً خوش‌رفتاری می‌شد و آن‌ها حق مالکیت داشتند.

بسیاری از کارگران مصری برده بودند، یعنی آزادی محدودی داشتند. می‌شد آن‌ها را با ملکی که در آن کار می‌کردند، خرید و فروش کرد. دولت نام کشاورزان را ثبت می‌کرد. آن‌ها باید محصول‌شان را با قیمتی ثابت می‌فروختند و با محصولات خود مالیات‌شان را به دولت پرداخت می‌کردند.

در هنگامی از ســال که نیل طغیان می‌کرد و دشــت‌ها به زیرآب می‌رفتند، بسیاری از کارگران به کارهای ساختمانی مشغول می‌شدند. مجازات کسانی که از زیر کار درمی‌رفتند بسیار سخت بود.

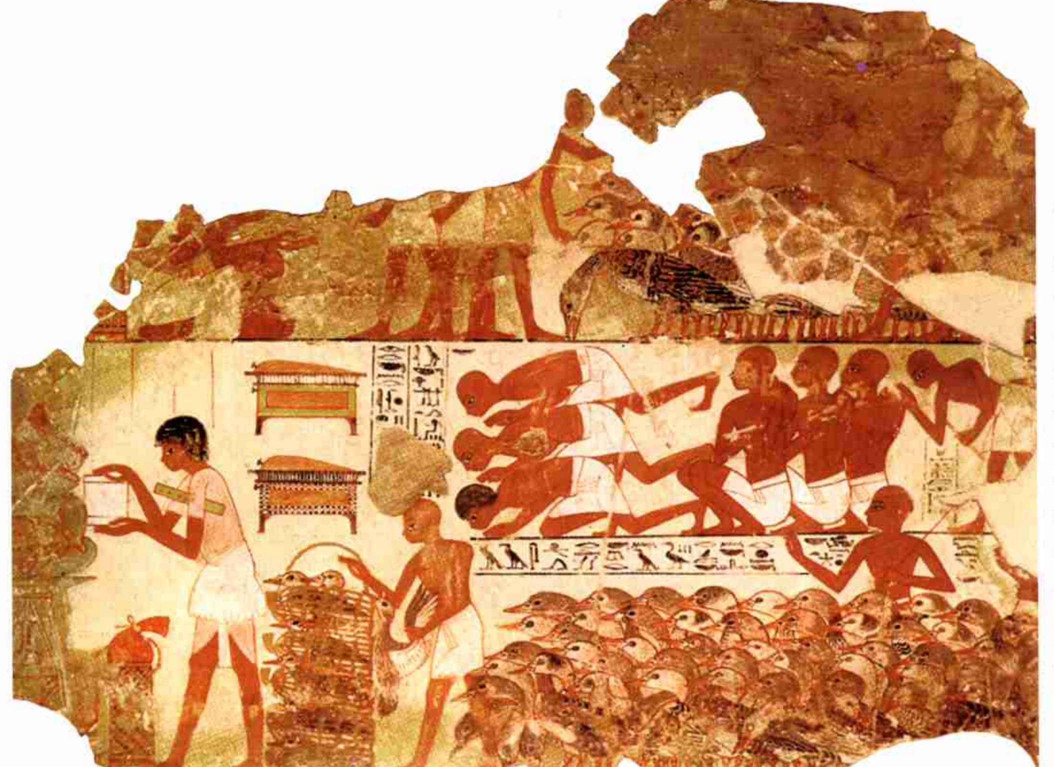
شخم‌زدن زمین با گاو نر

این مجســمه که در مقبره‌ای یافته شــده اســت مردی را در حال شخم‌زدن زمین با گاو نر نشان می‌دهد. کار روزانهٔ کشاورزان مصری بســیار ســخت بــود. کشــاورزان غیرحرفــه‌ای زمینــی از خود نداشــتند و دستمزد کمی هم می‌گرفتند.



حمل مجسمه

ایــن برده‌هــا مجســمهٔ ســنگی عظیمــی را روی سورتمه‌ای با ریسمان می‌کشند. بسیاری از کارگران مزرعه در تابستان و پاییز باید به ساختمان‌سازی، ســاخت ســد یا اهرام می‌پرداختند. آن‌ها در قبال کارشــان از کارفرما خوراک و مســکن می‌گرفتند، اما حقــوق نمی‌گرفتنــد. تنها طبقات بــالا از این خدمات معاف بودند، اما هر کســی که پولی داشت می‌توانســت به دیگری حقــوق بدهد تا برایش کار کند. از برده‌ها برای کارهای ســختی چون حفاری معدن استفاده می‌شد.



شمارش غازها

در این نقاشی دیواری عده‌ای را درحال شمارش غازهای یک کشاورز می‌بینیم. مأموران دولت هر سال به مزارع سر می‌زدند و حیوانات مزرعه را سرشماری می‌کردند تا معلوم شود که هر کشاورز چه مقدار مالیات باید به فرعون بدهد. مالیات کشاورزان محصول‌شان بود، نه پول. کاتبی که در سمت چپ تصویر می‌بینید، اطلاعات را ثبت می‌کند. کاتبان از طبقات بالا محسوب می‌شدند و رتبه‌ای بالاتر از کارگران دیگر داشتند.

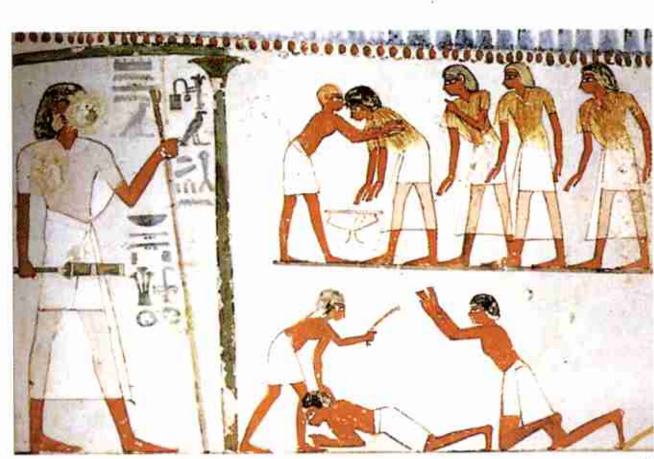


حمل نان

زنی با سینی نان بر سر دیده می‌شود. کار پخت و پز در خانه‌های بزرگ و قصرها اغلب بر عهدهٔ خدمتکاران مرد بود، اما پختن نان کار زن‌ها بود. نانوایی یکی از معدود مشاغل مجاز برای زنان مصر باستان بود.

آسیاب کردن

در این تصویر متعلق به سال ۲۳۲۵ قبل ازمیلاد، کنیزی را در حال آرد کردن گندم یا جو می‌بینیم. او برای این کار از آسیاب دستی سنگی استفاده می‌کند.



آن مرد را بزنید

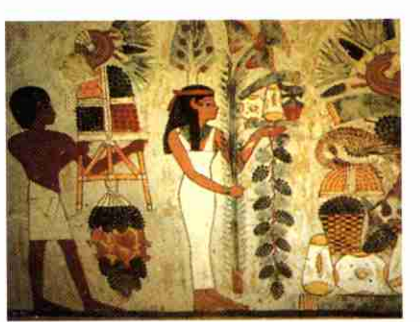
در این نقاشی که روی دیوارهٔ آرامگاهی کشیده شده، مأموری را در حال نظارت بر کار مزرعه مشاهده می‌کنید. کارگران غیرماهر جزء مایملک فرعون، معبد یا مالکی ثروتمند محسوب می‌شدند. کشاورزانی که نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند درصد زیادی از محصول خود را برای اجاره یا مالیات به دولت بپردازند به سختی مجازات می‌شدند. آن‌ها کتک می‌خوردند و ابزار یا خانه‌شان به جای مالیات مصادره می‌شد. محاکم قانونی، قضات و نمایندگانی محلی برای رسیدگی به خلاف مأمورانی که رشوه می‌گرفتند، وجود داشت.

کشاورزان و محصولات

مصریان باستان ساحل نیل را به دلیل گل‌ولای تیره‌ای که هر سال همراه جریان آب نیل از مرکز افریقا به مصر می‌آمد، «سرزمین سیاه» می‌نامیدند. نیل درماه ژوئن طغیان می‌کرد و این طغیان گلی حاصلخیز برای مصریان به ارمغان می‌آورد. کرانهٔ نیل تا پاییز زیر آب باقی می‌ماند.

در ماه نوامبر زمین آمادهٔ شـخم و زراعت بود. بذر روی خاک افشـانده می‌شـد و زیر پای بزها و گوسـفندان لگد می‌خورد. در اوقات خشک‌تر سال، کشـاورزان کانال و جوی‌هایی برای آبیاری زمین‌های خود حفر می‌کردند. در دورهٔ امپراتوری جدید، نوعی سیستم انتقال آب رواج یافت که به آن شادوف (*shaduf*) می‌گفتند. در این سیستم، آب رودخانه برای آبیاری زمین‌های کشاورزی بالا کشیده می‌شد. موفقیت این چرخهٔ کشاورزی حیاتی بود. در سال‌هایی که رود نیل طغیان نمی‌کرد یا خشکسالی بود، ممکن بود فاجعه رخ دهد. اگر محصول کافی نبود، مردم گرسنه می‌ماندند.

کشاورزان در مزارع خود اردک، غاز، گوسفند، بز و خوک پرورش می‌دادند. گاوها در سرزمین‌های سبز دلتا یا حاشیه صحرا می‌چریدنـد. کشـیدن خیش با استفاده از گاو نـر و حمل بـار با قاطر بسیار رایج بود.



جشن درو

راهبه‌ای محصول تازه را به مقبرهٔ نخت تقدیم می‌کند. در تصویـر میوه‌های لذیـذی می‌بینیم کـه در مصر می‌روییدند، میوه‌هایی مثل انجیر، انگور و انار.



کار سخت در مزارع

محصول معمولاً در ماه مارس یا آوریل، درسـت پیش از آغاز فصل گرما، کاشـته می‌شـد. خوشه‌های گندم یا جو با داسی که دستهٔ چوبی و تیغهٔ سنگی و تیز داشت بریده می‌شد. در نواحی‌ای که آبیاری آسان‌تر بود، در تابستان نیز برای بار دوم زمین محصول می‌داد.

ابزار کشاورزی

از کج‌بیل برای شخم‌زدن خاک‌های سفتی که خیش از پس‌شـان برنمی‌آمد اسـتفاده می‌کردنـد. کج‌بیـل در حفـاری هم کاربرد داشت. داس تیز وسیلهٔ بریدن محصول بود.

کج‌بیل

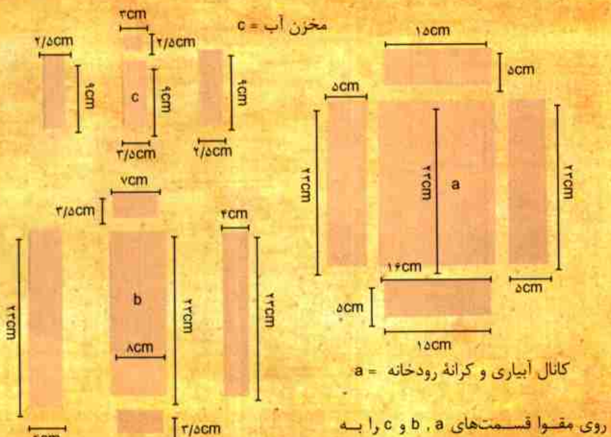
داس

شادوف

مـواد مورد نیـاز: مقوا، مداد، خط‌کـش، قیچی، چسب چوب، نوار چسـب، رنگ آکریلیک (آبی، سـبز، قهوه‌ای)، ظـرف آب و قلم‌مـو، تکه‌های کوچک چوب بالزا، سـنگ‌های کوچک، شـاخ و برگ، سفال، مفتول، کنف.

توجـه: رنگ سـبز را با گیاهان خشـک مخلوط کنید تا چمن درست شود.





روی مقـوا قسـمت‌های a ، b و c را بـه اندازه‌های داده‌شده ببرید.

۱. لبه‌هـای جعبه‌هـای a، b و c را مثل تصویر چسـب بزنید. بعد با چسـب نواری محکم‌شان کنید و صبر کنید خشـک شـوند. سطح بالای رودخانه (b) و مخزن آب (c) را آبی رنگ کنید و صبر کنید رنگ خشک شود.



چراندن گاوان نر

در این نقاشی دیواری که در دوران امپراتوری جدید کشیده شده گله گاوهایی را می‌بینیم که در حضور مأمور دولتی جمع‌آوری شده‌اند. در روزگار قبل از سلطنت فراعنه، مردم ساکن کنار رود نیل گاو پرورش می‌دادند و از گوشت، چرم و شیرشان استفاده می‌کردند. گاوها خیش‌های چوبی را می‌کشیدند و در پیشگاه خدایان در معابد قربانی می‌شد.

محصولات نیل

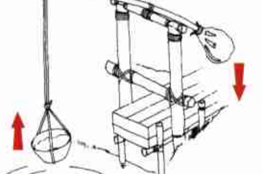
اصلی‌ترین محصولات ساحل نیل گندم و جو بودند که از آن‌ها برای پختن نان و درست‌کردن آبجو استفاده می‌شد. لوبیا، عدس، پیاز، کلم، تره‌فرنگی، خیار، تربچه و کاهو نیز از دیگر محصولات کنارهٔ نیل بودند. در واحه‌های صحرایی می‌شد انجیر، خربزه‌های آبدار و خرما پرورش داد. انگور نیز در تاکستان‌ها می‌رویید.

پیاز

تره‌فرنگی

ماشین آبیاری

شادوف تیرکی دارد که به یک سر آن سطلی می‌بندند و به سر دیگرش وزنه‌ای سنگین. وقتی وزنه بالا می‌رود، سطل داخل آب رودخانه قرار می‌گیرد. وقتی وزنه پایین می‌آید، سطل پر از آب بالا کشیده می‌شود.



سیستم مکانیکی بالا کشیدن آب، که به شادوف معروف بود، در خاورمیانه ابداع شد. این سیستم حدود ۳۵۰۰ سال قبل به مصر رسید.



۲. سطح بالایی کرانهٔ رودخانه را با رنگ چمنی که درست کرده‌اید رنگ کنید. کناره‌های آن را قهوه‌ای کنید و کانال آبیاری را آبی رنگ بزنید. بعد با تکه‌های چوب چهارچوب شادوف را درست کنید.

۳. چوب‌ها را به هم چسب بزنید. برای محکم‌کاری از نوار چسب و مقوا استفاده کنید. پس از خشک‌شدن، چهارچوب را قهوه‌ای کنید. سنگ‌ها را به منبع آب بچسبانید.



۴. با یک تکه چوب تیرک شادوف را درست کنید. برای درست‌کردن وزنه، یک تکه گل را درون تکه‌ای کنف بپیچید و آن را به یک سر تیرک ببندید. با سفال یک سطل کوچک درست کنید و روی بدنهٔ آن دو سوراخ برای رد شدن مفتول تعبیه کنید.



۵. مفتول را از دو سوراخ سطل رد کنید و آن را به تیرک ببندید. بعد تیرک را با وزنه و سطلش به چهارچوب شادوف ببندید. بعد چهارچوب شادوف را به جعبه‌ای که نقش کرانهٔ رودخانه را دارد بچسبانید.

غذا و ضیافت

مصریان به کارگران‌شان در ازای کار غذا می‌دادند. غذای آن‌ها نان، پیاز و ماهی نمک‌سود بود و نوشیدنی‌شـان آبجوی دانه‌دار شیرین. در آن روزگار آرد پر از شن بود و این موضوع از خرابی و شکستگی دندان مومیایی‌ها پیداست. خمیر را با پا یا دست ورز می‌دادند و شیرینی‌پزان همه نوع کیک و نان می‌پختند.

جشن باشکوهی که برای فرعون برپا می‌شد، حادثه‌ای بزرگ بود که میهمانان با فاخرترین لباس‌های خود در آن حضور می‌یافتند. در فهرسـت غذاهای دربار باید حتماً غاز سرخ‌شده یا گوشت آب‌پز، مرغابی وحشی، قلوه و آهوی بریان می‌بود. به دلایل مذهبی، خوردن گوشت بره حرام بود و در برخی نقاط هم بعضی ماهی‌ها را حرام می‌دانستند. سبزیجاتی مثل تره‌فرنگی همراه پنیر و شیر پخته می‌شد. آشپزان مصری در آب‌پزکردن، سرخ‌کردن و پختن استاد بودند.

کاسه‌های زیبا

بشقاب‌ها وکاسه‌ها را اغلب از جنس لعاب یـا چینـی شیشـه‌مانند می‌سـاختند. رنـگ معمـول این ظروف سبز- آبی یا فیروزه‌ای بود.

در میهمانی‌ها شراب قرمز و سفید سرو می‌شد. شـراب را در کوزهایی سفالی نگه می‌داشتند و سال تولید و نام مزرعه را روی کوزه می‌نوشتند، درسـت مثل برچسب روی شیشـه‌های شراب امروزی.



جشنی درخور شاه

زنان درباری دوران امپراتوری جدید را در حال غیبت‌کردن در میهمانی شـام می‌بینیم. آن‌ها بـا جواهرات و لباس‌های فاخرشـان به یکدیگـر فخرمی‌فروشـند. مصریان عاشـق خوردن غذا و نوشیدن شراب بودند. نوازندگان و رقصندگان و آکروبات‌بازهای متعدد وظیفهٔ سرگرم‌کردن میهمانان را در جشن برعهده داشتند.

کیک

مواد مورد نیاز: ۲۰۰ گرم آرد آسیاب شده، نصف قاشـق چای‌خوری نمک، ۱ قاشـق چای‌خوری بیکینگ‌پودر، ۷۵ گرم کره، ۶۰ گرم عسـل، ۳ قاشق غذاخوری شیر، زیره، کاسه، قاشق چوبی، ظرف شیرینی‌پزی، تختهٔ آردادود.







۱. با مخلوط کردن آرد، نمک و بیکینگ پودر در کاسـه‌ای کارتان را شـروع کنید. بعد کره را تکه تکه کنید و آن را به مخلوط بیفزایید.

۲. مثل تصویر با انگشتان خود کره را با مخلوط بیامیزید و ورز دهیـد. بعد از ورز دادن، مخلوط باید شبیه خمیر نان باشد.

۳. حالا ۴۰ گرم از عسل‌تان را به مخلوط اضافه کنیـد. مخلـوط را هم بزنید. عسـل کیک‌تان را شیرین می‌کند. مصریان باستان شکر نداشتند.

جام

از این جام زیبای سرامیکی برای نوشیدن شراب، آب یا آبجو استفاده می‌شد. روی جام با نقش‌های گل نیلوفر آبی تزیین شده است.

زنی در حال درست‌کردن آبجو

این پیکرهٔ چوبی زنی است در حال درست کردن آبجو که ۲۴۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است. برای درست‌کردن آبجو، نان جو را در آب چنگ می‌زدند و خرد می‌کردند. وقتی مخلوط ترش می‌شد (تخمیر می‌شد) مخلوط را درون ظرفی چوبی صاف می‌کردند. در مصر باستان انواع آبجو تولید می‌شد که همه بسیار محبوب بودند. می‌گویند شراب را اوزیریس به دیار مصر برد.

دسرهای صحرا

مصریان بعد از غذا معمولاً خشکبار، مثل بادام، یا میوه‌های شیرینی مثل انجیر آبدار، خرما، انگور، انار یا خربزه می‌خوردند. از آن‌جا که مصریان شکر نداشتند، برای شیرین‌کردن خوراکی‌ها از عسل استفاده می‌کردند.

انار



خرما

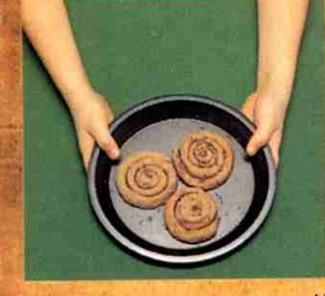
پخت نان در قصر

معمولاً مجسمه‌های کوچکی از گروهی کامل از نانوایان و آشپزان داخل مقبره‌ها گذاشته می‌شد تا فرعون بتواند در جهان دیگر برای میهمانانش میهمانی‌های خوبی بدهد. در تصویر، مجسمه‌ها را در حال ورزدادن و مخلوط کردن و الک کردن آرد برای درست کردن کلوچه می‌بینیم. بخش عمده‌ای از دانش ما در مورد غذای مصریان باستان از مشاهدهٔ جعبه‌های غذا و پیشکشی‌های درون مقبره‌ها به دست آمده است.



مصریان نان را معمولاً به شکل مارپیچ (حلزونی) درست می‌کردند. از دیگر شکل‌های متداول، شکل حلقه‌ای مثل شیرینی دونات و شکل هرمی بود. بعضی از شیرینی‌ها یا نان‌ها به شکل کروکودیل درست می‌شدند.





۴. شیر را اضافه کنید و آن‌قدر مخلوط را هم بزنید که خمیر به دست آید. با خمیر خود گلوله‌ای بسازید و آن را روی تخته قرار دهید. خمیر را سه قسمت کنید.

۵. مانند شکل از هر گلولهٔ خمیر لوله‌ای دراز و باریک بسازید. لوله را به شکل حلزونی بپیچید. هر سه گلولهٔ خمیر را به همین شکل درست کنید.

۶. حالا روی خمیرها زیره بریزید و آن‌ها را روی تابهٔ چرب فر قرار دهید. با بقیهٔ عسل سطح کیک‌ها را بپوشانید.

۷. از بزرگ‌تر خود بخواهید کیک‌ها را در فر قرار دهد و حرارت آن را روی ۱۸۰ درجهٔ سانتی‌گراد تنظیم کند و ۲۰ دقیقه آن را حرارت دهد. وقتی کیک آماده شد، آن را از اجاق درآورید و بگذارید تا سرد شود.

لباس مصریان

رایج‌ترین پارچهٔ لباس در مصر کتان بود که اغلب یک‌دست سفید تهیه می‌شد. برای رنگ‌کردن پارچه بعضی‌وقت‌ها از رنگ‌های طبیعی یا مواد طبیعی مثلاً آهن (رنگ قرمز)، نیل (آبی) و زعفران (زرد) استفاده می‌شد، اما معمولاً لباس رنگ‌شده یا طرح‌دار نشانهٔ خارجی‌ها بود. با این حال، مصریان لباس‌های خود را با پر و مهره‌های زیبا تزیین می‌کردند. در مصر باستان از پشم برای بافتن پارچهٔ لباس استفاده نمی‌شد. از ابریشم و کتان هم تا حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد ــ هم‌زمان با به قدرت رسیدن دولت‌های خارجی در مصر ــ خبری نبود.

اصلی‌ترین بخش لباس مردان دامنی ساده، لنگ یا تونیک بود. زنان ردایی بلند و کاملاً چسبان به تن می‌کردند که از پارچهٔ نازک تهیه می‌شد. در طول اعصار، مدل لباس‌های مردان و زنان مصر مدام تغییر می‌کرد و این تغییرات معمولاً در پیلی لباس، نوار یا تای آن رخ می‌داد.

مدل لباس پوشیدن در عصر امپراتوری جدید پیشرفته‌تر شد، اما اصولاً لباس مصریان ساده بود. در عوض، از کلاه‌گیس‌های مجلل و جواهرات و آرایش چشم استفاده می‌کردند که تأثیری به مراتب عمیق‌تر از خود لباس داشت.



دستبند شانس

روی این دستبند چشم اُودجات (چشم هوروس) نقش بسته است. برای مصریان این چشم طلسم حمایت و امنیت بود. در بسیاری از زینت‌آلات مصری طلسم‌هایی این چنینی برای تزیین و نیز به دلیل باورهای خرافی به‌کار می‌رفت. گاهی روی دستبند یا گوشواره طلسمی نقش می‌زدند تا شخص دارندهٔ آن از نیش مار یا دیگر بلایا در امان بماند.

صندل‌های طلا

این صندل‌های طلا درآرامگاه فرعون ششنگ دوم (Sheshong II) پیدا شده‌اند. صندل اشراف معمولاً از چرم مرغوب ساخته می‌شد، در حالی که جنس صندل طبقهٔ ضعیف و فقیر جامعه از پاپیروس یا علف‌های بافته شده بود.

پارچه‌ها

پارچهٔ کتانی معمولاً از گیاه کتان به دست می‌آمد. ساقهٔ این گیاه را می‌خیساندند و بعد می‌کوبیدند و سپس از آن رشته‌های نخ درست می‌کردند. رشته‌ها با دوک دستی به نخ تبدیل می‌شدند و بافنده تار را در دهان خود خیس نگه می‌داشت. رشته در این حالت آمادهٔ بافته‌شدن بود. نخستین دستگاه نساجی مصریان افقی بود، تا آن‌که در دوران هکسوس‌ها دستگاه نساجی عمودی در مصر رواج یافت.

درخور شاه و ملکه

در این تصویر، که بخشی از سریری طلایی است، توتان‌خامون و همسرش آنخسنامون (Ankhesenamun) را در قصرشان می‌بینید. تصویر از موادی چون شیشه، نقره، سنگ‌های گرانبها و سرامیک (سفال لعاب‌دار) ساخته شده است. ملکه ردایی بلند و پیلی‌دار به تن دارد و فرعون دامن بلند پیلی‌دار. لباس مصریان دوخته نمی‌شد، بلکه دور تن‌شان پیچانده می‌شد. لباس‌های پیلی‌دار از امپراتوری میانه به بعد بسیار رایج شده بود. توتان‌خامون و همسرش هردو صندل به‌پا دارند، دستبند به دست کرده‌اند و یقه‌هایی بزرگ و آرایش مویی زیبا دارند. ملکه عطر یا مرهمی را با کاسه به همسرش می‌دهد.

نخستین مدها



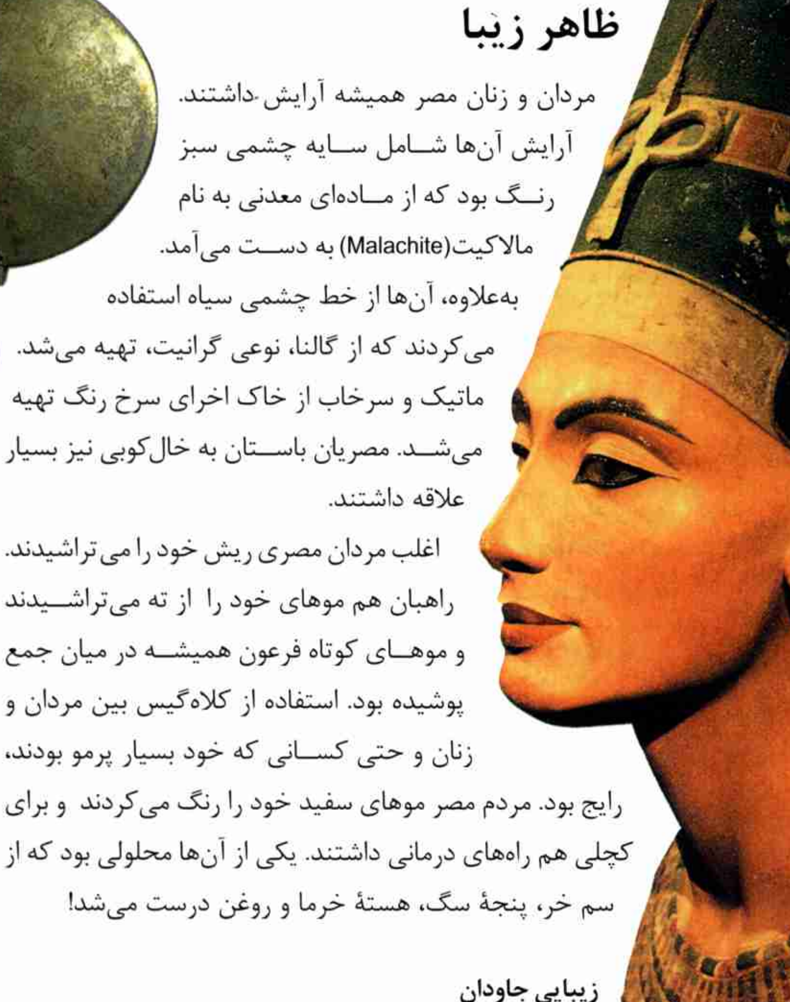
این پیراهن در قبر تارخان (Tarkhan) پیدا شده است. این پیراهن قریب به ۵۰۰۰ سال قبل در روزگار فرعون دژت (Dejt) بافته شده است. جنس آن کتان است و روی شانه‌هایش پیلی دارد.

یقه‌های رنگین



یقه‌های مجلل بزرگ رنگی معمولاً از مهره‌های رنگی شیشه‌ای، گل، تمشک و برگ درختان درست می‌شدند. از این یقه‌ها در جشن‌ها یا موقعیت‌های خاص استفاده می‌کردند. یقه‌هایی که در مقبرهٔ توتان‌خامون پیداشده از برگ زیتون و گل گندم درست شده‌اند. باستان‌شناسان با بررسی این گیاهان اطلاعات ارزشمندی در مورد باغبانی، کشاورزی، آب‌وهوا و حشرات در مصر باستان به دست‌آورده‌اند.

ظاهر زیبا



مردان و زنان مصر همیشه آرایش داشتند. آرایش آن‌ها شامل سایه چشمی سبز رنگ بود که از ماده‌ای معدنی به نام مالاکیت(Malachite) به دست می‌آمد. به‌علاوه، آن‌ها از خط چشمی سیاه استفاده می‌کردند که از گالنا، نوعی گرانیت، تهیه می‌شد. ماتیک و سرخاب از خاک اخرای سرخ رنگ تهیه می‌شد. مصریان باستان به خال‌کوبی نیز بسیار علاقه داشتند.

اغلب مردان مصری ریش خود را می‌تراشیدند. راهبان هم موهای خود را از ته می‌تراشیدند و موهای کوتاه فرعون همیشه در میان جمع پوشیده بود. استفاده از کلاه‌گیس بین مردان و زنان و حتی کسانی که خود بسیار پرمو بودند، رایج بود. مردم مصر موهای سفید خود را رنگ می‌کردند و برای کچلی هم راه‌های درمانی داشتند. یکی از آن‌ها محلولی بود که از سم خر، پنجهٔ سگ، هستهٔ خرما و روغن درست می‌شد!

آیینه، آیینه

آیینه از مس یا مفرغ صیقل‌یافته با دسته‌ای چوبی یا عاج ساخته می‌شد. این آیینهٔ مفرغی متعلق به ۱۹۰۰ سال قبل از میلاد است. ثروتمندان برای دیدن وضعیت موی سرخود، آرایش کردن، یا اصلاً فقط برای ستودن زیبایی خود آیینه به دست می‌گرفتند! فقرا باید به دیدن چهرهٔ خود در آب بسنده می‌کردند.

زیبایی جاودان

این سردیس ساخته شده از سنگ آهک، سر ملکه نفرتی‌تی، همسر فرعون خورشیدپرست، آخن‌آتن است. ظاهراً او کمال مطلوب زیبایی مصریان بود. او سرپوشی به سر و گردنبندی به گردن دارد. این مجسمهٔ سنگی رنگ شده است و به همین علت، می‌توان مشاهده کرد که او آرایش صورت و لب هم دارد.

آیینه

مواد مورد نیاز: مقوای آیینه‌ای، مداد، قیچی، گل سفالگری، کارد، وردنه و تخته، قطعات کوچک مقوا یا سمباده، رنگ طلایی، چسب چوب، قلم مو، ظرف آب.





۱. مثل تصویر، روی طرف سفید مقوای آیینه‌ای شکل دلخواه خود را رسم کنید. دور طرح را به دقت ببرید. مقوا را کناری بگذارید.



۲. گل سفالگری را بردارید و آن را به صورت لوله درآورید و بعد آن را مثل تصویر به شکل دستهٔ آیینه درست کنید. روی دسته را با نقش‌هایی مثل لوتوس یا گل پاپیروس یا هر نقش دیگری تزیین کنید.



۳. حالا روی یک سر دسته شکافی ایجاد کنید. می‌توانید مثل تصویر، از لبه های سمباده یا مقوا استفاده کنید. این شکاف محل اتصال آیینه به دسته است.

کلاه‌گیس‌های بزرگ و قیف‌های موم اندود

در بسیاری از تصاویر به‌جا مانده از مصر باستان، اشراف را در مجالس میهمانی با مخروطی حاوی روغن معطر روی سر می‌بینیم. احتمالاً گرم‌شدن این مخروط‌ها باعث متصاعد شدن بوی خوش روغن می‌شد. اما بعضی از کارشناسان معتقدند که هنرمندان مصر باستان با کشیدن این شکل مخروطی روی سر می‌خواستند نشان دهند که فرد کلاه‌گیس معطری بر سر دارد. استفاده از کلاه‌گیس و موهای مصنوعی در مصر باستان بسیار رایج بود و مردم اغلب موهای‌شان را کوتاه می‌کردند. اما برخی هم موهایی بلند داشتند که آن را به شکل باشکوهی می‌آراستند.

لوازم آرایش

در نخستین سال‌های امپراتوری مصر، از سرب طبیعی که ماده‌ای سمی بود سرمهٔ سیاه می‌ساختند. بعدها از دوده استفاده می‌شد. با حنا ناخن‌های دست وپا و کف پا را قرمز می‌کردند. روش‌های دیگر زیبایی استفاده از سنگ‌پا برای نرم کردن پوست‌های زبر و زدن ماسک خاکستر به صورت بود.

حنا — سرمه — سنگ پا — ماسک صورت

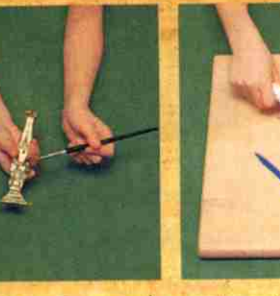


ظرف آرایش

لوازم آرایش، روغن‌ها و لوسیون‌ها در جام و کاسه تهیه و نگه‌داری می‌شدند. گاهی نیز از نی‌های توخالی و لوله برای نگه‌داشتن لوازم آرایشی استفاده می‌شد. این ظرف‌ها سنگی، سفالی یا شیشه‌ای بودند. مواد معدنی را آسیاب می‌کردند و در ظروف آرایش آن را با آب مخلوط می‌ساختند تا خمیری به دست آید. برای آرایش‌کردن از انگشت یا وسیله‌ای چوبی که به‌همین منظور ساخته می‌شد استفاده می‌کردند. معمولاً برای آرایش چشم از دو رنگ استفاده می‌کردند: سبز و سیاه. استفاده از رنگ سبز در آرایش چشم خاص دوره‌های ابتدای امپراتوری مصر بود اما بعدها آرایش چشم با رنگ سیاه رواج یافت.

گردی آینه و سطح براق آن برای مصریان یادآور قرص خورشید بود. به همین علت، آینه نمادی مذهبی محسوب می‌شد. در دورهٔ امپراتوری جدید، بسیاری از آینه‌ها با تصویر خدای بانو هاثور یا گل لوتوس تزیین می‌شدند.





۴. دسته را روی توری فلزی قرار دهید تا هر دو طرفش در معرض جریان هوا قرارگیرد. آن را در جای گرمی قرار دهید تا خشک شود. بعد از دو ساعت آن را برگردانید تا طرف دیگرش هم کاملاً خشک شود. وقتی کاملاً خشک شد، اندازهٔ آینه را امتحان کنید.

۵. حالا وقت رنگ‌کردن دستهٔ آینه است. با دقت یک طرف را طلایی رنگ کنید و بگذارید خشک شود. پس از آن‌که خشک شد، آن را برگردانید و طرف دیگرش را رنگ کنید.

۶. حالا دیگر باید آینه را نصب کنید. به پایهٔ آینه چسب بزنید و آن را داخل شکاف دسته بگذارید. آن را در جای گرمی قرار دهید تا خشک شود.

پاپیروس و دست‌خط‌ها

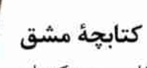
کلمهٔ (Paper) (به معنای کاغذ) برگرفته از واژهٔ پاپیروس است و پاپیروس، نی‌ای است که در حاشیهٔ رود نیل می‌روید. مصریان برای درست‌کردن کاغذ، پوستهٔ خارجی پاپیروس را می‌تراشیدند و مغز آن را رشته‌رشته می‌کردند و در آب می‌خیساندند و بعد آن‌ها را به صورت لایه‌های مورب روی هم قرار می‌دادند. سپس لایه‌ها را آن‌قدر می‌کوبیدند که رشته‌ها کاملاً به‌هم فشرده شوند. بعد سطح پاپیروس را با ابزاری چوبی می‌ساییدند. دیگر وسایل نوشتن عبارت بودند از تکه‌های سفال، چرم و لوحه‌های گچی.

احتمالاً از هر ۱۰۰۰ مصری تنها چهار نفر سواد خواندن یا نوشتن داشتند. کاتبان نویسندگانی حرفه‌ای بودند که اسناد دولتی، نامه، شعر و داستان می‌نوشتند. دوره‌های آموزشی کاتبان تمام‌وقت و سخت و دقیق بود. معلمی به نام آمنموپ (Amenemop) خطاب به شاگردانش نوشته است: «هیچ روزی را به تنبلی نگذرانید، وگرنه کتک خواهید خورد.» به‌هرحال، اکثر کارگران به کاتبان حسادت می‌کردند، چون کاتبان زندگی مرفهی داشتند. آن‌ها در قبال کاری‌که انجام می‌دادند حقوق خوبی می‌گرفتند.



کاتبان در حال ثبت میزان محصول

کاتبان زانوزده و خمیده در حال ثبت میزان محصول گندم هستند. کشاورز باید بخشی از محصول خود را برای مالیات به فرعون می‌داد. چندین کاتب در دربار به کار نوشتن صورت‌حساب، مالیات‌ها، فرمان‌ها و قوانین اشتغال داشتند. آن‌ها مستخدم دولت محسوب می‌شدند.



کتابچهٔ مشق

مشق شب اغلب روی تکه‌های شکسته و بی‌مصرف سفال و سنگ نوشته می‌شد. این تکه‌ها به اُستراکا (*Ostraka*) معروف‌اند. شاگردان جوان مشق‌های‌شان را روی این لوح‌ها می‌نوشتند و آن‌ها را به استاد خود می‌دادند تا تصحیح‌شان کند. چندین نمونه لوح تصحیح‌شده در مصر یافت شده است.



ابزار کاتب

این ابزار زیبا در مقبرهٔ توتان‌خامون پیدا شده است. این صفحه از ورقهٔ عاج ساخته شده و لبه‌های آن طلایی است. از این ابزار صیقل‌دهنده برای تراشیدن سطح ورقه‌های تازهٔ پاپیروس استفاده می‌شد.

قلم

در مصر باستان قلم و قلم‌مو را از نی می‌ساختند. روی تخته‌رنگ مخصوصی تکه‌های جوهر را با آب مخلوط می‌کردند. جوهر سیاه از زغال سنگ و جوهر سرخ از مادهٔ اخرا (از مشتقات آهن) به دست می‌آمد. هر دوی این‌ها با صمغ مخلوط می‌شدند.

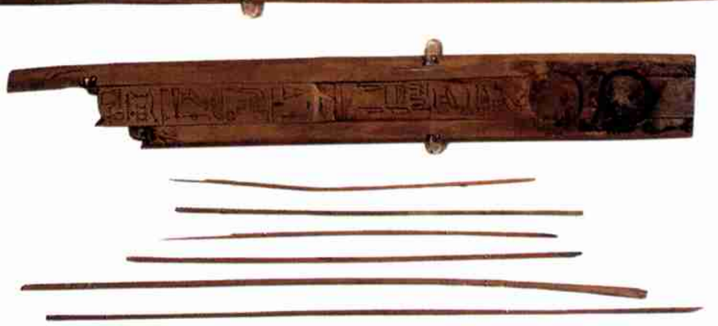
زغال

قلم نی

جعبه ابزار کتابت

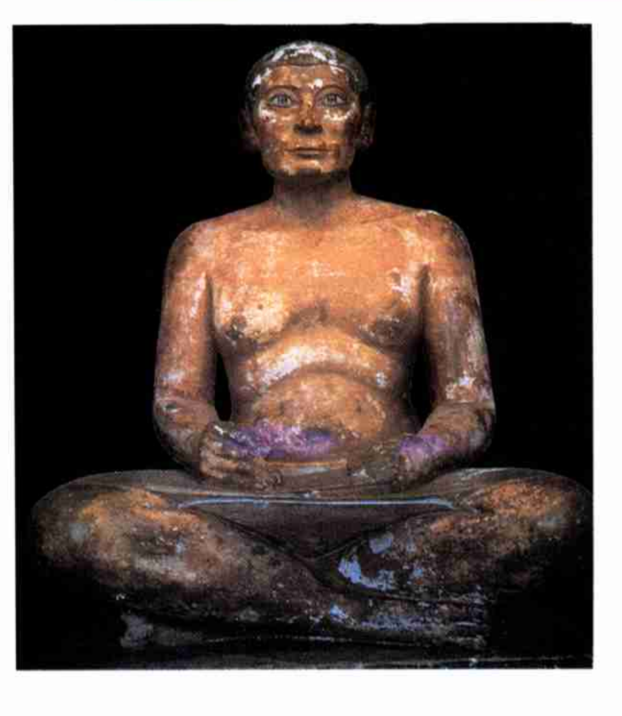
ایـن جاقلمی حدود ۳۰۰۰ سـال قبل از میلاد سـاخته شـده اسـت و حاوی چند قلم ساخته‌شده از نی و یک دوات اسـت. از مخلوط زغال‌سنگ یا دوده با آب جوهر می‌ســاختند. در ابتدا کاتبان وسـیله‌ای برای آسیاب‌کردن نیز همراه داشـتند. اغلب روی جعبه ابزار کتابت، نـام کاتـب، نام صاحـب کار وی یا فرعون وقت حک می‌شد.





تخته‌رنگ قابل حمل

کاتب به اقتضای شـغلش باید سـفر می‌کرد تا اسناد رسـمی را به ثبت برسـاند. اکثر کاتبان در سـفر تخته‌رنگ‌های قابل‌حملی، مثل آن‌چه در تصویر می‌بینید، همراه داشـتند. آن‌ها برای محافظت از آن‌چه ثبت می‌کردند اغلب پوشه یا کیف دستی نیز با خود می‌بردند.



کاتبان نامی

آکروپی (Accroupi) چهار زانو نشسته اسـت و یـک لولـه پاپیـروس و یک جاقلمی در دست دارد. آکروپی کاتبی مشـهور بود کـه در عصـر امپراتوری قدیم در مصر زندگی می‌کرد. در مصر باسـتان، کاتبان اغلب اشخاصی بانفوذ بودند و مجسمه‌های متعددی از ایشان سـاخته شـده و پابرجاسـت. بر مقام والای کاتب در متن هجونامهٔ اهل فن (*Satire of the Trades*) تأکید شـده است: «بنگر! برای هیچ کاتبی از غذا و ثروت در قصر مضایقه نمی‌شود.»

نماد کاتب

نشـان هیروگلیف کاتب شـامل یک ظرف آب، کسی که قلم‌مویی به دسـت دارد و تخته‌ای بـا ظرف‌های مرکب اسـت. در زبان مصری «سـش» (Sesh) به معنای کاتب یا مأمور بود.

روش‌های نوشتن

از زبان مکتوب به‌جامانده از مصریان اطلاعات فراوانی در مورد مصر باستان به‌دست‌آورده‌ایم. روی تمام بناهای به جا مانده از مصر باستان، از ستون‌های یادبود گرفته تا مقبره‌ها، خطوطی نقش بسته است که حاوی اطلاعات دقیقی دربارهٔ نحوهٔ زندگی مصریان باستان است. از حدود ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد، مصریان از تصاویری استفاده می‌کردند که به آن هیروگلیف می‌گفتند. هر شکل نشانهٔ یک شیء، یک ایده یا یک صدا بود. در ابتدا، مصریان حدود ۱۰۰۰ نشان هیروگلیف داشتند. هیروگلیف سال‌ها رایج بود، اما از سال ۱۷۸۰ قبل از میلاد خطی به نام هیراتی (hieratic)، که نوع دیگری از خط تصویری بود، در مصر رواج یافت. علاوه بر هیروگلیف، در آخرین روزهای مصر باستان خط دیگری به نام دموتی(demotic) (به معنای عامیانه) نیز رواج داشت.

اما در سال ۶۰۰ میلادی، سال‌ها پس از روزگار آخرین فرعون، دیگر هیچ کس از هیروگلیف سر درنمی‌آورد. اسرار مصر باستان حدود ۱۲۰۰ سال سر به مهر باقی ماند، تا این‌که لوح روزتا (Rosetta Stone) کشف شد.

لوح روزتا

کشف لوح روزتا اتفاقی فرخنده بود. درسال ۱۷۹۹، سربازی فرانسوی در روستای الرشید یا روزتای مصر قطعه سنگی پیدا کرد. روی سنگ، متنی واحد به سه خط، که نشانهٔ دو زبان‌اند، حک شده بود: متن هیروگلیف در بالا، متن دموتی وسط و متن یونانی در پایین دیده می‌شود.

رمزگشایی زبان مصریان

دانشمند فرانسوی ژان-فرانسوا شامپولیون (Jean-Francois Champollion) در سال ۱۸۲۲ رمز لوح روزتا را گشود. متن مذکور حاوی فرمانی حکومتی است که در عصر بطلمیوس پنجم، حکمران یونانی مصر، در سال ۱۹۶ قبل از میلاد نوشته شده است. بخش یونانی این لوح باعث شد شامپولیون موفق به رمزگشایی هیروگلیف شود. این کشف محور اصلی دانسته‌های ما در مورد روش زندگی مصریان باستان است.

هیروگلیف

خط هیروگلیف شامل تصاویری کوچک بود. این تصاویر مبتنی بر طرح‌های ساده‌ای از پرندگان، مارها، گیاهان، اندام‌های بدن، قایق و خانه بودند. برخی از نشانه‌های هیروگلیف بیانگر مفهومی کامل مثل نور، زندگی یا مسافرت‌اند. برخی دیگر نشانهٔ حروف یا صداهایی‌اند که احتمالاً از کنار هم قرار دادن آن‌ها واژه‌ای ساخته می‌شد.

ب

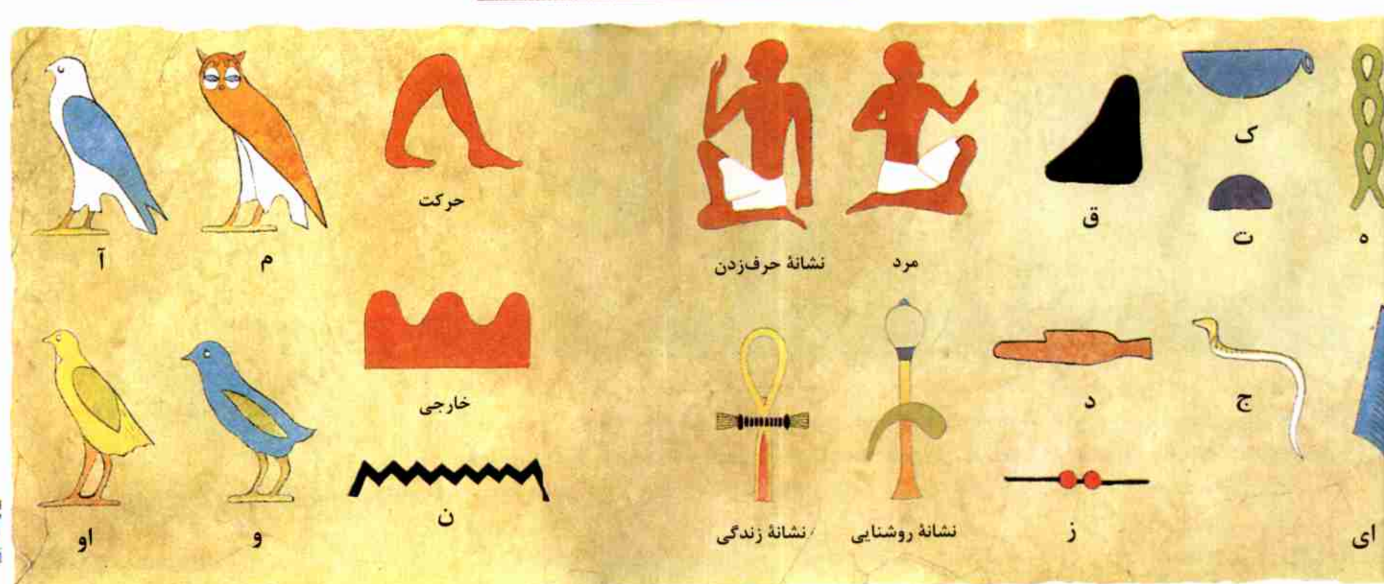
س

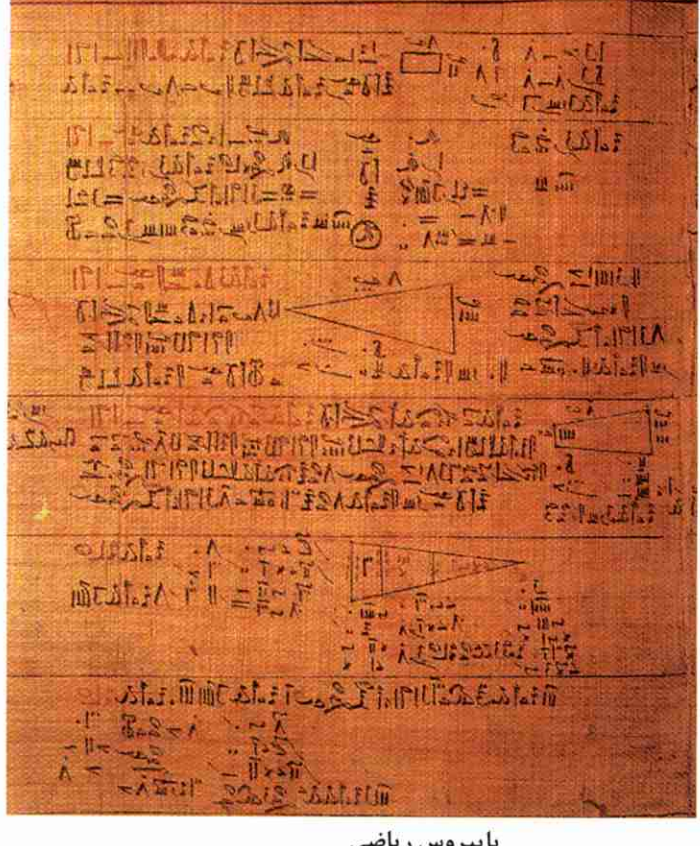
خط هیراتی

در خط هیراتی (تصویر بالا) همان نشانه‌های هیروگلیف به صورت اشکالی درآمده‌اند که بیش‌تر شبیه حروف‌اند. این خط راحت‌تر بود و سریع هم نوشته می‌شد. از این خط برای نوشتن داستان، نامه یا قرارداد کاری استفاده می‌شد. خط هیراتی همیشه از راست به چپ خوانده می‌شد.

خط دموتی

خط دموتی تقریباً در اواخر امپراتوری کهن مصر رواج یافت. نوشتن این خط حتی از خط هیراتی هم راحت‌تر بود. در ابتدا از آن در تجارت استفاده می‌شد، اما چندی بعد این خط به نوشته‌های مذهبی و علمی هم راه یافت. وقتی مصر به اشغال رومیان درآمد، این خط از بین رفت.





علم و فناوری

مصریان باستان سیستم شمارش و اندازه‌گیری بسیار دقیقی داشتند. آن‌ها از دانش خود در معماری، مهندسی و مساحی به‌خوبی استفاده می‌کردند. با این حال، دانش علمی آن‌ها اغلب با خرافات و جادو آمیخته بود. مثلاً پزشکان در مورد شکستگی استخوان و جراحی بسیار حاذق بودند، اما در عین حال برای از بین بردن بیماری دست به دامن انواع طلسم و نظرقربانی و جادو هم می‌شدند. آن‌ها بخش عمدهٔ دانش خود را در مورد کالبد انسان مرهون مراسمی بودند که هنگام آماده‌سازی جسد برای دفن انجام می‌دادند.

راهبان حرکت ستارگان را به دقت بررسی می‌کردند. آن‌ها سیاره‌ها را خدا می‌پنداشتند. مصریان تقویمی هم داشتند که برای آگاهی از زمان طغیان نیل و موعد کشت بسیار مفید بود.

پاپیروس ریاضی

این پاپیروس حاوی روش‌های محاسبهٔ ریاضی محیط دایره، مربع و مثلث است. زمان آن به حدود ۸۵۰ سال پیش از میلاد برمی‌گردد. از این روش‌ها برای محاسبهٔ مساحت زمین‌ها و ارتفاع اهرام در پروژه‌های ساختمان‌سازی مصر استفاده می‌شد. سایر مکتوبات به‌جامانده از مصر باستان نیز حاوی محاسبات ریاضی در مورد میزان غله‌ای است که می‌توان در انباری جا داد. سیستم شمارش مصریان دهدهی بود که در آن برای ۱، ۱۰، ۱۰۰، ۱۰۰۰ نشانه‌های جداگانه‌ای وجود داشت. برای نشان دادن اعداد، مثلاً هشت، از هشت نشانهٔ یک استفاده می‌کردند: ۱۱۱۱۱۱۱۱.

مقیاس ذراع

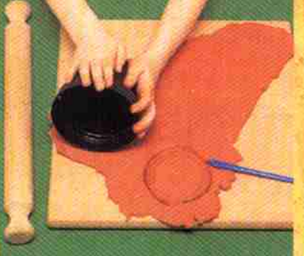
واحدهای اندازه‌گیری ذراع سلطنتی معادل ۵۲ سانتی‌متر و ذراع کوتاه معادل ۴۵ سانتی‌متر بود. یک ذراع مساوی بود با طول آرنج یک مرد و واحدهای کوچک‌تر آن وجب و انگشت بود.



ساعت آبی

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، گلدان پلاستیکی، ابزار برش، درفش، مداد، خط‌کش، نوار چسب، قیچی، رنگ اکریلیک زرد، روغن جلا، ظرف آب و قلم مو. استفاده از وردنه و تخته اختیاری است.





۱. کارتان را با پهن کردن گل سفالگری روی تخته شروع کنید. قاعدهٔ گلدان پلاستیکی را محکم روی خمیر بفشارید. این دایره ته ساعت آبی شما خواهد بود.



۲. مستطیلی از خمیر سفال ببرید. این مستطیل باید آن‌قدر باشد که دورتا دور گلدان پلاستیکی را بپوشاند. قاعده را به قالب اضافه کنید و محل اتصال این دو را با ابزار برش صاف کنید.

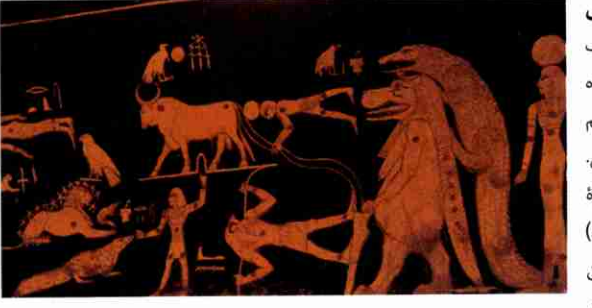


۳. انتهای گلدان، نزدیک قاعده را، مانند تصویر با درفش سوراخ کنید. گلدان را در جای گرمی قرار دهید تا خشک شود. بعد از خشک‌شدن، آن را از داخل قالب درآورید.



نیلومتر

ازمجموعه‌ای از پلکان که به آن اصطلاحاً نیلومتر (Nilometer) می‌گفتند، برای اندازه‌گرفتن عمق آب رود نیل استفاده می‌شد. طغیان‌های سالانهٔ نیل برای کشاورزان ساکن کرانهٔ آن بسیار حیاتی بود. بهترین میزان آب حدود ۷ متر بود. اگر سطح آب از این بیش‌تر می‌شد، ساختمان‌ها و کانال‌ها خراب می‌شدند و اگر هم کم‌تر می‌شد خشکسالی به بار می‌آمد.



ستاره نیل

این نقاشی نجومی روی سقف مقبرهٔ ستی اول پیدا شده است. مطالعهٔ ستارگان هم کاری مذهبی بود، هم علمی. مصریان درخشان‌ترین ستارهٔ آسمان را سیریوس (Sirius) می‌نامیدند که ما به آن شعرای یمانی (درخشان‌ترین ستارهٔ کلب اکبر) می‌گوییم. مصریان نام یکی از خدای‌بانوان خود، ساپدت (Sopdet)، را هم بر آن نهاده بودند. وقتی این ستاره در آسمان دیده می‌شد، هنگام طغیان نیل بود و مصریان جشنی خاص برای آن به پا می‌داشتند.

داروها

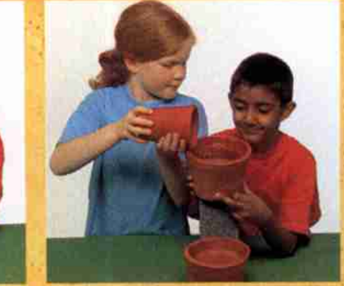
اغلب داروهای مصر گیاهی بودند. دوای سردرد مخلوط حب‌العرعر، گشنیز، افسنطین و عسل بود. این مخلوط را به سر می‌مالیدند. مُرّ (نوعی صمغ قهوه‌ای)، ناترون (نوعی نمک) و حتی فضلهٔ کروکودیل نیز برای درمان به کار می‌رفتند. احتمالاً برخی از داروهای مصری بیماران را شفا می‌دادند، اما برخی دیگر بیش‌تر ضرر داشتند تا منفعت.

گشنیز

سیر



۴. درون گلدان خطوطی موازی به فاصلهٔ ۳ میلی‌متر از هم رسم کنید. انتهای خطوط را با نوار چسب بپوشانید و خطوط را زرد رنگ کنید. بعد از خشک‌شدن رنگ، چسب‌ها را بردارید. از بزرگ‌تر خود بخواهید درون گلدان را روغن جلا بزند.



۵. دو گلدان دیگر تهیه کنید (یا بسازید). نحوهٔ قرار گرفتن گلدان‌ها باید مثل شکل باشد. از دوست‌تان بخواهید که انگشتش را روی سوراخ بگذارد تا شما گلدان را پر از آب کنید.



۶. حالا دوست‌تان باید انگشتش را بردارد. مدت زمانی که طول می‌کشد آب از خطی به خط دیگر برسد مقیاس زمان است.



در ساعت آبی زمان را با اندازه‌گرفتن مدتی که طول می‌کشید آب از خطی به خط زیری برسد اندازه می‌گرفتند. با خارج شدن آب از سوراخ گلدان، از سطح آب درون گلدان کاسته می‌شد.



سرگرمی و اوقات فراغت

یکی از محبوب‌ترین روش‌های گذراندن اوقات فراغت برای مصریان شکار کردن بود. شکار برای آن‌ها هم تفریح بود و هم روشی برای تهیهٔ غذا. آن‌ها با تیر و کمان، چماق، تور و نیزه شکار می‌کردند. هزاران سال قبل، حیوانات وحشی زیادی در مصر زندگی می‌کردند. امروزه اکثر آن‌ها، مثل کرگدن و شیر، تنها در جنوبی‌ترین نقاط پیدا می‌شوند. شکار این حیوانات کار بسیار خطرناکی بود و در تصاویر فرعون‌ها را شجاعانه آمادهٔ شکار می‌بینیم. اما در اصل، پیش از آمدن فرعون، خدمتکاران شکار را می‌گرفتند و درون محوطه‌ای محصور به دامش می‌انداختند. آن‌گاه فرعون می‌توانست از درون ارابهٔ امنش به‌آسانی حیوان را شکار کند.

ارابه در مصر نخستین بار در عصر هیکسوس‌ها رواج یافت و چیزی نگذشت که ارابه‌رانی ورزش محبوب نجیب‌زادگان شد. ورزش محبوب همهٔ مصریان کُشتی بود. در مصر تئاتر وجود نداشت، اما نقالان در دربار یا در خیابان‌های شهر به نقل حکایت‌ها و افسانه‌هایی در مورد نبردها، خدایان و جادو می‌پرداختند.

تخته بازی نیز از دیرباز در مصر رایج بود. در مقبرهٔ توتان‌خامون یک تختهٔ زیبا از جنس آبنوس و عاج پیدا شده است که برای دو نوع بازی سنت (*senet*) و جاو (*tjau*) طراحی شده است.



مسابقهٔ حیوانات

شیر و بز کوهی، دو دشمن دیرینه، نشسته‌اند و در صلح و آرامش سنت بازی می‌کنند. این نقاشی حدود سال ۱۱۵۰ قبل از میلاد کشیده شده است. برای سنت هم می‌توان تخته‌ای زیبا داشت و هم چهارخانه‌هایی روی سنگ یا ماسه کشید.



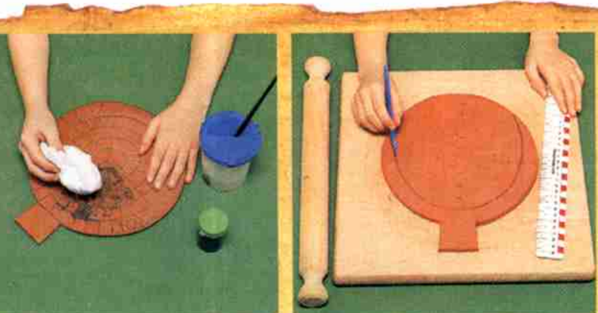
نوبت توست

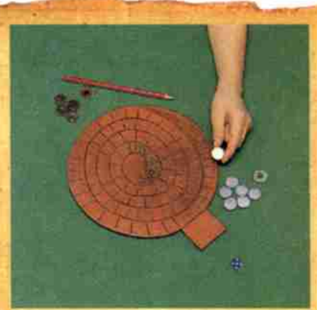
این نجیب‌زاده سِنِت بازی می‌کند و همسرش با اشتیاق او را می‌نگرد. بازیکنان تاس می‌ریختند تا مشخص شود هر کس چند خانه باید جلو برود. رسیدن به برخی خانه‌ها جایزه داشت و برخی دیگر جریمه. می‌گفتند سنت نوعی نبرد با بدی‌هاست.

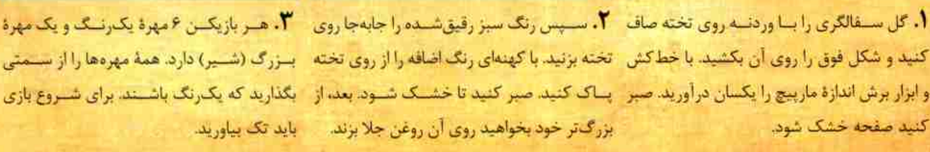
تختهٔ مِهِن (Mehen)

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، وردنه، خط‌کش، ابزار برش، ظرف آب، قلم‌مو، رنگ سبز، پارچه، روغن جلا. وسایل بازی شامل موارد زیر است: ۱۲ مهرهٔ گرد: ۶ مهرهٔ دورو به رنگ آبی و طوسی و ۶ مهرهٔ دورو به رنگ طلایی و نارنجی، دو مهرهٔ بزرگ و یک تاس.









۱. گل سفالگری را با وردنه روی تخته صاف کنید و شکل فوق را روی آن بکشید. با خط‌کش و ابزار برش اندازهٔ مارپیچ را یکسان درآورید. صبر کنید صفحه خشک شود.

۲. سپس رنگ سبز رقیق‌شده را جابه‌جا روی تخته بزنید. با کهنه‌ای رنگ اضافه را از روی تخته پاک کنید. صبر کنید تا خشک شود. بعد، از بزرگ‌تر خود بخواهید روی آن روغن جلا بزند.

۳. هر بازیکن ۶ مهرهٔ یک‌رنگ و یک مهرهٔ بزرگ (شیر) دارد. همهٔ مهره‌ها را از سمتی بگذارید که یک‌رنگ باشند. برای شروع بازی باید تک بیاورید.



شکار پرندگان وحشی در بیشه‌ها

نبامون (Nebamun) نجیب‌زاده در دلتای نیل به شکار پرندگان وحشی مشغول است و خوش می‌گذراند. او از روی قایق نی‌ای خود پرندگانی را که از نیزار می‌گریزند هدف چوبی به شکل بومرنگ قرار می‌دهد. انگار گربه‌اش قبل از او چند پرنده گرفته است.



آخرین بازی

این صفحهٔ بازی در مقبرهٔ توتان‌خامون پیدا شده است. بازی‌های تخته‌ای آن‌قدر رایج بود که حتی در مقبره هم تخته می‌گذاشتند تا متوفی در زندگی بعدی‌اش سرگرمی داشته باشد.



گرفتن و پرت‌کردن

کُشتی ورزشی بود که همهٔ مصریان می‌توانستند انجامش دهند. برای کشتی‌گرفتن نه به ارابه‌های گران‌قیمت احتیاجی بود و نه به وسیلهٔ خاص دیگری. میان فقیر و غنی کشتی رایج بود.



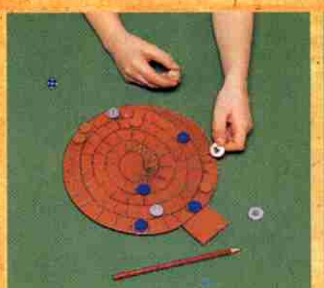
بازی مِهِن یا ماربازی پیش از سال ۳۰۰۰ قبل از میلاد در مصر متداول بود.



۴. همهٔ مهره‌ها باید روی صفحه باشند تا بتوانید یکی را جلو ببرید. هر کس که تک بیاورد از حرکت باز می‌ایستد و باید نوبت را به دیگری بدهد.



۵. برای رسیدن به مرکز تخته باید بارها تاس ریخت تا عدد مورد نظر بیاید. وقتی به مرکز رسیدید، باید مهره‌تان را برای مسیر برگشت پشت‌ورو کنید. وقتی مهره به خانهٔ اول برسد، شیر می‌تواند به میدان بیاید.



۶. شیر هم مثل مهره‌های دیگر حرکت می‌کند. اما در راه برگشت می‌تواند مهره‌های حریف را بخورد.



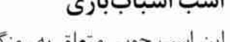
۷. کسی برنده است که شیرش بیش‌تر مهره بخورد. مهره‌هایی را که سالم به مرکز رسانده‌اید بشمارید. هر کس بیش‌تر مهره داشته باشد، برنده است.

دنیای کودکان

بچه‌های مصری تا پیش از شـروع سن تحصیل و کار فرصت چندانی برای کودکی نداشـتند، اما در همین مدت کوتاه هم با جغجغه، توپ، فرفره، اسب و تمساح چوبی بازی می‌کردند. آن‌ها در خاک کشـتی می‌گرفتند، مسابقهٔ دو می‌گذاشتند و در رودخانه شنا می‌کردند.

دختـران خانواده‌هـای معمولی مصر تحصیـلات بالایی نداشـتند. به آن‌هـا یاد می‌دادند کـه خانه‌داری کننـد، نخ بریسـند، پارچـه ببافند و آشـپزی کننـد. وقتی بزرگ می‌شـدند فرصت‌های شـغلی چندانی نداشـتند. با این حـال، از حقوق مدنی و قانونی برخـوردار بودند و برخی از زنان نجیب‌زاده بسـیار قدرتمند می‌شـدند. پسرها معمولاً طوری تربیت می‌شـدند کـه حرفهٔ پدر را در پیش گیرند. برخی به مدارس تربیت کاتب می‌رفتند و در آن‌جا خواندن و نوشـتن می‌آموختند. شـاگردان تنبل به سختی تنبیه می‌شدند. پسران و برخی از دختران اشـراف‌زاده اجازهٔ ادامهٔ تحصیل داشـتند و می‌توانسـتند خواندن و نوشتن و حساب یاد بگیرند.





اسب اسباب‌بازی

این اسب چوبی متعلق به روزگاری است که یونانیان یا رومیان بر مصر حکم می‌راندند. احتمالاً با ریسمانی آن را می‌کشیدند تا چرخ‌هایش بچرخند.

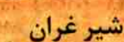


تفریح برای همه

فرفره از اسباب‌بازی‌های رایج کودکان مصری بود. فرفره را از سـنگ لعاب‌دار می‌سـاختند و آن‌قدر ارزان بـود کـه خانواده‌های فقیر هم اسـتطاعت خریدن آن را داشتند.

ایزیس و هوروس

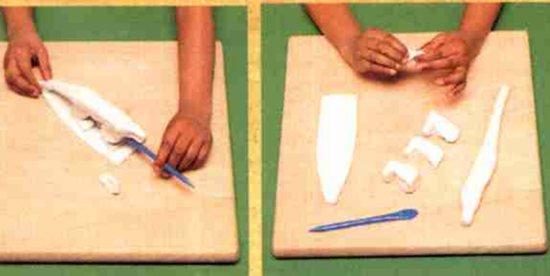
مجسمه‌های بسـیاری از خدای‌بانو ایزیس در حالی‌که فرزندش هوروس روی زانوانش نشسـته بر جا مانده اسـت. بنا به اعتقادات، هوروس جوان مراقب خانواده‌ها و محافظ ایشان از خطر و حادثه بود. مصریان خانواده‌های بزرگی داشتند و زندگی خانوادگی برای‌شان بسیار مهم بود.



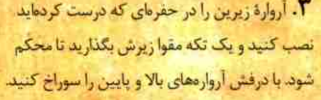
شیر غران

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، وردنه، تخته، ابزار برش، یک تکه مقوا، درفش، چوب بالزا، سمباده، رنگ اکریلیک (سفید، قرمز، آبی، سیاه و زرد)، نوار چسب، بند، ظرف آب و قلم مو.





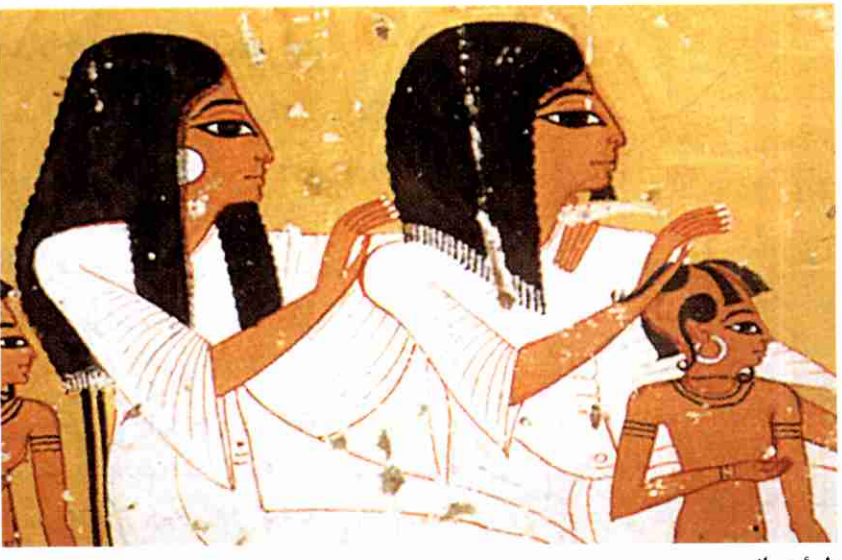




۱. خمیر را پهـن کنید و قطعاتی از آن را مانند تصویـر ببرید. پاها را به بـدن وصل کنید و تنه را روی پایـه قرار دهیـد. آروارهٔ زیرین را کناری نگه‌دارید.

۲. مانند تصویر با ابزار برش فضایی بین پایه و بدنهٔ شـیر ایجاد کنید، در این فضا آروارهٔ زیرین را نصب خواهید کرد.

۳. آروارهٔ زیرین را در حفره‌ای که درست کرده‌اید نصب کنید و یک تکه مقوا زیرش بگذارید تا محکم شود. با درفش آرواره‌های بالا و پایین را سوراخ کنید.







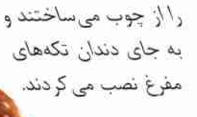
طرهٔ جوانی

دختـــران و پســـران در کودکی آرایش موی خاصی داشـــتند. سرشـــان را از ته می‌تراشـــیدند و تکه‌هایـــی را باقی می‌گذاشتند و می‌بافتند. موهای بافته‌شده یا طرهٔ جوانی معمولاً روی یک طرف چهرهٔ کودک باقی می‌ماند و رشد می‌کرد. وقتی بزرگ می‌شدند موهای‌شان را از ته می‌تراشیدند و کلاه‌گیس‌های فاخر بر سر می‌گذاشتند.

توپ بازی

بچه‌هـــای مصری از بازی‌کردن بـــا توپ‌هایی که از کهنه‌پارچه‌هـــا، کتان و نی می‌ســـاختند لذت می‌بردنـــد. با این حال، باستان‌شناســـان مطمئن نیســـتند کـــه توپ‌هایی که در تصویـــر می‌بینید وسیلهٔ بازی کودکان بودند یا جغجغهٔ نوزادان.





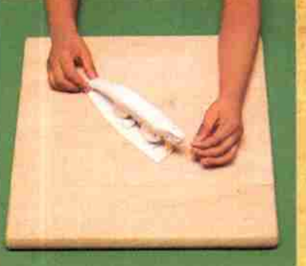
در اصل، این اسباب‌بازی را از چوب می‌ساختند و به جای دندان تکه‌های مفرغ نصب می‌کردند.

شیر اسباب‌بازی

اگر ریســـمان را بکشی، شیر می‌غرد! یا شاید هم گربه میومیو کند! روزگاری کودکان با این اســـباب‌بازی در ساحل نیل بازی می‌کردند. در آن زمان، این اسباب‌بازی حتماً رنگ‌های درخشانی داشت.



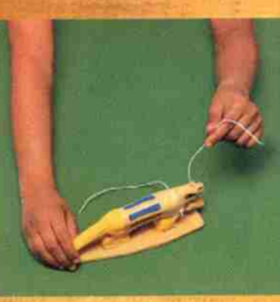
۴. حـــالا روی بدن شـــیر (مثـــل تصویر از چپ به راست) با درفش ســـوراخی ایجاد کنید. بعداً بندی را از این سوراخ رد خواهید کرد و آن را به آرواره خواهید بست.



۵. تکـــه چوب بالـــزا را درون دهان شـــیر قرار دهید. این دندان شـــیر اســـت. بگذارید مجسمه خشک شود و بعد آن را سمباده بکشید.



۶. ماننـــد تصویر، شـــیر را با رنگ‌های ســـفید، زرد، آبی، ســـیاه و ســـرخ رنگ کنید. با نوارچسب می‌توانیـــد مطمئن شـــوید کـــه خطها راســـت درمی‌آینـــد. شـــیر را در جای گرمـــی بگذارید تا خشک شود.



۷. مفتول را از ســـوراخ ایجادشـــده در قسمت بالای بدنه رد کنید و به آرواره برسانید و محکم ببندید. بـــا بند دیگری آرواره‌هـــای بالا و پایین شیر را به هم وصل کنید.

سلاح و سلحشوران

مصر از سه طرف در محاصرهٔ صحراهای خشک و خشن بود. در شمال مرداب‌های دلتا قرار داشت و در جنوب، نیل در مسیری پرفراز و نشیب، با آبشارهای فراوان در جریان بود. این موانع طبیعی، جلوی هجوم ارتش‌های مهاجم را می‌گرفتند. با این حال، دور شهرهای مصر قلعه و دیوار می‌ساختند و بسیاری از فراعنه با همسایگان وارد نبرد می‌شدند. مصریان با اهالی لیبی، نوبه و حتی سوریه به نبرد پرداختند.

مصر سربازان حرفه‌ای داشت، اما اغلب سربازان وادار می‌شدند به ارتش بپیوندند. شرکت در جنگ برای بردگان فرصتی بود برای آزاد شدن. گاهی هم سربازان خارجی به استخدام ارتش مصر درمی‌آمدند. مردان جوان روستایی برای شرکت در جنگ‌ها تعلیم می‌دیدند. سربازان سپرهایی چرمی و چوبی داشتند و به سلاح‌هایی چون نیزه، تبر، تیر و کمان، خنجر و شمشیر مجهز بودند. بعدها ارابه‌های جنگی‌ای که با اسب کشیده می‌شدند به کار گرفته شدند. به پاس شجاعت در میدان نبرد، به قهرمانان مدال‌هایی مثل مگس طلایی می‌دادند.



شاه دن

در این برچسب از عاج، که متعلق به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد است، شاه دن(Den) را می‌بینیم که با دشمن شرقی می‌جنگد. او زیر پرچم یا بیرق خدای شغال‌سر، آنوبیس، ایستاده است. او به باتوم یا عصایی مسلح است.



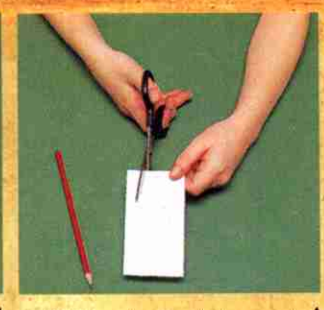
پیش به سوی پیروزی

در تصاویر مصر باستان اغلب فراعنه را در حال حمله به دشمن یا در حال بازگشت پیروزمندانه مشاهده می‌کنیم. شاه سوار بر کالسکه‌ای مجلل، در حالی‌که اسرای جنگی را به دنبال می‌کشد نشان داده می‌شود. هنرمندان مصری برای تأکید بر اهمیت و قدرت فرعون، دشمن را بسیار کوچک نشان می‌دادند. در این پلاک طلای سرخ، توتان‌خامون قهرمانی همیشه پیروز نشان داده می‌شود.

مگس طلایی

مواد مورد نیاز: مقوا، مداد، خط‌کش، قیچی، گل سفالگری، چسب چوب و قلم‌مو، رنگ طلایی آکریلیک، روبان طلایی یا سفید (به طول ۴۰ سانتی‌متر و عرض ۱ سانتی‌متر)، ظرف آب و قلم‌مو.







۱. طرح بدن و بال‌های مگس را روی مقوا بکشید. مثل تصویر با استفاده از خط‌کش و قلم، طرح را کامل کنید و بسیار با دقت با قیچی ببرید.

۲. با گل سفالگری صورت مگس را شکل دهید. دو گلولهٔ تخت خمیر را به جای چشم بچسبانید و با خمیر لوله درست کنید و دور چشم‌ها بچسبانید. به این ترتیب، چشم مگس درشت‌تر جلوه می‌کند.

۳. مقوا بردارید، زبانه را برگردانید و مثل تصویر حلقه‌ای درست کنید. وقتی مگس خشک شود، روبان را از این حلقه رد خواهید کرد.





تبر جنگی

این تبر دسته‌ای نقره‌ای و تیغه‌ای بلند دارد که برای برش دادن طراحی شده است. تبر جنگی سلاح مخصوص پیاده‌نظام مصری بود. تیغهٔ مسی یا مفرغی تبر را روی دستهٔ چوبی نصب می‌کردند و یا با ریسمانی چرمی به آن می‌بستند. سربازان در جنگ زره نمی‌پوشیدند. تنها حفاظ آن‌ها در برابر سلاح‌هایی چون تبرهای سنگین و نیزه سپرهای بزرگ چوبی یا چرمی بود. در جمجمهٔ جسد مومیایی فرعون سکننر تائو (Seqenenre Tao) زخم‌های وحشتناکی به چشم می‌خورد که بر اثر اصابت تبر، خنجر یا نیزه به وجود آمده است.





خنجرها

این خنجرهای تشریفاتی در مقبرهٔ توتان‌خامون پیدا شده‌اند. این‌ها شبیه خنجرهایی‌اند که در نبرد از آنان استفاده می‌شد. خنجرهای مصری کوتاه و لبه‌پهن بودند. تیغ خنجر از مس یا مفرغ ساخته می‌شد. در مقبرهٔ توتان‌خامون یک خنجر آهنی هم پیدا شد، اما ساخت خنجر آهنی کاری بسیار نادر بود. احتمالاً این خنجر را اهالی حتّی، که در آهنگری سرآمد بودند، هدیه کرده بودند.



ردیف مگس‌های طلایی، پاداشی بود برای سربازان شجاع. این گردنبند شبیه جایزه‌ای است که به ملکه آهوتپ (*Aahotep*) برای شرکت دلیرانه‌اش در نبرد با هیکسوس‌ها تعلق گرفت.

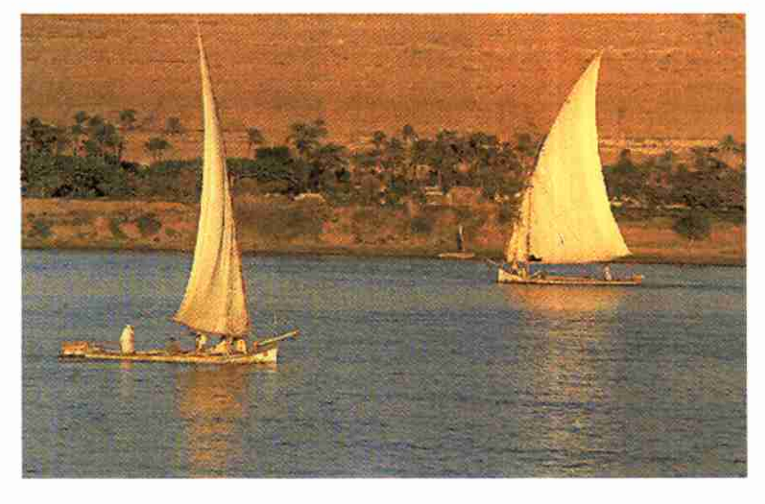
۴. چهار نوار باریک مقوایی سفید روی صورت مگس بچسبانید و با دست توی گل فشار دهید. سر مگس را در جای گرمی بگذارید تا خشک شود.

۵. حالا سر مگس را به بال‌های مقوایی‌اش بچسبانید. حدود ۲۰ دقیقه بگذارید تا خشک شود و بعد رنگش کنید.

۶. حالا با دقت مگس را طلایی رنگ کنید. اگر روبان سفید است، آن را هم طلایی کنید. بگذارید مگس و، در صورت لزوم، روبان خشک شوند. دو مگس دیگر به همین شیوه درست کنید.

۷. مثل تصویر مگس‌های طلایی را به روبان بکشید. در اصل، مگس‌ها با زنجیر به گردن انداخته می‌شدند.

قایق و کشتی



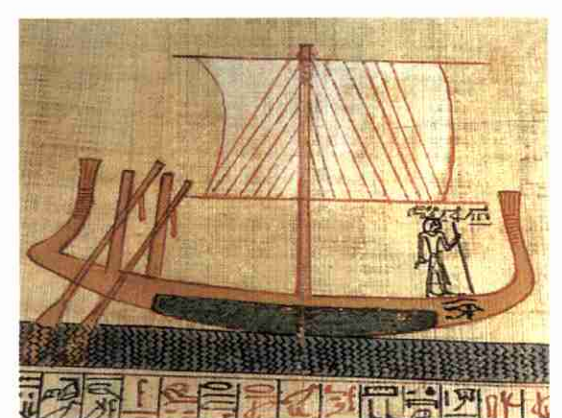
مصریـان در دریانوردی چنـدان قابل نبودند. کشـتی‌های اقیانوس‌پیمـای آن‌هـا از دریـای سـرخ و مدیترانـه عبور می‌کردند و شـاید گاهی هم به هندوسـتان سفر می‌کردند، اما آن‌ها معمولاً از کشتی‌های‌شـان در آب‌های ساحلی خود مصر استفاده می‌کردند. به هر حال، مصریان از دیرباز در سفر روی رودها سـرآمد بودند، درست مثل الآن. آن‌ها قایق‌هایی سـاده از نی پاپیروس می‌ساختند و از آن برای ماهیگیری و شکار استفاده می‌کردند.

منابـع چوبـی مصر بسـیار محدود بود، بـه همین علت، قایق‌های چوبی اغلـب از چوب درخت سـرو ساخته می‌شدند که از لبنان وارد می‌شد. قایق‌ها و کشتی‌های کوچک را اغلب در آرامگاه‌های فرعون‌ها قرار می‌دادند و باستان‌شناسان نمونه‌های سالمی از آن‌ها را پیدا کرده‌اند.

نیـل اصلی‌تریـن جـادهٔ مصر بـود و انواع و اقسـام قایق‌هـا روی آن در حال تـردد بودند. کرجی‌ها سـنگ و مصالح ساختمانی را به محل‌های سـاخت و سـاز حمل می‌کردند، زورق‌ها مردم را از روی نیل عبور می‌دادند و قایق‌های سـلطنتی تفریحی هم در تردد بودند.

روی نیل

قایق‌هـای بادبانـی چوبـی بـا بادبان‌های سـه‌گوش باشـکوه هنوز هـم روی نیل دیده می‌شـوند. آن‌ها از این سـمت نیل به آن سـمت بار و مسـافر می‌برند. شـکل این قایق‌ها، که به آن‌ها فلـوکاس (*feluccas*) گفته می‌شـود، از روزگار مصریان باستان تاکنون فرق کرده اسـت. بادبان قایق‌های آن دوران باریک، بلند و برافراشـته بود. بعدها بادبان‌ها، مانند آن‌چه در تصویر مشـاهده می‌کنید، به‌تدریج پهن‌تر شدند. در مصر از دیرباز شـهرها و روسـتاهای فراوانی در حاشـیهٔ نیل شـکل گرفته است، به همین علت نیل شاهراهی مهم است.



سفر نهایی

در اغلب تصاویر مصر باستان کشتی دیده می‌شود. کشتی نماد مهم سفر به جهان پس از مرگ بود.

قایق

مـواد مورد نیاز: یک دسـته حصیر به طول ۳۰ سانتی‌متر، قیچی، بند، چوب بالزا، مقوای زرد و قرمز، چسب چوب و قلم‌مو.





۱. دستهٔ حصیر را به پنج قسمت مساوی تقسیم کنید. سه دسته را به طول ۱۵ سانتی‌متر ببرید. دو طـرف و وسـط هر دسـته را مانـند تصویر ببندید.



۲. دو دسـتهٔ بلند را بردارید. یک سرشـان را مثـل تصویر به هم ببندیـد. این دو چهارچوب خارجی قایق هستند. آن‌ها را کناری بگذارید.



۳. دو سـر دسته‌های ۱۵ سـانتی‌متری را به هم ببندید. این دسـته‌ها سطح داخلی قایق را شکل می‌دهند.



قایقرانی در ساحل ماسه‌ای

این قایق مدل چوبی که در آرامگاهی پیدا شده، در سال ۱۸۰۰ قبل از میلاد ساخته شده است. دو طرف قایق برآمده و منحنی‌شکل است. پاروهایی بلند، که نقش سکان را بازی می‌کردند، قایق را درمسیر پرتلاطم نیل به حرکت درمی‌آوردند. چوب اصلی‌ترین ماده برای ساخت قایق بود، اما طرح و شکل این قایق‌ها بسیار شبیه قایق‌های سادهٔ ساخته‌شده از نی بود.

به سوی آبیدوس

این قایق‌ها به قصد زیارت به آبیدوس (Abydos) می‌روند. آبیدوس شهر اوزیریس، خدای مرگ و حیات دوباره، بود. مومیایی‌ها را با قایق به آبیدوس می‌بردند. کشتی و قایق در باورهای مذهبی مصریان باستان نقشی عمده داشتند. رع، خدای خورشید، با قایق از آسمان گذر می‌کرد. در اکتبر ۱۹۹۱، ناوگانی شامل ۱۲ قایق متعلق به سال ۳۰۰۰ قبل از میلاد در آبیدوس، نزدیک ممفیس، پیدا شد. قایق‌ها حدود ۳۰ متر طول داشتند و زیر شن‌های صحرا دفن شده بودند. این قایق‌ها قدیمی‌ترین قایق‌هایی هستند که از آن دوران به جا مانده‌اند.

علامت شمال

این شکل هیروگلیف نشانِ قایق است. این شکل به قایق‌های پاپیروسی با لبه‌های برگشته بی‌شباهت نیست. بعدها این علامت، نشانِ شمال درنظر گرفته شد، چون قایق‌های بدون بادبان لاجرم با جریانِ نیل به سمت شمال می‌رفتند.



مصریان باستان قایق‌های خود را از نی پاپیروس می‌ساختند و نی‌ها با بندهای گیاهی محکم به هم بسته می‌شدند.

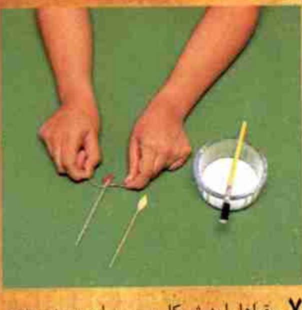


۴. دسته‌های کوتاه را وسط دو دستهٔ بلند قرار دهید و مثل تصویر یک سر آن‌ها را محکم با بند به هم ببندید.

۵. سر آزاد دسته‌های بلند را محکم به هم ببندید. کل قایق را با بند ببندید.



۶. قایق را مانند شکل از سر تا ته با بند بپیچید. با کشش بند مذکور، پوزهٔ قایق و پاشنهٔ آن شکل می‌گیرند.



۷. مقواها را به شکل سر پارو ببرید و به دو تکه‌چوب بالزا وصل کنید تا پارو درست شود. از قایق‌هایی مثل این برای ماهیگیری و شکار اسب آبی استفاده می‌شد.

تجارت و فتوحات

امپراتوری مصر در اوج قدرت خود، از صحرای نوبه تا سوریه دامن گسترده بود. مردم ساکن خاورنزدیک، که مغلوب فراعنه می شدند، باید خراج می‌پرداختند و خراج آن‌ها کالاهای گران‌قیمتی چون طلا یا پر شترمرغ بود. با این‌همه، مصریان بیش‌تر مایل بودند خاک خود را از تهاجم در امان نگه دارند تا این‌که امپراتوری عظیمی را برقرار سازند. آن‌ها ترجیح می‌دادند با کسب نفوذ فاتح شوند نه با جنگ. تأثیر و آوازهٔ تجارت مصریان بسیار فراگیر بود، چون هیئت‌های تجاری دولتی به سرزمین‌های دور و نزدیک سفر می‌کردند تا اجناسی تجملی مانند چوب، سنگ یا ادویه‌های گران‌قیمت برای فراعنه و درباریان تهیه کنند. سفالینه‌های زیبایی از امپراتوری کرت مینوسی وارد می‌شد. تجّاری که به استخدام دولت درمی‌آمدند شووتی (*shwty*) خوانده می‌شدند. مصریان باستان سکه نداشتند و در مقابل کالاها را مبادله می‌کردند.

هیئت‌های تجارتی به سرزمین پونت ــ که احتمالاً بخشی از شرق افریقا بود ــ نیز گسیل می‌شدند. آن‌ها از آن‌جا سگ‌تازی، میمون‌های خانگی، طلا، عاج، آبنوس و مُرّ وارد می‌کردند. ملکه هاتشپسوت حامی عمدهٔ این سفرهای تجارتی بود. بر دیوارهای آرامگاه‌ـمعبد وی جزئیات این سفرها ثبت شده است. تصویر ملکهٔ پونت (Punt)، اتی (Eti)، نیز در آن‌جا دیده می‌شود.

چوب‌هایی از جنگل‌های دوردست

مصر چندان پردرخت نبود، پس چوب برای ساخت مبلمان باید از خارج وارد می‌شد. چوب سرو از لبنان وارد می‌شد و چوب‌های سخت مثل آبنوس را از افریقا می‌آوردند.

تمام ثروت پونت

ملوانان این قایق بادبانی چوبی را پر از کوزه و گلدانِ گل و ادویه و میمون‌های سرزمین پونت می‌کنند. مصریان در قبال این کالاها به اهالی پونت کالا می‌دادند. گروه‌های تجاری مصریان به سرزمین‌های دوردست سفر می‌کردند و برای فراعنه کالاهای ارزشمند می‌آوردند. این تصویر از روی تصویر دیوار مقبرهٔ ملکه هاتشپسوت در دیرالبحری کپی شده است.



فرستادگان سوری

حکمرانان خارجی اهل کشورهای آسیایی و مدیترانه هدایای گران‌قیمتی برای فراعنه می‌فرستادند و فرعون‌ها هم در مقابل برایشان هدیه می‌فرستادند. این‌ها نمایندگان یا فرستادگان حاکم سوریه‌اند. آن‌ها ظرف‌های عطر ساخته‌شده از عاج، طلا و سنگی زیبا به نام لاجورد را تحفه آورده‌اند. ظرف‌ها با نقوش طلا و طرح گل نیلوفر آبی تزیین شده‌اند. فرعون بعضی از هدایای گران‌قیمت خارجی را به درباریان محبوبش می‌داد.

کالاهای کمیاب

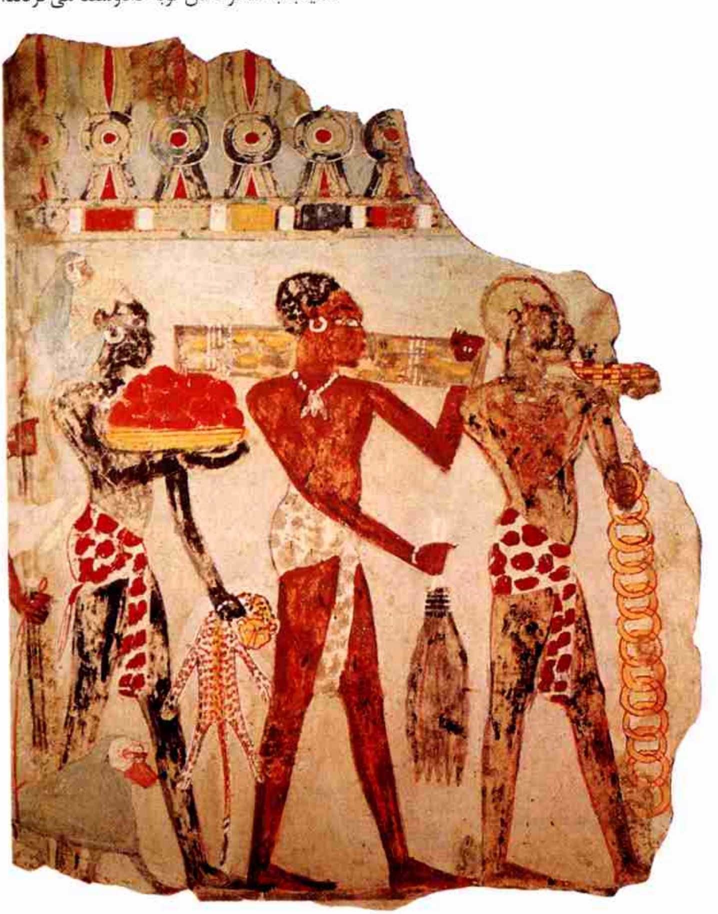
صنعتگران مصری مجبور بودند مواد اولیهٔ گران‌قیمت کار خود را از خارج وارد کنند ــ موادی مثل طلا، عاج فیل، چوب‌های سخت مثل آبنوس و چوب‌های نرم مثل چوب درخت سرو لبنانی. مس را از معادن نوبه تأمین می‌کردند و مفرغ (مخلوطی از مس و قلع) هم از سوریه وارد می‌شد.

عاج

آبنوس

اهالی نوبه خراج می‌پردازند

اهالی نوبه حلقه‌های طلا، میمون و پوست پلنگ به فرعون توت‌موس چهارم هدیه می‌کنند. نوبه سرزمینی بود در بالای آبشارهای نیل که حالا شمال سودان است. مصریان با فتوحات جنگی بخش عمده‌ای از ثروت خود را از این سرزمین به چنگ آوردند. اما در روزگار صلح در مقابل مواد معدنی وحیوانات کمیاب با شاهزادگان نوبه دادوستد می‌کردند.



دلتای نیل
نیل
تبس
مصر
صحرای نوبه
سودان
دریای سرخ
عربستان سعودی
اریتره
یمن
اتیوپی
سومالی

جهانِ تجارت

مصریان از دریای سرخ گذشتند و به سرزمین اسرارآمیز پونت رسیدند. در این نقشه مسیر سفر تجّار مصری ترسیم شده است. هیچ‌کس نمی‌داند پونت دقیقاً کجا واقع بود، احتمالاً جایی بود که حالا سومالی، اریتره، یمن یا جنوب سودان در آن واقع است.

واژه‌نامه

الف

آبیاری: رساندن آب به زمین‌های خشک.

آمتیس: سنگی ارغوانی، نوعی کوارتز.

آمولت

آمولت: از طلسم‌های خوشبختی.

آیین: مراسمی که اغلب وجهٔ مذهبی دارد.

ابوالهول: مجسمهٔ مخلوقی اسطوره‌ای که نیمی شیر است و نیمی انسان.

اخرا: گلی سرخ یا زردرنگ.

ارابه: وسیله‌ای نقلیه که اسب یا اسب‌هایی آن را می‌کشیدند و در جنگ‌ها یا مسابقات کاربرد داشت.

ارابه

اعتصاب: متوقف کردن کار برای رسیدن به شرایطی بهتر.

امپراتوری: چندین سرزمین که دولتی واحد بر آن‌ها حکم می‌راند.

امپراتوری جدید: دوره‌ای از تاریخ مصر بین سال‌های ۱۵۵۰ تا ۱۰۷۰ قبل‌از میلاد.

امپراتوری کهن: دوره‌ای از تاریخ مصر بین ۲۶۸۶ تا ۲۱۸۱ قبل از میلاد.

امپراتوری میانی: دوره‌ای از تاریخ مصر بین سال‌های ۲۰۵۰ تا ۱۷۸۶ قبل از میلاد.

اهرام: بنای یادبود هرمی‌شکل که قاعده‌ای به شکل مربع دارد و وجوهش سه گوش است.

ب

بافته: پارچه.

بخور: صمغ یا پوست خوش‌بوی درخت که در مراسم مذهبی سوزانده می‌شود.

پ

پاپیروس: گیاهی بلند به شکل نی که در حاشیهٔ نیل می‌روید. از آن کاغذ می‌سازند.

پاشنه: قسمت انتهایی قایق.

پوزه: قسمت جلوی قایق.

ت

تمدن: جامعه‌ای که درعرصهٔ هنر، علم، فناوری و قانون و امور حکومتی پیشرفت می‌کند.

تندآب: آبشار یا جریان‌های سریع آب.

چ

چرخ سفالگری: صفحه‌ای مدور که با پا چرخانده می‌شودوگل‌سفالگری‌راروی‌آن‌بادست‌شکل‌می‌دهند.

ح

حنا: رنگ سرخ طبیعی برای آرایش مو و پوست که از برگ‌های نوعی گیاه بوته‌ای گرفته می‌شود.

خ

خراج: کالاهایی که مردم کشوری به نشانهٔ تسلیم به فاتح خود می‌دادند.

خرافات: باورغیرمنطقی به شانس خوب یا بد.

خشکسالی: دوره‌ای طولانی و خشک و بدون بارندگی.

خط: شیوهٔ نوشتن.

خط دموتی: شکل ساده‌شدهٔ هیروگلیف که در روزهای آخر امپراتوری کهن مصر رواج داشت.

خط هیراتی: شکل خلاصه‌شدهٔ هیروگلیف که مخصوص راهبان بود.

سرامیک

د

دار: چهارچوب پارچه‌بافی.

دست‌ساخته: هر آن‌چه از روزگار باستان به جا مانده است.

دلتا: ناحیه‌ای در ساحل رودخانه که درآن رودخانه پیش از رسیدن به دریا شاخه‌شاخه می‌شود.

دوک: تکه‌چوبی که از حرکت چرخشی آن برای نخ‌ریسی استفاده می‌شود.

ذ

ذراع: واحد اندازه‌گیری به اندازهٔ طول آرنج.

ر

رنگ‌دانه: گیاه یا ماده‌ای که از آن رنگ می سازند.

رعیت: کسی که بی‌اجازهٔ ارباب خود نمی‌تواند از مزرعه‌ای که در آن کار می‌کند برود.

ز

زعفران: نوعی چاشنی نارنجی‌رنگ که از گل زعفران به دست می‌آید.

س

سارکافیگوس: نوعی سنگ که از آن تابوت می‌ساختند.

ستون یادبود: ستونی نوک تیز که به یادبود کسی یا چیزی برپا می‌شود.

سرامیک: نوعی ظرف مات که اغلب سبز یا آبی است. جنس آن از کوارتز، ماسه، سنگ آهک، خاکستر یا سنگ نمک است.

سلسله: خاندان سلطنتی یا دوره‌ای که این خاندان بر سریر قدرت است.

ستون یادبود

ش

شادوف: سطلی که روی محوری سوار می‌شد و طرف مقابل آن وزنه‌ای وصل بود و از آن برای رساندن آب از نیل به زمین‌های مجاور استفاده می‌کردند.

شغال: سگ‌سانِ وحشی ساکن آسیا و افریقا.

شکار پرندگان وحشی: به دام انداختن پرندگان وحشی، اردک، غاز و دیگر پرندگان آبی با پرتاپ چوب.



ض

ضریح: مکانی که بقایای مقدس فرد متوفی را در آن می‌گذاشتند؛ جایی برای عبادت.

ط

طرهٔ مو: بخشی از موی سر کودکان مصر باستان که بافته می‌شد.

طرح مسطح: نقشه‌ای که در آن شهر به بلوک‌ها و خیابان‌هایی با زاویه‌های مستقیم تقسیم می‌شود.

ع

عصای سلطنتی: چوب دستی‌ای که شاهان، ملکه‌ها یا امپراتوران به نشانهٔ حاکمیت حمل می‌کردند.

عصای سرکج و گندم‌کوب: دو ابزار مقدس اوزیریس؛ فراعنه این دو وسیله را به نشانهٔ اقتدار سلطنتی همیشه همراه داشتند.

ف

فرعون: حکمران مصر باستان.

فیروزه: سنگ تزیینی سبز- آبی.

فرعون

ک

کاتب: نویسندهٔ رسمی، منشی یا کارمند دولت.

کتان: گیاهی با گل آبی‌رنگ که از الیاف آن کتان می‌بافند. دانه‌هایی هم دارد که از آن روغن بَزرَک می‌گیرند.

کوزهٔ کانوپوس: سفالی که در آن ریه‌ها، جگر، معده و امعا و احشای مومیایی را نگه می‌داشتند.

گ

گردنبند: قطعه جواهری که با زنجیر به گردن می‌اندازند.

م

مالیات: کالا، پول یا خدماتی که شهروندان به دولت می‌دهند.

مرمر سفید: سنگی سفید و براق، نوعی سنگ گچ.

مسّاحی: اندازه‌گیری زمین یا ساختمان‌ها.

مشمول: کسی که از طرف دولت به خدمت در نظام فرا خوانده می‌شود.

مصر سفلی: بخش شمالی مصر، به‌خصوص دلتای نیل.

مصر علیا: بخش جنوبی مصر.

مگس طلایی: نشان افتخاری که به سربازان شجاع به دلیل دلاوری‌هایشان در جنگ می‌دادند.

مومیایی: بدن انسان، یا گاهی هم حیوان، که به طریقی خاص خشک شده باشد تا باقی بماند.

مومیایی کردن: حفظ جنازه.

ن

ناترون: نوعی نمک که در مومیایی‌کردن جسد کاربرد داشت.

نخبت: خدای‌بانوی کرکس.

نیلومتر: پله‌هایی با طول یکسان یا برجی مدرج برای اندازه‌گیری عمق آب رود نیل.

نیل: رنگ آبی تیره‌ای که از گیاهان می‌گیرند.

و

واحه: آبادی دارای آب در میان کویر.

وزیر: خزانه‌دار یا بالاترین مقام حکومتی دربار مصر.

ه

هیروگلیف: زبان تصویری مصریان باستان.

هیکسوس‌ها: مردم ساکن فلسطین که پس از سال ۱۸۰۰ قبل ازمیلاد ساکن مصر شدند و قدرت را به دست گرفتند.

هیکسوس‌ها

یونان باستان



ریچارد تیمز

مشاور:

لوییز شوفیلد





در طول دوره‌ای دو هزارساله، یونانیان باستان پایهٔ جهان مدرن را شکل دادند. بسیاری از ایده‌های آنان دربارهٔ پزشکی، ریاضیات و روش حکومت در شهرها و کشورها همچنان متداول است، گرچه مردمان خالق این ایده‌ها سه‌چهار هزار سال قبل زندگی می‌کردند. یونانیان تئاتر را برای سرگرمی به جهانیان معرفی کردند و سبک‌های بدیع هنری و معماری که امروزه هنوز در اطراف خود می‌بینیم، از ابداعات آن‌هاست. تمدن یونان تمدن دستاوردها و ماجراهای ویژه است زیرا یونانیان سفر، تجارت و نبرد در جهانی آشنا را تجربه کردند. قهرمانان، شعرا، سیاستمداران و خدایان رنگارنگ و ناقص یونان زندگی مردم معمولی را هیجان‌انگیزتر و جالب‌تر می‌کردند.

دنیای یونان باستان

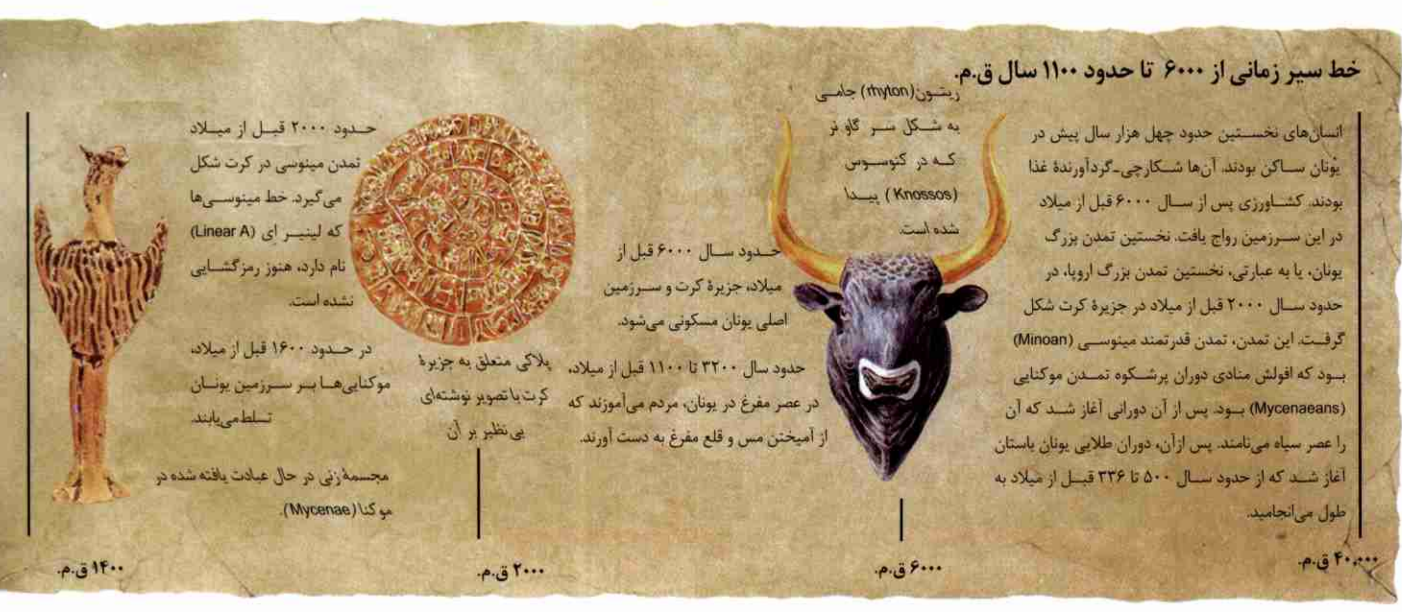
به عقب برمی‌گردیم، به ۳۰۰۰ سال قبل که در سواحل شرقی مدیترانه، یکی از ماناترین و پرنفوذترین تمدن‌های دنیای غرب شکل گرفت. یونان باستان متشکل بود از چندین دولت‌شهر مستقل که هر یک هویتی منحصربه‌فرد و مقتدر داشتند. شهرهای یونان از جوامع کشاورزی که خط تصویری ساده‌ای داشتند به‌تدریج تبدیل شدند به سرزمینی با فرهنگی پیشرفته. قرن‌ها گذشته است و میراث یونان همچنان در بخش‌هایی از جامعهٔ مدرن پابرجاست. خاستگاه دموکراسی، ریاضیات، پزشکی و فلسفه را می‌توان در این برههٔ تاریخ یافت.

حتی برخی از کلمات امروزی زبان در زبان یونان باستان ریشه دارند: واژهٔ «تلفن» متشکل است از دو واژهٔ یونانی (tele) به معنای «دور» و (phone) به معنای «صدا».

اعجاز کامل

معبد پارتنون (Parthenon) را والاترین نمونهٔ هنر معماری یونان می‌دانند. این معبد مهم‌ترین بنای شهر آتن (Athens) است که بقایای آن هنوز بر فراز آکروپولیس (Acropolis) مشهود است. ساخت این بنا ۱۵ سال به طول انجامید و به آتنا (Athena)، خدای‌بانوی محافظ آتن، تقدیم شد. در ساخت این معبد حدود ۲۲۰۰۰ تن سنگ مرمر به کار رفته است که از فاصله‌ای ۱۵ کیلومتری به این مکان منتقل شدند.







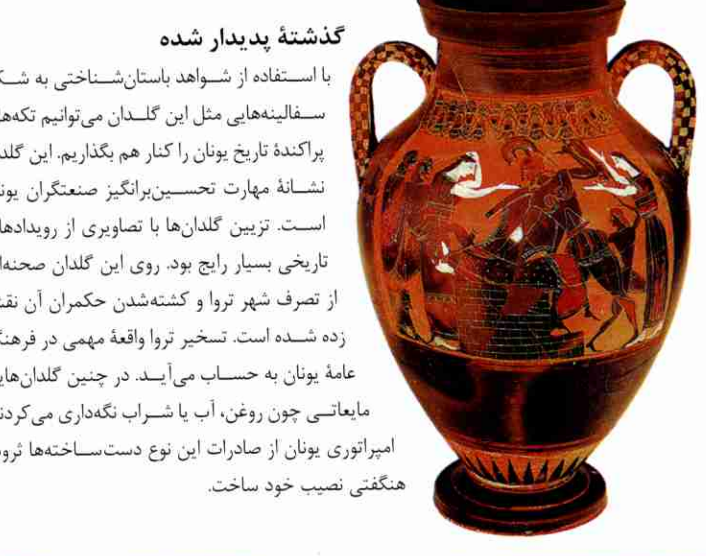


سنگ مرکزی

اومفالوس (omphalos) یا ناف، سنگی حکاکی‌شده بود که در معبدی در دلفی (Delphi) نگه‌داری می‌شد. یونانیان باستان این معبد را مرکز جهان می‌پنداشتند و سنگ اومفالوس را به نشانهٔ مرکزیت جهان در آن‌جا نصب کرده بودند. می‌گویند زئوس (Zeus) خدای خدایان، این سنگ را آن‌جا نهاده است. شاید این سنگ محرابی هم بود برای قربانی‌کردن قربانیان در پیشگاه خدایان.

قلمروی یونان باستان

در این نقشه بنادر و شهرهای مهمی را می‌بینیم که محل تجارت یونانیان بودند. قلب قلمروی یونان دریای اژه بود. یونانیان دریانوردان ماجراجویی بودند. آن‌ها با هدف تجارت از دریای اژه رهسپار اقیانوس اطلس و کرانه‌های دریای سیاه می‌شدند. درجریان این سفرها، عدهٔ زیادی از یونانیان در آن سرزمین سکنا گزیدند. این اجتماعات باعث گسترش نفوذ یونانیان فراتر از سرزمین اصلی یونان و سواحل همجوار آن شد.



گذشتهٔ پدیدار شده

با استفاده از شواهد باستان‌شناختی به شکل سفالینه‌هایی مثل این گلدان می‌توانیم تکه‌های پراکندهٔ تاریخ یونان را کنار هم بگذاریم. این گلدان نشانهٔ مهارت تحسین‌برانگیز صنعتگران یونان است. تزیین گلدان‌ها با تصاویری از رویدادهای تاریخی بسیار رایج بود. روی این گلدان صحنه‌ای از تصرف شهر تروا و کشته‌شدن حکمران آن نقش زده شده است. تسخیر تروا واقعهٔ مهمی در فرهنگ عامهٔ یونان به حساب می‌آید. در چنین گلدان‌هایی مایعاتی چون روغن، آب یا شراب نگه‌داری می‌کردند. امپراتوری یونان از صادرات این نوع دست‌ساخته‌ها ثروت هنگفتی نصیب خود ساخت.



حدود سال ۱۴۰۰ قبل از میلاد تمام کاخ‌های جزیرهٔ کرت، به‌جز کاخ‌های واقع در کنوسوس، در فاجعه‌ای طبیعی ویران می‌شوند. موکنایی‌ها در این زمان حکمرانی جزیرهٔ کرت را به دست گرفته‌اند.

دروازهٔ شیر در موکنا

۱۳۰۰ ق.م.

حدود سال ۱۳۰۰ قبل از میلاد مهارت صنعتکاران قبرسی (Cypriot) بر خاورنزدیک و بر یونان دورهٔ موکنایی‌ها و مصر تأثیر می‌گذارد.

حدود ۱۲۵۰ قبل از میلاد، تاریخ افول شهر تروا در جنگ تروا (Trojan war).

آویز طلا به شکل انار کار هنرمندان قبرسی

۱۲۰۰ ق.م.

حدود ۱۲۰۰ قبل از میلاد، فرهنگ و اقتصاد موکنایی رو به افول می‌گذارد و شهرهایشان متروکه می‌شوند.

حدود ۱۱۰۰ قبل از میلاد، پایان تمدن‌های مینوسی و موکنایی.

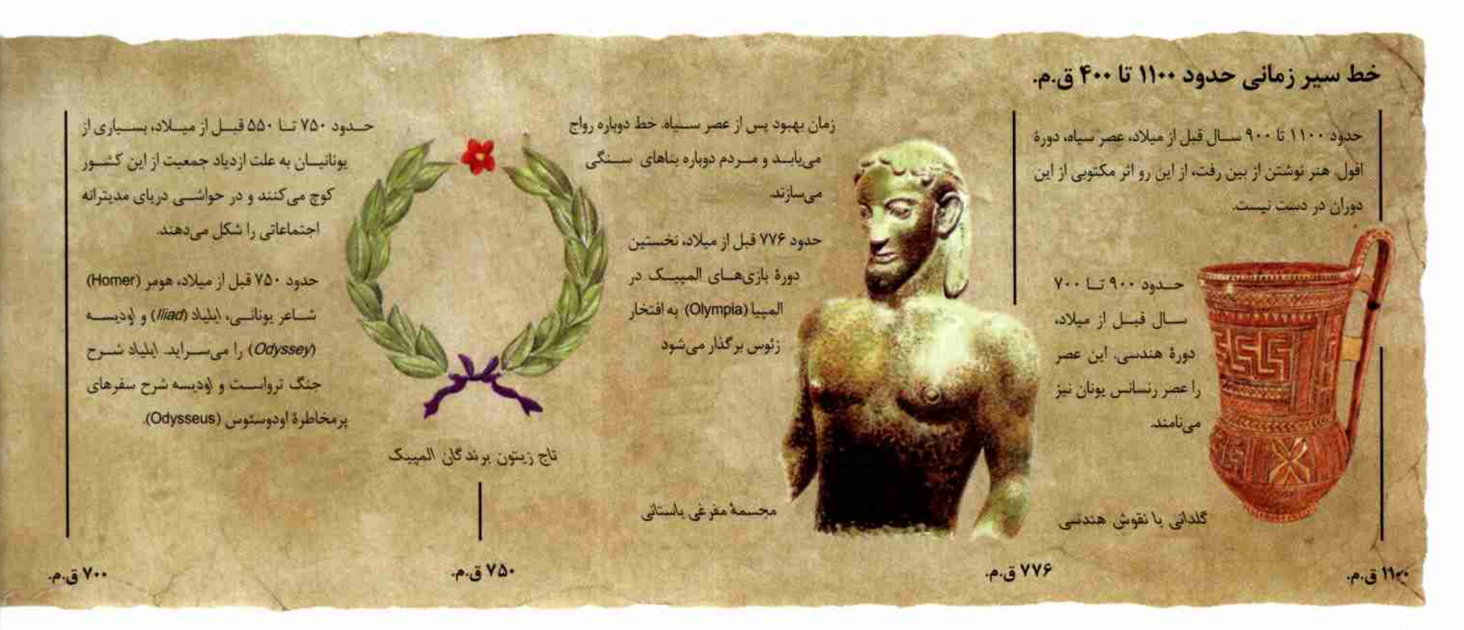
شکل بازساختهٔ اسب تروا

۱۱۰۰ ق.م.

قدرت و کامرانی

تاریخ یونان باستان گستره‌ای ۲۰۰ ساله دارد. مبدأ آن تمدن مینوسی در جزیرهٔ کرت است که در فاصلهٔ سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۴۵۰ قبل از میلاد به اوج خود رسید. این فرهنگ نخستین فرهنگ اروپا نیز هست. اهالی مینوس مردمی سرزنده و هنرمند بودند که قصرها و شهرهای باشکوهی ساختند. آن‌ها دریانوردان بزرگی نیز بودند. دستاوردهای آن‌ها اهالی موکنایی را، که حدود سال ۱۶۰۰ قبل از میلاد تمدن خود را در مرکز یونان پایه گذاشته بودند، سخت تحت تأثیر قرار داد. دو تمدن مینوسی و موکنایی احتمالاً تحت تأثیر فجایع طبیعی و جنگ‌ها، و در پی آن قرن‌ها فقر، دچار زوال شدند.

سال ۷۵۰ قبل از میلاد سال آغاز حیات مجدد یونان بود و سرزمین یونان در سدهٔ پنجم قبل از میلاد به اوج شکوفایی اقتصادی خود رسید. این دوره به دورهٔ باستان معروف است که طی آن آتن در اوج شکوفایی، قدرت و کامرانی بود. در این سده، یونانیان به رهبری آتنی‌ها به‌دفعات به جنگ با ایرانیان پرداختند و پیروز شدند. اما آتن در پی نبردهای مکرر با رقیب خود اسپارت (Sparta) دچار افول اقتصادی شد. سپس در سدهٔ چهارم پیش از میلاد، یونان به دست سپاه مقدونی (Macedonia) فتح شد. اسکندر کبیر (Alexander the Great) حکمران مقدونی، فرهنگ یونانی را در سراسر امپراتوری خود رواج داد. سرانجام، در فاصلهٔ سال‌های ۱۶۸ تا ۱۴۶ قبل از میلاد، مقدونیه و یونان هر دو جزء امپراتوری روم شدند و تمدن یونان بخشی از میراث روم شد و به سایر نقاط اروپا راه یافت.



تجارت و توسعه

عصر کلاسیک در تاریخ یونان از حدود سال ۵۰۰ قبل از میلاد آغاز شد و تا ۳۳۶ قبل از میلاد به طول انجامید. ویژگی این دوران افزایش ثروت اکثر شهرهای یونان بود. کشتی‌های تجاری یونان مدام در حال تردد در دریای مدیترانه و دریای سیاه بودند. علاوه بر این، اجتماعات یونانی‌نشینی در سواحل این دو دریا شکل گرفت.

مقدونیه
زئوس
کشتی تریرم
تروا
یونان
دریای اژه
ترموپیل
دلفی
تبس
معبد پارتنون
آتن
کورنت
موکنا
المپیا
پرتاب کنندهٔ دیسک
جنگجوی اسپارتی
اسپارت
ایتالیا
لوکری
سیسیل
ناکسوس
دریای ایونی
سیراکوس
دریای مدیترانه
N
W
E
S
پوزئیدون
مینوتور
جزیرهٔ کرت
کنوسوس



حدود ۷۰۰ تا ۵۰۰ قبل از میلاد، دوران باستان. در این دوران یونان بسط می‌یابد. آتن پهناورترین و پرنفوذترین شهر مستقل یونان می‌شود.

حدود ۵۰۸ قبل ازمیلاد، دموکراسی درآتن آغاز می‌شود. هر شهروندی حق صحبت کردن و رأی دادن دارد.

اودوسئوس چشمان یکی از سیکلوپ‌ها (Cyclops) را از حدقه درمی‌آورد.

۵۰۰ ق.م.

حدود ۵۰۰ تا ۳۳۶ قبل از میلاد، دورهٔ کلاسیک. فرهنگ و دانش یونان به اوج می‌رسد.

حدود ۴۸۰ تا ۴۷۹ قبل از میلاد، جنگ با ایرانیان. یونانیان ایرانیان را در جنگ‌های ماراتن (Marathon) و سالامیس (Salamis) شکست می‌دهند.

کمان‌دار ایرانی

۴۷۹ ق.م.

حدود ۴۷۹ تا ۴۳۱ قبل از میلاد، عصر طلایی آتن. تجارت رونق می‌گیرد و آتن ثروتمند می‌شود.

حدود ۴۴۷ تا ۴۳۲ قبل از میلاد، معبد پارتنون در آتن ساخته می‌شود.

معبد پارتنون

۴۴۳ ق.م.

یونانیان نامی

یونانیان گنجینهٔ عظیم اساطیر و افسانه‌های مربوط به خدایان و قهرمانان‌شان را ارج می‌گذارند، اما به تاریخ بشر نیز علاقهٔ وافری دارند. برای آن‌ها شهرت و شکوه بسیار پرارزش‌تر از مال و ثروت بود. هدف غایی آن‌ها در زندگی کسب آوازه‌ای بود که تا مدت‌ها پس از مرگ‌شان بر سر زبان‌ها باشد. مجسمه‌های متعددی از یونانیان افتخارآفرینی که هر یک به نحوی شهرتی داشتند ــ یکی فرماندهی سلحشور بود، دیگری شاعر، آن یکی معلم، فیلسوف، ریاضی‌دان، خطیب یا ورزشکار ــ در مناطق مهم شهرها نصب می‌شد. این قهرمانان نمونهٔ بارز خصوصیت‌هایی بودند که یونانیان می‌ستودند ــ ویژگی‌هایی چون قدرت و شجاعت و استقامت بدنی و هوش و ذکاوت در خلق، اختراع، تشریح و ترغیب کردن.



سوفوکل (۴۰۶-۴۹۶ ق.م.)

تنها هفت نمایش‌نامه از سوفوکل (Sophocles) در دست است. او احتمالاً ۱۲۳ نمایش‌نامه نوشته بود. سوفوکل، علاوه بر نمایش‌نامه‌نویسی، نظامی و سیاستمداری صاحب‌نام بود. نام او به معنای «پرآوازه به سبب خرد» است.





سافو (حدود ۶۰۰ ق.م.)

سافوی (Sappho) شاعر در جزیرهٔ لسبوس (Lesbos) به‌دنیا آمد. او نُه کتاب شعر سرود، اما تنها یک شعر کامل از او باقی مانده است. عشق و زیبایی محور اصلی اشعار او بودند. آثار او الهام‌بخش هنرمندان هم‌عصر وی و بسیاری از شعرا و نویسندگان سده‌های بعدی بود.

هومر (حدود سال ۷۰۰ ق.م.)

هومر شاعر نابینا، شهرت خود را مرهون سرودن دو منظومهٔ حماسی است: یکی **ایلیاد**، داستان محاصرهٔ شهر تروا، و دیگری **اودیسه**، شرح ماجراهای سفر اودوسئوس پس از نبرد تروا. هم‌اکنون برخی از پژوهشگران معتقدند که داستان‌های ایلیاد و اودیسه را دو شاعر یا حتی گروهی از شعرا سروده‌اند.

خط سیر زمانی ۴۴۰ تا ۱۴۰ سال ق.م.

۴۴۳ ق.م.

۴۴۳ تا ۴۲۹ قبل از میلاد، دولتمرد نامی، پریکلس (Pericles) سیاست آتن را به دست می‌گیرد.

۴۳۱ تا ۴۰۴ قبل ازمیلاد، جنگ‌های پلوپونزی (Peloponnesian Wars) بین آتن و رقیب اصلی‌اش، اسپارت، درمی‌گیرد. اسپارتی‌ها بر آتنی‌ها پیروز می‌شوند.

۳۹۹ قبل ازمیلاد، فیلسوف آتنی، سقراط (Socrates) به مرگ محکوم می‌شود، چون ثابت می‌شود که دیدگاه‌هایش نامعمول است.

سر مرمری سقراط فیلسوف

۳۷۱ ق.م.

۳۷۱ قبل ازمیلاد، اسپارتی‌ها از اهالی تبس شکست می‌خورند. تبس مرکز قدرت یونان می‌شود.

در سال ۳۶۲ قبل ازمیلاد، اسپارتی‌ها و آتنی‌ها برای شکست‌دادن اهالی تبس در نبرد مانتینا (Mantinea) متحد می‌شوند.

۳۳۸ قبل از میلاد، یونانیان در نبرد خایرونیا (Chaeronea) از مقدونیه شکست می‌خورند. فیلیپ دوم مقدونی (Philip II Macedonia) حکمران یونان می‌شود.

بالاپوش آهنی منسوب به فیلیپ دوم مقدونی

۳۳۶ ق.م.

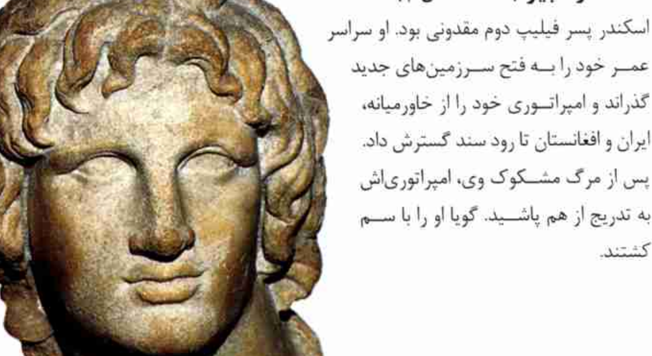
۳۳۶ قبل از میلاد، فیلیپ دوم مقدونی می‌میرد و پسرش اسکندر کبیر بر تخت می‌نشیند. اسکندر امپراتوری عظیمی را بنیان می‌نهد که از سرزمین یونان تا هند وسعت دارد.





مجسمه مفرغی کوچک اسکندر کبیر

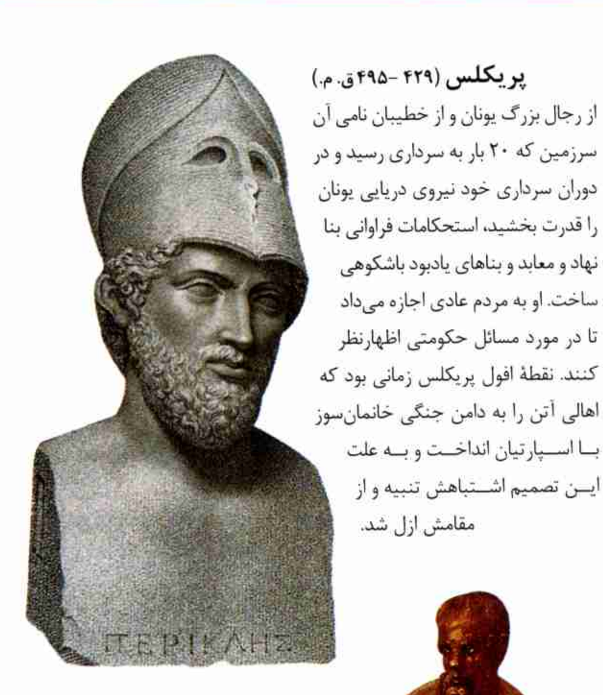
۳۳۴ ق.م.





اسکندر کبیر (۳۲۳-۳۵۶ ق.م.)

اسکندر پسر فیلیپ دوم مقدونی بود. او سراسر عمر خود را به فتح سرزمین‌های جدید گذراند و امپراتوری خود را از خاورمیانه، ایران و افغانستان تا رود سند گسترش داد. پس از مرگ مشکوک وی، امپراتوری‌اش به تدریج از هم پاشید. گویا او را با سم کشتند.



پریکلس (۴۲۹ -۴۹۵ ق.م.)

از رجال بزرگ یونان و از خطیبان نامی آن سرزمین که ۲۰ بار به سرداری رسید و در دوران سرداری خود نیروی دریایی یونان را قدرت بخشید، استحکامات فراوانی بنا نهاد و معابد و بناهای یادبود باشکوهی ساخت. او به مردم عادی اجازه می‌داد تا در مورد مسائل حکومتی اظهارنظر کنند. نقطهٔ افول پریکلس زمانی بود که اهالی آتن را به دامن جنگی خانمان‌سوز با اسپارتیان انداخت و به علت این تصمیم اشتباهش تنبیه و از مقامش ازل شد.



ارشمیدس (۲۱۱ - ۲۸۷ ق.م.)

این ریاضی‌دان، دانشمند، منجم و مخترع بزرگ اهل سیراکوس (Syracuse) بود. وقتی شهرش به محاصرهٔ رومیان درآمد، عدسی بسیار بزرگی ساخت و با آن نور خورشید را روی کشتی‌های رومیان متمرکز ساخت و آن‌ها را به آتش کشید. به‌علاوه، او برای بیرون کشیدن آب از دل زمین وسیله‌ای اختراع کرد و به مطالعه در مورد مفاهیم تعلیق و تعادل پرداخت.

سقراط (۴۹۹-۳۶۹ ق.م.)

سقراط، معلم و فیلسوف نام‌آور، مردم را تشویق می‌کرد که به راهی مناسب برای زندگی بیندیشند. آتنی‌ها او را محکوم به مرگ کردند و به او شوکران خوراندند. افلاطون (Plato)، بزرگ‌ترین شاگرد سقراط، که خود فیلسوف بزرگی بود، آخرین روزهای حیات استاد خود را ثبت کرد.



تمدن مینوسی

در قلب تمدن مینوسی قصری عظیم در کنوسوس برپا بود که مرکز سیاسی و فرهنگی آن ناحیه بود و بر قسمت عمده‌ای از کرت مرکزی کنترل داشت. در دوران اوج شکوفایی این تمدن در سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد، بیش از ده هزار نفر در قصر ساکن بودند. به‌رغم ثروت عظیم و نهفته در این قصر، آن را بی‌حفاظ گذاشته بودند چون مطمئن بودند که نیروی دریایی پرقدرت‌شان بر هر مهاجمی غالب می‌شود. اما در حدود سال ۱۴۵۰ قبل از میلاد، یونانیان جنگ‌طلب موکنایی کنوسوس را فتح کردند و همهٔ شهرها و کاخ‌های مینوسی را ویران ساختند. در اوایل سدهٔ بیستم میلادی، باستان‌شناس بریتانیایی، سر آرتور اِوَنز (Sir Arthur Evans)، بقایای باشکوه تمدنی باستانی را از دل خاک جزیرهٔ کرت بیرون کشید.

او اسم این تمدن را، به یاد پادشاه افسانه‌ای کرت، مینوس (Minos) پسر زئوس، مینوسی نهاد. شواهد حاکی از آن است که مینوسی‌ها به زبان یونانی سخن نمی‌گفتند و خط‌شان که به خط لینیرِای معروف است، هنوز رمزگشایی نشده است.



کوزه‌های چندمنظوره

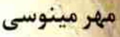
احتمالاً در این کوزهٔ کنوسوسی که با رنگ‌های شاد تزیین شده است آب یا شراب می‌ریختند. سر آرتور اِوَنز با بررسی تغییر نقش و نگار کوزه‌ها در دوره‌های مختلف به تاریخ‌نگاری تمدن مینوسی پرداخت. این کوزه حدود سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۵۵۰ پیش از میلاد با چرخ کوزه‌گری ساخته شده است.

موقعیتی خاص

نقاشی‌های دیواری از هنرهای رایج برای تزیین دیوارهای قصرهای کرت بود. برای این‌که نقوش روی دیوار ماناتر شوند، نقش‌ها را روی گچ‌های خیس دیوارها می‌کشیدند. در این نقاشی دیواری گروهی زن را می‌بینیم که به تماشای نمایش یا مراسمی آمده‌اند. لباس‌هایی با رنگ‌های روشن با بالاتنهٔ چسبان و دامن‌های چین‌دار ــ همان‌طور که در تصویر مشاهده می‌کنید ــ از لباس‌های رایج زنان مینوسی در آن دوران بود.

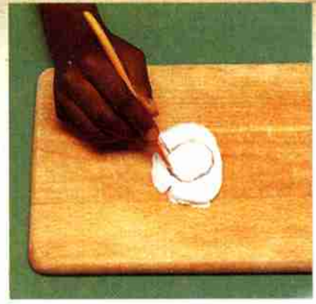


مهر مینوسی



مواد مورد نیاز: تخته، گل سفالگری، وردنه، ابزار برش، خط‌کش، سوزن، چسب چوب، آب، کاسه، قلم‌مو، بند نرم.





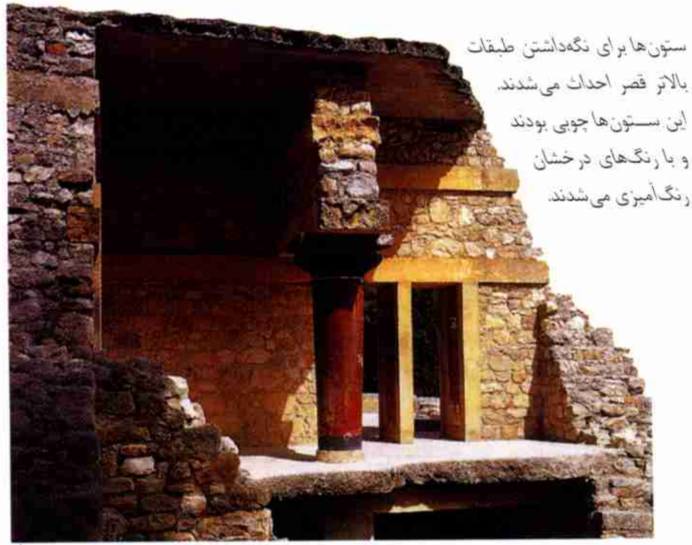
۱. یک تکه گل را به قطر ۱ سانتی‌متر روی تخته پهن کنید. با نوک ابزار برش دایره‌ای به قطر ۳ سانتی‌متر روی آن بکشید.



۲. طرحی را که در تصویر می‌بینید، با ابزار برش روی قالب بکشید. صبر کنید تا خشک شود. این قطعه قالب مُهر است.



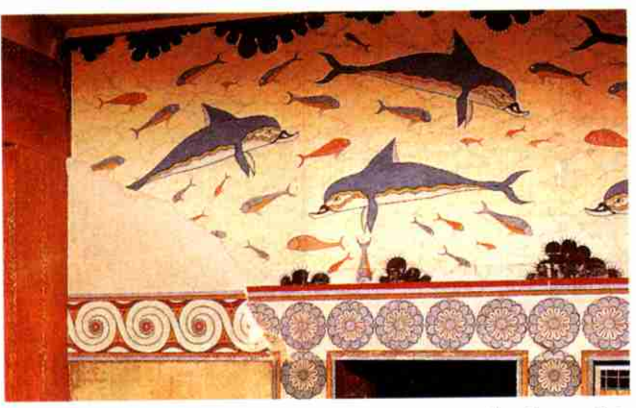
۳. سفال قهوه‌ای را به ضخامت ۲ سانتی‌متر به شکل دایره پهن کنید. قطر دایره باید ۳/۵ سانتی‌متر باشد. قالب را روی خمیر فشار دهید تا نقش روی آن بیفتد.



ستون‌ها برای نگه‌داشتن طبقات بالاتر قصر احداث می‌شدند. این ستون‌ها چوبی بودند و با رنگ‌های درخشان رنگ‌آمیزی می‌شدند.

مجموعه کاخ‌ها

ویرانه‌های مجموعه کاخ‌های کنوسوس از دل خاک بیرون کشیده و تا حدودی مرمت شده‌اند. گویا قصرهای کرتی را بدون نقشه، با افزودن اتاق یا راهرو گسترش می‌دادند. کاخ کنوسوس بزرگ‌ترین کاخ بود.



زندگی در تجمل

ملکه در مجموعهٔ کاخ‌های کنوسوس قصری مختص خود داشت. این نقاشی دیواری عظیم زینت دیوار اتاق ملکه است. در این نقاشی دیواری ماهی‌ها و دلفین‌ها را می‌بینیم که در آب شنا می‌کنند. در اغلبِ نقاشی‌های دیواری تمدن مینوسی صحنه‌هایی از زندگی در کاخ و بخش‌هایی از حیات وحش دیده می‌شود. این نقوش منابع مطالعاتی مهمی برای مورخان معاصرند.

رقصی خطرناک

پریدن از روی گاو سرگرمی رایج مردم کرت بود که در آن هم مردان شرکت می‌کردند، هم زنان. جوانان از روی شاخ‌های گاو شیرجه می‌زدند و از روی پشتش می‌پریدند. احتمالاً این ورزش بخشی از مناسک مذهبی بود.





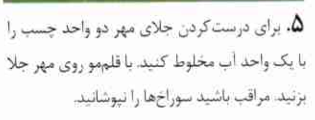
نماد سلطنتی

تبر دو سر مینوسی نماد مهمی در مذهب مینوسی بود. این تبر دو سر طلایی حدود سال ۱۸۰۰ قبل ازمیلاد ساخته شد.

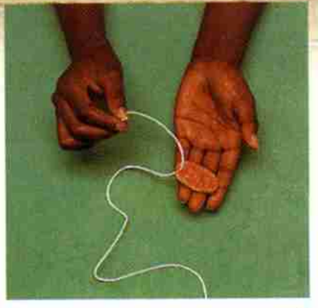


۴. یک سانتی‌متر از لبهٔ خمیر شکل‌گرفته را ببرید. با سوزن دو طرف دایره را روی یک خط مستقیم سوراخ کنید. صبر کنید خمیر خشک شود. مهرتان آماده است.





۵. برای درست‌کردن جلای مهر دو واحد چسب را با یک واحد آب مخلوط کنید. با قلم‌مو روی مهر جلا بزنید. مراقب باشید سوراخ‌ها را نپوشانید.



۶. صبر کنید مهر خشک شود. یک تکّه از بند را ببرید. بند را می‌توانید از یک یا از هر دو سوراخ عبور دهید تا آویز آماده شود. می‌توانید به شکل گردنبند یا مچبند از آن استفاده کنید.



در تمدن مینوسی مهر یا نشان هویت بود یا علامت مالکیت یا طلسم شانس یا اثری هنری.

تمدن موکنایی

نخستین تمدن مهم سرزمین اصلی یونان در شمال شرق پلوپونز، در فاصلهٔ سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۲۰۰ قبل از میلاد شکل گرفت. در این دوره، چندین حکومت کوچک و قلعه‌هایی عظیم ساخته شد. قدرتمندترین حکومت‌ها در این میان، حکومت موکنایی‌ها بود. این مردم تاریخ خود را ثبت نمی‌کردند و به همین علت، بخش عمدهٔ اطلاعات ما دربارهٔ آن‌ها متکی به یافته‌های باستان‌شناختی است. می‌دانیم که موکنایی‌ها تمدن پیشرفته‌ای داشتند چون از زبانی مکتوب برای برقراری ارتباط و نیز فناوری برخوردار بودند.

موکنایی‌ها در استخراج سنگ معدن و ساختمان‌سازی تبحر داشتند. در حفاری‌های باستان‌شناسی دیوارهای بلندی را از خاک بیرون کشیده‌اند که از تخته‌سنگ‌های عظیم مسطح ساخته شده‌اند. موکنایی‌ها دریانوردی آموختند و با مصر، خاور نزدیک و کشورهای خاورمیانه و کشورهای ناحیهٔ دریای بالتیک روابط تجاری گسترده‌ای برقرار کردند. آن‌ها از این کشورهای دوردست طلا، قلع برای ساختن مفرغ و کهربا برای ساخت زیورآلات وارد می‌کردند. از منابع محلی، مانند درختان زیتون، برای کسب درآمد فراوان استفاده می‌شد. از زیتون روغن می‌گرفتند و برای صادرات آن را معطر و بسته‌بندی می‌کردند. در حدود سال ۱۲۰۰ پیش از میلاد، فرهنگ موکنایی گرفتار مشکلات اقتصادی شد و همین قضیه به سقوط این تمدن انجامید. مورخان معتقدند که احتمالاً زمین‌لرزه، جنگ‌های پی‌درپی و آتش‌سوزی باعث رکود اقتصادی شد.



دست‌رنج

این آویز طلایی به شکل انار در مقبره‌ای در جزیرهٔ قبرس (Cyprus) پیدا شده است. سطح خارجی آویز با دانه‌های ریز و ظریف طلا، به شیوه‌ای معروف به دانه‌کاری، تزیین شده است. چنین قطعه جواهری را باید هنرمند متبحری ساخته باشد.



کلاه‌خودی از دندان گراز

موکنایی‌ها علاقهٔ زیادی به سپرها و زره‌های ظریف و باشکوه داشتند. این کلاه‌خود متعلق به سدهٔ ۱۳ قبل از میلاد روکشی از دندان گراز دارد. از دیگر موادی که در ساخت زره کاربرد داشتند می‌توان به کتان، چرم و مفرغ اشاره کرد. چندین نوع سلاح از مقبره‌های سلطنتی در میسن کشف شده است.



نقش ماهی مرکب

موکنایی‌ها بسیاری از ایده‌های هنری خود را از اهالی مینوس گرفته بودند که ساکن جزیرهٔ کرت بودند. طرح‌های مشابه ماهی مرکب که در تصویر مشاهده می‌کنید در سفال‌های مینوسی هم دیده می‌شوند. سفالینه‌های موکنایی به شکل گسترده‌ای صادر می‌شدند و نمونه‌هایی از آن‌ها را می‌توان در شمال ایتالیا و شرق اسپانیا مشاهده کرد. از رایج‌ترین ظروف آن دوران گلدان‌های کوچکی بودند که در آن‌ها روغن زیتون معطر می‌ریختند.

خنجر منبت‌کاری‌شده

این خنجر مفرغی منبت‌کاری‌شــده را در مقبره‌ای متعلق به یکی از اشراف موکنایی که در فاصلهٔ ســال‌های ۱۵۵۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد دفن شده، پیدا کرده‌اند. تعدد و تنوع ســلاح‌های دفن‌شده در مقبرهٔ سران موکنایی حاکی از آن است که این قوم مردمی جنگ‌طلب بودند. در حفاری‌های متعدد باستان‌شناســان نمونه‌های مشــابه این خنجر منبت‌کاری‌شــده پیدا شده اســت، اما این خنجر از همهٔ نمونه‌ها ســالم‌تر مانده اســت. بر تیغهٔ خنجر تصویری از شکار یوزپلنگان در جنگل نقش زده شده است. برای آفرینش این تصویر از فلزهای مختلفی مثل طلا، نقره و مس استفاده شده است.

این خنجر تنها نمونه‌ای است که دستهٔ طلایی‌اش از آن جدا نشده است.

حاکم نقاب‌دار

این نوع نقاب طلایی مرگ مختص تمدن موکنایی است. برای ساخت آن روی قطعه‌ای چوب صورت فرد درگذشــته را می‌تراشــیدند. بعد ورقــهٔ طلا را با چکــش روی آن قطعه چوب می‌کوبیدند تا شــکل صورت در آن نمایان شــود. بعد نقــاب را هنگام تدفین روی صورت مرده می‌گذاشــتند. این نقاب را باستان‌شناســی به نــام هاینریش اشــلیمان (Henrich Schliemann) در دههٔ هفتاد قرن نوزدهم در حفاری‌های تروا کشــف کرد. در گذشته، مردم به غلط می‌پنداشتند که این نقاب متعلق به پادشــاه دلیر یونان، آگاممنــون (Agamemnon) است. در اصل، این نقاب حدود سیصد سال قدیمی‌تر از تصور اولیه است و در حدود سال ۱۵۰۰ قبل از میلاد ساخته شده است. حالا اعتقاد بر این است که این نقاب، نقاب مرگ یکی از نخستین شاهان موکنایی بوده است.

گنج‌های نهفته در مقبره‌ها

هاینریش اشــلیمان در ســال ۱۸۷۶ در موکنا حفاری‌هایی انجام داد که طی آن ۵ مقبرهٔ ســلطنتی از دل خاک بیرون کشیده شد. در این مقبره‌ها ۱۶ تن به خاک سپرده شده بودند و گنجینه‌هایی از ساخته‌های طلایی، نقره‌ای، مفرغی و عاج مدفون شده بود. از محتوای این مقبره‌ها چنیــن برمی‌آید که تمدن موکنایی تمدنی متمول بود. مقبرهٔ رجال یا در دل صخره‌های نرم ســاخته می‌شدند یا بنایی ســنگی برای آن‌ها احداث می‌کردند. مردم عادی در تابوت‌های سنگی یا گودال‌هایی که در زمین حفر می‌شد، دفن می‌شدند.

سیاست و حکومت



دنیای یونان از حدود ۳۰۰ دولت-شهر تشکیل شده بود. بعضی از آن‌ها به اندازهٔ یک روستا بودند و برخی دیگر در حومهٔ شهرهای بزرگی چون اسپارت و آتن شکل گرفتند. این دولت-شهرها را پولیس (*polis*) می‌نامیدند که واژه پولتیک (politic) از آن مشتق شده است. هر پولیس قوانین حکومتی خاص خود را داشت. در سدهٔ چهارم قبل از میلاد، ارسطو (Aristotle)، فیلسوف یونانی، در کتاب خود از سه نوع حکومت یاد کرد. در اولین نوع، حکومت در دست یک نفر است که ممکن است پادشاه باشد (و سلطنتش موروثی است) یا حاکمی غاصب (که حکومت را به زور به دست آورده است). دومین نوع حکومت از نظر ارسطو، حکومت عده‌ای بر تمام مردم است که یا اریستوکراسی (حکومت اشراف) است یا آلیگارشی (حکومت ثروتمندان و قدرتمندان). نوع سوم، حکومت دموکراتیک است که در آن قدرت در دست مردم است و هر شهروند مذکری حق رأی دادن، خدمت در اداره‌ها یا قاضی شدن دارد. دموکراسی فقط در آتن اجرا می‌شد. حتی در آن‌جا هم زنان، غلامان و خارجیان شهروند کامل به‌حساب نمی‌آمدند.

پشت صحنه

در یونان باستان زنان حق نداشتند در سیاست نقشی فعال داشته باشند. اما برخی در پشت صحنه ایفاگر نقش‌هایی حیاتی بودند. یکی از این زنان آسپاسیا (Aspasia) بود. او که حرفه‌اش سرگرم‌کردن درباریان بود، به دربار پریکلس (یکی از پرنفوذترین دولتمردان آتن در سدهٔ پنجم قبل از میلاد) راه یافت و معشوقهٔ او شد. پریکلس در مورد مسائل حکومتی با او مشورت می‌کرد و در تصمیم‌گیری‌های خود در مورد مردم و موقعیت‌های مختلف به خرد و بینش او تکیه می‌کرد.



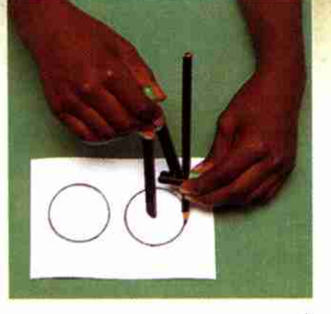
نقش سنگ

قوانین شهر افسوس (Ephesus) به زبان‌های یونانی و رومی روی لوح‌های سنگی کنده شده بودند. یونانیان معتقد بودند که اگر قرار است همه شهروندان قوانین را رعایت کنند، باید آن را به‌وضوح روی سنگ نقش زد تا همه مردم بتوانند آن را ببینند.

ژتون رأی

مواد مورد نیاز: پرگار، مقوای نازک، مداد، خط‌کش، قیچی، وردنه، تخته، سفال، ابزار برش، چوب بالزا به طول ۵ سانتی‌متر، یک عدد نی نوشیدنی به طول ۵ سانتی‌متر، رنگ برنزی، قلم‌مو، ظرف آب.





۱. دو الگو درست کنید. با پرگار روی مقوایی نازک دو دایره به قطر ۴ سانتی‌متر بکشید. دایره‌ها را ببرید.



۲. با وردنه گل سفالگری را روی تخته به قطر ۳ سانتی‌متر پهن کنید. با کاردک قالب دایره‌ها را روی خمیر درآورید. در حین کار، مقوا را روی خمیر محکم فشار دهید.



۳. مرکز هر دو دایرهٔ سفالی را سوراخ کنید. یکی را با چوب بالزا، دیگری را با نی نوشیدنی. ژتونی که سوراخ مرکزش از چوب بالزاست نشانهٔ بی‌گناه و ژتونی که سوراخ مرکزش از نی است نشانهٔ گناهکار است.



قدرت مردم



سولون (Solon) قانونگذار، دولتمرد و شاعری آتنی بود که در سال ۶۴۰ قبل از میلاد به دنیا آمد و در ۵۵۹ قبل از میلاد درگذشت. او در حدود سال ۵۹۴ قبل از میلاد، وقتی که صاحب‌منصب قضایی بود، قوانین جدیدی برای آتن وضع کرد که بر اساس آن افراد بیش‌تری در سیاست حق دخالت یافتند. اعمال و درایت او مانع از بروز جنگ بین اشراف قدرتمند و مردمی شد که تحت فشار حکومت آنان عاصی شده بودند.

چهره‌به‌چهره

ویرانه‌های تالار شورا را در شهر پرین (Priene) در ترکیه کنونی می‌بینیم. به شکل پله‌هایی که محل نشستن اعضای شورا بود توجه کنید. میدان سه‌وجهی پلکانی به‌گونه‌ای طراحی شده بود که همهٔ حضار به‌راحتی می‌توانستند همدیگر را ببینند و صدای هم را بشنوند. حتی در حکومت‌های دموکراتیک یونان باستان هم اغلب تصمیم‌گیری‌ها در مورد مسائل روزمره به‌عهدهٔ کمیته‌ها و شوراها بود و رأی‌گیری در این مورد نقشی نداشت.

رأی‌تان را این‌جا بریزید

این گلدان سفالی وسیلهٔ جمع کردن آرا بود. در آتن وقتی باید در دادگاهی رأیی صادر می‌شد یا هنگامی که نظر رأی‌دهندگان باید مخفی می‌ماند، از این گلدان استفاده می‌کردند. هر رأی دهنده‌ای با انداختن نشانه‌ای مفرغی در گلدان رأی خود را اعلام می‌کرد. معمولاً برای رأی‌گیری دست‌ها را بالا می‌بردند که شمارش دقیق آن کار سختی بود.



۴. با ابزار برش اسمی را روی نشانهٔ بی‌گناه حک کنید. چوب بالزا را به آرامی درون سوراخ قرار دهید و صبر کنید تا خشک شود.

۵. اسم دیگری را با ابزار برش روی نشانهٔ گناهکار حک کنید. به آرامی نی نوشیدنی را درون سوراخ قرار دهید و صبر کنید تا خشک شود.



۶. بعد از خشک شدن، ژتون‌ها را رنگ کنید. نشانه‌های اصلی از مفرغ ساخته می‌شدند، پس برای شبیه‌سازی از رنگ برنزی استفاده کنید.



به اعضای هیئت منصفه دو ژتون برای رأی‌دادن در مورد گناهکار بودن یا بی گناهی متهم داده می‌شد. با نشانه‌ای که سوراخ وسطش تنگ بود به گناهکاربودن متهم رأی می‌دادند و با نشانه‌ای که سوراخش فراخ‌تر بود، به بی گناهی او.

برابری و نابرابری

بر جامعهٔ یونان ساختار اجتماعی دقیقی حاکم بود که حکومت آن را اِعمال می‌کرد. در اکثر شهرها گروهی اقلیت (آلیگارشی) حکم می‌راندند. دو شهر قدرتمند اسپارت و آتن از این موضوع مستثنا بودند. در اسپارت یک حاکم حکم می‌راند و حکومت آتن هم نخستین حکومت دموکراتیک تاریخ بود. همهٔ شهروندان آتن حق رأی و حق کار داشتند، اما فقط مردان بالغی که در خود آتن به دنیا آمده بودند شهروند آتنی محسوب می‌شدند. حتی این به‌اصطلاح دموکراسی آتن هم تحت نفوذ اقلیتی بود که در آن‌جا زندگی می‌کردند. رفتار با زنان، غلامان، خارجیان و بچه‌ها درست مثل شهرهای دیگر بود.

زنان از حقوق قانونی بی‌بهره بودند و به ندرت در زندگی اجتماعی دیده می‌شدند. خارجیان باید مالیات بیش‌تری می‌دادند و مجبور بودند در ارتش خدمت کنند. آن‌ها حق خریدن زمین یا ازدواج با اهالی آتن را نداشتند. آتنی‌ها از تعداد روزافزون خارجیان ساکن در شهرشان به ستوه آمده بودند، اما نمی‌شد مهارت آنان را که به ثروت شهر می‌افزود، نادیده گرفت. برده‌ها نیمی از جمعیت آتن را تشکیل می‌دادند. بعضی از آن‌ها بردهٔ مادرزاد بودند و برخی دیگر در جنگ‌ها یا به دست دزدان دریایی به اسارت درآمده بودند. عده‌ای از بردگان نیز شهروندان خود یونان بودند که به علت بدهی باید تا زمان پرداخت قرض‌شان به فرد بستانکار خدمت می‌کردند.

سلحشوران و ثروت

تنها ثروتمندان جامعه توان آن را داشتند که برای جنگ، خود را به سلاح کامل پیاده‌نظام مجهز کنند. در سده‌های نخستین، فقرا تدارکاتچی بودند و فلاخن‌انداز یا حمل‌کنندهٔ مهمات می‌شدند. آن‌ها استطاعت خریدن سلاح‌های گران‌قیمت مفرغی را نداشتند. اما با ثروتمندترشدن شهرها غلامان و برده‌ها به هزینه بیت‌المال اسلحه ساختند و عدهٔ بیش‌تری از شهروندان مذکر صاحب اسلحه شدند.





محبوبان

نقش دختر بچه‌ای و سگش روی این سنگ قبر متعلق به سدهٔ چهارم قبل از میلاد حک شده است. هزینهٔ سفارش و ساخت چنین سنگ‌قبری بسیار بالا بود، پس قطعاً دخترک بسیار محبوب بود. اما همهٔ بچه‌ها این‌قدر محبوب نبودند. دختر بچه‌ها و بچه‌های مریض را معمولاً رها می‌کردند تا بمیرند. برخی سوء تغذیه داشتند و به انواع بیماری‌ها دچار بودند. در قوانین یونان باستان تصریح شده بود که فرزندان باید مراقب پدر و مادر سالمند خود باشند. به همین علت، زوج‌هایی که صاحب فرزند نمی‌شدند همیشه آمادهٔ پذیرش فرزندخوانده بودند و بچه‌های سرراهی را نجات می‌دادند.

جای زنان

زنان یونانی زندگی خود را در خانه می‌گذراندند. نقش این گلدان متعلق به سال ۴۵۰ قبل از میلاد، تصویر زنی است که پیش از خروج از خانه بند صندلش را می‌بندد. از آن‌جا که او خدمه دارد معلوم می‌شود که زنی ثروتمند است. زنان فقیر برای آوردن آب، کارکردن در مزارع یا خرید از بازار از خانه خارج می‌شدند. زنان معمولاً به قصد میهمانی‌رفتن به خانهٔ اقوام یا رفتن به زیارتگاه و معبد همراه با کنیزی از خانه خارج می‌شدند.

صنعتگر

این آهنگر شاید برده‌ای بوده که در کارگاه مالکی ثروتمند کار می‌کرد. صنعتگران اغلب از سه دسته بودند: بردگان، برده‌های آزاد شده یا خارجیان. شهروندان عادی به صنعتگران به دیده تحقیر می‌نگریستند. اگر کسی برده‌ای باهوش داشت، ممکن بود او را در کارهایش آزاد بگذارد و در عوض، بخشی از درآمد او را می‌گرفت. شاید هم این آهنگر مردی آزاد بود که در کارگاه خودش کار می‌کرد و برای خودش یکی دو برده داشت که دستیارش بودند.

راهی به سوی قدرت

داشتن سواد خواندن و نوشتن در یونان باستان عاملی نبود که خودبه‌خود به کسب موفقیت منجر شود. الفبای یونانی را می‌شد به راحتی آموخت. حتی برده‌ها هم می‌توانستند کاتبان عالی‌رتبه‌ای شوند. با این حال، افراد بی‌سواد نمی‌توانستند به مقام‌های بالا برسند، البته شاید به‌جز در ناحیهٔ اسپارت که نوشتن چندان در آن رایج نبود، چون اسناد مکتوب انگشت‌شماری در آن نگهداری می‌شد. زنان حق تحصیل رسمی نداشتند، اما آن‌قدر سواد داشتند که بتوانند حساب و کتاب خانه را نگه دارند.

بردهٔ زبان

این بطری رومی به شکل سر یک دختر بردهٔ افریقایی ساخته شده است. یونانیان نیز برده‌دار بودند. ارسطو، فیلسوف یونانی، معتقد بود که برخی از مردم ذاتاً برده‌اند. بسیاری از هم‌وطنانش با وی هم‌عقیده بودند. به زعم او، این قضیه بیش‌تر در مورد کسانی صدق می‌کرد که یونانی صحبت نمی‌کردند. برده‌ها با رفتارهای متفاوتی روبه‌رو بودند ــ با برخی بسیار با مهربانی رفتار می‌شد و با برخی دیگر ظالمانه. از برخی آن‌قدر کار می‌کشیدند تا بمیرند و برعکس، برخی دیگر شغل‌های خوبی پیدا می‌کردند و مثلاً نگهبان دژهای سلطنتی یا منشی می‌شدند. چند صدتن نیز در خدمت شهر آتن بودند و در کسوت مأمور انتظامی، بازرس ضراب‌خانه و منشی دادگاه انجام وظیفه می‌کردند.



عصر طلایی آتن

آتن اصلی‌ترین شهر ناحیهٔ حاصلخیز آتیک (Attica) در جنوب یونان بود. آتن ثروت خود را از راه تجارت، صنعت و استخراج نقره به دست آورده بود. اوج شکوفایی قدرت و ثروت آتن سدهٔ پنجم قبل از میلاد بود. در آن دوران، در آتن امپراتوری وسیعی شکل گرفت که ناحیهٔ پهناوری را در سرزمین اصلی یونان و جزایر اطراف آن شامل می‌شد. آتن در دوران درخشان شکوفایی هنر و فرهنگ، دویست و پنجاه هزار نفر سکنه داشت. در این دوران، اهالی آتن بر ارتش مهاجم ایران پیروز شـــدند و به افتخار این پیروزی، چندین معبد باشـــکوه در آکروپولیس (Acropolis) آتن ســـاختند. آکروپولیس تپه‌ای مقدس و مشـــرف به شـــهر بود. مهم‌ترین معبد این مکان، معبد پارتنون است که به خدای‌بانوی شهر، آتنا، تقدیم شده بود. قلب شهر، محل بازار و دادوستد بود که به آن آگورا (agora) می‌گفتند. آگورا، که دورتا دورش را معبد و ســـاختمان‌های دولتی و درونش را دکان‌ها فرا گرفته بودند، قلب تجاری آتن بود.

در فاصلهٔ سال‌های ۴۳۱ تا ۴۰۴ قبل از میلاد، آتنی‌ها درگیر جنگی عظیم با ایرانیان و اهالی اســـپارت شـــدند. نتیجهٔ این جنگ شکست آتن و از دســـت‌رفتن بخش عمدهٔ امپراتوری آبی این سرزمین بود و پس از آن، رهبری تجاری و فرهنگی ناحیه به دست اسپارت‌ها افتاد.



خدای‌بانوی جنگ

نقـــش این ســـکهٔ یونانی متعلق به ســـدهٔ چهارم قبل از میـــلاد چهرهٔ آتنا با کلاه‌خودی بر ســـر اســـت. کلاه‌خود با برگ درخت غار تزیین شده است که نشانهٔ پیروزی است. آتنا را نماد نظم در جنگ می‌دانند و عده‌ای معتقدند که وی مخترع کشتی و درشکه است. او که خدای‌بانوی جنگ بود، آتنا نایکی (Athena Nike) لقب گرفت، که در زبان یونانی به معنای « پیروزی » است. حریف وی، آرس (Ares)، نماد لجام گسیختگی و تلفات جنگ بود.

شکوه فزاینده

ایـــن معبـــد کـــه متعلـــق بـــه هفائســـتوس (Hephaestus) است، نمونهٔ اعلای معماری باشکوهی است که آتنی‌ها به خاطر آن شهرتی فراگیر داشـــتند. این معبد در فاصلهٔ سال‌های ۴۴۹ تـــا ۴۴۴ قبـــل از میـــلاد در منتها علیه شـــرقی آگورا ساخته شـــد. هفائستوس خدای آتش و ســـازندهٔ ســـلاح بـــرای خدایـــان دیگر بـــود. مجســـمه‌ای مفرغـــی از وی داخل معبد نصب شـــده اســـت کـــه او را بـــا کلاه آهنگری بر ســـر و چکشی در دست پشـــت سندانی در حال ســـاخت زره نشـــان می‌دهد. حفاری‌های باستان‌شناســـی نشان داده است که سازندگان مجســـمه‌های مفرغی در یک ســـوی معبد کار می‌کردند و سازندگان مجسمه‌های مرمری در سویی دیگر.

جشن‌های آتنی

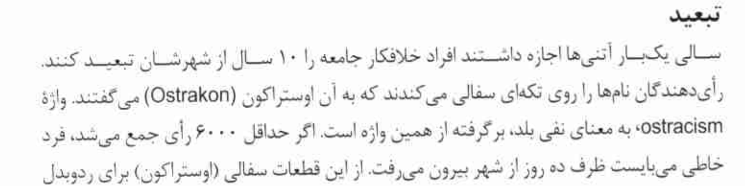
هر سال مردم آتن طی مراسم باشکوهی پیاده یا سواره به سمت معبد آتنا در آکروپولیس راه می‌افتادند. حتی خارجیان نیز در این مراسم شرکت می‌کردند. در این کتیبه که در پارتنون یافت شده است، مردان جوانی را می‌بینیم که در حال آماده شدن برای شرکت در مراسم‌اند. در معبد، گاو نر و حیوانات دیگر قربانی می‌شدند و گوشت قربانی بین مردم پخش می‌شد. هر چهار سال یک‌بار، که جامهٔ جدیدی به آتنا تقدیم می‌شـــد، مراســـم دیگری هم به این مراسم سالانه اضافه می‌کردند. این جشـــن‌ها با مسابقات ورزشـــی و موسیقی همراه بود و جایزهٔ برنده یا پول بود یا روغن زیتون.



تولد یک خدای‌بانو

طبق افسانه‌های یونان، زئوس پس از آن‌که غیب‌گویی به وی گفت که معشوقه‌اش فرزندی خواهد زایید که او را سرنگون خواهد ساخت، معشوقهٔ باردار خود را بلعید. اندکی بعد، زئوس سردردهای شدیدی گرفت. هفائستوس پیشنهاد کرد که با تبری سر زئوس را بشکافد تا دردش کم‌تر شود. وقتی چنین کرد، آتنا از درون سر زئوس بیرون پرید، بالغ و ســـراپا مســـلح و زره به‌تن (درســـت همان‌طور که در وسط این تصویر دیده می‌شود).

تبعید



ســـالی یک‌بـــار آتنی‌ها اجازه داشـــتند افراد خلافکار جامعه را ۱۰ ســـال از شهرشـــان تبعیـــد کنند. رأی‌دهندگان نام‌ها را روی تکه‌ای سفالی می‌کندند که به آن اوستراکون (Ostrakon) می‌گفتند. واژهٔ ostracism، به معنای نفی بلد، برگرفته از همین واژه است. اگر حداقل ۶۰۰۰ رأی جمع می‌شد، فرد خاطی می‌بایست ظرف ده روز از شهر بیرون می‌رفت. از این قطعات سفالی (اوستراکون) برای ردوبدل کردن پیغام و نوشتن فهرست خرید هم استفاده می‌شد.

خدای‌بانوی خرد



جغد، نماد خرد، نشان آتنا بود. این سکهٔ نقره در سال ۴۷۹ قبل از میلاد، درست پس از پیروزی مکرآمیز یونانیان بر سپاه ایران، در آتن ضرب شـــده اســـت. سکه‌های آتنی در سراسر یونان، ایتالیا و ترکیه اعتبار داشت و این نشانهٔ میزان نفوذ دولت - شهر آتن بر فرهنگ و جامعهٔ آن روزگار است. ســـکه‌های شهرهای دیگر را همه جا نمی‌پذیرفتند.



نظم اسپارتی

اسپارت، در اوج شکوفایی و قدرتش، تنها دولت-شهر رقیب آتن محسوب می‌شد. اسپارتی‌ها بخش عمدهٔ جنوب یونان را که پلوپونز نام داشت تحت سیطره داشتند. اسپارت دولت-شهری جزیره‌مانند و نظامی بود. نظامی‌گری ج یافت که این شهر کنترل بردگان خود را از دست داد و این وضعیت ۱۷ سال به طول انجامید. بردگان اسپارت نوادگان مردم مسنیا (Messenia) بودند که قرن هشتم قبل از میلاد مقهور اسپارتیان شده بودند. بعدها، عدهٔ این بردگان آن‌قدر زیاد شد که در ازای هر اسپارتی، هفت برده وجود داشت. سرانجام اسپارتی‌ها بر شورشیان فائق آمدند، اما همیشه در ترس و هراس بروز شورشی دیگر بودند. در نتیجه، تمام شهروندان مذکر بالغ موظف شدند به صورت تمام وقت به خدمت ارتش در بیایند. افزون بر این، محدودیت‌های شدیدی هم بر بردگان اعمال شد، به‌گونه‌ای که برده حق نداشت بر اسب سوار شود یا نیمه‌شب بیرون برود. به‌این‌ترتیب، شهروندان اسپارت تمام وقت درحال گذراندن دوره‌های نظامی بودند و در عوض، بردگان موظف بودند کارهای سنگین را انجام دهند و در خانه‌ها بیگاری کنند.

اسپارتی‌ها زندگی را بر خود سخت می‌گرفتند. پسران و دختران اسپارتی را از پدر و مادرشان جدا می‌کردند و در محل‌هایی خاص پرورش می‌دادند. پسرها از هفت سالگی تعلیم نظامی می‌دیدند. آن‌ها اغلب پوشش مناسبی در مقابل سرما نداشتند، پابرهنه و گرسنه بودند و معمولاً شلاق می‌خوردند تا مقاوم بار بیایند. در بیست سالگی، به‌گروهی ۱۵ نفره ملحق می‌شدند که با هم رفیق بودند. در اسپارت رفاقت مهم‌تر از خویشاوندی بود. دختران هم از نظر فیزیکی ورزیده می‌شدند تا بتوانند فرزندان سالم‌تری به دنیا آورند. قدرت اسپارت پس از شکست از ارتش تبس در سال ۳۷۱ قبل از میلاد رو به افول گذاشت.

پادشاه قهرمان

این مجسمهٔ نیم‌تنه متعلق به سدهٔ پنجم قبل از میلاد احتمالاً مجسمهٔ شاه لئونیداس (Leonidas) است. در اسپارت دو خانوادهٔ سلطنتی می‌زیستند. هم‌زمان، از هر خانواده یک نفر برای ادارهٔ اسپارت انتخاب می‌شد. قدرت این دو شاه محدود بود. وظیفه اصلی آن‌ها هدایت اسپارتی‌ها در صحنهٔ نبرد بود.

شراب برای سلحشوران

این ظرف شراب مفرغی عظیم، ۱۶۵ سانتی‌متر ارتفاع، ۲۰۸ کیلو وزن و ۱۲۰۰ لیتر گنجایش دارد. این ظرف در سال ۵۳۰ قبل از میلاد به دست صنعتگری اسپارتی ساخته شد. در گردن ظرف تصویر سربازان و ارابه‌هایی جنگی که رهسپار میدان نبردند نقش زده شده است. دسته‌های ظرف به شکل سر هیولای مؤنثی به نام گورگون (gorgon) است. برخی بر این باورند که این جام هدیهٔ دولت اسپارت به دولت لیدیا (Lydia) بود که می‌خواست با اسپارتی‌ها متحد شود. اسپارتی‌ها در خلق آثار ظریف مفرغی پرآوازه بودند.



مرگ و شکوه

این بنای یادبود مدرن به یاد شاه لئونیداس و ۳۰۰ اسپارتی دیگر ــ که قهرمانانه خود را قربانی شهر کردند ــ ساخته شده است. آن‌ها در سال ۴۸۰ قبل از میلاد در دفاع از گذرگاه ترموپیل (Thermopylae) در مقابل سپاه ۲۵۰،۰۰۰ نفرهٔ ایران کشته شدند. این گذرگاه تنها ۱۳ متر عرض داشت و شاه و سربازانش دو روز در انتظار رسیدن مهمات و نیروی کمکی، در این ناحیه از خاک خود دفاع کردند. در روز سوم، فردی خائن مسیر دیگری را از دل کوه به ایرانیان نشان داد. لئونیداس دستور عقب‌نشینی داد و همراه با افرادش تا پای جان جنگید.

نیروی دریایی

در این کنده‌کاری روی عاج نقش یک کشتی جنگی اسپارتی حک شده است. از نوک تیز جلوی کشتی برای غرق کردن کشتی‌های دشمن استفاده می‌شد. اسپارت بیش از هر چیز به خاطر نیروی زمینی‌اش شهرت داشت و نیروی دریای‌اش به پای نیروی دریایی آتن نمی‌رسید. اداره و تجهیز ناوگان دریایی بسیار پرهزینه بود، چون در دوران صلح ناوگان‌های مجهز و پیچیده استفاده‌ای نداشتند. آتنی‌ها خرج ناوگان دریایی خود را از معادن نقره‌شان تأمین می‌کردند، اما اسپارتی‌ها چنین ثروتی نداشتند. آن‌ها گاهی برای سرپا نگه‌داشتن ناوگان دریایی خود مجبور بودند از شهرهای دیگر پول قرض کنند.

بنیهٔ ارتش

سربازان اسپارتی به سبب موی بلند و جامهٔ سرخ‌رنگ‌شان در میدان جنگ کاملاً مشخص بودند. این مجسمهٔ کوچک سلحشور اسپارتی احتمالاً در سدهٔ ششم قبل از میلاد ساخته شده است. کلاه‌خود تاجدارش محافظی برای بینی و گونه دارد. او ساق‌پوش و زره بالاتنه نیز به تن دارد.



مجری قانون

این موزاییک‌کاری رومی نقش لیکورگوس (Lycurgus) است که تبری را بالا برده است. اطلاع چندانی از زندگی وی در دست نیست، چون اسپارتی‌ها چندان اهل ثبت اطلاعات نبودند. اغلب محققان معتقدند که وی حدود سال ۶۵۰ قبل از میلاد می‌زیست. بزرگ‌ترین دستاورد وی سامان‌دهی مجدد ارتش اسپارت بعد از شکست از دولت‌ـ‌شهر آرگوس (Argos) بود.

سقف خانه با سفال پوشانده می شد.

در خانه

خانه‌های یونانیان از آجرهای خشتی ساخته می‌شد و سقف خانه آجرهای سفالی داشت. پنجرهٔ خانه معمولاً بلند و کوچک بود و حفاظ چوبی داشت. کف خانه هم با خاک فشــرده، گچ یا موزاییک پوشانده می‌شد. خانه اغلب ساختاری بسیار ساده داشت و صاحب‌خانه به‌تدریج در حد توان خود به آن اتاق‌هایی می‌افزود. به این دلیل، خانه‌ها شــکل منظم و مرتبی نداشتند و خیابان‌ها هم به‌ندرت صاف و مستقیم بودند. خانه‌های روستا اغلب دیواری ســنگی داشتند که حفاظ ســاکنان خانه و حیوانات اهلی‌شان بود. مردان و زنــان جدا از هم در اتاق‌هایی مجــزا زندگی می‌کردند. اتاق زنان معمولاً در قسمت پشــتی خانه بود. ثروتمندان در خانهٔ خود احتمالاً آشپزخانه و حمام هم داشــتند. مبلمان خانه‌ها بســیار کم و ساده بود و احتمالاً شامل نیمکت‌هایــی بود که هم نقش تخت‌خــواب را بازی می‌کردنــد، هم میز بودند و هــم صندلی. تنها شــهروندان ثروتمند می‌توانســتند اثاثیه مجلل و نیمکت‌هایی با روکشی از طلا یا عاج داشته باشند.



گرما در خانه

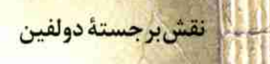
در نواحی کوهستانی یونان زمستان بسیار سرد است. این آتشدان مفرغی را که در حدود ســدهٔ چهارم قبل از میلاد ســاخته شده اســت، احتمالاً پر از زغال ســنگ می‌کردند تا اتاق سردی را گرم کنند.

کف‌پوش (سنگ‌ریزه‌های خوش‌رنگ و درخشان درست می‌شد.

اندرون فضایی بود که مردان در آن اســتراحت می کردند و اوقات فراغت‌شان را می گذراندند.

خدای‌بانوی اجاق

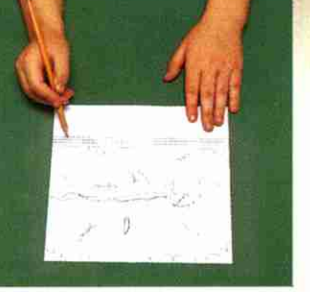
هســتیا (Hestia) خدای‌بانوی اجاق و خانه بود. آتشی به افتخار او در سراسر سال روشن نگه داشته می‌شد. با این آتش غذا می‌پختند، خانــه را گرم می‌کردند و برای سوخت آتشدان‌ها با آن زغال تهیه می‌کردند. رسم بر این بود که یونانیانی که به آن‌ســوی آب‌ها مهاجــرت و در اجتماعاتی در ســرزمین‌های دوردست زندگی می‌کردند، آتش خانهٔ قبلی را با خود ببرند و از آن در محل جدید آتشی بر پا دارند.



نقش برجستهٔ دولفین

مواد مورد نیاز: مداد، یک برگ کاغذ سفید ۲۱× ۱۹ ســانتی‌متر، وردنه، گل ســفالگری سفید، خط‌کش، تخته، ابزار برش، سنجاق، سمباده، قلم‌موی نقاشی، رنگ آکریلیک و آب.

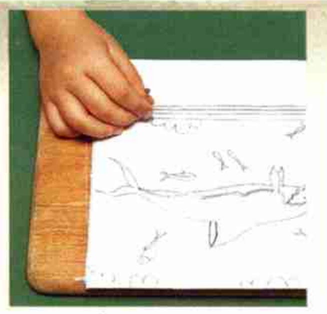




۱. روی کاغذ ســفید یک دولفین بکشــید. اطرافش چند ماهی کوچک و گیاه دریایی بکشید. می‌توانید از تصویر نهایی کمک بگیرید.



۲. گل ســفالگری را روی تختــه پهــن کنیــد، به طوری که طولش ۲۱ و عرضش ۱۹ سانتی‌متر باشد. ضخامت گل ســفالگری باید حدود ۰/۵ ســانتی‌متر باشد. لبه‌های نامرتب کار را ببرید.



۳. وقتی گل ســفالگری هنوز کاملاً خشــک نشده، تصویر دولفین را روی آن بگذارید. تمام خطوط طرح را با سوزن به صفحه گل سفالگری منتقل کنید.

کار گرم

معمولاً غذا را روی اجاق روباز می‌پختند. آشپزی یا در حیاط منزل انجام می‌شد و دود حاصل از برافروختن آتش در هوا پخش می‌شد یا در آشپزخانه دودکشی بالای اجاق تعبیه می‌شد که دود را به خارج می‌فرستاد.

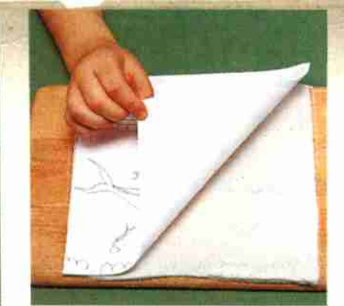
پنجره‌ها درِ چوبی داشتند.

خانهٔ روباز

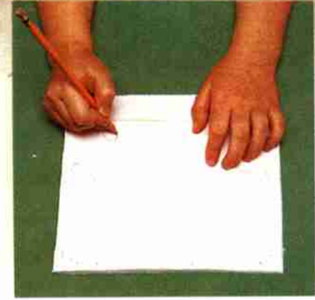
در معماری یونان باستان در قلب هر خانه‌ای حیاط قرار داشت. اغلب کارهای خانه در حیاط انجام می‌شد. اکثر خانه‌ها محرابی در حیاط خود داشتند که در آن‌جا قربانیان خود را به پیشگاه خدایان تقدیم می‌کردند.

دیوارهای گلی مقاوم نبودند و دزدان صبور به راحتی می‌توانستند در آن‌ها سوراخ ایجاد کنند.

نقاشی دیواری را روی گچ نم‌دار می‌ کشند. طرحی که در این تصویر می‌بینید، نقشی است که روی دیوارهٔ کاخ مینوسی در کنوسوس پیدا شده است.



۴. کاغذ را از روی صفحه بردارید و صبر کنید خشک شود. پس از آن‌که کاملاً خشک شد، سطح آن را به آرامی سمبادهٔ نرم بکشید.



۵. با مداد نقطه‌ها را به هم بچسبانید تا شکل کلی به‌دست آید. این شکل کپی طرح اولیهٔ شماست.



۶. قسمت پایین نقاشی را آبی کم‌رنگ بزنید. پس از خشک شدن این قسمت، بقیه تصویر را رنگ‌آمیزی کنید. از رنگ‌هایی استفاده کنید که تداعی‌گر دریا باشند.



۷. سرانجام، دو نوار، مثل تصویر فوق، پایین صفحه بکشید. به این‌ترتیب، جای نصب تصویر مشخص می‌شود. صبر کنید کار خشک شود.



برداشت زیتون

نقش این گلدان تصویر مردانی است که درخت زیتون را تــکان می‌دهند و به شــاخ و برگ آن ضربه می‌زنند تا زیتون‌های رســیده‌اش به زمیــن بریزند. زیتون هم مصرف خوراکی داشــت و هــم آن را می‌کوبیدند و از آن روغــن می‌گرفتند. این روغن هم برای آشــپزی و هم در پزشکی کاربرد داشــت و علاوه بر این، ماده‌ای پاک‌کننده و نیز سوخت چراغ‌های‌شان بود.

زندگی روستایی

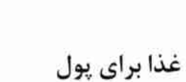
اغلب جمعیت یونان روستانشــین بودند و در مزرعه کار می‌کردند. موقعیت کوهســتانی یونان و خاک ســنگلاخ و نامناســب و نیز آب‌وهوای گرم‌وخشــک این ناحیه به محدودیت‌هایی در پرورش حیوانات و کاشــت محصول منجر شــده بود. در این شرایط، درخت زیتون و زنبور بسیار خوب پرورش می‌یافت. از زیتون روغن می‌گرفتند و از زنبور، عسل (که عمده‌ترین چاشنی غذا بود) و موم. کاشت و پرورش غلاتی مثل جو در یونان چندان آســان نبود و اگر در زمینی غله می‌کاشــتند باید یک‌سال آن را رها می‌کردند تا دوباره حاصلخیز شــود. روســتاییان گاو نر پرورش می‌دادند و با آن زمین‌های‌شــان را شخم می‌زدند و بارهای ســنگین را جابه‌جا می‌کردند و برای بردن کالاهای‌شــان به بازار از الاغ اســتفاده می‌کردند. در نواحی روســتایی موادی تولید می‌شد که دست‌مایهٔ کار صنعتگران شهری بود، موادی چون الوار، گیاه بزرک یا کتان، شاخ و استخوان برای درست‌کردن چسب و چرم.

زندگی روستایی بسیار پرمخاطره بود چون خطرات طبیعی، مثل خشکسالی، ســیل و حملهٔ گرگ‌ها و جنگ مدام زندگی روستانشینان را تهدید می‌کرد. در طول قرن‌ها، خطر دیگری نیز به وجود آمد. به سبب از بین رفتن جنگل‌ها برای تهیهٔ ســوخت و الوار، فرسایش خاک افزایش یافــت و آن مقدار محدود زمین حاصلخیز یونــان را هم از بین برد. مهاجــرت یونانیان برای یافتن زمین‌های کشــاورزی حاصلخیز، باعث افزایش اجتماعاتی یونانی در حاشــیهٔ مدیترانه و دریای سیاه شد.



رفتن به ماهیگیری

بســیاری از یونانیــان نزدیک آب زندگــی می‌کردند. از رودخانــه و دریاچه ماهی و صــدف را فراهم می‌کردند کــه منبع اصلی تأمین پروتئین یونانیــان بود. ماهی را دودی و نمک‌ســود می‌کردنــد تا بعدهــا آن را مصرف کنند. ماهیگیران همواره وقتی گرفتار توفان می‌شــدند یا کشتی‌شان می‌شکســت به خدای دریاها، پوزئیدون (Poseidon)، پناه می‌بردند تا نجات‌شان دهد.



غذا برای پول

گوشــت از طریق شــکار و پرورش حیوانات خانگی تهیه می‌شد. شکار بــرای ثروتمنــدان جنبهٔ ورزشــی داشــت، اما برای فقرا امری بســیار جدی بود، چون با شکار می‌توانستند غذای بیش‌تری سرمیز داشته باشند و شــکارچیان از تور و دام و تله‌های ســاده بــرای گرفتن مارمولــک و خرگوش و به دام انداختن پرندگان کوچک استفاده می‌کردند.



شخم‌زدن به کمک گاو نر

این مجسمهٔ سفالی که در تبس پیدا شده است، نقش کشاورزی است که با دو گاو نر زمینش را شخم می‌زند. خیش چوبی بود، اما تیغه‌ای که زمین را شکاف می‌داد از آهن ساخته می‌شد. گاو قوی‌تر و ارزان‌تر از اسب بود و به همین علت، برای کار سنگین استفاده از گاو به صرفه‌تر بود. وقتی گاو می‌مرد از پوست، شاخ، گوشت، رگ و پی‌اش ــ برای درست‌کردن ریسمان ــ و چربی‌اش ــ برای درست‌کردن موم شمع ــ استفاده می‌کردند.

خوراکی‌ها

در کشور گرمسیری چون یونان خشک‌کردن غذا راه مناسبی برای نگه‌داری آن بود. دسر یونانیان کشمش و برگه‌های زردآلو بود و برای شیرین کردن غذا هم از این مواد استفاده می‌کردند. زیتون نیز خوراکی و چاشنی رایج یونان بود.

خدای‌بانوی کشت و زرع

دیمیتر (Demeter) خدای‌بانوی گندم و رشد بود. او مراقب گیاهان، کودکان و جوانان بود. نخستین بخش نام او (*deme*) واژه‌ای باستانی به معنای زمین است و بخش دوم (*meter*) به معنای مادر است. کشاورزان معتقد بودند که موفقیت‌شان به نیروهایی مهارناپذیر مثل باران، خورشید و بیماری‌هایی که گیاهان و حیوانات‌شان را تهدید می‌کرد بستگی دارد. کشاورزان با دعاهای خاص و قربانی‌هایی که به درگاه دیمیتر تقدیم می‌کردند از او می‌خواستند از بروز بدبختی جلوگیری کند. به افتخار این خدای‌بانو جشن‌هایی در زمان‌هایی خاص ــ مثل وقت درو، قبل از شخم‌زدن، هم‌زمان با جوانه‌زدن محصول و بعد از برداشت محصول ــ برپا می‌شد.

غذا و نوشیدنی

غذاهای یونان باستان شامل نان خانگی، ماهی تازه‌ای که از دریا صید می‌شد و سبزیجاتی مثل پیاز، تره فرنگی، باقلا، عدس و ترب بود. گوشت و تخم‌مرغ از کبوتر و مرغ‌های خانگی تأمین می‌شد و شیر و پنیر نیز ازگاو، بز یا گوسفند به دست می‌آمد. گاهی خوک یا بزی را می‌کشتند تا گوشت مصرفی خانواده به‌دست آید، یا به شکارگراز، گوزن، خرگوش و حتی توکا می‌رفتند. یونانیان گوشت را با روغن زیتون می‌پختند و با سیر و گیاهان خودرو به غذا مزه می‌دادند. میوه‌های یونانیان شامل انجیر، سیب، گلابی و انار بود که می‌شد آن‌ها را برای مصرف زمستان خشک کرد. در روزگار تنگی معاش مردم به خوردن انواع گیاهان وحشی، جوجه‌تیغی و ملخ هم تن می‌دادند. شراب نوشیدنی محبوب یونانیان بود. شراب معمولاً خیلی غلیظ تهیه می‌شد و هنگام مصرف آن را صاف و با آب رقیق می‌کردند. گاهی شراب را با صمغ ــ ماده‌ای نگه‌دارنده که از درخت کاج می‌گرفتند ــ می‌آمیختند و در این حالت شراب را تا سه، چهار سال می‌شد نگه داشت.



بازیافت‌کننده

مجسمهٔ سفالی قصابی در حال کشتن یک خوک. خوک منبع ارزان‌قیمت گوشت بود، چون در تیغزارها می‌چرید و دانهٔ بلوط و زباله‌های آشپزخانه را می‌خورد. از پوست خوک چرم درست می‌کردند و سُمش را ذوب می‌کردند تا چسب درست کنند.



ظروف بزرگ نگه‌داری غذا

یونانیان برای نگه‌داشتن غذا و نوشیدنی از کوزه‌های بزرگ استفاده می‌کردند. این کوزه‌ها در قصری در کنوسوس کرت پیدا شده‌اند. احتمالاً در آن‌ها روغن زیتون، شراب و غلات می‌ریختند. چنین ظرف‌هایی معمولاً صدها لیتر گنجایش داشتند. این کوزه‌های دست‌ساز سفالی غذا و نوشیدنی را در آب‌وهوای گرم مدیترانه خنک و تازه نگه می‌داشتند.

کلوچهٔ عسل و سنجد

مواد مورد نیاز: ۱۰۰ گرم آرد، کاسه، چنگال، الک، ۲۰۰ میلی‌لیتر آب، ۸ قاشق غذاخوری عسل شفاف، ماهی‌تابه، یک قاشق غذاخوری دانهٔ کنجد، قاشق، یک قاشق غذاخوری روغن، کف‌گیر.





۱. اول باید مخلوط کلوچه را درست کنید. آرد را در کاسه‌ای الک کنید. بعد با چنگال آرد را به هم بزنید. آب را به‌تدریج به آرد اضافه کنید.



۲. عسل را با قاشق به‌تدریج به‌مخلوط آب و آرد اضافه کنید و آن‌قدر با چنگال هم بزنید تا عسل به شکلی یکنواخت با آب و آرد مخلوط شود و هیچ‌گونه گلوله‌ای در مخلوط باقی نماند.



۳. در این دو مرحله باید از بزرگ‌ترتان کمک بگیرید. ماهی‌تابه را داغ کنید. دانه‌های سنجد را توی ماهی‌تابه آن‌قدر تفت دهید تا قهوه‌ای شود. سنجد را در ظرفی بریزید.



نان مایه حیات

در ایـــن ســفالینه چند نانــوا را در حال تهیهٔ خمیــر نان برای پختـــن در کوره می‌بینیم. در شـــهرهای بـــزرگ، در دکان‌های نانوایی انواع و اقســـام نان تهیه می‌شد. نان‌های معمولی از آرد گندم و جو تهیه می‌شـــد و نان‌های خاص با گیاهان خوش‌بوی کوهســـتانی طعـم‌دار می‌شـــد و شـــیرینی‌های خوشـــمزه نیز عسل‌آگین می‌شدند.



بازی کن

ظرف نوشیدنی یونانیان فنجان‌های بزرگ و کم‌عمقی مثل این فنجان بود. در تصویر، مردی را در حال اجرای بـــازی کوتابـــوس (*kottabos*) ــ بـــازی مخصوص هنگام شراب‌خواری ــ می‌بینیم. پس از میگساری فراوان، میگساران برای این‌که ببینند چه کسی هنوز هوشیار است هدفی را نشانه می‌گرفتند و ته‌ماندهٔ جام خود را به سوی آن پرتـــاپ می‌کردند. در بـــازی دیگری، میگساران باید بدون این‌که محتوای جام‌شان بریزد بلندترین صدا را از آن درمی‌آوردند.



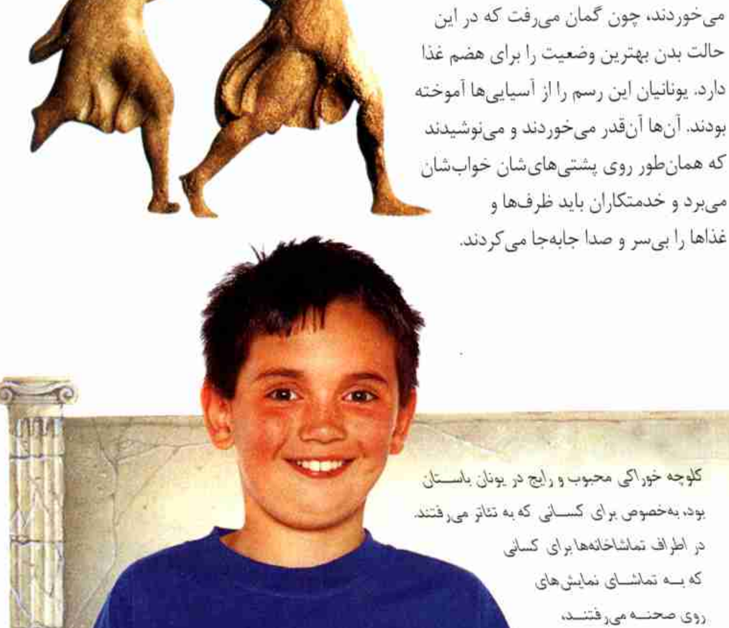
پذیرایی

در این نقش برجسته خدمتکارانی را در حال حمل ظرف‌های غذا می‌بینیم. در بزم‌ها، میهمانان به پهلو دراز می‌کشیدند و غذا می‌خوردند، چون گمان می‌رفت که در این حالت بدن بهترین وضعیت را برای هضم غذا دارد. یونانیان این رسم را از آسیایی‌ها آموخته بودند. آن‌ها آن‌قدر می‌خوردند و می‌نوشیدند که همان‌طور روی پشتی‌های‌شان خواب‌شان می‌برد و خدمتکاران باید ظرف‌ها و غذاها را بی‌سر و صدا جابه‌جا می‌کردند.

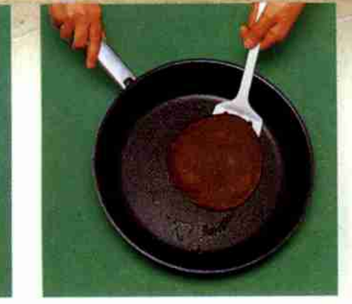


خدای شراب

در این لوح سنگی رومی عده‌ای از عیاشان دیده می‌شوند که به دنبال دیونیزوس(Dionysus) به مجلس میگســـاری می‌روند. دیونیزوس خدای شراب یونان باستان بود و در مناطقی مثل آتن، ناکســـوس (Naxos) و بئوسی (Boaetia) که مرکز پرورش انگور بودند، با شور فراوان پرستیده می‌شد.



کلوچه خوراکی محبوب و رایج در یونان باســـتان بود، به‌خصوص برای کســـانی که به تئاتر می‌رفتند. در اطراف تماشاخانه‌ها برای کسانی که بـــه تماشـــای نمایش‌های روی صحنـــه می‌رفتنـــد، دکه‌های فروش خوراکی تعبیه می‌شد.



۴. یک قاشـــق روغن را در ماهی‌تابه داغ کنید. یک چهارم مخلوط آرد و عســـل را داخل ماهی‌تابه روی کلوچـــه بریزیـــد. دو طرف کلوچه را ســـرخ کنید تا رنگش قهوه‌ای شود.



۵. کلوچه را در بشـــقابی بگذارید و دانه‌های کنجد بـــو‌داده و مابقی عســـل را روی کلوچه بریزید. بقیه کلوچه‌ها را هم به‌همین ترتیب آماده کنید.

زنان در خانه

زنـان نجیـب‌زاده یونانی به‌نـدرت در انظار ظاهر می‌شـدند. محور زندگـی آن‌ها خانـه‌داری و خانواده بود. دخترها از کودکی مهارت‌هـای خانگی را می‌آموختند تا بتوانند پس از ازدواج خانواده را اداره کنند. پدران معمولاً دختران‌شـان را در ۱۳ تا ۱۴ سالگی شوهر می‌دادند. داماد معمولاً چندین سال بزرگ‌تر از عروس بود و خانوادهٔ عروس برای جبران خرج‌های داماد برای دخترشـان، جهیزیه‌ای به او می‌دادند. هدف ازدواج بـه دنیاآوردن فرزند پسـری بود که نام پدر را زنده نگـه دارد. عروس در خانهٔ جدیدش مسئولیت‌های زیادی به‌عهده می‌گرفت. اگر آن‌قدر خوشبخت بود که کنیز و غلام داشـته باشد، برکار روزانهٔ آن‌ها نظارت می‌کرد. اگر چنین نبود، خودش کارهای خانه را انجام می‌داد. کارهای خانه شامل آشپزی، نظافت و بچه‌داری بود. برخی از زنان حتی ادارهٔ امور مالی خانه را هم عهده‌دار بودند.



کاری دائمی

بافندگی شـغلی مناسـب و آبرومند برای زنان بود. روی این گلدان تصویر پنه‌لوپه (Penelope)، همسـر اودوسئوس قهرمان همیشه غایب، را در حال نخ‌ریسی می‌بینیم. زنان باید پارچهٔ مورد نیاز برای تهیهٔ لباس اعضای خانواده را می‌بافتند. بافته‌های آن‌ها در وسـایل خانه، مانند دیوارآویزها، نیز به‌کار می‌رفت.

«فلانی گفته ...»

زنان ثروتمند عموماً در خانه‌های‌شان محبوس بودند. آن‌ها اغلب برای آگاهی یافتن از رویدادهای دنیای بیـرون از خانه به خدمهٔ خود یا دوستان‌شـان اتکا می‌کردند. زنـان خانواده‌های فقیر و متوسط که خدم و حشمی نداشتند، خودشـان بایـد بـرای خرید و آوردن آب بیـرون می رفتند. چشمه‌ها محل دیدار عموم و اختلاط بود.

قاپ‌بازی

مواد مورد نیاز: گل سـفالگری، ابـزار برش، تخته، وردنه، رنگ کرم و قلم مو.

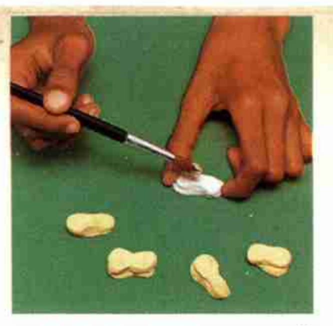




۱. گل سفالگری را به ۵ تکهٔ کوچک مساوی تقسیم کنید و هر یک را به شکل گلوله‌ای کوچک در آورید. گلوله‌ها را مانند تصویر فشـار دهید و به شکل هشت لاتین درآورید.



۲. بـا لبهٔ ابـزار برش کنارهٔ قاپ‌ها را شـکاف دهید و انتهای هر یک را با انگشت‌تان کمی گود کنید.



۳. پـس از خشک‌شـدن سـفال، آن‌هـا را رنگ کنیـد. برای ایـن‌کار از رنگ کرم اسـتفاده کنید. صبر کنید رنگ خشـک شـود. حـالا می‌توانید با مهره‌ها بازی کنید.



در آرزوی سلامت

زنـان متأهل خانواده‌هـای ثروتمند به‌ندرت از خانه خارج می‌شـدند. تنها دلیل آن‌ها برای خـروج از خانه، رفتن به میهمانی یا مراسم مذهبی بود. خانواده‌ای که در این نقش‌برجسته متعلق به قرن پنجم قبل از میلاد می‌بینیم در حال قربانی کردن یک گاو به درگاه آسکلپیوس (Asclepius) خـدای سـلامتی و دختـرش هـی‌ژی (Hygieia) هسـتند.

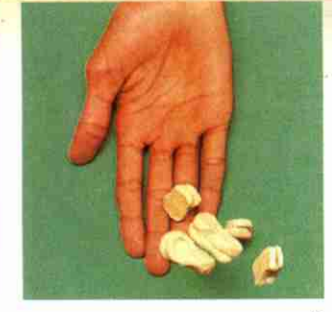


نوبت توست!

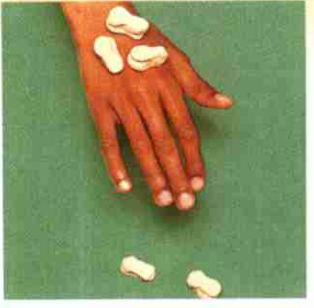
زنان می‌بایسـت تمام وقت مشـغول کار خانه می‌بودند. اما خیلی‌ها خدمتکار داشتند و به همین علت، اوقاتی را به فراغت می‌گذراندند. این دو زن دارند قاپ‌بازی می‌کنند. دیگر بازی محبوب زنان یونان، مهره‌بازی بود که روی تخته‌ای با ۳۶ خانه انجام می‌شد.



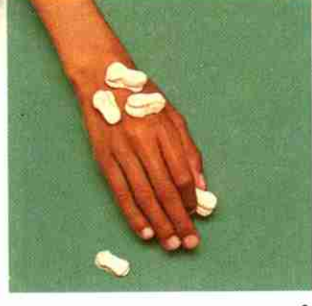
مهرهٔ قاپ‌بازی از استخوان قوزک پای حیوانات ریزجثه تهیه می‌شد. این استخوان‌ها، بسته به نوع بازی، استفاده‌های متفاوتی داشتند. یونانیان از قاپ به‌جای تاس هم استفاده می‌کردند.



۴. برای شـروع بـازی هر ۵ تکه سـفال را در کف دسـت بگیرید و همهٔ آن‌ها را بالا بیندازید و بلافاصله دست‌تان را برگردانید.



۵. سعی کنید مهره‌ها را با پشت دست‌تان بگیرید. اگر شانس بیاورید و هر ۵ تکه روی دست‌تان بیفتد، برنده شده‌اید. اگر نتوانستید، بازی ادامه می‌یابد.



۶. سـعی کنید مهره‌های روی زمیـن را به‌گونه‌ای جمع کنید که مهره‌های روی پشت دست‌تان نیفتد. با دسـت دیگرتان آن‌ها را بالا بیندازید و سعی کنید دوباره بگیریدشان.





۷. برنده کسی است که هر ۵ مهره را پشت دستش داشـته باشد. برای این کار شاید لازم باشد مهره‌ها را چندین بار به هوا بیندازید.

رشد کردن

کودکان در دوران رشد موانع متعددی پیش رو داشتند. وقتی کودکی بـه دنیا می‌آمد، پدرش تصمیم می‌گرفـت او را نگه دارد یا سـر راه بگذارد. ممکن بود نوزادان مریض و معلول به محض تولد رها شـوند. هر کس که نوزاد را برمی‌داشت حق داشـت او را پرورش دهد و بردهٔ خود کنـد. دخترها معمولاً بیش‌تر از پسرها سر راه گذاشته می‌شدند، چون در بزرگسالی نمی‌توانسـتند شکم پدر و مادر خود را سیر کنند. بسیاری از نوزدان به دلیل نبود مراقبت‌های بهداشتی می‌مردند.

تحصیل برای پسـرها مهم بود. با این همه، فقط پسـران خانواده‌هـای ثروتمند می‌توانسـتند به طـور کامل ادامـهٔ تحصیل دهند. پسـرهای دانش‌آمـوز موضوعـات مختلفی، از قبیل ریاضیات، خواندن، موسیقی و ژیمناستیک می‌آموختند. پسـرهای خانواده‌های متوسط اغلب پیشهٔ پدر را دنبال می‌کردند. یادگیری مهارت‌هـای خانگـی بـرای اغلـب دختران ضروری بود. اسـتثنای عمده در این میان، شهر اسپارت بود که در آن دختران در کنار پسران تمرین‌های سخت بدنی را پشت سر می‌گذاشتند.

بچه‌داری

این کودک روی صندلی بلندی نشسـته اسـت و جغجغه‌ای را تـکان می‌دهد. این صندلی لگن هم بود و احتمالاً زیر آن چرخ داشـت تا بچه راه رفتن یاد بگیرد.



حالا توگرگی!

دو دختر در حال بازی‌ای شبیه به گرگم به هوا هستند کـه در آن بازنده باید برنـده را کول کند. اوقات فراغت دختران کم‌تر از پسـران بود. آن‌ها باید همیشه نزدیک خانه می‌ماندند و به مادران‌شان در کار خانه، غذاپختن و مراقبت از بچه‌های کوچک‌تر کمک می‌کردند.

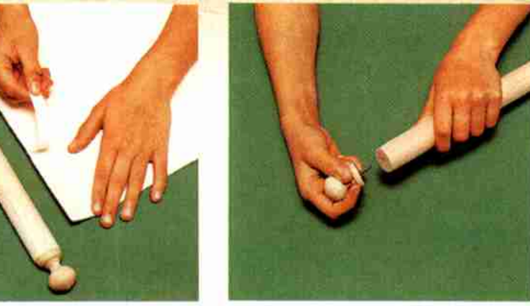


توپ بازی

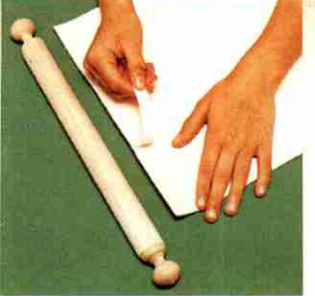
این دو پسـر بچه در حال بازی‌ای شبیه هاکی‌اند. در کل، بازی‌های گروهی، برخلاف بازی‌های انفرادی ــ که فرد می‌توانسـت در آن‌ها از دیگران پیشـی گیرد ــ چندان مورد توجه نبود. کشتی و بدن‌سازی دو نمونه از بازی‌های انفرادی یونانیان بود. از این نوع ورزش‌ها، به سبب ایجاد آمادگی بدنی برای شرکت در جنگ، حمایت می‌شد.

طومار

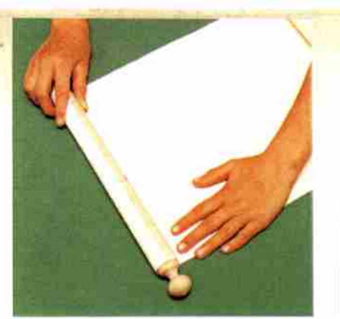
مـواد مـورد نیـاز: دو تکـه چـوب بالـزای ۳۰ سـانتی‌متری به قطر ۵ سانتی‌متر، چهار دستگیرهٔ چوبـی، نوارچسـب دورو، کاغذ سـفید بـه ابعاد ۳۰×۳۰ سانتی‌متر، یک تکه چوب نازک به طول ۷ سانتی‌متر و قطر ۲ سانتی‌متر، کاتر، قلم‌مو، چسب چوب و پودر جوهر.



۱. دستگیره‌های چوبی را با دقت به دو سر دو چوب ۳۰ سانتی‌متری نصب کنید. می‌توانید از بزرگ‌ترتان کمک بگیرید. این دو سر و ته طومارند.



۲. دو تکه ۳۰ سانتی‌متری از چسب دو پایه ببرید. یک تکه از چسب را بالای کاغذ و تکهٔ دیگر را پایین کاغذ بچسبانید.



۳. همیـن کار را برای پایین کاغذ هم انجام دهید. یک سر کاغذ را یک بار به دور چوب بپیچانید.

عروسک متحرک



دست‌ها و پاهای این مجسمه سفالی با سیم به بدنه وصل شده است تا شانه و زانوی عروسک متحرک باشد. عروسک‌هایی مثل این جزء وسایل تجملی به‌حساب می‌آمدند و فقط خانواده‌های ثروتمند توانایی خرید چنین اسباب‌بازی‌هایی را برای بچه‌های خود داشتند. اسباب‌بازی‌های رایج مردم جغجغه و حلقه بود.

الفبا

دو حرف اول الفبای ۲۴ حرفی یونان «آلفا» و «بتا» هستند و واژهٔ انگلیسی آلفابت (Alphabet)، به معنی الفبا، برگرفته از این دو حرف است.

Α Β Γ Δ Ε Ζ Η Θ Ι
A B G D E Z e TH I

Κ Λ Μ Ν Ξ Ο Π Ρ Σ
K L M N X O P R S

Τ Υ Φ Χ Ψ Ω
T U PH KH PS o

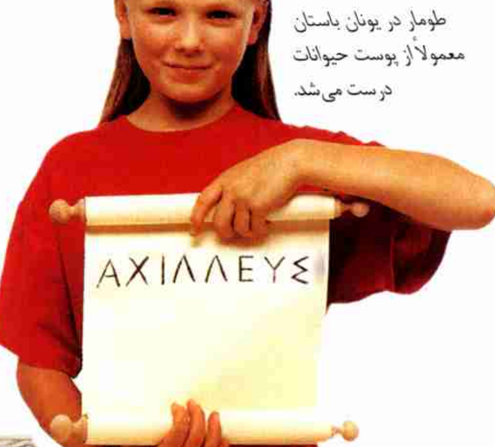


پرتوی آموزش

این چراغ به شکل معلمی که طوماری در دست دارد طراحی شده است. تحصیل شامل حفظ کردن اشعار و گفته‌های بزرگان از روی طومار بود. گمان بر این بود که پسران با از برکردن گفته‌های بزرگان، بعدها سخنوران و خطیبان قابلی در مجالس و دربار خواهند شد. خطیبان نامی معمولاً محترم شمرده می‌شدند و بسیار بانفوذ بودند.

مادر دوم

یونانیان اغلب برای شیر دادن به نوزادان خود دایه استخدام می‌کردند. برخی دایه‌ها اجازه نداشتند شراب بنوشند چون شراب بر شیرشان اثر می‌گذاشت یا ممکن بود چنان مست‌شان کند که به کودک صدمه بزنند.



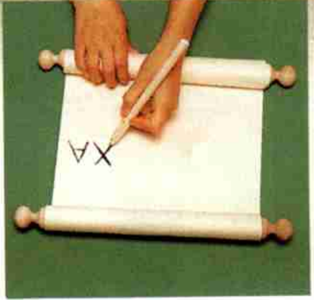
طومار در یونان باستان معمولاً از پوست حیوانات درست می‌شد.



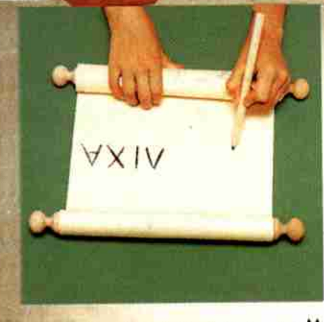
۴. در این مرحله باید از بزرگ‌تر خود کمک بگیرید. نوک چوب ۷ سانتی‌متری را با کاتر بتراشید تا شبیه قلم شود.



۵. نوک قلم را چسب بمالید. بدین‌ترتیب، وقتی این قلم چوبی را داخل جوهر می‌کنید، جوهر جذب چوب نمی‌شود. به پودر جوهر آب اضافه کنید و مرکب بسازید.



۶. در تصویر وسط این صفحه تمام الفبای یونان باستان نوشته شده است. با استفاده از این الفبا هر اسم یا نامه‌ای که می‌خواهید، به خط یونانی روی طومار خود بنویسید.



۷. در این طومار، نام یکی از خدایان یونان باستان، آشیل (Achilles)، به الفبای یونانی نوشته شده است. از دوستی بخواهید با استفاده از تصویر بالا نامی را که نوشته‌اید ترجمه کند.

مد یونانی

زیبایی فیزیکی و ظاهر جذاب مردان و زنان در یونان باستان ستوده می‌شد. لباس زنان و مردان ساده بود، هر دو بالاپوش گشاد و بلندی به تن می‌کردند که در هوای گرم برای راحتی آزادانه رها می‌شد و با سوزن و سنجاق‌سینه‌های تزیینی روی تن می‌ماند. در هوای سرد یا در مسافرت روپوشی سنگین می‌پوشیدند. بالاپوش سربازان وکارگران کوتاه بود تا جلوی دست و پای‌شان را نگیرد. پارچه‌ها پشمی و نخی بودند و در خانه بافته می‌شدند و با رنگ‌های طبیعی برگرفته از گیاهان، حشرات و صدف‌ها رنگ می‌شدند. ثروتمندان می‌توانستند جامه‌های تجملی‌تری که از ابریشم و کتان وارداتی تهیه می‌شد به تن کنند. مردم در بیرون از خانه معمولاً صندل می‌پوشیدند و مردان گاهی چکمه به پا می‌کردند. در هوای گرم یونان کلاه‌های حصیری یا پشمی گرما را تعدیل می‌کرد. لباس چرمی مورد توجه نبود چون معمولاً کارگران و بردگان چرم می‌پوشیدند. مردان موهای‌شان را کوتاه می‌کردند و زنان موهایی بلند داشتند و به شیوه‌ای خاص و زیبا آن را می‌آراستند و گاهی برای آرایش مو از روبان استفاده می‌کردند.



خودت را تماشا کن

یونانیان آیینهٔ شیشه‌ای نداشتند. درعوض، مفرغ را آن‌قدر صیقل می‌دادند که می‌توانستند تصویر خود را درآن ببینند. دستهٔ این آیینه زنی است که ابوالهول‌هایی بال‌دار بر شانه‌اش نشسته‌اند.

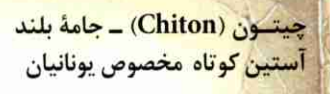


شیر طلایی

این دستبند سنگین در حدود سده‌های چهارم یا پنجم قبل از میلاد ساخته شده است. جنس آن طلای ناب است و در دو سر آن سر شیر تراشیده شده است. در یونان باستان، طلا بسیار گران‌قیمت بود، چون در خود کشور یافت نمی‌شد و بخش عمدهٔ طلای مصرفی یونان از آسیای صغیر یا مصر وارد می‌شد.

ساده باش

این مجسمه پپلوس (Peplos) به تن دارد. پپلوس لباسی بلند، بدون آستین و ساده بود که زنان یونان به تن می‌کردند. تنها زینت این لباس بندی بود که زیر سینه می‌بستند. این مجسمه در یک منطقهٔ مهاجرنشین یونانی در جنوب ایتالیا پیدا شده است.



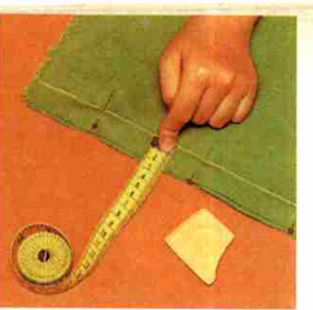
چیتون (Chiton) ـ جامهٔ بلند آستین کوتاه مخصوص یونانیان

مواد مورد نیاز: متر، پارچه‌ای چهار گوش، قیچی، سنجاق، گچ، نخ، سوزن، ۱۲ دکمهٔ فلزی، ریسمان.

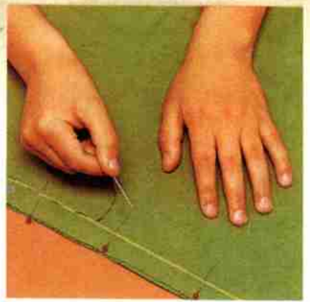




۱. از دوستی بخواهید فاصلهٔ دو مچ شما را به ترتیبی که در تصویر مشاهده می‌کنید اندازه بگیرد. اندازه را دو برابر کنید. قدتان را از شانه تا مچ پا اندازه بگیرید. پارچه را با این ابعاد ببرید.



۲. پارچه را از عرض تا کنید. دو طرف را با سنجاق به هم وصل کنید. به فاصلهٔ ۲ سانتی‌متر از لبه با گچ خطی بکشید.



۳. روی خط گچی را با نخ و سوزن بدوزید. بعد پارچه را پشت و رو کنید، طوری که درز به سمت داخل باشد.



تجارت پارچه

پارچه‌های یونان باستان اغلب یا پشمی بودند یا نخی. پشم یونان به دلیل کیفیت بالا طرفداران فراوانی داشت و یونانیان قسمتی از پشم تولیدی خود را صادر و در عوض کتان و ابریشم وارد می‌کردند. اما خرید لباس‌های کتانی و ابریشمی تنها از ثروتمندان برمی‌آمد.

ظرف پودر

زنان یونـان از پودر صورت و دیگر لوازم آرایش اسـتفاده می‌کردنـد و آن‌ها را در ظرفـی چینی که به آن پیکسـیس (pyxis) می‌گفتند نگه می‌داشتند. این جعبـهٔ آرایش در حدود سـال ۴۵۰ قبل از میلاد در آتن ساخته شد. طرح نقاشی شده روی بدنـهٔ این ظـرف زنانی را در حال ریسـندگی و بافندگی نشان می‌دهد.

لباس‌های یونان باستان دست‌باف بودند. برای جلوگیری از هدررفتن پارچه، باید دقیقاً پارچه را به اندازهٔ شخص می‌بافتند.

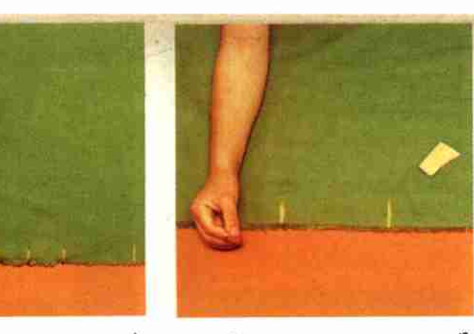
نوار فنری

تاج گل

کمربند

جواهرات مخصوص تدفین

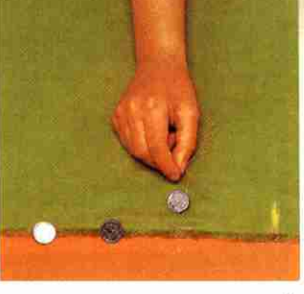
برخی از جواهرات و زیورآلات مانند آن‌چه در تصویر مشاهده می‌کنید، مخصوص تدفین ساخته می‌شدند. ورقه‌های نازک طلا به صورت کمربند یا تاج گل طراحی می‌شدند. اعضای مهم جامعه مثل شاهان و ملکه‌های مقدونی، با تاج‌هایی از برگ‌های طلایی به خاک سپرده می‌شدند.



۴. در وسـط پارچه در یکی از دو سـر آزادش، به اندازهٔ سرتان شـکافی ایجاد کنید. دو طرف شکاف را علامـت بزنید و با سـوزن دو طـرف پارچه را به هم وصل کنید.



۵. دو طرف شـکاف سر را به فاصله ۵ سانتی‌متر با سـنجاق علامت بزنید. پشت و جلوی پارچه را روی نقاط علامت‌زده به هم وصل کنید. دسـت‌های‌تان از این‌جا بیرون خواهد آمد.



۶. روی فاصله‌های ۵ سـانتی‌متری دکمه بدوزید تا پشـت و جلوی پارچه به هم وصل شود. دکمه را محکم بدوزید و در انتها نخ را گره بزنید.



۷. ریسـمان را دور کمرتان اندازه بزنید. و مقداری هـم اضافی برای گره زدن در نظر بگیرید. ریسـمان را دور بدن‌تان ببندید و پارچه را بالا بکشـید تا روی ریسمان بیفتد.

خدایان و خدای‌بانوان

یونانیان باستان معتقد بودند که خدایان‌شان شبیه انسان‌اند و احساساتی انسانی دارند و عاشق می‌شوند و با هم نزاع می‌کنند. به اعتقاد آن‌ها، خدایان نیروهای جادویی داشتند و نامیرا بودند. آن‌ها با نیروی جادویی خود می‌توانستند تغییر قیافه بدهند، نامرئی شوند و حتی انسان را به حیوان تبدیل کنند. خدایان یونان، به باور یونانیان، بر همه ابعاد زندگی بشر نفوذ داشتند و مدام در حال استجابت دعای نیازمندان و بیماران و تضمین پیروزی در نبرد بودند. مردم برای جلب نظر مساعد خدایان به درگاه‌شان قربانی می‌کردند، پیشکشی می‌بردند و دعا می‌کردند. جوامع برای ساخت معابدی همچون معبد پارتنون سرمایه‌گذاری می‌کردند و به راهبان متولی این معابد حقوق می‌دادند و مخارج لازم برای برپایی مراسم و جشن‌هایی را که به افتخار خدایان برگذار می‌شد می‌پرداختند.

پیک بالدار

هرمس (Hermes) خدای خوش‌اقبالی و سخنوری بود. او به شیطنت و ماجراجویی شهره بود. زئوس او را پیک خدایان کرد تا آن‌قدر سرش گرم باشد که دردسر درست نکند.



خدای‌بانوی وحشی

آرتمیس (Artemis) خدای‌بانوی مکان‌های بکر و حیوانات وحشی، شکار و ماه بود. او کمان‌اندازی ماهر بود که تیرهایش مرگ و طاعون می‌آورد. قدرت شفابخشی هم به او نسبت داده می‌شد.



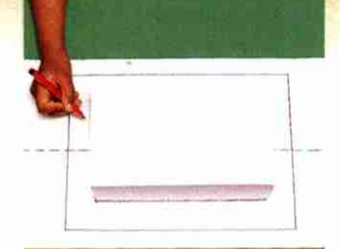
خدای خدایان

زئوس از کوه المپ (Olympus) ــ مکانی واقعی در مرز مقدونیه ــ بر زمین و آسمان حکم می‌راند. او را خدایی عادل می‌پنداشتند که حفظ نظم و عدالت را به عهده داشت. او بدکاران را با پرتاب آذرخشی جزا می‌داد.

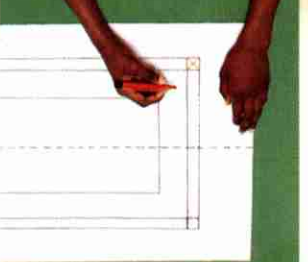
پارتنون

مواد مورد نیاز: دو برگ مقوای ۶۲× ۳۸/۵ سانتی‌متر به رنگ سفید، خط‌کش، روان‌نویس مشکی، جعبه کفش، قیچی، رنگ‌های آبی، قرمز و کرم، قلم مو، چسب چوب، نوارچسب و مقوای قرمز آکاردئونی به ابعاد ۳۹× ۲۸/۵ سانتی‌متر، کاتر، ۱۶۰ سانتی متر چوب بالزا!

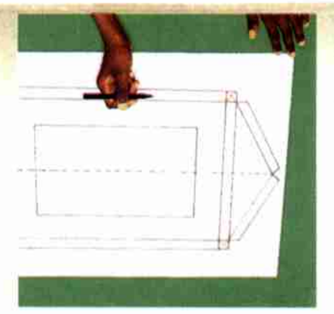




۱. در مرکز مقوا خطی افقی بکشید. جعبه کفش را وسط مقوا بگذارید و دور آن خط بکشید. با ۷ سانتی‌متر فاصله چهارگوش دیگری بکشید.



۲. به فاصلهٔ ۲ سانتی‌متر از چهارگوش دوم، چهارگوش دیگری بکشید. خط‌های چهارگوش دوم را آن‌قدر امتداد دهید تا به چهارگوش سوم برسد. به این ترتیب، در هر گوشه یک مربع کوچک خواهید داشت.



۳. برای درست کردن انتهای سقف، مانند شکل یک نصف لوزی در سمت چپ رسم کنید. دو نوار به قطر ۱ سانتی‌متر در لبه‌ها بکشید.

عشق و حمایت

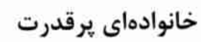
آفرودیت (Aphrodite) خدای بانوی عشق و زیبایی بود. غرور او منجر به بروز یکی از عمده‌ترین رقابت‌ها در تاریخ یونان، یعنی جنگ تروا شد. آفرودیت به پاریس (Paris) شاهزاده تروا، قول داد کاری کند زیباترین زن میرای جهان، هلن (Helen)، عاشق او شود. در عوض، پاریس می‌بایست آفرودیت را زیباترین خدای‌بانوی یونان می‌نامید. اما هلن پیش‌تر به عقد پادشاه اسپارت درآمده بود. وقتی هلن همسرش را ترک کرد تا نزد پاریس برود، یونانیان به تروا اعلام جنگ کردند. حاصل کار، جنگی خونین بود که در آن قهرمانان و خدایان با یکدیگر به نزاع پرداختند.

نمادها

هر خدا و خدای‌بانویی مسئول بخشی از زندگی روزمره بود و هر یک از آنان نمادی داشتند. گندم نماد دیمیتر، خدای‌بانوی جانداران بود. دیونیزوس، خدای شراب و تاک، نیز با انگور نشان داده می‌شد.

انگور

گندم



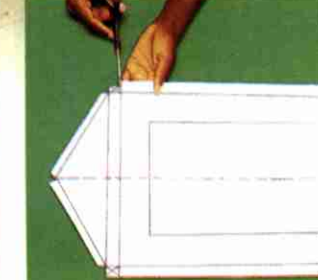
خانواده‌ای پرقدرت

هرا (Hera) همسر زئوس و خدای‌بانوی ازدواج بود. زنان او را حامی زندگی زناشویی خود می‌دانستند. اما او خود در زندگی با همسرش زئوس درگیری‌هایی داشت. حسادت او نسبت به معشوقه‌های همسر بی‌وفایش باعث شد او به آزار آنان بپردازد. او به هرکول (Heracles) نیز که پسر زئوس از زنی دیگر بود بسیار حسادت می‌کرد. به همین علت وقتی هرکول نوزاد بود، ماری را نزد او فرستاد تا او را از بین ببرد. خوشبختانه هرکول که مثل پدرش قدرتمند بود، مار را کشت و توطئهٔ هرا بی‌نتیجه ماند.

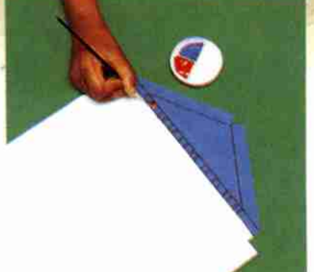


خوشه‌های لذت

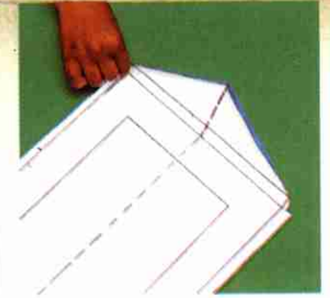
دیونیزوس را به خاطر شوخ‌طبعی‌اش می‌ستودند. او که خدای حاصلخیزی، تاک و شراب بود، بین مردان و زنان به‌یکسان عبادت‌کننده داشت. اما طرفداران او آن‌قدر واله و شیفته بودند که پرستش وی در برخی دولت‌ـشهرها ممنوع شد.



۴. مرحلهٔ سوم را در سمت راست مقوا تکرار کنید تا طرف دیگر سقف درست شود. مربع‌های کوچک حاصل از تداخل چهارگوش‌های دوم و سوم را ببرید. دور خطوط را ببرید. وسایل رنگ‌آمیزی را آماده کنید.



۵. قسمت سقف را برگردانید. طرح فوق را در دو طرف سقف پیاده کنید. حاشیه‌ای آبی‌رنگ به طول ۱ سانتی‌متر در هر طرف بکشید. صبر کنید تا خشک شود.



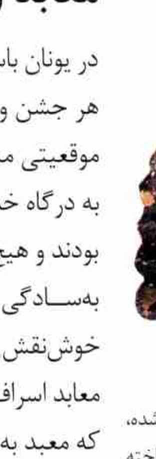
۶. مقوا را برگردانید. چهار وجه چهارگوش دوم را به سمت داخل تا کنید و لبه‌ها را چسب بزنید. نوارهای مستطیل را هم تا کنید.



۷. مقوای قرمز را نصف کنید. دو نیمه را با چسب نواری به هم بچسبانید. مقوا را برگردانید و از وسط تا کنید.

معابد و جشن‌ها





در یونان باستان جشن‌هایی که به افتخار خدایان برپا می‌شد، رویدادهای عمومی مهمی قلمداد می‌شدند. در قلب هر جشن و آیینی معبدی بود. در زمان جشن، مردم از روستاها دسته‌جمعی به شهر می‌رفتند. بزرگ‌ترین جشن‌ها موقعیتی مناسب برای پایکوبی و نشاط بودند. رژه، موسیقی، ورزش، دعا، قربانی‌کردن حیوانات و پیشکش‌کردن غذا به درگاه خدایان از برنامه‌های جشن‌ها بودند که در معابد انجام می‌شدند. نخستین معابد یونان از چوب ساخته شده بودند و هیچ نشانی از هیچ‌یک باقی نمانده است. بعدها در معابدی که از سنگ ساخته شدند ستون‌ها و پایه‌هایی به‌سادگی تنهٔ درختان طراحی شدند. زیباترین معابد از سنگ مرمر ساخته می‌شدند. در تزیین آن‌ها از کتیبه‌هایی خوش‌نقش و نگار استفاده می‌شد که موضوع‌شان اساطیر و خدایان و خدای‌بانوان و قهرمانان یونان بودند. ساخت این معابد اسراف‌کاری نبود، چون یونانیان معتقد بودند که معبد مأوای زمینی خدایان است. در هر معبد مجسمهٔ خدایی که معبد به افتخارش ساخته شده بود، نصب می‌شد. این مجسمه‌ها بسیار ظریف و هنرمندانه ساخته می‌شدند و در ساخت آن‌ها گاهی از مواد گران‌قیمتی مثل طلا و عاج استفاده می‌شد.

نقش زنان

این گلدان که به شکل سر زن طراحی شده، در حدود سال ۶۰۰ قبل از میلاد ساخته و احتمالاً به معبد آپولو (Apollo) تقدیم شد. دین یکی از معدود جنبه‌های زندگی اجتماعی بود که زنان در آن اجازهٔ ایفای نقش داشتند. آن‌ها در برخی فرقه‌ها راهبه می‌شدند و اغلب مردم آن‌ها را دارای قدرت پیشگویی می‌پنداشتند.

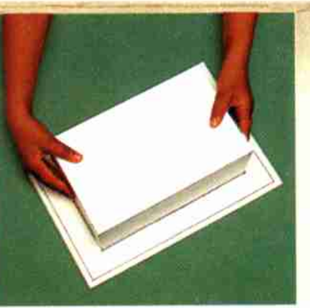


ورودی باشکوه

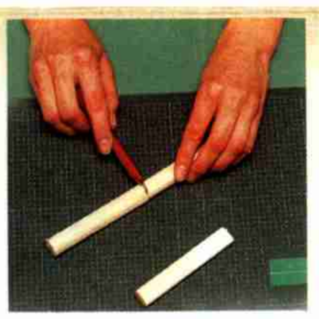
دروازه‌های باشکوه مجموعه معابدی که بر فراز آکروپولیس بنا شده‌اند پروپیلا (Propylaea) نامیده می‌شدند. معبد کنار این دروازه به افتخار آتنا ساخته شده است که به صورت نایکی (Nike)، خدای‌بانوی پیروزی، نشان داده می‌شود.



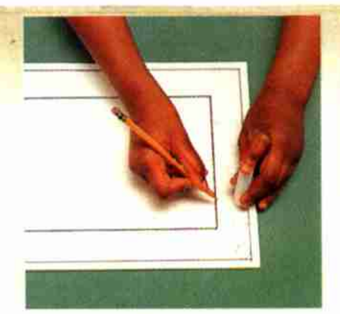
۸. لبه‌های مقوای قرمز را به لبه‌های تاشدهٔ مقوای رنگ‌شده بچسبانید. صبر کنید خشک شود. این قطعه سقف معبد شماست.



۹. جعبه کفش را وسط مقوای سفید بعدی بگذارید و دورش خط بکشید. چهارگوش دیگری به فاصلهٔ ۷ سانتی‌متر از مقوای وسط بکشید. به فاصلهٔ یک سانتی‌متر، چهارگوش سوم را رسم کنید و آن را ببرید. این قاعدهٔ معبد است.



۱۰. در این قسمت از بزرگ‌تر خود کمک بگیرید. قطعات چوب بالزا را به اندازهٔ مساوی در ۳۲ قسمت ببرد. هر یک باید ۵ سانتی‌متر ارتفاع داشته باشد. ستون‌ها را کرم رنگ کنید و صبر کنید خشک شوند.

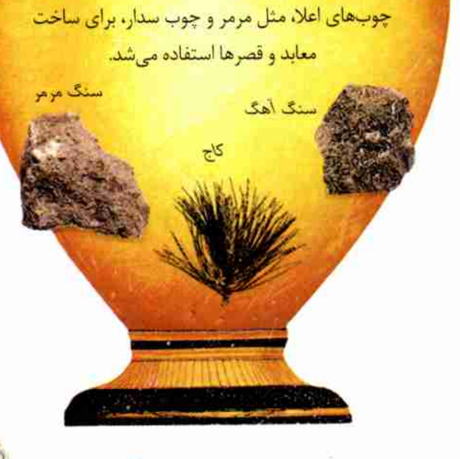


۱۱. به موازات دو عرض قاعدهٔ معبد ۸ نقطه را برای نصب ستون‌ها در دو طرف مشخص کنید. فاصلهٔ ستون‌ها از هم باید یکسان باشد.

رژهٔ سالروز تولد

جشن‌های سالانه‌ای که به افتخار آتنا برپا می‌شد شامل رژهٔ سواران، ارابه‌ها و مردمی بودند که حیوانات قربانی را به دنبال می‌کشیدند. این جشن‌ها هر سال در آتن در سالروز تولد آتنا برپا می‌شد. هر چهار سال یک بار مراسم باشکوه‌تری به این آیین اضافه می‌شد که شش روز به طول می‌انجامید. در جریان جشن‌ها جامه‌ای نو به تن آتنا می‌کردند.





مصالح ساختمانی

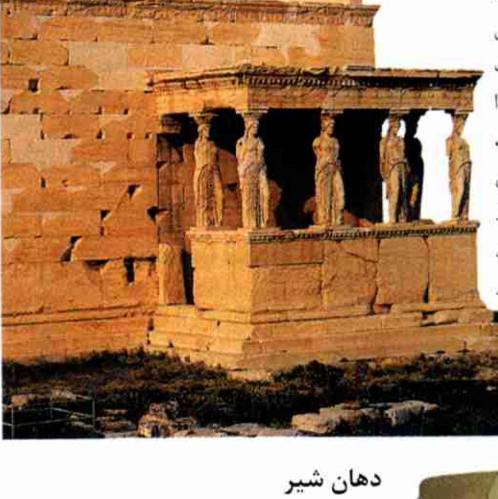
ساختمان‌های بزرگ اغلب نزدیک معدن سنگ یا آبراهی ساخته می‌شدند که می‌شد در آن قایق راند. سنگ آهک رایج‌ترین مصالح ساختمانی یونان بود و چوب کاج و سرو رایج‌ترین چوب‌ها بودند. از مصالح و چوب‌های اعلا، مثل مرمر و چوب سدار، برای ساخت معابد و قصرها استفاده می‌شد.

سنگ مرمر

سنگ آهک

کاج



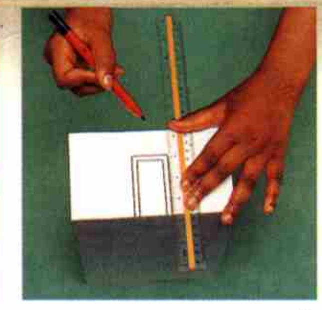


معبدی برای سه خدا

معبد ارکتیوم (Erectheum) در آکروپولیس در ارتفاع ۱۰۰ متری آتن ساخته شد. برخلاف معابد یونان، دراین معبد بیش از یک خدا پرستش می‌شد: پادشاه افسانه‌ای یونان، ارکتوس (Erectheus)؛ آتنا، خدای‌بانوی محافظ شهر آتن؛ و پوزئیدون، خدای دریاها. به ستون‌هایی که به شکل زن ساخته می‌شدند کاریاتید (Caryatid) می‌گفتند.

دهان شیر

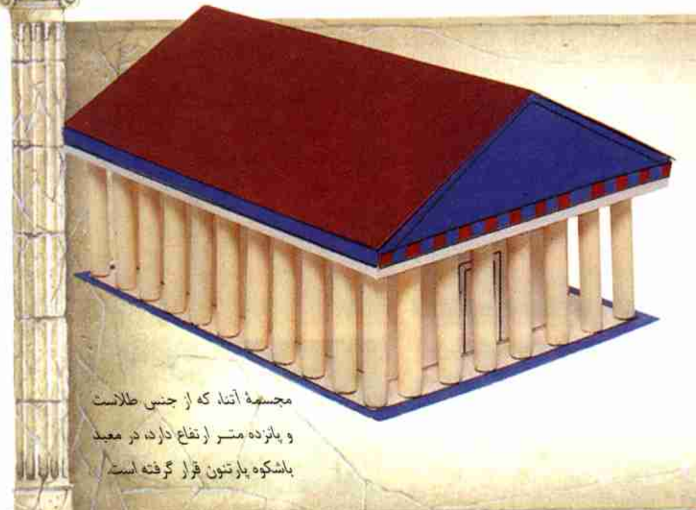
این شیر بهت‌زده درواقع ناودان معبدی آتنی است که ۵۷۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است. با آن‌که بارش باران در یونان کم است، وجود ناودان برای خارج‌کردن آب ناشی از توفان‌ها از ساختمان‌هایی که سقف صاف داشتند ضروری بود. شیر را به این علت انتخاب می‌کردند که نماد قدرت و توانایی بود.



۱۲. در عرض جعبه کفش، مثل تصویر، در معبد را نقاشی کنید. سقف را روی جعبه کفش نصب کنید. ۱ سانتی‌متر از حاشیهٔ قاعدهٔ معبد را آبی رنگ کنید.



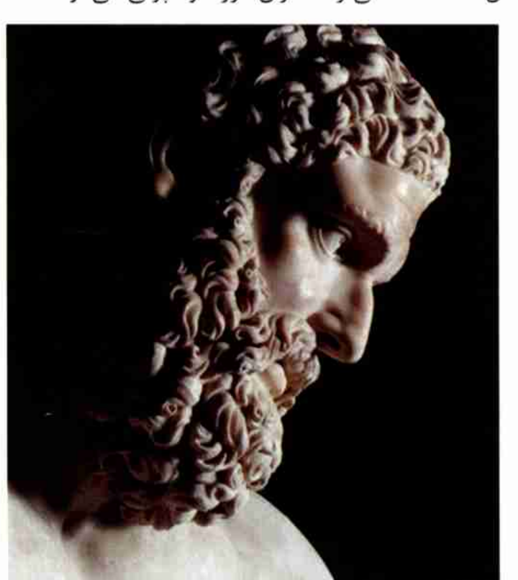
۱۳. ستون‌ها را سر جای‌شان در حد فاصل سقف و قاعده بچسبانید. ستون‌ها را روی دایره‌هایی که در مرحلهٔ ۱۱ کشیده‌اید قرار دهید.



مجسمهٔ آتنا، که از جنس طلاست و پانزده متر ارتفاع دارد، در معبد باشکوه پارتنون قرار گرفته است.

قهرمانان و اساطیر

اساطیر یونان سرشار است از داستان‌های پیروزی قهرمانان زن و مرد، درگیری‌های خدایان و خدای‌بانوان و موجودات اسرارآمیز و غیرمعمول. این داستان‌ها هم آدمی را سرگرم می‌ساختند و هم به برخی از سؤال‌ها دربارهٔ نحوهٔ پیدایش زمین و زمینیان پاسخ می‌دادند. این قصه‌های قدرتمند منبع الهام یونانیان و موضوع نمایش‌نامه‌های‌شان بودند. افزون بر این، اسطوره‌ها از نظر تاریخی شواهدی ارزشمندند و باعث بالیدن یونانیان به گذشتهٔ فرهنگی غنی خود می‌شوند. از دیرباز، اساطیر سینه‌به‌سینه از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده‌اند. گاهی رامشگران دوره‌گرد پولی می‌گرفتند تا اشعاری را که از حفظ می‌دانستند بخوانند. بعدها، به‌تدریج این افسانه‌ها مکتوب شدند. کهن‌ترین نسخه‌های باقی مانده احتمالاً اثر هومر است: ایلیاد و اودیسه دو مجموعهٔ منظوم‌اند که می‌شناسیم و موضوع‌شان نبرد قهرمانان با نیروهای فوق‌طبیعی است.



کشندهٔ مار

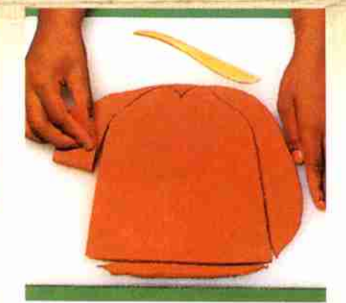
هرکول ابرقدرتمند تنها انسانی بود که به منصب خدایی رسید. در این نقش برجسته رومی او در حال خفه‌کردن مارهایی است که هرای حسود آن‌ها را مأمور کشتن وی کرده بود.

هیولاکُش

طبق افسانه‌های یونان، مینوتور (Minotaur) نیمی گاو و نیمی انسان بود. او در هزارتویی به نام لابیرنت (Labyrinth) در جزیرهٔ کرت زندگی می‌کرد. عدهٔ زیادی وارد هزارتو شده و هرگز از آن درنیامده بودند. مردم آتن مجبور بودند هر سال یک نفر را قربانی کنند تا خوراک گاو شود. قهرمانی به نام تسئوس (Theseus) عزم کرد که مینوتور را از بین ببرد. شاهزاده‌خانمی به او شمشیر و گلوله‌ای نخ داد. تسئوس وقتی پا به درون هزارتو گذاشت، گلولهٔ نخ را باز کرد تا راهش را گم نکند. پس از آن‌که مینوتور را کشت، دنباله نخ را گرفت و به ورودی غار رسید.

سر مدوسا (Medusa)

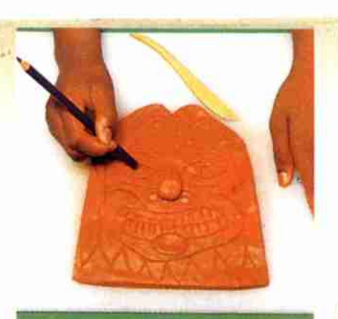
مواد مورد نیاز: تخته، وردنه، گل سفالگری، خط‌کش، ابزار برش، مداد، سمباده، رنگ اکریلیک، یک قلم‌موی بزرگ، یک قلم‌موی کوچک، روغن جلا (مخلوط یک پیمانه آب + یک پیمانه چسب چوب).



۱. با وردنه گل سفالگری را به قطر ۲ سانتی‌متر و به طول و عرض ۲۰ سانتی‌متر روی تخته پهن کنید. با ابزار مدل‌سازی شکلی را که در تصویر مشاهده می‌کنید روی گل سفالگری دربیاورید.



۲. یک تکه سفال را به شکل بینی درست کنید. با دست آن را روی صورت هیولا جا دهید و بفشارید. با ابزار برش محل اتصال بینی به صورت را کاملاً صاف کنید.



۳. شکل دهان، دندان‌های متعدد، چشم‌ها و طرح‌های ترسناک صورت مدوسا را روی خمیر اجرا کنید. با ته مداد در محل مردمک چشم سوراخی ایجاد کنید.

نگاهی که سنگ می‌کرد

مدوســا هیولایی بالدار بود که روی ســرش به‌جــای مو مار روییده بود. او یکی از ســه گورگــون (Gorgon)، یا هیــولای مؤنث بود. چهرهٔ مدوســا چنان ترسناک بود که هر آدمی که مســتقیماً به صورتش می‌نگریست، تبدیل به ســنگ می‌شــد. تنها راه کشتن او بریدن ســرش بود. مدوسا، که معنای نامش «مکار» اســت، چند نفر را که قصد کشــتن او را داشتند، مغلوب کرد. ســرانجام پرسئوس به کمک آتنــا و هرمــس او را کشــت. این دو به پرســئوس ســه چیز دادند: کلاهی جادویی که هر کس به سر می‌گذاشت نامرئی می‌شد، داس برای بریدن سر مدوسا و سپری براق برای دیــدن تصویر مدوســا در آن. اما حتی مردهٔ مدوســا نیز قدرتمند بود. پرسئوس دشمن خود پولیدکتوس (Polydectes) را واداشــت به چهرهٔ مدوســا نگاه کند و بدین ترتیب وی را به قتل رساند.



گول زدن هیولا

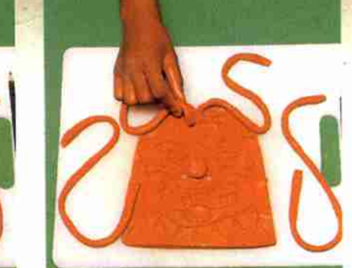
شاه اودوسئوس قهرمانی اسطوره‌ای بود که ماجراهای فراوانی را پشت سر گذاشت. او در جریان یکی از ماجراجویی‌هایش در غاری گرفتار غول یک چشــم شــد. اودوسئوس برای خلاصی از دســت غول، با خنجری به چشم غول ضربه زد و زیر شکم قوچی آویزان شد و از دست دیگر غول‌های یک‌چشم گریخت.



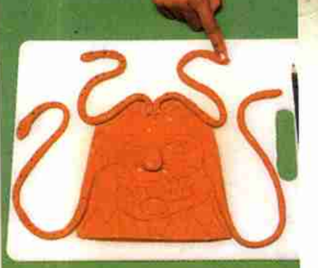
گورگون به زبان یونانی بــه معنــای چشــمان غضبناک هیولاست.

اسب بال‌دار

پگاسوس (Pegasus) اسب بال‌دار نقش سکه شهر کارینت و نماد این شهر بود. پگاسوس در جنگ‌ها یار قهرمان کارینتــی، بلروفون (Bellerophon) بود ــ نخســت در نبرد با خیمایرا (Chimaera) هیولایی با ســر شــیر، بدن بز و دم مار و بعد در نبرد با اهالــی آمــازون (Amazon) که نژادی از زنان سلحشور بودند.



۴. چهار لولهٔ خمیری بلند با کف دســت‌تان درست کنید. این چهار لوله، چهار مار روی ســر مدوسایند. مارها را مثل تصویر در جای مناسب بچسبانید.



۵. برای شــکل دادن به سر مارها با انگشت انتهای خمیر را به تخته بفشــارید. نقــوش روی تن مارها را مثل تصویر با ابزار برش و مداد شکل دهید.



۶. پیش از رنگ‌آمیزی، کل کار باید کاملاً خشــک شــود. برای این‌کار، دو طــرف صورتک را در معرض هــوا قــرار دهید و چند ســاعت صبر کنیــد. هنگام پشت‌وروکردنِ آن مراقب باشید.



۷. پس از آن‌که صورتک کاملاً خشــک شــد، روی آن را با ســمبادهٔ ظریف ســمباده بکشید. صورت را مانند تصویر سیاه، قرمز، سفید و طلایی کنید. پس از خشک‌شدن رنگ‌ها، روی آن روغن جلا بزنید.

مرگ و جهان مردگان

یونانیان باستان نصف عمر بشر امروزی عمر می‌کردند. بچه‌های بیمار معمولاً در کودکی می‌مردند. مردان اغلب در جنگ و زنان هنگام زایمان می‌مردند و هنگام شیوع بیماری‌های مهلک همه طعمهٔ مرگ می شدند.

اکثر یونانیان معتقد بودند که روح‌شان پس از مرگ به جهان مردگان منتقل می‌شود، به سرزمینی سرد و غمبار که گناهکاران در آن‌جا عقوبت می‌شدند. در اودیسه اثر هومر، آشیل می‌گوید: «ترجیح می‌دهم روی زمین برای مردی فقیر کار کنم تا این‌که سلطان لشکر مردگان باشم.» به باور یونانیان، عدهٔ انگشت‌شماری آن‌قدر نیکوکار بودند که بتوانند به جزایر بخشودگان برسند. کسی که به آن‌جا می‌رسید تا ابد با ورزش و هنر موسیقی روزگار می‌گذراند. کسانی که زندگی پرمخاطره‌ای داشتند (مثل هرکول) به مقام خدایی می‌رسیدند و در کوه المپ سکنا می‌گزیدند.

وقتی کسی می‌مرد، جنازه‌اش را یا دفن می‌کردند یا می‌سوزاندند. به باور یونانیان تنها وقتی که جنازه یا خاکستر فرد درگذشته دفن می‌شد، وی می‌توانست به جهان مردگان برود. در قبرها وسایلی را برای زندگی پس از مرگ همراه مرده دفن می‌کردند و زنان برای ارواح در گورستان غذا و نوشیدنی می‌گذاشتند.

وداعی عطرآگین

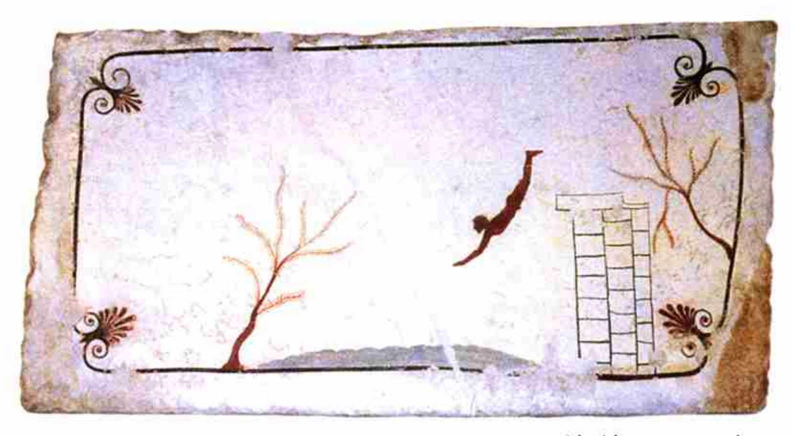
بر سر قبرها گاهی ظرف سفالی سفید لکی‌توی (lekythoi) می‌گذاشتند که حاوی روغنی معطر بود که با آن بدن مرده را تدهین کرده بودند. روی این ظروف معمولاً نقوشی از صحنه‌های وداع، مراسم تشییع جنازه یا تصویر مردگان نقش می‌بست.



غذای فکر

سنت گذاشتن غذا در مقبره‌ها در روزگار تمدن موکنایی باب شد. از آن پس بود که مردم مردگان خود را همراه سلاح، ظروف غذا و گاه حتی حیوانات خانگی و غلامان‌شان دفن می‌کردند تا در جهان مردگان همراه‌شان باشند. درسال ۳۰۰ قبل از میلاد، یونانیان برای ارواح مردگان در قبرستان خوراک‌هایی مثل تخم‌مرغ و شراب می‌گذاشتند.





پرشی به‌سوی ناشناخته

در تصویر مردی را می‌بینیم که از زندگی به اقیانوس مرگ می‌پرد. ستون‌ها را هرکول به نشانهٔ پایان قلمروی شناخته‌شدهٔ زندگی برپا داشته است. نقش این مرد شیرجه‌زن روی دیوار مقبره‌ای پیدا شده است.



معامله بر سر فرزند

در تصویر فوق، که نقش یک گلدان است، پرسفونه (Persephone) را همراه همسرش هادس (Hades) ، خداوند دنیای مردگان، می‌بینیم. هادس پرسفونه را با خنجر کشت و او را با خود به جهان مردگان برد. مادر پریشـان‌خاطر پرسفونه، دیمیتر، از وظیفهٔ خود که رویاندن غلات بود سر باز زد تا به جست‌وجوی دخترش برود. زئوس پادرمیانی کرد و قرار شد پرسفونه شش ماه از سـال را با مادرش بگذراند و نیمهٔ دیگر سـال را در کنار هادس، همسرش، در سرزمین مردگان بماند. هر بهار وقتی پرسـفونه به دیار زندگان برمی‌گشت، دیمیتر به وظیفهٔ خود که رسـیدگی به غلات بود عمل می‌کرد و هربار که قرار بود پرسـفونه به دیـار مردگان برگردد، زمستان مستولی می‌شد.



آرامگاه سلطنتی

حک کردن نقش زنان روی سنگ قبر چندان رایج نبود. اما فیلیس (Philis)، که در تصویر بالا دیده می‌شود، از این قاعده مستثنا بود، شاید به این دلیل که دختر یکی از شاهان پرقدرت اسپارتی بود. آتنی‌ها قانونی وضع کردند که طی آن ساخت مقبره‌های باشکوه ممنوع شد. برای احداث هیچ مقبره‌ای نباید بیش از ۱۰ نفر کارگر بیش‌تر از سه روز کار می‌کردند.



سفر آخرت

جنازه‌ای را از منزلش به قبرستان می‌برند و عزاداران پیشکشی‌هایی همراه دارند. عزاداران برای نشان دادن غم خود موهای‌شان را کوتاه می‌کردند، گونه‌های‌شان را با ناخن می‌خراشیدند و خون می‌انداختند و جامهٔ سیاه به تن می‌کردند. اگر قرار بود مراسم تشییع جنازه در گورستان برگذار شود، ظروف غذا را همان‌جا می‌گذاشتند و به خانه برمی‌گشتند.

سفری به دنیای نمایش

نخستین نمایش‌های یونانی در معابد به افتخار خدایان اجرا می‌شدند. داستان این نمایش‌نامه‌ها آمیزه‌ای از اسطوره و تاریخ بود و در آن‌ها ماجراهای یونانیان پرآوازه و نیز خدایان و قهرمانان افسانه‌ای بازگو می‌شد. بازیگران، که همگی مرد بودند، به همراه گروه کر و رقصندگان که به شرح کنش بازیگران می‌پرداختند، برنامه اجرا می‌کردند. هنر نمایش چنان محبوب و فراگیر شد که تماشاخانه‌های روباز در شهرهای بزرگ و مکان‌های مقدسی چون دلفی (Delphi) و اپیدور (Epidauros) احداث شد. بهترین نمایش‌نامه‌نویسان و اجراکنندگان جایزه می‌گرفتند. سه نمایش‌نامه‌نویس شهیر یونان باستان آشیلوس (Aeschylus)، سوفوکل و ائورپیدس (Euripides) بودند. آن‌ها بیش از ۳۰۰ نمایش‌نامه نوشتند که از آن میان، تنها ۳۰ نمایش‌نامه باقی مانده است. از ۱۵۰ نویسندهٔ مشهور دیگر نیز هیچ اثری در دست نیست. نمایش‌نامه‌های یونان باستان هنوز هم درسراسر دنیا بر صحنه می‌روند.



صندلی افتخار

اکثر تماشاچیان تئاتر روی نیمکت‌های سنگی می‌نشستند. این صندلی کنده‌کاری‌شده، احتمالاً جایگاه مقامی دولتی یا کسی بوده که خرج اجرای نمایش را داده بود.



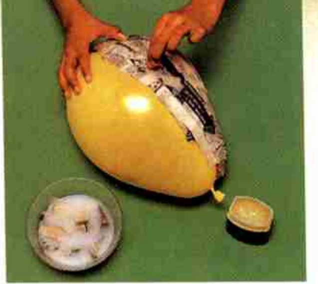
تماشاخانه

تماشاخانه‌های بزرگی مثل این تماشاخانه در افسوس، در ساحل ترکیهٔ امروزی، سیستم آکوستیک بسیار پیشرفته و بیش از ده هزار نفر گنجایش داشت. به صحنه‌ـ دایره‌ای متشکل از خاک فشرده در مرکز تماشاخانه‌ـ ارکسترا (orchestra) می‌گفتند که به معنای صحنهٔ رقص است.

نقاب پرنده

مواد مورد نیاز: بادکنک، پاپیه ماشه (روزنامه‌ای که درمخلوطی از یک پیمانه آب و دو پیمانه چسب چوب خیسانده می‌شود)، وازلین، خودکار سیاه، قیچی، رنگ، قلم‌مو، دو تکه مقوای آجری‌رنگ (۲۰ × ۱۰ سانتی‌متر)، چسب ماتیکی، پرگار، دو تکه مقوای قرمز (۴۰ × ۴۰ سانتی‌متر) و بند.

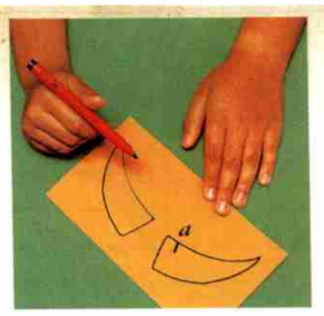




۱. بادکنکی را به اندازهٔ سرتان باد کنید. قسمت جلو و پهلوهای آن را با وازلین چرب کنید. چند لایه پاپیه ماشه روی آن بچسبانید. وقتی پاپیه ماشه‌ها خشک شدند، بادکنک را بترکانید.



۲. از دوست‌تان بخواهید محل چشم‌ها و نوک گوش‌های‌تان را روی نقاب علامت بزنند. این ناحیه‌ها را سوراخ کنید. کل نقاب را مانند تصویر نهایی رنگ کنید.



۳. روی مقوای نارنجی دو منقار بکشید. روی مقوای بعدی هم دو منقار بکشید . یک سانتی‌متر از قاعدهٔ منقار به بالا علامت بزنید (لبه‌ای که در تصویر بالا با حرف a مشخص شده است).
















برنامهٔ کمدی

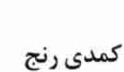
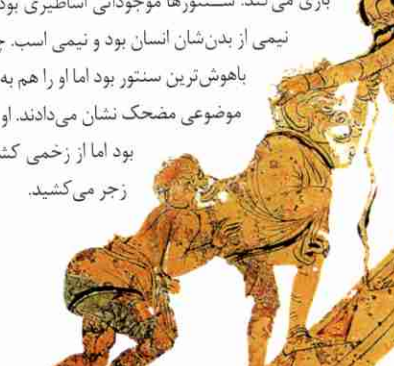
در این مجسمهٔ کوچک متعلق به سدهٔ دوم قبل از میلاد، بازیگری را با ماسک کمدی می‌بینیم که روی محرابی نشسته است. او از ترس تنبیه‌شدن به معبدی پناه برده است. مردم از نمایش‌نامه‌های کمدی بیش‌تر لذت می‌بردند، اما اصولاً کمدی را پست‌تر از تراژدی می‌دانستند.

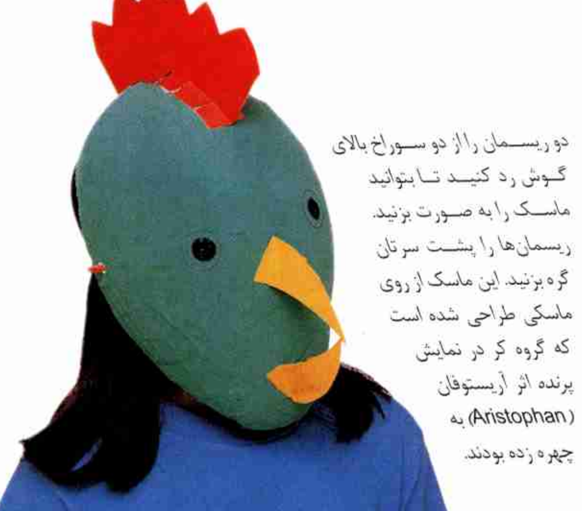
نقش‌ها

نقش‌آفرینان یونانی برای ایفای نقش‌های مختلف و نشان‌دادن احساسات متفاوت نقاب به چهره می‌زدند. به این ترتیب، با عوض کردن نقاب، هر بازیگری می‌توانست در یک نمایش چندین نقش ایفا کند. همهٔ بازیگران مرد بودند و برخی نقش زنان را بازی می‌کردند. زنان حق ایفای نقش نداشتند و گاهی حتی اجازه نداشتند به تماشای نمایش‌ها بروند.

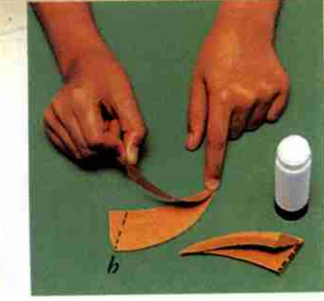
کمدی رنج

در این صحنهٔ کمدی، بازیگری که در وسط صحنه مشاهده می‌کنید، نقش سنتوری (Centaur) به نام خیرون (Cherion) را بازی می‌کند. سنتورها موجوداتی اساطیری بودند که نیمی از بدن‌شان انسان بود و نیمی اسب. چریون باهوش‌ترین سنتور بود اما او را هم به شکل موضوعی مضحک نشان می‌دادند. او نامیرا بود اما از زخمی کشنده زجر می‌کشید.

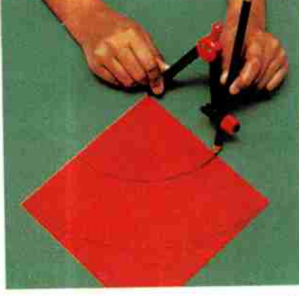





دو ریسمان را از دو سوراخ بالای گوش رد کنید تا بتوانید ماسک را به صورت بزنید. ریسمان‌ها را پشت سرتان گره بزنید. این ماسک از روی ماسکی طراحی شده است که گروه کر در نمایش پرنده اثر آریستوفان (Aristophan) به چهره زده بودند.



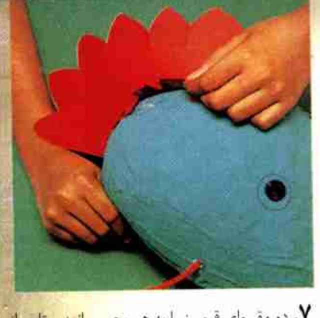
۴. از گوشهٔ بالایی منقار خطی اریب به نقطه a رسم کنید(b). خط را تا بزنید. دو لبهٔ منقار را به هم بچسبانید. این کار را برای منقار زیرین تکرار کنید.



۵. نوک سوزن پرگار را روی یک گوشهٔ مقوای قرمز بگذارید و دو دایره به شعاع ۱۰ سانتی‌متر و ۲۰ سانتی‌متر رسم کنید. دو خط را ببرید.



۶. لبهٔ بالایی مقوای قرمز را به شکل پر پرنده ببرید. هلالی به قطر ۵ سانتی‌متر از قاعدهٔ تاج رسم کنید و روی آن ۱۴ برش بزنید (مثل تصویر). همین کار را روی مقوای قرمز باقی‌مانده هم انجام دهید.



۷. دو مقوای قرمز را به هم بچسبانید و تاج را روی نقاب نصب کنید و نوک پرنده را هم با چسب بچسبانید. چشم‌ها را نقاشی کنید.

موسیقی و رقص

موسیقی و رقص نقش مهمی در زندگی یونانیان داشت. مردم در آیین‌های مذهبی آواز می‌خواندند، بازی می‌کردند و می‌رقصیدند. در جشن‌های خانوادگی، نمایش‌ها، بزم‌ها و مجالس میگساری موسیقی وسیلهٔ سرگرمی بود. از نت‌هایی که آن زمان نواخته می‌شدند نوشته‌های چندانی در دست نیست اما چندین ساز از آن دوران باقی مانده است. رایج‌ترینِ سازها نی‌لبک بود. این ساز بادی شبیه اُبوا (oboe) و کلارینت (clarinet) بود. نی‌لبکی که به تنهایی نواخته می‌شد آئولوس (*aulos*) نام داشت . دو نی‌لبک درکنار هم آئولوی (*auloi*) نام می‌گرفتند. چنگ و فلوت نیز از دیگر سازهای رایج بودند. نوای چنگ باشکوه و پر ابهت بود. اغلب، مردانی از طبقهٔ اشراف همراه با کسی که شعری می‌خواند چنگ می‌نواختند. فلوت را اغلب دخترکان رقصنده و بردگان می‌نواختند.

سربازان یونانی یکی از سختی‌های جنگ را نبود موسیقی در میدان نبرد می‌دانستند. سربازان اسپارتی این مشکل را حل کرده بودند و هنگام رفتن به سوی میدان جنگ فلوت می‌نواختند. یونانیان معتقد بودند که موسیقی نیرویی جادویی دارد. در افسانه‌های یونان آمده است که اورفه (Orpheus) با نوای چنگ خود جانوران وحشی را آرام می‌کرد. در اسطوره‌ای دیگر آمده است که آمفیون (Amphion)، پسر زئوس، با نواختن چنگ کاری کرد که سنگ‌ها به حرکت درآمدند و دیواری دور شهر تبس کشیدند.

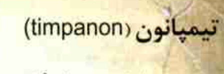
کنترل نفس

نواری چرمی که دور گونه‌های نوازندهٔ آئولوی بسته می‌شد به وی کمک می‌کرد تا نفسش را کنترل کند. از یک لولهٔ نی ملودی بیرون می‌آمد و از لولهٔ دیگر صدای بمی که در همراهی با ملودی به آن عمق می‌بخشید. برای نواختن نت‌های مختلف روی بدنهٔ آئولوس از ۳ تا ۲۴ سوراخ تعبیه می‌شد.



دنگ! دونگ !

مجسمهٔ مفرغی فوق نوازنده‌ای در حال نواختن سیمبال (cymbal) است. صدای سیمبال شبیه صدای ساز کوبه‌ای دیگری به نام کاستانت (castanet) است. یونانیان برای همراهی رقصندگان سیمبال می‌نواختند. از دیگر سازهای کوبه‌ای، می‌توان به قاشقک‌های چوبی و طبل‌هایی که مثل تامبورین (tamborine) در دست گرفته می‌شدند، اشاره کرد.



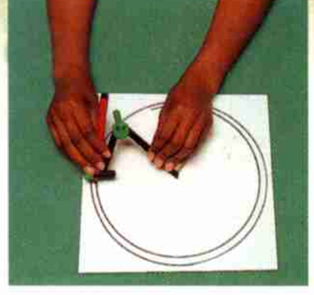
تیمپانون (timpanon)

مواد مورد نیاز: قیچی، مقوای آکاردئونی، نوار مدرج، بشقاب، مقوای سفید، پرگار، مداد، چسب چوب، نوار چسب ، روزنامه، کاغذ روغنی، روان‌نویس‌های نوک‌نمدی قرمز و ارغوانی، مقوای نارنجی، روبان‌های قرمز و زرد.





۱. از مقوای آکاردئونی نواری به عرض ۵ سانتی‌متر ببرید و آن را دور بشقاب بپیچید . طول نوار باید ۶ سانتی‌متر بلندتر از محیط بشقاب باشد.



۲. بشقاب را وارونه روی مقوای سفید بگذارید. دور آن را خط بکشید . با پرگار درون این دایره دایره‌ای ۳ سانتی‌متری کوچکی رسم کنید. این حلقهٔ ۳ سانتی‌متری را ببرید.



۳. نوار مقوایی آکاردئونی را که در مرحلهٔ اول درست کرده‌اید، به لبهٔ این حلقه بچسبانید. برای استحکام بیش‌تر از نوار چسب استفاده کنید.

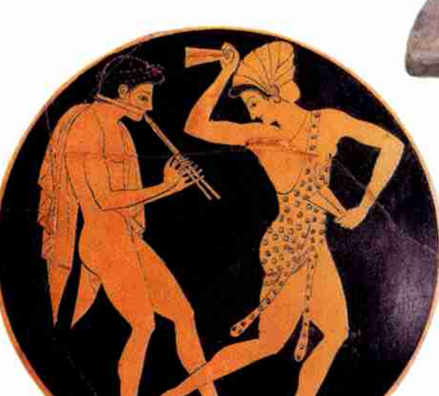
موسیقی ملکوتی

ترپسیخوره (Terpsichore) یکی از ۹ روح هنر یا موزها (Muses) بود. او روح رقص و موسیقی بود. در این‌جا او چنگ می‌نوازد و همراهانش چنگ و آئولوی در دست دارند. از موزهای دیگر می‌توان به پولیمنی (Polyhymnia)، روح تصنیف، و یوترپه (Euterpe)، روح فلوت، اشاره کرد.

ساز کوبه‌ای

تیمپانون تامبورینی بود که برای ساختن آن پوست حیوانی را روی قابی می‌کشیدند. این ساز کوبه‌ای را با دست می‌نواختند و ساز همراه تک‌نوازی و رقص بود. سازهای زهی و بادی سازهای برتری تلقی می‌شدند چون نوای آن‌ها با شکوه‌تر بود و در موقعیت‌های رسمی یا خاص نواخته می‌شدند. طبل، سیمبال و قاشقک سازهای همراه نوازندگان دوره‌گرد بودند.

برای نواختن تیمپانون، مثل یونانیان باستان، با انگشت به آن ضربه بزنید.

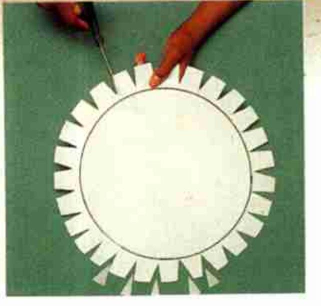


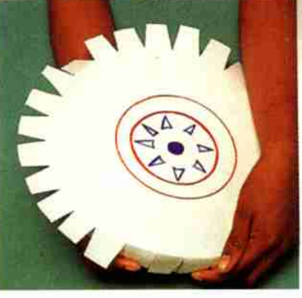


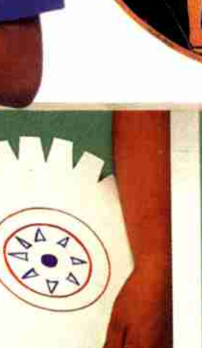
سرگرم کردن

نقش روی این بشقاب مرد جوانی است که آئولوی می‌نوازد و زنی که همراه اوست می‌رقصد. در میهمانی‌های شام اغلب نوازندگان حرفه‌ای برای سرگرم‌کردن میهمانان دعوت می‌شدند. گاهی نوازندگان بردگان خانگی بودند.









۴. با مخلوط یک پیمانه چسب و دو پیمانه آب محلول پاپیه‌ماشه درست کنید. روزنامه را به صورت نوار ببرید و آن‌ها را داخل ظرف پاپیه‌ماشه بخیسانید. با روزنامه‌های خیس حلقهٔ مقوایی مرحله ۳ را کاملاً بپوشانید.

۵. بشقاب را روی کاغذ روغنی بگذارید و دورش خط بکشید. ۵ سانتی‌متر بزرگ‌تر از دایره به دست آمده، دایرهٔ دیگری بکشید. مانند تصویر دورتادور دایره ۲۸ مثلث کوچک ببرید.

۶. نقشهٔ فوق را روی کاغذ بکشید. کاغذ را روی حلقهٔ مقوایی قرار دهید. لبه‌های کاغذ را با چسب به حلقه بچسبانید.

۷. از مقوای نارنجی نواری برای دورتادور تیمپانون خود ببرید و آن را دور حلقه بچسبانید. طرحی زیگزاگ دور آن رسم کنید. با روبان‌های قرمز و زرد ۴ پاپیون درست کنید و دور ساز بچسبانید.

هنر و صنعت

هنرمندان و صنعتگران یونان باستان به دلیل کیفیت آثارشان ستوده می‌شدند. از آن‌ها آثار هنری ارزشمندی چون سفالینه‌های زیبا، جواهرات ظریف و مجسمه‌های تحسین‌برانگیز در دست است. مواد اولیه‌ای که از آن‌ها استفاده می‌کردند سنگ، طلا، نقره، شیشه، جواهرات و مفرغ بود. آن‌ها از چوب، چرم، استخوان، عاج و شاخ نیز استفاده می‌کردند. اغلب کالاها در اندازه‌های کوچک در کارگاه‌های اطراف آگورا (بازار) ساخته می‌شدند. صنعتگران به تنهایی، با کمک اعضای خانوادهٔ خود یا همراه یک یا چند برده کار می‌کردند. در کارگاه‌های بزرگ شهرهایی چون آتن، بردگان کالاهای مصرفی و محبوب عموم مردم را به‌صورت انبوه تولید می‌کردند. این تولیدات شامل سپر، سفالینه و ظروف فلزی بود که به کشورهای مجاور دریای مدیترانه صادر می‌شدند تا از این راه سود سرشاری حاصل شود.



مواد خام

طلا مادهٔ وارداتی گران‌قیمتی بود که از آن فقط در ساخت وسایل تزیینی لوکسی مثل جواهرات استفاده می‌شد. گاهی هم از آن در تزیین مجسمه‌ها و ضرب سکه استفاده می‌کردند. از سفال در تولید کالاهای متعددی، از گلدان گرفته تا مجسمه‌های کوچک، استفاده می‌شد.



تولید انبوه

قالبی سفالی را در بالا و مجسمه‌ای را که با این قالب ساخته شده است در سمت راست مشاهده می‌کنید. قالب‌سازی کاری هنرمندانه و وقت‌گیر بود. با استفاده از قالب، تولید محصول سریع‌تر و ارزان‌تر از زمانی انجام می‌گرفت که کارها تک‌تک ساخته می‌شدند.

گلدان آتنی

مواد مورد نیاز: بادکنک، کاسه، چسب چوب، آب، روزنامه، دو حلقه، نوار چسب، خودکار مشکی، قیچی، کاغذی به ابعاد ۴۲ × ۳۰ سانتی‌متر، مقوا، مداد، قلم‌مو، رنگ سیاه و کرم.





۱. بادکنک را باد کنید. دور آن را با دو لایه پاپیه‌ماشه (کاغذ غوطه‌ور در مخلوطی از دو پیمانه آب و یک پیمانه چسب) بپوشانید. صبر کنید یک طرف خشک شود.



۲. با استفاده از قالب نوار چسب در دو طرف بادکنک دو دایرهٔ بزرگ بکشید و ببرید. بادکنک را بترکانید و از قالب درآورید.



۳. کاغذ را لوله کنید. لولهٔ کاغذ باید درست اندازهٔ قالب نوار چسب باشد. لوله را با چسب به قالب نوارچسب بچسبانید.



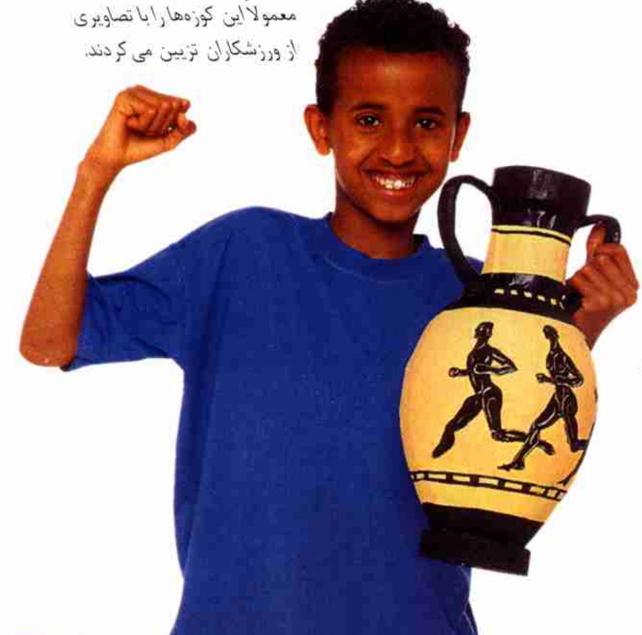
کار در گرما

در ایـن تصویر، دو آهنگـر را کنار کوره‌ای آجـری در حال تفت‌دادن فلز می‌بینیم. تولید محصولات آهنی کاری پرهزینه بود. سوخت کوره‌ها زغال چوب (چوب سوخته) بود که سـوختی گران محسـوب می‌شد، چون چوب در یونـان کمیاب بود. افزون بر این، مواد فلزی باید اغلب از نواحی دوردسـت وارد می‌شدند، مثلاً قلـع که باید با رویـی که در یونان یافت می‌شد درمی‌آمیخت تا مفرغ به دست آید، از جنوب اسپانیا وارد می‌شد.



نقش گلدان

نقاشـی سـیاه‌قلم روی گلدان از حـدود سـال ۷۰۰ قبـل از میلاد در کارینت رایج شد. پس از آن، نقاشـی با رنگ سـرخ در حدود سال ۵۲۵ قبل از میـلاد در آتن رواج یافت. همهٔ نقاشان ناشناخته نبودنـد. برخی از آنـان آن‌قدر مشـهور بودند که کار خود را امضا می‌کردند. صـادرات گلدان‌هایی مثل این گلدان منبع عظیـم درآمد برای آتن و کورنیت بود.



کوزه‌هایـی مثـل ایـن، جایزهٔ برندگان مسـابقات آتـن بودند. معمولاً این کوزه‌ها را با تصاویری از ورزشکاران تزیین می‌کردند.

سینه‌ریز طلا



این سینه‌ریز طلا در سدهٔ هفتم قبل از میلاد در جزیرهٔ رودس (Rhodes) ساخته شد. طلا در یونان کمیاب بود. معمولاً طلا را با هزینهٔ زیاد از کشورهای همسایه، مثل مصر و آسیای صغیر، وارد می‌کردند.



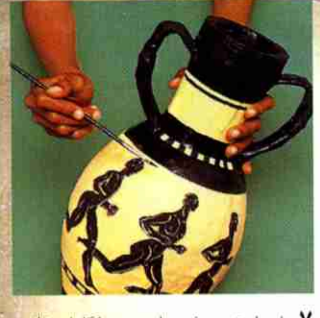
۴. لولـهٔ کاغذ را از درون قالـب بادکنکی رد کنید. آن را با چسـب محکم کنید. قالب نوار چسـب را به ته گلدان بچسبانید.



۵. قالب بعدی را به سـر لولهٔ کاغذی بچسـبانید. مطمئن شـوید که هر دو حلقهٔ چسب محکم در دو سر لولهٔ کاغذی چسبیده‌اند.



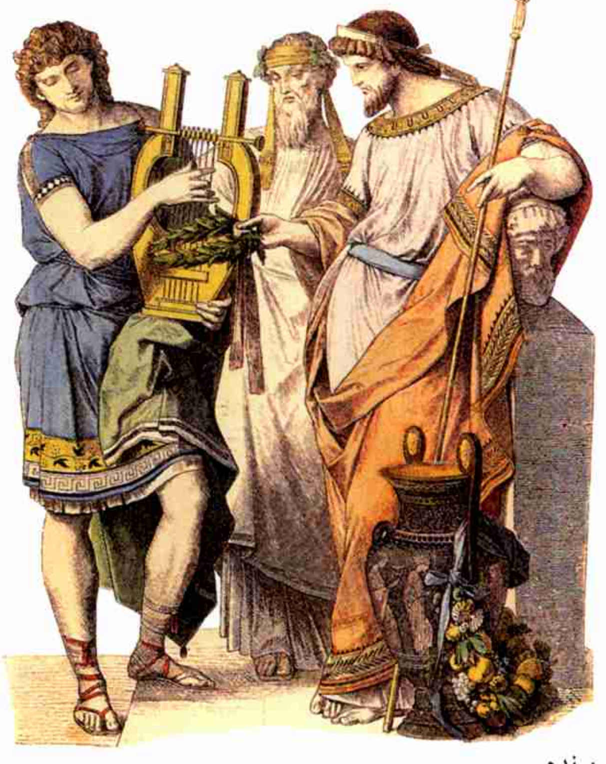
۶. دو نوار به طول ۱۵ سانتی‌متر از مقوا ببرید. مثل تصویر دو نوار مقوایی را به جای دسـتهٔ گلدان به بدنه بچسبانید. کل گلدان را با پاپیه‌ماشه بپوشانید و صبر کنید خشک شود.



۷. با مداد تصویر فوق را روی بدنهٔ گلدان نقاشی کنیـد. آن را بـا دقت رنگ کنیـد و صبر کنید تا خشک شود.

ورزش و تناسب اندام

تناسب اندام نشـانهٔ آمادگی فرد برای شرکت در نبرد بود. اما یونانیان به ورزش نیز بسـیار علاقه‌مند بودند و در هر شهری ورزشـگاهی بزرگ احداث می‌شد تا مردان در آن‌جا جمع شوند و به ورزش و استراحت بپردازند. در یونان رقابت‌های انفرادی به رقابت‌های تیمی ارجحیت داشـت و در اکثر جشـنواره‌های مذهبی مسابقات دو به افتخار خدایان برپا می‌شد. بدین ترتیب، اساس بازی‌های المپیک در سـال ۷۷۶ قبل از میلاد نهاده شـد. بازی‌های المپیک هر چهار سال یک‌بار در رشـته‌هایی چون پرش طول، پرتاب دیسک، پرتاپ نیزه، مشت‌زنی، کشتی، ارابه‌رانی و اسـب‌دوانی برگذار می‌شد. افزون بر این‌ها، غالباً رقابت‌هایی در زمینهٔ نمایش و مشـاعره نیز برپا می‌کردند. رقابت وحشـیانه‌ای نیز در آن روزگار رواج داشت که به آن پانکراتیون (*Pankeration*) (قدرت مطلق) می‌گفتند. این رقابت آمیزه‌ای بود از مشت‌زنی و کشتی که در آن تنها تاکتیک‌های ممنوع گاز گرفتن و درآوردن چشم حریف بود. هنگام برپایی المپیک در همه جنگ‌ها موقتاً آتش‌بس اعلام می‌شد تا مردم از اطراف و اکناف بتوانند بی‌خطر سفر و در بازی‌ها شرکت کنند. زنان اجازه نداشتند در رقابت‌ها شرکت کنند یا حتی به تماشای مسابقات بروند، اما آن‌ها خودشـان بازی‌های خاصی داشـتند که به افتخار هرا در المپیا (Olympia) برپا می‌شد.



برنده

پادشاهی یونانی (سمت راست) تاج افتخار را به برندهٔ المپیک می‌دهد. راهبی پشت آن‌ها ایستاده است تا به حریفان یادآوری کند که روی خاکی مقدس مبارزه می‌کنند. بازی‌های المپیک جایزهٔ نقدی نداشت، اما از آن‌جا که برندگان مایهٔ افتخار شهر خود بودند، وقتی به خانه برمی‌گشتند هدیه‌ای نقدی یا غذای رایگان مادام‌العمر می‌گرفتند.



ستارگان ورزشی

در این تصویر که نقش گلدانی اسـت ، یک پرندهٔ طول را با وزنه‌ای در دسـت، یک پرتاب‌کنندهٔ دیسـک و دو مرد نیزه به دسـت را مشاهده می‌کنیـم. آن‌ها نماد سـه ورزش از ورزش‌های پنج‌گانـهٔ یونان‌اند که به پنتاتلون (*Pentathlon*) معروف اسـت. دو ورزش دیگر کشـتی و دومیدانی بودند. پنتاتلون با دومیدانی شـروع می‌شـد و پس از آن، به ترتیب، رقابت‌های پرتاب نیزه، پرتاب دیسک و پرش طول انجام می‌شد. دو حریفی که در این رقابت‌ها بالاترین امتیاز را کسـب می‌کردند، باید در دور نهایی با هم کشـتی می‌گرفتند تا برندهٔ نهایی مشـخص شود. اغلب ورزشکاران آماتور بودند. ورزشکاران حرفه‌ای فراوانی هم بودند که تعلیم می‌دیدند و در مسابقات خاص به رقابت می‌پرداختند.

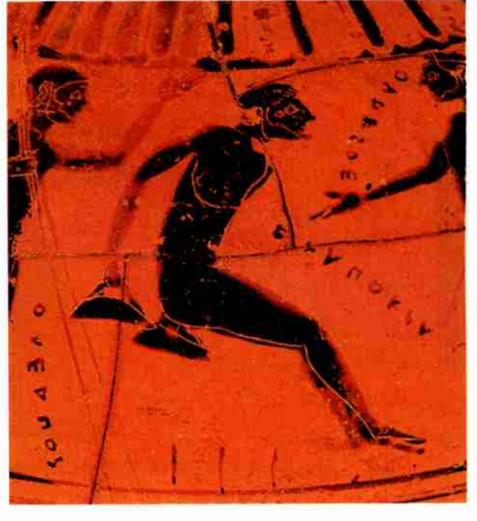
تسهیلات ورزشی

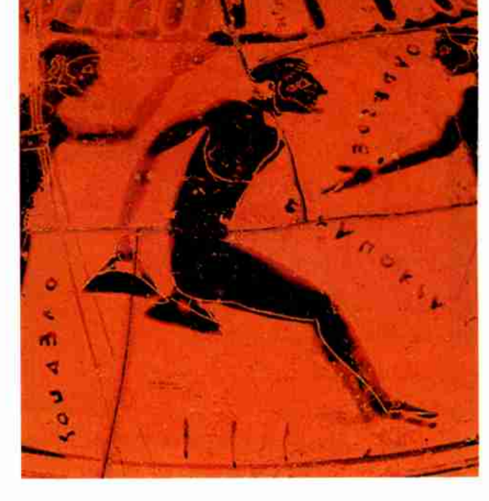
بخش عمده‌ای از المپیا ــ محل برگذاری نخستین دوره‌های المپیک ــ از سال ۱۸۲۹ در کاوش‌های باستان‌شناسی از دل خاک بیرون آورده شده است. در آن دوران، تسهیلات فراوانی برای رقبا و تماشاگران درنظر گرفته می‌شد. در قلب المپیا دو معبد بزرگ به افتخار زئوس و هرا ساخته شده بود. در میان ساختمان‌های اطراف معبد میهمان‌خانه، رستوران، ورزشگاهی بزرگ برای تمرین کردن و میدانی بیضی‌شکل (hippodrome) برای مسابقات اسب‌دوانی و ارابه‌رانی ساخته می‌شد. المپیا ناحیهٔ پهناوری بود، اما هرگز شهر نشد، چون نه سکنهٔ دائمی داشت و نه دولتی محلی.



رفتن به دوردست‌ها

پرندگان طول معمولاً هنگام پرش وزنه‌ای سنگین به‌دست می‌گرفتند تا شتاب‌شان بیش‌تر شود. این وزنه عامل تعادل‌شان هم بود. آن‌ها روی بستری از خاک نرم فرود می‌آمدند. نرمی خاک هم از صدمه دیدن ایشان جلوگیری می‌کرد و هم اثر پای‌شان به‌خوبی روی آن نمایان بود و داوران به راحتی می‌توانستند میزان پرش آن‌ها را اندازه بگیرید.







بازی خطرناک

در پایان مسابقهٔ ارابه‌رانی، مردی مسلح از ارابه در حال حرکت پایین می‌پرید و شروع می‌کرد به دویدن. این قسمت به‌تدریج از مسابقات حذف شد، چون همیشه حوادث مفتضحانه، به‌جای برانگیختن تحسین تماشاچیان، آن‌ها را به خنده می‌انداخت. اغلب ارابه‌ها واژگون می‌شدند و فاجعه‌ای مصیبت‌بار به وجود می‌آمد. در مسابقات ارابه‌رانی حدود ۴۰ ارابه در ۱۲ حلقه دور میدانی با محیط ۱۱۰۰ متر به رقابت می‌پرداختند. برندهٔ نهایی مالک ارابه و اسب بود، نه ارابه‌ران.



آماده شدن

ورزشکاری با روبانی موهایش را می‌بندد تا موهایش جلوی چشمانش را نگیرد. اغلب شرکت‌کنندگان بازی‌های المپیک برهنه وارد صحنه می‌شدند. یونانیان معتقد بودند که ورزش زیبایی و نیروی مردانه را باشکوه‌تر جلوه می‌دهد. زنان شرکت‌کننده در رقابت‌هایی که به افتخار هرا برپا می‌شد بالاپوش‌های کوتاهی به تن می‌کردند.

از این طرف

رقابت‌کنندگان بازی‌های المپیک از طریق این گذرگاه سرپوشیده وارد ورزشگاه می‌شدند. سنگ‌چین‌های پوشیده از چمن دور ورزشگاه گنجایش ۴۰۰۰۰ تماشاچی را داشتند.

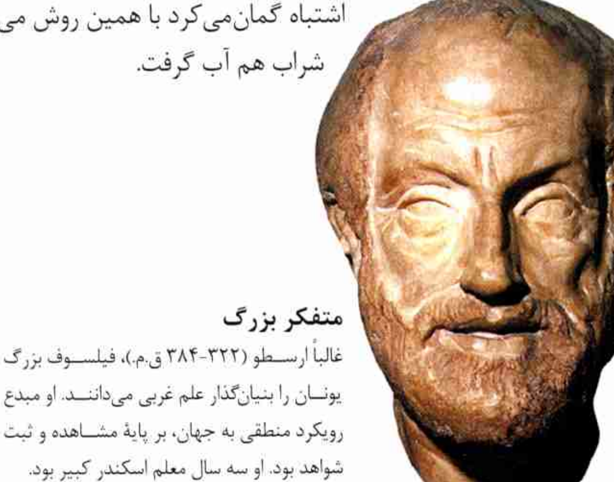
علم و فلسفه

یونانیان برای مطالعه و تفکر فرصت کافی داشـــتند، چون تمدن‌شان هم ثروتمند بود و هم امن. آن‌ها نجوم را از اهالی بابل (Babylon) و ریاضیات را از مصریان آموختند. آن‌ها بـا اتکا به دانش علمی خود به اختراعات کاربردی فراوانی چون ســاعت آبی، چرخ‌دنده، دستگاه‌های سکه‌ای و ماشین‌های بخار دست یافتند. با این حال، یونانیان آن‌قدر بنده و غلام داشتند که لازم نبود از اختراعات‌شان زیاد استفاده کنند.

کلمهٔ فلسفه مشـــتق از واژهٔ یونانی *philosophos* به معنای عشـــق به دانش اســـت. یونانیان شـاخه‌های متعددی در فلســفه ایجاد کردند. سه شاخهٔ عمدهٔ فلسفه عبارت‌اند از سیاســت (بهترین روش ادارهٔ کشــور)، اخلاقیات (بهترین رفتار) و فلسفهٔ عالم هستی (جهان چطور عمل می‌کند). فیلسوفان یونان به تجربه بسیار ارزش می‌دادند، اما همیشه نمی‌توانستند محدودیت‌های‌شـان را در نظر بگیرند. ارسطو (Aristotle) کشف کرد که با تبخیر می‌توان آب شـور را به آب خالص تبدیل کرد، اما به اشتباه گمان‌می‌کرد با همین روش می‌توان از شراب هم آب گرفت.

برج ساعت

در برج بادها درآتن یک ساعت آبی هست. این ساعت آبی، که اختراع مصریان بود، سطل آبی بود که ســوراخی ته آن تعبیه شــده بود. درون سطل مدرج بود و وقتی آب قطره‌قطره از ســوراخ خارج می‌شــد ســطح آب به‌تدریج در ســطل پایین می‌آمد و به سطح درجات تعیین‌شــده در داخل سطل می‌رسید که نشــانهٔ زمان بود. یونانیان این اختراع ابتدایی را پیچیده‌تر ساختند و از جریان آب برای گردش عقربه‌ای روی صفحه‌ای استفاده کردند.



متفکر بزرگ

غالباً ارســطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م.)، فیلســوف بزرگ یونــان را بنیان‌گذار علم غربی می‌داننــد. او مبدع رویکرد منطقی به جهان، بر پایهٔ مشــاهده و ثبت شواهد بود. او سه سال معلم اسکندر کبیر بود.

پیچ ارشمیدس

مواد مــورد نیاز: بطری پلاســتیکی خالی و تمیز، قیچــی، گل ســفالگری، نوار چســب پهــن، لولهٔ پلاســتیکی شــفاف، کاســهٔ آب، رنگ غذا به رنگ آبی، کاسهٔ خالی.

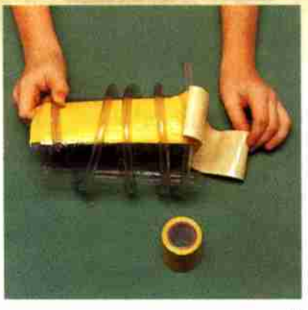




۱. ســر بطری را ببرید. گلولهٔ ســفال را درون بطری نزدیک ۵ سانتی‌متر به انتهای آن قرار دهید. با قیچی این ناحیه را سوراخ کنید.



۲. نوارچســب پهنی به اندازهٔ طــول بطری ببرید و آن را وســط بطری بچسـبانید. به این ترتیب، بطری محکم‌تر می‌شود.



۳. لوله را دور بطری بپیچانید. لوله باید از ســر تا ته بطری پیچیده شــود. لوله را با چسب روی همان نوار چسب قبلی بچسبانید.



بالا برندهٔ آب

وقتی پیچ ارشمیدس گردانده شود، آب از سطحی به سطح دیگر می‌رسد. این اختراع به نام مخترعش ارشمیدس (حدود ۲۷۸ تا ۲۱۱ ق.م.) نامیده شده است. ارشمیدس متولد سیراکوس سیسیل بود. از این وسیله هنوز هم استفاده می‌شود.



پدر هندسه

اقلیدس (Euclid) (حدود ۲۶۰-۳۳۰ ق.م.) ریاضی‌دان بود. او در شهر یونانی ـ مصری اسکندریه زندگی می‌کرد. او را پدر هندسه می‌دانند. واژه geometry (هندسه) در زبان یونانی به معنای «مساحی» است. هندسه علم مطالعهٔ نقاط، خطوط، منحنی‌ها، سطوح و روش اندازه‌گیری آن‌هاست. کتاب هندسهٔ او اصول هندسه (*Elements*) نام داشت. این کتاب تا اوایل قرن بیستم، یعنی حدود ۲۰۰۰ سال پس از مرگش، همچنان تدریس می‌شد. در تصویر صفحهٔ نخست یکی از چاپ‌های این کتاب را می‌بینید که در سال ۱۷۳۲ در لندن منتشر شد.



با اختراع پیچ ارشمیدس کشاورزان توانستند از طریق کانال‌های آبیاری به مزارع خود آب برسانند. بدین‌ترتیب، دیگر لازم نبود مدام بروند و با سطل از رودخانه آب بیاورند.

۴. چند قطره رنگ خوراکی آبی درون ظرفی بریزید. آن را هم بزنید تا رنگ یکدست پخش شود.



۵. یک سر بطری را درون ظرف حاوی رنگ آبی قرار دهید. سر آزاد لوله باید به سمت درون ظرفی خالی قرار گیرد.



۶. بطری را درون آب رنگی بچرخانید. می‌بینید که آب از درون شلنگ بالا می‌آید و به‌تدریج درون ظرف دیگر می‌ریزد.

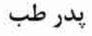
پزشکی



یونانیان معتقد بودند که شفای نهایی زخم‌ها و بیماری‌ها در دست خدایان است. با این حال، دیدگاهی علمی در مورد طبابت داشتند. طبیبان یونانی زخم‌ها و جراحت‌های حاصل از نبرد را با باندپیچی و جا انداختن استخوان درمان می‌کردند. آن‌ها در طبابت خود بر استراحت، رژیم و داروهای گیاهی متکی بودند. اما در درمان بیماری‌های همه‌گیر و کشنده، مثل طاعون، ناتوان بودند. پزشکان یونان باستان سلامتی را نشانهٔ تعادل بین چهار مایع اصلی بدن — خون، بلغم، صفرا و سودا — می‌دانستند. درصورت به هم خوردن توازن بین این چهار مایع، آن‌ها فنجانی فلزی را حرارت می‌دادند و با گذاشتن آن روی بدن مایع‌های اضافی مضر را بیرون می‌کشیدند. آن‌ها عرق حاصل ازاین کار را نتیجهٔ کارایی روش خود تلقی می‌کردند. این روش نادرست تا قرن هفدهم در اروپا رواج داشت.

پدر طب

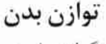
بقراط (Hippocrates) مدرسه طب را حدود سال ۴۰۰ قبل از میلاد بنیان نهاد. او به شاگردان خود می‌آموخت که مشاهدهٔ نشانه‌ها مهم‌تر از اتکای صرف به تئوری است. شاگردان او سوگند می‌خوردند که از دانش خود برای شفای بیماران استفاده کنند و به کسی صدمه نزنند.





خدای شفادهنده

یونانیان آسکلپیوس (Asclepius) را خدای شفابخشی می‌دانستند. این‌جا او را همراه ماری که نشانهٔ خرد است می‌بینیم. بیماران جویای شفا به زیارت معبد او می‌رفتند.



توازن بدن

گرفتن خون روشی رایج برای برقراری توازن درونی بدن به شمار می‌رفت. در این کنده‌کاری ابزار جراحی و وسایل حجامت دیده می‌شود. گاهی از این طریق سموم از بدن خارج می‌شوند، اما اغلب با اجرای این روش بیمار ضعیف‌تر می‌شود.







پای پیشکشی

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، وردنه، خط کش، ابزار برش، قلم‌مو، رنگ آکریلیک کرم.



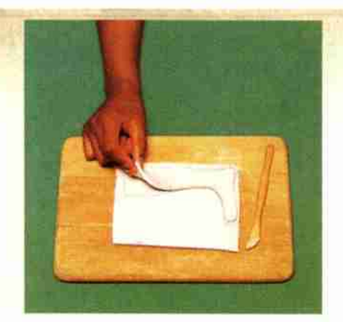




۱. گل سفالگری را به دو قسمت تقسیم کنید. با وردنه یک قطعه خمیر را به طول ۱۵ سانتی‌متر، به عرض ۱۰ سانتی‌متر و قطر ۲ سانتی‌متر روی تخته پهن کنید. این قسمت قاعدهٔ نقش شماست.



۲. با وردنه تکهٔ دوم سفال را پهن کنید. با ابزار برش شکل پا را از زیر زانو تا کف پا — مثل تصویر — روی سفال درآورید. این شکل باید آن‌قدر بزرگ باشد که یک طرف قاعده را بگیرد.



۳. پا را به آرامی روی کنارهٔ راست قاعده قرار دهید. با نوک ابزار برش دور پا روی قاعده خط بکشید. حالا پا را بردارید.



نظریه و عمل

بیماران رؤیاهای خود را برای طبیبان شــرح می‌دادند و طبیبان برای‌شــان درمانی تجویز می‌کردند. در این نقش برجســته، روحی شفابخش در قالب ماری به عیادت بیماری خفته رفته اسـت. در پیش‌زمینهٔ تصویر، طبیبی را در حال باندپیچی زخم بازوی بیماری می‌بینیم.

درمان طبیعی

یونانیان از داروهای طبیعی متعددی برای درمان بیماری‌ها استفاده می‌کردند. استفاده از داروهای گیاهی هم بسیار رایج بود. عدس و خردل و عسل را به شکل ضماد درمی‌آوردند و آن را روی زخم می‌گذاشتند.

عدس

عسل

خردل



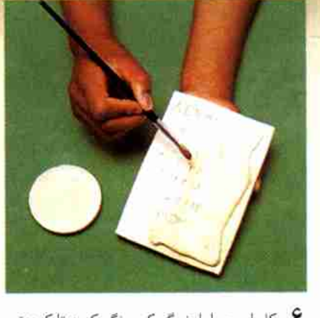
ابزار جراحی

یونانیــان از ابزار جراحی مفرغی، شــامل انبرک و میل جراحی اســتفاده می‌کردند. جراحی معمــولاً آخرین مرحلهٔ شــفا بود. حتی اگر جراحــی موفقیت‌آمیز هم انجام می‌شــد، بیماران اغلب از شوک و درد حاصل از آن یا عفونت پس از آن می‌مردند. جراحی اندام‌ها اغلب موفقیت‌آمیزتر از جراحی قفسهٔ سینه یا معده بود.

۴. طرح منتقل‌شــدهٔ پا را با نوک ابزار برش هاشور بزنید. بعد این پیــام یونانی را، مثل آن‌چه در تصویر می‌بینید، روی لوح سفالی کنار نقش پا حک کنید.



۵. پای سفالی را دوباره روی لوح پایه قرار دهید. با انگشت گوشه‌های آن را به لوح بفشارید. انگشت‌ها و ناخن‌ها را با نوک ابزار مدل‌سازی طراحی کنید.



۶. کل لــوح را با رنــگ کرم رنگ کنید تا کهنه‌تر به‌نظر برســد. یک روز طول می‌کشد تا لوح خشک شود. پای پیشکشی شما آماده است.



ایــن لــوح از روی لوحــی کــه برای تشــکر به آسکلپیوس تقدیم شده بود، طراحی شده است. کســی که پا درد داشــت این لــوح را به درگاه خدای سلامتی هدیه کرده بود. این کار در یونان باستان رایج بود.

سفر و تجارت



ضرب سکه

نقش این سکهٔ طلا زئوس، فرمانروای خدایان، در حال پرتاب آذرخش است. سکه نخستین‌بار در لیدیا (ترکیهٔ امروزی) در حدود سال ۶۳۵ قبل از میلاد ضرب شد و اندکی بعد، استفاده از آن در یونان رواج یافت. تا پیش از آن، یونانیان از شمش‌های نقره و میله‌ها آهنی برای داد و ستد استفاده می‌کرد. سکه‌های یونانی از نقره، مفرغ و ورشو ــ مخلوط نقره و طلا ــ ساخته می‌شدند.

زمین ناهموار و کوهستانی یونان امکان استفاده از سورتمه و ارابه را می‌گرفت و اغلب مردم یا پیاده سفر می‌کردند یا سوار الاغ می‌شدند. مسافرت دریایی راحت‌تر بود ــ در دریای مدیترانه آن‌قدر جزیره وجود داشت که می‌شد از بندری به بندر دیگر سفر کرد و همیشه خشکی را دید. قایق‌های بازرگانی اغلب بادبانی بودند، چون سنگینی بار آن‌ها پاروزدن را غیرممکن می‌کرد. ملوانان یونان قطب‌نما نداشتند. روزها نشانه‌های ساحل را دنبال می‌کردند و شب‌ها با بررسی ستاره‌ها راه خود را می‌یافتند. اما به‌هیچ یک از این دو روش نمی‌شد اتکا کرد. گاهی توفانی ناگهانی کشتی را از مسیر خارج یا آن را غرق می‌کرد. تجار با کشتی‌های خود روغن زیتون، پشم، شراب، نقره، سفالینه‌های ظریف و برده حمل می‌کردند و به‌جای آن‌ها گندم و الوار ــ دو مادهٔ کمیاب در یونان ــ می‌آوردند. دیگر واردات یونان قلع، مس، عاج، طلا، ابریشم و کتان بود.



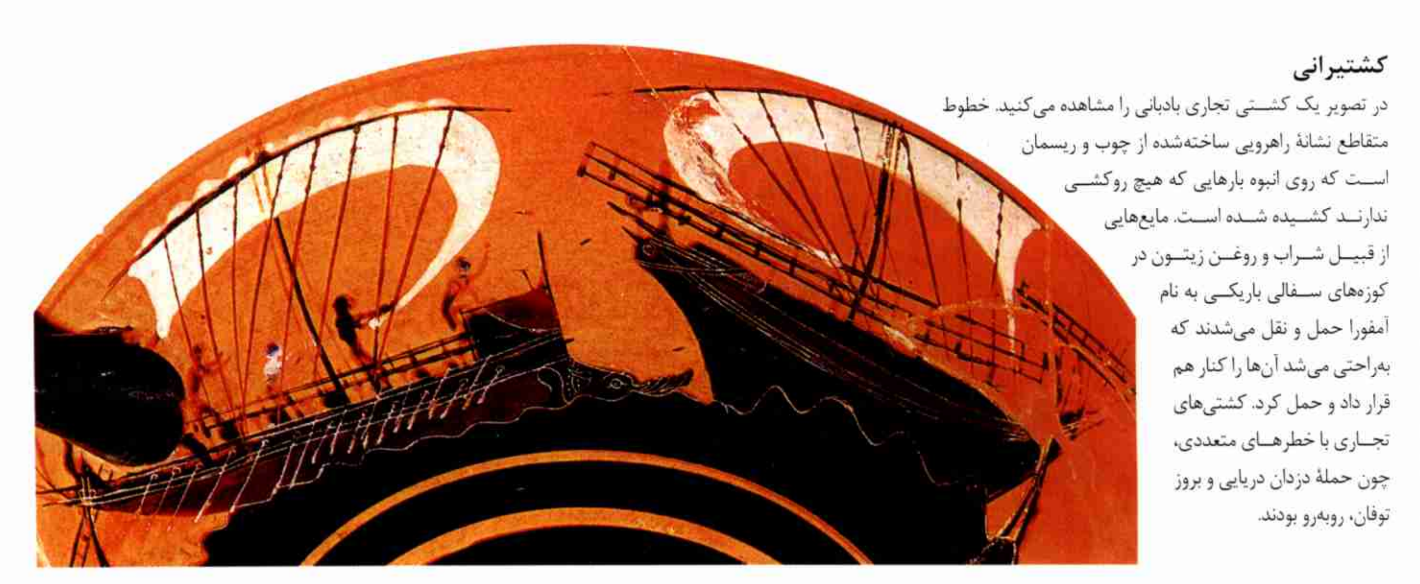
خدای دریاها

پوزئیدون خدای دریاها، اسب‌ها و زمین‌لرزه بود. ملوانان از شر توفان، مه و دزدان دریایی به درگاه او پناه می‌بردند و برایش قربانی می‌کردند. در تصاویر معمولاً او را با چنگکی سه‌دندانه می‌بینیم که سلاح رایج ماهیگیران یونان بود. در بندر تجاری کارینت، یک سال در میان، به افتخار او بازی‌هایی موسوم به بازی‌های برزخی (Isthmian Games) اجرا می‌شد.

پول پرارزش

شاید از نخستین سکه‌ها برای پرداخت دستمزد سربازان مزدور استفاده می‌شد، نه برای انجام دادن معاملات تجاری یا گرفتن مالیات. نقش نخستین سکه‌ها اغلب نمادی مذهبی یا نشان یک شهر بود. مدت‌ها گذشت تا رسم ضرب نقش سر حکمرانان رایج شد. نقش سکهٔ سمت راست تصویر خدای دریاها، پوزئیدون، است که چنگک سه دندانه‌اش را به‌دست دارد. نقش تصویر سمت چپ گل رزِ رودس است. بسیاری از کشورهای طرف تجارت یونانیان، به تقلید از ایشان، به ضرب سکه پرداختند.

کشتیرانی



در تصویر یک کشتی تجاری بادبانی را مشاهده می‌کنید. خطوط متقاطع نشانهٔ راهرویی ساخته‌شده از چوب و ریسمان است که روی انبوه بارهایی که هیچ روکشی ندارند کشیده شده است. مایع‌هایی از قبیل شراب و روغن زیتون در کوزه‌های سفالی باریکی به نام آمفورا حمل و نقل می‌شدند که به‌راحتی می‌شد آن‌ها را کنار هم قرار داد و حمل کرد. کشتی‌های تجاری با خطرهای متعددی، چون حملهٔ دزدان دریایی و بروز توفان، روبه‌رو بودند.

وزن کردن

بسیاری از کالاهای خشک به‌صورت فله‌ای فروخته می‌شدند و در ترازویی مثل این وزن می‌شدند. مأمورانی ناظر توزین و خرید و فروش بودند تا داد و ستد به سلامت اجرا شود. آن‌ها اجازه نمی‌دادند دو طرف معامله به هم کلک بزنند. در آتن به این مأموران مترونوموی (*Metronomoi*) می‌گفتند. بازرگانان باید با انواع روش‌های وزن کردن در کشورهای مختلف آشنا می‌بودند.

دکان‌ها

آگورا یا بازار در قلب همهٔ شهرهای یونان برپا بود. در دکان‌ها انواع و اقسام کالا، از گوشت و سبزیجات گرفته تا تخم‌مرغ و پنیر و ماهی، عرضه می‌شدند. ماهی را روی تخته‌های مرمر می‌گذاشتند تا تازه و خنک بماند.

صدف دوکفه‌ای

میگو

صدف خوراکی

اسب‌سواری

در سرزمین کوهستانی یونان سفر زمینی دشوار بود. معدود جاده‌های خاکی نیز شرایط نامساعدی داشتند. برای اکثر مردم پیاده‌روی تنها راه رسیدن به مقصد بود. اسب وسیلهٔ نقلیهٔ ثروتمندان بود. تجار از الاغ و قاطر برای حمل‌ونقل بارهای سنگین استفاده می‌کردند. سفرهای طولانی‌تر با قایق انجام می‌شد.

نیروهای جنگی

همهٔ مردان یونانی باید به ارتش شهرشان می‌پیوستند. در اسپارت ارتش در کل سال آماده‌باش بود. در دیگر شهرهای یونان در پاییز مردان از نبرد دست می‌شستند تا محصول‌شان را درو کنند و شراب بیندازند. تنها سربازان تمام‌وقت در این شهرها محافظان حاکم شهر و سربازان مزدوری بودند که به نفع هر کس که به ایشان پول می‌داد می‌جنگیدند. ارتش سه گروه داشت: پیاده‌نظام، سواره‌نظام و گروهی پیاده‌نظام مسلح به سنگ و تیر و کمان. پیاده‌نظام اصلی‌ترین بخش ارتش بود چون درگیر جنگ تن‌به‌تن می‌شد. سواره‌نظام چندان در جنگ موثر نبودند، چون سواران رکاب نداشتند و به همین علت نمی‌توانستند با کمانداران مبارزه کنند چون در صورت درگیری قطعاً از اسب می‌افتادند. کار سواره‌نظام دیدبانی، حمله به دشمن شکست‌خورده و پیام‌رسانی بود.

کمان‌دار

ارتش یونان معمولاً کمان‌داران سکایی (Scythian) را به خدمت می‌گرفت. در نبردهایی که در زمین‌های مرتفع رخ می‌داد کمان‌داران به کار می‌آمدند، چون می‌توانستند در ارتفاعات موضع بگیرند. برخی از سربازان یونانی هم با تیر و کمان می‌جنگیدند. کمان‌داران یونانی در واحدهایی کوچک به نام سیلویی (*psiloi*) می‌جنگیدند. اما اغلب سربازان این واحدها تنها با سلاح‌های پرتابی ساده مثل نیزه و فلاخن ــ که با آن سنگ پرتاب می‌کردند ــ می‌جنگیدند.



کلاه‌خود محکم

این کلاه‌خود مفرغی یافته شده در کارینت طوری طراحی شده است که صورت را کاملاً بپوشاند. این کلاه‌خود محافظ بینی و گونه دارد. بعدها آهن جای مفرغ را گرفت و فلز اصلیِ اسلحه‌سازی شد.



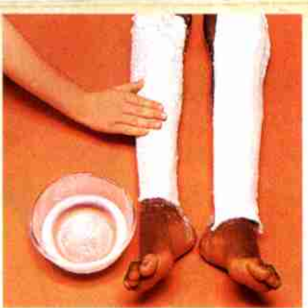
ساق‌پوش

مواد مورد نیاز: سلوفون، کاسهٔ آب، گچ باندپیچی، چند ورق کاغذ، دستمال آشپزخانه، قیچی، بند، رنگ طلایی، قلم مو.





۱. از دوستی بخواهید در مراحل ۱ و ۲ و ۳ کمک‌تان کند. هر دو ساق خود را تا مچ با سلوفون بپوشانید.



۲. گچ مخصوص باندپیچی را در آب بخیسانید. به آرامی قسمت جلوی هر دو ساق خود را با باندهای گچی بپوشانید.



۳. پس از اتمام کار، ساق‌پوش‌ها را به آرامی از روی پای‌تان بردارید و روی کاغذی بگذارید. دستمالی را مرطوب کنید و با آن سطح ساق‌پوش را صاف کنید. بگذارید خشک شود.



صحنه‌ای نادر در نبرد

در نبردها به‌ندرت از ارابه اســتفاده می‌شد، چون ارابه فقط در زمین‌های مســطح کاربرد داشــت. هر ارابه‌ای معمولاً دو سرنشــین داشــت. یکی آن را می‌راند و دیگــری از عقب با دشمن می‌جنگید.



نیروهای جنگی

از آمیختن قلع و مس مفرغ به دست می‌آوردند که فلز اصلی در ساخت تسلیحات جنگی و زره‌ها بود. مفرغ سخت‌تر از مس خالص است و برخلاف آهن زنگ نمی‌زند. از آن‌جا که قلع در یونان یافت نمی‌شد، آن را از سرزمین‌های دور وارد می‌کردند.

پیاده‌نظام

مردان پیاده‌نظام از طبقهٔ متوســط جامعه بودند که توان خرید ســلاح و ابزار جنگ را داشــتند. ســلاح و زره پیاده‌نظام شــامل ســپر، کلاه‌خود، نیزه، شمشیر و ساق‌پوش بود. کلاه‌خودها مفرغی بودند و آرایه‌هایی از موی اسب روی آن‌ها نصب می‌شد. برای حفاظت بدن از زره بالاتنه ــ شامل زره سینه و پشت ــ استفاده می‌شد. زیر زره معمولاً تن‌پوشی چرمی به تن می‌کردند. ســپرها معمولاً گرد بودند و روی آن‌ها نمادی نقش زده می‌شد.





۴. لبه‌های ســاق‌پوش‌ها را با قیچی ببرید تا مرتب به‌نظر برسند. چهار ریسمان به‌اندازهٔ زیر زانو و بالای پاشنه‌تان ببرید.



۵. ساق‌پوش‌ها را پشت‌ورو بگذارید. محل ریسمان‌ها را دقیقاً مشخص کنید. با گچ مرطوب آن‌ها را محکم سر جای‌شان بچسبانید.



۶. صبر کنید ساق‌پوش‌تان کاملاً خشک شود. کل ساق‌پوش را بعد از خشک‌شدن طلایی کنید و وقتی که رنگ خشک شد آن را بپوشید.



ســربازان پیاده‌نظام در نبرد برای محافظت از ساق پای خود ساق‌پوش می‌پوشیدند.

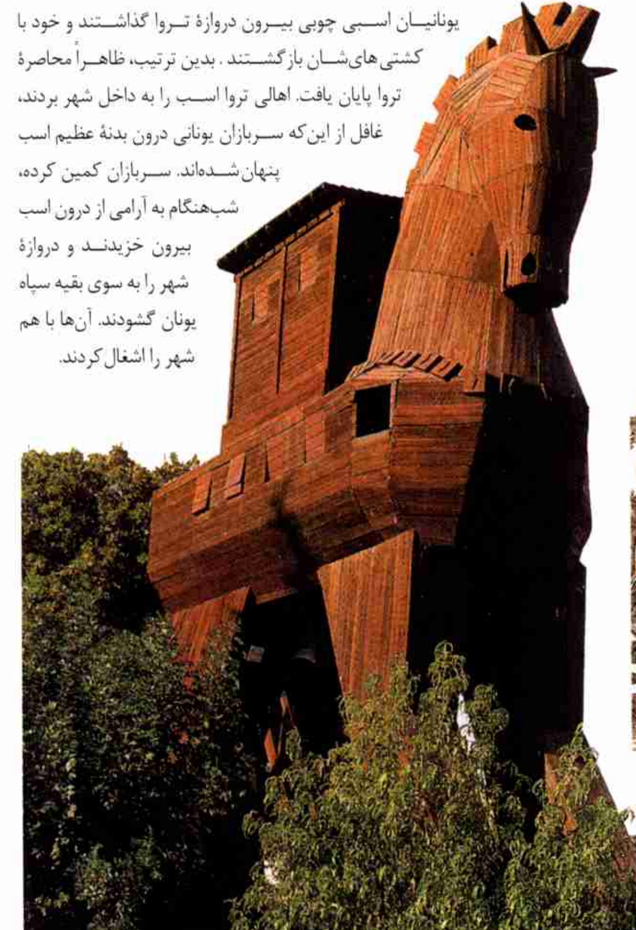
جنگ

وقتی یونانیان وارد جنگ می‌شـــدند، معمولاً هدف‌شـــان هجوم به شهرهای رقیب و محاصرهٔ آن‌ها بود. نبرد با دشـــمن‌های خارجی کم‌تر اتفاق می‌افتاد اما حاصل این نبردها بسیار تکان‌دهنده بود. فرماندهان ارتش باید با دقت و هوشیاری زمینهٔ نبرد را انتخاب می‌کردند و بر اصول انضباطی و آموزشی سربازان خود متکی می‌بودند تا به هدف خود می‌رســیدند. وقتی نبردی آغاز می‌شـــد، کنترل‌کردن خیل عظیم سپاهیان و تغییر آرایش جنگی‌شان تقریباً غیرممکن بود. مرگ یا فرار چند تن از فرماندهان اصلی کل سپاه را متلاشی می‌کرد.

قلب ســپاه یونان پیاده‌نظام ســراپا مســلح بودند که در کنار هم در صفوفی فشــرده موســوم به قشون می‌جنگیدند. تا وقتی آرامش برقرار بود، سربازان به‌سبب نیزه‌ها و سپرها و کثرت تعدادشان در امان بودند. اگر صف‌شان درهم می‌شکست و پراکنده می‌شدند دشمن به راحتی می‌توانست بر سرباز پیاده‌ای که ۳۰ کیلو سلاح با خود حمل می‌کرد پیروز شود و او را از سر راه خود بردارد.

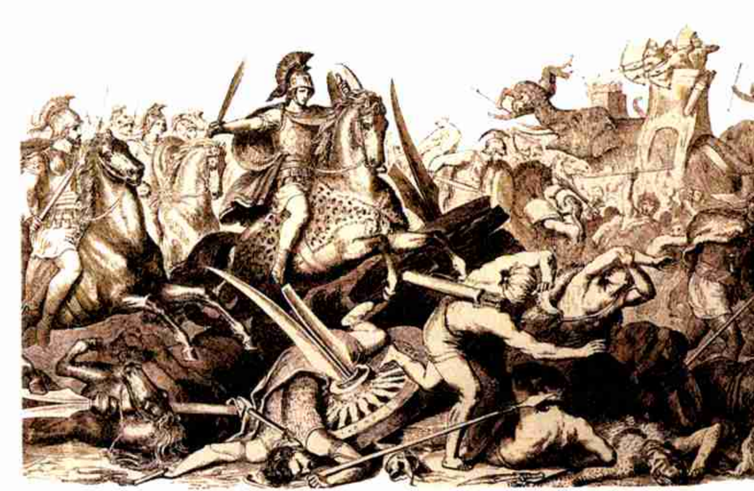
بازی قهرمانان

آشـیل (Achilles) و آژاکس (Ajax) دو قهرمان افســانه‌ای جنگ تروا بودنــد . در این تصویر ایــن دو قهرمان را در حال تاس‌بــازی می‌بینیم. تاس‌بازی از سرگرمی‌های رایج سربازان ارتش یونان در اوقات فراغت بود. دیگر کاربرد تاس‌بازی هنگام تصمیم‌گیری در مورد تقسیم غنایم بود. در نتیجه بازی را گاه نماد سرنوشت یا مرگ می‌دانستند.



حقهٔ یونانی

یونانیــان اســبی چوبی بیــرون دروازهٔ تــروا گذاشــتند و خود با کشتی‌های‌شــان بازگشــتند . بدین ترتیب، ظاهــراً محاصرهٔ تروا پایان یافت. اهالی تروا اســب را به داخل شهر بردند، غافل از این‌که ســربازان یونانی درون بدنهٔ عظیم اسب پنهان شــده‌اند. ســربازان کمین کرده، شب‌هنگام به آرامی از درون اسب بیرون خزیدنــد و دروازهٔ شهر را به سوی بقیه سپاه یونان گشودند. آن‌ها با هم شهر را اشغال کردند.



جنگ تن‌به‌تن

ســربازان یونانــی و قهرمانان روزگار هومر تن‌به‌تن می جنگیدنــد. صحنه‌ای از نبرد تن‌به‌تن سربازان یونانی و سلحشوران تروا را در این حکاکی می‌بینیم. اما از هنگامی که جنگ ســواره‌نظام در ارتش‌ها رونق گرفت، روش‌های جنگی هم به همان نسبت تغییر کرد. این موضوع باعث شد که در صفی به‌هم‌پیوسته با دشمن بجنگند.



پیروزی بر دشواری‌ها

در نبرد ایسوس در سال ۳۳۳ قبل از میلاد، اسکندر کبیر (سمت راست) نیزه‌ای را به سوی داریوش، پادشاه ایران (سوار بر ارابه)، نشانه رفته است. سپاه داریوش که عظیم‌تر از سپاه اسکندر بود، شکست خورد. در سپاه ایران اقوام متعددی از اقصی نقاط امپراتوری پهناور ایران خدمت می‌کردند. آن‌ها به زبان‌های مختلفی صحبت می‌کردند و به هم اعتماد نداشتند و این وضعیت کنترل و فرماندهی را سخت می‌کرد. برعکس، اسکندر کنترلی قوی بر سپاهیان خود و تجارب فراوانی در جنگ داشت.



نبرد دریایی

در سال ۴۸۰ قبل از میلاد، هجوم ایرانیان به خاک یونان منجر به بروز جنگ سالامیس (Salamis) شد. ایرانیان ناوگانی گسترده‌تر و تیزرو داشتند، اما یونانیان با کشاندن کشتی‌های جنگی سپاه حریف به سمت تنگه‌ها این امتیاز را از ایشان گرفتند و خود پیروز جنگ شدند. در این‌جا بود که کشتی‌های پرتعداد ایرانیان تحت فشار کشتی‌های سنگین‌تر یونان درهم شکستند.



پایان یک امپراتوری

یونانیان در سال ۳۳۱ قبل از میلاد در نبردی دیگر با سپاه ایران با به‌کاربردن ترفندهایی پیروز میدان شدند. در نبرد گوگمل، به‌رغم کثرت نیروی نظامی ایران، نظم و ترتیب یونانیان باعث پیروزی آن‌ها بر حریف قوی‌تر شد و ارتش ایران جنگ را باخت. در نتیجه این باخت، کل امپراتوری ایران به دست اسکندر افتاد.

واژه‌نامه

الف

آئولوی: سازی متشکل از دو نی‌لبک. یک نی‌لبک ملودی را می‌نواخت و نی‌لبک دیگر آکورد پس‌زمینه را تولید می‌کرد.
آکروپولیس: تپه‌ای مقدس مشرف بر آتن که معابد را روی آن بنا می‌کردند.
آگورا: بازار.
آلیگارشی: حکومت گروهی قدرتمند و ثروتمند بر مردم.
آمفورا: گلدانی دو دسته برای نگه‌داری شراب و روغن زیتون.
اسطوره‌شناسی: علم مطالعهٔ افسانه‌هایی دربارهٔ ماجراهای خدایان و قهرمانان افسانه‌ای.
الفبا: حروف نوشتاری هر زبان. دو حرف نخست الفبای یونان «آلفا» و «بتا» هستند و واژهٔ انگلیسی Alphabet، به معنای الفبا، برگرفته از این دو حرف است.
اریستوکراسی: حکومت ثروتمندان و اشراف بر مردم.
اندرون: اتاقی در خانه‌های یونان که مردان در آن‌جا اوقات فراغت خود را می‌گذراندند.
اجتماعات مهاجرنشین: اسکان مردم کشوری در جایی خارج از مرزهای آن کشور؛ یونانیان در کرانهٔ دریای مدیترانه مهاجرنشین‌های متعددی تشکیل داده بودند.
اُراکل: روحی که آینده را می‌دید. می‌گفتند اُراکل در غاری در دلفی زندگی می‌کند. یونانیان برای مشورت کردن با او در مورد مشکلات مالی و شخصی خود حاضر بودند پول گزافی بدهند.
اومفالوس: سنگی تخم‌مرغی‌شکل که در معبدی مقدس در کوه دلفی پیدا شده است. این واژه در زبان یونانی به معنای «ناف» است و یونانیان این سنگ را مرکز جهان می‌دانستند.

ب

بازی‌های المپیک: رقابت‌هایی ورزشی که هر چهار سال یک‌بار به افتخار زئوس در المپیا برپا می‌شد. نخستین دورهٔ این رقابت‌ها در سال ۷۷۶ قبل از میلاد برگذار شد.
بزرک: گیاهی فیبردار که از الیاف آن پارچهٔ نخی می‌بافند.
برده: مردمانی که آزاد نبودند و مایملک ارباب خود به حساب می‌آمدند. برخی تا دم مرگ باید کار می‌کردند و برخی شغل خوبی می‌یافتند و خوش‌رفتاری می‌دیدند.

پ

پادشاهی: حکومت شاه یا ملکه.
پارتنون: معبدی در آکروپولیس آتن به نام خدای‌بانوی شهر، آتنا.
پانکراتیون: ورزش رزمی سهمگینی که آمیزه‌ای بود از کشتی و مشت‌زنی (واژهٔ پانکراتیون به معنای «قدرت مطلق» است).
پروپیلا: دروازهٔ مجموعه معابد واقع در آکروپولیس.
پنتاتلون: ورزش‌های پنج‌گانه- پرتاب دیسک، پرتاب نیزه، دو میدانی، کشتی و پرش طول با وزنه که از ورزش‌های المپیک بودند (پنتا در یونانی به معنی پنج است).
پولتیک: هنر و علم حکومت‌داری (برگرفته از واژهٔ پولیس به معنای دولت-شهر).
پولیس: دولت- شهر یونانی.
پیتی: راهبه‌ای ساکن دلفی؛ او بخار چشمهٔ کاستالیا را فرو می‌داد و به خلسه می‌رفت و بدین ترتیب، اُراکل دلفی با حلول کردن در جسم او، از زبان او پیشگویی می‌کرد.
پیچ ارشمیدس: وسیله‌ای برای انتقال آب از سطحی به سطح دیگر که به افتخار مخترعش ارشمیدس، دانشمند یونانی، چنین نام گرفت.
پیکسیس: جعبهٔ پودر و لوازم آرایش.
پیلوس: جامه‌ای که هر چهار سال یک‌بار به پیشگاه آتنا در جشن‌های آتنی تقدیم می‌شد.

ت

تراژدی: نمایشی با پایان غم‌انگیز. قهرمان تراژدی از شاهان و اشراف است که ضعفی در شخصیتش منجر به سرنگونی و فاجعه می‌شود.
تونیک: لباس بلند و گشاد زنان و مردان یونان؛ معمولاً با سنجاق یا سنجاق سینه‌ای آن را روی شانه محکم می‌کردند.
تیمپانون: تامبورینی ساخته‌شده از پوست حیوانات.

ج

جشن‌های آتنی: مراسمی که هر سال با قربانی‌کردن به پیشگاه آتنا در معبد پارتنون در آتن برگذار می‌شد.
جهان ارواح: مکانی اسرارآمیز که به باور یونانیان ارواح مردگان پس از خاکسپاری به آن‌جا می‌رفتند.

چ

چشمهٔ کاستالیا: چشمه‌ای در دلفی که از آب آن بخار متصاعد می‌شد. راهبان این بخار را استشمام می‌کردند و به خلسه می‌رفتند.

ح

حجامت: روشی قدیمی برای درمان. طبیبان معتقد بودند که با گرفتن خون می‌توانند سموم را از بدن خارج کنند، اما این روش اغلب بیمار را ضعیف‌تر می‌کرد.

خ

خارجی ساکن آتن (متیک): متیک‌ها باید مالیات اضافی می‌دادند و در ارتش خدمت می‌کردند. آن‌ها اجازه نداشتند زمین بخرند یا با زنی آتنی ازدواج کنند.

د

دایه: زنی که استخدام می‌شد تا فرزند خانواده‌ای را شیر دهد.
دلفی: مکانی که یونانیان آن را مرکز دنیا و مأوای اُراکل می‌دانستند.
دموکراسی: حکومت مردم بر مردم. در این نظام حکومتی همه شهروندان حق رأی دارند و می‌توانند در منصب‌های حکومتی مشغول به کار شوند.
دولت ـ شهر: مرکز حکومت؛ یونان قدیم متشکل از حدود ۳۰۰ دولت ـ شهر بود.

ر

راهب: کسی که در معابد دعا می‌خواند و قربانی‌های مردم را به درگاه خدایان تقدیم می‌کند. راهبی کاری نیمه‌وقت بود و راهب بقیهٔ اوقات روز را در میان مردم زندگی می‌کرد. این شغل یا موروثی بود یا انتسابی. راهبان برای کارشان حقوق می‌گرفتند.

ز

زره نیم‌تنه: زره‌ای یک‌تکه برای محافظت از سینه و پشت که سربازان به تن می‌کردند.
زیتون: میوهٔ درختی به همین نام که از محصولات عمدهٔ سرزمین یونان است. زیتون هم اشتهاآور بود، هم از آن روغن می‌گرفتند. این میوه کاربرد پزشکی هم داشت.

س

ســاعت آبی: ســطلی مدرج پر از آب با سوراخی در نزدیکی قاعده، تغییر ســطح آب عقربه‌ای را به گردش در می‌آورد که زمان را نشان می‌داد.

ساق‌پوش: زره محافظ ساقِ پای سربازان.

ســفال: مخلوطی از گل پخته و ماســه که ماده‌ای بود برای ساخت مجسمه و ظروف.

سنتور: جانوری اساطیری، نیمی آدم و نیمی اسب.

ســواره‌نظام: بخش اسب‌ســوار ارتش. کار اصلی سواره‌نظام دیدبانی و رساندن پیغام‌ها بود.

سینه‌ریز: جوهراتی که آذین سینه‌اند.

ع

علم اخلاق: شــاخه‌ای از فلســفه که محور آن رفتار خوب و قوانین حاکم بر آن است.

ف

فالانکس: پیاده‌نظام سپردار و نیزه‌دار یونانی که در صفوف به هم فشرده حرکت می‌کردند.

فلسفه: واژه‌ای یونانی به معنای «عشق به خرد». فلسفهٔ علم تفکر دربارهٔ معنای حیات است.

ق

قاپ‌بــازی: بازی محبوب یونانیان. در این بازی، بازیکنان باید مهره‌هایی را که از قاپ پای حیوانات کوچک درست می‌کردند از توی دســت به روی دست خود منتقل می‌کردند، بی‌آن‌که مهره‌ای به زمین بیفتد.

ک

کوه المپ: خانهٔ خدایان و خدای‌بانوان یونان.

کیهان‌شناسی: علم مطالعهٔ کیهان.

گ

گورگون: هیولایی مؤنث با ظاهری بسیار رعب‌آور که هر کس به او می‌نگریست می‌مرد.

ل

لکی‌توی: ظروفی ســاخته شده از سفال سفید که در مراسم تشییع جنازه از آن اســتفاده می‌کردند. در این ظروف روغن معطر برای تدهین مرده می‌ریختند و روی آن صحنه‌های وداع نقاشی می‌کردند.

لینیر اِی: خط تمدن مینوسی که هنوز رمزگشایی نشده است.

م

مترونومــی: مأمــوری آتنی که وظیفــه‌اش ممانعت از تقلب در تجارت بود . او بر وزن کردن کالاهای خشــک نظارت می‌کرد.

مینوسی: نخستین تمدن بزرگ تمدن یونان و نخستین تمــدن اروپا. ایــن تمدن در حدود ســال ۲۰۰۰ قبل از میلاد در جزیره کرت پا گرفت.

مفرغ: فلزی حاصل از اختلاط مس و روی که در ساخت سلاح از آن استفاده می‌شد.

موز: نُه الههٔ هنر که ترپســیخور، روح رقص و موسیقی، یکی از آنان بود.

موزاییــک: کفی مرکــب از ســنگ‌ریزه‌های رنگی در الگوهایــی خاص، که ســبک خاص پوشــش کف خانهٔ ثروتمندان یونان بود.

موکنایی: دومین تمدن بزرگ یونان؛ موکنایی‌ها حدود ســال ۱۶۰۰ قبل از میلاد بر ســرزمین یونان مستولی شدند.

مینوتور: جانوری اســطوره‌ای، نیمی انسان و نیمی گاو کــه در هزارتویی زیر قصری در کــرت زندگی می‌کرد. مینوتور به دست تسئوس کشته شد.

ن

نفی بلد: آتنی‌ها هر ســال می‌توانســتند بدکاران را به مدت ده ســال از شــهر تبعید کنند. رأی‌دهندگان نام فرد گناهکار را روی تکه‌ای ســفال بــه نام ostrakon حک می‌کردند. واژهٔ ostracism به معنای نفی بلد، از همین موضوع ریشه گرفته است.

نقاشی دیواری (فرسک): نقاشی روی گچ مرطوب که در تزیین خانه‌های اشراف یونان کاربرد داشت.

و

ورشــو: آلیــاژ طلا و نقره کــه در ضرب ســکه مصرف می‌شود.

ه

هندســه: شــاخه‌ای از ریاضیات که به اندازه‌گیری خطوط، زوایا و سطوح می‌پردازد. مبدع آن ریاضی‌دان یونانی، اقلیدس بود. در زبان یونانی geometry (هندسه) به معنای مساحی است.

امپراتوری روم



فیلیپ استیل

مشاور:
جنی‌هال، موزه لندن





حدود ۲۰۰۰ سال قبل، امپراتوری پرتوان روم بر دنیای غرب مستولی بود. خیل سربازان از کشوری به کشور دیگر لشکر می‌کشیدند و سرزمین مردمان بدوی سر راه خود را فتح می‌کردند. آن‌ها با خود شراب ناب، سیستم حرارت مرکزی، جاده‌های هموار و آثار هنری بدیعی را به شمال اروپا بردند. اما این امپراتوری درعرض ۴۰۰ سال ازهم پاشید. رم، قلب امپراتوری، هدف یورش مهاجمان قرار گرفت و ویران شد و بدین‌ترتیب، آخرین امپراتور روم از تخت به زیر کشیده شد. داستان امپراتوری روم، داستان بردگان و گلادیاتورها، مهندسی برجسته و پیچیدهٔ به‌کار رفته در ساخت پل‌ها وتماشاخانه‌ها و افزایش زودگذر قدرت است که درتاریخ بشر بی‌سابقه بود.

داستان روم

شــهر رم کنونی مکانی پرهیاهو، پرازدحام و پررفت‌وآمد اســت. اما اگر می‌شد به حدود سال ۸۰۰ قبل از میلاد بروید، در مکان کنونی روستاهایی آرام و مراتع و تپه‌هایی جنگلی و سرسبز را در حاشیهٔ رودخانهٔ تیبر (Tiber) می‌دیدید. طبق افسانه‌ای، روم درسال ۷۵۳ قبل ازمیلاد بنیان نهاده شد. قرن‌ها گذشت و روم بر ایتالیا و مدیترانه تسلط یافت. رومیان کشاورزی و بازرگانی می‌کردند و برای فتح سرزمین‌های جدید می‌جنگیدنــد. روم به‌تدریــج مرکز امپراتوری عظیمی شــد کــه از اروپا تا افریقا و آســیا دامنه داشــت. این امپراتوری چندین قــرن در اوج بود و ارمغان آن، شــیوهٔ زندگی پیچیده و پرطمطراقــی برای عــدهٔ زیادی از مردم بود. ســاختمان‌ها و آثار هنری به جامانــده از امپراتوری دیرین روم نشانهٔ روش زندگی رومیان آن روزگار است.



ایتالیای رومی

هم‌زمان با پیشرفت روزافزون شهر روم، رومیان به‌تدریج به فتح قبایل همسایه پرداختند. تا ۲۵۰ سال قبل از میلاد، آن‌ها بر بخش عمده‌ای از ایتالیا مستولی بودند. دراین نقشه، برخی از مهم‌ترین شهرها و نواحی آن روزگار را می‌بینیم.



کهن و مدرن

در رم امــروز، مــردم در کنــار معابــر، بازارهــا و ســاختمان‌های دوران گذشته زندگی می‌کنند. در تصویر کولوسیوم (Colosseum) میدان بزرگ شهر را می‌بینیم که به آن آمفی‌تئاتر (amphitheatre) می‌گفتند در این مــکان بازی‌ها و نبردها را برگزار می‌کردند. کولوســیوم درســال ۸۰ میلادی برای بازدید عموم گشوده شد .

خط سیر زمانی از ۷۵۳ تا ۲۷۶ ق.م.

بــه قدرت رســیدن روم ناگهانی و جالــب بود. تاریخ پرحادثــه روم پر از نبردهای خونیــن، امپراتوری‌های عجیب و غریب، اختراعات حیرت‌آور و شــاهکارهای برجستهٔ مهندسی اســت. امپراتوری روم حدود ۵۰۰ ســال برپا بود و تأثیر آن بر زندگی بشــر امروزی نیز مشهود است.

رومولوس، نخستین شاه روم

طبق افســانه‌ها، حدود ۷۵۳ سال قبل از میلاد رومولوس (Romulus) شهر رم را بنا نهاد.

۶۷۳ تــا ۶۴۱ قبل از میــلاد، تولوس هاستیلیوس (Tullus Hostilius) سومین شاه روم، با فتح سرزمین مجاور، حیطه شهر را گســترش می‌دهد. درنتیجه، جمعیت روم دو برابر می‌شود .

۶۴۱ تــا ۶۱۶ قبــل از میــلاد، پونــس سابلیســیوس (Pons Sublicius)، نخستین پل رودخانهٔ تیبر، ساخته می‌شود.

شــهر بنــدری اوســتیا (Ostia) در دهانــهٔ رودخانهٔ تیبر ساخته می‌شود .

سال ۶۰۰ قبل از میلاد، زبان لاتین به خطی نوشته می‌شود که هنوز هم متداول است.

خط لاتین، کنده‌کاری روی سنگ



۷۵۰ ق.م. — ۷۰۰ ق.م. — ۶۵۰ ق.م. — ۶۰۰ ق.م.



سرنخ‌هایی از گذشته

سکه‌های این گردنبند در دوران امپراتـوری دومیتیان (Domitian) از ۸۱ تا ۹۶میلادی ضرب شـده‌اند. برخلاف چوب و مواد دیگر، طلا فاسد نمی‌شود و به همین علت، اشیاء طلایی و جواهراتی نظیر آن‌چه در تصویر می‌بینید سرنخ‌هایی در مورد روش‌های جواهرسازی، مد، تجارت و حتی جنگاوری آن روزگار به دست می‌دهد.





باستان‌شناسان سرگرم کار

این باستان‌شناسان درحال حفاری بخش‌هایی از دیوار گچی خانه‌ای رومی در انگلســتان‌اند. بقایایی از ساختمان‌ها، آثار هنری و حتی کتاب‌ها و اسناد روم باستان تا امروز باقی مانده است. با بررسی این شواهد می‌توان تصویری از نحوهٔ زندگی مردم در امپراتوری روم به دست آورد.



رازهای اعماق دریا

غواصان بقایای کشتی‌های شکستهٔ رومیان را در اعماق دریای مدیترانه پیدا کرده‌اند. بار بسـیاری ازکشـتی‌ها هنوز دسـت نخورده اسـت. این کوزه‌ها حدود ۲۰۰۰ سال قبل بار این کشتی شده بودند. با بررسی این بقایا، باستان‌شناســان به سبک کشتی‌سازی رومیان، نوع بار آن‌ها و مقصد تجاری‌شان پی می‌برند.



امپراتوری بزرگ

در سال ۱۱۷ میلادی، امپراتوری روم در اوج بود. در آن روزگار می‌شد ۴۰۰۰ کیلومتر از شرق به غرب رفت و هم‌چنان صدای شیپور سربازان رومی را شنید. سرباز رومی یا در آب‌وهوای سرد شمال بریتانیا از سرما می‌لرزید یا در صحرای سوزان مصر عرق می‌ریخت و از گرما تلف می‌شد.

مردم امپراتوری روم بسیار متنوع بودند. آن‌ها یونانی، مصری، سوری، یهودی، افریقایی، آلمانی یا سلتی بودند. بسیاری از این مردم اهل تمدن‌هایی بودند که وقتی روم مجموعه چند روستا بیش نبود، خود پیشینه‌ای دیرینه داشتند. بسیاری از این مردم بر رومیان غاصب شوریدند، اما رومیان شورش‌ها را به‌سرعت سرکوب می‌کردند. به‌تدریج، مردم سرزمین‌های غصب‌شده پذیرفتند که بخشی از امپراتوری روم باشند. از سال ۲۱۲ میلادی، هر انسان آزادی که تحت لوای امپراتوری روم روزگار می‌گذارند می‌توانست ادعا کند که «من شهروند روم هستم». اما برده‌ها حقوق چندانی نداشتند.

درسال ۲۸۴ میلادی، پس از یک دوره جنگ داخلی خونین، امپراتوری گستردهٔ روم چندین تکه شد. در سال ۳۲۴ میلادی امپراتور کنستانتین (Costantine) دوباره به امپراتوری انسجام بخشید و آن را متحد ساخت. با این حال، امپراتوری روم دیگر هرگز دوران جلال خود را بازنیافت. صد سال بعد، سپاهیانی خونخوار از شمال به غرب روم هجوم بردند. این یورش نتایج فاجعه‌باری داشت. امپراتوری غرب روم در ۴۷۶ میلادی سرنگون شد اما امپراتوری شرق تا سال ۱۴۳۵ هم‌چنان پابرجا بود. زبان لاتین زنده باقی ماند و زبان کلیسای کاتولیک روم و زبان علمی دانشمندان و اندیشمندان اروپا شد. این زبان هنوز تدریس می‌شود و ریشهٔ زبان‌هایی چون ایتالیایی، اسپانیایی، فرانسوی و رومانیایی است.



امپراتوری عظیم

امپراتوری روم در سال ۱۱۷ میلادی در اوج گستردگی بود. در این نقشه پهنهٔ گستردهٔ امپراتوری که هزاران کیلومتر از شرق و غرب و شمال و جنوب گسترده شده بود، نشان داده شده است. در این نقشه اسامی معاصر مکان‌ها ذکر شده است تا خواننده بتواند حیطهٔ امپراتوری روم را با مقیاس‌های کنونی اروپا و خاورمیانه بسنجد.



خط سیر زمانی ۲۷۵ تا یک‌سال قبل از میلاد

۲۷۵ ق.م.

۲۶۴ قبل از میلاد، نخستین شواهد دربارهٔ مبارزهٔ گلادیاتورها.

۲۴۱–۲۶۴ قبل از میلاد، وقوع نخستین جنگ از جنگ‌های سه‌گانهٔ روم و کارتاژ (Carthage) که به جنگ‌های پونی (Punic Wars) یا جنگ‌های کارتاژی معروف است.

گلادیاتور

۲۵۰ ق.م.

یکی از فیل‌های جنگی هانیبال (Hannibal)

۲۵۰ سال قبل از میلاد، روم بر بخش عمدهٔ ایتالیا مستولی می‌شود.

۲۴۰ سال قبل از میلاد، نخستین نمایش‌نامه‌های رومی بر صحنه می‌روند.

۲۲۵ ق.م.

۲۱۸ تا ۲۰۱ قبل از میلاد، دومین جنگ پونی بین روم و کارتاژ.

هانیبال، سردار کارتاژی، با چندین فیل از آلپ (Alps) می‌گذرد.

حدود سال ۲۱۱ قبل از میلاد، نخستین سکهٔ نقره‌ای روم به‌نام دناریوس (*denarius*) در روم ضرب می‌شود.

۲۰۶ قبل از میلاد، امپراتوری روم ایبریا (Iberia) — اسپانیای کنونی — را فتح می‌کند.

۲۰۰ ق.م.

۲۰۰ قبل از میلاد، رومیان در ساختمان‌سازی از بتون استفاده می‌کنند.

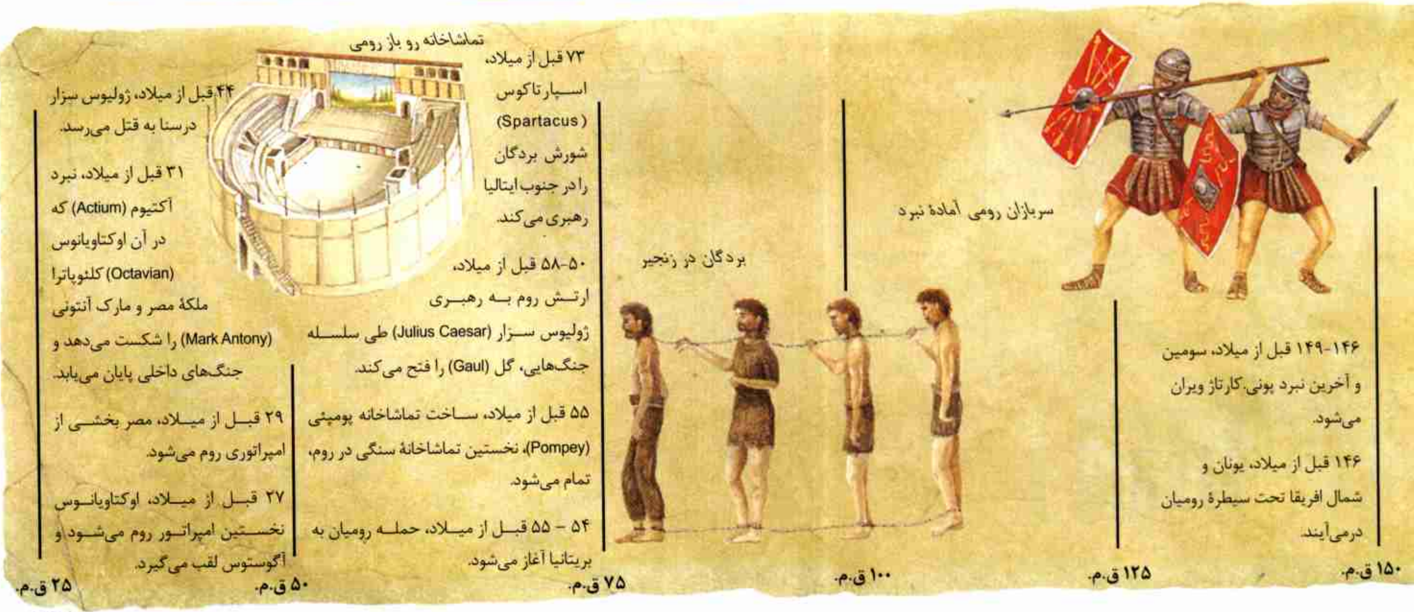
۱۹۶ قبل از میلاد، رومیان حکمرانان مقدونی یونان را مغلوب می‌کنند.

نخستین طاق نصرت‌ها در روم ساخته می‌شوند.

طاق نصرتی که به افتخار پیروزی در نبردی ساخته شد.

۱۷۵ ق.م.

بریتانیا
لندن
آلمان
فرانسه
دریای سیاه
ایتالیا
تیبره
رم
کرس
ساردنی
یونان
ترکیه
قبرس
کرت
سیسیل
دریای مدیترانه
دریای مدیترانه
اسپانیا
کارتاژ
شمال افریقا
مصر



۱۴۶-۱۴۹ قبل از میلاد، سومین و آخرین نبرد پونی. کارتاژ ویران می‌شود.

۱۴۶ قبل از میلاد، یونان و شمال افریقا تحت سیطرهٔ رومیان درمی‌آیند.

۷۳ قبل از میلاد، اسپارتاکوس (Spartacus) شورش بردگان را در جنوب ایتالیا رهبری می‌کند.

۵۰-۵۸ قبل از میلاد، ارتش روم به رهبری ژولیوس سزار (Julius Caesar) طی سلسله جنگ‌هایی، گل (Gaul) را فتح می‌کند.

۵۵ قبل از میلاد، ساخت تماشاخانه پومپئی (Pompey)، نخستین تماشاخانهٔ سنگی در روم، تمام می‌شود.

۵۴ – ۵۵ قبل از میلاد، حملهٔ رومیان به بریتانیا آغاز می‌شود.

۴۴ قبل از میلاد، ژولیوس سزار درسنا به قتل می‌رسد.

۳۱ قبل از میلاد، نبرد آکتیوم (Actium) که در آن اوکتاویانوس (Octavian) کلئوپاترا ملکهٔ مصر و مارک آنتونی (Mark Antony) را شکست می‌دهد و جنگ‌های داخلی پایان می‌یابد.

۲۹ قبل از میلاد، مصر بخشی از امپراتوری روم می‌شود.

۲۷ قبل از میلاد، اوکتاویانوس نخستین امپراتور روم می‌شود و آگوستوس لقب می‌گیرد.

دنیای روم

مردمانی که تاریخ روم را نقش زدند پیشینه‌هایی متفاوت داشتند. اسامی افراد مشهور آن دوران روی بناهای یادبود و در کتاب‌ها باقی مانده است ــ افرادی چون کنسول‌ها، امپراتورها، فرماندهان پیروزمند، سیاستمداران قدرتمند، نویسندگان و مورخان بزرگ. اما در اصل، هزاران شهروند عادی روم ــ هم‌چون بازرگانان، سربازان، خراج بگیران، خدمتکاران، کشاورزان، سفالگران و امثال آن‌ها ــ باعث تداوم امپراتوری عظیم روم بودند. بسیاری از نام‌آوران آن دوران اصلاً رومی نبودند، مثلاً هانیبال فرماندهٔ کارتاژی و دشمن خونی روم یا فرماندهان و ملکه‌های سلتی هم‌چون کاراکتاکوس (Caractacus)، ورسینگتوریکس (Vercingetorix) و بودیکا (Boudicca).

رومولوس و رموس

طبق افسانه‌ها، رومولوس بنیان‌گذار و نخستین شاه روم بود. در افسانه‌ها آمده است که او و برادر دوقلویش، رموس، در کودکی سر راه گذاشته شدند. گرگی ماده آن‌ها را نجات داد و بزرگ‌شان کرد تا این‌که چوپانی این دو را یافت.

آگوستوس (۶۳ قبل از میلاد تا ۱۴ میلادی)

آگوستوس، که در اصل نامش اوکتاویانوس بود، برادرزاده و پسرخواندهٔ ژولیوس سزار بود که پس از مرگ وی فرماندهی ارتش را به‌عهده گرفت. او پس از شکست مارک آنتونی در نبرد آکتیوم در سال ۳۱ قبل از میلاد، حکمران سرزمین روم شد. وی در سال ۲۷ قبل از میلاد نخستین امپراتور روم شد و به او آگستوس لقب دادند.

سیسرو (۴۳ ـ ۱۰۶ ق.م.)

سیسرو (Cicero) را بزرگ‌ترین خطیب روم می‌دانند. بسیاری از نامه‌ها و سخنرانی‌های وی هنوز باقی است. او نویسنده، شاعر، سیاستمدار، حقوق‌دان و فیلسوف هم بود. وی در سال ۶۳ قبل از میلاد کنسول روم شد، اما از آن‌جا که دشمنان فراوانی داشت در سال ۴۳ قبل از میلاد به قتل رسید.

خط سیر زمانی ۱ تا ۴۷۶ میلادی

حدود سال ۳۰ میلادی، مرگ عیسی مسیح (ع).

۴۳ میلادی، آغاز فتح بریتانیا به دست رومیان.

بودیکا ملکهٔ ایسنه (Iceni) در بریتانیا

سال یکم میلادی

۵۰ میلادی، روم بزرگ‌ترین شهر دنیا با جمعیتی حدود یک میلیون نفر است.

بازرگانان رومی به بنگال و هند می‌رسند.

۶۰ میلادی، ملکه بودیکا شورشی را در بریتانیا رهبری می‌کند.

۶۴ میلادی، آتش‌سوزی عظیم روم.

۷۵ میلادی، بازرگانان رومی به سودان می‌رسند و مسیری تجاری در دل صحرا باز می‌کنند.

۷۹ قبل از میلاد، آتشفشان کوه وزوو (Vesuvius) که منجر به مدفون شدن پومپئی و هرکولانیوم (Herculaneum) می‌شود.

۵۰ م.

۸۰ میلادی، ساخت کولوسیوم در رم به اتمام می‌رسد.

آغاز آتشفشانی وزوو

۱۰۰ م.

۱۱۷ میلادی، اوج گستردگی امپراتوری روم.

۱۲۸ـ ۱۱۸ میلادی، ساخت معبد پانتئون (Pantheon) در رم.

۱۲۲ میلادی، عملیات ساخت و ساز دیوار هادریان آغاز می‌شود. این دیوار سدی تدافعی در مقابل تهاجم ساکنان شمال بریتانیاست.

۱۵۰ م.

۱۵۶ تا ۱۵۷ میلادی، طاعون در کل امپراتوری شیوع می‌یابد.

معبد پانتئون در رم

۲۰۰ م.

حدود سال ۲۰۰ قبل از میلاد، در سراسر امپراتوری روم جاده‌هایی احداث می‌شود.

۲۱۲ میلادی، به همهٔ ساکنان آزاد امپراتوری روم حق شهروندی اعطا می‌شود.

نرون(۶۸-۳۷ م.) و آگریپینا

نرون (Nero) پس از مرگ پدرخوانده‌اش کلادیوس (Claudius) در سال ۵۷ میلادی امپراتور شد. این حاکم بی‌رحم برای راه انداختن حریق عظیمی که در سال ۶۴ میلادی بخش عمدهٔ روم را ویران کرد بارها ملامت شد. مادرش، آگریپینا (Agrippina)، نفوذ فراوانی بر او داشت. می‌گفتند او دو شوهر از سه شوهر قبلی‌اش را با سم کشته است. وی سرانجام به فرمان پسرش کشته شد.



هادریان (۱۳۸-۷۶ م.)

هادریان (Hadrian) در سال ۱۱۷ میلادی امپراتور شد و سال‌ها امپراتور ماند و به گشت‌وگذار در سرزمین پهناور خود پرداخت. به دستور او ساختمان‌هایی با شکوه و دیواری تدافعی در امتداد شمال بریتانیا ساخته شد. این دیوار با نام دیوار هادریان شناخته می‌شود.

کلئوپاترا (۳۰-۶۸ ق.م.)

ملکهٔ یونانی‌تبار مصر، کلئوپاترا، از ژولیوس سزار پسری داشت. او بعدها عاشق مارک آنتونی، از دوستان نزدیک ژولیوس سزار شد. این دو مقابل روم متحد شدند، اما پس از شکستی عظیم در آکتیوم، در سال ۳۱ قبل از میلاد، هر دو خودکشی کردند. از آن پس، مصر تحت سیطرهٔ امپراتوری روم درآمد.





ژولیوس سزار (۴۴-۱۰۰ ق.م.)

سـزار فرماندهی محبوب و مشهور و سیاستمداری توانا بود. در سـال ۵۰ قبل از میلاد، سـپاه روم به رهبری او در نبردی هشـت سـاله بـرای فتح گل (فرانسـهٔ کنونی) پیروز شـد. در سـال ۴۹ قبل از میلاد، با اتکا به سپاه پیروزی‌آفرین خود، قدرت را به دست گرفت و خود را دیکتاتور مادام‌العمر اعلام کرد. ۵ سال بعد، دوستان سیاستمدارش در مجلس سنای روم با خنجر او را به قتل رساندند.

صلیب، نماد مسیحیت

۲۷۰ میلادی، امپراتور آئورلیان (Aurelian) دیوار دفاعی جدیدی دور روم احداث می‌کند.

۲۸۴ میلادی، امپراتور دیوکلتیان (Diocletian) نظام جدید قانون و مالیات را وضع می‌کند. شکاف در امپراتوری به‌چشم می‌خورد.

۲۵۰ م.

۳۱۳ میلادی، مسیحیت دین رسمی امپراتوری روم می‌شود.

۳۲۴ میلادی، امپراتور کنستانتین امپراتوری از هم گسیخته را گرد می‌آورد و شهر قسطنطنیه (Constantinople) یا استانبول کنونی را بنا می‌نهد.

۳۳۰ میلادی، کنستانتین قسطنطنیه را اقامتگاه و پایتخت جدید امپراتوری خود در شرق تعیین می‌کند.

۳۰۰ م.

۳۹۵ میـلادی، امپراتـوری روم بـار دیگر دچار اشـتقاق می‌شود و این بار دو قسمت شکل می‌گیرد: روم شرقی و روم غربی.

چهرهٔ امپراتور کنستانتین روی سکه‌ای رومی

۳۵۰ م.

۴۱۰ میلادی، سپاه ویزیگوت (Visigoth) از آلمان به رم حمله و شهر را چپاول می‌کند.

۴۰۰ م.

جنگجوی واندال (*Vandal*)

۴۵۵ میـلادی، ارتـش وانـدال از آلمـان به رم حمله می‌کند و شـهر را غارت می‌کند.

۴۷۶ میلادی، سقوط امپراتوری روم غربی. امپراتوری روم شرقی تا سال ۱۴۵۳ پابرجا می‌ماند.

۴۵۰ م.

حکمرانان روم

در ابتدا، شاهان بر روم حکم می‌راندند. می‌گویند نخستین شاه روم رومولوس بود که این شهر را در سال ۷۵۳ قبل از میلاد بنیان نهاد. آخرین شاه، حکمران منفور ظالمی به نام تارکوینیوس مغرور (Tarquinius the Proud) بود که در ۵۰۹ قبل از میلاد از تخت به زیر کشیده شد. رومیان پس از آن دولت جمهوری را برای خود برگزیدند. مجمعی از نجبای قدرتمند و ثروتمند شهر (سنا) هر سال دو کنسول برای حکمرانی انتخاب می‌کرد. در سال ۴۹۳ قبل از میلاد، مردم عادی نیز نمایندگانی داشتند که به تریبون‌ها (Tribune) معروف بودند. در اوضاع بحرانی، حکمرانان می‌توانستند قدرت را به دست بگیرند و دیکتاتور شوند. نخستین امپراتور روم، آگوستوس، را سنا در سال ۲۷ قبل از میلاد برگزید. امپراتورها بسیار قدرتمند بودند و حتی مانند خدایان پرستیده می‌شدند. برخی ساده زندگی کردند و به خوبی حکم می‌راندند، اما برخی دیگر بی‌رحم و ظالم بودند. آن‌ها همیشه حلقه‌ای از محافظان دورشان بود، اما باز هم در سایهٔ ترس از توطئه‌گران و قاتلان به‌سرمی‌بردند.

رژهٔ پیروزی

وقتی فرماندهی رومی به پیروزی می‌رسید به افتخارش رژهٔ پیروزی برپا می‌شد. مردم با غریو شادی دو طرف مسیر عبور او و یارانش صف می‌بستند. اگر فرماندهی قدرتمند و محبوب بود، راه رسیدن به قدرت برایش باز بود. احتمالاً مشهورترین حکمران روم، ژولیوس سزار، پس از مجموعه‌ای از فتوحات نظامی برجسته به قدرت رسید.





قربانی شهر

امپراتوران روم هم وظایف سیاسی داشتند و هم مذهبی. امپراتور در مقام راهب اعظم، یا پونتیفکس ماکسیموس (*Pontifex Maximus*)، در جشن‌های مهم قربانیانی به درگاه خدایان پیشکش می‌کرد.

انجیر

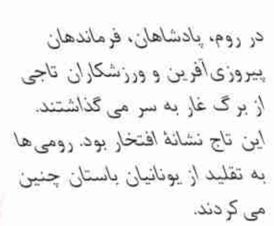
میوه‌های مرگبار

چه کسی آگوستوس، نخستین امپراتور روم، را در سال ۱۴ میلادی کشت؟ این سؤالی است که به راحتی نمی‌توان به آن پاسخ گفت. شاید به مرگی طبیعی مرد... به هر حال، شاید همسرش لیویا (Livia) باعث مرگش شد. می‌گویند که او انجیرهای باغ‌شان را به سمی مهلک آلوده کرد. امپراتوران روم بسیار از جان خود در هراس بودند، چون دشمنان بسیاری داشتند و به هیچ کس نمی‌توانستند اعتماد کنند و در این میان افراد خانوادهٔ خودشان بدتر از سایرین بودند.

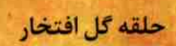


گارد پرتورین

پرتورین‌ها (Praetorian) محافظان شخصی امپراتور بودند. آن‌ها یونیفورم‌هایی خاص به تن می‌کردند و حقوق خوبی می‌گرفتند. آن‌ها تنها سربازان مسلحی بودند که در داخل شهر رم اجازهٔ تردد داشتند. به همین علت، بسیار قدرتمند بودند. پرتورین‌ها در سیاست هم دخالت می‌کردند ــ مثلاً امپراتور کالیگولا (Caligula) را به قتل رساندند و کلادیوس را به جانشینی او برگزیدند.



در روم، پادشاهان، فرماندهان پیروزی‌آفرین و ورزشکاران تاجی از برگ غار به سر می‌گذاشتند. این تاج نشانهٔ افتخار بود. رومی‌ها به تقلید از یونانیان باستان چنین می‌کردند.



حلقه گل افتخار

مواد مورد نیاز: متر، سیم، انبردست، قیچی، چسب نواری شفاف، روبان سبز، برگ (مصنوعی یا طبیعی) گیاه غار.





۱. دور سرتان را با متر اندازه بگیرید، سیمی به اندازهٔ دور سرتان ببرید. سیم را مانند تصویر خم کنید و روبان را دورش بپیچید.



۲. مانند تصویر، برگ‌ها را یکی‌یکی از دم‌برگ دورتادور حلقه چسب بزنید. تا نصف حلقه برگ بچسبانید. در حالی که برگ‌ها را می‌چسبانید آن‌ها را به صورت چتر پخش کنید.



۳. از نصف حلقه به بعد جهت برگ‌ها را تغییر دهید. تاج افتخار را بر سر بگذارید. زنده باد سزار!

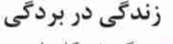


جامعهٔ روم

در اجتمـاع روم هرگـز عدالت چندان برقرار نبود. در ابتدا، گروهی از اشـراف ثروتمند و پرقدرت که به آن‌ها پاتریسین (patrician) می‌گفتند بر شهر و سنا حکومت می‌کردند. هر کسی می‌خواست صدایش شنیده شود باید یکی از اعضای سنا را قانع می‌کرد تا از طرف او حرف بزند. قرن‌ها گذشت و مردم عادی، که به آن‌ها پلبین (به معنای عوام‌الناس) می‌گفتند، به‌تدریج قدرتمند شدند تا این‌که در سال ۲۸۷ قبل از میلاد، آن‌ها نیز در حکومت به‌یکسـان شـریک شدند. سـرانجام، در دوران امپراتوری، همه، حتی افرادی از طبقات معمولی جامعه، می‌توانستند امپراتور شوند، مشروط به این‌که ثروت می‌داشتند یا از حمایت ارتش برخوردار می‌بودند. امپراتورها همیشـه ترس شـورش مردم عادی را به دل داشتند، به همین علت، سعی می‌کردند با دادن غذای رایگان و فراهم‌کردن سرگرمی‌های فراوان به مردم آن‌ها را راضی نگه دارند. زنان رومی خارج از خانه قدرت چندانی نداشـتند و نمی‌توانسـتند رأی دهند، اما بسیاری از زنان در تجارت موفق بودند و بر رویدادهای سیاسـی نیز نفوذ زیادی داشـتند. بردگان حق چندانی نداشـتند، گرچه جامعهٔ روم به کار آنان محتاج بود. اسـرای جنگی خرید و فروش می‌شـدند و بسیار بی‌رحمانه با آن‌ها رفتار می‌شد، به همین علت، این بردگان همیشه شورش می‌کردند.

کنسول رومی

مجسمه یکی از کنسول‌های روم، یا رئیس سنا، در دوران جمهوری. در ابتدا فقط اشراف و اغلب اشراف ثروتمند به سنا راه می‌یافتند و سـناتور می‌شـدند. اما وقتی امپراتوران بر مسند نشستند قدرت و نفوذ سنا به‌تدریج کم‌رنگ‌تر شد.



زندگی در بردگی

گردش کارهای روزمره در امپراتوری به کار بردگان بسـتگی داشـت. در این تصویر موزاییکی برده‌ای کم سن و سال را در حال حمل میوه می‌بینیم. در حدود سـال ۱۰۰ میلادی، یک خانوادهٔ ثروتمنـد معمـولاً ۵۰۰ بـرده در خدمت داشت. برخی از خانواده‌ها با بردگان‌شان خوش‌رفتاری می‌کردند و بـرده‌ای کـه کارش را خوب انجام می‌داد، آزاد می‌شـد. امـا بیش‌تر آن‌هـا زندگی بسیار سختی را می‌گذراندند، در معدن کار می‌کردند یا در مزارع جان می‌کندند.



نشانهٔ بردگان

این صفحهٔ مفرغی را احتمالاً دور گردن بردگان می‌بستند، درست مثل قلادهٔ سگ. متن لاتین این لوح این است: «اگر گریختم، جلویم را بگیرید و نزد صاحبم ویونتیوس(Viventius) در شهر کالیستوس (Callistus) بازگردانید.» برده‌ها حق چندانی نداشتند و گاه روی پیشانی یا پای‌شان داغ می‌گذاشتند و نام صاحب‌شان را در آن ذکر می‌کردند.

جمع‌کردن خراج

این کنده‌کاری سنگی احتمالاً افرادی را نشان می‌دهد که دارند خراج سالانه‌شان را می‌پردازند. مأموران شهروندان را سرشماری می‌کردند و اسامی‌شان را برای پرداخت مالیات می‌نوشتند. پول حاصل از مالیات خرج ارتش و حکومت می‌شد. با این حال، بسیاری از مأموران جمع‌آوری مالیات رشوه می‌گرفتند و حتی گاهی امپراتوران از پول مالیات مردم به ثروت خود می‌افزودند.



اشراف

با دیدن این نقاشی ایتالیایی متعلق به سدهٔ هجدهم می‌توان تصور کرد که بانویی رومی پس از استحمام چطور لباس می‌پوشید. ثروتمندان بردگانی شخصی داشتند که در حمام‌کردن، لباس پوشیدن و درست کردن موهای‌شان کمک‌شان می‌کردند. بردگان خانگی اغلب عضو خانواده به حساب می‌آمدند و بچه‌های‌شان با بچه‌های ارباب‌شان بزرگ می‌شدند و تحصیل می‌کردند.

زندگی روستایی

رومیان باستان اغلب با کشاورزی روزگار می‌گذراندند. حتی وقتی روم شهری بزرگ شد، شعرای رومی همچنان دوست داشتند در رثای زندگی روستایی شعر بسرایند. اما در واقع، زندگی روستایی بسیار دشوار بود. از گاو نر برای شخم‌زدن استفاده می‌کردند. غلات با داس درو می‌شدند و گندم‌ها اغلب با آسیاب دستی آرد می‌شدند. آب مصرفی خانه باید از چاه مزرعه یا از چشمهٔ مجاور با دست حمل می‌شد.

بسیاری از مزارع خیلی کوچک بودند. سربازان بازنشسته مسئولیت ادارهٔ مزارع و پروراندن غاز و مرغ و گاهی هم گاو و خوک را برعهده داشتند. آن‌ها گاهی زنبورداری هم می‌کردند و درخت زیتون و باغچهٔ کوچک سبزیجات هم در مزارع‌شان پیدا می‌شد.

دیگر مزارع در ایتالیا و سراسر امپراتوری روم املاک بزرگی بودند که منبع عمدهٔ درآمد ارباب‌شان به‌شمار می‌آمدند. گاهی این املاک ماشین روغن‌کشی از زیتون، خرمن‌کوب و سیلوی نگه‌داری از غلات خشک داشتند. در قلب اکثر این مزارع خانه‌ای یا ویلایی مجلل قرار داشت. ویلاهای دیگر در روم خانه‌های روستایی بزرگی بودند که به ثروتمندان رومی تعلق داشتند.

ملک اربابی

درست مثل آن‌چه در این موزاییک‌کاری ظریف در ویلایی رومی در تونس، در شمال افریقا می‌بینید، زندگی در املاک اربابی همیشه پر رفت و آمد و شلوغ بود. املاک روستایی شمال افریقا بخش عمدهٔ محصولات مورد نیاز روم مثل غلات، میوه و سبزیجات را تأمین می‌کردند. زمین‌های حاصلخیز و گرمای تابستان و باران زمستان کار کشاورزی را تسهیل می‌کرد.





ویلای هادریان

یکی از بزرگ‌ترین خانه‌های اربابی برای امپراتور هادریان در فاصلهٔ سال‌های ۱۲۴ تا ۱۳۳ میلادی ساخته شد. بخش‌هایی از این ویلا مثل این معبر کنار دریاچه، که یکی از معابر متعدد آن است، هنوز باقی است. ویلای مجلل هادریان برفراز تپه‌ای بنا شده است که از فراز آن شهر رم در دوردست پیداست. زمین آن از زمین‌های اجدادی خانوادهٔ هادریان بود و در آن بارگاه و تراس و استخر و تالارهای پذیرایی و تماشاخانه و کتابخانه ساخته بودند. اطراف ویلا پر از درخت غار، کاج و چنار، بوته‌های خوش‌آب‌ورنگ و گلزارهای دیدنی بود. هادریان این ویلا را برای گذراندن تعطیلات ساخته بود تا از کار پرمشغلهٔ حکومت در ایام تعطیل به آن پناه برد، اما او چهار سال پس از تکمیل ساختمان ویلا درگذشت.



شکار گراز وحشی

دیوارهای ویلاها معمولاً با نقاشی‌هایی از صحنه‌های شکار تزیین می‌شدند. شکار سرگرمی محبوب نجبا و اشـراف و فرماندهان نظامی جوانی بود که به روستا سفر می‌کردند. گراز وحشی، مثل گراز این تصویر، اگر زخمی می‌شد تبدیل به خطرناک‌ترین حیوانات می‌شد.



غذا برای روم

روم برای سیر کردن سکنهٔ خود به غذای زیادی احتیاج داشت. سبزیجاتی مثل تره‌فرنگی، کرفس، کلم، نخود و لوبیا را در باغ‌های سبزی‌کاری اطراف شهر می‌کاشتند. غلات شامل گندم، جو، جو دو سر و چاودار بودند. از انگور شراب می‌گرفتند و از آن‌جا که در روم شکر وجود نداشت، با عسل غذاها را شیرین می‌کردند.



شخم‌زدن

ایـن کشـاورز اهل بریتانیـا در روزگار امپراتـوری روم با خیش چوبی سـنگینی که به گاوهای نر بسـته شده است، زمین را شخم می‌زند. بخش‌های وسیعی از اروپا در دوران امپراتوری روم تحت پوشـش جنگل‌های انبوه بود. به‌تدریج، کشاورزان درختان را قطع کردند تا زمین‌ها را شخم بزنند و دانه بکارند. اندک‌اندک میوه‌زارها و مزارع در روستاها دامن گستراندند.

درختستان زیتون

زیتون محصول عمدهٔ سـرزمین‌های حاشـیهٔ دریای مدیترانه بود و هنوز هم هسـت. درخت زیتون هم در مزرعه‌های کوچک کاشـته می‌شـد، هم در املاک بزرگ. زیتون را می‌فشردند و روغن به دست آمده را در کوزه‌های بزرگ نگه‌داری می‌کردند. روغن زیتون روغن آشپزی و سوخت چراغ رومیان بود.



شهرها و شهرهای کوچک

همهٔ شهرهای کوچک ایتالیا و سرزمین‌های اطراف دریای مدیترانه پیش از هجوم رومیان قدیمی و آباد بودند. این نواحی تحت سلطهٔ رومیان شکوفا شدند و توسعه یافتند. در دیگر نواحی اروپا که مردم‌شان هرگز رنگ شهرهای بزرگ را ندیده بودند، مهاجمان رومی شهرهایی دیدنی ساختند.

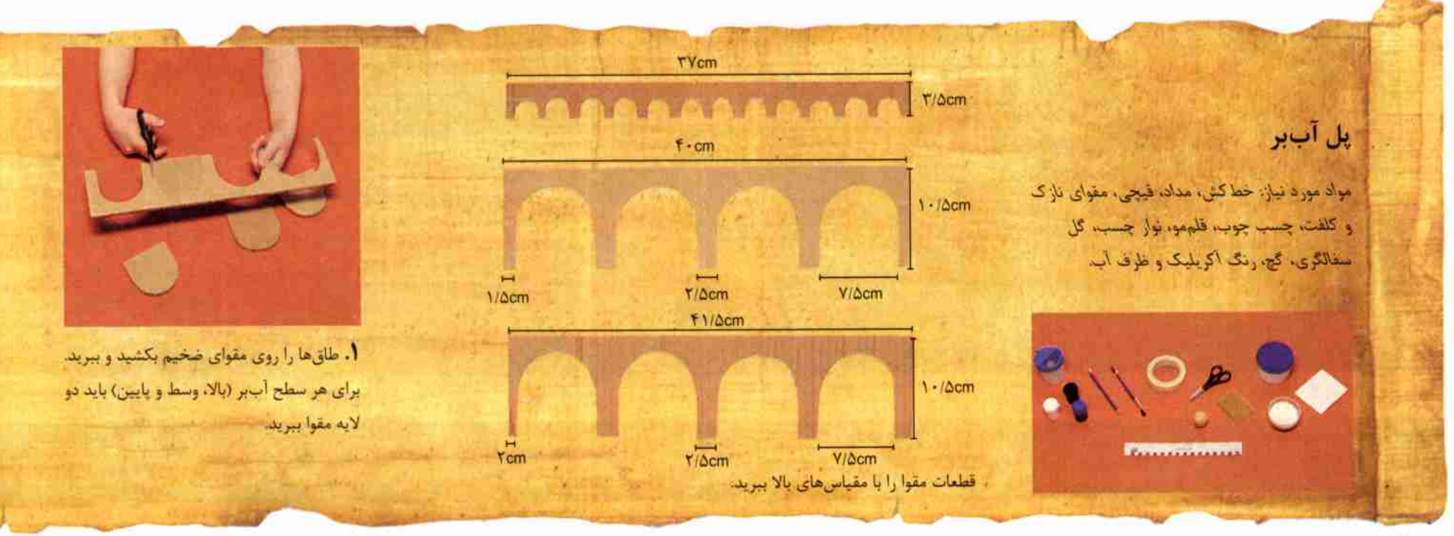
شهرهای روم معابری مستقیم و هموار داشتند که به شکل شبکه طراحی شده بودند. برخی خیابان‌هایی پهن بودند و پیاده‌رو داشتند و برخی نیز کوچه‌هایی تنگ و باریک برای گذر یک الاغ! در اغلب خیابان‌ها هیاهوی جمعیت، دوره‌گردان، گاری‌ها و بساطی‌ها به گوش می‌رسید. خیابان‌ها ساختمان‌ها را به واحدهایی به نام اینسوله (*Insulae*)، به معنای «جزیره»، تقسیم می‌کردند. خانه ثروتمندان راحت و جادار بود. فقرا در واحدهایی به شکل آپارتمان با شرایط نامطلوب و در هیاهو زندگی می‌کردند و خطر آتش‌سوزی هر لحظه تهدیدشان می‌کرد.

آب آشامیدنی از طریق شبکه‌ای از کانال‌هایی به نام آب‌بر به شهرها می‌رسید. آب با لوله به فواره‌ها،گرمابه‌های عمومی و خانهٔ ثروتمندان هدایت می‌شد.



خیابان‌های پومپئی

در ۲۴ اوت سال ۷۹ میلادی، کوه آتشفشان وزوو به شدت طغیان کرد و شهر پومپئی را در خاکستر و سنگ‌های مذاب فرو کشاند. کار حفاری این شهر مدفون در ۱۷۴۸ آغاز شد و به‌تدریج، خانه‌ها، خیابان‌ها و مغازه‌ها سر از خاک درآوردند. در این خیابان کشف‌شده اثر عمیق چرخ ارابه‌ها به‌خوبی مشهود است. خیابان‌ها اغلب گلی و آلوده بودند. به همین علت، پلکانی سنگی در عرض هر خیابان برای گذر عابران تعبیه می‌شد.



پل آب‌بر

مواد مورد نیاز: خط‌کش، مداد، قیچی، مقوای نازک و کلفت، چسب چوب، قلم‌مو، نوار چسب، گل سفالگری، گچ، رنگ اکریلیک و ظرف آب.

قطعات مقوا را با مقیاس‌های بالا ببرید.

۱. طاق‌ها را روی مقوای ضخیم بکشید و ببرید. برای هر سطح آب‌بر (بالا، وسط و پایین) باید دو لایه مقوا ببرید.

آب‌بر



آب مصرفی شهرهای روم از طریق سیستمی متشکل از کانال و لوله که به آن آب‌بر می‌گفتند، منتقل می‌شد. قسمت عمدهٔ این سیستم زیرزمینی بود و گاهی نیز کانال‌ها و لوله‌های آب را طاقی‌هایی مانند آن‌چه در تصویر می‌بینید، محافظت می‌کردند. تصویر فوق آب‌بری است که از دیرباز در فرانسه پابرجاست. آب مصرفی شهر از چشمه‌های زلال، جویبارها و دریاچه‌ها تأمین می‌شد.

هرکولانیوم

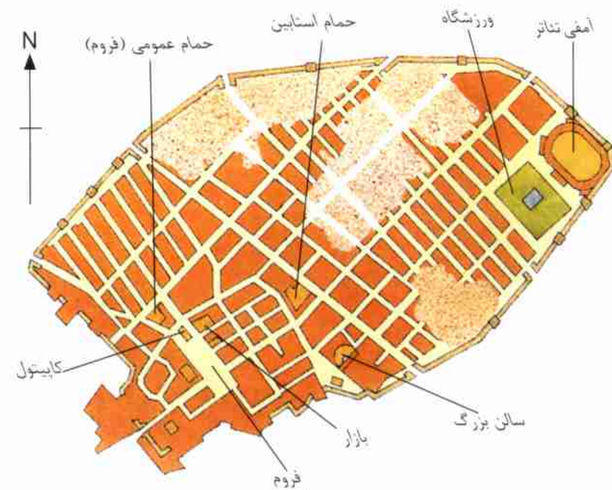
فوران آتشفشانی که شهر پومپئی را مدفون ساخت، باعث به‌وجود آمدن سیلاب گل‌آلودی شد که هرکولانیوم، شهر ساحلی کوچک مجاور پومپئی، را نیز مدفون کرد. باستان‌شناسان در این شهر نیز خانه‌ها، حمام‌های عمومی، مغازه‌ها و کارگاه‌هایی را در کنار هم در خیابان‌های شهر پیدا کردند. در این تصویر، نمایی از معابر پرتردد این شهر کوچک را می‌بینیم. معبری متشکل از خیابانی باریک و هموار ساختمان‌ها را از هم جدا می‌ساخت.



نقشهٔ شهر

از نمای هوایی پومپئی به خوبی حالت شبکه‌ای خیابان‌های روم مشهود است.







آب‌برها را معمولاً در زمین‌هایی با شیب ملایم می‌ساختند تا آب همیشه در آن جریان داشته باشد. پل‌های طاقی معبر آب‌برها از گودی رودخانه‌ها بودند. آب در کانال روی طاق این پل‌ها جریان می‌یافت.



۲. نوارهایی از مقوای نازک در اندازه‌های ۴، ۲/۵ و ۲سانتی‌متر ببرید. این مقواها قسمت داخلی طاق‌ها را تشکیل می‌دهند. با چسب چوب و چسب نواری طاقی ۴ سانتی‌متری را به سطح پایینی آب‌بر بچسبانید.



۳. لبهٔ مقابل را بچسبانید. آن را با چسب محکم کنید. برای رویهٔ پل از مقوای ضخیم مستطیلی ببرید و آن را به پایه بچسبانید. دو سطح بعدی را هم به همین شیوه بسازید.



۴. سفال را به شکل شمع درآورید و دورش مقوای ضخیم بکشید. زیر هر پایه یکی از این مستطیل‌ها را بچسبانید. این شمع‌ها پایهٔ محافظ پل آب‌بر هستند.



۵. سطوح را به هم بچسبانید. روی کار گچ بمالید و روی آن طرح آجر بکشید. صبر کنید مجموعه خشک شود. طاق‌ها را خاکستری‌رنگ کنید. روی قسمت بالای پل، که معبر آب است، رنگ آبی بزنید.

خانه و باغ

فقط ثروتمندان می‌توانستند در خانه‌ای شخصی زندگی کنند. خانه‌های واقع در شهرهای کوچک معمولاً رو به درون طراحی می‌شدند. اتاق‌ها در اطراف حیاط مرکزی ساخته می‌شدند و باغ منازل نیز اغلب دیوار داشت. در دیوارهای خارجی خانه پنجره‌های معدودی تعبیه می‌شد که این تعداد پنجره هم اغلب کوچک و دردار بودند. در ورودی به راهرویی کوتاه باز می‌شد. این راهرو به حیاطی روباز ختم می‌شد که به آن آتریوم (*atrium*) می‌گفتند. اتاق‌های جلویی دو طرف راهرو معمولاً اتاق خواب بودند. گاهی نیز این اتاق‌ها را کارگاه یا مغازه می‌کردند که در این حالت، دری از اتاق به کوچه باز می‌شد. مرکز آتریوم روباز بود و وسط آن حوضی می‌ساختند تا آب باران در آن جمع شود.

اطراف حیاط اتاق‌خواب‌های دیگر و آشپزخانه احداث می‌شد. میهمانان یا کسانی را که کار مالی مهمی با اعضای خانه داشتند به تابلینیوم (*tablinium*) راهنمایی می‌کردند. اتاق غذاخوری یا تریکلینیوم (*triclinium*) اغلب بزرگ‌ترین اتاق خانه بود. خانواده‌های ثروتمند در خانهٔ خود یک اتاق نشیمن تابستانی داشتند که رو به باغ بود.

خانه‌ها معمولاً از مصالح ساختمانی محلی و در دسترس ساخته می‌شد، مصالحی چون سنگ، خشت، سیمان و الوار. سقف‌ها را نیز با کاشی‌های سفالی می‌پوشاندند.

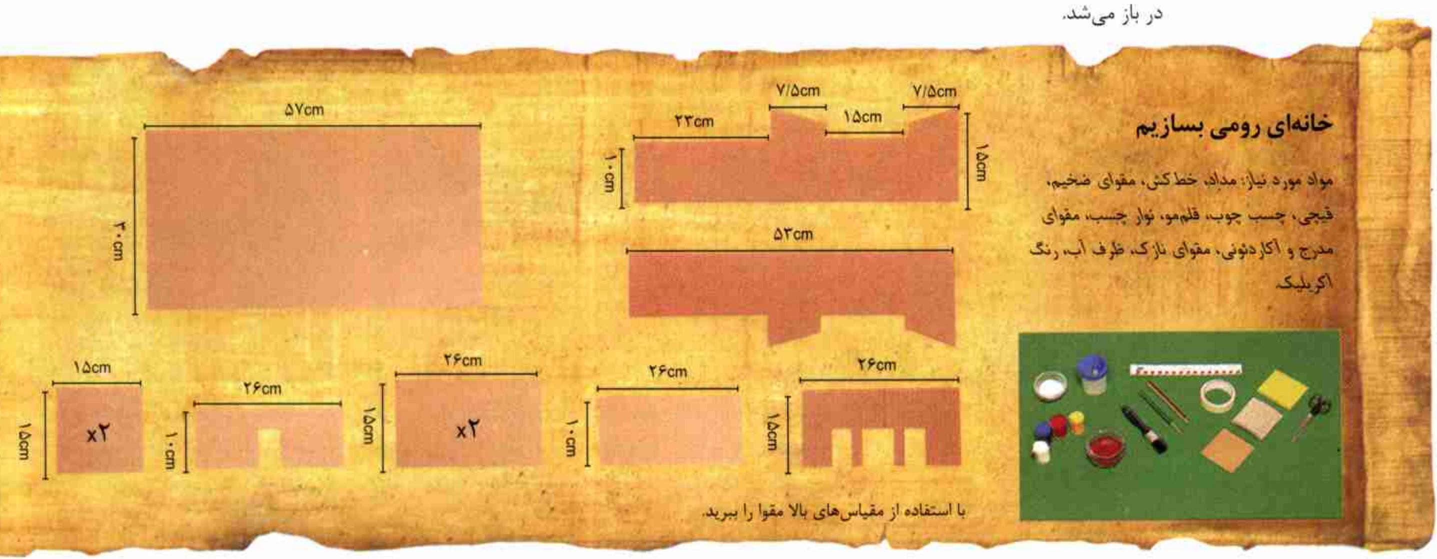
باغ

اتاق خواب

تابلینیوم
(اتاق نشیمن و دفتر)

درون خانه‌ای رومی
نمای خارجی خانهٔ ثروتمندان ساکن شهرهای کوچک اغلب ساده بود، اما داخل آن به دقت با نقاشی‌های دیواری باشکوه و موزاییک‌کاری‌ها ظریف تزیین می‌شد. در اتاق‌ها وسایل چندانی نمی‌گذاشتند و در آن‌ها مخده یا تخت‌خواب، میز پذیرایی، نیمکت و صندلی و نیز چهارپایه قرار می‌دادند. تعداد پنجره‌ها کم بود، اما سقف بلند و درهای فراخ‌شان نور کافی را معمولاً از حیاط و باغ خانه تأمین می‌کرد.

قفل و کلید
این کلید یکی از خانه‌های رومی است. وقتی این کلید را داخل قفل می‌کردند برآمدگی‌های روی آن با فرورفتگی‌های داخل قفل چفت و قفل در باز می‌شد.



خانه‌ای رومی بسازیم

مواد مورد نیاز: مداد، خط‌کش، مقوای ضخیم، قیچی، چسب چوب، قلم‌مو، نوار چسب، مقوای مدرج و آکاردئونی، مقوای نازک، ظرف آب، رنگ اکریلیک.

با استفاده از مقیاس‌های بالا مقوا را ببرید.

لذتِ داشتنِ باغ

در قسمتِ پشتیِ اکثر خانه‌های رومی باغی زیبا و حصارکشی‌شده بود که در آن ستون‌های سنگی، حوضچه، فواره، مجسمه و ایوان می‌ساختند. مردم در عصرهای گرم تابستان در باغ غذا می‌خوردند و در حصاری از پیچک و مست از بوی خوش رز و سوسن و درخت غار و سرو به پشتی‌های‌شان تکیه می زدند و می‌لمیدند.

پیچک

رز

اتاق خواب

آتریوم
(حیاط)

لولهٔ آب

تریکلینیوم
(اتاق غذاخوری)

آشپزخانه

این خانهٔ رومی دیوارهای بلند بی‌پنجره‌ای دارد تا از نفوذ آفتاب داغ تابستان جلوگیری شود و فضای خانه سایه‌ساری خنک باشد.



۱. پس از منتقل کردن نقشه‌ها روی مقوای کلفت، لبه‌ها را ببرید و با چسب به هم بچسبانید. برای محکم‌تر شدن، از چسب نواری استفاده کنید (مانند تصویر). تا این‌جا، دیوارهای خانه‌تان را ساخته‌اید.



۲. مدل‌تان را اندازه‌گیری کنید و قطعهٔ مربوط به سقف را روی مقوای آکاردئونی ببرید. قطعات را مانند تصویر به هم بچسبانید. سقف را قرمز رنگ کنید.



۳. آب باران از روی سقف شیب‌دار آتریوم از طریق ناودان و آبرو درون حوضچه‌ای می‌ریخت که زیر این سقف برای جمع‌کردن آب باران تعبیه می‌شد. ناودان خانهٔ مقوایی خود را از مقوای نازک ببرید، سوراخ‌هایی هم مثل آبرو روی آن درنظر بگیرید.



۴. برای رنگ‌کردن دیوارهای خانه می‌توانید از نوار چسب برای تنظیم خطوط استفاده کنید. سقف‌ها را روی دیوارها بچسبانید. بد نیست گوشهٔ دیوار خانهٔ رومی‌تان چیزی به یادگار بنویسید.

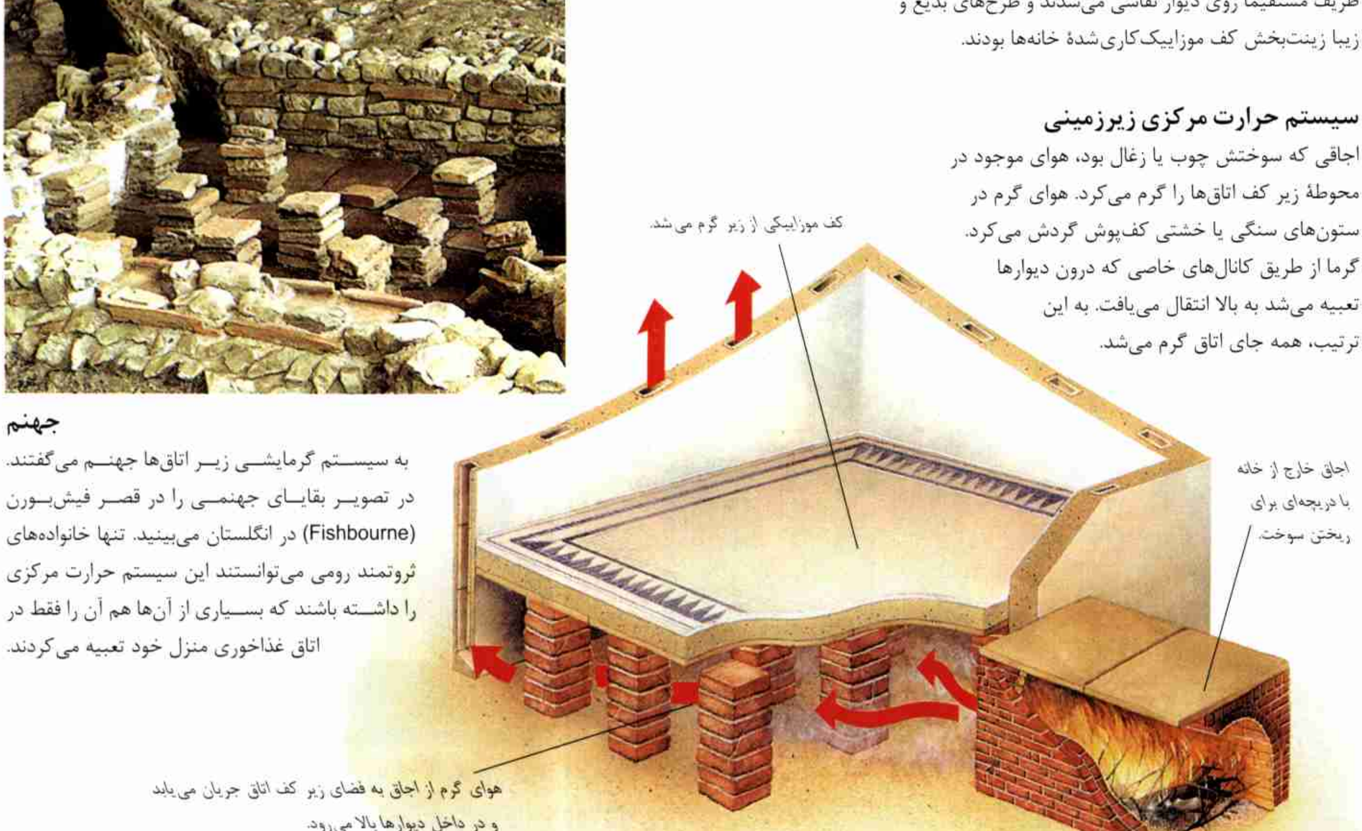
آسایش خانه

خانه‌های روم به اندازهٔ خانه‌های کنونی اثاثیه نداشتند. مردم لباس‌های‌شان را در جعبه‌های چوبی و کمد نگه‌داری می‌کردند، نه در کشو و قفسه. به‌جای صندلی، بیش‌تر از چهارپایه‌های چوبی یا فلزی استفاده می‌کردند. نیمکت مهم‌ترین بخش از مبلمان خانه بود و از آن برای استراحت کردن، غذا خوردن و پذیرایی از میهمانان استفاده می‌شد. مبلمان رومیان اغلب ساده بود، اما ثروتمندان می‌توانستند میزهای منبت‌کاری و نیمکت‌های چوبی، مرمری یا مفرغی برای خانهٔ خود سفارش دهند. میزهای غذاخوری پایه‌کوتاه بودند، چون ثروتمندان روم در حالی‌که به مخده تکیه می‌زدند غذا می‌خوردند. تخت‌خواب‌ها اغلب چوبی بودند و میله و طناب داشتند تا ملافه و بالش روی آن‌ها بماند. درون بالش‌ها پشم یا کاه می‌ریختند.

نور خانه‌های ثروتمندان و فقرا از چندین چراغ روغنی کوچک فراهم می‌شد که آن‌ها را از مفرغ یا سفال می‌ساختند. برای گرم کردن فضا، زغال چوب را در آتشدان‌های روباز می‌سوزاندند. برای گرم کردن خانه‌های مجلل، به‌خصوص در بخش‌های سردتر این امپراتوری، از سیستم حرارت مرکزی زیرزمینی استفاده می‌شد.

تزیین داخلی

دیوارها، سقف و کف خانه‌های رومی با نقاشی، موزاییک‌کاری و نقش‌برجسته‌های گچی تزیین می‌شد. صحنه‌های باشکوه و ظریف مستقیماً روی دیوار نقاشی می‌شدند و طرح‌های بدیع و زیبا زینت‌بخش کف موزاییک‌کاری‌شدهٔ خانه‌ها بودند.



سیستم حرارت مرکزی زیرزمینی

اجاقی که سوختش چوب یا زغال بود، هوای موجود در محوطهٔ زیر کف اتاق‌ها را گرم می‌کرد. هوای گرم در ستون‌های سنگی یا خشتی کف‌پوش گردش می‌کرد. گرما از طریق کانال‌های خاصی که درون دیوارها تعبیه می‌شد به بالا انتقال می‌یافت. به این ترتیب، همه جای اتاق گرم می‌شد.

جهنم

به سیستم گرمایشی زیر اتاق‌ها جهنم می‌گفتند. در تصویر بقایای جهنمی را در قصر فیش‌بورن (Fishbourne) در انگلستان می‌بینید. تنها خانواده‌های ثروتمند رومی می‌توانستند این سیستم حرارت مرکزی را داشته باشند که بسیاری از آن‌ها هم آن را فقط در اتاق غذاخوری منزل خود تعبیه می‌کردند.

زیارتگاه خانگی

لاراریوم (*lararium*)، یا زیارتگاه خانگی، محراب خصوصی کوچکی بود که در آن عکس نیاکان خود را قرار می‌دادند. لاراریوم را اغلب در آتریوم، در مرکز خانه، قرار می‌دادند. اهالی خانه هر روز با روشن کردن عود و شمع در این مکان یاد پیشینیان خود را زنده نگه می‌داشتند.





شام حاضر است

در این‌جا، میهمانانی را در ضیافتی در آلمان دورهٔ امپراتوری روم می‌بینید. فقط روستاییان، بردگان و خارجی‌ها پشت میز می‌نشستند و غذا می‌خوردند. میز و صندلی‌های غذاخوری اغلب چوبی بودند و کنده‌کاری یا رنگ می‌شدند. صندلی‌های راحتی هم از ترکه‌های چوب به‌هم‌بافته درست می‌شدند. رومیان ثروتمند روی نیمکت لم می‌دادند و پشت‌میزی کوتاه غذا می‌خوردند.



چراغ

رومیان خانه‌های خود را با نور ملایم شمع یا چراغ نفتی روشن می‌کردند. چراغ‌ها، مثل این چراغ، مفرغی یا سفالی بودند و طرح‌های مختلفی داشتند، اما وجه اشتراک همه این بود که وسط‌شان حفره‌ای قرار داشت که در آن روغن زیتون می‌ریختند. فتیله‌ای روغن را جذب می‌کرد و با شعله‌های یکنواخت می‌سوخت. گاهی چند چراغ را کنار هم می‌گذاشتند یا آن‌ها را از دیوار می‌آویختند.



تختی مجلل برای لم‌دادن

این تخت‌خواب زیبا از چوب ساخته شده و با عاج و سنگ‌های نیمه‌قیمتی آن را تزیین کرده‌اند. این اثر هنری ارزشمند که در حدود سال ۵۰ قبل از میلاد ساخته شده، در بقایای ویلایی در ایتالیا پیدا شده است. این ویلا زیر گدازه‌های آتشفشان مدفون شده بود. تخت‌خواب یا نیمکت‌های آن دوران بسیار بلندتر از تخت‌خواب‌های کنونی بودند، به‌نحوی که برای بالا رفتن باید چهارپایه‌ای زیر پا می‌گذاشتند.

در آشپزخانه

وقتی غذایی برای ضیافتی پخته می‌شد، برده‌ها باید آب و آتشگیر تازه به آشپزخانه می‌رساندند. وقتی آتش روشن می‌شد، فضای آشپزخانه را دود فرا می‌گرفت، چون در آن روزگار دودکشی نبود. طولی نمی‌کشید که زغال‌ها سرخ می‌شد و آب درون دیگ روی سه‌پایه و تابهٔ درون اجاق آجری به جوش می‌آمد. مواد خوراکی را می‌جوشاندند، سرخ می‌کردند، کباب می‌کردند یا می‌پختند. احتمالاً در آشپزخانه‌های بزرگ‌تر برای پختن نان از اجاقی سنگی و برای کباب‌کردن گوشت از سیخ کباب استفاده می‌شد. حتی بعضی‌ها هم لوله‌کشی آب گرم داشتند.

آشپزخانهٔ ثروتمندان رومی بسیار مجهز بود و در آن همه چیز یافت می‌شد، از انواع ظروف مفرغی گرفته تا تابه و ملاقه و الک. در کوزه‌های سفالی بزرگ شراب، روغن زیتون و ترشی نگه‌داری می‌کردند. سبزیجات، گیاهان و گوشت را از قناره‌هایی از سقف می‌آویختند. در آن دوران نه کنسروی بود، نه یخچالی که غذاها را تازه نگه دارد. خوراکی‌ها را می‌بایست در روغن نگه می‌داشتند، یا از روش‌های خشک‌کردن، دودی‌کردن، نمک‌سود کردن و سرکه انداختن برای نگه‌داشتن مواد خوراکی در درازمدت استفاده می‌کردند.



شیشهٔ ارزشمند

این بطری یا گلدان شیشه‌ای حدود ۱۹۰۰ سال قبل ساخته شده است. در سراسر امپراتوری روم مایعات ارزشمند و عطرهای گران‌قیمت در شیشه‌هایی مثل این فروخته می‌شدند. این بطری‌ها آن‌قدر ارزشمند بودند که وقتی خالی می‌شدند، آن‌ها را دور نمی‌ریختند، بلکه برای نگه‌داری مواد خوراکی، مثل عسل، در آشپزخانه از آن‌ها دوباره استفاده می‌کردند.

هاون

دسته هاون

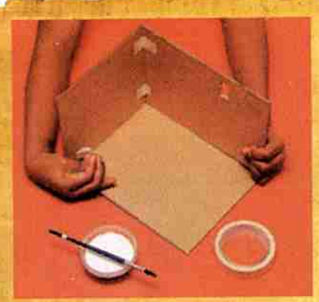
هاون و دستهٔ هاون

رومی‌ها غذاهای ادویه‌دار دوست داشتند، آشپزان رومی موادی چون خشکبار، گیاهان خشک و ادویه‌ها را درون هاون‌هایی مثل این آسیاب می‌کردند. هاون و دسته هاون معمولاً از سفال متراکم یا سنگ ساخته می‌شد. سطح داخلی هاون را با سنگ‌ریزه‌های زبر می‌پوشاندند تا مواد راحت‌تر آسیاب شوند.

آشپزخانهٔ رومی

مواد مورد نیاز: مداد، خط‌کش، مقوا، قیچی، قلم‌مو، چسب چوب، نوار چسب، ظرف آب، رنگ اکریلیک، روان‌نویس قرمز، گچ، یک قطعه چوب بالزا، سمباده، گل سفالگری، تخته و ابزار برش.





۱. مثل تصویر، کف و دیوارهای آشپزخانه را از مقوا ببرید و لبه‌ها را به هم بچسبانید و بفشارید. برای محکم‌کاری از چسب‌نواری استفاده کنید.

۲. کف را خاکستری رنگ کنید و وقتی خشک شد، با مداد و خط‌کش روی آن طرحی چهارخانه بکشید. دیوارها را زرد و لبه‌ها را آبی رنگ کنید. وقتی رنگ خشک شد، با روان‌نویس حاشیه‌های قرمز را روی دیوار بکشید.



۳. با مقوا اجاقی به طول ۲ سانتی‌متر، پهنای ۵ سانتی‌متر و ارتفاع ۴ سانتی‌متر بسازید. قطعات را مانند تصویر، با چسب چوب بچسبانید و با چسب نواری محکم کنید.

آماده برای پختن

سبزی‌های تازه‌ای مثل نعناع، گشنیز، سدر، جعفری و آویشن از باغ تهیه می‌شد. برای مزه دادن به غذا از فلفل، زیره، بادیان رومی، دانه‌های خردل و زعفران استفاده می‌شد. روی میز غذا احتمالاً تخم‌مرغ، انگور، انجیر و آجیل هم می‌گذاشتند. بخش عمدهٔ دانسته‌های خود را در مورد آشپزی رومیان مدیون خوراک‌شناس رومی، آپیکیوس (Apicius) هستیم که حدود ۲۰۰۰ سال قبل، دستورهای تهیه غذا را جمع‌آوری کرد.

آویشن
زعفران
نعناع
تخم بلدرچین

تابهٔ شیرینی‌پزی

این سینی مفرغی احتمالاً قالب پخت کیک عسلی، کلوچه یا شیرینی بود. دستهٔ بلند این ظرف برای این بود که راحت‌تر بتوان آن را از روی اجاق داغ برداشت. از این ظرف شاید برای پختن تخم‌مرغ هم استفاده می‌شد.

صافی

آشپزان رومی از صافی‌های مفرغی مثل این برای صاف‌کردن سس استفاده می‌کردند. قالب این ظرف درست مثل قالب قابلمه است با این تفاوت که کاسهٔ آن به شکلی ظریف سوراخ‌سوراخ شده است. سوراخ روی دسته برای آن بود که ظرف را از گیره‌ای به دیوار بیاویزند.

قابلمه

مثل اکثر ظروف آشپزخانه در روم، این قابلمه هم مفرغی است. مفرغ متشکل بود از مس، که مزه‌ای بسیار عجیب به غذا می‌دهد. به همین دلیل، درون قابلمه روکشی از نقره داشت تا از اختلاط مزهٔ مس با غذا جلوگیری کند.

در آشپزخانه‌های رومی مواد غذایی را در سبد، کاسه یا کیسه نگه‌داری می‌کردند. شراب، روغن و دیگر مواد غذایی مایع را در کوزه‌هایی سفالی به نام آمفورا (سبو) ذخیره می‌کردند.

۴. دیواره‌های اجاق را گچ‌کاری کنید. صبر کنید گچ‌ها خشک شود. بعد با سمباده سطح اجاق را صاف کنید. بعد با دو تکه مقوا و چهار قطعه چوب که به هم چسبانده می‌شوند، شبکهٔ اجاق را درست کنید.




۵. مثل تصویر، با رنگ‌های آکریلیک اجاق و شبکه را رنگ کنید. قطعات کوچک چوب بالزا را مثل هیزم روی هم تلنبار کنید و زیر اجاق قرار دهید.

۶. میز و قفسه‌های چوبی را مانند تصویر درست کنید. آن‌ها را با چسب محکم به هم بچسبانید. از نوار چسب استفاده کنید. صبر کنید چسب‌ها خشک شوند و بعد رنگ‌شان کنید.

۷. با گل سفالگری دیگ و ماهی‌تابه و کاسه و کوزه و ظرف مخصوص آب‌پز کردن تخم‌مرغ درست کنید. پیش از زدن رنگ مناسب به ظروف، صبر کنید سفال کاملاً خشک شود.

خوراکی و نوشیدنی

غذای فقرای رومی چیزی نبود جز کاسه‌ای پوره که سردستی درست شده بود یا برشی نان که برای پایین دادن آن شراب ترش می‌نوشیدند. بسیاری از ساکنان شهرهای کوچک در خانه‌شان آشپزخانه نداشتند. آن‌ها از بارها و دکه‌های اغذیه‌فروشی غذاهایی آماده می‌خریدند. حتی برای ثروتمندان نیز صبحانه شامل تکه‌ای نان و عسل و زیتون بود. نهار هم وعده‌ای سبک بود که اغلب شامل تخم‌مرغ، گوشت سرد یا میوه می‌شد. سنا(*cena*) یا شام، اصلی‌ترین وعدهٔ غذا بود. در ابتدا صدف یا سالاد می‌خوردند و بعد، غذای اصلی صرف می‌شد که شامل قطعه‌ای گوشت سرخ‌شده مثل گوشت خوک، گوساله، جوجه یا غاز همراه سبزیجات بود. بعد از غذا هم میوه‌ای شیرین یا کیک عسلی خورده می‌شد.

در بزم‌های آن دوران غذاهای نامتعارف عرضه می‌شد، غذاهایی مثل گوشت سنجاب‌پروار، گوشت مرغ‌های آوازخوان، زبان فلامینگو یا نوعی شیرینی که با مغز گوساله و میوهٔ گل سرخ درست می‌کردند. غذای رومیان بسیار تند بود و اغلب با نوعی سس ماهی به نام گاروم (*garum*) صرف می‌شد. معمولاً شراب را با آب مخلوط می‌کردند یا به آن عسل و چاشنی می‌زدند. میهمانان می‌توانستند غذاهای باقی‌مانده را با خود به خانه ببرند.





برده‌ای در حال پذیرایی

در این اثر موزاییک‌کاری برده‌ای به نام پارگوریوس (Paregorius) را در حال بردن غذا سر میز اربابش می‌بینیم. او روی سرش سینی‌ای حاوی چند ظرف غذا گذاشته است. در میهمانی‌ها غذاها به‌تدریج روی میزی کوچک چیده می شد. آشپزی و پذیرایی به‌عهدهٔ بردگان بود.

خرمای عسلی

مواد مورد نیاز: تخته، خرما، چاقوی کوچک، گردو، بادام، فندق، هاون، نمک، ۱۷۵ میلی‌لیتر عسل، تابه، قاشق چوبی، چند برگ ریحان تازه.





۱. روی تخته، خرماها را با چاقو نصف کنید. هسته آن‌ها را در بیاورید. مراقب باشید دو تکه خرما از هم جدا نشوند. مواظب چاقو باشید.



۲. غیر از فندق، همهٔ مغزها را با هم در هاون بکوبید تا پودری یکنواخت به دست آید. وسط هر خرما مقدارکمی از این مخلوط بریزید.



۳. روی تخته کمی نمک بریزید و خرما را کمی روی نمک بغلتانید. نمک نباید زیاد باشد و در عین حال، همهٔ قسمت‌های خرما باید نمکی شود



فنجان‌ها

برای نوشیدن شراب از فنجان‌هایی سفالی مثل این استفاده می‌شد. فنجان‌های شراب اغلب دسته‌دار بودند و با طرح‌هایی تزیین می‌شدند. فنجان‌های فلزی شراب را بدمزه می‌کردند. به همین علت، لیوان‌های رنگی و فنجان‌های سفالی رایج‌تر بودند.

نقره‌های خانوادگی

این قاشق‌های نقره‌ای متعلق به یک خانوادهٔ ثروتمند بریتانیایی در روزگار امپراتوری روم بودند. رومیان اغلب با دست غذا می‌خوردند و از قاشق برای ریختن سس‌ها استفاده می‌شد. در میهمانی‌ها، رومی‌ها از ظروف نقره‌ای خود به نشانهٔ شأن و منزلت استفاده می‌کردند.

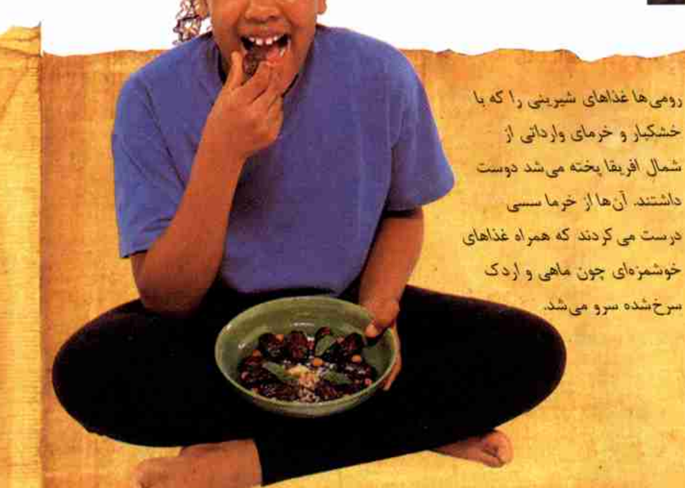
در میهمانی

در این نقاشی دیواری، بزمی رومی به تصویر کشیده شده است. معمولاً هر سه نفر روی یک نیمکت می‌نشستند. پس از صرف غذا، شعر می‌خواندند و موسیقی می‌نواختند یا لطیفه می‌گفتند و شعبده‌بازی می‌کردند. در میهمانی‌ها لباس و نحوهٔ چیدمان میز بسیار مهم بود. سر میز غذا بحث‌کردن و گفتن حرف‌های بد ممنوع بود. اما تف‌کردن و آروغ زدن و خوردن تا سر حد حالت تهوع ایرادی نداشت!



۴. روی حرارت ملایم گاز عسل را تفت دهید و خرماها را ۵ دقیقه توی عسل سرخ کنید. با قاشق چوبی خرماها را برگردانید تا همه طرف خرما عسلی شود. وقتی با اجاق گاز کار می‌کنید مراقب باشید.

۵. در ظرفی کم عمق خرماها را بچینید و با فندق و برگ نعناع آن‌ها را تزئین کنید. حالا می‌توانید با خرمای عسلی از دوستان‌تان پذیرایی کنید.



رومی‌ها غذاهای شیرینی را که با خشکبار و خرمای وارداتی از شمال افریقا پخته می‌شد دوست داشتند. آن‌ها از خرما سسی درست می‌کردند که همراه غذاهای خوشمزه‌ای چون ماهی و اردک سرخ‌شده سرو می‌شد.

لباس پوشیدن

اغلب لباس‌های رومیان از پشـم تهیه می‌شـد و پشـم را معمولاً در خانه و کارگاه با دسـت می‌ریسـیدند و از آن پارچه می‌بافتند. در مصر گیاه کتان می‌کاشـتند و از آن الیاف پارچهٔ نخی می‌بافتند. در حالی که پنبه از هند و ابریشم از چین وارد می‌شد و هر دو الیافی بسیار گران‌قیمت و کم‌یاب بودند. رایج‌ترین لباس رومیان تونیکی بلند و گشـاد بود که کسـانی که فعالیت‌های زیادی داشـتند، مثل کارگران، بردگان و بچه‌ها، با آن بسیار راحت بودند. رجال معمولاً جامهٔ سـفیدی می‌پوشیدند که به آن توگا (toga) می‌گفتند. توگا پارچه‌ای بود به طول ۶ متر که لبه‌هایی گرد داشت و آن را دور بدن می‌پیچاندند و روی شـانه می‌انداختند. این لباس هم سنگین بود، هم ناراحت، اما بسیار باشکوه به نظر می‌رسید. زنان رومی روی زیرپوش لباسی بلند می‌پوشیدند که به آن اِستولا (*stola*) می‌گفتند. آن‌ها اغلب شـالی بلند به نام پالا (*palla*) هم به دوش می‌انداختند و آن را به شـیوه‌های مختلف می‌آراسـتند. دخترها قبل از ازدواج لباس سـفید می‌پوشیدند و بعد از ازدواج، اغلب از پارچه‌هایی که با رنگ‌های درخشان رنگ‌آمیزی می‌شد لباس می‌دوختند.

لباس پوشیدن برای دیونیزوس

از روی نقاشی‌های دیواری موجود در خانهٔ ثروتمندان روم، شـواهد فراوانـی در مورد نحوهٔ پوشـش رومیان به دسـت آمده اسـت. ایـن تصویر روی دیـوار ویلای اسرارآمیزی در پومپئی پیدا شده است. در این تصویر، زنان جوانی را می‌بینیم که برای شـرکت در مراسمی، جامهٔ عروسـی به تـن می‌کنند تا عـروس دیونیزوس، خدای شراب، شوند.



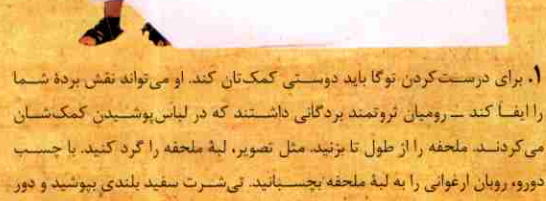
پاپوش رومیان

این صندل و کفش بچه‌گانه در ناحیهٔ یورک بریتانیا پیدا شـده‌اند. اغلـب رومیان صندل‌های چرمـی روباز می‌پوشـیدند. پاپوش‌ها مدل‌هـای مختلفی داشـتند و گاهی برای دوام و اسـتحکام، به آن کفـی میـخ‌دار اضافـه می‌کردنـد. در نواحی سردسـیر امپراتوری روم، مردم چکمه و کفش می‌پوشیدند.

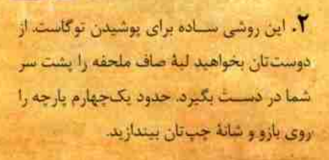
پوشیدن توگا

مواد مورد نیاز: یک ملافهٔ سفید کهنه، طناب کهنه، متر، قیچی پارچه و قیچی نوارچسـب، نوارچسب دورو، روبان ارغوانی، تی‌شرت بلند و طناب.





۱. برای درسـت‌کردن توگا باید دوسـتی کمک‌تان کند. او می‌تواند نقش بردهٔ شـما را ایفـا کند ـ رومیان ثروتمند بردگانی داشـتند که در لباس‌پوشـیدن کمک‌شـان می‌کردنـد. ملحفه را از طول تا بزنید. مثل تصویر، لبهٔ ملحفه را گرد کنید. با چسـب دورو، روبان ارغوانی را به لبهٔ ملحفه بچسـبانید. تی‌شـرت سفید بلندی بپوشید و دور کمرتان طنابی ببندید.



۲. این روشی سـاده برای پوشیدن توگاست. از دوست‌تان بخواهید لبهٔ صاف ملحفه را پشت سر شما در دسـت بگیرد. حدود یک‌چهارم پارچه را روی بازو و شانهٔ چپ‌تان بیندازید.

لباس کارگران

همهٔ رومیان جامه‌های گشاد نمی‌پوشیدند. این مرد احتمالاً کارگری است که در مزرعه‌ای در آلمان، در دوران امپراتوری روم کار می‌کرد. او نواری پارچه‌ای دور پاهایش بسته و بالاپوش چرمی و کلاه‌داری به سر دارد تا از هوای سرد و مرطوب در امان باشد. این نوع بالاپوش‌های کلاه‌دار از گل (فرانسه کنونی) و بریتانیا وارد می‌شد.

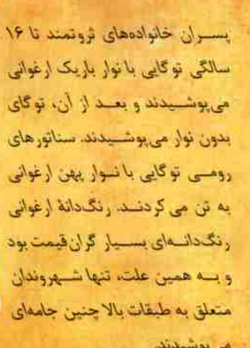


لباس پوشیدن برای تأثیر گذاشتن

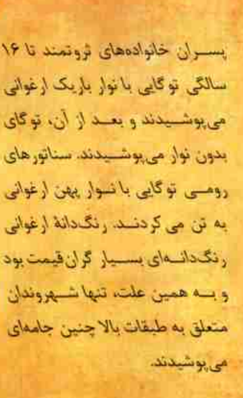
در این کنده‌کاری سنگی تصویر خانوادهٔ امپراتور آگوستوس را می‌بینیم که برای شرکت در مراسمی خاص لباسی فاخر پوشیده‌اند. زنان استولا به تن دارند و روی شانه یا سرشان پالا انداخته‌اند. مردان و پسران توگا پوشیده‌اند. همهٔ رومیان آزاد می‌توانستند توگا بپوشند، اما فقط ثروتمندان این جامه را به تن می‌کردند، چون پوشیدن توگا هم وقت‌گیر بود و هم باید کسی فرد را در پوشیدن آن کمک می‌کرد. وقتی هم که آن را می‌پوشیدند، تکان خوردن با آن مکافاتی بود!



پسران خانواده‌های ثروتمند تا ۱۶ سالگی توگایی با نوار باریک ارغوانی می‌پوشیدند و بعد از آن، توگای بدون نوار می‌پوشیدند. سناتورهای رومی توگایی با نوار پهن ارغوانی به تن می کردند. رنگ‌دانهٔ ارغوانی رنگ‌دانه‌ای بسیار گران‌قیمت بود و به همین علت، تنها شهروندان متعلق به طبقات بالا چنین جامه‌ای می‌پوشیدند.



۳. بقیه توگا را از زیر بازوی راست‌تان رد کنید و به جلو بیاورید. قسمتی از آن را به زیر طنابی که به کمر بسته‌اید بفرستید و محکم کنید.



۴. حالا دوست‌تان به شما کمک می‌کند تا بقیهٔ پارچه را مثل تصویر روی بازوی چپ‌تان بیندازید. اگر بخواهید می‌توانید این قسمت اضافی را هم روی شانهٔ چپ‌تان بیندازید.

مد و زیبایی

بانوی رومی اکثر ساعات صبح را در حلقهٔ زنان برده می‌گذراند. بعضی‌ها برایش آینه‌های مفرغی یا نقره‌ای یا ظرف‌های حاوی پماد یا روغن معطر می‌آوردند. دیگری موهایش را شانه می‌کرد و اگر در جایی با گوریدگی مو مواجه می‌شد بعید نبود که سنجاقی به دستش فرو برود.

اغلب زنان ثروتمند ترجیح می‌دادند رنگ‌پریده به‌نظر برسند، چون زنان کارگری که زیر آفتاب سوزان کار می‌کردند پوستی آفتاب‌سوخته داشتند. به همین علت، زنان به‌صورت خود گچ یا گاهی پودری سمی می‌مالیدند که از سرب سفید درست می‌شد. ماسک صورت از نان و شیر ساخته می‌شد. یکی از راه‌های درمان جوش و لکهٔ صورت، مالیدن فضلهٔ پرندگان بود. ماتیک و سرخاب از اخرای سرخ یا ته‌نشستِ شراب قرمز تهیه می‌شد. سایهٔ چشم را هم از خاکستر و زعفران درست می‌کردند. زلف زنان طبق آخرین مدها مجعد، بافته یا با سنجاق جمع می‌شد.



شیشهٔ عطر

این شیشه‌های زیبای عطر متعلق به زنی رومی بودند. شیشهٔ گرد با دست ساخته شده و نوارهایی از جنس طلا روی آن به کار رفته است و شیشه دیگر را از اونیکس ساخته‌اند که نوعی عقیق رنگی با رگه‌های رنگارنگ است.

تصویر یک بانو

تصویر فوق، تصویر بانویی است که در ایالتی رومی در مصر می‌زیست. در ساخت گوشواره و گردنبند او از زمرد، مروارید و لعل در قالبی از طلا استفاده شده است. این جواهرات گران‌قیمت‌اند و این نشانهٔ ثروت اوست. موهایش مجعد شده است و احتمالاً برای سیاه‌کردن ابرو و مژگانش از دوده استفاده شده است.

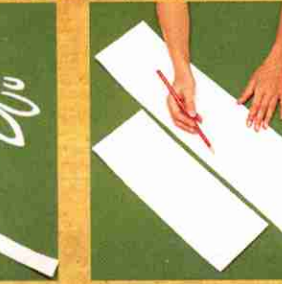
شانهٔ کنده‌کاری‌شده

این شانه از عاج درست شده و عبارت بدرود مودستینا (Modestina) به زبان لاتین روی آن حک شده است. شانه‌های نقره‌ای و عاجی در تزیین مدل‌های موی پیچیده‌ای که محبوب شمار زیادی از زنان رومی بود به‌کار می‌رفتند. زنان فقیر شانه‌های چوبی یا استخوانی داشتند و از سر نیاز، و نه مد، از شانه استفاده می‌کردند.

تاج طلایی

مواد مورد نیاز: متر، مقوای نازک، مداد، قیچی، چسب چوب، قلم‌مو، نخ، مهره‌های پلاستیکی، زروق طلایی‌رنگ، نوار چسب و گیرهٔ کاغذ.





۱. دور سرتان را با متر اندازه بگیرید. شکل تاج را روی مقوا بکشید و مانند تصویر فوق برگ‌هایی هم در اندازه‌های مختلف کنار آن ترسیم کنید.



۲. شکل تاج و برگ‌ها را ببرید. سپس داخل برگ‌ها را به گونه‌ای ببرید که شبیه طاق شوند.

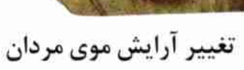


۳. برگ‌ها را با قلم‌مو و چسب با دقت جلوی تاج بچسبانید. این برگ‌ها قسمتی از الگوی باشکوه تاج شما هستند.

شکوه تاج‌گذاری

موهای باشکوه فرفری این زن به یقین کلاه‌گیس است. استفاده از کلاه‌گیس و موی مصنوعی در میان زنان ثروتمند روم رایج بود. عروس‌ها معمولاً شش دسته موی مصنوعی در روز عروسی به سر می‌گذاشتند. طره‌های موی سیاه معمولاً از آسیا و طره‌های بلوند و شرابی از شمال اروپا وارد می‌شد.





تغییر آرایش موی مردان

مردان رومی هم مثل زنان به ظاهر خود اهمیت می‌دادند. آن‌ها معمولاً موهای‌شان را کوتاه و به سمت جلو شانه می‌کردند، یا آن‌که پیچ و تابش می‌دادند. مردان رومی ریش خود را به دقت می‌تراشیدند. اما داشتن ریش در دوران امپراتوری هادریان (۱۱۷ تا ۱۳۸ میلادی) مد شد.

نمایش جذاب

در این تصویر، صحنه‌ای از رقصی آیینی در معبد خورشید در روم به نمایش درآمده است. مردان و زنان سربندهایی طلایی به سردارند که با جواهرات گران‌قیمت و ملیله‌دوزی طلایی تزیین شده است. نمایش‌های پرریخت‌وپاش این‌چنینی معمولاً در مواقع خاص در انظار عمومی برای نشان‌دادن قدرت و ثروت امپراتوری اجرا می‌شدند.



انگشتری به انگشت

هم مردان و هم زنان از جواهرات، به‌خصوص انگشتر، استفاده می‌کردند. ثروتمندان معمولاً انگشترهایی از جنس نقره یا طلا ــ مثل این انگشترها ــ به دست می‌کردند. در ساخت انگشتر از زمرد، مروارید و کهربا هم استفاده می‌شد. افراد طبقهٔ متوسط انگشترهای مفرغی به دست می‌کردند.

وقتی کار تزیین تاج تمام شد، دو لبهٔ آن را با چسب یا گیرهٔ کاغذ به هم وصل کنید. زنان رومی دوست داشتند تاجی طلایی به سر بگذارند و موهای خود را با جواهر بیارایند.





۴. نخ را به قطعاتی ببرید و روی طرح‌های رومی بچسبانید. بالای هر برگ یک مهرهٔ پلاستیکی بچسبانید، طوری که مثل سنگ‌های قیمتی به‌نظر برسند.

۵. زرورق طلایی روکش شکلات‌ها را جمع کنید و روی تاج بچسبانید. با نوک قلم مو زرورق را به تمام زوایای تاج بچسبانید.

درس و آموزش

در دوران امپراتوری اکثر بچه‌های رومی به مدرسه نمی‌رفتند. آن‌ها پیشه‌ای را از والدین خود یاد می‌گرفتند یا در دکه‌های بازار شاگردی می‌کردند و حساب و کتاب می‌آموختند. پسرها جهت آمادگی برای پیوستن به ارتش، باید شمشیربازی و اسب‌سواری می‌آموختند و دخترها برای آماده‌شدن برای رفتن به خانهٔ بخت، خانه‌داری یاد می‌گرفتند.

خانواده‌های ثروتمند برای پسران‌شان و گاهی هم برای دختران‌شان، امکان تحصیل فراهم می‌کردند. بچه‌های ثروتمند اغلب در خانه معلم خصوصی داشتند، اما مدارس کوچکی هم در شهر ساخته می‌شد. معلمان و مدیران به بچه‌ها ریاضیات و خواندن و نوشتن به زبان‌های یونانی و لاتین را یاد می‌دادند. دانش‌آموزان باهوش مهارت‌های سخنوری، شعر و تاریخ هم می‌آموختند. دخترها اغلب در خانه درس موسیقی می‌گرفتند و چنگ می‌نواختند.



نوشتن روی موم

در این نقاشی زوجی اهل پومپئی را می‌بینیم. مرد طوماری از جنس کاغذ پوستی در دست دارد و همسرش احتمالاً در حال حساب و کتاب خرج خانه است. او لوحی با روکش موم در دست دارد و با قلمی فلزی کلمات و اعداد را روی موم حک می‌کند. این قلم فلزی سری نوک تیز برای نوشتن و سری پهن برای پاک‌کردن داشت.

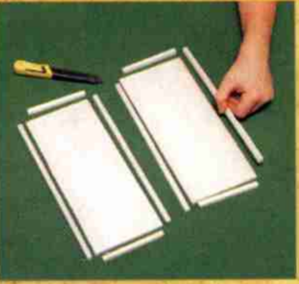
قلم و دوات

رومیان با قلم و مرکب روی طومارهایی می‌نوشتند که از پاپیروس یا ورقه‌های نازک چوب ساخته می‌شد. مرکب از اختلاط دوده و آب درست می‌شد. مرکب را در ظرف‌هایی این‌چنینی به نام دوات می‌ریختند. دوات‌ها شیشه‌ای، سفالی یا فلزی بودند. قلم نیز از استخوان، نی یا مفرغ ساخته می‌شد.

لوح

مواد مورد نیاز: چند تخته و میله از چوب بالزا، کاتر، خط‌کش، چسب چوب، قلم‌مو، رنگ آکریلیک قهوه‌ای، ظرف آب، گل سفالگری، تخته و وردنه، ابزار برش، درفش، نوار ارغوانی، مداد (به جای قلم فلزی)، رنگ طلایی.





۱. با کاتر تخته باریک چوب بالزا را به دو مستطیل مساوی تقسیم کنید که طول هر یک ۲۲ سانتی‌متر و عرض‌شان ۱۰ سانتی‌متر باشد. میله‌های چوب بالزا را نیز به ۴ تکهٔ ۱۰ سانتی‌متری و چهار تکهٔ ۲۲ سانتی‌متری تقسیم کنید.



۲. مانند تصویر، تکه‌های چوب را دورتادور مستطیل‌ها بچسبانید. به این ترتیب، فضایی کم‌عمق به وجود می‌آید که می‌توانید آن را از موم فشرده پر کنید. هر دو قاب را قهوه‌ای پررنگ کنید



۳. سفال را روی تخته‌ای با وردنه پهن کنید و قاب چوبی را روی آن بگذارید و با چاقو دور قاب را ببرید. این مرحله را برای قاب دیگر هم اجرا کنید.

نوشتن

از مواد مختلفی برای نوشتن استفاده می‌شد. موم ذوب‌شده را درون سینی‌های چوبی می‌ریختند و لوح می‌ساختند. حروف را روی لوح مومی که می‌شد بارها و بارها از آن استفاده کرد، حک می‌کردند. دوده را با آب و مواد دیگر مخلوط می‌کردند تا برای نوشتن روی پاپیروس، پوست یا چوب مرکب درست شود.


موم ذوب‌شده


دوده

اعداد رومی روی پاپیروس





معلم و شاگردانش

در این مجسمهٔ سنگیِ یافت شده در آلمان دورهٔ امپراتوری روم، معلمی را می‌بینیم که بین دو شاگردش نشسته است. آن‌ها از روی طوماری پاپیروسی درس می‌خوانند. بچه‌ها باید اشعار و نوشته‌هایی را از بر می‌کردند. هر رفتار بد یا اشتباهی تنبیهی بدنی به دنبال داشت.

حروف سنگی

روی دیوارهای معابد، بناهای یادبود و ساختمان‌های عمومی نوشته‌هایی به زبان لاتین، مانند آن‌چه در تصویر مشاهده می‌کنید، دیده می‌شد. حروف به شکلی زیبا به دست سنگ‌تراشی ماهر تراشیده می‌شدند. این کلمات روی سنگ مرمر حک شده‌اند. تاریخ آن متعلق به چهاردهمین جشن تولد لوسیوس سزار (Lucius Caesar) نوهٔ امپراتور آگوستوس است.





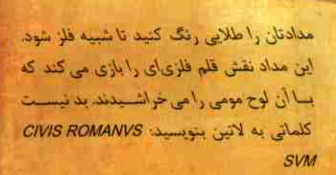
۴. روی قالب سفالی مستطیلی با فاصلهٔ یک سانتی‌متر از هر چهار طرف درآورید. این باعث می‌شود که مطمئن شوید گل مدل‌سازی کاملاً درون قالب چوبی را می‌پوشانید.



۵. سفال را با دقت در داخل قاب فشار دهید. در این‌جا، سفال نقش موم را بازی می‌کند، مانند تصویر با درفش دو سوراخ در لبهٔ داخلی لوح‌ها ایجاد کنید.



۶. با ردکردن بند ارغوانی از میان سوراخ‌ها، دو لوح را به هم ببندید و بندها را گره بزنید. لوح شما آماده است.



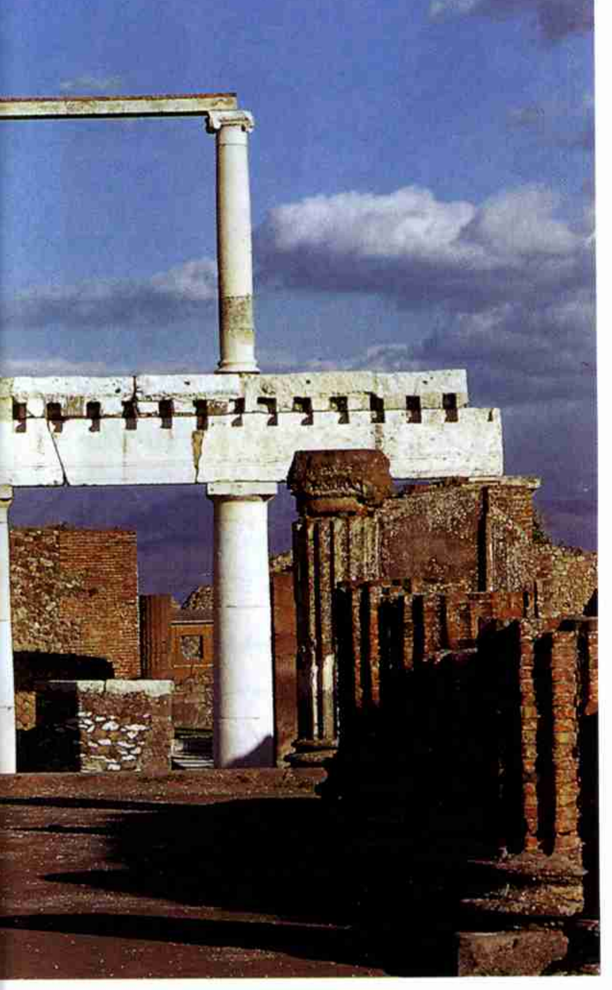
مدادتان را طلایی رنگ کنید تا شبیه فلز شود. این مداد نقش قلم فلزی‌ای را بازی می‌کند که با آن لوح مومی را می‌خراشیدند. بد نیست کلماتی به لاتین بنویسید: *CIVIS ROMANVS SVM*

یعنی: «من شهروندی رومی هستم.»

در فروم

هر شهر بزرگ رومی یک فروم (forum) داشت. فروم میدانی بود که بازار و ساختمان‌های دولتی اطراف آن ساخته می‌شد. مردم در فروم جمع می‌شدند تا داد و ستد کنند وگپی دوستانه بزنند. صبح‌ها که خانم خانه موهایش را می‌آراست و بچه‌ها درگیر درس و مشق بودند، پدر خانه به سمت فروم راه می‌افتاد.

در میدان مرکزی، جمعیت جلوی مغازه‌ها موج می‌زد. گاهی صف جمعیت شکافته می‌شد چون مأمور توزین و اندازه‌گیری فروشنده‌ای را به فریب مشتریانش متهم می‌کرد. اطراف میدان، دکان‌ها، بناهای یادبود، مجسمه‌های مرمر و معابد خدایان بنا می‌شد. در دیوارهٔ ساختمان‌ها اغلب نوشته‌هایی حاوی پیام‌های سیاسی، دشنام یا ابراز عشق حک می‌شد. در یک سمت فروم باسیلیکا (basilica) ساخته می‌شد. باسیلیکا ساختمان بزرگی بود که تالار شهر، دادگاه و سالن اجتماعات به حساب می‌آمد. برخی از مردم عضو کوریا (*curia*)، یا شورای شهر، یا عضو یکی از صنوف تجاری‌ای بودند که هر یک در باسیلیکا اتاقی مخصوص به خود داشتند و در آن تشکیل جلسه می‌دادند.



مرکز شهر پومپئی

در ویرانه‌های پومپئی این ستون‌ها کشف شده است. آن‌ها بخشی از ستون‌های بنایی دو طبقه بودند که در سه طرف فروم احداث می‌شد. ردیف مغازه‌ها و دکه‌ها پشت این ستون‌ها هم‌سطح زمین قرار داشتند.



معابد و رفاه

در فروم هر شهری معابد باشکوهی به‌افتخار خدایان و خدای‌بانوان روم باستان بنا می‌شد. معابدی نیز برای رومیان نام‌آور ساخته می‌شد. ستون‌های عظیم این معبد همچنان در فرومی در شهر رم پابرجاست. امروزه کلیسایی پشت آن بنا شده است. این معبد به افتخار آنتونیوس پیوس (Antonius Pius) یکی از خردمندترین امپراتوران روم و همسرش فائوستینا (Faustina) ساخته شد.





پول در آوردن

صرافان و بانک‌داران در فروم جمع می‌شدند و معامله می‌کردند و در مورد تجارت با هم صحبت می‌کردند. در این تصویر نیز خراج‌بگیران برای شورای شهر پول جمع می‌کنند ــ هر کالایی که در شهر ردوبدل می‌شد، مشمول پرداخت مالیات (خراج) بود.



غذای آماده

مردمی که با عجله سرکار می‌رفتند یا به میدان آمده بودند تا با دوستان‌شان گپی بزنند، غذایی ساده و آماده از دکه‌ها یا دست‌فروش‌ها می‌خریدند و می‌خوردند. پیراشکی گوشتی فلفل‌دار از غذاهای محبوب رومیان بود. در روزهایی که بازار برپا بود، بازرگانان و کشاورزان نیز در میدان مرکزی دکه‌هایی برپا می‌کردند.

باسیلیکا

در تصویر، باسیلیکای ماکسنتیوس (Basilica of Maxentius) را در شهر رم می‌بینید. باسیلیکا بنایی عظیم بود که تالار شهر و دادگاه به حساب می‌آمد. باسیلیکا معمولاً سقفی بلند و ستون‌های عظیم داشت. ستون‌ها ساختمان را به محوطه‌ای با راهروهایی در دو طرف تقسیم می‌کردند. مردم برای کار کردن، داد و ستد و گپ‌زدن با دوستان‌شان به باسیلیکا می‌رفتند.



خرید به سبک رومی

در اغلب شــهرهای بزرگ، مغازه‌ها علاوه بر فروم در خیابان‌ها هم ساخته می‌شدند. دکان‌ها معمولاً کوچک بودند و خانوادگی اداره می‌شــدند. در آغاز روز کاری، درهای چوبی از جلوی دکان کنــار زده می‌شــدند و کالاها به نمایش درمی‌آمدند. چیزی نمی‌گذشــت که هیاهوی نانوایان، قصابان، ماهی‌فروشان، میوه‌فروشان و سبزی‌فروشانی که فریاد می‌زدند و می‌گفتند جنس‌شــان از اجناس دیگر ارزان‌تر اســت در فضــا طنین می‌افکند. تکه‌های گوشــت را از قنــاره‌ای آویزان می‌کردند و غذاهــای آماده، غلات و روغن را درون ظروفــی می‌ریختند تا وزن‌شان کنند. در مغازه‌ای، چراغ‌های سفالی، فانوس‌های مفرغی یا دیگ و تابه و چاقوی آشــپزخانه می‌فروختند و عده‌ای هم کفش تعمیر می‌کردند و لباس می‌شســتند. صدای چکش و فلز از کارگاه‌های پشــت میدان به هیاهوی خیابان اصلی شهر می‌افزود.

اوضاع کار چطور است؟

در تصویر، نقش حکاکی شــدهٔ دو بــازرگان را می‌بینیم که درمورد قیمت‌ها و ســود و ضررشان با هم صحبت می‌کنند و کارگری جنس‌ها را از انبار خارج می‌کند. اغلب مغازه‌های رومی یک‌اتاقه بودند و قسمت پشتی آن‌ها به انبار یا کارگاه تبدیل می‌شد.



پول رومی

در سراســر امپراتوری روم یک نوع پول رایج بود. ســکه‌ها طلایی، مفرغــی و نقره‌ای بودند. خریداران پول خود را درون کیســه‌هایی چرمی یا پارچه‌ای یا در جعبه‌های چوبی با خود حمل می‌کردند.

بازار رفتن

تصویری از بازار تراژان (Trajan) که در آن ردیف مغازه‌ها در پنج طبقه روی تپه‌ای در روم ساخته شــده است. اغلب شهرهای رومی تالارهایی سرپوشیده یا بازاری مرکزی (مثل این بازار) داشتند که در آن مغازه‌ها به تاجران اجاره داده می‌شد.



مغازهٔ اغذیه‌فروشی رومی

حدود ۱۷۰۰ سال قبل، این محل یکی از بهترین دکان‌های اغذیه‌فروشی در اوستیا، نزدیک‌ترین بندر به رم، بود. شراب‌فروشی‌ها، میهمان‌خانه‌ها و کافه‌ها پیشخوانی سنگی داشتند که اغلب با مرمرهای رنگی تزیین می‌شد. هنگام نهار، مغازه‌هایی مثل این پر از مشتریانی بود که از غذاخوردن لذت می‌بردند.



دکان قصابی

قصابی رومی با ساطور برای مشتری‌ای که منتظر نشسته است گوشت می‌برد. در طول سال‌ها، مغازه‌های قصابی چندان تغییری نکرده‌اند: در این مغازه‌ها گوشت خوک، بره و گوساله فروخته می‌شد و سوسیس هم پرطرفدار بود. در سمت راست تصویر، قپان دیده می‌شود که میله‌ای فلزی و ظرفی داشت که برای وزن‌کردن گوشت از آن استفاده می‌کردند.



غذا دادن

در تصویر بقایای یک اغذیه‌فروشی را می‌بینید. درون پیشخوان مرمری ظروف سفالی بزرگی کار گذاشته شده است که به آن‌ها دولیا (*dolia*) می‌گفتند. در این ظروف خوراکی‌هایی مثل حبوبات و عدس را به نمایش می‌گذاشتند. مورد مصرف دیگر آن‌ها، خنک نگه‌داشتن جام‌های شراب در روزهای گرم تابستان بود. این ظرف‌ها را با درهای سنگی یا چوبی می‌پوشاندند تا غذاها را از حشرات در امان نگه دارند.



تصاویر و مجسمه‌ها

رومیان دوست داشتند خانه‌های خود و میدان‌های شهر را با نقاشی و مجسمه بیارایند. موزاییک تصویرسازی با استفاده از تسر\ (*tesserae*) ــ قطعات کوچک شیشه، سفال یا سنگ ــ بود که در سیمان نرم فرو می‌کردند. موضوع این تصاویر صحنه‌های شکار، کشت و زرع یا خدایان رومی بود. طرح‌های هندسی نیز رایج بودند و اغلب در حاشیهٔ تصاویر به‌کار می‌رفتند. نقاشی‌های دیواری، یا دیوارنما، اغلب صحنه‌هایی از باغ، پرندگان وحیوانات یا قهرمانان و خدای‌بانوان را به تصویر می‌کشیدند. این تصاویر روی تخته‌های چوبی یا مستقیماً روی دیوار کشیده می‌شدند. یکی از شگردهای محبوب هنرمندان رومی ایجاد خطای چشم با نقاشی‌کردن ستون‌ها، طاقی‌ها و قفسه‌های قلابی بود. رومیان مجسمه‌سازانی قابل بودند که از سنگ، مرمر و مفرغ برای هنرآفرینی استفاده می‌کردند. آن‌ها به تقلید از یونانیان باستان مجسمه‌هایی از جنس مرمر در باغ‌ها و مکان‌های عمومی بنا می‌کردند. این مجسمه‌ها، مجسمه‌های خدایان، خدای‌بانوان، امپراتورها و فرماندهان جنگی بودند.



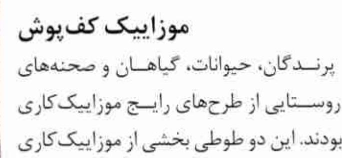
صحنه‌ای روستایی

نقش این مرد و گراز وحشی بخشی از طرحی موزاییک‌کاری‌شده در شمال افریقا در دوران امپراتوری روم است. موزاییک‌کاری بسیار دشوار بود ــ کاری مثل چیدن جورچین. با این حال، هنرمندان چیره‌دست با استفاده از مکعب‌های شیشه‌ای رنگی، سفالی یا سنگی طرح موردنظر خود را به تصویر می‌کشیدند.

مجسمه

مجسمه‌های سنگی یا فلزی اغلب در باغ‌ها نصب می‌شدند. این مجسمهٔ مفرغی در ویرانه‌های خانه‌ای در پومپئی پیدا شده است. این مجسمه، پیکرهٔ یک فائون (faun) است. فائون‌ها خدای روستاها بودند.





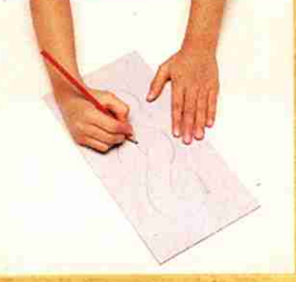
موزاییک کف‌پوش

پرندگان، حیوانات، گیاهان و صحنه‌های روستایی از طرح‌های رایج موزاییک‌کاری بودند. این دو طوطی بخشی از موزاییک‌کاری عظیم و زیبای کف‌پوش خانه‌ای رومی‌اند.

موزاییک‌کاری

مواد مورد نیاز: کاغذ زبر، مداد، خط‌کش، قیچی، مقوا، سفال، وردنه، تخته، ابزار برش، رنگ‌های اکریلیک، قلم‌مو، ظرف آب، روغن جلا، گچ، آب‌پاش، پارچهٔ وال.





۱. طرح مورد نظرتان را روی کاغذ بکشید. طرحی ساده مثل آن‌چه در تصویر می‌بینید برای شروع کار مناسب است. مقوا را به طول ۲۵ × ۱۰ سانتی‌متر ببرید. طرح را روی مقوا کپی کنید.



۲. با وردنه گل سفالگری را روی تخته پهن کنید و با خط‌کش و ابزار برش آن را چهارخانه ببرید. صبر کنید خمیر خشک شود. این قطعات موزاییک‌های شمایند.



۳. چهارخانه‌ها را مثل تصویر با رنگ‌های مختلف رنگ کنید. پس از خشک شدن رنگ‌ها، برای درخشندگی بیش‌تر و محافظت از رنگ، روی آن روغن جلا بزنید. صبر کنید تا خشک شود.

مصالح موزاییک‌کاری

موزاییک اغلب در قالب‌هایی در کارگاه موزاییک‌سازی ساخته و بعد به محل اجرا منتقل می‌شد. گاهی کارگران این قطعات را به محل اجرا می‌بردند و در جای خود نصب می‌کردند. معمولاً برای پوشاندن کف خانه‌ای شهری به‌طور متوسط از بیش از صد هزار قطعه موزاییک استفاده می‌شد.





نوازندگان و رقصندگان

این نقاشی زیبا روی دیوار ویلایی در پومپئی از دل گدازه‌ها بیرون آورده شده است. این تصویر، یکی از نقاشی‌هایی است که در آن آیین‌های اسرارآمیزی که به افتخار دیونیزوس بر پا می‌شد به تصویر کشیده شده است.





واقعی یا تقلبی؟

هنرمندان رومی دوست داشتند کاری کنند که نقاشی‌شان آن‌قدر واقعی به‌نظر برسد که بیننده دستش را دراز کند تا آن را بردارد. این ظرف میوه روی طاقچه از همین نوع نقاشی‌هاست. این تصویر روی دیوار ویلای ارباب رومی ثروتمندی پیدا شده است.



۴. بخشی از مقوا را با گچ بپوشانید. هر بار تنها بخش کوچکی را گچی کنید. قبل از خشک‌شدن گچ تکه‌های سفال رنگی را طبق طرح‌تان ــ مثل تصویر ــ روی خمیر بچسبانید. از طرح روی کاغذ استفاده کنید.



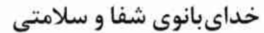
۵. وقتی موزاییک خشک شد، با تکه‌ای پارچهٔ وال سطح آن را تمیز کنید. هر پارچهٔ نرم و خشکی برای این کار مناسب است. حالا می‌توانید اثر هنری‌تان را به نمایش بگذارید.

رومیان دوست داشتند در خانهٔ خود موزاییک داشته باشند. ثروتمندان اغلب طرح‌های ظریف و زیبایی را در حیاط خانه و اتاق غذاخوری خود اجرا می‌کردند زیرا این اتاق‌ها محل رفت‌وآمد میهمانان بودند.

طبیبان و طبابت

برخی از یونانیان به پیری می‌رسیدند، اما اغلب آن‌ها تا قبل از پنجاه سالگی می‌مردند. باستان‌شناسان با بررسی اسکلت‌های به جا مانده از آن روزگار به شواهد ارزشمندی در مورد وضعیت بهداشت و بیماری‌های رایج در آن دوران دست یافته‌اند، به‌نحوی که مثلاً می‌توانند بگویند فرد متوفی چند ساله بود و چه بیماری‌هایی داشت. نوشته‌های باستانی اطلاعاتی نیز در مورد دانش پزشکی رومیان فراهم می‌کنند.

طبیبان رومی دانش محدودی داشتند. آن‌ها با توسل به عقل سلیم، اتکا به خدایان و جادو بیماری‌ها را شفا می‌دادند. رومیان بخش عمدهٔ دانش خود را مرهون طبیبان یونان باستان بودند. خدای شفای رومیان و یونانیان یکی بود: آسکولاپیوس (Aesulapius). اکثر نقاط امپراتوری پهناور روم طبیب، ماما، دندان‌پزشک و چشم‌پزشک داشتند. جراحان جراحی‌هایی روی زخم‌های حاصل از جنگ، استخوان‌های شکسته و حتی جمجمه انجام می‌دادند. تنها داروی مسکن آن دوران عصارهٔ خشخاش بود ــ قطعاً عمل جراحی بسیار دردناک بود.



خدای‌بانوی شفا و سلامتی

یونانیان و رومیان دختر آسکولاپیوس را خدای‌بانوی سلامتی می‌دانستند. نام او هی‌ژی (Hygieia) بود. واژهٔ hygienic که در زبان انگلیسی به معنای «بهداشتی» است، برگرفته از نام اوست.



دکان کیمیاگر

این داروخانه یا دکان کیمیاگر، را یک زن اداره می‌کند. این شرایط در روم باستان بسیار نادر بود، چون به‌ندرت به زنان مسئولیت می‌دادند. کیمیاگران و داروسازان رومی گیاهان دارویی را جمع می‌کردند و برای پزشکان مخلوطی از آنان فراهم می‌آوردند.

جعبهٔ دارو

طبیبان رومی از جعبه‌هایی مثل این برای نگه‌داری داروهای مختلف استفاده می‌کردند. اغلب داروهای آن دوران گیاهی بودند و خوردن‌شان همیشه چندان خوشایند نبود!



ابزار پزشکی

رومیان ابزار متنوعی برای جراحی و طبابت داشتند. این وسایل از مفرغ ساخته شده‌اند و شامل چاقوی جراحی، انبرک و قاشقک (وسیله‌ای برای مخلوط کردن و مالیدن مرهم‌های مختلف) هستند.



شفا گرفتن

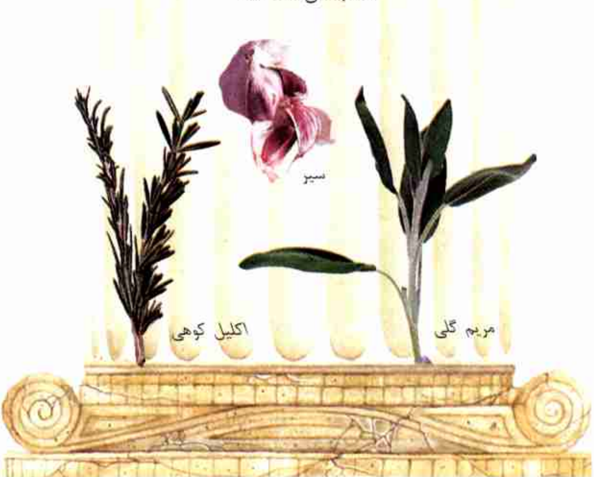
خرابه‌های درمانگاهی در آسیای صغیر (ترکیهٔ کنونی). این درمانگاه در حدود سال ۱۵۰ میلادی به افتخار آسکولاپیوس، خدای سلامتی، بنا شد. درمانگاه‌هایی از این دست محل معالجه بودند و مردم برای درمان دردهای مختلف خود به آن‌جا می‌رفتند.

شستن نوزاد

در این حکاکی سنگی نوزادی را در حال استحمام می‌بینیم. رومیان از اهمیت حمام کردن مرتب در آب تمیز غافل نبودند. با این حال، زاییدن برای مادر و فرزند بسیار خطرناک بود. اما به‌رغم این خطر، رومیان ترجیح می‌دادند خانواده‌ای بزرگ داشته باشند و زنان زیادی جان خود را بر سر زایمان نهادند.

داروهای گیاهی

طبیبان و شفادهندگان دوره‌گرد همه نوع دوا و پمادی می‌فروختند. بسیاری از داروها از گیاهانی مثل اکلیل کوهی، مریم‌گلی و رازیانه ساخته می‌شدند. برخی از شفابخش‌های طبیعی عبارت بودند از سیر، خردل و کلم. برخی چندان مؤثر نبودند، اما برخی نیز اثری شفابخش داشتند.





پاکیزگی

تپیداریوم (اتاق گرم)

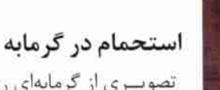
شاید همهٔ رومیان از سلامت بهره نداشتند، اما همه پاکیزگی را دوست داشتند. در سطح شهر توالت‌های عمومی احداث می‌شد که مدام با جریان آب شست‌وشو داده می‌شد و مردم مرتب به حمام‌های عمومی می‌رفتند. اغلب شهرها، حتی پایگاه‌های نظامی مستقر در مرزهای امپراتوری، حمام عمومی داشتند.

حمام فقط محلی برای شست‌وشو نبود. کسانی که به حمام می‌رفتند سراسر عصر در فاصلهٔ آب‌تنی در حوضچه‌های حمام با دوستان‌شان گپ می‌زدند. عده‌ای نرمش می‌کردند، عده‌ای توپ‌بازی می‌کردند و عده‌ای هم فقط برای استراحت به حمام می‌رفتند. حتی تجار گاهی در حمام جلسات کاری می‌گذاشتند. مردان و زنان اتاق‌های استحمام جداگانه‌ای داشتند و گاهی هم برای استحمام زنان و مردان ساعات خاصی تعیین می‌شد. بردگان حوله‌ها و صندل‌های چوبی را برای اربابان خود به گرمابه می‌بردند. کسانی که به حمام می‌رفتند باید صندل به‌پا می‌کردند چون کف حمام به دلیل وجود سیستم حرارت مرکزی بسیار داغ بود.

دریچه‌های هوای گرم در دیوارها

ظرف روغن و بدن‌خراش

رومیان به جای صابون از روغن زیتون استفاده می‌کردند. آن‌ها بدن خود را روغن‌مالی می‌کردند و با ابزار فلزی منحنی‌شکلی که به آن بدن‌خراش می‌گفتند، تن خود را می‌ساییدند. روغن را در ظرف‌هایی کوچک مانند این می‌ریختند. همان‌طور که در تصویر می‌بینید، دو بدن‌خراش با زنجیر به روغن‌دان وصل شده‌اند.



استحمام در گرمابه

تصویری از گرمابه‌ای رومی در شهر بث (Bath) در بریتانیا. رومیان به دلیل وجود چشمه‌های طبیعی آب گرم، که با حرارت ۵۰ درجهٔ سانتی‌گراد از دل سنگ‌ها بیرون می‌زد، در این ناحیه گرمابه‌هایی ساخته بودند. این چشمه‌ها، که سرشار از مواد معدنی شفابخش بودند، از اقصی نقاط بازدیدکنندگان را به خود جذب می‌کردند تا در این استخر بزرگ قسمت‌بندی‌شده شنا کنند. در روزگار امپراتوری روم، این استخر مسقف بود.



گرمابه‌ها

گرمابه شامل اتاق ورزش، رخت‌کن، سونا و چند حوضچه بود. اتاق‌ها و حوضچه‌ها با یک یا چند اجاق زیرزمینی گرم می‌شدند. فریجیداریوم (*frigidarium*)، یا اتاق سرد، سیستم گرمایشی نداشت و در آن حوضچهٔ آب یخ تعبیه می‌شد و اغلب بخشی از آن را بدون سقف می‌ساختند. بخش بعدی گرمابه، تپیداریوم (*tepidarium*)، یا اتاق گرم، بود. در گرمای این اتاق، حمام‌کنندگان به بدن خود روغن می‌مالیدند و بعد چرک بدن خود را می‌ساییدند و می‌شستند. پس از آن‌که حسابی تمیز می‌شدند، آمادهٔ آب‌تنی در حوضچه بودند. کالداریوم (*caldarium*) یا اتاق داغ (سونا) نزدیک‌ترین مکان به اجاق مرکزی گرمابه بود. حمام‌کنندگان، بسته به تحمل‌شان، در این اتاق می‌ماندند تا حسابی عرق کنند.



حفاری گرمابه

در حفاری‌های باستان‌شناسی در بریتانیا بقایای پی یک گرمابه از دل خاک بیرون آورده شد. در تصویر قاعدهٔ ستون‌هایی که زمانی کف گرمابه بر آن احداث شده بود نمایان است. هوای داغ حاصل از کوره در میان این ستون‌ها حرکت می‌کرد و کف و فضای اتاق بالایی را گرم می‌ساخت.



توالت عمومی

بقایای توالت‌های عمومی مثل این در بسیاری از نقاط امپراتوری روم یافت شده است. مردم برای شستن خود از اسفنج‌هایی که به میله‌ای بسته می‌شد استفاده می‌کردند. آن‌ها می‌توانستند اسفنج‌ها را در جوی آبی که در توالت‌ها روان بود بشویند. جوی آب دیگری که زیر نشیمنگاه سنگی تعبیه می‌شد، فضولات را با خود می‌برد.

ورزش و هماوردی

اغلب رومیان ترجیح می‌دادند تماشاچی مسابقه باشند تا شرکت‌کننده در آن. اما عده‌ای هم بودند که از ورزش‌کردن لذت می‌بردند و به تناسب اندام خود اهمیت می‌دادند. این افراد در گرمابه‌ها و زمین‌های ورزشی یا پالائسترا[1] (*palaestra*) ورزش می‌کردند. مردان در کشتی، شنا یا پرش طول با هم رقابت می‌کردند. زنان نیز با وزنه ورزش می‌کردند.

مسابقات مشت‌زنی و ارابه‌رانی همیشه پرطرفدار بودند. مسابقات در زمین‌های بزرگ بیضوی‌شکل و خط‌کشی‌شده‌ای انجام می‌شد. جمعیت با چنان اشتیاقی مسابقات را تماشا می‌کردند که اغلب در زمین بازی شورش به پا می‌شد. ارابه‌رانان و گروه‌شان اغلب به ستارگان ورزشی بزرگی بدل می‌شدند. رومیان از تماشای صحنه‌های خشونت‌بار هم لذت می‌بردند. نبرد خونین گلادیاتورها یا حیوانات وحشی در فضای بیضی‌شکل ویژه‌ای درمی‌گرفت که آمفی‌تئاتر خوانده می‌شد. با گذشت زمان، سرگرمی رومیان خشونت‌بارتر و خونین‌تر می‌شد. گاهی محوطهٔ آمفی‌تئاتر را پر از آب می‌کردند و جنگ دریایی ساختگی راه می‌انداختند.



کولوسیوم

در تصویر کولوسیوم شهر الجم (El Djem) در تونس دیده می‌شود. کولوسیوم نوعی آمفی‌تئاتر بود. مکان‌هایی از این دست در سراسر امپراتوری روم احداث می‌شد. مشهورترین و بزرگ‌ترین کولوسیوم، کولسیوم رم است.

مرگ یا بخشش؟

گلادیاتورها معمولاً تا دم مرگ می‌جنگیدند، اما گلادیاتور زخمی می‌توانست درخواست زنده‌ماندن کند. جمعیت پرهیجان منتظر علامت امپراتور می‌ماندند. اگر او شستش را رو به بالا می‌گرفت گلادیاتور نجات می‌یافت و اگر شستش را رو به پایین می‌گرفت، گلادیاتور باید کشته می‌شد.

قرمزها بجنبید!

ارابه‌رانـــان عضو تیـــم بودند و هنگام مســـابقه لبـــاس تیم خود را به تن می‌کردند. برخی برای محافظت از ســـرخود کلاه‌خودی چرمی- مثل آن‌چه در این اثر موزاییـــک‌کاری می‌بینید- به سر می‌گذاشتند. رومیان چهار تیم داشتند. تیم سبز، تیم قرمز، تیم سفید و تیم آبی. هر تیمی طرفداران پروپا قرص و دائمی خود را داشـــت و ارابه‌رانان، مثل فوتبالیســـت‌های امروزی، بسیار محبوب بودند.



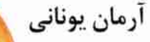
روز مسابقه

این کنده‌کاری سفالی صحنه‌ای از مسابقه‌ای پرهیجان را به تصویر کشیده است. ارابه‌رانی بازی مورد علاقهٔ اکثر رومیان بود. ارابه‌ها اغلب چهاراسبه بودند، گرچه می‌شـــد شش اسب هم به آن‌ها بست یا با دو اســـب هم می‌شد آن‌ها را راند. در جریان مسابقه حادثه و خطا اجتناب‌ناپذیر بود چون ارابه‌ها با سرعتی سرسام‌آور مسیر را طی می‌کردند.



قهرمان

مشـــت‌زنی بازی مرگبـــاری بود. مشـــت‌زنان، مثل این مشـــت‌زن، به‌جای دستکش‌های نرم مشـــت‌زنی، تســـمه‌های میخ‌دار به دست می‌بســـتند. احتمالاً جراحات عمیق و حتی ضربهٔ مغزی بسیار رایج بود.



آرمان یونانی

رومیان هر آن‌چه مربوط به یونانیان بود ازجمله ورزش‌دوســـتی را می‌ستودند. این نقاشی روی گلـــدان حدود ۳۳۳ ســـال قبـــل از میلاد در یونان کشـــیده شده است و در آن چند دوندهٔ استقامت نشان داده شده‌اند. اما جماعت رومی مســـابقات ورزشی به ســـبک یونانیان ــ مثلاً بازی‌های المپیک ــ را نمی‌پسندیدند.



موسیقی و نمایش

موسیقی و آواز نقش عمده‌ای در زندگی رومیان داشت. موسیقی همه‌جا نواخته می‌شد، در بزم‌ها، مجالس عروسی و عزا، در تئاتر، درخانه، در نبرد گلادیاتورها و در هر رویداد دیگری. رومی‌ها سازهای متفاوتی می‌نواختند، از فلوت و پان‌پایپ گرفته تا چنگ، سیمبال، تمبورین و زنگوله. این سازها قبلاً در مصر و یونان هم متداول بودند. رومی‌ها ترومپت و شیپور و سازهای آبی هم می‌نواختند.

رفتن به تئاتر در اوقات فراغت بین رومیان بسیار رایج بود. رومیان ایدهٔ تئاتر و نمایش را از یونانیان گرفته بودند. به همین علت، کمدی‌ها و تراژدی‌های یونانی اغلب در سرزمین رومیان اجرا می‌شدند. رومی‌ها به سبک و سیاق یونانیان نمایش‌نامه می‌نوشتند، طرح‌های کمیک می‌کشیدند و می‌رقصیدند. صحنه طوری طراحی می‌شد که نمای سنگی ساختمان پس‌زمینهٔ صحنه باشد. توده‌های سنگ یا صندلی‌های چوبی به‌صورت نیم‌دایره جلوی صحنه چیده می‌شدند.



هنرمندان

این موزاییک‌کاری که در پومپئی کشف شده، گروهی از بازیگران را در حال اجرای صحنه‌ای از نمایشی یونانی نشان می‌دهد. بازیگران اغلب مرد بودند و اگر احتیاجی به حضور زنان بود، مردان نقش زنان را بازی می‌کردند. نقش بازیگران در هر نمایش با رنگ لباس و نقابی که به صورت می‌زدند مشخص می‌شد. در این تصویر موزاییکی کسی که فلوت می‌نوازد ماسک سفید زنانه به چهره دارد.



درس موسیقی

دختران خانواده‌های ثروتمند اغلب در خانه درس موسیقی می‌گرفتند. در تصویر، دختری را می‌بینیم که از معلمش نحوه نواختن سیتارا (cithara) ــ نوعی چنگ ــ را می‌آموزد. رومیان به تقلید از یونانیان، این ساز چنگ‌مانند را می‌نواختند.

ماسک

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته، وردنه، کاسهٔ بزرگ، کاردک، رنگ‌اکریلیک، قلم‌مو، ظرف آب، قیچی، سیم، مداد، مقوا یا کاغذ سبز، بند باغبانی، چند مهرهٔ رنگی.





۱. گل سفالگری را با وردنه روی تخته پهن کنید، آن‌قدر که بزرگ‌تر از کاسه‌ای شود که برای این‌کار انتخاب کرده‌اید. آن را روی کاسه بکشید و مثل تصویر به آن شکل دهید.



۲. لبه‌ها را ببرید و حفره‌هایی به جای دهان وچشم‌ها روی گل سفالگری درست کنید. از باقی‌ماندهٔ آن، مانند تصویر، دماغ و دهان را درست کنید. یک گلولهٔ سفالی هم بسازید.

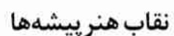


۳. دماغ را روی نقاب نصب کنید. گلولهٔ سفالی را روی چانه بچسبانید و با دست فشارش دهید. بعد مثل تصویر تکهٔ دهان را دور سوراخ دهان و روی چانه قرار دهید. در دو طرف نقاب دو سوراخ برای عبور بند درست کنید.



نوازندگان

بعضی از نوازندگانی که در تصویر مشاهده می‌کنید، کورنو (*cornu*)، نوعی شیپور بزرگ منحنی‌شکل، می‌نوازند. این ساز در مراسم مذهبی، تشییع جنازه‌ها، بازی‌های همگانی و در ارتش روم نواخته می‌شد.



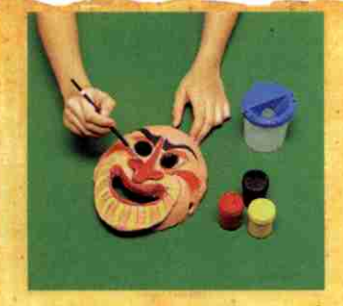
نقاب هنرپیشه‌ها

بازیگران رومی برای نشان‌دادن شخصیت نقش خود نقاب به‌چهره می‌زدند و کلاه‌گیس به سر می‌گذاشتند. در این تصویر، که بخشی از یک اثر هنری موزاییک‌کاری‌شدهٔ رومی است، ظرافت و زیبایی نقاب هنرپیشه‌ها به خوبی نشان داده شده است.



نمایش در فضای باز

تماشاخانه‌های رومی اغلب روباز بودند. در این‌جا، ویرانه‌های تماشاخانه‌ای را در پومپئی می‌بینید که یکی از دو تماشاخانهٔ بزرگ شهر و بزرگ‌ترین آن دو است. این تماشاخانه گنجایش حضور پنجاه‌هزار نفر را داشت. این تماشاخانه سقف نداشت، اما در تابستان سایبانی برای محافظت تماشاچیان از تابش آفتاب گرم در آن تعبیه می‌شد.



۴. وقتی سفال خشک شد، نقاب را با رنگ‌های روشن درخشان رنگ کنید. برای رنگ‌آمیزی می‌توانید یا از تصویر فوق استفاده کنید یا طرح خودتان را اجرا کنید. صبر کنید رنگ خشک شود.



۵. دو تکه بند ببرید. آن‌ها را از سوراخ لبهٔ ماسک، مانند تصویر، رد کنید. بندها را به نقاب گره بزنید. وقتی نقاب را به‌صورت می‌زنید، این بندها را باید پشت سرتان به هم گره بزنید.



۶. برگ‌هایی روی مقوا بکشید. آن‌ها را ببرید و شکل دهید و مانند تصویر آن‌ها را به سیم بکشید. بین برخی از برگ‌ها مهره بگذارید. سیم را دور سر نقاب بپیچانید.



نقاب بازیگران دهان بزرگی داشت تا بازیگران از طریق آن صحبت کنند. نقاب‌های اصلی احتمالاً از پارچه‌های نخی آهاردار و قالب‌زده شده درست می‌شدند.

بازی و سرگرمی

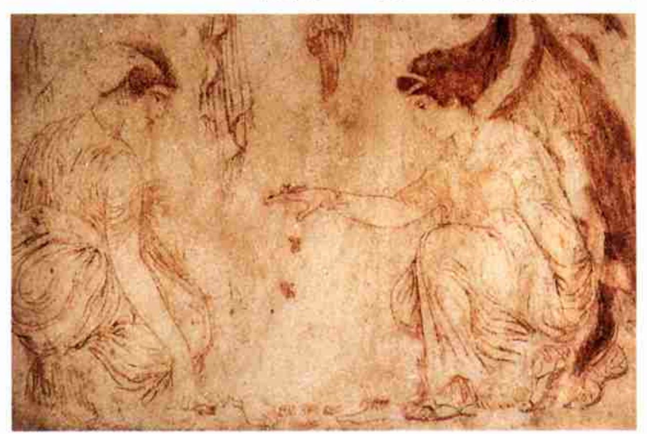
کودکان رومی با بازی‌هایی چون قایم‌موشک، تیله‌بازی و لی‌لی ــ که هنوز رایج‌اند ــ خود را سرگرم می‌کردند. بچه‌های کوچک‌تر هم عروسک‌بازی می‌کردند و با مجسمه‌های کوچک انسان یا حیوانات خود را سرگرم می‌ساختند. اسباب‌بازی‌ها اغلب چوبی، سفالی یا مفرغی بودند. کودک خانواده‌های ثروتمند احتمالاً ارابه‌ای کوچک داشت که بزی آن را می‌کشید.

زنان و مردان رومی عاشق تخته‌بازی بودند. بازی‌های ساده‌ای چون ایکس ـ او (دایره ـ ضرب‌در) یا بازی‌های سخت‌تر مانند شطرنج یا مهره‌بازی نیز رایج بود. در برخی موارد، دو طرف بازی باید تا پیروزی نهایی رقابت می‌کردند. برای این‌که مشخص شود هر طرف چند خانه می‌تواند حرکت کند تاس می‌ریختند. مهره‌های بازی شیشه‌ای، استخوانی یا سفالی بودند.

رومیان قماربازان قهاری بودند. آن‌ها روی نتیجهٔ مسابقات ارابه‌رانی، خروس‌جنگی یا قاپ‌بازی شرط‌بندی می‌کردند. قمار چنان معزلی شده بود که بازی‌هایی که در آن‌ها شانس دخیل بود، رسماً ممنوع اعلام شدند ــ البته غیر از موسم جشنوارهٔ زمستانی ساتورنالیا (Saturnalia) که طی آن اکثر قوانین بی‌اثر اعلام می‌شدند. با این حال، صدای ریختن تاس در اغلب گرمابه‌ها و میخانه‌ها شنیده می‌شد.

قاپ‌بازی

در این تصویر دو زن در حال قاپ‌بازی یا آستراگالیا (*astragalia*)، بازی محبوب رومیان، دیده می‌شوند. قاعده بازی این بود که قاپ‌ها را به هوا می‌انداختند و با پشت دست هر تعداد از آن‌ها را که می‌توانستند، در هوا می‌گرفتند. تعداد قاپ‌هایی که پشت دست قرار می‌گرفت امتیاز را مشخص می‌کرد.



قاپ

اغلب رومیان از استخوان قوزک پای گوسفند برای قاپ‌بازی استفاده می‌کردند. استخوان قاپ شش وجه داشت و می‌شد از آن به‌جای تاس هم استفاده کرد، چون هر وجه آن ارزشی خاص داشت. احتمالاً رومیان ثروتمند از قاپ‌های ساخته‌شده از شیشه، مفرغ یا اونیکس مثل این قاپ‌ها استفاده می‌کردند.



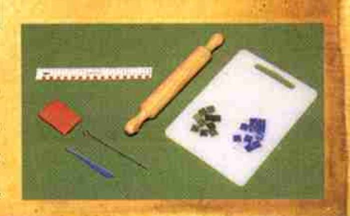


تیله‌بازی

قرن‌ها قبل، بچه‌های رومی با این تیله‌ها بازی می‌کردند. از این سه، دو تیله شیشه‌ای‌اند و یکی سفالی است. تیله‌ها یا روی زمین به‌حرکت درآورده می‌شدند یا روی تختهٔ علامت‌داری رها می‌شدند. نوع دیگر تیله‌بازی، انداختن تیله‌ها در گلدان‌های سفالی بود. گاهی به‌جای تیله از گردو و فندق هم استفاده می‌شد.

یک بازی رومی

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته گوشت پلاستیکی، وردنه، ابزار برش، خط‌کش، کاشی‌های شیشه‌ای، دو مهره (همرنگ موزاییک‌های شیشه‌ای‌تان).

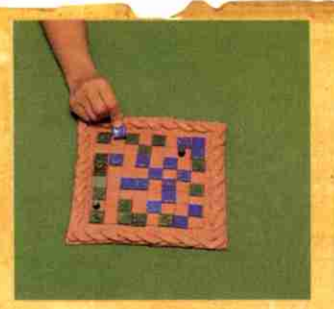




۱. گل سفالگری را روی تخته با وردنه پهن کنید و مربعی ۲۵ سانتی‌متری روی آن بکشید. با ابزار برش و خط‌کش این مربع را در هر ضلع به ۸ قسمت تقسیم کنید. به‌این ترتیب، ۶۴ مربع کوچک خواهید داشت. باید حاشیه‌ای دور مربع داشته باشید.



۲. با اضافه‌های گل، مانند تصویر، حاشیه را تزیین کنید. صبر کنید خمیر خشک شود. هر بازیگر باید یکی از رنگ‌ها را انتخاب کند و ۱۶ کاشی و یک مهره به همان رنگ بردارد. به این مهره دوکس (*dux*) یا رهبر می‌گویند.



۳. بازیکنان به نوبت، هر بار دو کاشی روی تخته می‌گذارند. مهره رهبر یا دوکس آخر از همه روی تخته گذاشته می‌شود. بازیکنان پس از چیدن کاشی‌ها و مهرهٔ خود می‌توانند یک کاشی به جلو یا عقب یا طرفین حرکت کنند.

غلتاندن و غلتاندن

بچه‌های فقیر اسباب‌بازی‌های معدودی داشتند و باید از کودکی کار می‌کردنـد. اما حتی آن‌ها هم زمانی برای بازی‌کردن پیدا می‌کردند و از هر آن‌چه دم دست‌شان بود اسباب‌بازی می‌ساختند. این پسرک در حالی که می‌دود چرخی را پیش پای خود می‌گرداند.





نوبت تاس ریختن توست!

این موزاییک‌کاری سه مرد را نشان می‌دهد که در میخانه‌ای تاس‌بازی می‌کنند. رومیان عاشق قمار بودند و سـر هر چیزی شـرط می‌بسـتند، حتی سـرِ شـمارهٔ تاس. وقتی تاس از حرکت می‌ایستاد مبلغ هنگفتی را می‌بردند یا می‌باختند!

تاس

هم ثروتمندان و هم فقیران تاس‌بازی می‌کردند. این تاس‌ها از قرن‌ها پیش باقی مانده‌اند. بزرگ‌ترین آن‌ها از سنگی سبز رنگ ساخته شده، دیگری از یک قطعه کریستال ساخته شده است و کوچک‌ترین تاس از جنس عقیق است. تاس نقره‌ای که به شکل آدمی چمباتمه‌زده ساخته شده است، احتمالاً خاص ثروتمندان رومی بود.





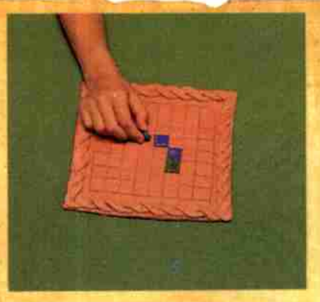


ژتون

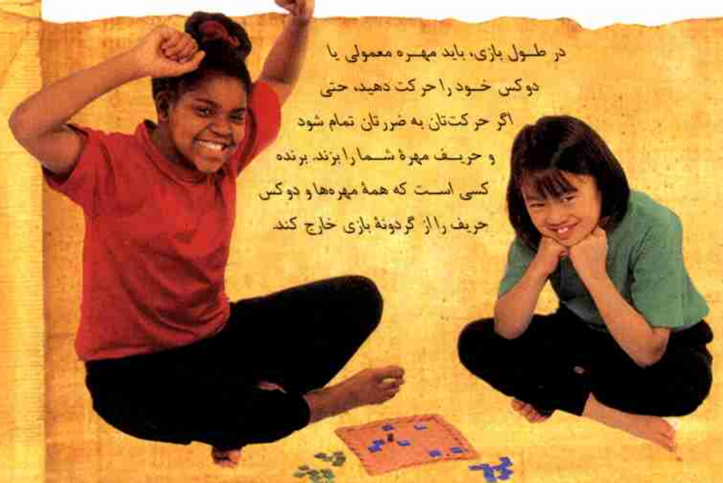
این ژتون‌ها از استخوان و عاج ساخته شده‌اند. علاوه بر ژتون‌های ساده و گرد، رومیان دوست داشتند اشکالی زیبا روی مهره‌های ژتون حکاکی کنند. در این تصویر، نقش کلهٔ قوچ، خرگوش و خرچنگ را روی ژتون‌ها می‌بینیم. روی ژتون گرد بزرگ هم تصویر دو زن حک شده است.



۴. اگـر بتوانید کاشـی‌های حریـف را بین دو کاشی خود محاصره کنید، آن کاشی را اصطلاحاً زده‌ایـد و از دور بازی خارج کرده‌اید. بعد از این، می‌توانیـد یـک حرکت اضافه داشـته باشـید. دوکس نیز از همین قاعده پیروی می‌کند.



۵. دوکـس می‌تواند ــ مثـل تصویر ــ از روی مهره‌ای بـه خانهٔ خالی بعدی‌اش بپـرد. در این حالـت، اگر مهرهٔ حریف بیـن دوکس و یکی از مهره‌های شما گیر بیفتد حذف می‌شود.



در طـول بازی، باید مهـره معمولی یا دوکس خـود را حرکت دهید، حتی اگر حرکت‌تان به ضررتان تمام شود و حریـف مهرهٔ شـما را بزند. برنده کسی اسـت که همهٔ مهره‌ها و دوکس حریف را از گردونهٔ بازی خارج کند.

مذهب‌ها و جشنواره‌ها

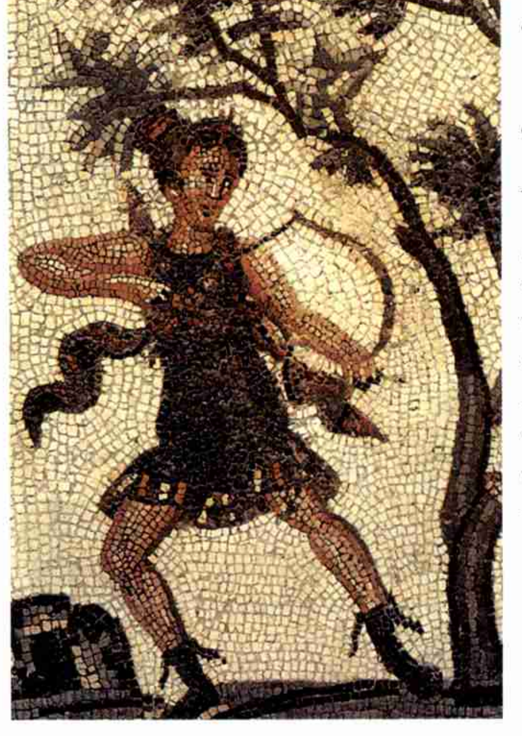


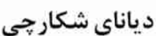
رومیان خدایان و خدای‌بانوان متفاوتی داشتند. برخی از آنان، همان خدایان یونانی بودند که اسمی دیگر داشتند. ژوپیتر خدای آسمان‌ها ، قدرتمندترین خدایان بود؛ ونوس خدای‌بانوی عشق، مارس (Mars) خدای جنگ، کرس (Ceres) خدای زراعت، ساتورن (Saturn) خدای کشاورزان و مرکوری (Mercury) نیز خدای تجارت بود. خدایان خانگی از خانه محافظت می‌کردند. به افتخار خدایان معابد باشکوهی ساخته می‌شد. معبد پانتئون در رم بزرگ‌ترین و مشهورترین این معابد است. در طول سال، جشنواره‌های متعددی به افتخار هر خدا برگذار و در آن برنامه‌هایی از قبیل موسیقی و رقص اجرا می‌شد و برای خدایان پیشکشی می‌آوردند و حیوانات را به درگاه آنان قربانی می‌کردند. موسم این جشن‌ها اغلب تعطیل عمومی بود. جشنوارهٔ ساتورنالیا، که اواسط زمستان به افتخار ساتورن برگذار می‌شد، هفت روز طول می‌کشید.

با گسترش دامنهٔ امپراتوری به سرزمین‌های دیگر، بسیاری از رومیان به دین کشورهای دیگر، از جمله مصر و ایران، گرویدند.

ژوپیتر

ژوپیتر اصلی‌ترین خدای رومیان بود. او خدای قدرقدرت آسمان‌ها بود. به باور رومیان، او خشم خود را با زدن صاعقه بر زمین نشان می‌داد.





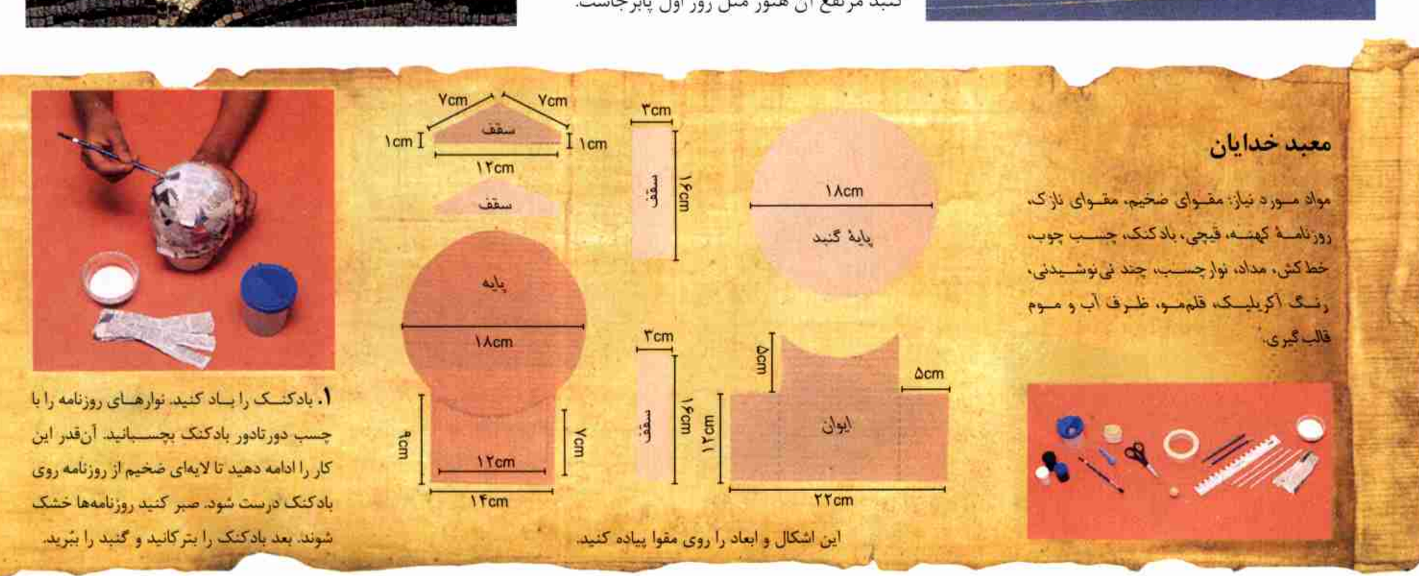
دیانای شکارچی

دیانا (Diana) خدای‌بانوی شکار و ماه بود. در این تصویر که بخشی از کف موزاییک‌کاری‌شدهٔ ساختمانی است، او را با تیر و کمانی در دست، آمادهٔ شکار می‌بینیم. خدایان رومی و یونانی اغلب یکی بودند، اما اسامی متفاوتی داشتند. نام یونانی دیانا، آرتمیس بود.



پانتئون

پانتئون در رم معبد همهٔ خدایان بود. این معبد در فاصله سال‌های ۱۱۸ تا ۱۲۸ میلادی ساخته شد. کف موزاییک‌کاری‌شده، ستون‌های داخلی و گنبد مرتفع آن هنوز مثل روز اول پابرجاست.



معبد خدایان

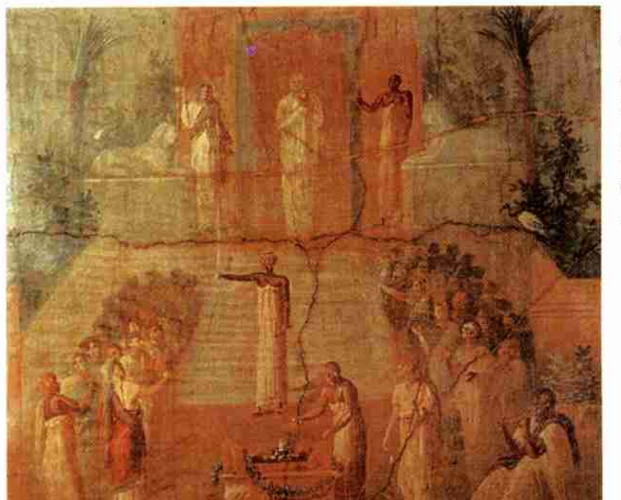
مواد مورد نیاز: مقوای ضخیم، مقوای نازک، روزنامهٔ کهنه، قیچی، بادکنک، چسب چوب، خط‌کش، مداد، نوارچسب، چند نی نوشیدنی، رنگ اکریلیک، قلم‌مو، ظرف آب و موم قالب‌گیری.

این اشکال و ابعاد را روی مقوا پیاده کنید.

۱. بادکنک را باد کنید. نوارهای روزنامه را با چسب دورتادور بادکنک بچسبانید. آن‌قدر این کار را ادامه دهید تا لایه‌ای ضخیم از روزنامه روی بادکنک درست شود. صبر کنید روزنامه‌ها خشک شوند. بعد بادکنک را بترکانید و گنبد را ببُرید.

راهبان ایزیس

ایزیس، مادر- خدای‌بانوی مصریان در امپراتوری روم طرفداران فراوانی داشت. در این تصویر راهبان و پرستندگان او را در مراسم تطهیر آب می‌بینیم. این مراسم هر روز عصر اجرا می‌شد.



خدایا به این خانه برکت بده

این مجسمهٔ مفرغی یک لاز (*lar*) یا خدای خانگی است. خدایان روستایی از دیرباز محافظ خانواده و خانه پنداشته می‌شدند. در هر خانه‌ای در روم محرابی برای لازها ساخته می‌شد. اعضای خانواده، از جمله بچه‌ها، هر روز باید پیشکشی به درگاه او تقدیم می‌کردند.



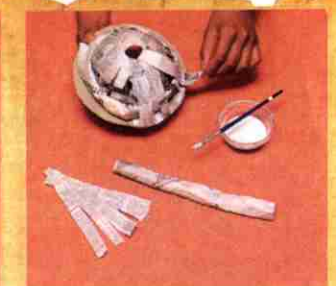
میترای گاوکُش

میترا (Mithras) خدای نور ایرانیان بود. در این مجسمهٔ مرمری که در معبد یافت شده است او را در حال کشتن گاوی می‌بینیم. به باور ایرانیان، خون این گاو به زمین حیات دوباره می‌بخشید. میتراپرستی در سراسر امپراتوری روم رواج یافت. سربازان رومی، به‌خصوص، شیفتهٔ میترا بودند. به هر حال، فقط مردان اجازه داشتند میترا را پرستش کنند.



پانتئون ابتدا با آجر ساخته شد، اما بعدها آن را با سنگ و مرمر پوشاندند. گنبد عظیم این معبد با قطری بیش از ۴۳ متر تا دههٔ ۱۹۰۰ بزرگ‌ترین گنبد دنیا بود.





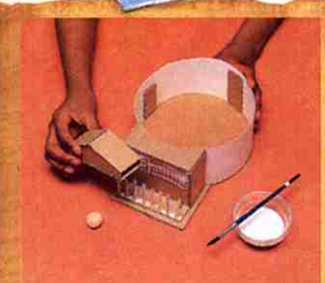
۲. گنبد را روی قاعدهٔ مقوایی‌اش بگذارید و دورتادورش خط بکشید. وسط قاعدهٔ مقوایی را ببرید تا دایره‌ای توخالی ایجاد شود. مثل تصویر، قطعات را به هم وصل کنید.



۳. قطعات قاعده را به هم چسب بزنید. یک نوار پهن از مقوای نازک ببرید. این نوار باید آن‌قدر بلند باشد که دورتادور قاعدهٔ گنبد را بگیرد. این نوار دیوارهٔ مدور گنبد است. برای حفظ شکل دایره‌ای آن از نوار چسب استفاده کنید.



۴. هشت نی به طول ۶ سانتی‌متر ببرید. این‌ها ردیف ستون‌های ورودی‌اند. اجزای سقف ورودی را به هم بچسبانید. با چسب محکم‌کاری کنید.



۵. قطعات بزرگ را مثل تصویر به هم چسب بزنید. برای چسباندن هر ستون روی پایه از موم استفاده کنید. سقف ورودی را روی ورودی نصب کنید. معبد را رنگ‌آمیزی کنید.

مناسبت‌های خانوادگی

برای رومیان خانواده بسیار اهمیت داشت. پدر قدرت بلامنازع خانواده بود و خانواده شـامل تمام اعضا ــ اعم از همسـر، فرزندان، بردگان و حتی بسـتگان نزدیک ــ می‌شد. در نخسـتین روزهای تأسیس روم، پدر حق داشت فرزندان خود را بکشد. اما کم‌تر پیش‌می‌آمد که پدری رومی اهل خشونت باشد و پدر و مادر عاشق بچه‌های‌شان بودند.

کودکی دوره‌ای کوتاه بود. والدین دختران‌شـان را از ۱۲ سالگی و پسران‌شـان را از ۱۴ سـالگی نامزد می‌کردند و چند سال بعد ازدواج صورت می‌گرفت. عروس‌ها لباسـی سـفید و ردایـی زردرنگ به تن می‌کردند، شـالی نارنجی‌رنگ به سـر می‌انداختند و تاجی از گل‌های خوش‌بو بر سـر می‌گذاشتند. در مراسم عروسـی، به پیشگاه خدایان قربانـی می‌کردنـد و همهٔ حاضـران در مجلس برای عـروس و داماد آرزوی خوشـبختی می‌کردند. آخر شـب، جمعیتی با مشعل‌هایی در دست با نوای فلوت زوج جوان را به خانه‌شان می‌رساندند.

مراسـم تشییع جنازه هم با موسیقی و حرکت دسته‌جمعی همراه بود. طبق قوانین روم، عمل تدفین یا سوزندان مردگان باید در آن‌سوی دیوارهای شهر انجام می‌شد.

خانواده‌های خوشبخت

روی این سـنگ قبر رومی در آلمان، نقش خانـواده‌ای را می‌بینیم که دور هم جمع شـده‌اند تا غذا بخورند. از سنگ‌نوشـتهٔ لاتین چنین برمی‌آید که یک سرباز لژیون این سـنگ قبر را به یاد همسر درگذشته‌اش ساخته است. او همسرش را با مهربانی «شیرین‌ترین و پاک‌ترین زنان» توصیف می‌کند.



مادر و بچه

مادری با مهربانی کودکش را درون گهواره می‌گذارد. وقتی نوزادی به دنیا می‌آمد، او را روی پاهای پدرش می‌گذاشتند. اگر پدر نوزاد را می‌پذیرفت، باید او را از روی پایش برمی‌داشت. در خانواده‌های ثروتمند تولد نوزاد رویدادی فرخنده بود، اما برای خانواده‌های فقیر به دنیا آمدن یک نوزاد دیگر به معنی اضافه‌شدن نان‌خور بود. رومیان دختران را در هشتمین روز و پسران را در نهمین روز تولد نامگذاری می‌کردند. به نوزاد طلسمی به نام بولا (*bulla*) داده می‌شد تا از شر ارواح شریر در امان باشد.



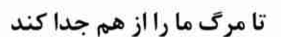
با هم بودن

وقتی زوجی نامزد می‌شدند، به نشانهٔ عشق و علاقه هدایایی رد و بدل می‌کردند. مرد باید انگشتری مثل این را به همسر آینده‌اش می‌داد. دو دست حک‌شده روی انگشتر نشانهٔ ازدواج است. دادن آویزهای طلا با نقش‌های مشابه نیز متداول بود.



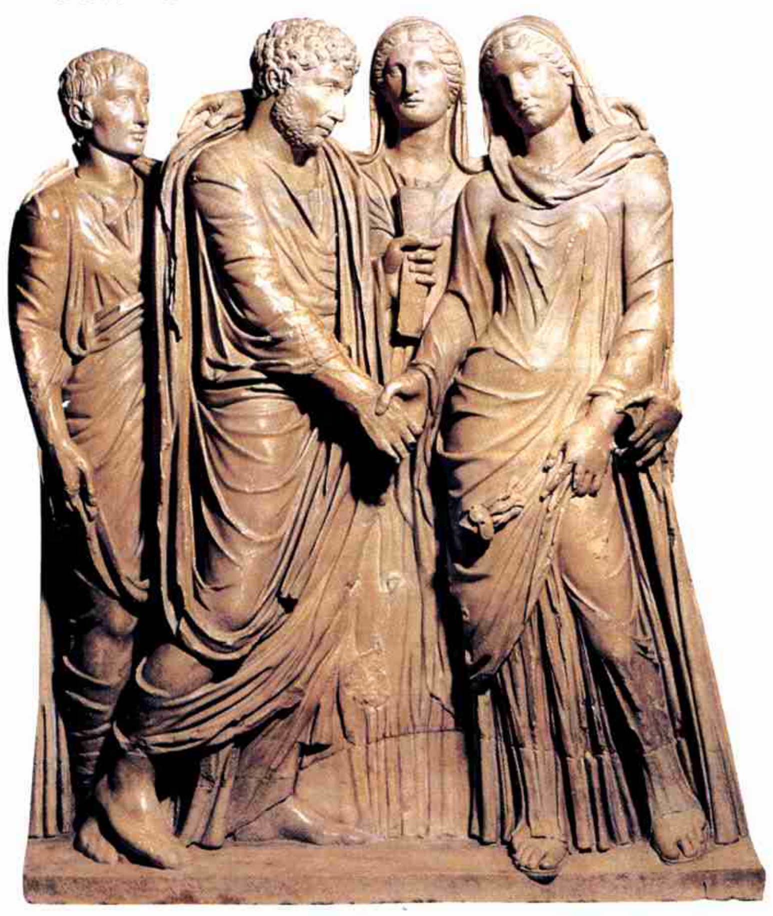
عزاداری برای مرده

یک مرد ثروتمند رومی درگذشته است و خانواده‌اش بر جنازهٔ او عزاداری می‌کنند. در حالی که نزدیکان جنازه را برای مراسم خاکسپاری آماده می‌کنند، نوایی حزن‌انگیز با فلوت نواخته می‌شود. رومیان باور داشتند که مردگان به هادس، دنیای ارواح، که زیر رودخانهٔ مرگ قرار دارد، می‌روند. در دهان جنازه سکه‌ای می‌گذاشتند تا او بتواند مزد قایقرانی را که او را با خود به هادس می‌برد، بپردازد. همراه او غذا و نوشیدنی برای سفر آخرت دفن می‌شد.



تا مرگ ما را از هم جدا کند

مراسم ازدواج رومیان بسیار شبیه مراسم ازدواج مسیحیان امروزی بود. زوج جوان باید سوگند وفاداری می‌خوردند و به نشانهٔ یکی‌بودن دست در دست هم می‌گذاشتند. در این تصویر، داماد عقدنامه را در دست دارد. عقدنامه پیش از اجرای مراسم تنظیم و آماده می‌شد. اما همهٔ زوج‌ها خوشبخت نمی‌شدند و طلاق بسیار رایج بود.



گل‌های عروسی

عروس‌های رومی در روز عروسی شالی به سر می‌گذاشتند. روی شال هم معمولاً حلقه‌ای گل می‌گذاشتند. در نخستین روزهای امپراتوری روم، این تاج گل معمولاً مخلوطی بود از گل شاه‌پسند و مرزنجوش. بعدها از شکوفه‌های پرتقال و مورد (myrtle) نیز استفاده می‌شد که گل‌های مقدس ونوس، خدای‌بانوی عشق، بودند.



سربازان لژیون

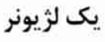
ارتش امپراتوری روم باستان به ۲۸ گروه تقسیم می‌شد که به هر یک لژیون می‌گفتند. در هر لژیون حدود ۵۵۰۰ سرباز خدمت می‌کردند. لژیون شامل سواره‌نظام و پیاده‌نظام بود. این سربازان به دسته‌های ۵۰۰ نفره موسوم به کوهورت (cohort) و دسته‌های ۸۰ نفره به نام سنچری (century) تقسیم می‌شدند. گفتنی است که واژهٔ centuries، در اصل به معنای صد تایی است. در نبرد، هر لژیون به دنبال سربازانی که پرچم سواره‌نظام را حمل می‌کردند، حرکت می‌کرد. این پرچم‌های زینت‌شده نشانهٔ شجاعت و افتخار هر لژیون بودند.

نخستین سربازان روم در زمان جنگ از میان فرزندان خانواده‌های ثروتمند انتخاب می‌شدند، چون این خانواده‌ها می‌توانستند هزینهٔ سلاح و تجهیزات جنگی را پرداخت کنند. بعدها، سربازان ارتش روم حرفه‌ای شدند. آن‌ها حقوق دریافت می‌کردند و برای خدمت سربازی در لژیون استخدام می‌شدند. در دوران امپراتوری روم، سربازان خارجی بسیاری در نبردهای سپاه روم به کمک گرفته می‌شدند.

زندگی در ارتش سخت بود و مقررات نفس‌گیری داشت. پس از طی مسافتی طولانی و حمل ابزار و چادرها و سلاح‌های سنگین، سربازان خسته و درمانده تازه باید استحکامات دفاعی را آماده می‌کردند. نگهبانی که پستش را ترک می‌کرد تا حد مرگ کتک می‌خورد.

در جنگ

ستون تراژان در روم با صحنه‌هایی از نبردهای داکیا (Dacia) تزیین شده است. این نبردها در ناحیه‌ای روی داد که امروزه رومانی در آن قرار دارد. صحنه‌هایی از این دست، اطلاعات ارزشمندی در مورد سربازان رومی، سلاح‌ها، دشمنان و متحدان‌شان در خود دارند.



یک لژیونر

این مجسمهٔ مفرغی حدود ۱۸۰۰ سال قدمت دارد. او کلاه‌خودی تاج‌دار به سر و زره مفرغی چند لایه‌ای، که مخصوص آن روزگار است، به‌تن دارد. لژیونرها آموزش‌های بسیار سختی می‌دیدند و با نظم بی‌رحمانه‌ای تربیت می‌شدند. آن‌ها سربازانی بی‌مانند و نیروهایی بودند که می‌شد کاملاً به آن‌ها اتکا کرد.



سوار بر اسب

پیاده‌نظام رومی تحت حمایت سواره‌نظام بود. سواره‌نظام به گروه‌های ۵۰۰ نفره و ۱۰۰۰ نفره به نام آلائه (*alae*) تقسیم می‌شدند. حقوق سواره‌نظام ارتش روم از بالاترین دستمزدها در میان سربازان این سرزمین بود.

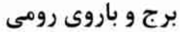


بلند کردن پرچم سواره‌نظام

امپراتور کنستانتین با سربازان خود که احتمالاً پیروزمندانه بازگشته‌اند سخن می‌گوید. سـربازان پرچم‌های سـواره‌نظام را که نشـانهٔ هر لژیون اسـت با خود دارند. پرچم‌ها را با نشـان‌های عقاب، دسـت، تاج‌گل و پرچم‌هایی طلایی که واکسـیل (*vexilla*) نامیده می‌شـدند می‌آراستند. این نشانه‌ها، نماد شـجاعت و افتخار لژیون بودند و به هر قیمتی باید از آن‌ها مراقبت می‌شد.







برج و باروی رومی

ارتش روم دورتادور امپراتوری برج و باروهایی سنگی و چوبی بنا کرد. این برج در جنوب بریتانیا سـاخته شده است. این استحکامات برای دفاع از ساحل در مقابل هجوم ساکسون‌های شمال اروپا ساخته شد. امروزه، این ناحیه پورچستر (Porchester) نام دارد. این نام ترکیبی است از دو واژهٔ port به معنای بندر و caster که در لاتین به معنای برج و باروست.



دیوار هادریان

بخشـی از دیوار هادریان را می‌بینیم که شمالی‌ترین مرز امپراتوری روم است. این دیوار به طول ۱۲۰ کیلومتر در شـمال انگلسـتان، از سـاحلی به ساحل دیگر، کشـیده شده است. این دیوار در فاصلهٔ سال‌های ۱۲۲ تا ۱۲۸ میلادی به فرمان امپراتور هادریان برای دفاع از مرز احداث شد.

سلاح و زره

سربازان رومی سراپا مسلح بودند. سلاح لژیونرها عبارت بود از خنجری که به آن پوگیو (*pugio*) می‌گفتند و شمشیر آهنی کوتاهی که گلادیوس (*gladius*) نام داشت و از آن برای ضربه‌زدن به حریف استفاده می‌شد. نیزهٔ لژیونرها پیلوم (*pilum*) نام داشت که از چوب و آهن ساخته می‌شد. در نخستین روزهای امپراتوری، زره پیاده‌نظام، جوشنی بود که روی تونیک کوتاه ضخیمی به‌تن می‌کردند. افسران ارتش زره بالاتنه (curiass) می‌پوشیدند. این بالاپوش مفرغی سینه و پشت آنان را از ضربات دشمن در امان نگه‌می‌داشت. در حدود سال ۳۵ میلادی، جوشن جای خود را به زرهی آهنی داد. قسمت‌های فلزی زره با قلاب یا بندهای چرمی به‌هم بسته می‌شدند. افسران بلندمرتبه کلاه‌خودهای متفاوتی به سر می‌گذاشتند که هریک نشانهٔ رتبهٔ نظامی‌شان بود. سپرهای ابتدایی بیضوی‌شکل بودند و بعدها مستطیل‌شکل شدند و لبه‌های آن‌ها گرد شد. برای ساخت سپر، چند لایه چوب را به‌هم می‌چسباندند و روکشی از چرم و پارچهٔ کتانی روی چوب‌ها می‌کشیدند. گل‌میخ فلزی روی سپر هنگامی به‌کار می‌آمد که دشمن خیلی نزدیک می‌شد.



حفاظ سر

کلاه‌خودها طوری طراحی می‌شدند که اطراف سر و گردن را بپوشانند. این کلاه‌خود سواره‌نظام از مفرغ و آهن ساخته شده است. احتمالاً این کلاه‌خود متعلق به یکی از سربازان خارجی (کمکی) است که پس از سال ۴۳ میلادی در ارتش روم خدمت می‌کردند. افسران تاجی روی کلاه‌خود می‌گذاشتند تا سربازان‌شان در طول جنگ بتوانند آن‌ها را ببینند.

سربازان رومی

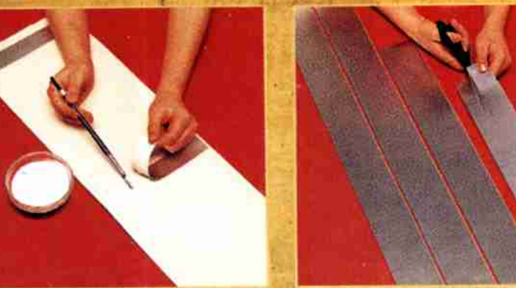
هنرمندان در طول قرن‌ها بارها و بارها از صحنه‌های نبرد لژیون‌های رومی الهام گرفته‌اند. آن‌ها سربازان سراپا مسلح رومی را در ذهن خود مجسم می‌کردند. در این تصویر، افسری جوان را در حال فرمان دادن می‌بینیم.

زره رومی

مواد مورد نیاز: متر، یکی دو ورق مقوای نقره‌ای (بسته به سایز خودتان)، قیچی، مداد، چسب چوب، قلم‌مو، ۲ متر طناب، پرگار.



۱. دور سینهٔ خود را با متر اندازه بگیرید. سه نوار به اندازهٔ دور سینه‌تان و به عرض ۵ سانتی‌متر از مقوا ببرید. برای بستن این سه نوار به یکدیگر نوارهای باریک‌تری از همان مقوا ببرید.



۲. نوارها را کنار هم بگذارید و با نوارهای کوچک‌تر آن‌ها را به‌هم بچسبانید (مانند تصویر). رومیان برای نگه‌داشتن نوارهای فلزی پهن از بندهای چرمی استفاده می‌کردند.



۳. وقتی چسب خشک شد، دو سر نوارها را به سمت هم خم کنید. سمت نقره‌ای مقوا باید به طرف بیرون باشد. در انتهای هر نوار سوراخی درست کنید و مانند تصویر، طناب‌ها را از سوراخ‌ها رد کنید.



سلاح‌های مرگبار

این سرنیزه‌های آهنی در یک قلعهٔ رومی باستانی در شهر بث (Bath) در بریتانیا پیدا شده است. دسته‌های چوبی این نیزه‌ها مدت‌ها قبل پوسیده و از بین رفته‌اند. سربازان رومی هم نیزه‌های سنگین حمل می‌کردند، هم سبک. نیزه‌های سبک را پرتاب می‌کردند و نیزه‌های سنگین را برای نبردهای کوتاه به کار می‌بردند.

تاکتیک لاک‌پشتی

تاکتیک‌های محاصره یکی از بزرگ‌ترین توانایی‌های ارتش روم بود. وقتی سپاه نزدیک برج و باروی دشمن می‌رسید، گروهی از سربازان سپرهای‌شان را بالای سرشان می‌گرفتند و آن‌ها را به‌هم می‌چسباندند و زیر این حفاظ فلزی به‌جلو می‌خزیدند. آن‌ها می‌توانستند تحت حمایت سپرها به سلامت به سوی دشمن بروند. به این آرایش تاکتیک لاک‌پشتی یا تستودو (*testudo*) می‌گفتند. در جریان محاصره، رومیان از منجنیق برای پرتاب‌کردن گلوله‌های آهنی و سنگ‌های عظیم به آن‌سوی استحکامات دشمن استفاده می‌کردند.

شمشیر

شمشیرهای بلند و کوتاه را در غلاف نگه می‌داشتند. این غلاف خارق‌العاده متعلق به افسری در ارتش امپراتوری تیبریوس است. احتمالاً شخص امپراتور این غلاف را به وی داده بود. غلاف فوق تزیینات ظریف و بسیار هنرمندانه‌ای از طلا و نقره دارد.

پوشش شانه را از سر بپوشید و حفاظ سینه را هم به سینه ببندید. حال شما لژیونری آماده برای نبرد با دشمنان امپراتوری روم‌اید. زره فلزی نواری در دوران امپراتور تیبریوس (*Tiberius*) در فاصلهٔ سال‌های ۱۴ تا ۳۷ میلادی اختراع شد. در اصل، قسمت‌های مختلف این زره با لولا یا گیره و دکمه و بند به‌هم متصل می‌شد.

۴. چهارگوشی به اندازهٔ عرض سرشانه‌های‌تان ببرید. با پرگار دایره‌ای به قطر ۱۲ سانتی‌متر وسط چهارگوش رسم کنید. حالا چهارگوش را از وسط نصف کنید و نیم‌دایره‌ها را ببرید.

۵. با نوارهای مقوایی کوچک‌تر دو نیمهٔ شانه را به‌هم بچسبانید. سوراخ گردن باید باز بماند. چهار نوار دیگر ببرید. دو نوار باید کوچک‌تر باشند. آن‌ها را مثل تصویر به پوشش شانه اضافه کنید.

کشتی‌ها و دریانوردان

رومیان از کشتی برای حمل و نقل، تجارت و جنگ استفاده می‌کردند. ناوگان جنگی رومیان متشکل از کشتی‌های باریک و تندرویی بود که به آن‌ها گالی (galley) می‌گفتند. این کشتی‌ها را پاروزنانی که زیر عرشه می‌نشستند به‌حرکت درمی‌آوردند. یک گالی جنگی استاندارد ۲۷۰ پاروزن داشت. گالی بادبان پهن چهارگوشی هم داشت که اگر باد موافق بود آن را برمی‌افراشتند تا سرعت قایق بیش‌تر شود.

همه نوع کالا، از چوب و سفال گرفته تا مرمر و غلات، باید به همه جای امپراتوری روم می‌رسید. اغلب کالاها، به‌خصوص بارهای سنگین شامل مواد غذایی یا مصالح ساختمانی، باید با کشتی حمل و نقل می‌شدند. کشتی‌های تجاری عمیق‌تر، کندتر و سنگین‌تر از گالی بودند. آن‌ها بادبان‌هایی بزرگ و پاروهایی بلند داشتند که موجب سهولت حرکت کشتی می‌شد. کرجی وسیلهٔ نقلیه مخصوص رودخانه‌ها بود.

رومیان در تنگه‌های پرخطر فانوس دریایی می‌ساختند. فانوس دریایی برجی سنگی بود که فانوسی بزرگ یا چراغی چشمک‌زن و پر نور روی آن نصب می‌شد. دزدان دریایی، آب‌های ناشناخته و توفان نیز سفرهای دریایی را پرمخاطره می‌کردند.



ظروف

روغن و شراب اغلب در کوزه‌های مخصوص بزرگی به نام آمفورا[1] با کشتی حمل می‌شدند. دراین تصویر، آمفورایی از کشتی‌ای به کشتی دیگر حمل می‌شود. برای محکم نگه‌داشتن آمفوراها در کشتی، اطراف آن‌ها چند لایه شاخ و برگ می‌گذاشتند و محکم می‌بستندشان.



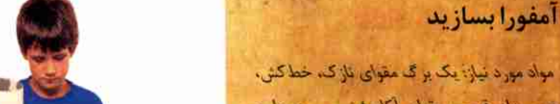
روی عرشه

در این نقاشی دیواری که در بندر اوستیا پیدا شده است، یک کشتی تجاری را در حال بارگیری می‌بینیم. کیسه‌های بزرگ غلات به داخل کشتی حمل می‌شوند. دو سکان را در قسمت عقبی کشتی می‌بینیم.



در امواج رودخانه

شراب و دیگر مایعات اغلب در بشکه نگه‌داری می‌شدند و بشکه‌ها با کرجی‌ای مثل آن‌چه در این تصویر حکاکی‌شده مشاهده می‌کنید، حمل می‌شدند. بشکه‌های شراب از تاکستان‌های آلمان یا جنوب فرانسه به نزدیک‌ترین بندر حمل می‌شدند.



آمفورا بسازید

مواد مورد نیاز: یک برگ مقوای نازک، خط‌کش، دو مداد، قیچی، مقوای آکاردئونی ــ دو دایره به قطرهای ۱۰ و ۲۰ سانتی‌متر، دو نوار ۳۰ × ۴۰ سانتی‌متری و یک قطعه چهار گوش بزرگ ــ نوارچسب، چسب چوب، روزنامه، قلم‌مو، رنگ آکریلیک خرمایی، ظرف آب.





۱. دو نوار به عرض ۵ سانتی‌متر و ۳۸ سانتی‌متر از مقوا ببرید. نوار کوچک‌تر را به دایرهٔ کوچک‌تر بچسبانید. مانند تصویر، مقوای بزرگ را لوله کنید تا گردن آمفورا درست شود. در دو طرف آن دو سوراخ ایجاد کنید و انتهای آن را به دایرهٔ بزرگ‌تر بچسبانید.



۲. نوارهای مقوایی آکاردئونی را لوله و مانند تصویر آن‌ها را خم کنید. یک سر آن را داخل سوراخ روی گردن آمفورا قرار دهید و سر دیگر را به قاعده بچسبانید. با چسب محکم‌کاری کنید.



۳. مربعی به طول ۴۰ سانتی‌متر ببرید. آن را به شکل استوانه لوله کنید. در یک سر آن، چهار خط به طول ۱۰ سانتی‌متر ببرید و آن را مانند تصویر به حالتی تنگ‌تر از قاعدهٔ دیگر درآورید. شکاف‌ها را با چسب محکم کنید.

با کشتی به جنگ دشمن رفتن

در این نقاشی، منظرهٔ اثرگذار حرکت یک گالی جنگی رومی به سوی نبرد به تصویر کشیده شده است. گالی‌ها را مردان پاروزنی که روی ردیف نیمکت‌هایی زیر عرشه می‌نشستند، به‌حرکت درمی‌آوردند. سکان‌داران با صدای بلند جهت حرکت را به آنان اعلام می‌کردند. این گالی سه ردیف پارو دارد. کوبه‌ای از زیر گالی جنگی در قسمت جلو بیرون آمده است. در نبردهای دریایی دکل کشتی پایین کشیده می‌شد و گالی با کوبهٔ خود به کشتی دشمن حمله می‌کرد و ضربه می‌زد. وقتی کوبه به پهلوی کشتی دشمن گیر می‌کرد، سربازان رومی به‌راحتی پا به عرشهٔ کشتی می‌گذاشتند و جنگ تن‌به‌تن شروع می‌شد.



با آمفورایی مثل این احتمالاً شراب، روغن یا سس ماهی حمل می‌کردند. قاعدهٔ نوک‌تیز و بلند آن را محکم به شاخ و برگ‌هایی که برای محافظت از بارها در داخل کشتی نگه‌داری می‌شد گیر می‌دادند و به‌این ترتیب، مانع از ریختن مایع درون آن در جریان حمل و نقل می‌شدند.



۴. برای این‌که قاعدهٔ آمفورا تیزتر شود، با مقوای آکاردئونی قیفی مانند تصویر درست کنید و آن را به قاعده کوچک‌تر استوانه چسب بزنید. مدادی را در نوک تنگ قیف قرار دهید و با چسب محکم آن را به قیف بچسبانید.



۵. گردن آمفورا را به بدنه وصل کنید. کل شکل را با نوارهای روزنامهٔ آغشته به‌چسب بپوشانید. صبر کنید چسب روزنامه خشک شود. آن‌قدر روزنامه به آمفورا بچسبانید تا بدنه‌ای ضخیم درست شود.



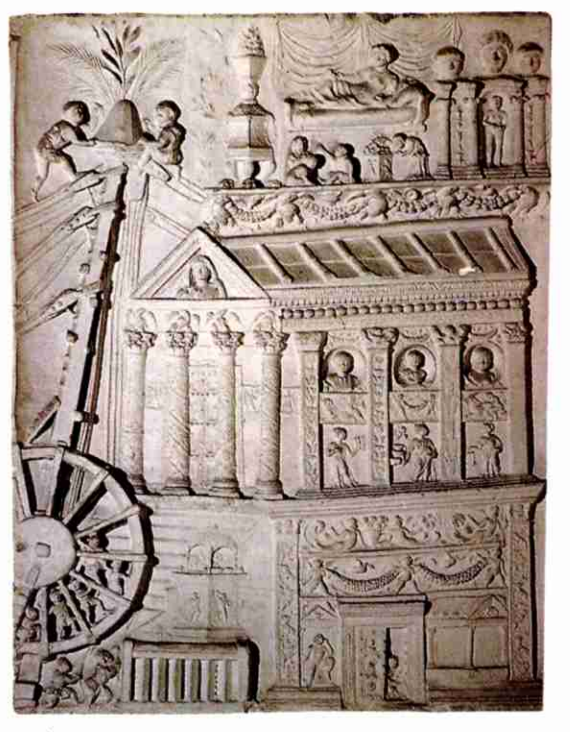
۶. وقتی کل کار خشک شد، آن را رنگ کنید. آمفوراهای رومی سفالی بودند، پس برای این‌که کاردستی‌تان طبیعی‌تر به‌نظر برسد، آن را به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز کنید. صبر کنید رنگ خشک شود.

سازندگان امپراتوری

رومیان معماران و مهندسان زبده‌ای بودند. وقتی لژیون‌ها سرزمین‌های بیگانه را فتح می‌کردند، دست‌به‌کار احداث جاده‌هایی برای تسهیل رساندن مهمات و پیغام می‌شدند. جاده‌ها بسیار سرراست بودند و گاه صدها کیلومتر طول داشتند. وسط جاده کمی برآمدگی داشت تا آب باران به دو سوی جاده سرازیر شود. برخی از جاده‌ها سنگ‌پوش می‌شدند و پوشش برخی دیگر ریگ یا سنگ‌ریزه بود. علاوه بر این، مهندسان رومی از مهارت‌های خود برای ساخت آب‌بر استفاده می‌کردند تا به شهرهای خود آب برسانند.

رومی‌ها در سراسر امپراتوری پهناور روم گنبدهای عظیم، پل‌های قوسی شکل و ساختمان‌های اداری بزرگی احداث کردند. آن‌ها برای این کار ذخایر الوار و سنگ همان محل را به کار می‌بردند. سنگ یکی از مصالح عمدهٔ ساختمان‌سازی رومیان بود، اما باید از معادن استخراج و بعد به شهرها حمل می‌شد. رومیان نخستین کسانی بودند که از بتون به جای سنگ استفاده کردند. این ماده، هم ارزان‌تر از سنگ بود و هم مقاوم‌تر.

حکمرانی رومیان حدود ۱۵۰۰ سال قبل در غرب اروپا رو به‌افول گذاشت. اما بقایای مهارت و سازمان‌دهی دقیق آن‌ها هنوز هویداست.



زور و بازو

در این حکاکی سنگی می‌بینیم که رومیان از جرثقیل چوبی بزرگی برای حمل مصالح سنگین ساختمانی استفاده می‌کردند. چرخی بزرگ که بردگان آن را به‌حرکت درمی‌آوردند باعث حرکت جرثقیل می‌شد. با گردش چرخ، طنابی که سنگ‌های سنگین به آن بسته شده بود به‌حرکت درمی‌آمد و سنگ از روی زمین بلند و جابه‌جا می‌شد.

جاده‌های رومی

در تصویر جاده‌ای رومی را می‌بینید که تا چشم کار می‌کند امتداد دارد. این جاده در اوستیا، شهر ساحلی ایتالیا، در روزگار رومیان احداث شده است. تا پیش از سدهٔ نوزدهم، در اروپا هیچ جاده‌ای به‌خوبی جاده‌های روم باستان ساخته نشد.

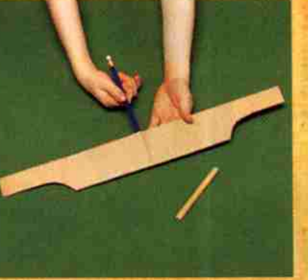
گروما بسازید

مواد مورد نیاز: یک قطعه مقوای ضخیم و محکم، قیچی، خط‌کش، مداد، چهار گوش مقوایی، چسب چوب، نوار چسب، چند تکه چوب باریک بالزا، موم، کاغذ فویل نقره‌ای، نخ، سوزن بلند خیاطی، رنگ آکریلیک، قلم‌مو، ظرف آب و دستهٔ جارو.





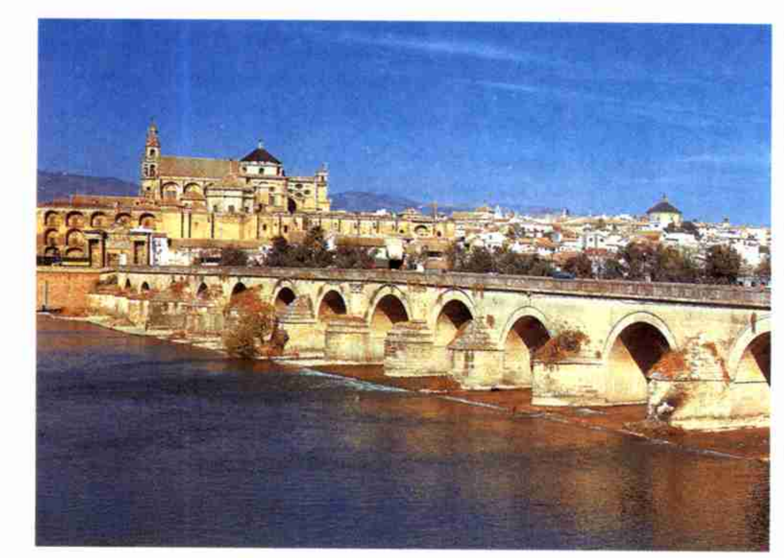
۱. سه تکه مقوا با این ابعاد ببرید: دو تکه به ابعاد ۲۰ × ۶ سانتی‌متر و یکی به ابعاد ۴۰ × ۶ سانتی‌متر. برای دسته، مقوایی به ابعاد ۱۵ × ۱۲ سانتی‌متر ببرید. حالا اشکالی را که در تصویر می‌بینید روی تکه‌های بریده‌شده پیاده کنید.



۲. وسط قطعهٔ بزرگ را مشخص کنید و با مداد بین دو لایه مقوا فضایی ایجاد کنید. این‌جا محل قرار دادن میلهٔ چوبی است.



۳. مانند تصویر دو تکه بزرگ مقوا را به‌صورت ضربدری به‌هم وصل کنید. میلهٔ چوبی را در محل تقاطع قرار دهید. با مقوای چهارگوش امتحان کنید تا مطمئن شوید چهار زاویهٔ حاصل کاملاً قائمه‌اند. بعد مقواها را با چسب محکم در جای خود بچسبانید.



قرن‌ها پابرجا

این پل رومی برفراز رودخانه گوادالکوئیویر (Guadalquivir) در قرطبهٔ (Cordoba) اسپانیا احداث شده است. رومی‌ها وسایل ساختمانی سنگین یا بولدوزر نداشتند، اما هرچه ساختند، از پل گرفته تا بناهای یادبود، هزاران سال پابرجا ایستاده است.



دیوارهای رم

استحکامات شهر رم در مراحل مختلف تاریخ این سرزمین ساخته شده‌اند. این دیوارهای ستبر در دوران حکمرانی امپراتور مارکوس آئورلیوس (Marcus Aurelius) در فاصلهٔ سال‌های ۱۲۱ تا ۱۸۰ میلادی احداث شده‌اند. این دیوارها که به «دیوارهای آئورلیان» مشهورند، هنوز ستبر و مستحکم ایستاده‌اند.

مصالح ساختمانی

رومی‌ها از سنگ‌های مختلف برای ساختمان‌سازی استفاده می‌کردند. معادن محلی مهم‌ترین منبع تهیهٔ سنگ بودند. در پومپئی سنگ آهک و نوعی سنگ آتشفشانی به نام توفا (tufa) از سنگ‌های رایج ساختمانی بود. در بخش‌هایی از بریتانیا از آردواز برای پوشش سقف بناها استفاده می‌شد. مرمر خالص-که از آن در ساخت معابد و بناهای عمومی استفاده می‌شد- در ناحیهٔ کارارا (Carrara) در ایتالیا استخراج می‌شد و هنوز هم می‌شود. با این حال، گاهی هم از کشورهای خارجی وارد می‌شد.



بال‌های گروما را به دسته وصل کنید. با استفاده از شاغول‌ها مطمئن شوید که میله عمودی است. با بال‌ها می‌توانید اشیاء دوردست را در یک خط میزان کنید. رومیان از گروما برای اندازه‌گیری زوایای درست و اطمینان از راست بودن جاده‌ها استفاده می‌کردند.





۴. موم را به‌صورت چهار مخروط کوچک درآورید و دورشان فویل بپیچید. مانند تصویر، ریسمانی را از نوک هر چهار هرم رد کنید. این‌ها چهار شاغول گرومایند.



۵. مثل تصویر، به هر یک از بال‌ها، یک شاغول بیاویزید. همه باید طولی مساوی داشته باشند- ۲۰ سانتی‌متر مناسب است. اگر موم خیلی سنگین بود، به جای آن از روزنامهٔ خیسی که دورش فویل پیچیده شده است، استفاده کنید.



۶. دو لایهٔ مقوای پایه را از هم باز کنید و یک تکه چوب بالزا را بین دو لایه قرار دهید و با چسب بچسبانید. دستهٔ جارو را نیز به‌همین ترتیب سوار کنید.

واژه‌نامه

الف

آب‌بر: کانال مصنوعی معبر آب در مسافت‌های طولانی. آب‌برها معمولاً زیرزمینی ساخته می‌شدند یا پلی طاقی روی آن‌ها احداث می‌شد.


آب‌بر

آتریوم: دالان یا حیاط خانه‌های رومی. مرکز آتریوم معمولاً سقف نداشت.

آتشدان: ظرفی مفرغی که آن را پر از زغال داغ می‌کردند و با آن فضاهای داخلی را گرم می‌ساختند.

آمفورا: کوزه‌ای سفالی که اغلب به‌شکل گلدان‌هایی بلند و دسته‌دار با قاعده‌ای نوک‌تیز ساخته می‌شد. این ظرف به شکل‌های مختلف ــ بلند و باریک و گرد و کوتاه ــ ساخته می‌شد.

آمفی‌تئاتر: ساختمان روباز بیضوی‌شکلی که دورتادورش سکوهایی تعبیه می‌شد. این نوع ساختمان از ابداعات رومیان و جایی برای برپایی نمایش‌ها و جنگ گلادیاتورها و نبرد حیوانات وحشی بود.

آهنگر: صنعتگری که ابزار آهنی می‌سازد و تعمیر می‌کند.

اخرا: نوعی خاک زرد رنگ یا متمایل به سرخ.

ارابه: کالسکه‌ای سبک‌وزن که اسب آن را می‌کشید. در میدان نبرد و مسابقه از آن استفاده می‌شد.

ارابه

استولا: لباس بلند زنان رومی‌که روی تونیکی پوشیده می‌شد.

استیلوس: ابزاری نوک‌تیز مثل قلم که با آن روی لوح مومی چیز می‌نوشتند.

امپراتور: فرمانروای امپراتوری.

امپراتوری: سرزمین‌های مختلف و متعدد که تحت سلطهٔ حکومت یا شخصی واحدند.

انبرک جراحی: ابزار جراحی شبیه به گازانبر و انبر.

ب

باسیلیکا: ساختمانی عظیم در میدان اصلی شهرهای رومی، در حد فاصل تالار شهر و دادگاه.

بدن‌خراش: ابزاری فلزی که برای پاک‌کردن بدن و خراشاندن پوست از آن استفاده می‌کردند.


بدن خراش

پ

پاپیروس: نی‌بلندی که در حاشیهٔ نیل می‌روید و از آن نوعی کاغذ درست می‌کنند.

پاتریسین: عضو یکی از خانواده‌های ثروتمند و اصیل و پرقدرت روم باستان.

پالا: شالی که زنان رومی روی سر و شانهٔ خود می‌انداختند.

پان‌پایپ: سازی متشکل از چندین نی با طول‌های متفاوت.

پرچم سواره‌نظام: پرچمی که سواره‌نظام در جنگ‌ها پیشاپیش سپاه یا در رژه حمل می‌کردند.

پلبین: عوام‌الناس (آزاد) در روم باستان.

ت

تابلینیوم: اتاق پذیرایی و مطالعه درخانه‌های رومی.

تراکوتا: سفال نارنجی–سرخ پخته‌شده بدون لعاب.

تریبون: از مقاماتی که برای بیان خواسته‌های مردم عادی در مجامع اشرافی و حکومتی انتخاب می‌شد؛ منصب تریبونی یکی از مناصب ارتش روم هم بود.

تریکلینیوم: اتاق‌غذاخوری؛ این نام از آن رو انتخاب شده که رومیان عادت داشتند هنگام غذا خوردن به سه (three) کوسن لم دهند.

تمدن: جامعه‌ای که در زمینهٔ هنر، صنعت، علم، حقوق و حکومت‌داری پیشرفت کرده است.

توگا: جامهٔ پشمی سفیدرنگی که اشراف روم باستان به تن می‌کردند.

توستودو یا لاک‌پشتی: روش استتار گروهی سربازان از تیررس دشمن. این استتار به کمک سپر صورت می‌گرفت.

تونیک: جامه‌ای بلند و ساده و آزاد.

ج

جامعه: طبقات مختلف مردم که در کشور یا محلی خاص زندگی می‌کنند.

جمهوری: دولتی که در آن شورایی متشکل از مردم حکم می‌راند، نه شاه.

جوشن: زرهی زنجیربافت متشکل از حلقه‌های درهم رفتهٔ آهنی.

چ

چرخ پایی: چرخی چوبی که با پا به‌حرکت درمی‌آمد؛ از آن برای گرداندن آسیاب یا ماشین‌آلات دیگر استفاده می‌شد.

ح

حلیم جو: سوپ آرد جو؛ چیزی مثل پوره.

د

داس: ابزاری فلزی با تیغه‌ای منحنی و دسته‌ای چوبی که با آن محصول را درو می‌کردند.

دیکتاتور: حکمرانی با قدرت مطلق.

دیوار نوشته: کلمات و تصویرهایی که در مکان‌های عمومی روی دیوارها کنده می‌شدند.

ز

زره بالاتنه: زره محافظ بالاتنه.

زره ورقه‌ای: زرهی چسبان متشکل از ورقه‌های به‌هم‌پیوستهٔ فلزی سخت.

س

ساتورنالیا: جشنواره‌ای زمستانی که به افتخار ساتورن برپا می‌شد.

سنا: مجلس قانون‌گذاری روم باستان.

سنچری: واحدی در ارتش روم معادل ۸۰ تا ۱۰۰ سرباز.

سه‌پایه: پایه‌ای فلزی که روی اجاق می‌گذاشتند و ظرف غذا را روی آن قرار می‌دادند.

ش

شهروند: فردی آزاد با حق رأی.

ص

صحنه: محوطهٔ ماسه‌پوش وسط آمفی‌تئاتر که مبارزات و ورزش‌ها در آن اجرا می‌شد.

صنف: مجمعی که از حقوق و منافع افرادی که در یک پیشه کار می‌کنند حمایت می‌کند.

ط

طرح شبکه‌ای: الگوی متقاطع خطوط مستقیم با زاویه‌ای قائم. با این طرح شهرها را خیابان‌بندی و بلوک‌بندی می‌کردند.

ف

فراوری: عمل نگه‌داری غذا به نحوی که فاسد نشود.

فروم: میدان شهر یا مرکز شهر در روم باستان.

ق

قربانی کردن: کشتن موجودی زنده به افتخار خدایان.

ک

کتان: گیاهی که از ساقهٔ آن پارچهٔ نخی می‌بافند، از گل‌های آبی‌رنگ آن رنگ‌دانه می‌گیرند و دانه آن را می‌کوبند تا روغن بزرک به دست آید.

کجاوه: نوعی وسیلهٔ نقلیه شامل صندلی یا تختی که عده‌ای آن را به دوش می‌گیرند و حمل می‌کنند.

کنسول: یکی از دو رهبر جمهوری روم که هر سال انتخاب می‌شد.

کوبه: تیر چوبی بزرگ و نوک‌تیزی که معمولاً زیر کشتی (در قسمت جلو) تعبیه می‌شد و با آن به پهلوی کشتی دشمن می‌زدند و سربازان به‌راحتی می‌توانستند از طریق آن وارد عرشهٔ کشتی دشمن شوند.

کنسول

کوره: اجاق صنعتی؛ آتشدان.

کوریا: شورای شهر در روم باستان.

کوهورت: واحدی در ارتش روم معادل ۵۰۰ سرباز.

گ

گالی: کشتی جنگی پارویی.

گروما: وسیلهٔ کار مساحان رومی برای اندازه‌گیری زاویهٔ قائم و کسب اطمینان از صاف بودن جاده‌ها.

گلادیاتور: جنگجوی حرفه‌ای، برده یا جنایت‌کاری که برای سرگرمی حضار و تماشاچیان باید تا دم مرگ مبارزه می‌کرد.

گیرانه، آتش‌گیرانه: شاخ و برگ خشک یا هر چیزی که با آن آتش روشن کنند.

ل

لژیون: بخشی از ارتش روم متشکل از شهروندان رومی؛ شهروندان غیررومی نمی‌توانستند عضو لژیون شوند.

لیر: سازی از شمار سازهای شبیه چنگ که نواختن آن در یونان و روم متداول بود.

لژیونر

م

ماما: کسی که زنان را هنگام زایمان کمک می‌کرد.

مُر: نوعی رزین برگرفته از بوته‌ای که از آن عطر و دارو می‌ساختند.

مساحی: اندازه‌گیری و ترسیم نقشه، پیش از ساخت و احداث پل، جاده یا هر نوع سازه‌ای.

مشمول: کسی که از طرف دولت به‌خدمت نظام فراخوانده می‌شود.

ملک: زمین‌ها، خانه‌ها و مزارع متعلق به شخص یا گروه.

منجنیق: ابزار جنگی بزرگ چوبی که در جریان محاصره، با آن گلوله‌های سنگی و آهنی به سوی دشمن پرتاب می‌کردند.

موزاییک‌کاری: تصویری متشکل از مربع‌ها یا مکعب‌های کوچک شیشه‌ای، سنگی یا سفالی که روی بتون نرم نصب می‌شد.

میدان ورزش: زمین بیضوی‌شکل مخصوص مسابقات ارابه‌رانی.

موزاییک

ن

نیزهٔ سه‌شاخ: نیزه‌ای با سه شاخه که ابزار گلادیاتورها و ماهیگیران بود.

نیروی امدادی: سربازانی که از کشورهای غیر رومی برای خدمت در ارتش روم استخدام می‌شدند.

نیزه سه شاخ

و

ویلا: خانه‌های ییلاقی رومی که اغلب با موزاییک‌کاری و نقاشی روی دیوار تزیین می‌شدند. ویلاها معمولاً بخشی از زمین زراعی بودند.

نمایه

















دنیای باستان



انسان‌های عصر حجر، مصر باستان، یونان باستان و امپراتوری روم چگونه زندگی می‌کردند؟

تصویری روشن از اقوام، مردم و تمدن‌ها

آموزش‌های عملی گام‌به‌گام برای بازآفرینی مهارت‌ها و حرفه‌های قدیم

بیش از ۸۰۰ عکس، تصویر و نقشهٔ رنگی

مرجعی معتبر برای آموزش موضوعات تاریخی به دانش آموزان









۱۸۰۰۰ تومان

ISBN 978-964-185-065-6

9 789641 850656